مصباح المنجمین
محمد اسماعیل الحسینی شهدی

مصباح المتهجدین
محمد اسماعیل الحسینی مشهدی

غایة میل کلی بارصاد مختلفه

رصد بطلمیوس	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]
رصد محمود خجندی	[illegible]
رصد مراغه	[illegible]
رصد سمرقند	[illegible]
[illegible]	[illegible]

[illegible]

۱۲۹۴

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و ثنای از حد افزون و شکر و سپاس اخلاص مقرون جهان آفرینی را سزاست که بذکر نعمش زبان خاص و عام و بشکر
و ستایش هر کارش نا تمام قدیری که زبان نطق کاملش جواهر افراد نوع انسان را برشته [illegible] زلال و [illegible] نظام گنجینه [illegible]
قدرت بالغه‌اش در بوستان جهان نونهالان ذکور و اناث را به پیوند ازدواج ثمرهٔ قرة العیون اولاد کردانیده و چاشنی لذت از کام
ارزانی والدین [illegible] بنده حکیمی که بستان دل عارفان بمطالع شعاعات [illegible] انوار [illegible] زین فرمود آفتاب [illegible] را
بمطلع [illegible] هدایت از آفاق [illegible] قلوب اصحاب حکمت و ارباب معرفت طالع [illegible] و انوار [illegible] علیه [illegible]
دایره [illegible] ذات [illegible] بغیر [illegible] آفتاب که [illegible] است بر [illegible] الکف [illegible] قدرت اوست و [illegible]
[illegible] میدان [illegible] التعلیم [illegible] نظم فلک [illegible] تقدیر اوست [illegible] تسخیر اوست [illegible] اوست
[illegible] روز [illegible] نکهت [illegible] وصف [illegible] رفعت [illegible] شکر [illegible] منقبت [illegible] که بشرف
خطاب مستطاب لولاک لما خلقت الافلاک شرف [illegible] آنحضرت را بتشریف [illegible] سلطان الا رحمة للعالمین
[illegible] فلک نبوت محیط دایره فتوت مرکز [illegible] معارف [illegible] خط [illegible] علم
[illegible] حقیقت نظم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آفتاب [illegible]
[illegible] محمود صلی الله علیه و آله و اولاده که [illegible] آفتاب [illegible]
وسلم تسلیما کثیرا کثیرا اما بعد [illegible] ارباب فطنت [illegible] اصحاب بصیرت [illegible] است که در [illegible]
[illegible] اوضاع جهان [illegible] [illegible] حکمت [illegible] [illegible]
[illegible] سعادت [illegible] [illegible] [illegible] تعالی الملک من [illegible]

[illegible]

باد [illegible] فرمایه که [illegible] جراحات [illegible] دیدگان [illegible] و خلایق [illegible]
[illegible] را [illegible] عدالت [illegible] نظم [illegible] که در سایه سلطانی [illegible] گشته [illegible] اکرم [illegible]
مصداق این مقال [illegible] حال [illegible] پادشاه والا جاه خورشید کلاه [illegible] بارگاه ستاره سپاه کیوان خیم
[illegible] قسم [illegible] خدم [illegible] برق شمشیرش [illegible] نور ظلم و طغیان [illegible] نطاق ظفر بر میان
[illegible] قوس [illegible] سهم [illegible] ظفر [illegible] [illegible] آفتاب [illegible] آغوش [illegible] شمشیر
[illegible] مؤید [illegible] حضرت السلطان الاعظم والخاقان الاکرم السلطان بن السلطان [illegible]
لازال [illegible] دولته فی سماء [illegible] الدوام [illegible] وشمس عظمته عن افق الافاده [illegible] باد [illegible] که [illegible]
و مهر عالم افروز [illegible] که [illegible] ذات [illegible] اجماع [illegible] جمیل [illegible] ساخت [illegible]
[illegible] و نظام عالم [illegible] اعظم [illegible] دولت و اقبال [illegible] سلطنت و عظمت و اجلال
طالع گردانیده [illegible] سعادت [illegible] خاک [illegible] اطراف و اکناف
جهان [illegible] گردانیده [illegible] ظلم [illegible] تیره [illegible] ظهور سعادت [illegible] چون
بمضمون کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته [illegible] مهم [illegible] حال [illegible] و فراغت احوال [illegible]
[illegible] کار [illegible] آن [illegible] خدم [illegible]
اهتمام [illegible] عدالت [illegible] حال رعایا و برایا [illegible] مردم [illegible]
[illegible] ظلم [illegible] [illegible] انتظام
مهم دولت [illegible] حال [illegible] [illegible] ممالک [illegible]
[illegible] [illegible] چون [illegible] [illegible]
[illegible] جهان [illegible] عادل [illegible] [illegible]
[illegible] حال [illegible] [illegible]
[illegible] آفتاب [illegible]
[illegible] چشم [illegible] گلاب [illegible] زلف [illegible] قرار [illegible]

کرا مجال که کمان فتنه بزه آورد و بغیر از مژگان مطلعتان که را یارا که شمشیر عدوان کشیده واز شجاعت نژادی که تیغ
ابداعش آتش در جان بدخواهان خاک راند افروز درع فلک شگافتش جوی خون در میدان کارزار روان ساخته بعنوان ذرّة
التاج الجلیل خلافت وجهانداری وجوهر صمصام سلطنت وشهریاری شاه ... روشن گهر لازالت ایام
دولته ما دام الاثنین ذو نجما والنیران بدوران حضیضا واوجا رقم خواهد شد این مملکت که هر لحظه چون دل یاران
خراب وخراب کرده لشکر انقلاب واهالی آن پایمال حوادث وزمان بودند در اندک وقتی از وجود منبع فیض
نسایم عدالت وسحاب مکرمتش چنان فرح وآباد دریافت ورنگین گردید در عهد امن وامان قرار گرفته که عموم
الناس فروش ... کرده وآمران عموم روی بر آنجا آورده چون این ذرّه بمقدار ... صفو تقویم وجوه
مختلف ... محمد اسمعیل الحسینی المشهدی در آن اوقات مانند فتنه ... التلاع آفتاب ... مخفی
ودر احتراق وجون ... در محاق ... بود ... خاطر حقیر بود که ... طالع ... مشتمل بر جمیع
قواعد وضوابط اعمال صاحب ید واحکام ... تألیف نماید اما بجهت کثرت موانع ... طالع ساعت
فکرت ... هرچند ... ولعل بتوفیق ... بالامور مرهونة باوقاتها
بعهده توفیق ... در این اوقات که آفتاب عالم ... ظاهر شده والتفات ...
ذات ... بر جمیع ممکنات ... تابیدن ... اين ضعیف گردیده بشرف اندوزی
تقبیل آستان ... مشرف شده ... که وقت آن شده که گل آرزو ...
خیال ... شکفته گردد مقارن این حال فرمان ... صادر شد که کتابی در خصوص طالع ولادت ...
از احوال طوالع افلاک وانظار نجوم ... **نظم** آن ...
راه خانه ... آمده ... تألیف وطالع ولادت ...
با متعلقات صاحب ید واحکام ... زیاده ... بعد از کریم ... الاطلاق توفیق ...
شروع در تألیف نموده وآن را بجامع المنجمین موسوم گردانیده مشتمل بر مقدمه ودو مقاله ... ارباب ...
که هرگاه سهو وخطایی ... ذات ... اصلاح ... اصلاح ...
... علی الله ... **مقدمه**

بمکنه جناب ... هیچ شیء ... نمایند ... خلق نکرده چنانکه فرموده که ما خلقت هذا باطلا پس ...
از ذرات کاینات را فایده ... منفعت ومضرّت ... اجرام علوی ... جمهور ...
بغایت ... اند ... عالم سفلی بسبب ... اجرام عالم علوی است چنانکه ... **نظم**
بسبب ... ... اندیش ...
مختلف ... انظار ... کواکب ...
پس چون ... احوال این عالم وقوف حاصل ... بطریق ... در حقیقت ... از
افلاک وحرکات وانظار کواکب ... در حال ... قوّة وضعف وسعادت ونحوست آن اسباب
بر کیفیت آن حال استدلال نماید ... وقوف بر طالع زمان ولادت ... بکیفیت اوضاع وانظار کواکب در آن وقت
از اهم مهمات باشد که اگر ... قصد ... سعادت ...
بقدر مقدور ... از مقدمات آن اجتناب نماید ... تلک ... نکرده ...
کما قال رسول الله صلی الله علیه وآله الصدقة ترد البلاء وتزید فی العمر ... این علم ...
فایده بزرگ ومنفعت بی‌نهایت ... علم ... بشرف ...
باشد ... عالم ... چنانکه ... حکیم ...
... اللّه ... علی ... من افعال النجوم اذا کان عالما بالطبیعة ...
... **نظم** ...
اصل ... مقدمه ... اوضاع فلکی
واحوال کواکب ... احکام مطابق واقع
جاری شود **مقاله اول** در ... باب **باب اول** در بیان کیفیت ... اوضاع فلکی در وقت زلزله
... **فصل اول** در استخراج طالع ولادت ... از منطقة البروج که در وقت ...
... ساعت ولادت ... دور فلک ...
... آفتاب ... از نصف النهار ...

و در ساعت بعد ظهر که ساعت بعد از زوال باشد و مستقبل که قبل از زوال باشد ضرب کنند و بر بیست و چهار که ساعات شبانه روز است
قسمت نمایند جزو البعد حاصل شود پس جزو البعد را اگر بعد ظهر گرفته باشند بر شمس مقدم بیفزایند و اگر بعد مستقبل عمل کرده باشند
از شمس جزو نقصان کنند تقویم آفتاب در وقت ولادت معلوم شود پس در مطالع البروج عرض بلد مطالع جزو شمس بگیرند اگر ولادت نهاری
باشد و مطالع نظیر جزو را اگر لیلی باشد و با دایر جمع کنند مطالع طالع بلد که قوس است از معدل النهار مابین اعتدال ربیعی و تقاطع او
با افق بلد حاصل شود در مطالع البروج عرض بلد مقوس نمایند طالع معلوم شود و چون در جدول مطالع البروج خط استوا ابتدا از اول جدی
مقوس کنند عاشر معلوم شود و بدانکه بر عالم لازم است که چون خواهد طالع مولودی را زایچه کند که استخراج طالع را با [illegible] کدام زیج نموده
و بلد ولادت را نیز ذکر نماید که اگر دیگری خواهد که در آن طالع عمل نماید داند که در کدام بلد و بکدام زیج باید عمل کند چه لازم است که اعمال طالع
مولودی را افق بلد ولادت کنند هر چند مولود در بلد دیگر باشد بجهت آنکه امکان تولد منحصر است به مکان تولد بنا براین مقدمات خواستیم
که تحقیق درجه طالع ولادت مبارک صاحب القلب نمائیم [illegible] زمان ولادت [illegible] از انوار این سعادت عظمی چنین تقریر نمود
که ستاره گرامی یگانه اوج سعادت و اجلال از صدف درج کرامت و جلال به عالم شهود قدم نهاد به مقدار دو ساعت و چهار دقیقه از غروب
نیر اعظم منقضی شده بود در شب پنجشنبه هفتم موافق بیست و ششم ماه ربیع الاول سنه ۱۲۰۳ در بلده طیبه دار السلطنه طهران صانها
الله تعالی عن حوادث الدوران که طول آن از جزایر خالدات که در قدیم مبدأ معموره بوده از جانب مغرب [illegible]
در [illegible] و حالا در آب غرق شده [illegible] دارد [illegible] مغرب که کمال مبدأ عمارت است [illegible] و طول قوس است از دایره
معدل النهار مابین دایره نصف النهار مبدأ عمارت و نصف النهار موضع ولادت و عرض است از خط استوا در جانب شمال که
عبارت از قوس است از دایره نصف النهار مابین معدل النهار و قطب افق ولادت له مطابق بیست و یکم آذرماه جلالی سنه ۲۱۰
ملکشاهیه موافق بیست و پنجم تشرین الاول رومی سنه ۲۱۰۰ اسکندریه مطابق بیست و دوم فروردین ماه قدیم سنه ۱۱۵۸ یزدجردیه [illegible]
[illegible] ترکی و سال ولادت مبارک سال هفت هزار و یکصد و شانزده سال است از خلقت حضرت آدم ابو البشر علیه السلام
و سال [illegible] و یکصد و پنجاه و هشتم است از طوفان [illegible] که دلیل طوفان است و طوفان بعد از هبوط [illegible] سال
بجهت [illegible] زیج [illegible] و از مبدأ تاریخ غازان چهارصد و هجده سال است و از مبدأ تاریخ جدید [illegible] هندوستانی
[illegible] هفتاد و سه است که در شاه جهان آباد [illegible] تمام رسانیده اند استخراج طالع مبارک مطالع [illegible] زیج جدید
[illegible] ساعت ولادت مبارک [illegible] قفا [illegible] نصف النهار [illegible]

لورنه

بر نه جزو البعد [illegible] شمس ولادت مبارک [illegible] مطالع نظیر جزو شمس ولادت [illegible] که طالع مبارک
[illegible] عاشر [illegible] اگر ساعت [illegible] رصد [illegible] چون این [illegible] بر طالع را معین نماید [illegible] احکام جاری
میزان کرد اما اگر ساعت ولادت تحقیق نباشد و تخمین کرده باشد پس باید او را عرض بر نمودار کرد و نمودار بسیار است چون نمودار بطلمیوس
و هرمس و ابو معشر که مشهور [illegible] نمودار والیس اسکندرانی و نمودار [illegible] و نمودار [illegible] لیکن آنچه مشهور [illegible]
ما در این کتاب ذکر نمائیم و آن چهار است و هر یک را بتفصیل بیان کنیم ان شاء الله تعالی فصل دوم در نمودار حکیم فاضل بطلمیوس قلوذی
[illegible] نمودارات [illegible] ارباب [illegible] نمودار است و آن چنانست که در کلمه سی و ششم از کتاب
ثمره الفلک اشاره بدین کرده و بگوید که المستولی علی مکان الاجتماع فی مثل درجة [illegible] کل مولد کاین فی زمان
الاجتماع من الاشخاص الانسانیة وکذلک الاستقبال حاصل مضمون آنست که مستولی بر جزو اجتماع یا استقبال مقدم
بر ولادت [illegible] طالع هر مولودی از اشخاص انسانی که در آن اجتماع یا استقبال متولد شود و بیان عملش
چنین است که درجه طالع را بتقریب که ممکن باشد معلوم کنند و در آن تقریب [illegible] احتیاط کنند [illegible] اجتماع یا استقبال
مقدم حاصل کنند و در استقبال اگر [illegible] جزو شمس را اعتبار نمایند و اگر [illegible] جزو قمر را و بر آن جزو مستولی [illegible] و مستولی
[illegible] که [illegible] شرف [illegible] در آن [illegible] استقبال
[illegible] اتصال [illegible] کرده اند لیکن [illegible] اتصال [illegible]
[illegible] صاحب شرف را چهار [illegible] اول [illegible]
[illegible] صاحب حظ [illegible] پس تقویم [illegible]
استخراج کنند [illegible] کدام [illegible]
معلوم کنند و حکیم مذکور [illegible] طالع [illegible] نمودار [illegible] مطابق [illegible] اتفاق [illegible] این [illegible]
[illegible] صادق و این نمودار بهترین نمودارات است [illegible] حکیم [illegible] نمودار [illegible]
از [illegible] مطابق آمد [illegible] نمودار [illegible] طالع [illegible] اختلاف [illegible] واقف که [illegible]
[illegible]
باشد [illegible] طالع [illegible] مطابق

نباشد مستعمل بر قمر را در وقت ولادت را بکار دارند و دیگر آنهم مخالف نماید جز آنکه طالع ولادت را اعتبار نمایند که ممکن
نیست که از آن نزدیک بتخمین خواهد بود و الا اقرب را اعتبار نمایند بنابراین مقدمات در طالع مسعود مبارک نظر کردیم چون اجتماعی
بود و مقارنه در شب واقع شده و بود موضع نیرین را اگر قسیم بود جزو اجتماع مقدم بر ولادت [illegible] این جزو [illegible]
[illegible] بود مقدم از شمس بود بزرگ قمر و بعد [illegible] طالع ولادت [illegible] بود تقویم شمس ولادت [illegible] تقویم
طالع ولادت [illegible] تقویم زهره ولادت [illegible] چون در جزو طالع و زهره با طالع تخمین تفاوت فاحش داشت [illegible] شمس
کاقرب بطالع تخمینی بود او را اعتبار کردیم طالع ولادت با سعادت موافق نمودار بطلمیوس [illegible] باشد فصل سیم در نمودار بطلمیوس
[illegible] که مسقط النطفه خوانند و در اکثر روایات او ادریس پیغمبر است و آن حیث [illegible] هرمس گویند چون جناب [illegible]
[illegible] واضع [illegible] را [illegible] و رفعناه مکاناً علیّاً و این را [illegible] نمودارات و [illegible]
نمودارات [illegible] بطلمیوس این نمودار را در [illegible] کتاب ثمرة الفلک بدین عبارت ذکر کرده موضع
القمر فی المولد هو الجزء الطالع من الفلک فی المسقط النطفه و موضع القمر فی المسقط النطفه هو الجزء الطالع
عند الولادة یعنی موضع قمر در وقت ولادت طالع زمان استقرار نطفه است و موضع قمر در وقت سقوط نطفه طالع زمان
ولادت است و هرمس در کتاب [illegible] این مضمون نقل کرده پس چون موضع قمر ولادت معین شود از آن زمان سقوط
نطفه معلوم توان کرد و در آن خلاف بسیار است آنچه مشهور است و اعتماد بر آن بیشتر است که گویند مولود نه ماه را در بطن ام
مکث [illegible] مختلف باشد و مکث اوسط نزد ارباب صناعت مقدار [illegible] که آن [illegible]
قمر در وقت ولادت در نفس طالع باشد مدت مکث [illegible] در رحم مکث اوسط باشد و اگر فوق الارض بود مکث اوسط باشد
[illegible] از موضع [illegible] طالع [illegible] اگر تحت الارض باشد مکث اوسط باشد [illegible] از طالع است [illegible]
[illegible] زیاده و نقصان [illegible] و طریق عملش آنست که تقویم قمر را در وقت ولادت استخراج نمایند اگر [illegible]
طالع تخمین باشد طالع تخمین موافق این نمودار درست باشد و احتیاج [illegible] نباشد و الا اگر فوق الارض بود بعد
[illegible] از قمر [illegible] طالع تخمین و اگر تحت الارض بود از طالع [illegible] قمر [illegible] مقرر کنند [illegible] ساعات
[illegible] حاصل شود پس آنرا بر مکث اوسط افزایند اگر قمر تحت الارض بود و بکاهند اگر فوق الارض بود [illegible] مکث [illegible]
[illegible] معلوم شود پس مکث معدل را از تاریخ ولادت نقصان کنند [illegible] تکوین نطفه در بطن ام معین شود پس در آن وقت ملاحظه کنند

اگر قمر ولادت در شب طالع کند [illegible] قمر روز تقویم شمس را در نصف النهار [illegible] روز استخراج کنند و الا در نصف النهار روز پیشتر
پس مطالع شمس بفلک مستقیم را از مطالع قمر ولادت [illegible] نقصان نمایند [illegible] از نصف النهار که تقویم شمس با بر [illegible]
شود [illegible] ساعت معلوم کنند [illegible] تقویم قمر را معلوم نمایند [illegible] قمر سقوط نطفه باشد پس اگر بطالع تخمین نزدیک [illegible] طالع ولادت
بحسب این نمودار همان باشد و الا دیگر روز پیشتر یا پستر همین عمل کنند [illegible] تقویم قمر برای این [illegible] نزدیک بطالع تخمین حاصل شود و آن
طالع ولادت باشد و اگر [illegible] کنند چنانکه مطالع شمس روز مقدم را بر ولادت بفلک مستقیم از مطالع قمر مسقط [illegible] حاصل
شده نقصان نمایند [illegible] معلوم شود [illegible] تقویم قمر را در وقت ولادت دیگر بار [illegible] نمایند و طالع زمان
سقوط نطفه گیرند و [illegible] این طالع [illegible] موضع قمر را در زمان سقوط نطفه استخراج کنند [illegible] طالع موافق
آنچه او را واضع بود مخالف [illegible] این نمودار تحقیق [illegible] و [illegible] نمودار دیگر است [illegible] معلوم [illegible] را
[illegible] و [illegible] تحقیق گویند که برای این نمودار چندان اعتماد نیست [illegible] بنابراین نمودار بیان است که مکث مولود در حدود
نه ماه باشد و این درست نیست زیرا که مکث از نصف ماه [illegible] شده و قاعده این نمودار [illegible] جاری نیست
و دیگر [illegible] بنا [illegible] بر تخمین [illegible] است [illegible] که هرگاه قمر سقوط نطفه با طالع تخمین تفاوت فاحش کند یک روز پیشتر
همین عمل کنند [illegible] نزدیک بطالع تخمین حاصل شود و این از مراتب نیک دور است زیرا که تقویم قمر را [illegible] خوب [illegible]
قاعده [illegible] خطاست و [illegible] تحقیق این نمودار [illegible] حقیقت آنست که [illegible] مکث [illegible] اوسطات [illegible]
[illegible] اوقات مختلف باشد پس ممکن است که مکث [illegible] اوسط [illegible] باشد و [illegible] دیگر باشد
[illegible] بیشتر [illegible] گویند دیگر [illegible] بیشتر [illegible] همین عمل کنند بنابران است و موافق [illegible] چنانکه [illegible] کمان کرده اند و دیگر [illegible]
بنا براین نمودار بر مکث اوسط [illegible] مکث اقل و اکثر هم [illegible] اما چون غالب میلادات در حدود نه ماه واقع [illegible]
مکث اوسط را اصل نموده اند و از اقل و اکثر [illegible] شده اند چنانکه هرمس در کتاب [illegible] این معنی کرده [illegible] که هرگاه
عمل مکث اوسط با طالع تخمین [illegible] در [illegible] تفاوت کند بر مکث اقل و اکثر [illegible] همین عمل کنند [illegible] تقویم قمر سقوط نطفه حاصل شود
پس هر یک که بطالع تخمین قریب تر بود طالع نمودار همان باشد و [illegible] را [illegible] احتیاج [illegible] مکث [illegible]
و [illegible] مکث را قبل از عمل این نمودار معین توان کرد [illegible] و آن چنان است که تقویم قمر را یک [illegible] قبل از ولادت [illegible]
[illegible] بعد از ولادت معین کنند [illegible] تقویم قمر حاصل شود پس [illegible] کنند اگر قمر [illegible] مقابل [illegible] قمر ولادت باشد [illegible]

بتثلیث و دیگر سیارات فقط نگاه در صد و نه ماه باشد بلکه اوسط که ر ح ه ده است عمل نمایند و اگر قمر بن بتربیع قمر ولادت باشند
باشند پس با هر دو سیارات فقط باشند نگاه در صد و ده ماه باشد بلکه اکثر که شی ده ره است عمل نمایند و اگر هر دو بمقابله قمر ولادت
باشند یکی بمقابله و دیگری بتثلیث یا قمر با غیر به تربیع و مستقبل بمقابله نگاه در صد و هشت ماه باشد بلکه اقل [illegible] است
عمل نمایند و مکرر در موالید دیگر از خارج نگاه است نه معین بود عمل کردیم مطابق آمد و عند الله حقایق الاشیاء پس در طالع اولاد
با سعادت [illegible] الالقاب خواستیم که این نمودار را عمل کنیم ابتدا موضع قمر نطفه را معین کردیم از جهت تعیین مدت نگاه قمر [illegible] قمر مستقبل
و [illegible] قمر ولادت [illegible] چون قرین هر دو بتثلیث قمر ولادت بودند معلوم شد که نگاه در صد و نه ماه باشد پس نگاه اوسط باید
عمل کرد و طالع تحقیق [illegible] قمر ولادت [illegible] و کلا [illegible] بر سیر وسط قمر قسمت کردیم [illegible] حاصل شد [illegible] چون از قرنگاه
[illegible] بود بر نگاه اوسط که [illegible] بود از تقویم حاصل شد نگاه در بطن مطهره [illegible] که دویست و هشتاد و دو روز و شش ساعت
و چهل و [illegible] دقیقه باشد بعین قدر از زمان ولادت [illegible] شهر [illegible] بیست و پنجم شهر جمادی الاول سنه ۱۲۰۲ [illegible] ساعت از شب
گذشته چون قمر ولادت [illegible] روز اول روز طالع مرکز تقویم شمس را در نصف النهار روز [illegible] برابر [illegible] ماه [illegible] مطالع [illegible] بالقمر
[illegible] مطالع قمر ولادت [illegible] تفاوت بین المطالعین [illegible] این را بر [illegible] است [illegible] ساعت [illegible] قسمت کردیم [illegible]
حاصل شد بین ساعت تقویم قمر را استخراج کردیم [illegible] بود این قمر سقوط نطفه است که بحسب این نمودار موافق در طالع ولادت است
پس خواستیم که عمل دقیق تر باشد شمس مقدم بر ولادت را گرفتیم [illegible] مطالع او [illegible] مطالع قمر سقوط [illegible] تفاوت
[illegible] برج [illegible] قسمت کردیم ساعت [illegible] بین ساعت تقویم قمر را در وقت ولادت استخراج کردیم [illegible]
این طالع زمان سقوط نطفه است و بحسب این طالع و ساعات دیگر باره عمل قمر سقوط نطفه را بکار آوردیم مطالع شمس [illegible]
الاول [illegible] بودیم [illegible] مطالع قمر ولادت [illegible] جمله [illegible] ساعت [illegible]
بین ساعت قمر سقوط نطفه دیگر باره استخراج کردیم [illegible] چون بهر دو طریق که عمل کردیم قمر سقوط نطفه موافق آمد [illegible] طالع تحقیق
کنز [illegible] اختلاف [illegible] بر او اعتماد کردیم و این طالع ولادت باشد بحسب این نمودار والله اعلم بالصواب **فصل چهارم**
در نمودار زرتشت حکیم که او را گبران پیغمبر دانسته [illegible] کتاب است در شریعت گبران تألیف اوست و گبرینه که او
[illegible] کتاب پادشاه ایران بود چون او [illegible] پیغمبر گردید کتاب از [illegible] طلب کرد زرتشت [illegible] و بر [illegible]
[illegible] نوشته [illegible] و جمیع [illegible] بود [illegible] در علم احکام [illegible]

او از کار بوده [illegible] نمودار او [illegible] قریب است و حاصل آنست که طالع [illegible] تقویم که ممکن باشد [illegible] هیلاج و کدخدا
معلوم کنند [illegible] حوادث عظام که برو [illegible] خیر و شر [illegible] کنند که از طبیعت کدام سعد و نحس [illegible] بعد از ثوابت و سیاره [illegible]
وقت با [illegible] که [illegible] هیلاج یا کدخدا [illegible] کوکب رسیده باشد اگر آن سعادت [illegible] باشد [illegible]
[illegible] اگر آن سعادت و دولت [illegible] چون [illegible] کوکب [illegible] موضع آن کوکب را در وقت ولادت [illegible] که [illegible]
ولادت و آن حادثه باشد [illegible] از تاریخ وقت حادثه هر سال [illegible] مطالع بر خلاف [illegible] معلوم شود که آن [illegible] با هیلاج در وقت
در [illegible] و در [illegible] بعد بر آن اعتماد کنند و طالع ولادت را [illegible] تعیین نمایند و عمل این نمودار بعد از [illegible] معتبر
[illegible] اگر [illegible] کنند [illegible] طالع [illegible] مطالع این نمودار [illegible] خواهد شد **فصل پنجم** در معرفت
نمودار [illegible] مصر [illegible] حضرت یوسف [illegible] علیه السلام [illegible] حضرت ابراهیم [illegible] این نمودار
[illegible] الله [illegible] این حکیم [illegible] که [illegible] در طالع [illegible] این نمودار بطلیموس [illegible] نمودار هرمس است پس تفاوت
میان [illegible] چون [illegible] کنند و حاصل [illegible] اول [illegible] در طالع تحقیق [illegible] چنین کرده
[illegible] که در علم طبیعی [illegible] است که [illegible] جزو معتدل [illegible] جزو غیر معتدل [illegible] جزو غیر معتدل [illegible]
پس [illegible] این خطا [illegible] است [illegible] این [illegible] معتدل [illegible] از نمودارین [illegible]
و غیر معتدل [illegible] حاشا از آن بزرگ که [illegible] از این لفظ این [illegible] باشد [illegible] این کلام را [illegible] حقیقت
نمودار [illegible] سقط [illegible] جزو معتدل موضع قمر اول که قمر ولادت است [illegible] که موضع قمر سقوط نطفه است که موافق
مطلوب نباشد و جزو معتدل موضع قمر [illegible] است که موافق [illegible] اتفاق [illegible] و نمودار [illegible] موضع [illegible]
که ما بیان کردیم و [illegible] این نمودار آنست که [illegible] چون [illegible] دلیل قاطع [illegible] بر تعیین [illegible] طالع
پس چون [illegible] مطابق شهادت دهند [illegible] طالع [illegible] تحقیق شود [illegible] مخالف باشند هم معلوم است که مطلوب قبل از
[illegible] بعد از [illegible] پس [illegible] دلیل [illegible] شهادت دهند [illegible] ضرورت که در [illegible] باشد بنا بر این [illegible]
[illegible] طالع [illegible] نمائیم طالع نمودار بطلیموس [illegible] نمودار هرمس [illegible] تفاوت [illegible]
کردیم [illegible] بر [illegible] تقویم حاصل شد [illegible] طالع تحقیق نمودار [illegible] مطالع [illegible]
مطالع البروج فلک مستقیم [illegible] کردیم حاصل شد [illegible] این طالع [illegible] استخراج

ساعت تحقیق ولادت با سعادت مطالع طالع تخمین ... مطالع طالع تحقیق ... تفاوت بین المطالعین ...
بر برج سدس دور فلک قسمت کردیم ... این را از ساعت ولادت تخمینی کاستیم چون طالع محقق کرده بود حاصل شد
ساعت تحقیق ولادت مقرون السعادة ... پس بدین ساعت تقویم کواکب را مقوم کنند چنانکه در نقشه ولادت عمل کردیم
شمس ولادت ... قمر ولادت ... زهره ولادت ... مشتری ولادت ... مریخ ولادت ... زحل ولادت
... عطارد ولادت ... راس ولادت ... ذنب ولادت ... والله اعلم **فصل ششم** در تسویة البیوت و در آن
چندین طریقه است معتمد و مشهور آنست که سدس قوس النهار در جزء طالع را بر مطالع طالع بلد بیفزایند مطالع بیت دوم حاصل شود
و همان را بر مطالع بیت دوم افزایند مطالع بیت سوم باشد و سدس دور بر مطالع ... بیفزایند افزاینده مطالع ... حاصل شود
و چون ثلث دور بر مطالع عاشر افزایند مطالع بیت سیوم معلوم شود و چون این مطالع را در جدول مطالع البروج فلک مستقیم
ابتدا از اول جدی معکوس کنند مرکز این بیوت معلوم شود و مرکز پنجم و ششم مقابل یازدهم و دوازدهم باشد و مرکز هشتم
و نهم نظیر دوم و سیوم باشد و ... نظیر طالع و رابع نظیر عاشر باشد بنا بر این مطالع طالع بلد ... مطالع طالع ...
... تفاوت بین المطالعین ... این سدس قوس النهار بر مطالع بلد افزودیم مطالع عاشر
... بر عاشر افزودیم مطالع یازدهم ... سدس دور بر مطالع یازدهم افزودیم مطالع ... ثلث
دور بر مطالع عاشر افزودیم مطالع ... در جدول مطالع البروج بالقهقری این مطالع را معکوس کردیم حاصل شد
مرکز یازدهم ... مرکز دوازدهم ... مرکز ... **فصل هفتم** در معرفت سهام
مستعمله در موالید چون دلالت کواکب بر حالات و حوادث مولود بر سبیل عموم است و بعضی از آن حالات نیز مشترک است
میان دو کوکب و بیشتر و از یک کوکب مخصوصا فهمیده نمی‌شود حکما ... سهام را وضع نموده اند که ...
دال بر اشتراک بر آن امر معین معلوم شود و موافق موضع آن سهم از سعادت و نحوست بر آن حال استدلال کنند چنانکه سهم
اگر در جای نیک بود حکم بر نیکی مدلول آن سهم نمایند و اگر در جای بد بود حکم بر بدی آن کنند ... این ...
بطلمیوس حکیم در خصوص سهم السعادة در ... ثمرة الفلک گوید اذا کان النیرین فی دقیقة واحدة وکان
سعد فی جزء الطالع فان السعادة فی ذات الید وکذلک اذا کان القمر فی دقیقة الاستقبال
والسعد فی درجة الطالع ویکون الامر بالضد اذا کان النحس فی موضع السعد چون سهم السعادة را

از موضع شمس

از موضع شمس گیرند تا قمر در روز و در شب بالعکس و بر درجه طالع افزایند پس هرگاه نیرین مقارن باشند معلوم است که سهم
در حقیقت طالع خواهد بود و اگر مقابل باشند در حقیقت سابع و در صورت اول هرگاه سعدی در طالع بود مقارن سهم السعادة
خواهد بود و در صورت دوم سعد در سابع همچنان و آن مقارنت اقتضا کند که مولود را مال و دولت وافر باشد و سعادت
جاه بسیار باو عاید شود بجهت آنکه سهم السعادة دلیل مال و جاه است و اگر نحس در موضع سعد باشد حکم بالعکس خواهد بود یعنی فقر
مال و نقصان جاه است حاصل معنی کلام حکیم و مقدم بر همه سهام است سهم السعادة پس سهم الغیب آنگه باقی
سهام چنانکه نوشته حکیم در کتاب سر الافلاک گفته سهم السعادة یدل علی ما یدل علیه النیرین
خاصة علی النفس وسعادتها وعلی الغناء والفقر وارتفاع المولود والعز والرفعة والسعادة
علی حسب موضعه وهذا السهم مقدم علی جمیع السهام کتقدم الشمس علی باقی الکواکب
وهو اشرف السهام واکثرها استعمالا وبعده سهم الغیب ثم الباقی و در طریق استخراج سهام اگرچه
طریق لطیف باشد احتیاج به بیان نیست بجهت آنکه در اکثر و علما معلوم است که هر مزاج و صفت دال بود و آن منسوب
بکدام کوکب است بالانفراد یا بالاشتراک از کواکب و بیوت چنانکه سهم السعادة را مثلا که دلیل مال و جاه است
از نیرین گیرند چه مال منسوب است بقمر و جاه و عزت منسوب بشمس و سهم الاعداء را مثلا از صاحب دوازدهم گیرند تا مرکز
دوازدهم چه دلیل اعدا از کواکب صاحب دوازدهم است و از بیت مرکز دوازدهم و همچنین سهام دیگر مثل آنکه در ...
سهم نرگس را مثلا از زهره و مشتری گیرند چه دلیل مطلق ... زهره است و بجهت اعتدال مزاج منسوب است بمشتری لیکن
چون طبع از فکر و منفعت ... زینت و شهوت ... را غالب ... بجهت استخراج سهام متعلقه بمیلاد ... جدول
ترتیب کرده در این کتاب ... که از آنجا کیفیت استخراج سهام بتمامه معلوم شود و سهام این طالع خجسته
مطالع را نیز ... در جدول ذکر کردیم بجهت طالع ... که منظور و مقصود است در اینجا ...
در آنجا طالع فرزند مطالع ولادت مبارک با متعلقات او اینست که ثبت شده والله اعلم

کواکب	مواضع	عرضها	اوج	جوزهر	بیوت	شرف	مثلثات	حدود	وجوه	منزل	شرکاء مستولی
شمس	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قمر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
زحل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مشتری	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مریخ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
زهره	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عطارد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
رأس	[illegible]				[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ذنب	[illegible]				[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	

جدول معرفت استخراج سهام مستولی و مطالع ارباب حظوظ و مستولی و شرکاء مستولی بر سهام مذکوره در طالع مولود مبارک

اسماء سهام	من	الی	یلقی	الطالع	برج	درجه	ارباب	مثلثات	حدود	وجوه	مستولی
سهم الملک	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم الخصومات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم السلطان بوجه آخر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم الحیوة والقوة والولد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم السلطان بوجه آخر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم الشهرة والجاه والقطع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم النصرة والظفر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم الموت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم الحبس المقلقة	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم الاثاث	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم القاطع الثانی و رب الاب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم رب الولد وعدده	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم الام والولد الاناث	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم الزیج والمهندس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم العبید والاصدقاء	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم السعادة	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم الملک وقاطع الاثاث	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم المکر والحیلة	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم الشرف والاب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	[illegible]	[illegible]



تتمه جدول معرفت استخراج سهام مستعمل در موالید را به خطوط مجدولات و شرکات آنها جهت درجه مذکوره در طالع مولود مبارک

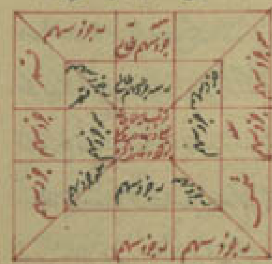
اسماء سهام	من	الی	یطرح	[illegible]	درج	[illegible]	[illegible]	الوزن	[illegible]	ابجد	[illegible]
سهم الاعداء للعقدة	ل	ط									
سهم الشرف	برج وزیه	شرف او		ی	ه ا ه	ب	ب	د ه ب	ب	ـه	ه ل ب ه
سهم التزویج للرجال	ـه	ه		لف	د ٤ ه	ه	ل	ب ل ب	ل	ب	ـه
سهم النطق والعقل	ب	ط		ی	د ب لا	ه	ل	ب ل ب	ل	ب	ـه
سهم الاعداء للقدس	ب ١٢	درجه ١٢		لف	د ل ا	ه	ل	ب ل ب	ب	ل	ـه
سهم الغنائم والعقار	ل	ب		ی	ب ٤ ٦	ط		ب ه ط	ط	ط	ب ه
سهم الامراض للعقدة	ـه	ط		ی	ب ٦ ا	ط		ب ه ط	ل	ه	ب ل ه
سهم القاطع الاول	ل	ط		ی	ط ه ه	ـه		ب ـه ل	ه	ب	ب ل سه
سهم ... الکواکب	ل	جزو م		لف	ب ٤ ب	ل		ب ل ب	ب	ه	ب ب ه
سهم الغیب	ب	ـه		لف	ب ـه	ل		ب ل ب	ب	ب	ب
سهم العدو الاخر	[illegible]	ل		لف	ب ب	ل		ب ل ب	ب	ب	ب
سهم السلطان	ب ...	درجه ...		ی	لا ک	ل		ب ل ب	ل	ب	ب
سهم الذهاب والرجوع	ـه	درجه ...		لف	٤ ا ب	ـه	ه	ب ه ط ط	ه	ل	ط ل ه ـه
سهم الابن والزوج	ل	ه		لف	٥ ب ا	ـه	ه	ب ه ط ط	ه	ل	ط ل ه ـه
سهم السفر فی البر	ب ٩	درجه ٩		لف	٠ ب ا	ـه	ه	ب ه ط ب	ب	ـه	ط ب ه ـه
سهم ... والحرارة	ط	م العاشر		ی	لا ا ا	ـه	ه	ب ه ط ب	ب	ـه	ط ب ه ـه
سهم الولد الذکر	ب	ـه		لف	لا ک ا	ـه	ه	ب ه ط ط	ط	ط	ط ب ه ـه
				ی	٥ ٦ ا	ـه	ه	ب ه ط ط	ط	ط	ط ب ه ـه

باب دوم در معرفت عمر مولود مشتمل بر شش فصل فصل اول در تحقیق کیفیت عمر بدان ایدک الله تعالی که جمیع اطبه
بنشکه کیفیت عمر را غیر از جناب باری عز اسمه احدی را معلوم نیست نهایت چون بزرگان این صنعت شریف بالهام
و تجربه امور را بنا کرده‌اند و بیان در حضور کیفیت عمر کلی گفته‌اند پس عامل این صنعت را لازم است که بعد از تحقیق
درجه طالع و متعلقات او پیش از آنکه شروع در اعمال دیگر کند مراقب قواعد عمر این فن منوط بر شده کیفیت عمر را
ملحوظ نماید که چه قدر است تا اگر مولود را عمر باشد متوجه اعمال دیگر شود والا ترک نماید و تاریخ او ضبط نشود بدانکه
اول کسی که در کیفیت عمر سخن گفت هرمس بود که به او بالهام ربانی معلوم شده بود بعد از او بطلمیوس گرفته است
و بعد از آن بزرگان دیگر و ایشان را در تحقیق کیفیت عمر دو طریق است یکی استخراج هیلاج و کدخدا و عطیات
دیگری بطریق تسییرات و هر دو طریق را بیان کنیم ان شاء الله تعالی اما طریق اول آن است که حکما و اهل نجوم گفته‌اند

یکی را

یکی را که عبارت از برجی است بعضی بنام هیلاج خوانند و ثانی که عبارت از کوکبی است در لغت یونان کدخدا گویند و حکما گویند
که چنانچه جسم طبیعی بدون روح موجود نتواند شد همچنین وجود شخص بدون هیلاج و کدخدا صورت نبندد
و هیلاج دلیل روح است و کیفیت عمر و کدخدا دلیل تن است و کمیت عمر و بعضی بر عکس گویند و اصح اول است و در مقدار عمر
خلاف بسیار است بعضی گویند که عمر مراتب باشد مانند عمر بزرگ و وسط و صغیر و بعضی گویند عطیه هر کوکب است و در آن نیز
١٣٠ خلاف است چنانچه بعضی گویند که اگر آفتاب در طالع مولود هیلاج باشد و خود نیز کدخدا بود عمر مولود عطیه کبری شمس که صد و
بیست سال است رسد و اگر در این حال سعود از او ناظر باشند و نحوس ساقط هر یک عطیه صغری خود زیادت کنند چنانکه
١٨٥ قمر بیست و پنج ٢٥ سال از آن بدهد و مشتری دوازده ١٢ سال و زهره هشت ٨ سال و عطارد بیست ٢٠ سال پس در این صورت عمر مولود صد و هشتاد و
پنج سال رسد و ابو معشر که یکی از اجله حکما است در کتاب عمر آورده که اگر در وقت قران اوسط مولودی اتفاق افتد و طالع یکی از خانه‌ها
مشتری باشد و در مولود نهاری شمس و در لیلی قمر هیلاج و خود نیز کدخدا باشد و سعود از او و هیلاج ناظر باشند و نحوس ساقط عمر مولود
به سال قران وسطی که دویست و چهل و هشت ٢٤٨ سال باشد تقریبا رسد و اگر این اتفاق در سال قران کبری افتد به مدت قران اکبر
عمر یابد که نهصد و شصت ٩٦٠ سال است تقریبا و عمر نوح پیغمبر آنقدر بود که در وقت قران کبری اتفاق افتاده بود و جمهور حکما
بر آنند که عمر مولود از عطیه کبری شمس که عبارت از یکصد و بیست سال است در نگذرد و این مقدار هم وقتی بود که آفتاب خود هیلاج و
کدخدا باشد سالم از نحوس و از آن بعید از اوتاد و در اوائل ... قول جمهور است والله اعلم فصل دوم در معرفت هیلاج
٢ بدانکه ... از پنج اصل یاد کرده‌اند و آنها را هیلاج خوانند اول ١ نیر اعظم است که سرچشمه قوت حیوانی و مایه زندگانی است دوم
نیر اصغر است که سرچشمه قوت طبیعی و مایه ارکان ... است چنانکه استاد الکل فی الکل بطلمیوس حکیم در کلام هشتاد و ششم ٨٦ گفته که
ثمرة الفلک یعنی الشمس ینبوع القوة الحیوانیة والقمر ینبوع القوة الطبیعیة و ثالث و رابع نتایج هر دو که جزو اجتماع مقدم
و سهم السعادة و خامس درجه طالع که مانند روح است در بدن پس چون طالع دانسته و معین کرده باشند هرمس و بطلمیوس
گویند که در طالع روز نخست شمس نگرند اگر در طالع و عاشر ١٠ و یازدهم ١١ و هفتم ٧ و نهم ٩ باشد هیلاج بود والا پس نگرند اگر در یکی
از این پنج خانه نبود یا در سیم ٣ و چهارم ٢ و پنجم ٥ هیلاج بود والا پس نگرند در طالع اجتماع اگر نخست جزو اجتماع مقدم پس سهم السعادة
و در طالع استقبال وقت سهم السعادة پس جزو استقبال اگر در وتد و مایل وتد باشند هیلاج والا پس هیلاج جهت بعدها
نیز تعیین ... درجه طالع تحقیق کرده مراد ... همیشه هیلاج است و در طالع لیلی قمر را یکی شمس گیرند و این نظم

ودر غیب در او نگاه دارند و متقدمان بر آنند که در طالع روزی شمس چون آفتاب در برج مذکر و برج مذکر باشد هیلاج باشد
الا در ششم و دوازدهم و قمر در برج مؤنث و برج مؤنث هیلاج باشد و آفتاب روز در نهم شاید اگر برج مذکر باشد که فرح
اوست و قمر در سیم در روز شاید اگر برج مؤنث بود که فرح اوست اما قول فرفوریوس آنست که آفتاب در هفتم هیلاج
نشاید اگر برج مؤنث بود و در هشتم شاید اگر برج مذکر باشد و افاضل مختلف در این باب بسیار است مشهور همین است
که ذکر کردیم لیکن اصح آنست که در طالع نهاری اگر شمس در اوتاد و مایل اوتاد باشد در برج مذکر هیلاج باشد و در نهم شاید
اگر برج مذکر بود والا نظر کنند بقمر اگر در اوتاد و مایل اوتاد باشد در برج مؤنث یا برج مؤنث هیلاج باشد و اگر او نیز در این مواضع نباشد
بنتیجه نظر کنند و در طالع اجتماعی جزو اجتماع مقدم دارند و در استقبالی بعکس اگر در اوتاد و مایل اوتاد باشند هیلاج بود والا ملاحظه
درجه طالع را نمایند اگر او را مستولی باشد و از احتراق دور هیلاج باشد والا کوکبی که از این پنج اصل صلاحیت هیلاجی [illegible]
[illegible] بود و در طالع لیلی قمر را مقدم دارند بر شمس بهمین نظم و ترتیب در برج مذکر از عاشر تا طالع است و نظر او در برج مؤنث
از طالع تا رابع است و نظر او [illegible] هیلاج از دو وجه باشد یکی بر آن جانکه گفتیم و دیگر که کدخدا [illegible] اگر هیلاج
[illegible] صلاحیت باشد چون او را کدخدا [illegible] کدخدا [illegible] باشد لیکن
محترق باشد [illegible] که کدخدا [illegible] و حقیقت آنست که هیلاج و کدخدا [illegible]
در صورت طالع ولادت همچنانکه در طالع [illegible] مدار احکام بر جنس است و اگر جنس نباشد در آن طالع حکم نتوان کرد همچنان مدار
مدار احکام کیفیت عمر هم در طالع مولود بر هیلاج و کدخداست و اگر مولود را این دو نباشد حکم به بقای مولود نتوان کرد
و چون در صلاحیت کدخدا [illegible] خلاف بسیار بود [illegible] اختلاف اقوال را جمع کرده آنچه مشهور و معتمد اصحاب
اقرب بود در این جدول نگاشتیم و ترتیب [illegible]



[illegible] در این جدول [illegible] راجع ترین مراعات و ترتیب
اجتماع و استقبال را در جزو سهم نگاه دارند و در این فن در کتب زایچه بسیار کشیده اند
لیکن این مختصر تر و اصواب اقرب است و گمان نیست که در این فن بکتاب دیگر
حاجت باشد زایچه ای که ثبت شده والله اعلم **تبیین** هیلاج در طالع
مسعود چون ولادت مبارک در شب اتفاق افتاده بود گفت [illegible] اگر قمر بود

ملاحظه کردیم چون در پنجم بود صلاحیت هیلاجیت نداشت او را اعتبار نکردیم پس شمس را نظر کردیم در دوم و برج مؤنث صلاحیت
نداشت او را نیز اعتبار نکردیم و چون میلاد مقترن بود با اجتماع بود نظر کردیم بجزو اجتماع مقدم چون در دوم بود هیلاج
پس سهم السعادات را ملاحظه کردیم در عاشر بود صلاحیت داشت او را نیز هیلاج گرفتیم پس درجه طالع را چون بالطبع هیلاج است و
صلاحیت و عدم صلاحیت او [illegible] که ضد است ملاحظه کردیم چون او را که کدخدا بود و از احتراق در جهت او هیلاج گرفتیم پس
در این طالع [illegible] طالع سه هیلاج اعتبار شد اول جزو اجتماع مقدم دوم سهم السعادات سیم درجه طالع و گاه باشد که در صورت
طالع برج اصل هیلاج باشد یک موضع و کدخدا پس حکم بر آن نهند که از همه قوی تر باشد هم بموضع و کدخدا و در رتبه مقدم باشد
و دیگران را شریک او دارند و کثرت هیلاج دلیل قوة حیوة بود و سلامتی مزاج و صحت بدن و خوشی زندگانی والله اعلم
فصل سیم در معرفت کدخدا چون هیلاج معین شود نظر کنند که کدام هیلاج که ستاره کدام کوکب است از آن پنج مرا قرکه
[illegible] در فصل [illegible] ذکر کردیم با اتصال نظر یا اتصال طبیعی چون چنان که گفته شود او را که کدخدا خوانند و کیفیت عمر را
از او دانند و دلایل نمایند و اگر بر موضع هیلاج هیچ کوکب ستاره نبود آن مولود را عمر نباشد و آنچه باشد منقطع و ضعیف و تعب کشد و دایم
[illegible] و علیل باشد و اگر هیلاج در خانه نحس بود او را اثر بود که کدخدا نبود دیگران و اگر در شرف بود و صاحب [illegible] هم چون کدخدا
بود و اگر کدخدا محترق یا راجع باشد که کدخدا نداشت [illegible] هیلاج گفتیم گاه باشد که در صورت طالع بر برج اصل چنانکه کدخدا باشد
پس در این صورت حکم بر آن نهند که از همه قوی تر بود و کدخدا بود بر موضع هیلاج که در رتبه مقدم باشد بر دیگران و باقی شریک او دارند
و کثرت کدخدا دلیل است بر طول عمر و تن درستی و ترتیب [illegible] و سلامتی از مهالک و کثرت معیشت والعلم عند الله تعالی **تبیین** که کدخدا
در طالع مسعود مبارک بر موضع هیلاج اول که جزو اجتماع مقدم بود مستولی علیه بیت مشتری مثلثه مشتری شمس حد زهره مشتری وجه عطارد
مستولی شمس بود به صاحب مثلثه [illegible] و در آن خانه بود و بر سهم السعادات هیلاج [illegible] که بیت شمس مثلثه مشتری و شمس حد زحل وجه مشتری
مستولی علیه مشتری و شمس گاه شیم که صاحب بیت و مثلثه [illegible] ناظر بود بر حقیقت بود و زحل که صاحب حد بود و مثلثه نداشت بود و بر درجه طالع
هیلاج [illegible] که بیت مریخ و مثلثه مریخ و زهره و قمر و حد عطارد و وجه شمس بود مستولی علیه عطارد که صاحب حد بود و در آن خانه بود
شیم و زهره که صاحب مثلثه نداشت بود و در آن جا یافتیم و قمر که صاحب مثلثه نداشت بود پس در این صورت [illegible] که کدخدا یافتیم لیکن [illegible]
قوة شمس و زحل [illegible] آن بود که از آن است که کدخدا دیگر که عطارد و زهره و قمر باشد قطع نظر کنیم [illegible] ضعف حال [illegible] پس که کدخدا [illegible] باشد
اول شمس دوم زحل [illegible] احکام عمر به شمس است که او قوی تر از زحل است **فصل چهارم** در عطای کواکب [illegible]

عظمی و کبری و کل و صغری عطیه عظمی را در قرانات عظمی و جمل بکار دارند به عمر اصحاب ادوار است که بمقدار عطیه عظمی رسیده
ابتدا دادند موالید و در مقدار عطیه عظمی بر کواکب خلاف است میان منجمان و مشهور آن است که عطیه کبری و بزرگترین مقدار شمس و در
فلک است که صد و بیست ۱۲۰ سال باشد لکن در قمر صد و هشت ۱۰۸ سال است چون بقدر حد القمر درجه محاق است این مقدار از ثمن
دو کم میکنند و عطیه صغری در شمس نوزده در جات شرف است که نوزده ۱۹ سال باشد و در قمر بقدر مدت بین الاجتماعین است
در یکجزو و بیست و پنج ۲۵ سال است یکجا گفته ماه در هر فرد که مقدار آن شوند شمس تا در عود کند بهمان جزو و مقدار آن شود
باو مرتبه دیگر مدت بیست و پنج ۲۵ سال حاصل شود و در عطیه وسطی بین خلاف است بعضی گویند که عطیه وسطی مجموع ربع عطیه کبری و نصف
عطیه صغری است و آن در شمس و قمر و در مریخ سی و نه ۳۹ سال و نیم است و بعضی گویند مجموع نصف صغری و نصف کبری است و آن در آفتاب
شصت و نه ۶۹ سال و نیم است و ده ماه شصت و شش ۶۶ سال و نیم است و اول بقیاس نزدیکتر است و اما در خمسه متحیره عطیه کبری ایشان
بقدر درجات حدود ایشان از بروج در حدود مصری از برای هر یکی مدتی یا عطیه صغری ایشان بقدر مدت بین الاقترانین است و در یک
جزو چنانکه در قمر گفتیم و عطیه وسطی بقدر مجموع نصف کبری و نصف صغری باشد بخلاف عطیه صغری چه در تین بقدر درجات شرف
ایشان باشد و عطیه کبری ایشان در کتب ضابطه است و اما عطیات کواکب را بنا بر قول اول در جدول نمودیم تا طالبان را آسان گردد

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
شمس	۱۴۱۶	قلت	سط ل	ل
قمر	۵۲۱	قح	سو ل	که
زحل	۲۶۵	نه	ه ل	ل
مشتری	۴۲۷	عط	ع ل	ع
مریخ	۲۸۴	سو	م ل	ه
زهره	۱۱۵۱	ف	ه	ح
عطارد	۴۳۰	عو	ك	يو
جوزهر	۱۴۲	۴	۳	۰

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۹	۱۹	[illegible]	[illegible]
۲۵	۲۵	[illegible]	[illegible]
۳۰	۳۰	[illegible]	[illegible]
۱۲	۱۲	[illegible]	[illegible]
۱۵	۱۵	[illegible]	[illegible]
۸	۸	[illegible]	[illegible]
۲۰	۲۰	[illegible]	[illegible]
۲	۲	[illegible]	[illegible]

فصل پنجم در عطیه هر کوکبی و مقدار عطیه هر عمری از آنکه هیلاج است دلالت کند
چنانکه گوید که اگر کدخدا بر درجه وتد باشد عطیه کبری خود عطا کند و اگر بر درجه
مایل الوتد بود عطیه وسطی خود دهد و اگر بر درجه زایل الوتد بود عطیه صغری خود دهد
و اگر یکی از سعدین از اوتاد و کدخدا ناظر باشند بنظر مودت بر آن عطیه صغری
خود زیادت کنند و از مایل الاوتاد و عطیه وسطی صغری ماه زیاد کنند و از زایل
الوتد عطیه و سال صغری روز افزاید و بعضی گویند از مایل الوتد نقصان عطیه
صغری زیاد کنند و از زایل الوتد نصف عطیه صغری افزاید و اول اصح است و اگر
یکی از نحسین بکدخدا ناظر باشند بعداوت از وتد سالهای عطیه صغری خود نقصان
کنند و از مایل الوتد بهمان نسبت که در سعدان گفتیم بکاهند و همان خلاف و اگر یکی از نیرین بکدخدا ناظر باشند بمودت از اوتاد زیاد کنند
و در عطیه چنانکه در سعدان گفتیم و بنظر عداوت نقصان کنند اما نه آنکه در نحسان گفتیم و سعدین بنظر عداوت و نحسین بنظر مودت نه چیزی کنند

و منافع آن بینه و اگر نحوس باشد بیامت یا بنظر نحس ناقص کم کنند و اگر سعد باشد بیامت یا بنظر سعدان افزاید
و در آنچه در جهات و با زاید زاید است و با ناقص ناقص و ذنب در جهات و عکس این است و ناقص زاید است و با زاید ناقص
و مقدار افزون و کاستن عطیه صغری ایشان است بهمان نسبت که در کواکب گفتیم این است سخن آنکه گویند راس بطبع
سعد است و ذنب نحس و ذنب بطبع سعد است و بعد نحس پس اگر کدخدا قوی حال باشد خاصه تقویتهای ذاتیه از نیب و شرف
و مانند آن مولود خوش عیش و تن درست و پیوسته در راحت بود و فراخ روزی و در ترتیبهای دیگر بدیه و عطیه خود تمام کند و اگر
ضعیف حال بود خاصه ضعفهای ذاتیه چون و بال و هبوط و مانند آن مولود پیوسته لاغر و ناتوان و بیمار ناک و کم نصیب بود و
عطیه خود تمام نکند **فصل ششم** اگر کدخدا با کواکب نیز دلالت کند و یا نقصان کنند و بر مراکز بودن باشد حکم همان است که در فصل
سابق مذکور شد و اگر بر مراکز بودن نباشد و بعد رسیده بشند عطا بر کواکب را جانب موضع هر یک استخراج باید کرد و آن را تعدیل
القسط خوانند و این استخراج بطریق عده اربعه اعداد متناسبه لکن نیست و بیانش آنست که در علم حساب مبرهن شده
که هرگاه چهار عدد ۴ باشد که نسبت عدد اول ۱ بعدد دوم ۲ مثل نسبت عدد سوم ۳ باشد بعدد رابع ۴ و یکی از آن چهار عدد مجهول باشد
از آن سه ۳ عدد معلوم عدد مجهول را استخراج توان کرد بدین طریق که اگر مجهول احد وسطین باشد طرفین را در یکدیگر ضرب کنند
و بر وسط معلوم قسمت کنند خارج قسمت عدد مجهول باشد و اگر مجهول احد طرفین باشد وسطین را در یکدیگر ضرب نمایند و بر طرف
معلوم قسمت کنند خارج قسمت عدد مجهول باشد پس هر گاه تفاوت بین العطیتین را اول فرض کنیم و تفاوت بین المرکزین را
ثانی و حصه بعد کوکب را از مرکز بودن ثالث و خود بعد کوکب را از مرکز رابع و شبهه نیست که نسبت ما بین العطیتین
با بین المرکزین مثل نسبت حصه بعد کوکب است به بعد او از مرکز و بر این تقدیر احد وسطین مجهول خواهد بود پس طرفین را
که بعد کوکب باشد از مرکز و بین العطیتین در یکدیگر ضرب کنند و بر وسط معلوم که بعد بین المرکزین باشد قسمت کنند خارج
قسمت حصه بعد کوکب باشد از مرکز و چون حصه بعد را از عطیه مرکزی که کاهند عطیه معدله کوکب بحسب موضع معلوم شود و بعد
عمل آنست که اگر کواکب ما بین درجه وتد و درجه مایل الوتد باشد عطیه وسطی آن کوکب را از عطیه کبری او نقصان کنند و باقی را
تفاوت نام نهند و درجه وتد را از درجه مایل الوتد کم کنند و باقی را اس سی نامند و بعد کوکب را از وتد معلوم کنند
و آن را مسافت گویند پس تفاوت را در مسافت ضرب کنند و حاصل را بر اس سی قسمت کنند خارج قسمت قسط بعد کوکب
باشد از وتد و قسط البعد را از عطیه کبری کواکب کم کنند عطیه معدله کوکب بحسب موضع خود معلوم شود و در مایل الوتد و زایل الوتد

چون کواکب از درجهٔ آن بیت بعد بهم رسیده باشند بهمین نهج است اما اگر در مایلی از آنها عطیهٔ صغری کوکب را از عطیه

وسطی یک [illegible] باقی را تفاوت [illegible] و در زائل از آنها مجموع عطیهٔ صغری با تفاوت [illegible] باقی اعمال نظر بقرار که در وقت

ذکر کردیم و هر کوکب زیادکننده و نقصان‌کننده نیز عمل همین است اما اگر در بعل کبری صغری یک روز را و در بعل وسطی عطیهٔ سال

صغری ماه یک روز را و در بعل صغری بعد صغری روز یک روز را و الله تعالی اعلم بالصواب **استخراج** عطایا بر عمده کواکب که در

در طالع مبارک **استخراج عطیهٔ عمده که هیلاج اول** تقویم شمس [illegible] درجه و درجه طالع [illegible] عطیهٔ کبری [illegible] عطیه وسطی

[illegible] تفاوت [illegible] مضروب فیه در تفاوت [illegible] بر سه قسمت کردیم قسط البعد شمس از وتد [illegible] از عطیهٔ

کبری کاستیم باقی عطیهٔ شمس بسبب موضع [illegible] **بجهت** نظر مقارنه از عطیهٔ شمس مرکب [illegible] تقویم مریخ [illegible] در مایل الوتد [illegible]

مسافت [illegible] عطیهٔ مایل مریخ [illegible] عطیهٔ زائل مریخ [illegible] تفاوت [illegible] مضروب فیه در تفاوت [illegible] بر سه

قسمت کردیم قسط البعد مریخ از مایل حاصل شد [illegible] از عطیهٔ مایل نقصان کردیم باقی ماند عطیهٔ ناقص مریخ **زحل** زحل بنظر تربیع کامله

تقویم زحل [illegible] درجه و دقیقه [illegible] مسافت [illegible] عطیهٔ صغری [illegible] عطیهٔ مایل [illegible] تفاوت [illegible] مضروب فیه مسافت

در تفاوت [illegible] بر سه قسمت کردیم قسط البعد زحل از وتد حاصل شد [illegible] از عطیهٔ صغری کاستیم باقی ماند عطیهٔ ناقص زحل

قمر قمر بجهت نظر تربیع مرکب کامله تقویم قمر [illegible] درجه و دقیقه [illegible] مسافت [illegible] عطیهٔ صغری [illegible] عطیهٔ مایل [illegible] تفاوت [illegible]

[illegible] مضروب فیه در تفاوت [illegible] بر سه قسمت کردیم [illegible] از عطیهٔ صغری کاستیم باقی ماند عطیهٔ ناقص قمر [illegible] عطیهٔ ناقص زحل

عطیهٔ ناقص مریخ [illegible] جنس بر جنس افزودیم شد عطیه [illegible] [illegible] از عطیهٔ اصلی شمس کاستیم شد عطیهٔ عمدهٔ شمس [illegible] **انجم**

بعد بنظر [illegible] بر عطیهٔ شمس مرزاید تقویم [illegible] مسافت [illegible] عطیهٔ صغری [illegible] عطیهٔ مایل [illegible]

[illegible] مضروب فیه در تفاوت [illegible] بر سه قسمت کردیم [illegible] از عطیهٔ صغری کاستیم باقی عطیهٔ زاید

ماند [illegible] بر عطیهٔ عمدهٔ شمس افزودیم باقی ماند عطیهٔ عمدهٔ شمس بعد از زیادت و نقصان [illegible] **استخراج عطیهٔ که هیلاج دوم**

تقویم زحل [illegible] درجه و دقیقه [illegible] مسافت [illegible] عطیهٔ کبری [illegible] عطیهٔ وسطی [illegible] تفاوت [illegible] مضروب فیه

در تفاوت [illegible] بر سه قسمت کردیم [illegible] از عطیهٔ کبری کاستیم باقی ماند عطیهٔ زحل بسبب موضع [illegible] **حد ناقص** انجم قمر بجهت نظر

مقارنه مرکب کامله چون یکی فوق عطیهٔ قمر استخراج شده بود دوباره ضرورت نیست حصهٔ ناقصهٔ قمر [illegible] **انجم** مریخ بجهت نظر تربیع مرکب کامله چون

آنهم یکبار استخراج شده بود دوباره ضرور نیست حصهٔ ناقصهٔ مریخ [illegible] **انجم** شمس بسبب نظر تربیع مرکب کامله تقویم شمس [illegible] و

طالع [illegible] مسافت [illegible] عطیهٔ صغری [illegible] عطیهٔ مایل [illegible] تفاوت [illegible] مضروب فیه در تفاوت

[illegible] بر سه قسمت کردیم [illegible] از عطیهٔ صغری کاستیم باقی ماند عطیهٔ ناقص شمس [illegible] **حصهٔ زاید** انجم مشتری بجهت نظر

تثلیث مرزاید تقویم مشتری [illegible] در مایل الوتد [illegible] مسافت [illegible] عطیهٔ زایل [illegible] تفاوت [illegible]

مضروب فیه در تفاوت [illegible] بر سه قسمت کردیم [illegible] از عطیهٔ زایل کاستیم باقی ماند عطیهٔ زایده مشتری

[illegible] **انجم** زهره بسبب نظر تثلیث مرزاید تقویم زهره [illegible] در مایل الوتد [illegible] مسافت [illegible] عطیهٔ زایل [illegible]

تفاوت [illegible] مضروب فیه در تفاوت [illegible] بر سه قسمت کردیم [illegible] از عطیهٔ زایل نقصان

نمودیم باقی ماند عطیهٔ زایده زهره [illegible] **انجم** عطارد بجهت نظر تثلیث زیاده کننده تقویم عطارد [illegible] وتد طالع [illegible]

مسافت [illegible] عطیهٔ صغری [illegible] عطیهٔ مایل [illegible] تفاوت [illegible] مضروب فیه در تفاوت [illegible] بر سه

قسمت کردیم [illegible] از عطیهٔ صغری کاستیم باقی ماند عطیهٔ زایده عطارد [illegible] عطیهٔ زایده زهره [illegible] عطیهٔ زایده مشتری [illegible]

جنس بر جنس افزودیم شد حصهٔ زایده [illegible] عطیهٔ ناقصهٔ قمر [illegible] عطیهٔ ناقصهٔ مریخ [illegible] عطیهٔ ناقصهٔ شمس [illegible] جنس بر جنس

افزودیم شد حصهٔ نواقص [illegible] تفاضل حصهٔ زوایده بر نواقص [illegible] بر عطیهٔ اصلی زحل افزودیم شد باقی عطیهٔ عمدهٔ زحل

بعد از زیادت زواید و نقصان نواقص [illegible] عطیهٔ عمدهٔ شمس که هیلاج اول است [illegible] عطیهٔ عمدهٔ زحل که هیلاج

ثانی است [illegible] کل عطایای عمده عمر مبارک [illegible] که بحسب شمسی سال [illegible] ماه و [illegible] روز و [illegible] ساعت

تقریبا این عطیهٔ عمر مسعود است موافق عمل هیلاج که خدا و العلم عند الله تعالی **باب ششم** در بیان بعضی از اعمال کواکب

که محتاج الیه است و کیفیت استخراج وقت و ضعف کواکب مشتمل بر نه فصل **فصل اول** در بیان میل منکوس میل منکوس

آنست که بعد جزو را از نقطهٔ انقلاب اقرب بگیرند بر این وجه که اگر کوکب در برج ربیعی باشد تقویم او را از سه برج کم کنند

باقی بعد او بود از انقلاب صیفی و اگر در برج صیفی بود بعکس صیفی [illegible] درجه را از تقویم او کم کنند باقی بعد او بود از انقلاب صیفی

و اگر در برج خریفی بود تقویم او را از نه برج نقصان کنند و اگر برج شتوی بود نه برج را از تقویم او کم کنند باقی بعد کوکب

در هر صورت از انقلاب شتوی پس آن بعد را درجات فرض کرده بازای آن میل اول حاصل کنند آن میل منکوس

درجهٔ کوکب باشد **فصل دوم** در معرفت بعد کوکب از معدل النهار بعد کوکب قوسی است از دایره میل میان نقطهٔ مفروضه

و معدل النهار را از جانب اقرب و عرض بعد قوسی است از دایرهٔ عرضیه میان آن نقطهٔ مفروضه و دایرهٔ معدل النهار

از جانب افق پس چون عرض کوکب و میل نقطه درجه او استخراج کرده باشند اگر هر دو در یک جهت باشند جمع کنند و الا تفاضل بگیرند
حصه بعد کوکب از معدل النهار حاصل شود و جهت حصه بعد جهت مجموع یا جهت فضل باشد پس حصه بعد را در جدول جیب جیب
بگیرند و در جیب تمام میل منکوس درجه کوکب ضرب کنند حاصل جیب بعد کوکب بود از دایره معدل النهار در جدول
جیب معکوس کنند بعد کوکب از دایره معدل النهار حاصل شود این در کواکب ذو عرض است و اگر کوکب را عرض نبود مثل آفتاب
بعینه همان میل اول تقویم او بعد او باشد از معدل النهار **فصل سیم** در معرفت مطالع ممر و درجه ممر مطالع ممر قوسی است از معدل
النهار ما بین نقطه اعتدال ربیعی و تقاطع معدل النهار با نصف دایره [illegible] که بنقطه مفروض گذرد بر توالی و درجه ممر جزویست
از منطقة البروج که با کوکب بنصف النهار رسد و [illegible] تفاوت نیست که اگر کوکب را عرض نبود یا بعد از انقلاب باشد درجه
کوکب بعینه درجه ممر او باشد و اگر ذو عرض بود و در غیر انقلابین درجه ممر با درجه تقویم مخالف باشد و در این صورت اگر کوکب در نصفی باشد
که اعتدال خریفی در منتصف اوست یعنی از اول سرطان تا آخر قوس و عرض جنوبی بود کوکب پیش از درجه بنصف النهار رسد
و اگر شمالی بود بعد از درجه و اگر در نصفی باشد که اعتدال ربیعی در منتصف اوست یعنی از اول جدی تا آخر جوزا عکس این یعنی اگر
عرض شمالی بود پیش از درجه بنصف النهار رسد و اگر جنوبی بود بعد از درجه و طریق معرفتش آنست که جیب بعد کوکب را از انقلاب
اقرب در جیب تمام عرض کوکب ضرب کنند و مبلغ را بر جیب تمام بعد کوکب از معدل النهار قسمت کنند جیب تعدیل
حاصل شود و قوس آن در جدول جیب تعدیل باشد پس اگر کوکب در ربع ربیعی بود تعدیل را از ۹۰ نقصان کنند و اگر در ربع صیفی بود بر ۹۰
افزایند و اگر در ربع خریفی بود از ۲۷۰ نقصان کنند و اگر در ربع شتوی بود بر ۲۷۰ افزایند باقی یا حاصل
مطالع ممر کوکب بود بخط استوا این عمل در کوکبی است که عرض و میل [illegible] مختلف الجهة باشند و در کوکبی که متحد الجهة باشند
اگر حاصل ضرب [illegible] عرض و [illegible] میل کلی [illegible] برابر جیب تقویم او باشد [illegible] همان است که مذکور شد و الا آنچه که
تعدیل را کاسته اند باید افزود و آنچه که افزوده اند باید کاست و بر حاصل باید نصف دور افزود تا مطالع ممر حاصل شود
نوع دیگر ۹۰ درجه بر تقویم کوکب افزایند و بر حاصل [illegible] از جدول مطالع عرضی که موافق بعد کوکب باشد هم در مقدار و هم
در جهت مطالع بگیرند و آنچه باشد ۹۰ درجه از تقویم کوکب نقصان کنند باقی مطالع ممر باشد **نوع دیگر** که احتیاج به جدول نباشد ۹۰ درجه از تقویم
کوکب نقصان کنند و باقی را در جدول مطالع عرضی که موافق عرض کوکب باشد هم در مقدار و هم در جهت معکوس کنند آنچه باشد ۹۰ درجه
بر او افزایند حاصل مطالع ممر باشد **واضح** گوییم که در این دو نوع اخیر اگر بعد یا عرض کوکب شمالی بود همین که ذکر کردیم مطالع

ممر حاصل شود لیکن اگر بعد کوکب یا عرض او جنوبی بود چون مطالع البروج آفاق جنوبیه در زیج ارکان که بنای اعمال بر او نهاده
و او آن نیز بعضی از [illegible] عمل کنند و هر نوع [illegible] به استخراج مطالع آن آفاق مرتسم [illegible] هر چند از مطالع البروج آفاق
شمالیه مطالع آفاق جنوبیه را معین توان کرد چنانکه در فصل چهارم این باب ذکر کنیم ان شاء الله تعالی اما خالی از تطویل نیست
و ما در هر یک از این دو نوع طریقی بخاطر رسیده که هر گاه بدین طریق عمل نمایند احتیاج به مطالع البروج آفاق جنوبیه هم
نرسد و از مطالع البروج آفاق شمالیه مدعا حاصل شود چنانکه در نوع اول اگر بعد کوکب از معدل النهار شمالی بود ۹۰ درجه
بر تقویم کوکب افزایند و اگر جنوبی بود نقصان کنند و بر حاصل یا باقی از جدول مطالع عرضی که موافق بعد کوکب باشد در مقدار از عروض
آفاق شمالیه مطالع بگیرند آنچه باشد ربع دور را اگر افزوده اند نقصان کنند و اگر کاسته اند بیفزایند حاصل یا باقی مطالع ممر باشد و در نوع
ثانی اگر عرض کوکب شمالی بود ربع دور را از تقویم او نقصان کنند و اگر جنوبی بود بیفزایند و باقی یا حاصل را در جدول مطالع عرضی که
موافق عرض کوکب باشد در مقدار از عروض آفاق شمالیه معکوس کنند آنچه باشد ربع دور را اگر کاسته اند بیفزایند و اگر افزوده اند نقصان کنند
حاصل یا باقی مطالع ممر باشد و چون این بنده ضعیف استخراج تقاویم کواکب و سایر اعمال نجومی را از زیج جدید [illegible] که منسوب است
به حکیم [illegible] که حقیر بکرات در اوقات توجهات و مقارنات و ازمنه کسوف و خسوف و غیره که [illegible] معلوم شد
تمام [illegible] شده عمل موافق این زیج را درست [illegible] بعکس عمل زیج ارکان که [illegible] فاحش [illegible] ملاحظه و عمل کرده
بر این زیج را [illegible] اولی [illegible] چون مطالع البروج آفاق شمالیه و جنوبیه هر دو در این زیج ثبت [illegible] قاعده
قرار داده که استخراج ممر آفاق از جدول در کمال سهولت معین شود حقیر هم در [illegible] احتیاج از آن جدول عمل کرد
و چون مطالع ممر به هر یک از این وجوه معین شود در مطالع البروج استوا [illegible] ابتدا از اول حمل معکوس کنند درجه ممر معلوم شود و بر عاقل
صاحب بصیرت مخفی نیست که این هر نوع که ما ذکر کردیم اسهل از سایر انواع است و [illegible] این عمل [illegible] شده نیست چون
این کتاب در بیان اعمال نوشته شده ذکر براهین مناسب نیست و ما در این طریق [illegible] مطالع ممر [illegible] کوکب از ثوابت سعد
[illegible] اگر [illegible] ۳ [illegible] استخراج کنیم [illegible] نوع اول [illegible]
نوع دیگر [illegible] صاحب بصیرت [illegible] هر یک از این پنج نوع که خواهند عمل کنند والله المستعان **فصل چهارم** در مطالع
البروج آفاق جنوبیه در استخراج درجات [illegible] جنوبیه [illegible] مطالع البروج شمالیه مطالع آن درجات [illegible]
جنوبیه معین کنیم شش برج [illegible] اگر شمالی بود [illegible] اگر جنوبیه بود حاصل [illegible] را در جدول

درجه ممر و طلوع و غروب ثوابت و ابعاد و قدر [illegible] اول سال غره [illegible] هجری که ولادت مبارک واقع شده بطول دار السلطنه طهران

اسامی	اسماء ثوابت	طول	عرض	بعد	جهت عرض	قدر	[illegible]	درجه ممر	درجه مطلع	درجه مغرب
۱	ذنب قیطس جنوبی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جنوبی	۳	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲	جناح الفرس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	۲	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳	سرة الفرس	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۲	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴	آخر النهر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جنوبی	۱	سه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵	جنب المسلسله	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	۲	سه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۶	مقدم الشرطین	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۳	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۷	مؤخر الشرطین	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۳	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۸	النطح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	۳	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۹	رجل المسلسله	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	۳	سه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۰	معصم الثریا	[illegible]	[illegible]	[illegible]		سحابی	ع	[illegible]	ابدی الظهور	
۱۱	رأس الغول	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۲	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۲	مرفق الثریا	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۲	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۳	عین الثور	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جنوبی	۱	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۴	رجل الجوزا الایسر	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۱	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۵	مقدم المنطقه	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۲		[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۶	عیوق	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	۱	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۷	رأس الجبار	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جنوبی	[illegible]	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۸	جدی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	۳	ع	[illegible]	ابدی الظهور	
۱۹	ید الجوزا الیمنی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جنوبی	۱	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۰	شعری یمانی	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۱		[illegible]	[illegible]	[illegible]

تتمه درجه ممر و طلوع و غروب ثوابت و ابعاد و قدر [illegible] اول سال غره [illegible] هجری که ولادت مبارک واقع شده بطول دار السلطنه طهران

اسامی	اسماء ثوابت	طول	عرض	بعد	جهت عرض	قدر	[illegible]	درجه ممر	درجه مطلع	درجه مغرب
۲۱	سهیل یمانی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جنوبی	۱		[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۲	شعری شامی	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۱		[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۳	وسط معلف	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	[illegible]	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۴	نثرة الاسد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	۴	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۵	رأس الاسد جنوبی	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۳	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۶	رأس الاسد شمالی	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۳	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۷	منکب الاسد	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۳	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۸	قلب الاسد الملکی	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۱	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲۹	صرفه	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۱	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳۰	ضفیرة الاسد	[illegible]	[illegible]	[illegible]		سحابی	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳۱	القدر	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۲	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳۲	زاویة العوا	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۳	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳۳	جناح الغراب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جنوبی	۳	سه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳۴	سماک اعزل	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۱	سه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳۵	سماک رامح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	۱	سه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳۶	نیر فکه	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۲	سه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳۷	کفة الجنوبیه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	۲	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳۸	کفة الشمالیه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	۲	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳۹	عنق الحیه	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۳	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴۰	الرّاقص	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۵	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]

تقویم درجات ممر و طلوع و غروب [illegible] از اول [illegible] عح هجری که ولادت مبارک واقع شده بطول دار السلطنه طهران

عدد	اسماء الکواکب	طول	عرض	[illegible]	جهت	قدر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴۱	جبهة العقرب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	[illegible]	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴۲	بین عینی العقرب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	۳	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴۳	رجل بنی قنطورس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جنوبی	۱	ع	[illegible]	ابدی الخفاء	
۴۴	قلب العقرب	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۲	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴۵	حمة العقرب	[illegible]	[illegible]	[illegible]		[illegible]	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴۶	راس التنین	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	۳	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴۷	نیر النشابه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جنوبی	[illegible]	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴۸	عین الرامی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	[illegible]	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴۹	نسر واقع	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۱	س	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵۰	نسر طایر	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۲		[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵۱	منقار الدجاجه	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۳	س	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵۲	ذنب الدلفین	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۴	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵۳	شرق ذنب الجدی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جنوبی	[illegible]	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵۴	فم الحوت الجنوبی	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۱	س	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵۵	ذنب الدجاجه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شمالی	۲	س	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵۶	رکبة الدجاجه	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۵	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵۷	مصب الدلو	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۳	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵۸	متن الفرس	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۲	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵۹	منکب الفرس	[illegible]	[illegible]	[illegible]		۲	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۶۰	ذنب قیطس شمالی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جنوبی	۳	ع	[illegible]	[illegible]	[illegible]

استخراج سیارات چون شمس را عرض نیست جمیع استخراج درجات ممر و طلوع و غروب ندارد و چون در به تقویم او معینه در جمیع ممر و طلوع و غروب است **تقویم قمر** [illegible]

[illegible]

تقویم زحل [illegible]

[illegible]

تقویم مشتری [illegible]

[illegible]

تقویم مریخ [illegible]

[illegible]

تقویم زهره [illegible]

[illegible]

تقویم عطارد [illegible]

لا نا بعد از انقلاب او نا میل منکوس دل تمام عو له جیب نا توجیب بعد معدل ملیا بعد عطارد از معدل جزیه نا و نقصان
ربع بانه . مطالع بعد له تمام مطالع ممر ناتمام درجه ممر بانه و ظل بعد معدل حوا ظل عرض بلد حوا جیب تعدیل النهار به تو
تعدیل النهار و تو مطالع طلوع ته و که درجه طلوع دلها مغرب نه ته مطالع نظیر درجه غروب ته نظیر درجه غروب انه به درجه
غروب دله ته درجات ممر طلوع و غروب سیارات را در جدول نهیم

جدول [illegible] ممر طلوع و غروب سیارات در سال غو هجری				
کواکب	طوالع	[illegible]	غوارب	[illegible]
شمس	ح یه م	ح یه م	ح یه م	ح یه م
قمر	ا ر د	ا یه نه	ا ط ل	ا ر ن
زحل	ا ب ن	ا ه م	ا ں لح	ا ب ا
مشتری	و لا د	و لا یه	ح لح و	و لا ل
مریخ	ح یو لا	ح یو یه	ح یو ن	ح ط ن
زهره	د و لا	د [illegible]	د [illegible]	د د ن
عطارد	د یا .	د یا و	ا یا	د یا د

تا واضح و ظاهر باشد **فصل هفتم** در بیان قوت و ضعف کواکب مراتب
قوت و ضعف کواکب بسبب عدد نوزده است و سبب تأثیر بر سه قسم است
عظیم الاثر و عجیب الاثر و حقیر الاثر و هر یک ازین اصناف را سه مرتبه
اعلا و اوسط و ادنی و ترکیب شاید عقل و این اقسام نه باشد
پس مراتب قوت و ضعف کواکب از یک است تا نه اما اصناف قوت عظیم
قسم اول است و چهار است نوع عظیم الاثر اعلا مراتب اول **خانه** یعنی
دستور که شمس در یه و قمر در ب و زحل در ط و مشتری در یه و مریخ در
ح زهره در ا و عطارد در . باشد دوم
درجه شرف یعنی آنکه زحل در کا مشتری در یه مریخ در کح شمس در یط زهره در کز عطارد در یه قمر در ج سیم **اشتهار**
یعنی بودن کوکب در اقوی بیوت چون طالع و عاشر و حادی عشر و سابع و رابع و خامس و نظر مشتری از کواکب بود
و کمال اشتهار آنگاه بود که با وجود این حال در حظی از حظوظ ذاتیه خود نیز باشد و از رجعت و احتراق و بعضی از وجوه ضعف دیگر
پاک باشد و کوکب در این بیوت باشد جز آنکه در این ضعیف است چهارم **تصمیم** یعنی جدا گشتن کوکب از آفتاب کمتر از نصف جرم آفتاب باشد
و در مقدار نصف جرم خلاف است بعضی شانزده دقیقه دانسته و بعضی هفده دقیقه و این اول است پنجم **جرم ثابته سعد** یعنی
در درجه طلوع یا غروب کوکبی از سیارات مانند درجه ممر با طلوع یا غروب کوکبی از سعود ثوابت شود در درجه تقویم چنانکه حفظ این
پنداشته و بعد هر یک ازین اصناف در این مرتبه نه باشد از قوت و **صفت** عظیم الاثر اوسط مراتب اول **برج شرف** معلوم
دوم **استقامت سیر** یعنی تقویم او هر روز بیشتر از سابق باشد سیم **احتلا** یعنی کوکب با دور فلک آفتاب باشد چهارم **دستوریه** و آن
چهار نوع است **نوع اول** آنکه کواکب علوی هر یک در خانه یا شرف خود باشند و آفتاب نیز هم چنین و متصل باشند با تصال میمنه یعنی
بر تو آفتاب رجوع کرده باشد خلاف کواکب در دستوریه آفتاب است و قمر آنکه بنظر تربیع باشد چه هر یک در وقتی خواهند بود از آنکه یعنی

بعد ازآنکه

با آنکه یکی را اوسط آنکه از تسدیس باشد و اضعف آنکه از تثلیث باشد و جهه هر دو ظاهر است و دستوریه کواکب
با قمر همچنین است اما با تصال میمنه و ممکن است که اگر هر دو دستوریه در حد تربیع باشد چنانکه هر یک در حیز خویش باشند متصل
یکدیگر و آن کواکب در نهایت قوه و سعادت باشد از تربیع و بطلمیوس این نوع دستوریه را مواجهه و امارات مه هر دو گفته
و اگر ماه متصل باشد با آفتاب از حیز خود و میمنه آفتاب به ماه در دستوریه آفتاب باشد و اگر عکس باشد آفتاب در دستوریه ماه باشد
بشرط حیز و تعیین هر که از این نوع دستوریه آفتاب نباشند یا آنکه کواکب متصل شوند و هر یک در خانه یا در شرف خود باشند
اینه کواکب خفیف در دستوریه کواکب ثقیل است و بهتر آنست که هر یک در وتدی باشند و نظر تربیع باشد یا مقابله **نوع دوم** آنکه کوکبی
در یکی از دو خانه خود بود و صاحب او در یکی از نیرین چون صاحب خانه او باشد از خانه آن نیز چنانکه مشتری در قوس باشد مثلا و آفتاب
در اسد یا ماه در سرطان باشد **نوع سیم** آنکه اگر در نهایت تشریق و تغریب باشد و این نوع دستوریه بسیار محمود است و حد تشریق و تغریب
در علوی خمس درجه است و بعضی گویند هفت درجه و نوبهر قایل شده اند و اول احسن است و در سفلی آنکه سرعت سیر است در علوی
نوع چهارم آنکه صاحب طالع در عاشر و صاحب عاشر در طالع باشد و بهتر آن بود که هر دو صاحب خانه باشند و این اضعف انواع چهار
نوع دستوریه دلیل سعادت و خیر عظیم است پنجم **استیلا** و آن نظر کوکب است به برجی که از او در آن برج حظ باشد از حظوظ خمسه
مشهوره ششم **حب** و آن بودن کوکب نهاری است چون زحل و مشتری و شمس و عطارد و قتی که دلالت کند بر شب که بر زمین فوق
الارض و در شب تحت الارض در برج مذکر و کواکب لیلی چون مریخ و زهره و قمر و عطارد و قتی که دلالت کند بر تانیث بروز تحت الارض
و در شب فوق الارض در برج مؤنث و شبه تانیث عطارد یا کب برج باشد یا اب طالع و نیز در تشریق مذکر باشد و در تغریب
مؤنث هفتم **طریقه نیره** یعنی کواکب میان درجه شرف آفتاب و شرف قمر باشد و آن پانزده درجه است و بعد هر یک ازین اصناف
و این مرتبه هشت باشد از قوت **صنف دوم** عظیم الاثر ادنی مراتب اول **تشریق علوی و تغریب سفلی** و حد هر یک در تعریف دستوریه
مذکور شده دوم **سهم اقبال** یعنی تدسیم سیم **درجه طالع** چهارم **درجه عاشر** و این هر دو معلوم است پنجم **منطقه** یعنی عرض نداشته باشد ششم
ذروه دارج یعنی کواکب در اول نطاق اول باشد ازین فلک هفتم **ذروه تدویر** معلوم است که از این ذروه تا ذروه مرتبه موضعیت که
کواکب در ذروه مرتبه محرقه حرکت شود و آن ضعف است نه قوت بلکه ذروه و اخطر مراد است و آن در تحریره قبل از ذروه است
بقدر غایت التعدیل هر کوکب و آن در زحل هفت درجه است و در مشتری ه درجه و در مریخ له درجه و در زهره . درجه و در عطارد
کج درجه و در قمر بعد از ذروه مرتبه است بقدر غایت تعدیل قمر که یه درجه باشد و طریق استعلام آن چنانست که غایت تعدیل را

در نیمروز از فاصله غیر معدله کمتر باشد و در قسم نیمروز آنکه تا فاصله و نطاق حامل شود پس اگر فاصله و نطاق در اول معدل باشد کوکب در ذروه و در حضیض باشد
و دلالت قوی هشتم [۸] حیز یعنی بودن کوکب نهاری بروز فوق الارض و بشب تحت الارض و لیلی بعکس و آفتاب همیشه در حیز بود
چه اعتبار شب و روز بوجود و عدم اوست مخفی نماند که قوم تعریف جعب و حیز را بعکس تعریف مؤلف نموده اند یعنی تعریف
جعب را جهت حیز و تعریف حیز را جهت جعب نموده اند اما چون با معتقد حقیر عکس این ظاهر نمود بجهت آنکه جعب افزون است
از حیز بنابر آن تعریف نمودیم نهم [۹] دفع قوت یعنی کوکب در حظی از حظوظ ذاتیه خود باشد و متصل شود بکوکب دیگر قوت خود
او را دهد و اگر هر دو در حظ خود باشند آن اتصال را دفع تدبیر خوانند دهم [۱۰] دفع طبیعت یعنی کوکبی در حظ کوکب دیگر باشد بصاحب حظ
متصل شود طبیعت خود او را دهد و اگر هر یک در حظ دیگری باشند آن اتصال را دفع طبیعتین خوانند و دفع طبیعت اقوی است از دفع
قوت یازدهم [۱۱] قبول در مکان یعنی کوکب در حظی از حظوظ خود باشد و تحویل [illegible] دوازدهم [۱۲] خط ابیضین یعنی کوکب در [illegible] بود
مطرح شعاع در هر برجی از فوق الارض باشد سیزدهم [۱۳] مستغنی یعنی کوکبی مقارن نشود با کوکب دیگر و بعد او از مرکز عالم بیشتر بود غیر
از آفتاب چه او در قران با همه کواکب مستغنی باشد هر چند صورت استغنا درو موجود نباشد چهاردهم [۱۴] مجاوبت نور ظاهر پانزدهم [۱۵]
حد خود معلوم است شانزدهم [۱۶] مکان سهم السعاده واضح هفدهم [۱۷] ظهور یعنی تحت الشعاع نباشد هجدهم [۱۸] جمع نور یعنی کواکب سبکرو متصل
باشند بکوکب گران رو چه کوکب گران رو در این حال نور ایشان را جمع کرده باشد و بنا بر آن باشد که کواکب سبکرو بهم
متصل نباشند هر چند از یکدیگر قطع نظر نکرده باشند نوزدهم [۱۹] رد نور یعنی دو کوکب گران رو از یکدیگر منصرف شده باشند چون سبک رو
بهر دو پیوسته نور یکی را بدیگری دهد و اتصال میان آن دو گران رو تازه گردد بیستم [۲۰] نقل نور یعنی سبک رو گران رو را
ببیند و هنوز تمام منصرف نشده دیگری را ببیند نور کوکب اول را با ثانی دهد و شرط آن باشد که آن دو کوکب بیکدیگر متصل شده اند
هر چند قطع نظر نکرده باشند بیست و یکم [۲۱] استیلا بر جزو مقدم و این مکرر مذکور شده بیست و دوم [۲۲] درجه تقویم سعد یعنی تقویم کوکب از ابتدا
مانند تقویم سعدی از ثوابت باشد و بهره هر یک ازین اصناف و در این مرتبه هفت باشد از قوت اما اصناف [illegible] قسم
دوم چهل و چهار است [۲۴] [illegible] مراتب اول [۱۰] اقامت بجهت استقامت دوم سرعت سیر یعنی سیر کوکب بیشتر از سیر
وسط او باشد و سیر وسط در زحل ۲ دقیقه است و در مشتری ۵ دقیقه است و در مریخ ۳۱ دقیقه و در زهره و شمس و عطارد ۵۹ دقیقه و در قمر
سیزده درجه و یازده دقیقه سیم صاعد یعنی کوکب در حدود صعود بود چهارم مثلثه اول معلوم پنجم صاعد [illegible] ششم صاعد در [illegible]
یعنی کوکب در نطاق سیم و چهارم باشد از [illegible] هفتم صاعد در شمال یعنی کوکب در شمال معدل النهار بود و مع ذلک [illegible]

الثقیل

ارتفاع او روز بروز بیشتر شود هشتم فوق الارض ظاهر نهم برج مذکر مذکر را برج مذکر و مونث را برج مونث و برج آتشی و هوائی
مذکر اند و خاکی و آبی مونث دهم [illegible] معلوم و بهره هر یک ازین اصناف و در این مرتبه ششم باشد از قوت و عدد آن
بیست و نه است و اوساط مراتب اول استعلا یعنی کوکب در دهم یا یازدهم باشد از طالع یا از دیگری دوم برج مقبل یعنی کوکب
میان [illegible] و طالع [illegible] باشد سیم عرض شمال معلوم چهارم زیادت نور پنجم زیادت عدد و این هر دو در قمر بود
که کوکب در نطاق دوم و سیم باشد از ذروه زیرا که زیادت نور در قمر وقتی باشد که از برج اول شمس گذشته و به دوم رسیده باشد
ششم زیادت عدد هفتم زیادت حساب و این هر دو در غیر قمر باشد که کوکب در نطاق اول و دوم باشد از ذروه و در قمر
و قمر که در نطاق سیم و چهارم باشد و از کلام قوم چنین ظاهر میشود که زیادت نور و عدد و حساب مخصوص قمر است و در قمر است
و در شمس نیز باشد و این از [illegible] نیک دور [illegible] بجهت آنکه علت این احوال قرب و بعد کوکب است از مرکز عالم و در آفتاب نیز
این علت موجود است [illegible] مقتضی وجود [illegible] است پس [illegible] که در آفتاب نیز این حالات
ملاحظه نمایند چنانکه آفتاب چون در نطاق دوم و سیم باشد از فلک اوج زاید باشد در نور و عدد و چون در اول و دوم باشد زاید بود
در عدد و حساب هشتم زیادت سیر یعنی سیرش از حقیقی بیشتر از اوسط باشد نهم در درجه سعادت افزای دهم در درجه نیره در غیر محل
یازدهم در درجه مظلمه در محل انقطاع بجهت مناسبت دوازدهم مثلثه اول سعد سیزدهم برج مذکر مذکر را و برج مونث مونث را [illegible]
از طالع و نظیره او مونث از طالع است تا رابع و نظیر او چهاردهم درجه [illegible] پانزدهم [illegible] شانزدهم مثلثه ثانیه مقدم [illegible] همه این درجات
از جداول معلوم شود و بهره هر یک ازین اصناف و در این مرتبه پنج باشد از قوت و عدد آن [illegible] مراتب اول بیت مائل یعنی
بیت ۲ و ۵ و ۸ و ۱۱ دوم بیت فرح و آن در عطارد طالع است و در قمر ۳ و در زهره ۵ و در مریخ ۶ و در شمس ۹ و در
مشتری ۱۱ و در زحل ۱۲ سیم بیت قوت و آن در زحل ۱۰ و مشتری ۲ و مریخ ۳ و آفتاب ۱۰ و زهره ۷ و عطارد ۹ و قمر ۵ است
چهارم بیت مذکر مذکر را و بیت مونث مونث را پس فرد مذکر است و زوج مونث پنجم بیت سعد ظاهر ششم مثلثه ثانیه معلوم
هفتم نصرت یعنی قوت صاحب بیت بر بیت کوکب است هشتم اعانت یعنی هر کوکب که در خانه خود بود صاحب شرف آن خانه
اعانت کند چنانکه مریخ آفتاب را در حمل و درین باب نظر شرط نیست نهم استعانت یعنی هر کوکب که در برج شرف خود باشد از کوکبی
که صاحب آن برج است استعانت خواهد چنانکه مشتری در سرطان از قمر استعانت خواهد و درین باب نظر شرط است دهم نعمت
یعنی کوکبی در وبال یا هبوط یا در درجه [illegible] باشد و در این حال یکی از دوستان او که در [illegible] یا محفوظ باشد بدو متصل شود [illegible]

و شدی خمده این نحوست غیر مترقب باشد که باو رسد و اوراق الجلو نحوست رسد و بهره عاید شود یازدهم مکافات نحوست
یعنی کوکبی که در وبال یا هبوط کوکبی دیگر باشد و آن کوکب از مواضع حظوظ او باشد ناظر شود چنانکه مکافات آن ضعف را نموده
باشد و کوکب اول را خلاص داده باشد و تفریق که جمهور منجمین در کتب خود آورده اند که نحوست آنست که کوکبی در وبال یا
در هبوط یا در درجه بئر باشد و متصل شود بکوکبی که محظوظ کرده باشد آن کوکب محتاج بود آن کوکب قوی ضعیف را مدد کند و چنان
باشد که با وی احسان کرده باشد و حق این نحوست برداشته باشد تا کوکب قوی چنان ضعیف کرده و کوکب ضعیف قوی و بدیهم متصل
شوند آن کوکب در این وقت مکافات آن نحوست کند خوب توفیق است و درست است لیکن این نوع نظر در یک زمان صورت
نه بندد و در دو زمان مختلف امکان دارد و پس اولا بکلان این ضعیف است که این نوع نظر را بجهت طالع اصلی و فرع
چون قران اعظم و اکبر یا اکبر و اوسط یا اوسط و اصغر یا اصغر و طالع تحویل سال عالم یا طالع ولادت و طالع تحویل و مانند آن تعلق دارد
و آن نوع نظر که ما تعریف کردیم در طالعی که خواهند احوال کوکب را در زمانی معین معلوم کنند تعلق دارد چنانکه هم حصه بین الحصه
سیوم سیزدهم [illegible] یعنی بودن کوکب نه در زیر تحت الشعاع و نه بیرون آن و این وقت مخصوص آفتاب است چهاردهم تیامن تیامن
بودن کوکب است در نصف یعنی از فلک بعد از آنکه آفتاب طلوع کند تا نصف تحت الارض از طالع چنانکه در بیشتر از اوقات [illegible]
مشاهده باشد که بین نکته [illegible] دقیقه در عبارت که نصف یمین است عمل کرده بود باشد پانزدهم [illegible] شانزدهم ارجاف
هفدهم [illegible] بعید و تمام این درجات در جدول خود معلوم شود و بهره هر یک از این اصناف در این مرتبه چهار باشد از قوت اما اصناف
قوت از قسم سیم سیزده است سه حقیر التأثیر مراتب اول وجه سعد سعد معلوم دوم نیم بهر سعد معلوم سیم ۱۲ بهر سعد و بهره هر یک
از این اصناف در این مرتبه سه باشد از قوت [illegible] حقیر التأثیر اوسط مراتب اول [illegible] سعد دوم اوج سعد سیم ۷ بهر سعد چهارم
درجه مذکر مذکر را [illegible] در درجات [illegible] از جدول [illegible] شود پنجم الشرف سعد [illegible] از طالع و آن از
عاشر است [illegible] از طرف طالع ششم برج موافق المزاج موافق مزاج زحل [illegible] مثلثه خاکی است و موافق مزاج مشتری مثلثه هوائی
و موافق مزاج شمس مثلثه آتشی و موافق مزاج زهره و قمر مثلثه آبی است برج موافق الطبع زحل [illegible] عقرب و جدی موافق طبع
باشد و مشتری را سنبله و قوس [illegible] و حوت [illegible] و جدی [illegible]
[illegible] و سنبله و قوس و حوت است [illegible] و بهره هر یک از این اصناف در این مرتبه
دو باشد از قوت [illegible] حقیر التأثیر اند مراتب اول نیم بهر [illegible] مخصوص است به نیرین و باقی کواکب در روز و در نیم بهر آفتاب [illegible]

و شب در نیم بهر ماه برج شمال از معدل و آن از جهت [illegible] برج [illegible] از جدول معلوم است چهارم برج منقلب الطبع
یعنی کوکب از سرطان تا قوس باشد پنجم ولایت و آن بر دو قسم است اول آنکه در طالع روزی ولایت آفتاب را و در شبی ماه را باشد
دوم آنکه هر یک از نیرین در ولایت خود باشد ولایت آفتاب از حمل است تا جدی و ولایت ماه از دلو است تا سرطان و بهره
هر یک از این اصناف در این مرتبه یک باشد از قوت فصل ششم در ضعف های کواکب مراتب ضعف های کواکب [illegible] است
در عدد [illegible] چنانکه در فصل قوت های کواکب بیان کردیم بر سه قسم است و هر یک از اقسام [illegible] مرتبه است اما اصناف
ضعف قسم اول سی و پنج است [illegible] عظیم التأثیر مراتب اول وبال و آن برج مقابل بیت [illegible] دوم درجه هبوط مقابل درجه شرف است
سیم احتراق [illegible] و آن از هر طرف شش درجه است چهارم [illegible] پنجم [illegible] ششم [illegible] کواکب [illegible]
[illegible] بیان شرح [illegible] و بهره هر یک از این اصناف در این مرتبه نه باشد از ضعف [illegible]
عظیم التأثیر اوسط مراتب اول برج هبوط [illegible] دوم رجعت یعنی [illegible] سیم تحت الشعاع و آن دوری کوکب
مختلف است چنانکه [illegible] تحت الشعاع بوده
بعضی از اهل احکام [illegible] ۱۲ درجه [illegible] ۱۵ درجه [illegible] ۱۱ درجه [illegible]
[illegible] کواکب ۱۵ درجه [illegible] چهارم [illegible] پانزده درجه [illegible] پنجم [illegible]
کواکب زیر فلک آفتاب باشد ششم [illegible] و بهره هر یک از این اصناف در این مرتبه هشت باشد از ضعف
و بیست و دو عظیم التأثیر [illegible] مراتب اول [illegible] دوم [illegible] یعنی کوکب [illegible] باشد سیم
استقبال [illegible] چهارم [illegible] پنجم [illegible] ششم [illegible] هفتم [illegible]
نطاق [illegible] هشتم [illegible] نهم
[illegible] دهم [illegible]
[illegible] یازدهم [illegible] سیزدهم
قطع نوره [illegible]
[illegible]
[illegible] نوع [illegible]

سبک رو نور برگران رو کند برای اتصال میانه و راجع باز گردد و بگران رو بود و در قطع کند نور سبک رو را از گران رو چهارم

منع نور واین نیز بر دو نوع است اول آنکه سبک رو در اول برج باشد و گران روی در آخر برج و میانه رو در میان برج چون

سبک رو نور بر گران رو اندازد برای اتصال میانه راه را منع کند و نگذارد متصل شود نوع دوم آنکه گران رو در یکدیگر در یک برج باشد

متصل بقران یکدیگر و دیگری در برج دیگر ناظر بهر دو و دو بهر دو یکدیگر دلیل بود چون سبک رو نور خواهد که بگران رود پیوند و سبک رو مقارن

منع کند نورا بتفصیل قران ننگذارد قران کند و این قوت منع است و ضعف عزیمه انکاث نیز سبک رو خواهد بگران رود

متصل شود هنوز اتصال تمام نشده یکی از این دو اگر راجع باشد مستقیم شود و اگر مستقیم بود راجع و اگر سریع باشد بطی و اگر بطی باشد سریع گردد

و آن اتصال تمام نشود ششم اعتراض نیز سبکرو در او از برجی باشد و میانه رو در اول برج و گران رو در میانه برج چون میانه رو

خواهد بگران رو پیوند سبکرو پیش از او راجع گردد و بگران رو متصل شود او از او در گذرد و میانه رو پیوند و باطل کند اتصال میانه رو را از

گران رو و منظم عقده جوزهر یک را خواه راس و خواه ذنب لیکن بکی است و جهه هم ولوث آفتاب بطلوع کنند پیش از او مولوث

او مطلوع کند بعد از و نزد هم حد کنی سوم بهتم عطر نیز خود زحل بشتری و مریخ شتری بطالع و مریخ آفتاب و عطارد ترمیم و زهره را

مریخ و مریخ فرزند و بیجا بیکدیگر و این هشت و هفت کواکب سعد و نحس است اگر سعد و نحس باشد بطبع است و کم درجه نه کنی سوم

است و دوم درجهم قاطع و سهم قواطع بر سه قسم است اول قواطع اینکه ماه در برج گیرد تا زحل در برج قاطع اقتران نیز دوم آنکه

از زحل با جزو مقدم گیرد در روز و در شب بعکس در بطالع اقتران نیز سیم آنکه از برج ... گیرد در روز و در شب بعکس و از طالع افکنند

و بهره هریک ازین اصناف در این مرتبه شش است باشد از ضعف ۲ و ۷ ضعف ... ضعف قسم دوم سیر و حرکت ۳۲ و ۹ ... ب انواع مراتب

اول مقیم رجعت سوم سیم بطوء سیر نیز سیر کوکب کمتر از سیر وسط باشد ستم بط در اوج چهارم بط در تدویر یعنی کوکب

در نطاق اول و دوم باشد این مرتبه پنجم بط در جنوب نیز کوکب در جنوب معدل بود و هنوز نخسته از قوع او در روز

بروز نشست بطی بود ششم تحت الارض سوم هفتم برج مذکر مونث را و برج مونث مذکر را هشتم شلث او کنی نهم غریب

در مکان یعنی کوکب را در آن برج بهره نبود از قوت و ضعف چون آفتاب در سنبله و بهره هریک ازین اصناف در این مرتبه

شش باشد از ضعف و سیزده میانه اشراد وسط مراتب اول برج هبوط نیز از طالع تا رابع و نظیرا دوم عرض جنوب سیم نقصان نور

چهارم نقصان عدد واین هر دو وقتی باشد که کوکب در نطاق اول و چهارم باشد از تدویر و نقصان نور در قمر وقتی بود که میان

برج دوم و اول شمس باشد و در شمس نیز این حال را ملاحظه نمایند اما نسبت بفلک اوج پنجم نقصان عدد ششم نقصان حب

واین هر دو وقتی باشد که کوکب در نطاق سیم و چهارم باشد از تدویر و نقصان حب در قمر وقتی بود که در نطاق اول و تا باشد

از تدویر و در آفتاب نیز چنانکه گفتیم چون در نطاق سیم و چهارم اوج باشد ناقص بود در عدد و حب پوشیده نماند که زیادت

عدد را قوم چنین تعریف کرده اند که خاصه معدله کمتر از شش برج باشد و نقصان عدد آنکه بیشتر باشد و زیادت حب بآنکه

گفته اند که تعدیل کلی زاید بود بر وسط و نقصان حب آنکه ناقص بود پس این هر دو قوت در تعریف متلازم نمانند و همچنین در ضعف

بخلاف قمر که با هم جمع نمانند پس چون ضعف و قوت فرو نهند اجتماع کنند اما این است که مترجم این دو حالت نشوند هفتم

نقصان سیر یعنی سیر ماه کمتر از سیر وسط باشد هشتم در جنوب نهم ستلاه نه کنی هم برج مونث مذکر را و برج مذکر مونث را

یازدهم خلاف حال یعنی کوکب نهاری در روز تحت الارض و در شب فوق الارض و لیلی در شب تحت الارض و در روز فوق الارض

دوازدهم حسن سیر نیز کوکب بر برج در آید و بیرون رود و دیگری ناظر نشود و این حالت جز قمر را نباشد سیزدهم خلاه سیر

نیز کوکب در اول برج بکوکبی ناظر شود و دیگر کوکب را نه بیند تا از آن برج بیرون شود و بهره هریک ازین اصناف در این مرتبه

پنج باشد از ضعف ده میانه اشراد نه مراتب اول بیت زایل یعنی غرب قطب نیست ۳ و ۹ دوم بیت نحس مقابل بیت فرح باشد

سیم بیت ضعف مقابل بیت قوة است چهارم بیت مذکر مونث را و مونث مذکر را پنجم چنکی ششم ضعف نواه نه

هفتم متحرکت نیز کوکب نهاری در خانه کواکب لیلی و بعکس هشتم حصار میانه دو کنی نهم عقده جوزهر بحیره او هم محاسر

یعنی کوکب در نیمه روز در برجی باشد از دائره نه از ... چنانکه در تقاسیم بیان کردیم یعنی کوکب در روز طلوع کند و بهره هریک ازین

اصناف در این مرتبه چهار است از ضعف ۱۱ ضعف ... قسم سیم عقده ۱۲ است بخ حقیر اشراد مراتب اول درجه کنی دوم ۹ بهر

کنی سیم ۱۲ بهر کنی چهارم درجه مظلمه در قمر زحل پنجم درجه تیره در زحل انحطاط و بهره هریک ازین اصناف در این مرتبه ۳ باشد

از ضعف و سه حقیر اشراد اوسط مراتب اول درجه کنی دوم ابار کنی سیم ۷ بهر کنی چهارم درجه فتنه پنجم درجه مونث مذکر را و مذکر

مونث را ششم درجه دال عالی اعمر و این ضعف مخصوص است به نیرین هفتم ضعف بیت لبعیز کوکب ما بین رابع و عاشر باشد

از طرف سابع هشتم مخالف الرابع از معرب ظاهر است نهم مخالف الحز و آن زحل است ... اسد و سنبله و میزان و قوس دو دلو

و حوت و مشتری با ثور و اسد و عقرب و جدی و مریخ با سنبله و دلو و حوت و زهره با حمل و اسد و عقرب و جدی و حوت

و بهره هریک ازین اصناف در این مرتبه ۲ باشد از ضعف و سه حقیر اشراد نه مراتب اول برج جزب یعنی از میزان تا حوت

دوم برج کنی از جهه دلائل مرت سیم برج سریع القلوع نیز کوکب از جدی تا جوزا باشد و بهره هریک ازین اصناف در این

جدول دوازده بهر کواکب

بروج	·	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	یا
حمل	خ	ه	د	ر	س	د	ه	خ	ی	ل	ل	ی
ثور	ه	د	ر	س	د	ه	خ	ی	ل	ل	ی	خ
جوزا	د	ر	س	د	ه	خ	ی	ل	ل	ی	خ	ه
سرطان	ر	س	د	ه	خ	ی	ل	ل	ی	خ	ه	د
اسد	س	د	ه	خ	ی	ل	ل	ی	خ	ه	د	ر
سنبله	د	ه	خ	ی	ل	ل	ی	خ	ه	د	ر	س
میزان	ه	خ	ی	ل	ل	ی	خ	ه	د	ر	س	د
عقرب	خ	ی	ل	ل	ی	خ	ه	د	ر	س	د	ه
قوس	ی	ل	ل	ی	خ	ه	د	ر	س	د	ه	خ
جدی	ل	ل	ی	خ	ه	د	ر	س	د	ه	خ	ی
دلو	ل	ی	خ	ه	د	ر	س	د	ه	خ	ی	ل
حوت	ی	خ	ه	د	ر	س	د	ه	خ	ی	ل	ل

جدول نه بهر

برج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ا	[illegible]	خ	ل	ه	ر
ب	[illegible]	ه	ل	خ	س
ج	[illegible]	د	ی	ی	د
د	[illegible]	ر	خ	ل	ه
ه	[illegible]	س	ه	ل	خ
و	[illegible]	د	د	ی	ی
ز	[illegible]	ه	ر	خ	ل
ح	[illegible]	خ	س	ه	ل
ط	[illegible]	ی	د	د	ی

جدول هفت بهر کواکب

برج	[illegible]	·	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	یا
ا	[illegible]	خ	ه	د	ر	س	د	ه	خ	ی	ل	ل	ی
ب	[illegible]	س	د	ر	ل	ه	ر	د	س	خ	ی	ی	خ
ج	[illegible]	ه	ر	ل	ی	د	ل	ر	ه	س	خ	خ	س
د	[illegible]	د	ل	ی	خ	ر	ی	ل	د	ه	س	س	ه
ه	[illegible]	ر	ی	خ	س	ل	خ	ی	ر	د	ه	ه	د
و	[illegible]	ل	خ	س	ه	ی	س	خ	ل	ر	د	د	ر
ز	[illegible]	ی	س	ه	د	خ	ه	س	ی	ل	ر	ر	ل

صداقت و عداوت

کواکب	دوستان	دشمنان	[illegible]
شمس	ی خ ر	ل ه	د
قمر	س د	ل	ی ه خ
زحل	ه د	س ر	خ ی
مشتری	س خ ر	ه د	ل
مریخ	س ی	د	ل ه
زهره	ل د ر	ی س	ی
عطارد	س ه	ر	ل ی ر

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]												
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

مرتبه یک ۱ بشد از ضعف اینست تمامی سخن در قوت و ضعف کواکب **فصل نهم** در صفات درجات الحدود و وجوه
و دریجان و دارد جان و جوانهٔ بهر و نه بهر و هفت بهر و نیم بهر و دبیره و منظر و ذکر و خالیه و درجات افزار و آبار و در جداول مطاهر
و حالات کواکب در بیت از مثلثات و صداقات و عداوت و تذکیر و تأنیث و غیر آنچه از آنچه در قوت و ضعف محتاج الیه بود و ان
جدول بیان آنکه موجب تطویل بود به جدول تقویم تا طالب این فن را در وقت عمل آسان گردد و من الله عز و جل العون و التوفیق

جدول [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول وجوه کواکب / جدول دریجان / جدول الدرجان / ارباب مثلثات

بروج	وجوه ی	وجوه ک	وجوه ل	دریجان ی	دریجان ک	دریجان ل	الدرجان ی	الدرجان ک	الدرجان ل	مثلثات نهاری	مثلثات لیلی
·	خ	س	ه	خ	س	ی	خ	ی	ل	س ی ل	ی س ل
ا	د	ر	ل	ه	د	ل	د	د	ه	ه ر خ	ر ه خ
ب	ی	خ	س	د	ه	ل	س	خ	ی	ل د ی	د ل ی
ج	ه	د	ر	ر	خ	س	ل	ر	د	ه خ ر	خ ه ر
د	ل	ی	خ	ی	خ	س	ه	س	خ	س ی ل	ی س ل
ه	س	ه	د	د	ل	ه	ی	ل	ر	ه ر خ	ر ه خ
و	ر	ل	ی	ه	ل	د	د	ه	س	ل د ی	د ل ی
ز	خ	س	ه	ر	ی	خ	خ	ی	ل	ه خ ر	خ ه ر
ح	د	ر	ل	ی	خ	س	ر	د	ه	س ی ل	ی س ل
ط	ی	خ	س	ل	ه	د	س	خ	ی	ه ر خ	ر ه خ
ی	ه	د	ر	ل	د	ه	ل	ر	د	ل د ی	د ل ی
یا	ل	ی	خ	ی	ر	خ	ه	س	خ	ه خ ر	خ ه ر

اعداد	جدول قوت وضعف شمس در طالع ولادت مبارک — فضل قوت بر ضعف ۱۰۰ — قوت ۱۵۲	بهرات
ا	جرم ذاتیه سعد	۹
ب	مستقات سیر	۸
ج	استیلا بر طالع	۸
د	منطقه	۷
ه	حیثیت	۷
و	وضع قوت	۷
ز	مستقیم	۷
ح	ظهور	۷
ط	اوج حامل سعد	۲
ی	استیلا بر جزو	۷
یا	سرعت سیر	۶
یب	حد سعد	۶
یج	برج مذکر	۶
ید	مستقبل	۵
یه	زیادت نور	۵
یو	زیادت عدد	۵
یز	زیادت نحو	۵
یح	زیادت [illegible]	۵
یط	مثلثه اولی سعد	۵
ک	نوبهر نحو	۵
کا	مثلثه ثانیه نحو	۵
کب	بیت اهل	۴
کج	بیت سعد	۴
کد	۱۲ بهر سعد	۳
که	۷ بهر سعد	۲
کو	نصف سعد	۲
کز	موافق ازواج	۲
کح	موافق نوری	۲
کط	نیم بهر	۱
ل	برج مستقیم الطلوع	۱
لا	دوابت	۱
لب	برج حوت	۱
لج	حیب	۸

اعداد	ضعف ۵۲	بهرات
ا	بیت ادبار	۲
ب	[illegible]	۲
ج	تحت اوج	۶
د	وبال اوجی	۶
ه	وبال در جنوب	۶
و	برج مدبر	۵
ز	نقصان سیر	۵
ح	برج مؤنث	۵
ط	بیت مؤنث	۴
ی	[illegible]	۲
یا	در بهر مؤنث	۲
یب	[illegible] جنوب	۱
یج	[illegible]	۳

اعداد	جدول قوت وضعف قمر در طالع ولادت مبارک — فضل قوت بر ضعف ۴۱ — قوت ۱۱۵	بهرات
ا	اجتراز	۹
ب	مستقات سیر	۸
ج	استیلا بر طالع	۸
د	حد سعد	۶
ه	رفع قوت	۷
و	ظهور	۲
ز	نور زاید	۷
ح	سرعت سیر	۶
ط	۹ بهر سعد	۳
ی	بجا قوت	۶
یا	برج مقبل	۵
یب	خوش شیر	۵
یج	زیادت نور	۵
ید	زیادت سیر	۵
یه	بیت وبل	۴
یو	بیت سعد	۴
یز	مثلثه ثانیه سعد	۴
یح	نصرت	۴
یط	[illegible] نحو	۴
ک	درجه سعد	۳
کا	۷ بهر سعد	۲
کب	درجه قوت	۲
کج	موافق مزاج	۲
کد	نیم بهر	۱
که	دوابت	۱
کو	۱۲ بهر سعد	۳

اعداد	ضعف ۱۰۲	بهرات
ا	جرم ذاتیه نحس	۹
ب	[illegible]	۸
ج	[illegible]	۲
د	مجاور زحل	۶
ه	مجاورت نحس	۷
و	هبوط اوجی	۶
ز	[illegible]	۶
ح	اوج حامل نحس	۲
ط	تحت الارض	۶
ی	[illegible]	۶
یا	نقصان حساب	۵
یب	برج مذکر	۵
یج	بیت مذکر	۴
ید	[illegible]	۴
یه	محصور بین نحسین	۴
یو	[illegible] سیر	۴
یز	در بهر ظلمه	۳
یح	[illegible]	۲
یط	برج جنوب	۱
ک	[illegible]	۱

جدول درجات مذکر و مؤنث بروج

·	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]			
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]			
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	

جدول درجات نیره و مظلمه و قتمه و خالیه

·	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]				
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول درجات سعادات افراد بروج و آبار بسیار

·	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]				
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]			
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]			
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]		
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	

باب چهارم در تسییرات مشتمل بر شش فصل **فصل اول** در معرفت تسییر در اعمال نجومی هیچ عملی مشهورتر از عمل تسییر نیست و انتهای احوال
کواکب است و حرکت تقویم است نه حقیقی و اهل احکام او را اعتبار تمام نمایند و احوال کیفیت عمر و حوادثات مولود سالانه از وی معلوم
نمایند و حقیقت آنست که تسییر توهم کرده شده و حرکت دلیل است از دلایل طالع ولادت به مواضع سعد و نحس اصلی و فرعی و فایده تسییر آن
خبر دادن است از امتزاج دلیل با صاحب موضع و این تسییر را تسییر اعظم گویند و کیفیت حرکت او آنست که هر یک سال شمسی یک درجه مطالع
یک موضع دلیل و هر ماه شمسی پنج دقیقه و هر روزی ده ثانیه تقریباً و [illegible] و جهت ما این تسییر عمل نمایند
واقف گردد آنچه بر مواضع سعد و نحس بر حوادثات مولود از خیر و شر استدلال کنند چنانکه شرح هر یک بتفصیل در مقاله احکام بیان کنیم
ان شاء الله تعالی و تسییر در هر درجه که باشد آن درجه را درجه قسمت گویند و صاحب حد آن درجه را اگر تسییر در درجه طالع است جان بخشنده
اگر تسییر دیگر درجات باشد قاسم خوانند و اگر تسییر کواکب بشعاع کوکبی رسد از کواکب اصلی و فرعی از ثوابت و سیاره آن کوکب را
مدبر گویند و حکم او در آن کنند بشرکت قاسم تسییر در جرم و شعاع او باشد و چون تسییر از وی گذرد باز حکم از قاسم کنند تا به انفراد **فصل دوم**
در کیفیت تسییر اعظم هر دلیلی را که خواهند تسییر کنند مطالع او را بحسب موضع آن دلیل باید معین نمایند و تسییر کنند چنانکه اگر
دلیل درجه طالع باشد بگیرند مطالع او را به بلد ولادت و بازاء هر یک سال شمسی یک درجه بر او افزایند و در جدول مطالع البروج موضعی
بلد مقوس کنند موضع تسییر درجه طالع معلوم شود و نظیر او موضع تسییر درجه سابع باشد و اگر دلیل درجه عاشر باشد مطالع او بگیرند بخط
استوا و بازاء هر یک سال شمسی یک درجه بر آن مطالع افزایند و در جدول مطالع البروج استوائی مقوس کنند موضع تسییر درجه عاشر معین
شود و نظیر او موضع تسییر درجه رابع باشد و اگر خواهند مطالع طالع بلدی را که جهت تسییر درجه طالع عمل کرده بود نه در جدول مطالع البروج
استوائی ابتدا از اول جدی مقوس کنند هم تسییر درجه عاشر معلوم شود و اگر دلیل کوکب بود چون او را عرض نباشد و بر حاق اوتاد باشد
تسییر او را مانند تسییر اوتاد عمل نمایند و اگر عرض داشته باشد چون بر درجه طالع بود به درجه طلوع او عمل کنند و اگر بر درجه عاشر یا رابع بود
به درجه ممر او و اگر بر درجه سابع باشد به درجه غروب او عمل نمایند و اگر دلیل در ما بین اوتاد باشد عمل بر درجه کنند که بیان درجه ممر
و طلوع و غروب او باشد و اعتبار نکنند درجه تقویم را چنانکه جهال کنند که احکام ایشان هرگز مطابق واقع نیفتد و این علم شریف
مردود شود و عالم این علم مطعون شود در میان خلق و او را کذاب خوانند و ندانسته که تقصیر از کیست ان شاء الله [illegible] ارباب احکام ما
براه راست هدایت کند چنانکه بطلمیوس حکیم در کلمات هشتم از کتاب ثمرة الفلک فرموده که تسییر
الدلیل اذا کان فی وسط السماء فی کل بلد بمطالع الفلک المستقیم و اذا کان فی درجة الطالع بمطالع

و آن

ذلک البلد و فیما بینهما بمطالع الدرجه علی حسب موقعها والموضعین المقابلین لهما علی حسب ذلک
و در تعیین مطالع درجه کواکب بحسب موضع دو طریق است یکی طریق مشهور است که متقدمین و ثانی طریق مشهور است که متاخرین و طریق قدما
آنست که ساعات بعد دلیل را از وتد عاشر یا رابع معلوم کنند و نسبت او را با ساعات [illegible] معلوم است و مقدار بعد میان عاشر
دلیل بخط استوا و مطالع دلیل به بلد بگیرند اگر دلیل در نصف شرقی طالع باشد یا میان مطالع نظیر دلیل به بلد اگر در نصف غربی
بود و تفاضل اعداد متناسبه اربعه است معلوم مجهول را اگر مقدار بعد دلیل باشد از آن دو وتد معلوم نمایند پس حصه بعد را بمطالع
امتزاج دلیل [illegible] نمایند بحسب موضعش چنانکه [illegible] بشرح اشاره [illegible] بتفصیل نقل کرده و طریق متقدمین
در جهت آسان است اما خالی از قصور نیست چنانکه [illegible] و طریق متاخرین تحقیق است و [illegible]
چنان است که عرض افق حادث آن دلیل را استخراج کنند و جهت عرض را معین کنند و مطالع ممر آن دلیل [illegible]
کنند و جهت عرض را معین کنند و مطالع ممر آن دلیل را بحسب موضع استخراج کنند و بمطالع عرض افق حادث تسییر کنند و هر سال یک درجه
مطلوب و تسییرات این طالع مجمله مطالع بطریقه متاخرین که بر ثانی است عمل کنیم تا طالبان را بصیرت حاصل شود ان شاء الله تعالی حسبی الله
المعین **فصل سیم** در معرفت عرض افق حادث و بیان عمل آن افق حادث عظیمه ایست که بگذرد بر سمت الرأس و بر نقطه شمال و جنوب
کند و نصف [illegible] نقطه که بگذرد بر سمت الرأس که نصف شرقی آن افق باشد و نصف النهار حادث عظیمه ایست که بقطبین
معدل النهار و قطب افق حادث گذرد و قوسی از این دایره که میان قطب معدل النهار و افق حادث افتد از جانب اقرب
از آن عرض افق حادث نامند و از تصور این دو دایره ظاهر شود که چون دلیل بر نصف شرقی افق ولادت باشد افق حادث آن دلیل
بعینه افق ولادت باشد و عرض و جهتش همان بعینه پس در این صورت تسییر دلیل بمطالع البروج افق ولادت باید کرد چنانکه گفتیم
و چون دلیل بر نصف غربی افق ولادت باشد افق حادث آن دلیل نظیر افق ولادت باشد یعنی افقی که عرض او در جنوب بعد عرض
افق ولادت باشد در شمال اگر افق ولادت از آفاق شمالی باشد و بعکس اگر از آفاق جنوبی باشد پس در این صورت تسییر دلیل بمطالع
البروج نظیر افق ولادت باید کرد و اگر دلیل بر نصف النهار بود فوق الارض یا تحت الارض همان نصف النهار بعینه که افق است
در آفاق خط استوا افق حادث آن دلیل باشد و عرض افق حادث موجود نبود پس در این صورت تسییر دلیل را بمطالع خط استوا
باید کرد و اگر دلیل بر غیر این دو دایره بود عرض افق حادث دلیل را بحسب موضعش استخراج باید کرد و آن جهت که در عرض افق ولادت است
لیکن در جهت موافق اگر کوکب در نصف شرقی باشد [illegible] ربع از [illegible] طالع [illegible] درجه اگر دلیل در نصف غربی باشد

یعنی از رابع تا عاشر از طرف جنوب و طریق دیگر آنست که اگر دلیل را عرض نباشد و بر نفس منطقة البروج باشد بعد دلیل را از عاشر
یا رابع هر کدام کمتر باشد بگیرند و آنرا تفاوت نام کنند و مطالع طالع بلد را اگر فرض درجات فرض کنند و بازاء آن میل اول
حاصل کنند پس تمام میل اول را جیب بگیرند از جدول در جیب تفاوت مخط ضرب کنند حاصل جیب بعد کوکب بود از دایره نصف
النهار پس قوس او را از جدول گرفته محفوظ خوانند پس جیب تمام تفاوت را بر جیب تمام محفوظ مخط قسمت کنند و مقوس
خارج قسمت را از جدول جیب قوس اول نامند پس میل اول درجه عاشر را معلوم کنند اگر جنوبی بود از تمام عرض بلد بکاهند
اگر شمالی بود بر او افزایند اگر از ربع زیاده شود تمام آن تا نصف دور بگیرند ارتفاع درجه عاشر معلوم شود پس قوس اول را با ارتفاع
عاشر معلوم شود پس قوس اول را با ارتفاع عاشر جمع کنند اگر تفاوت میان درجه دلیل و درجه عاشر گرفته باشند و دلیل از معدل النهار
در جهت قطب خفی باشد یا میان درجه دلیل و درجه رابع گرفته باشند و دلیل در جهت قطب ظاهر بود و اگر از ربع زیاده شود تمام آن تا نصف
دور بگیرند و در غیر این دو صورت تفاضل میان هر دو بگیرند قوس ثالث باشد پس جیب قوس ثالث را در جیب تمام محفوظ مخط ضرب کنند
حاصل جیب بعد دلیل بود از دایره اول سموت قوس او در جدول جیب بعد دلیل باشد از دایره اول سموت پس جیب تمام بعد
از دایره اول سموت حاصل کنند و آنرا جیب قوس ثالث نامند پس جیب محفوظ را در جیب عرض بلد ضرب کنند و بر جیب قوس
ثالث مخط قسمت کنند جیب عرض افق حادث حاصل شود قوس او در جدول جیب عرض افق حادث آن دلیل باشد اگر دلیل را عرض باشد
تفاوت میان مطالع ممر دلیل و مطالع رابع یا عاشر بخط استوا هر کدام کمتر باشد بگیرند و جیب تفاوت را در جیب تمام بعد
دلیل از معدل النهار مخط ضرب کنند جیب بعد دلیل از دایره نصف النهار حاصل شود قوس او در جدول جیب محفوظ باشد پس جیب
بعد دلیل از معدل النهار بر جیب تمام محفوظ قسمت کنند خارج قسمت جیب قوس اول باشد قوس او بگیرند در جدول
جیب و با عرض بلد جمع کنند اگر تفاوت میان مطالع ممر و مطالع عاشر گرفته باشند و بعد دلیل از معدل النهار در جهت قطب خفی باشد
یا میان مطالع ممر و مطالع رابع گرفته باشند و بعد دلیل از معدل النهار در جهت قطب ظاهر باشد و در غیر این دو صورت تفاضل میان
هر دو بگیرند قوس ثالث باشد و باقی اعمال را بطریقی که در کوکب عدیم العرض گفتیم بجای آرند تا عرض افق حادث دلیل حاصل شود
فصل چهارم در معرفت مطالع مسقط و درجه مسقط مطالع مسقط قوسی است از معدل النهار میان نقطه اعتدال ربیعی و تقاطع معدل
النهار با دایره افق حادث که دلیل بر او باشد پس هر دلیل که افق حادث او افق حادث باشد مطالع مسقط او همین مطالع طالع او باشد
و هر دلیل که افق حادث او نظیر افق حادث باشد مغارب او مطالع مسقط او باشد و اگر بر نصف النهار باشد فوق الارض یا تحت الارض

مطالع ممر

مطالع ممر او مطالع مسقط او باشد و هر دلیل که بر غیر این دو دایره بود تعدیل النهار او با جیب عرض افق حادث او بیرون آورند بدین
طریق که اگر دلیل را عرض نبود ظل میل اول آن جزو را در ظل عرض افق حادث آن جزو مخط ضرب کنند جیب تعدیل النهار حاصل شود
و اگر دلیل را عرض باشد ظل عرض افق حادث دلیل را در ظل بعد دلیل از معدل النهار ضرب کنند جیب تعدیل النهار حاصل شود
قوس او در جدول جیب تعدیل النهار حادث باشد پس تعدیل النهار حادث را از مطالع ممر دلیل نقصان کنند اگر بعد دلیل از معدل
النهار در جهت عرض افق حادث باشد والا بیفزایند تا مطالع مسقط دلیل حاصل شود و چون مطالع مسقط را در جدول مطالع عرض که موافق
عرض افق حادث دلیل باشد هم در مقدار و هم در جهت مقوس نمایند درجه مسقط دلیل بود موضع که آن قوس بعید از منطقة البروج بدین
نقطه اعتدال ربیعی و تقاطع منطقة البروج با دایره افق حادث که دلیل بر او باشد حاصل شود فصل پنجم در مطالع شعاعات کواکب بد
ان که چندین جهات معتمده مشهور و جمهور است که منسوب است به بطلمیوس حکیم و آن چنانست که دایره معدل النهار را ابتدا از موضع
دلیل بغیر از مطالع مسقط به دوایر میول به دوازده قسم متساوی قسمت کنند اما دایره منطقة البروج نیز بدین دوایر میول به دوازده قسم
قسمت شود و مواضع انقسام نماینده را بسبب این تقسیم از منطقة البروج اعتبار نمایند چنانکه موضع تقاطع منطقة البروج را با دایره
میلی که بعد او از موضع دلیل بقدر سدس دور باشد مطلع شعاع تسدیس خوانند و آنکه بعد او بقدر ربع دور باشد مطلع شعاع تربیع و آنکه
بقدر ثلث دور باشد مطلع شعاع تثلیث گویند اگر بر توالی بروج باشد مطلع شعاع ایمن و اگر بر خلاف توالی باشد مطلع شعاع ایسر
نامند و وجه عمل آنست که چون سدس و ربع و ثلث دور یک یک بر مطالع مسقط افزایند و در جدول عرض که موافق عرض
افق حادث دلیل باشد هم در مقدار و هم در جهت مقوس نمایند مطلع شعاع هر یک از تسدیس و تربیع و تثلیث ایمن حاصل شود
و چون سدس و ربع و ثلث دور را یک یک از مطالع مسقط نقصان کنند و باقی را هم در آن جدول مقوس نمایند مطلع شعاع هر یک
از تسدیس و تربیع و تثلیث ایسر حاصل شود و مقابله نظیر درجه مسقط باشد فصل ششم در مطارح انوار کواکب و آن منسوب است
به حکمای متاخرین و اعتبار تمام دارد و بنای این تقسیم بر آنست که هر قوسی از معدل النهار که میان افق حادث و نصف
النهار حادث باشد فوق افق حادث آن دلیل به دوایر میول به شش قسم متساوی قسمت کنند تا جمله مدارها به دوازده قسم منقسم
شود و ما عداه منطقة البروج هم بدین دوایر به دوازده قسم مختلف قسمت شود و انقسامات نماینده را بسبب این تقسیم معتبر دارند چنانکه
از تقاطع نصف النهار حادث با منطقة البروج مطرح تربیع را معین نمایند و از تقاطع بقیه دوایر بر مطرح انوار دیگر
از تسدیس و تربیع حاصل نمایند اگر بر توالی بروج باشد مطرح انوار ایسر و اگر بر خلاف توالی باشد مطرح انوار ایمن و طریق عمل آنست

کر ربع هر بر مطالع ممر دلیل افزایند تا مطالع ممر حاصل شود و از مطالع انوار کم کنند ثلث قوس میان مطالع انوار مطالع
مستقیم دلیل کرده بر مطالع مستقیم افزایند مطالع است پس این حاصل شود ثلث دوره را بر این مطالع افزایند مطالع است پس اسیر
حاصل شود پس هر یک از مطالع را در جدول فلک مستقیم ابتدا از اول جدی معکوس کنند موضع است پس این و اسیر حاصل شود و مطالع
مستقیم دلیل را در همان جدول معکوس کنند موضع تربیع این معلوم شود و نظیر است پس این تثلیث اسیر بود و نظیر است پس اسیر تثلیث
این و نظیر تربیع این تربیع اسیر باشد و نظیر درجه ممر موضع مقابله باشد والله اعلم بالصواب استخراج عرض افقی حادث کواکب
در طالع فرضیه مطالع ممر دو درجات ممر است اینجا قوس تربیع شمس ... تمام مرکز رابع ... و تفاوت ... جیب ... و مطالع
طالع ... تا قوس ... با میل اول مطالع طالع ... تمام ... جیب ... جیب بعد شمس از دایره نصف النهار ...
قوس و هو محفوظ ... تمام بعد شمس از رابع ... جیب ... تمام محفوظ ... جیب ... جیب قوس اول ...
قوس اول ... میل اول ... عرض بلد ... تمام عرض بلد ... ارتفاع ... قوس ... جیب ...
جیب بعد از اول السموت ... تا بعد شمس از دایره اول السموت ... تمام بعد شمس از اول السموت ... جیب قوس ثالث
... عرض بلد ... جیبه ... مضروب جیبین ... جیب عرض افقی حادث ... عرض افقی حادث ... شمالاً
... میل اول شمس ... ظل ... ظل عرض افقی حادث ... جیب تعدیل النهار حادث ... تعدیل النهار
... نقصان ربع ... مطالع فی البلد ... مطالع ممر ... مطالع مستقیم ... درجه ممر
... استخراج عرض افقی حادث قمر مطالع ممر شمود ... مطالع رابع شکل ... تفاوت ... جیبه ... تمام بعد قمر از معدل
النهار ... جیبه ... جیب محفوظ ... محفوظ ... تمامه ... جیبه ... جیب قوس اول
... قوس اول ... عرض بلد ... قوس ثانی ... جیبه ... جیب بعد ... بعد قمر از دایره اول السموت
... تمامه ... جیب قوس سیم ... جیب عرض بلد ... مضروب جیبین ... جیب عرض افقی حادث ...
عرض افقی حادث قمر جنوبیه ... ظل بعد قمر از معدل ... ظل عرض افقی حادث ... جیب تعدیل النهار ... تعدیل
النهار حادث ... مطالع ممر قمر ... اضافه نصف دور ... قوس سه الوقت ... درجه ممر قمر ...
استخراج عرض افقی حادث زحل مطالع ممر ... مطالع رابع شکل ... تفاوت ... جیبه ... تمام بعد زحل ...
جیبه ... جیب محفوظ ... تمامه ... جیبه تمام ... جیب قوس اول ... قوس اول ... تمام عرض

بعد له ... قوس ثانی ... جیبه ... جیب بعد ... تمام بعد زحل از اول السموت ... تمامه ... جیب قوس سیم
... جیب عرض بلد ... مضروب جیبین ... جیب عرض افقی حادث ... عرض افقی حادث زحل جنوبیه ... ظل بعد
زحل از معدل ... ظل عرض افقی حادث ... جیب تعدیل النهار ... تعدیل النهار حادث ... مطالع ممر زحل
شکل ... اضافه نصف قوس سه الوقت ... درجه ممر زحل ... استخراج عرض افقی حادث مشتری مطالع ممر ... مطالع
عاشر ... تفاوت ... جیبه ... تمام بعد مشتری ... جیبه ... جیب محفوظ ... محفوظ ... تمام
... جیبه ... جیب قوس اول ... قوس اول ... عرض بلد ... قوس ثانی ... جیبه ... جیب
بعد ... بعد مشتری از اول السموت ... تمامه ... جیب قوس سیم ... جیب عرض بلد ... مضروب جیبین
... جیب عرض افقی حادث ... عرض افقی حادث مشتری جنوبیه ... ظل بعد مشتری از معدل ... ظل عرض افقی حادث
... جیب تعدیل النهار ... تعدیل النهار حادث ... مطالع ممر مشتری ... اضافه نصف قوس
سه الوقت ... درجه ممر مشتری ... استخراج عرض افقی حادث مریخ مطالع ممر ... مطالع رابع شکل ... تفاوت ...
جیبه ... تمام بعد مریخ ... جیبه ... جیب محفوظ ... محفوظ ... تمامه ... جیبه ... جیب قوس
اول ... قوس اول ... عرض بلد ... قوس ثانی ... جیبه ... جیب بعد ... بعد مریخ از اول السموت
... تمامه ... جیب قوس سیم ... جیب عرض بلد ... مضروب جیبین ... جیب عرض افقی حادث ...
عرض افقی حادث مریخ شمالاً ... ظل بعد مریخ از معدل ... ظل عرض افقی حادث ... جیب تعدیل النهار ...
تعدیل النهار حادث ... مطالع ممر مریخ ... قوس سه الوقت ... درجه ممر مریخ ... استخراج عرض افقی
حادث زهره مطالع ممر ... مطالع عاشر ... تفاوت ... جیبه ... تمام بعد زهره ... جیبه ... جیب محفوظ
... محفوظ ... تمامه ... جیبه ... جیب قوس اول ... قوس اول ... عرض بلد ... قوس ثانی
جیبه ... جیب بعد ... بعد زهره از اول السموت ... تمامه ... جیب قوس سیم ... جیب عرض بلد
مضروب جیبین ... جیب عرض افقی حادث ... عرض افقی حادث زهره شمالاً ... ظل بعد زهره از معدل ... ظل
عرض افقی حادث ... جیب تعدیل النهار ... تعدیل النهار حادث ... مطالع ممر زهره ... قوس سه الوقت
درجه ممر زهره ... استخراج عرض افقی حادث عطارد مطالع ممر ... مطالع عاشر ... تفاوت ... جیبه ...

تمام بعد عطارد عامه جیب [illegible] محفوظ [illegible] جیب [illegible] قوس اول
[illegible] قوس اول عطارد [illegible] عرض بعد [illegible] قوس [illegible] جیب بعد [illegible] بعد عطارد از اول السرطان
[illegible] تمام [illegible] جیب قوس سهم [illegible] جیب عرض بعد [illegible] مضروب جیبین [illegible] جیب عرض افق حادث [illegible]
عرض افق حادث عطارد [illegible] بعد عطارد از معدل [illegible] عرض افق حادث [illegible] جیب تعدیل النهار [illegible]
تعدیل النهار حادث [illegible] مطالع ممر عطارد [illegible] قوس [illegible] مطالع ممر عطارد [illegible] استخراج عرض افق حادث
سهم السعادة تقویم سهم السعادة [illegible] بعد از معدل [illegible] مطالع [illegible] مطالع ممر سهم السعادة
[illegible] مطالع [illegible] حادث [illegible] جیب [illegible] تمام مطالع طالع [illegible] قوس [illegible] میل اول مطالع طالع [illegible] تمام [illegible]
جیب [illegible] جیب بعد سهم از نصف النهار [illegible] قوس [illegible] محفوظ [illegible] تمام بعد سهم از [illegible] جیب [illegible] تمام
محفوظ [illegible] جیب [illegible] جیب قوس اول [illegible] قوس اول [illegible] میل اول [illegible] تمام عرض بلد
[illegible] قوس [illegible] جیب بعد [illegible] بعد سهم از اول السرطان [illegible]
تمام [illegible] جیب قوس سهم [illegible] جیب عرض بلد [illegible] مضروب جیبین [illegible] جیب عرض افق حادث [illegible] عرض افق
حادث [illegible] میل اول سهم [illegible] عرض افق حادث [illegible] جیب تعدیل النهار [illegible] تعدیل
النهار حادث [illegible] مطالع ممر [illegible] مطالع ممر [illegible] نصف [illegible] قوس [illegible]
[illegible] سهم السعادة [illegible] استخراج مطالع شعاعات کواکب [illegible] مطالع شعاعات آفتاب مطالع ممر
[illegible] مطالع تسدیس ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تربیع ایمن [illegible] مطالع تثلیث ایمن [illegible]
قوس [illegible] مطالع تسدیس ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع تربیع ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع تثلیث ایسر [illegible]
قوس [illegible] مطالع شعاعات قمر مطالع ممر [illegible] مطالع تسدیس ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تربیع ایمن [illegible] قوس
[illegible] مطالع تثلیث ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تسدیس ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع تربیع ایسر [illegible] قوس [illegible]
تثلیث ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع شعاعات سهم السعادة مطالع ممر [illegible] مطالع تسدیس ایمن [illegible] قوس [illegible]
مطالع تربیع ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تثلیث ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تسدیس ایسر [illegible] قوس [illegible]
تربیع ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع تثلیث ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع شعاعات زحل مطالع ممر [illegible]

[illegible]

مطالع تسدیس ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تربیع ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تثلیث ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع
تسدیس ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع تربیع ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع تثلیث ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع شعاعات
مشتری مطالع ممر [illegible] مطالع تسدیس ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تربیع ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تثلیث ایمن
[illegible] قوس [illegible] مطالع تسدیس ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع تربیع ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع تثلیث ایسر [illegible] قوس [illegible]
مطالع شعاعات مریخ مطالع ممر [illegible] مطالع تسدیس ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تربیع ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تثلیث ایمن
[illegible] قوس [illegible] مطالع تسدیس ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع تربیع ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع تثلیث ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع شعاعات
زهره مطالع ممر [illegible] مطالع تسدیس ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تربیع ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تثلیث ایمن [illegible] قوس [illegible]
مطالع تسدیس ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع تربیع ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع تثلیث ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع شعاعات عطارد مطالع
ممر [illegible] مطالع تسدیس ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تربیع ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تثلیث ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تسدیس ایسر
قوس [illegible] مطالع تربیع ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع تثلیث ایسر [illegible] قوس [illegible] استخراج مطالع انوار کواکب مطالع انوار [illegible]
مطالع انوار [illegible] مطالع ممر [illegible] مطالع تسدیس ایسر [illegible] قوس [illegible] مطالع تسدیس ایسر [illegible] قوس [illegible] موضع تربیع
[illegible] موضع تثلیث ایسر [illegible] موضع تثلیث ایمن [illegible] موضع تربیع ایسر [illegible] موضع تربیع ایمن [illegible] مطالع انوار

جدول مطالع شعاعات کواکب [illegible]								
الکواکب	تسدیس	تسدیس ایسر	تربیع	تربیع ایسر	تثلیث	تثلیث ایسر	[illegible]	[illegible]
شمس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قمر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
زحل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مشتری	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مریخ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الزهره	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عطارد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سهم السعادة	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

قمر مطالع ممر [illegible] مطالع انوار [illegible] مطالع
ممر [illegible] مطالع [illegible] مطالع تسدیس
ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تسدیس ایسر [illegible]
قوس [illegible] موضع تربیع ایمن [illegible] مطالع انوار
مطالع ممر [illegible] مطالع انوار [illegible] مطالع ممر
[illegible] مطالع تسدیس
ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تسدیس ایسر [illegible]
قوس [illegible] موضع تربیع ایمن [illegible] مطالع انوار زحل
مطالع ممر [illegible] مطالع انوار [illegible] مطالع ممر [illegible] مطالع تسدیس ایمن [illegible] قوس [illegible] مطالع تسدیس ایسر [illegible]

وسرا له لم زرتیج ابن ماده مطالع انوار مشتری مطالع ممر تکا که مطالع انوار ده تا که مطالع ممتج ظلی تفاوت فه نقطه ۵ ح
مطالع تدبیس ابن فه ما وتره ده که مطالع تدبیس بیر ذ عط
وتره ده و زرتیج ابن انه ح مطالع انوار مریخ مطالع ممر ذ لط که
مطالع انوار شمط له مطالع ممتج ذ له تفاوت عد المنزله وتکا
تدبیس ابن ذتیج ذ وترده ده مطالع تدبیس بیرنا ذ وتره کرا
ذتیج ابن ده ذ مطالع انوار زهره مطالع ممر ذ ذ مطالع
ث ذ مطالع ممتج ذ له ط تفاوت فه ع لحظه ح ذ مطالع تکا
ابن ذ لمره وتره ده ه مطالع تدبیس بیر ده وتره ط له زر
تیج ابن ده ده مطالع انوار عطارد مطالع ممر ذ لام مطالع انوار
شکام مطالع ممتج ذ ده و تفاوت هو ده نقطه ل له مطالع تکا
ابن تیج ده وتره ده ه مطالع تدبیس بیر ذ ح وتره ط له زرتیج ابن ده ده استخراج عرض افق حادث ثوابت مطالع ممر ذنب قیطس جنوبی
ط ده مطالع رابع شکله تا تفاوت ه زجیبه ل لا تمام بعد از معدل ع تک جیبه ذ ح جیب محفوظ لا کا محفوظ ل ا تمام ل ا جیبه
جیب قوس اول که عرض بلد ل ذ قوس ذ ذ ط ه جیبه ه ح جیب بعد اول التعرت د تا بعد از اول التعرت د تا تمام ف کا جیب قوس تیج
نکا جیب عرض بلد له که معرفة جیبین که جیب عرض افق حادث جنوبیه کس ظل بعد معدل و که ظل عرض افق حادث که جیب
تعدیل النهار له تعدیل النهار حادث ذ مطالع ممتج ذ له اخذ نصف ور قف نله وتره الوفق ده ده در به سعود نسب قیطس جنوبی
ذ ده افق حادث نسر واقع مطالع ممر تیج مطالع رابع شکله تا تفاوت ر کا جیبه ح ا تمام بعد ذ ده بیر ح جیب محفوظ له ر
محفوظ له ه تمام ذ جیبه ل ه جیب قوس اول ده ذ قوس اول ل ه عرض بلد ل ذ قوس تیج ذ ده جیبه ذ جیب بعد ل ه
بعد از اول العرت ذ ده تمام ل ه جیب قوس تیج له ح جیب عرض بلد ل ه معرفة جیبین له لا جیب عرض افق حادث له ه عرض افق حادث
شمالی الدم ظل بعد ع که ظل عرض افق حادث ط ح جیب تعدیل النهار ا که تعدیل النهار ر ا ذ مطالع ممتج ذ ح ده در به سعود نسر واقع ر ح
درجات سعود نسر واقع البته ثوابت مرور ده علیم الاثر سالکیه ول نجوم با عرض افق حادث و کب و مطالع سعود ده واقع بنه و ما وداد برزا مطالع
و ماده حیرکند را بل اکیب نیز ده در علم النهار ا ده تمام نحفت سال در جدول ثبت کردیم تا در وقت الحکم اتاده و معیب بنه ولد تیج نصیبی

جدول مطالع انوار کواکب فی عرض ده درجه برزعم اهل بیان

اسماء کواکب						
شمس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قمر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
زحل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مشتری	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مریخ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
زهره	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عطارد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
رأس و ذنب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول عرض افق حادث ثوابت و مطالع ممتج درجه سعود در طالع مبارک فی عرض ده جهوی

جهت عرض	اسماء ثوابت	عرض افق حادث درجه دقیقه	مطالع ممر	مقومه درجه دقیقه	جهت عرض	اسماء ثوابت	عرض افق حادث درجه دقیقه	مطالع ممر	مقومه درجه دقیقه
ج	ذنب قیطس جنوبی	یا که	: له	: : ن	ش	منصرفه	ر له	له قسط	یه ط یا
ج	جناح الفرس	ح که	ط لا	: ب م	ش	زاویة العوا	که که	له قفر	یه یه ر
ج	آخر النهر	نه .	طم یه	: یه له	ش	جناح الغراب	ر که	ا قفط	ل یه ل
ج	سرة الفرس	ه ل	ر ل	ا یه له	ش	سماک رامح	لا لا	له قصط	یه یه یه
ج	مقدم الشرطین	له ا	له لا	ا و ا	ش	الرداف	ا ل	: ن	ط یه یه
ج	انف الحوت	ب له	ل لا	ا و یا	ش	سماک اعزل	ا یا	ل ه ن	ل ٧ یه
ج	سهیل یمانی	ن له	ب م	ا و ن	ش	نیر فکه	ل ل	یه ه ن	یه یه یه
ج	مؤخر الشرطین	ح له	ح ط	ا یا له	ش	رجل الشنین	ب ا	ل ر ن	که ه یه
ج	جنب المسلسلة	ح له	ل ط	ا و یا	ش	عنق الحیة	ر له	یا ه ن	که یه یه
ج	رجل المسلسلة	ل له	ل سه	ا یه و	ش	کف الخضیب	ن له	ر ل ن	یا یه ر
ج	رجل ایسر جوزا	و له	ع ع	ا ه ٩	ش	کف الشامیة	ن له	ا ر ن	بد ب یه
ج	راس الغول	ن له	کا عر	. ب ع	ش	نسر واقع	م له	یح ن	یا ا ر
ج	عین الثور	ن له	یا عر	. و .	ش	جبهة العقرب	ح ا	ه : ن	ر که ن
ج	مقدم المنطقة	ه له	ن عط	. یه یه	ش	یمین عینی العقرب	ل ا	بی ن	نه : :
ج	راس الجبار	ل ل	یه فن	. یه له	ش	قلب العقرب	ن لا	ا سب ن	یا ط ا
ج	مرفق الثریا	ن کا	یه فظ	. و ل	ش	منقار الدجاجة	٥ ا	طم عد ن	ع ٧ ی
ج	معصم الثریا	ا ل	ن فظ	. ر نا	ش	رجل قنطورس	ا که	لا فذ ن	یا : ط
ج	ید یمنی جوزا	ح لا	ق ص	. ر له	ش	نظم العقرب	ح که	ر نه ن	ا . ط
ج	شعری یمانی	لا یا	طم صا	. ٧ ل	ش	فرغ الثانی	ل که	که نه ن	ح . ط
ج	جدی	ا ل	یا فط	. ٥ ل	ش	عین الرامی	و ٧	ا ص ن	ح ط ط
ج	عیوق	یا ما	ح فه	ا ب ح	ش	نسر طائر	ح ح	ک سا ن	ی ا ط
ج	شعری شامی	له ل	له فه	. یه ح	ش	ذنب الدلفین	ح که	٩ نجم	. ک ط
ج	وسط سکف	ح ط	: قلا	ح ه یه	ش	مرفق بنات بکری	ه ا	که شک	یه یه ا
ج	فخذ الاسد	. .	لا قم	ب ب یه	و	فم الحوت الجنوبی	ه	ه شلم	ح ه ا
ج	راس بعد جوزا	ط :	یه قد	ب ٧ ل	و	منکب الدلو	ط ط	ل شلا	ک ط ا
ج	راس اسد شمالی	و .	یه قمه	ب ک ک	و	ذنب الدجاجة	ب ک	ح شلع	ن یه ا
ش	قلب الاسد	. ل	ک قح	ب ح یه	و	متن الفرس	ل که	نا شمر	ل ا ا
ش	الفرد	ه .	ح قن	ب لا یا	و	ذنب قیطس شمالی	و ک	لا شن	ط که ا
ش	ذنب الاسد	ب .	ن قن	ب لا م	و	منکب الفرس	ا ه	ن شنم	ل ا ا
ش	ضفیرة الاسد	ن یه	ک قسر	ه ب ح	و	رکبة الدجاجة	ا ل	ه شنو	م که ا

جدول تسییر درجه طالع فرخنده مطالع مبارک کهبلاج رت بیله

[illegible]	مطالع نجوم	[illegible]	[illegible]	المرقومات
ا	ید لو ما	ما ده	ب	
ب	لو	لو نه	ب	غروب قاید ر ب درجه بئر
ج	لو	ر لو	ب	
د	ما	ما د	ب	مر رجل عنز قنطورس ١٥ ع ت ما
ه	لد ما	ما نه	ب	مرکز الشمالیه ما لا ع ٥ ٥ اسقال از مریخ بسعد
و	م	ما ٤	ب	س ع م التعی ده ما نا سعادت افزای
ز	لم	مح ما	ب	
ح	٣	کا کا	ب	درجه بئر
ط	٩ ما	لا ما	ب	طلوع نسر واقع کا ا درجه بئر
ی	٦	ک ما	ب	نسر واقع ١٠
یا	٣	٨ ٤	ب	مر نیر نکره ١٧٢٥ اسقال از سعد بنحس
یب	و	لا ما	ل	
یج	ده ما	ک ک	ل	مر عنق حیه کا درجه بئر
ید	٤	ک د	ل	
یه	ا	٩ ٥	ل	غروب کفه الشمالیه ٩٦
یو	د	٩ ٩	ل	
یز	نا ما	٤ ٩	ل	غروب جبه العقرب ٤٤ جبهة العقرب کا د ز
یح	نه	ده لا ا	ل	مر جبهة العقرب ١١ ع جبهة العقرب لا د مر عنز غروب ده ع یکه الدجاجه ما اسقال از نحس بسعد
یط	٩	٤ : کا	ب	عکس جبهة العقرب : ا مبین العقرب ٤ د کا ع عنز غروب ١٠
ک	٩	ا ما	ب	غروب قلب العقرب ا د
کا	نه ما	٠ ا	ب	
کب	ن	٠ نا	ب	٥ ت د ما
کج	ن	٠ لا	ب	
کد	نا	٢ ل	ب	غروب سماک رامح ٢ تا ح ع ل ٥ :
که	نا ما	٥ ح	ب	
کو	سه	د ط	ب	مر قلب العقرب د ما د ت د ل درجه بئر
کز	سا	د نا	ب	٥٥ ل د ٩ راس د کا
کح	س	د ا	ب	
کط	سه	٤ لا	ب	قلب العقرب ع ط ا
ل	ز سه ما ٤ ما	ط کا	ب	طلوع قلب العقرب ط ا غروب ٤ ما لحیه العقرب ٥٥

بقیه جدول تسییر درجه طالع فرخنده مطالع مبارک کهبلاج رت بیله

[illegible]	مطالع نجوم	[illegible]	[illegible]	المرقومات
لا	ز سه ما ٤	ب ا	ب	طلوع ذنب الدجاجه ب ٤
لب	سو	ب ما	ب	س ع د ما ما درجه بئر اسقال از سعد بسعد
لج	سه	٩ ا	٥	سعادت افزای
لد	سح	٩ ٩	٥	
له	ما ما	٤ ٣	٥	طلوع منقار الدجاجه ١٠
لو	ع	٩ له	٥	د سه ما ما
لز	عا	٩ کا	٥	درجه بئر
لح	عد	د د	٥	مر راقص روم ٥٥ د ر ٥ ع ب الطاله د ٥ اسقال از سعد بممتزج
لط	ع ما	د د	ب	
م	عه	د نا	ب	مرکز ٣ ع ٤ ما د ب السعاله ا
ما	عو	ما نا	ب	
مب	عو	ما ٣	ب	سعادت افزای
مج	عز ما	و له	ب	د ٥ ط ٩ اسقال از ممتزج بنحس
مد	عح	کا ٩	ل	منقار الدجاجه کا ٤
مه	عط	کا و	ل	غروب زنج الثانیه کا ط ٥ ت ما ١ سعادت افزای
مو	ف	٩ ٩	ل	
مز	فا ما	کا د	ل	مر ٤ ما لحیه العقرب کا و
مح	فب	کا نا	ل	
مط	فج	ک ٩	ل	درجه بئر اسقال از نحس بنحس
ن	فه	ک ط	٤	درجه بئر
نا	فو ما	٦ لم	٤	
نب	فز	٥ ل	٤	مر راس التنین ٥ ا مر زنج الثانیه ٥ ٩
نج	فح	٤ لا ل	٤	درجه بئر اسقال از نحس بممتزج
ند	فط	لا : ط	ب	غروب نیر نکا ٩ رجل یمین قنطورس ٥ : ما
نه	قط ما	ا و	ب	طلوع نسر طایر ا ٩ درجه بئر
نو	ص	٠ و	ب	د س ل ٥ ٤ ذنب لحیه العقرب ٥ ٩ ١٠ درجه بئر زنج الثانیه ٥ ٩
نز	صا	٩ ٥	ب	درجه بئر
نح	صب	ب ٤	ب	
نط	صد	٥ ٥	ب	طلوع زنج الثانیه ٥ ٥ ع سه ل ٥ و
س	ز صه ما ل	٥ ٠	ب ٠	د ت د لا درجه بئر

جدول نسبر درجه شهر مبارک بطالع البروج خط استوی

ایام	تقویم شمس	ابعد	ساعت	المعرفات
ا	ز ل ا	ب کـ و	ب	درجه برج
ب	ل	ا ا	ب	طلوع شکب الاسد
ج	ل	[illegible]	[illegible]	اشتغال از مریخ بخبس
د	ا	ل ن	[illegible]	
ه	ل ا	ل ن	[illegible]	ق ش کو لر
و	م	[illegible]	[illegible]	غروب قلب الاسد — طلوع قلب الاسد — قلب الاسد ق — غروب قلب الاسد
ز	م	[illegible]	[illegible]	غروب جبهة الاسد — درجه برج
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شکب الاسد ق لام — قلب ق لام — اشتغال از شمس بمریخ
ط	[illegible]	[illegible]	ب	شکب الاسد
ی	[illegible]	[illegible]	ب	ر ت — سعادت افزای
یا	[illegible]	[illegible]	ب	
یب	[illegible]	[illegible]	ب	غروب سه جنوبی — مرقایه
یج	[illegible]	[illegible]	ب	
ید	[illegible]	[illegible]	ب	ق ش — ل ل
یه	[illegible]	[illegible]	ب	طلوع صفیرة الاسد — ر ش — درجه برج — اشتغال از مریخ بسعد
یو	[illegible]	[illegible]	ه	غروب راس سه شامی
یز	[illegible]	[illegible]	ه	رج
یح	نا ا	[illegible]	ه	
یط	[illegible]	[illegible]	ه	غروب شکب الاسد
ک	[illegible]	[illegible]	ه	طلوع سهیل یمانی — ر ش — سعادت افزای
کا	[illegible]	[illegible]	ه	غروب جنوح الغراب — سعادت افزای
کب	ن ا	[illegible]	ه	
کج	[illegible]	[illegible]	ه	سعادت افزای
کد	[illegible]	[illegible]	ه	طلوع صرفه — درجه برج — اشتغال از سعد بسعد
که	نا	[illegible]	[illegible]	صفیرة الاسد ق
کو	نا ا	[illegible]	[illegible]	
کز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	صرفه ق — سعادت افزای — مرکز عادی عشر
کح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	اشتغال از سعد بخبس
کط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	
ل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	درجه برج
ل	ن سه ا ه	[illegible]	[illegible]	مر صرفه

بقیه جدول نسبر درجه شهر مبارک بطالع خط استوی

ایام	تقویم شمس	ابعد	ساعت	المعرفات
لا	ن سه ا ه	[illegible]	[illegible]	مر صفیرة الاسد — طلوع زانی — درجه برج
لب	سو	[illegible]	[illegible]	
لج	سه	[illegible]	[illegible]	رج — اشتغال از شمس بخبس
لد	سج	[illegible]	[illegible]	
له	سط	[illegible]	[illegible]	
لو	ع	[illegible]	[illegible]	سهم الشرف — ق ست — درجه برج
لز	عا	[illegible]	[illegible]	مر جنوح الغراب
لح	عب	[illegible]	[illegible]	رج — سعادت افزای
لط	عج	[illegible]	[illegible]	ر ست
م	عه	[illegible]	[illegible]	ر ست — سعادت افزای
ما	عو	[illegible]	[illegible]	طلوع زاویة العوا — ق ست — اشتغال از شمس بمشتری
مب	عز	[illegible]	ب	زاویة العوا — درجه برج
مج	عح	[illegible]	ب	مر زاویة العوا — جنوح الغراب
مد	عط	[illegible]	ب	غروب صرفه
مه	عط	[illegible]	ب	طلوع جنوح الغراب
مو	ف	[illegible]	ب	
مز	فا	[illegible]	ب	غروب زاویة العوا
مح	فب	[illegible]	ب	طلوع سماک رامح — اشتغال از مریخ بسعد
مط	فج	[illegible]	[illegible]	
ن	فد	[illegible]	[illegible]	غروب سماک اعزل
نا	فه	[illegible]	[illegible]	سماک رامح
نب	فو	[illegible]	[illegible]	رامح ق — ق سماک — ر ست — مرکز سنبله
نج	فز	[illegible]	[illegible]	مر سماک اعزل
ند	فح	[illegible]	[illegible]	درجه برج
نه	فط	[illegible]	[illegible]	طلوع سماک اعزل — سماک اعزل — سعادت افزای — اشتغال از سعد بسعد
نو	ص	[illegible]	ه	سعادت افزای
نز	صا	[illegible]	ه	ر ست
نح	صب	[illegible]	ه	ق ست
نط	صج	[illegible]	ه	طلوع نیزک
س	ز صه ا	[illegible]	ه	

جدول نمبر ۲ در بروج سال مبارک بطالع البروج بلد

ایام	طالع شمس	درجه قمر	برج	المرقومات
ا	ز ل ا	ا ه لا	ـ	
ب	ل	ل ی	ـ	عمر راس الغول ل د
ج	ل	ل و	ـ	درجه بخ
د	لا	لا د	ـ	طلوع نسخ ل ه — دست ل ۵
ه	ل ا	لا کا	ـ	
و	م	لا ۹	ـ	ع ح دالسعود لا ط
ز	لم	لو	ـ	
ح	۳	لا لا	ـ	عمر رقی الثریا ک — سعد السعود ۷ ۲ — انتقال از سعد بجنس
ط	۹ ا	ک لا	ل	
ی	۴	ک لط	ل	۵ ست ۸ د
یا	۶	۹ ل	ل	غروب رجل المسلسله — رجل المسلسله ه — از ۱۷
یب	ر	ک لا	ل	درجه بخ
یج	ر ا	ک ک	ل	درجه بخ
ید	لا	ک ر	ل	سعادت افزای — انتقال از کس بجنس
یه	ل	۶ ه	ل	
یو	د	۹ ۴	ل	غروب رجل لمیر جوزا ۵ ر
یز	نا ا	۵ ۹	ل	رجل لمیر جوزا ۵ ۲
یح	ف ا	لا ا	ل	سعادت افزای — انتقال از کس بتریع
یط	ۂ	ک :	۲	
ک	۴	ا ا	۲	درجه بخ
کا	ذ ا	ا ۰	۲	طلوع جدی ۸ ۰
کب	ن	ع ۰	۲	
کج	ن	لا ۰	۲	
کد	لا	ل ۲	۲	غروب جبهة الثور ۲ و — راس الغول ۵ ۲ ۶ — جبهة الثور ه
که	ط ا	ه ه	۲	غروب مقدم المنطقه ه — انتقال از مربع بسعد
کو	س	ل د	ـ	غروب راس الغول ۹ ه — ع ست د ل
کز	سا	لط د	ـ	ذنب د ۷ — مقدم المنطقه ر — سع ل ۲
کح	س	لـ د	ـ	عمر عین الثور ک
کط	۴	لا ل	ـ	
ل	ز سه ا	لا ط .	ـ	

بقیه جدول نمبر ۲ در بروج سال مبارک بطالع بلد

ایام	طالع شمس	درجه قمر	برج	المرقومات
لا	ز سه ا ۰	ل ط	ـ	ع ۵ ل ـ لو — سعادت افزای
لب	سو	ا ا	ـ	انتقال از سعد بسعد
لج	سر	ا ۲	ه	غروب شعری یمانی ا ه
لد	سح	ن ۲	ه	طلوع عین الثور ن — غروب راس الجبار د ط — دست د ه — درجه بخ
له	لط ا	۲ ۴	ه	راس الجبار ۵ د ل
لو	ع	۶ لط	ه	۱ ر ه ا
لز	عا	ه ک	ه	عمر عیوق د ل
لح	عب	ل ل	ه	سع د ه — رقی الثریا ل — معصم الثریا ه ن — انتقال از سعد بجنس
لط	عج ا	ر ر	۲	عمر رجل لمیر جوزا ۲ — درجه بخ — ید لمیر جوزا ر ط
م	عد	ر ن	۲	ع ست المقاتل ۲ ۰ — مرکز شمس ۶
ما	عه	ل ا	۲	
مب	عو	ل ۳	۲	
مج	عز ا	۹ ل	۲	عمر مقدم المنطقه ۷ ه — ل ۹ ۴ — سعادت افزای — دست المقاتل ۹ ل
مد	عح	۷ ۶	۲	شعری یمانی ۷ ل
مه	عط	ک ۹	۲	عمر راس الجبار ر ۹ — ع ۵ ر ک ۲
مو	ف .	۹ ۹	۲	غروب مرفق الثریا ۹ ه — انتقال از کس بجنس
مز	فا ا	ک د	ل	
مح	فب	ک ط	ل	
مط	فج	ک ۲	ل	عمر ید یمین جوزا ک ط — درجه بخ
ن	فد	ک ر	ل	
نا	فه ا	۲ لط	ل	
نب	فو	۵ ل	ل	عمر جدی ۵ لا — جبهة ع ۵ و
نج	فز	۰ ک ل	ل	درجه بخ — انتقال از کس بجنس
ند	فح	۲ : ک	۲	سعادت افزای
نه	فط ا	ا ۹	۲	سعادت افزای
نو	ص	۰ ر	۲	طلوع راس الجبار ۰ و — سعادت افزای
نز	صا	۰ ه	۲	
نح	صب	۲ ۲	۲	عیوق ۲ ۲
نط	صج	ه ه	۲	عمر سهیل یمانی ه ط — دست ه و — سعادت افزای
س	ز صد ا ۰	و ۰	۲	طلوع اکو النهر د ۴

جدول نیر درجه رابع مبارک کنط ابتدا

ایام	مطالع نجم	درجه	دقیقه	ساعت	المرورات
ا	ز ل ا	ـ کا	د	د	ع ث یا ل ؛ درجه برج
ب	ل	یا	نا	د	غروب قسم حوت جزئیا که لا
ج	ل	کا	ن	د	طلوع فرغ ذنب الجدی ک ک ؛ انتقال از نحس بنحس
د	ما	ک	ن	ل	طلوع سرة الفرس که و
ه	لا ا	ک	ن	ل	
و	م	ه	:	ل	درجه برج
ز	لم	ـ کا	.	ل	ع ث کا ه ؛ انتقال از نحس بسعد
ح	ه ا	:	ه	ه	
ط	ه ا	ا	ی	ه	
ی	ن	.	ـ	ه	
یا	ه	ه	ه	ه	طلوع ذنب قیطس شمالی ا ز ؛ ر ع ه و ه
یب	و	ه	ک	ه	
یج	و ا	ه	ک	ه	غروب راس التنین ه لا ؛ د ل ه ا ه ؛ د ث ه ه
ید	[illegible]	د	ل	ه	قرص ث مجزئی د ه ؛ درجه برج
یه	[illegible]	د	لا	ه	
یو	[illegible]	ی	ا	ه	طلوع جنب المسلسلة ... طلوع ... درجه برج ... (red)
یز	نا ا	ط	ل	ه	مرقسم حوت جزئه ه ل ؛ سعادت اقترانی
یح	[illegible]	ـ	لم	ه	غروب راس الغول ه و ؛ ذنب الدجاجه ه ن
یط	[illegible]	ا	ه	ه	مرمتن الفرس ه و ؛ مرمنکب الفرس ه ط ؛ انتقال از سعد بسعد
ک	[illegible]	ه	و	ـ	
کا	نه ا	ز	ن	ـ	طلوع رجل المسلسلة ه و
کب	ن	ه	ک	ـ	انتقال از سعد بممتزج
کج	ن	و	ه	ه	مرجناح الفرس ر ا ؛ د ه ط
کد	نا	ر	ط	ه	متن الفرس ع ط ط
که	نه ا	ـ	ی	ه	مرذنب قیطس شمالی ... ؛ درجه برج ؛ انتقال از ممتزج بنحس
کو	سه	ط	ط	ی	مرکز فارس ... ؛ سعادت اقتران
کز	سا	و	ه	ی	
کح	س	ک	کا	ی	طلوع ذنب قیطس جنوبی ...
کط	سه	ک	لم	ی	ذنب قیطس شمالی ع که ؛ منکب الفرس ع ا ل
ل	ز سه ا ا	یا	لا	ی	غروب ذنب الدجاجه ... ؛ درجه برج

بقیه جدول نیر درجه رابع مبارک کنط ابتدا

ایام	مطالع نجم	درجه	دقیقه	ساعت	المرورات
لا	ز سه ا ا	که	ه	ی	غروب متن الفرس که و
لب	سه	ک	د	ی	مرذنب قیطس شمالی کو لا ؛ رکبة الدجاجه کم ؛ ع ع سه که ه ؛ سعادت اقترانی
لج	سه	ک	ن	ی	طلوع مرفق الثریا ... ؛ ر ع سه که ؛ درجه برج ؛ انتقال از نحس بنحس
لد	ع	ه	ا	ل	درجه برج
له	ط ا ا	کا	:	ل	مرسرة الفرس کا ل ؛ انتقال از نحس بسعد
لو	ع	:	:	ـ	د ث و ه ؛ ذنب قیطس جنوبی : ن
لز	عا	ا	ی	ـ	مرجناح الفرس ا ل ؛ غروب رکبة الدجاجه ن ا
لح	عه	.	ه	ـ	غروب آخر النهر ...
لط	عه ا	ه	ه	ـ	غروب منکب الفرس و لا ؛ ر ع ه ه ن
م	عه	ه	ل	ـ	سهم الدال ... ؛ ع ث ه ه ؛ ع ع ه ه ر
ما	عه	ه	لا	ـ	درجه برج ؛ انتقال از سعد بسعد
مب	عو	د	ه	ه	د ث د ل ؛ جناح الفرس ع د م
مج	عه ا	ه	ط	ه	ع ث ه د
مد	غ	ی	ن	ه	مرذنب قیطس جنوبی ط ن ؛ غروب جناح الفرس ط و
مه	عط	ـ	:	ه	طلوع فم حوت جنوبی ـ ه
مو	ف	ا	ه	ه	درجه برج ؛ انتقال از سعد بممتزج
مز	فا ا	ـ	ـ	ر	آخر النهر ...
مح	فه	ه	ه	ر	طلوع راس الغول ه له
مط	فه	ه	ه	ر	سرة الفرس ع ه که
ن	فه	ه	ک	ر	
نا	فه ا	ه	کا	ر	مرجنب المسلسلة ه لم ؛ درجه برج
نب	فو	ـ	ا	ر	غروب سرة الفرس ... مرکز ... ؛ ع ...
نج	فز	ط	ط	ر	غروب ذنب قیطس جنوبی ... ؛ طلوع مرفق الثریا ... ؛ سعادت اقترانی
ند	فح	ط	ه	ر	د ... ؛ انتقال از ممتزج بنحس
نه	فط ا	ن	و	ی	طلوع مقدم الثریا ...
نو	ص	ک	د	ی	
نز	صا	ک	ن	ی	درجه برج
نح	صب	ا	ن	ی	د ... که م ؛ انتقال از نحس بنحس
نط	صج	ک	.	ل	
س	ز صه ا ا :	ک	ه	ل	

جدول تسير درجه ممر زحل که دراین نسخه است

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	شله نه ا ه	ه ۸	ه	غروب راس التنين ه لا — دست ه ل
ب	شلو	د ۸	ه	قم حوت جزء به د ب — درجه برج
ج	شلز	ز له	ه	
د	شلح	ی ک	ه	طلوع جناح السلاط — طلوع سعد بالدلو با ب — قم سعد بالدلو طه — درجه برج
ه	شلط نه	ط ک	ه	غروب سعد بالدلو طم — سعادت افزا — سعد بالدلو ک ک
و	شم	ب ب	ه	غروب الحق و — ذنب الدجاجه ب ز — قم حوت جزء ب ل
ز	شما	ا ه	ه	قم منكب الفرس ب ل — انتقال از سعد بسعيد
ح	شمب	ب لا	ب	قم متن الفرس ب و
ط	شمج نه	ب ل	ب	
ی	شمد	ب لا	ب	طلوع رجل المسلسلة ب و
یا	شمه	ی ا	ب	د د ط — انتقال از سعد بالبرج
یب	شمو	ز له	ب	طلوع جناح الفرس ب ا
یج	شمز نه	ز ل	ب	قم ذنب قيطس شمالا ه له — متن الفرس ب ا
ید	شمح	ب ل	ب	درجه برج — انتقال از برج بحبس
یه	شمط	ل ل	ی	سعادت افزای — مركز فاس ب ۸
یو	شن	و م	ی	
یز	شنا نه	لا ب	ی	طلوع ذنب قيطس جزء ب ک ک
یح	شنب	ک ی	ی	ذنب قيطس شمالا ک ب — منكب الفرس ب ل
یط	شنج	۸ ب	ی	غروب ذنب الدجاجه ک ه — درجه برج
ک	شند	ک ی	ی	غروب متن الفرس ک و
کا	شنه نه	ک د	ی	غروب ذنب قيطس شمالا — ركبة الدجاجه ک م — ۵۵ سرطان ک ه — سعادت افزای
کب	شنو	ک ا	ی	طلوع مرفق الثريا ب ب — ه ع سه ب ک — درجه برج
کج	شنز	ب ی	ی	درجه برج — انتقال از برج بحبس
کد	شنح	ه ی	ل	قم سرة الفرس ک ل
که	شنط نه	لا نه	ل	دست ب و — ذنب قيطس جزء ب ن — انتقال از برج بسعيد
کو	ی	ی ی	ب	قم ضرع الفرس ا ب
کز	ا	ی ی	ب	غروب ركبة الدجاجه ب ل
کح	ب	ب ب	ب	غروب افر النهر ب ب — غروب منكب الفرس ب لا — ع ه ه ن
کط	ب	ب ب	ب	ع ت ه ه — سهم الکال ب ه — ۵۵ ه ه د
ل	ب نه ی ه	د	ب	درجه برج — انتقال از سعد بسعيد

در عرض اقلیم حاکمیت که ... جزء است

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	المرورات
ل	ه نه ی	د د	ه	
لب	ب	ز ب	ه	دست ز ل — ع ت ه ه — جناح الفرس ب م
لج	ز	ی ب	ه	
لد	ی	ط ب	ه	قم ذنب قيطس جزء ب ط ب — غروب جناح الفرس ط م
له	ط نه	ب ه	ه	طلوع قم حوت جزء به ب — درجه برج
لو	ب	ا ز	ه	انتقال از سعد بحرزم
لز	ا	ب ل	ب	افر النهر ب ط
لح	ب	ب ل	ب	طلوع راس الغول ب له
لط	ی نه	ب لا	ب	سرة الفرس ب ه
م	ب	ز ک	ب	
ما	ز	ی ۸	ب	قم جنب المسلسله ب ط — درجه برج
مب	ز	ز ک	ب	غروب سرة الفرس ب ه
مج	ز نه	ب ک	ب	غروب ذنب قيطس جزء ل د — ع ب السلاط ب ک — مركز ب دس ب ل — سعادت افزا
مد	ل	ل ک	ب	طلوع مرفق الثريا ل ل — دست السلاط ل ب — انتقال از برج بحبس
مه	ل	و ب	ی	طلوع مقدم الفرس ب ب
مو	و	لا ی	ی	
مز	لا نه	ک لا	ی	درجه برج
مح	ک	۸ لا	ی	
مط	۸	ک	ی	دست ک م — انتقال از برج بحبس
ن	ک	ک ی	ل	
نا	ک نه	ک ل	ل	غروب سهيل يانی ب و
نب	ک	ب	ل	
نج	ب	ی	ل	قم مقدم الفرس ب ه — قم متن الفرس ک ه — درجه برج
نه	ه	ک	ل	قم رجل المسلسلة ب — قم عيوق ک ا — انتقال از برج بسعيد
نو	لا نه	ل ی ل	ه	دست ا ب
نز	ل	ا لا	ه	
نح	لا	ه لا	ه	غروب مقدم الفرس ب ط — مقدم الفرس ه ا — غروب نطح ن ی — سعادت افزا — ب ب ل ه ه نه
نط	ل	ه ل	ه	غروب مرفق الثريا ب ب — سهيل يانی ه ه — قم مقدم الثريا ب م — مرفق الثريا ب ه
س	ل	ب لا	ه	غروب جنب المسلسله ب نه — درجه برج
سا	له نه ا ه	لا	ه	جنب المسلسلة ه

نو

جدول تسییر درجه ممتزج مشتری

ایام	طالع تحویل	درجه دقیقه	جهت	المؤثرات
ا	نکو ط	٠ کا ط	ل	درجه بر — انتقال از ... بسعد
ب	نکز	٣ ٤ و	ب	طلوع شعری شامیه ا
ج	نکح	ا کا	ب	
د	نکط	٠ ک	ب	طلوع شعری یمانیه و — سعادت افزای
ه	قل ط	٠ که	ب	طلوع وسط مکف یا
و	قلا	٣ ک	ب	مر وسط مکف ه — وسط مکف ه — سعادت افزای
ز	قلب	ه کا	ب	غروب وسط مکف د — سعادت افزای — انتقال از سعد بسعد
ح	قلج	د کا	ه	ع ه د سعادت افزای
ط	قلد ط	ر ل	ه	
ی	قله	٤ لی	ه	طلوع نحو الاسد طر
یا	قلو	ط لا	ه	
یب	قلز	ب ٣	ه	
یج	قلح ط	ا ر	ل	انتقال از سعد بنحس
ید	قلط	ب یا	ل	طلوع راس بعد شمالی ... — دم السماکه ... — درجه بر
یه	قم	٤ یه	ل	طلوع راس بعد جنوبی ... — د ست ...
یو	قما	ب ا	ل	درجه بر
یز	قمب ط	ر ه	ل	مر نحو الاسد ... — نحو الاسد ... — سعادت افزای
یح	قمج	ر یا	ل	ع ه ... — انتقال از نحس بممتزج
یط	قمد	ط ر	٣	
ک	قمه	ط ل	٣	ع ست ...
کا	قمو ط	و کا	٣	مر راس بعد جنوبی کا
کب	قمز	کا ل	٣	درجه بر — راس ... جنوبی ...
کج	قمح	ک ٣	٣	مر راس بعد شمالی ... — راس ... — درجه بر
کد	قمط	٨ ٤	٣	طلوع منکب الاسد ... — انتقال از ممتزج بنحس
که	قن ط	که ر	٤	
کو	قنا	ک ه	٤	ع ست ...
کز	قنب	٦ ٤	٤	طلوع قلب الاسد ... — مر قلب الاسد ... — غروب قلب الاسد ... — قلب الاسد ... — درجه بر
کح	قنج	٥ ٧	٤	غروب نحو الاسد ...
کط	قند ٣	کا ل	٤	مر منکب الاسد ... — منکب الاسد ... — انتقال از نحس بممتزج
ل	قنه ط ه	٤ لا	٣	

در عرض افق ساعات که ... جزء است

ایام	طالع تحویل	درجه دقیقه	جهت	المؤثرات
لا	قنو ط ه	ا ر	٣	ر ست ... — درجه بر
لب	قنز	٠ ز	٣	غروب راس بعد جنوبی ... — مر قاید ... — ع ع ...
لج	قنح	٣ د	٣	
لد	قنط	ه ر	٣	... — ع ست ...
له	قس ط	د ک	٣	طلوع صفیرة الاسد ... — ر ست ... — درجه بر — انتقال از ممتزج بسعد
لو	قسا	ر ل	ه	غروب راس بعد شمالی ...
لز	قسب	٤ ل	ه	ر ع ...
لح	قسج	ط ٤	ه	
لط	قسد ط	ا ط	ه	طلوع سهیل یمانی ... — غروب منکب الاسد ... — سعادت افزای
م	قسه	...	ه	ر ست ... — سعادت افزای
ما	قسو	٤ ل	ه	غروب جناح الغراب ...
مب	قسز	...	ه	سعادت افزای
مج	قسح ط	...	ه	طلوع صرفه ... — درجه بر — انتقال از سعد بسعد
مد	قسط	ر د	ب	صفیرة الاسد ...
مه	قع	ط ط	ب	
مو	قعا	ل ل	ب	صرفه ... — سعادت افزای — مرکز عادی مشتری ...
مز	قعب ط	...	ب	انتقال از سعد بنحس
مح	قعج	کا ...	٤	درجه بر
مط	قعد	... ر	٤	مر صرفه ...
ن	قعه	... ل	٤	طلوع ... — درجه بر
نا	قعو ط	ک ل	٤	مر صفیرة الاسد ...
نب	قعز	ک ...	٤	ر ع ... — ع ع ...
نج	قعح	...	٤	انتقال از نحس بنحس
ند	قعط	ه کا ط	ل	
نه	قف ط ه	...	ل	مر جناح الغراب ... — سهم الشرف ... — درجه بر — ع ست ...
نو	قفا	ا ل	ل	
نز	قفب	٠ ...	ل	ر ع ... — ع ع ... — سعادت افزای
نح	قفج	٣ ...	ل	ر ست ... — ر ست ... — سعادت افزای
نط	قفد	ه یا	ل	انتقال از نحس بممتزج
س	قفه ط د	د ک	٣	طلوع زاویة العوا ... — درجه بر

جدول تسییر درجه ممرّ برج

درجه	مطالع			الممرّات
ا	ن ح ل	ء ح ۹	ب	
ب	عه	۷ له	ل	غروب ربع الفرس به که و — منقار الدجاجه کا — اشتعال المریخ بجس
ج	عه	ک له	ل	ه ش ا و — سعادت افزای
د	عو	ه ه	ل	مرتفع الحجز العقرب که و
ه	عز ل	که ۷	ل	
و	عح	ک ه	ل	درجه بز — اشتعال ازنحس بجس
ز	عط	ک ط	ء	درجه بز
ح	ف	۶ ۹	ء	
ط	فا ل	۹ ز	ء	مرابض التنین ه ی — مرتفع الفرس به ام
ی	فب	ه ش	ء	
یا	فج	ء کا و	ء	
یب	فه	ط ء ۴	ب	ربع بیرون قنطورس د ما — درجه بز — اشتعال ازنحس بمریخ
یج	فو ل	ا ا	ب	غروب نیر نکر د م — طلوع نسر طایر ا و
ید	فز	. ا	ب	د ش ه . — کف الحجز العقرب ا . — درجه بز
یه	فح	و کا	ب	نجم النطح بر ۳ . — درجه بز
یو	فط	ب ک	ب	درجه بز — طلوع ربع الفرس به ه ه
یز	ظ ل	ه ک	ب	ع ش ه و
یح	ص	د ط	ب	د ش و له
یط	صا	ر د	ح	درجه بز — اشتعال ازمریخ بسعد — طلوع کف الحجز العقرب د ما — مرتفع نسر واقع د و
ک	صب	۶ ۹	ح	د ش طا
کا	صج ل	ط ح	ح	غروب عنق الحیه ط — طلوع عین الرامی ط ه — مرعین الرامی ب — عین الرامی کح — طلوع ذنب الدلفین ه
کب	صد	ح ح	ح	غروب عین الرامی ه له
کج	صه	ا د	ح	نسر طایر ا ی — سعادت افزای
کد	صو	۴ ه	ح	سعادت افزای
که	صز ل	۲ ۶	ح	سعادت افزای — اشتعال ازسعد بسعد
کو	صح	۳ ۴	ه	ع ش ه ۹
کز	ن صط	د ۹	ه	
کح	ش	ر	ه	ع ش ه و
کط	شا	ر ۶	ه	درجه بز
ل	ش ل	ط ل ۲ ح	ه	

درعرض افقی حادث که ه و ب شمالی است

درجه	مطالع			الممرّات
ا	شب ل	ط ل ه	ه	مر منقار الدجاجه ل ا — مرکز ثالث ل ا — سعادت افزای
ب	شج	و ر	ه	
ج	شد	۷ ط	ه	ع ش ه ۷ ط — درجه بز — اشتعال ازسعد بجس
د	شه	ک ه	ل	سعادت افزای
ه	شو ل	ه ه	ل	مر نسر طایر ه ل — درجه بز
و	شز	۷ ل	ل	
ز	شح	ک ک	ل	ذنب الدلفین ک . — اشتعال ازنحس بجس
ح	شط	ک ک	ء	
ط	شیا ل	۹ ا	ء	د ش ه له — درجه بز
ی	شیب	ه ل	ء	ل ء کا ل
یا	شیج	ط کا ۲	ء	سهم القاطع د . — اشتعال ازنحس بمریخ
یب	شید	ح ء ۴	ب	درجه بز
یج	شیه ل	ا ن	ب	
ید	شیو	۹ .	ب	مر ذنب الدلفین . م
یه	شیز	۲ ح	ب	
یو	شیح	ه ل	ب	مرکبه الدجاجه و کا — سعادت افزای
یز	شیط ل	د ه	ب	مرذنب الدجاجه ر ه — طلوع منکب الفرس ه ا — ع ش ه و ه — سعادت افزای — اشتعال ازمریخ بسعد
یح	شک	ر ا	ه	
یط	شکا	ء ۴	ه	
ک	شکب	ط ن	ه	
کا	شکج ل	ا ط	ه	غروب نسر طایر ا له — درجه بز
کب	شکد	ه ۷	ه	لم العقاب ه ه — اشتعال ازسعد بسعد
کج	شکه	۹ له	ح	
کد	شکو	۹ ی	ح	غروب ذنب الجدی ا و — ع ش ه ه
که	شکز ل	ر ا	ح	سعادت افزای
کو	شکح	ر ه	ح	ذنب ب ه
کز	شکط	ل ه	ح	مرکز ذنب الجدی ا و — مرکز ذنب الجدی ه ل ا
کح	شل	ل ۴	ح	غروب نسر واقع و ا — د ش و که — سعادت افزای — اشتعال ازسعد بجس
کط	شلا	۷ ء	ء	غروب منقار الدجاجه ک ا — غروب ذنب الدلفین ه ا — طلوع متن الفرس که ه — ع ش ج که ه
ل	شلب ل	ل ح ر ه	ء	مرکز رابع که د — درجه بز

جدول نیر درجه تقویم شمس که که فهار اول است

ایام	تقویم شمس	ابو ...	ج	المرصودات
ا	ز سز ل	ه یه یا	ه	
ب	سح	له لا	ه	درجه برج
ج	سط	لو ا	ه	قمر با افق روم ع ع د ر ا ، ع ساعات ده ... انتقال از سعد بممتزج
د	ع	ر ه	۲	د ساعات ...
ه	عا ل	یا ر	۲	مرکز ...
و	عب	ل یا	۲	قمر مقارن الزیج ...
ز	عج	لا یا	۲	سعادت افزای
ح	عد	یو ح	۲	د ... انتقال از ممتزج بنحس
ط	عه ل	کا له	ل	غروب زیج الثبت به ک و منتقل ...
ی	عو	ک لا	ل	ع ث ا ... سعادت افزای
یا	عز	کا یا	ل	
یب	عح	ک ر	ل	قمر ... العقرب ...
یج	عط ل	ک یا	ل	درجه برج انتقال از نحس بنحس
ید	ف	ک ه	ل	درجه برج
یه	فا	ک که	ل	
یو	فب	کو ...	ل	قمر زیج الثبت به ...
یز	فج ل	کد ...	ل	قمر ... الشنین ...
یح	فد	یط ک	ل	درجه برج انتقال از نحس بممتزج
یط	فه	ط ا ...	۲	غروب ... رجل ...
ک	فو	ا ا	۲	طلوع نسر طایر ... د ... العقرب ... درجه برج
کا	فز ل	... ک	۲	زیج الثبت ... درجه برج
کب	فح	... ک	۲	درجه برج
کج	فط	۲ کا	۲	طلوع زیج الثبت به ه ه
کد	ص	ه ر	۲	ع ... ه و
که	صا ل	و به	۲	د ث د ... درجه برج انتقال از ممتزج بسعد
کو	صب	ل ...	...	طلوع ... العقرب د ا قمر نسر واقع ...
کز	صج	... ط	...	د ث ط ا
کح	صد	ط ...	...	غروب ... طلوع ... قمر ... طلوع ...
کط	صه	... ه	...	غروب ...
ل	ز صو ل	ط ما ه	...	نسر طایر ... سعادت افزای

در عرض افق عادت ل ل که شمالی است

ایام	تقویم شمس	ابو ...	ج	المرصودات
ا	ز صز ل ط	ه ه	...	سعادت افزای
ب	صح	یه ا	...	سعادت افزای انتقال از سعد بسعد
ج	ز صط	...	ه	ع ث ...
د	ق	...	ه	
ه	قا ل	ر ا	ه	ع ث ... درجه برج
و	قب	ر ه	ه	
ز	قج	ل ه	ه	
ح	قد	ل ه	ه	مرکز ... سعادت افزای
ط	قه ل	... ر	ه	
ی	قو	ک ...	ه	ع ع ... درجه برج انتقال از سعد بنحس
یا	قز	ک ...	ل	سعادت افزای
یب	قح	ا ر	ل	قمر نسر طایر ... درجه برج
یج	قط ل	... ک	ل	
ید	قی	ک ک	ل	ذنب الدلفین ... انتقال از نحس بنحس
یه	قیا	ک کا	...	
یو	قیب	... ل	...	د ث ... درجه برج
یز	قیج ل	...	...	ل ...
یح	قید	ط ک ...	...	سهم القاطع ... انتقال از نحس بممتزج
یط	قیه	...	۲	درجه برج
ک	قیو	...	۲	
کا	قیز ل	ه یا	۲	قمر ذنب الدلفین ...
کب	قیح	۲ ...	۲	قمر کبد ...
کج	قیط	ه ل	۲	سعادت افزای
کد	قک	د م	۲	قمر ذنب ... طلوع ... العقرب ... سعادت افزای انتقال از ممتزج بسعد
که	قکا ل	ر یا	ه	
کو	قکب	ط ا	ه	
کز	قکج	...	ه	
کح	قکد	ما ک	ه	غروب نسر طایر ... درجه برج
کط	قکه	... م	ه	ل السعادة ... انتقال از سعد بسعد
ل	قکو ل	...	ه	

جدول [illegible] درجه [illegible] زهره [illegible] ابرطاع [illegible]

ایام	شمس	قمر		المحدثات
ا	ز لط لط ر	. ز	ه	
ب	و	. و	ه	مرسماک رامح سا
ج	کا	ب ل	ه	قق مه کا
د	کب	ه ک	ه	
ه	لط لط	و ه	ه	رت ده — سعادت افزای — انتقال از کرس بسعد
و	کد	ر ب	ه	راس دکا
ز	کر	ر یه	ه	قی لب ه لو — رقی مه کا
ح	کر	ی ی	ه	غروب عش الجبه ل — درجه بره
ط	لط ی	ط ل	ه	طلوع عش الجبه مه
ی	لد	مه ل	ه	عش الجبه ل (red) — انتقال از سعد بمنع
یا	کا	ا مه	ب	غروب کلف الجبهه ما — سعادت افزای
یب	ل	مه ا	ب	مرکلف الجبه مه لا
یج	لا لط	مه نا	ب	طلوع کلف الجبه و ط — کلف الجبه ه ا (red)
ید	ل	ی م	ب	طلوع کلف الشامیه ره کلف الشامیه (red) — رت ه و
یه	ل	یه ل	ب	
یو	ل	ه ل	ب	وسط طالع ما
یز	ل لط	ر ی	ب	درجه بره
یح	ل	ی نا	ب	غروب قاید ره
یط	ل	ی ی	ب	مرجوزمی قبطورس ما — ک ت ا ا — قق م العقاده ا کا
ک	ل	ا ل	ب	انتقال از منع بسعد
کا	لا لط	کا کر	مه	مرکلف الشامیه کا — رقی القوه ط ط — سعادت افزای
کب	م	و و	مه	
کج	لم	ب کا	مه	درجه بره
کد	ب	ی کا	مه	طلوع نسر واقع کا — درجه بره
که	ل لط	ی کا	مه	نسر واقع ه ا (red)
کو	ک	ا لا	مه	مرنسر [illegible] — ه ۱۷۷ — انتقال از سعد بنحس
کز	ب	کد کد	ل	
کح	و	کا ا	ل	درجه بره
کط	و	کا ی	ل	مرعش الجبه ک — افزون درجه بره
ل	ز ی لط ر	ل ر	ل	

رابع ارت درعرض افق عادت کما ز له شمالی ارت

ایام	شمس	قمر		المحدثات
لا	ز ا ه	لا ب لا	ل	غروب کلف الشامیه ۹۶
ل	و	ا لا	ل	غروب ینی عنز عرب ۹۵
ل	ا	ر لا ا	ل	طلوع جبهة العقرب کا ز — جبهة العقرب کا ز (red) — مرینی عنزعرب ه — انتقال از کرس بسعد
له	ه	ا ه ا	ب	مرجبهة العقرب ه ا — غروب جبهة العقرب ه ا — طلوع رکبة الدجاجه ه ا
ل	ه لط	ه ی	ب	طلوع ینی عنزعرب ا — ینی عنزعرب ه (red)
لو	ه	ا و	ب	غروب قلب العقرب ا و
ل	ه	. ل	ب	قق ت ه ا
ا	ر	ه ی	ب	
لا	ر لط	ب ر	ب	غروب سماک رامح ه نا — رقی ل ه
م	ه	ه ر	ب	
لم	لد	ه ر	ب	مرقلب العقرب ه ا — رت ه ل
ب	سه	ه و	ب	درجه بره — راس دکا
ید	سا لط	ر ل	ب	قق ل ه و
یه	سا	ا ه	ب	قلب العقرب ه ا (red)
یو	سه	لط ا	ب	طلوع قلب العقرب ط ا — غروب ذنب الجبه العقرب ه
یز	سه	ا ا	ب	طلوع ذنب الدجاجه ه
یح	سه لط	مه نا	ب	رقی ه ا ا
یط	سو	ا د	ب	درجه بره — انتقال از سعد بسعد
ک	سه	ه ط	ه	سعادت افزای
کا	ع	ه له	ه	طلوع منقار الدجاجه ۱۰
کب	لط لط	ه ه	ه	رت ه ا
کج	ع	ه ه	ه	درجه بره
کد	عا	ه ر	ه	مرافق روم — ق ت العقاده ه
که	عب	ر نا	ه	قق ه ه — انتقال از سعد بمنع
کو	عج لط	ر د	ب	رت العقاده — مرکز ولی ما
کز	عد	ا ط	ب	
کح	عه	لط ا	ب	سعادت افزای
کط	عو	و ک	ب	رت ه و ا — انتقال از منع بنحس
ل	عز	ا کا	ل	منقار الدجاجه کا ا (red)
لا	ز عح لط لا	کا ا	ل	غروب نسر واقع ه و — سعادت افزای

جدول سیر درجه ممتحنه علاوه کرسی ها بر طالع و که خدای

درج	مطالع	ونصف	ج	المرورات
ا	ز ه د ر	ا که	ل	ممر بر فکه که ه
ب	ه	د که	ل	
ج	ه	لا ل	ل	مر عنق الحیه که ـ درجه بئر
د	ع	ه ل	ل	
ه	ط د	ط مه	ل	غروب کف الثریا ه ع
و	ه	ه ه	ل	غروب جبین العقرب ه ل
ز	نا	ن ه	ل	جبهة العقرب ک لا ز
ح	ق	ه لا ه	ل	طلوع جبهة العقرب ک لا ز مر جبهة العقرب ه انتقال از نحس بسعد
ط	ق د	ه ه ل	ب	غروب جبهة العقرب ه ا طلوع عنز عقرب ا بین عنز عقرب ه ل
ی	به	ا ل	ب	غروب قلب العقرب ا د
یا	ه	. ه	ب	
یب	ز	ه ه	ب	ع ت ه ا
یج	ز د		ب	
ید	نا	ه ه	ب	غروب سماک رامح ه نا ع ل ه ه
یه	ط	ه ه	ب	مر قلب العقرب و ا
یو	سه	و که	ب	د ت و ل درجه بئر
یز	سا د	ر ه	ب	ع ل ه ریش که
یح	ـ	ه ه	ب	
یط	سه	ه ه	ب	طلوع قلب العقرب ه ا قلب العقرب ط ا
ک	سه	ط ه	ب	غروب ... العقرب ه ه
کا	سه د	ه ه	ب	طلوع ذنب الدجاجه ه ز
کب	سه	ا ل	ب	ع ه ا ا درجه بئر انتقال از سعد بنحس
کج	سه	ه ل	ه	سعادت افزای
کد	ع	د د	ه	
که	ط د	د ن	ه	طلوع منقار الدجاجه ه ا د سه ا
کو	ع	ه ه	ه	
کز	عا	ه م	ه	ع ... ه ا درجه بئر
کح	عه	ه ا	ه	مر ... ه م ... ه ه انتقال از سعد بممتزج
کط	ه	ه ه	ب	د ... ه ا مرکز ... ه ا
ل	ز ه د ه	ه ط	ب	

ثابت است در عرض افق حارث که له ل : شمالیات

درج	مطالع	ونصف	ج	المرورات
ا	ز عه د	ه ط ه	ب	سعادت افزای
ب	عه	ط ه	ب	د ه ه سعادت افزای
ج	عه	و نا	ب	انتقال از ممتزج بنحس
د	غ	ه ل	ل	غروب نسر الناقه به که ه منقار الدجاجه ک ا
ه	عط د	ه ل	ل	ع ت ه ا سعادت افزای
و	ف	ه ل	ل	مر ... العقرب که ه
ز	فا	ه ل	ل	
ح	ف	ه ر	ل	درجه بئر انتقال از نحس بنحس
ط	ق د	ه ط	ب	درجه بئر
ی	ه	ه ه	ب	
یا	ه	ه ن	ب	مر راس الشیطان ه ط مر نسر الناقه به ه
یب	ق	ه ه	ب	
یج	ق د	ه لا ه	ب	درجه بئر رجل ... فرس ... ا انتقال از نحس بممتزج
ید	ق ط	ه ب	ب	غارب بنات نعش ه ه
یه	ظ	ا ل	ب	طلوع نسر طایر ه د ت ه ذنب الجدی ... ا درجه بئر
یو	ص	ه ه	ب	نسر الناقه ... درجه بئر
یز	صا د	ه ل	ب	درجه بئر
یح	ـ	ب ل	ب	طلوع نسر الناقه به ه
یط	سه	ه ه	ب	ع ت ه ه
ک	سه	د و	ب	د ت ه ا درجه بئر انتقال از ممتزج بسعد
کا	سه د	ه ر	ب	طلوع ذنب الجدی العقرب ه ا مر نسر واقع ه ه
کب	سه	ه ه	ب	غروب عنق الحیه ه ـ د ت ه ا
کج	سه	ط ه	ب	طلوع عین الرامی ه عین الرامی ه ط مر عین الرامی ه طلوع ذنب الدلفین ه
کد	سع	ه ه	ب	غروب عین الرامی ه ل
که	ز سط د	ا ا	ب	سعادت افزای نسر طایر ا ا
کو	ش	ه	ب	سعادت افزای
کز	شا	ه	ب	سعادت افزای انتقال از سعد بسعد
کح	شب	ه ا	ه	ع ت ه ه
کط	شه	ه ه	ه	
ل	شه د	ط ه ه	ه	ع ت ه ه درجه بئر

جدول ... درجه ... برطالع است

درج	مطالع	...	...	الممرات
ا	شمه نه	ا ر ط	٣	طلوع جذع الفرس ر ا
ب	شمو	ر ط	٣	
ج	شمر	ا ا	٣	مر ذنب قیطس [illegible] درجه برج متن الفرس [illegible] انتقال از مرخ بجیس
د	شمح	ا ر	٤	سعادت افزای
ه	شمط نه	و د	٤	مرکز خامس [illegible]
و	شن	[illegible]	٤	
ز	شنا	[illegible]	٤	طلوع ذنب قیطس جنوبی [illegible] ذنب قیطس [illegible]
ح	شنب	[illegible]	٤	[illegible] الفرس [illegible] درجه برج
ط	شنج نه	[illegible]	٤	غروب ذنب الدجاجه [illegible]
ی	شنه	[illegible]	٤	غروب متن الفرس [illegible]
یا	شنه	[illegible]	٤	غروب ذنب قیطس [illegible] رکبة الدجاجه [illegible] سعادت افزای
یب	شنو	[illegible]	٤	طلوع مرفق الثریا [illegible] درجه برج
یج	شنز نه	[illegible]	٤	درجه برج انتقال از کس بجیس
ید	شنح	[illegible]	ل	مر سرة الفرس [illegible]
یه	شنط	[illegible]	ل	[illegible] انتقال از کس بسعد
یو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مر جذع الفرس [illegible] ذنب قیطس جنوبی [illegible]
یز	ا نه	[illegible]	[illegible]	غروب رکبة الدجاجه [illegible]
یح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	غروب ابط الفرس [illegible] غروب منکب الفرس [illegible]
یط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سهم الاول [illegible]
ک	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کا	ه نه	[illegible]	[illegible]	درجه برج انتقال از سعد بسعد
کب	[illegible]	[illegible]	ه	[illegible] جذع الفرس [illegible]
کج	[illegible]	[illegible]	ه	[illegible]
کد	[illegible]	[illegible]	ه	غروب جذع الفرس [illegible]
که	[illegible] نه	[illegible]	ه	مر ذنب قیطس جنوبی [illegible] طلوع قم حوت جنوبی [illegible]
کو	[illegible]	[illegible]	ه	درجه برج
کز	[illegible]	[illegible]	ه	انتقال از سعد بمنزع
کح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	طلوع رأس الغول [illegible] ابط الفرس [illegible]
کط	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سرة الفرس [illegible]
ل	[illegible] نه	[illegible]	٣	

درعرض افق ... ک ... جنوبی است

درج	مطالع	...	...	الممرات
ا	[illegible] نه	[illegible]	٣	
ب	[illegible]	[illegible]	٣	مر جنب المسلسله [illegible] درجه برج
ج	[illegible]	[illegible]	٣	[illegible] غروب سرة الفرس [illegible]
د	[illegible]	[illegible]	٣	غروب ذنب قیطس جنوبی [illegible] سعادت افزای مرکز سادس [illegible]
ه	[illegible] نه	[illegible]	٣	طلوع مؤخر الفرغین [illegible] انتقال از مرخ بجیس
و	[illegible]	[illegible]	٤	طلوع مقدم الفرغین [illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	٤	
ح	[illegible]	[illegible]	٤	درجه برج
ط	[illegible] نه	[illegible]	٤	
ی	[illegible]	[illegible]	٤	[illegible] انتقال از کس بجیس
یا	[illegible]	[illegible]	ل	
یب	[illegible]	[illegible]	ل	
یج	[illegible] نه	[illegible]	ل	
ید	[illegible]	[illegible]	ل	مر مقدم الفرغین [illegible] مر مؤخر الفرغین [illegible] درجه برج
یه	[illegible]	[illegible]	ل	طلوع عیوق [illegible] انتقال از کس بسعد
یو	[illegible]	[illegible]	ه	مر رجل المسلسله [illegible]
یز	[illegible] نه	[illegible]	ه	
یح	[illegible]	[illegible]	ه	غروب [illegible] سعادت افزای
یط	[illegible]	[illegible]	ه	[illegible] غروب مقدم الفرغین [illegible] مقدم الفرغین [illegible]
ک	[illegible]	[illegible]	ه	غروب مؤخر الفرغین [illegible] مؤخر الفرغین [illegible] سهیل [illegible]
کا	[illegible] نه	[illegible]	ه	غروب جنب المسلسله [illegible] جنب المسلسله [illegible] درجه برج
کب	[illegible]	[illegible]	ه	
کج	[illegible]	[illegible]	ه	
کد	[illegible]	[illegible]	ه	درجه برج انتقال از سعد بمنزع
که	[illegible] نه	[illegible]	٣	مر [illegible]
کو	[illegible]	[illegible]	٣	[illegible]
کز	[illegible]	[illegible]	٣	
کح	[illegible]	[illegible]	٣	
کط	[illegible]	[illegible]	٣	[illegible] درجه برج
ل	[illegible]	[illegible]	٣	

جدول ... درجه ممرّ سهم السعادة که ... عرض ...

ایام	تاریخ	تقویم شمس	درجه قمر	برج	الممرات
ا	قلد	لا	ب ی ه	ل	طلوع راس سهم السعادة ه نا
ب	قلح		ح ی	ل	طلوع راس سهم جزوی به ل درجه برج رت به ل
ج	قلط		د ا	ل	ممر نجم الاسد ز کی
د	قم		ز ما	ل	نجم الاسد ر ه سعادت افزای
ه	قما	لا	ز ل	ل	رجع ه ر لر انتقال از کمی بمجمع
و	قمب		ک ک	ب	
ز	قمج		ل لر	ب	ع ت و لر
ح	قمد		ح ح	ب	ممر راس سهم جزوی کا لا راس سهم جزوی ع کا ل
ط	قمه	لا	ک ع	ب	ممر راس سهم السعادة لر و راس سهم السعادة کر ه ذنب الاشر کر ه درجه برج
ی	قمو		ک نا	ب	درجه برج
یا	قمز		ه ذ	ب	طلوع منکب الاسد کر ر انتقال از مجمع بنحس
یب	قمح		ک ی	ع	
یج	قمط	لا	ک ب	ع	ع ث کر لر
ید	قن		ح ط	ع	طلوع قلب الاسد ع و ممر قلب الاسد ه ر غروب قلب الاسد ه ل قلب الاسد ع ه ر درجه برج
یه	قنا		ه ه	ع	غروب نجم الاسد ه ه
یو	قنب		ب کا ل	ع	قایلة لا ه منکب الاسد ل م انتقال از کمی بمجمع
یز	قنج	لا	ه ی ح	ب	ممر منکب الاسد ی ک
یح	قند		ا ه	ب	رت ... سعادت افزای
یط	قنه		ی ه	ب	غروب راس سهم جزوی ه ی ممر فایه و ک ع ع ب ی ر
ک	قنو		ی ه	ب	
کا	قنز	لا	ب ه	ب	ع ث ه لر ه ه
کب	قنح		ی ه	ب	رث ه ه
کج	قنط		ه ن	ب	طلوع صفیرة الاسد ه ب درجه برج انتقال از مجمع بسعد
کد	قس		ب ی	ه	غروب راس سهم السعادة ی ه
که	قسا	لا	ط ل	ه	رجع ب ط ر
کو	قسب		ب ر	ه	
کز	قسج		ا که	ه	طلوع سهیل یا ه ه غروب منکب الاسد ا سعادت افزای
کح	قسد		ه ل	ه	سعادت افزای رث ه ل
کط	قسه		ی ل	ه	غروب جناح الغراب ه ه
ل	قسو	لا	ه ب ه ه	ه	سعادت افزای

درعرض افق حارث که ه له ا جزوی است

ایام	تاریخ	تقویم شمس	درجه قمر	برج	الممرات
لا	قسز	لا ه	ی ه ی	ه	طلوع صرفه ر ما ل ر ط درجه برج انتقال از سعد بسعد
لب	قسح		ب ی	ب	صفیرة الاسد ب ر
لج	قسط		ل ی	ب	
لد	قع		ل ی	ب	صرفه و ما سعادت افزای
له	قعا	لا	ه ه	ب	مرکز عاوی عشره ه انتقال از سعد بنحس
لو	قعب		ک لا	ع	
لز	قعج		ک لا	ع	درجه برج
لح	قعد		ه و	ع	ممر صرفه له ه
لط	قعه	لا	ک ذ	ع	ممر صفیرة الاسد کر ل طلوع رابع ا درجه برج
م	قعو		ک ه	ع	
ما	قعز		ح ب	ع	رجع ب ی ذ ع ع ه ی ک انتقال از نحس بنحس
مب	قعح		ک ل	ل	
مج	قعط	لا ه	کر ی	ل	سهم الزنف ه ی
مد	قف	د	ی ل	ل	ممر جناح الغراب ال درجه برج ع ث ی و
مه	قفا		ا ی	ل	
مو	قفب		ه ی	ل	رجع ی ه ط ع ع ه ی ذ سعادت افزای
مز	قفج	لا	ب ی	ل	رث ب ه رث ه ه
مح	قفد		ه ی	ل	ع ث ه ه سعادت افزای انتقال از نحس بمجمع
مط	قفه		د ر	ب	طلوع زاویة العواء ر کر زاویة العواء ه درجه برج
ن	قفو		ر کر	ب	
نا	قفز	لا	ی ل	ب	غروب صرفه ما ذ جناح الغراب ی ل ممر زاویة العواء ی له
نب	قفح		ط م	ب	
نج	قفط		ب و	ب	طلوع جناح الغراب ب ذ
ند	قص		ا ذ	ب	غروب زاویة العواء ی ه
نه	قصا	لا	ه ی	ب	طلوع سماک رامح ی ذ انتقال از مجمع بسعد
نو	قصب		ب ی	ب	
نز	قصج		ی ما	ب	غروب سماک اعزل ر و
نح	قصد		ر ر	ب	سماک رامح ر ب
نط	قصه		ر ل	ب	رامح ع ه ط رث ع ه یا کر مرکز ذ عشر ما لر ع ث ع ه ب
س	قصو	لا ه ی	لا	ب	ممر سماک اعزل ط ه

باب پنجم در بیان اعمال متعلقه بمیلادات از انتهاآت و فردارات و طالع تحویلات و غیره مشتمل بر پنج فصل **فصل اول** در انتهاآت بدان انتها عبارت از برجی است که نوبت باو رسد از طالع ولادت برای احکام و صاحب آن برج را سال خداه خوانند و اهل فرس در این اعتقاد عظیم دارند و گویند که جمیع طالع اهل را انتها و تحویل دینار سر باشد بعضی شش دانگ سه دانگ حصه طالع اهل باشد و دو دانگ حصه انتها و یکدانگ حصه تحویل پس اگر بعضی اقتضای خیر کند و بعضی اقتضای شر حکم بر آن کنند که عدد او بیشتر باشد چنانکه شرح او را به تفصیل در مقالات احکام بیان کنیم و کیفیت تسییر انتها بر سه گونه است **اول** تسییر اکبر است که در یک سال شمسی یکبرج رود و در ماهی دو درجه و بیست و هشت دقیقه و در روزی پنج دقیقه تقریباً و برج انتها عبارت از این تسییر است و صاحب او را سال خداه و رب السنه هم خوانند و این تسییر را تسییر سنوی نیز گویند و انتهاء اکبر هم نامند و احکام سال از او می کنند **دوم** تسییر اوسط و آن بر دو نوع است یکی آنکه در یک سال شمسی سیزده برج رانند و در ماهی یکبرج و دو درجه و سی و دو دقیقه و در روزی یک درجه و چهار دقیقه تقریباً و احکام هر ماه از او کنند و این تسییر را تسییر شهوری گویند و انتهاء اوسط هم نامند دوم آنکه هر روز مقدار سیر وسط شمس که پنجاه و نه دقیقه و هشت ثانیه است تسییر کنند و این نوع بقیاس اقرب است بطریق اول برج انتها در سالی دو مرتبه تسییر میشود و بطریق ثانی یکمرتبه و معلوم است که در یک سال یک تسییر را دو نوبت کردن خوب نیست دیگر مرتبه بهتر است **سیم** تسییر اصغر است که از درجه برج انتها رانند هر ماه سیزده برج و کسری و هر روز سیزده درجه و کسری و این تسییر را تسییر یومی گویند و انتهاء اصغر هم خوانند و احکام هر ماه بخصوص از او کنند تا اهل احکام این تسییر یومی را بجهة سرعت حرکت کمتر بکار دارند و بر آن چندان اعتماد نکنند و در احکام هر روزه با انتهای اوسط و تسییر شهوری و اوقات طالع تحویل و نظرات قمر با کواکب کفا کنند

و ما در این طالع میمون مبارک او را در جدولها با کواکب
سبعه دائم السعاده از وقت ولادت تا تمام
شصت سال بتسییر اکبر عمل کرده در جدول
وضع نمودیم تا در وقت احکام مستحضر
حسبنا الله و نعم الوکیل

انتهای طالع مبارک در سال ۱ و ۱۳ و ۲۵ و ۳۷ و ۴۹

شهور	[illegible]	[illegible]	المرقومات
ا	د ه ا	٠	
ب	ا د	٠	[illegible]
ج	ح ا	٠	
د	٠ ا	٠	[illegible]
ه	ک ا	ل	
و	د ه ا	ل	[illegible]
ز	[illegible]	٠	[illegible]
ح	٠ ق	٠	[illegible]
ط	٠ ٧	٠	[illegible]
ی	[illegible]	٠	[illegible]
یا	[illegible]	٠	[illegible]
یب	[illegible]	٠	[illegible]
[illegible]	[illegible]	٠	

انتهای طالع مبارک در سال ۲ و ۱۴ و ۲۶ و ۳۸ و ۵۰

شهور	[illegible]	[illegible]	المرقومات
ا	[illegible]	٠	[illegible]
ب	ا د	٠	
ج	ح ا	٠	[illegible]
د	٠ ا	ل	[illegible]
ه	ک ا	ل	
و	[illegible]	ل	
ز	[illegible]	٠	[illegible]
ح	٠ ق	٠	[illegible]
ط	٠ ٧	٠	[illegible]
ی	[illegible]	٠	[illegible]
یا	[illegible]	٠	[illegible]
یب	[illegible]	٠	[illegible]
[illegible]	[illegible]	٠	

انتهای طالع مبارک در سال ۳ و ۱۵ و ۲۷ و ۳۹ و ۵۱

شهور	[illegible]	[illegible]	المرقومات
ا	[illegible]	٠	[illegible]
ب	ا د	٠	
ج	ح ا	٠	[illegible]
د	٠ ا	ل	
ه	ک ا	ل	[illegible]
و	[illegible]	ل	[illegible]
ز	[illegible]	٠	
ح	٠ ق	٠	
ط	٠ ٧	٠	[illegible]
ی	[illegible]	٠	
یا	[illegible]	٠	
یب	[illegible]	٠	[illegible]
[illegible]	[illegible]	٠	

انتهای طالع مبارک در سال ۴ و ۱۶ و ۲۸ و ۴۰ و ۵۲

شهور	[illegible]	[illegible]	المرقومات
ا	[illegible]	٠	
ب	ا د	٠	[illegible]
ج	ح ا	[illegible]	[illegible]
د	٠ ا	[illegible]	[illegible]
ه	ک ا	ل	[illegible]
و	[illegible]	ل	[illegible]
ز	[illegible]	٠	
ح	٠ ق	٠	[illegible]
ط	٠ ٧	٠	[illegible]
ی	[illegible]	٠	[illegible]
یا	[illegible]	٠	[illegible]
یب	[illegible]	٠	
[illegible]	[illegible]	٠	

انتهای طالع مبارک در سال ۵ و ۱۷ و ۲۹ و ۴۱ و ۵۳

برج	درجه دقیقه	[illegible]	المرصودات
۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲	[illegible]	[illegible]	متن الفرس [illegible]
۳	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۶	[illegible]	[illegible]	
۷	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۸	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۹	[illegible]	[illegible]	جناح الفرس [illegible]
۱۰	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۱	[illegible]	[illegible]	
۱۲	[illegible]	[illegible]	سرة الفرس [illegible] آخر النهر [illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای طالع مبارک در سال ۶ و ۱۸ و ۳۰ و ۴۲ و ۵۴

برج	درجه دقیقه	[illegible]	المرصودات
۱	[illegible]	[illegible]	
۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳	[illegible]	[illegible]	
۴	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵	[illegible]	[illegible]	
۶	[illegible]	[illegible]	
۷	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۸	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۰	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۲	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای طالع مبارک در سال ۷ و ۱۹ و ۳۱ و ۴۳ و ۵۵

برج	درجه دقیقه	[illegible]	المرصودات
۱	[illegible]	[illegible]	
۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵	[illegible]	[illegible]	
۶	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۷	[illegible]	[illegible]	
۸	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۰	[illegible]	[illegible]	
۱۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای طالع مبارک در سال ۸ و ۲۰ و ۳۲ و ۴۴ و ۵۶

برج	درجه دقیقه	[illegible]	المرصودات
۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲	[illegible]	[illegible]	
۳	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴	[illegible]	[illegible]	
۵	[illegible]	[illegible]	
۶	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۷	[illegible]	[illegible]	
۸	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۰	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۱	[illegible]	[illegible]	
۱۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای طالع مبارک در سال ۹ و ۲۱ و ۳۳ و ۴۵ و ۵۷

برج	درجه دقیقه	[illegible]	المرصودات
۱	[illegible]	[illegible]	
۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴	[illegible]	[illegible]	
۵	[illegible]	[illegible]	
۶	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۷	[illegible]	[illegible]	
۸	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۰	[illegible]	[illegible]	
۱۱	[illegible]	[illegible]	
۱۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای طالع مبارک در سال ۱۰ و ۲۲ و ۳۴ و ۴۶ و ۵۸

برج	درجه دقیقه	[illegible]	المرصودات
۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۶	[illegible]	[illegible]	
۷	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۸	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۰	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۲	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای طالع مبارک در سال ۱۱ و ۲۳ و ۳۵ و ۴۷ و ۵۹

برج	درجه دقیقه	[illegible]	المرصودات
۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳	[illegible]	[illegible]	
۴	[illegible]	[illegible]	
۵	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۶	[illegible]	[illegible]	
۷	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۸	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۰	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۱	[illegible]	[illegible]	
۱۲	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای طالع مبارک در سال ۱۲ و ۲۴ و ۳۶ و ۴۸ و ۶۰

برج	درجه دقیقه	[illegible]	المرصودات
۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۳	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۴	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۵	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۶	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۷	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۸	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۹	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۰	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۱	[illegible]	[illegible]	[illegible]
۱۲	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای ماشر مبارک در سال ۱ و ۱۳ و ۲۵ و ۳۷ و ۴۹

الشهر	برج	ع	المعرات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کز	[illegible]	[illegible]	

انتهای ماشر مبارک در سال ۲ و ۱۴ و ۲۶ و ۳۸ و ۵۰

الشهر	برج	ع	المعرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کز	[illegible]	[illegible]	

انتهای ماشر مبارک در سال ۳ و ۱۵ و ۲۷ و ۳۹ و ۵۱

الشهر	برج	ع	المعرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کز	[illegible]	[illegible]	

انتهای ماشر مبارک در سال ۴ و ۱۶ و ۲۸ و ۴۰ و ۵۲

الشهر	برج	ع	المعرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کز	[illegible]	[illegible]	

انتهای ماشر مبارک در سال ۵ و ۱۷ و ۲۹ و ۴۱ و ۵۳

الشهر	برج	ع	المعرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کز	[illegible]	[illegible]	

انتهای ماشر مبارک در سال ۶ و ۱۸ و ۳۰ و ۴۲ و ۵۴

الشهر	برج	ع	المعرات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کز	[illegible]	[illegible]	

انتهای ماشر مبارک در سال ۷ و ۱۹ و ۳۱ و ۴۳ و ۵۵

الشهر	برج	ع	المعرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
کز	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای ماشر مبارک در سال ۸ و ۲۰ و ۳۲ و ۴۴ و ۵۶

الشهر	برج	ع	المعرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
کز	[illegible]	[illegible]	

انتهای رابع مبارک در سال ۱ و ۱۳ و ۲۵ و ۳۷ و ۴۹

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
سنه	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای رابع مبارک در سال ۲ و ۱۴ و ۲۶ و ۳۸ و ۵۰

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای رابع مبارک در سال ۳ و ۱۵ و ۲۷ و ۳۹ و ۵۱

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای رابع مبارک در سال ۴ و ۱۶ و ۲۸ و ۴۰ و ۵۲

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای عاشر مبارک در سال ۹ و ۲۱ و ۳۳ و ۴۵ و ۵۷

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای عاشر مبارک در سال ۱۰ و ۲۲ و ۳۴ و ۴۶ و ۵۸

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای عاشر مبارک در سال ۱۱ و ۲۳ و ۳۵ و ۴۷ و ۵۹

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای عاشر مبارک در سال ۱۲ و ۲۴ و ۳۶ و ۴۸ و ۶۰

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای رابع مبارک در سال ۵ و ۱۷ و ۲۹ و ۴۱ و ۵۳

المرئیات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	[illegible]	[illegible]	ا
	[illegible]	[illegible]	ب
جدی ۵۵	[illegible]	[illegible]	ج
	[illegible]	[illegible]	د
عیوق ۴۲	[illegible]	[illegible]	ه
رت ، ع ث دلا	[illegible]	[illegible]	و
ع [illegible]	[illegible]	[illegible]	ز
	[illegible]	[illegible]	ح
رت ۴۵ [illegible]	[illegible]	[illegible]	ط
	[illegible]	[illegible]	ی
	[illegible]	[illegible]	یا
ع ث حا	[illegible]	[illegible]	یب
	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای رابع مبارک در سال ۶ و ۱۸ و ۳۰ و ۴۲ و ۵۴

المرئیات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
رت [illegible]	[illegible]	[illegible]	ا
	[illegible]	[illegible]	ب
دسکلا ، ع ث ۵ له	[illegible]	[illegible]	ج
	[illegible]	[illegible]	د
	[illegible]	[illegible]	ه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	و
	[illegible]	[illegible]	ز
	[illegible]	[illegible]	ح
رت [illegible]	[illegible]	[illegible]	ط
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای رابع مبارک در سال ۷ و ۱۹ و ۳۱ و ۴۳ و ۵۵

المرئیات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	[illegible]	[illegible]	ا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ج
رت [illegible]	[illegible]	[illegible]	د
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	و
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ز
	[illegible]	[illegible]	ح
رت [illegible]	[illegible]	[illegible]	ط
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یب
	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای رابع مبارک در سال ۸ و ۲۰ و ۳۲ و ۴۴ و ۵۶

المرئیات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	[illegible]	[illegible]	ا
	[illegible]	[illegible]	ب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ج
[illegible]	[illegible]	[illegible]	د
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	و
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ز
	[illegible]	[illegible]	ح
	[illegible]	[illegible]	ط
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یب
	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای رابع مبارک در سال ۹ و ۲۱ و ۳۳ و ۴۵ و ۵۷

المرئیات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ج
ع ث [illegible]	[illegible]	[illegible]	د
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	و
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ز
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ح
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ط
	[illegible]	[illegible]	ی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یب
	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای رابع مبارک در سال ۱۰ و ۲۲ و ۳۴ و ۴۶ و ۵۸

المرئیات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا
	[illegible]	[illegible]	ب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ج
[illegible]	[illegible]	[illegible]	د
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	و
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ز
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ح
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ط
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یب
	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای رابع مبارک در سال ۱۱ و ۲۳ و ۳۵ و ۴۷ و ۵۹

المرئیات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا
	[illegible]	[illegible]	ب
	[illegible]	[illegible]	ج
[illegible]	[illegible]	[illegible]	د
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	و
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ز
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ح
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ط
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ی
	[illegible]	[illegible]	یا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یب
	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای رابع مبارک در سال ۱۲ و ۲۴ و ۳۶ و ۴۸ و ۶۰

المرئیات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
	[illegible]	[illegible]	ا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ج
	[illegible]	[illegible]	د
	[illegible]	[illegible]	ه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	و
	[illegible]	[illegible]	ز
	[illegible]	[illegible]	ح
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ط
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یب
	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای سن مبارک در سال ۱ و ۱۳ و ۲۵ و ۳۷ و ۴۹			
شهور	[illegible]	[illegible]	المرادات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای سن مبارک در سال ۲ و ۱۴ و ۲۶ و ۳۸ و ۵۰			
شهور	[illegible]	[illegible]	المرادات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای سن مبارک در سال ۳ و ۱۵ و ۲۷ و ۳۹ و ۵۱			
شهور	[illegible]	[illegible]	المرادات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای سن مبارک در سال ۴ و ۱۶ و ۲۸ و ۴۰ و ۵۲			
شهور	[illegible]	[illegible]	المرادات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای سن مبارک در سال ۵ و ۱۷ و ۲۹ و ۴۱ و ۵۳			
شهور	[illegible]	[illegible]	المرادات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای سن مبارک در سال ۶ و ۱۸ و ۳۰ و ۴۲ و ۵۴			
شهور	[illegible]	[illegible]	المرادات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای سن مبارک در سال ۷ و ۱۹ و ۳۱ و ۴۳ و ۵۵			
شهور	[illegible]	[illegible]	المرادات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای سن مبارک در سال ۸ و ۲۰ و ۳۲ و ۴۴ و ۵۶			
شهور	[illegible]	[illegible]	المرادات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای زحل مبارک در سال ۱ و ۱۳ و ۲۵ و ۳۷ و ۴۹

شهور	رؤیت	یوم	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کبـ	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای زحل مبارک در سال ۲ و ۱۴ و ۲۶ و ۳۸ و ۵۰

شهور	رؤیت	یوم	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کبـ	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای زحل مبارک در سال ۳ و ۱۵ و ۲۷ و ۳۹ و ۵۱

شهور	رؤیت	یوم	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کبـ	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای زحل مبارک در سال ۴ و ۱۶ و ۲۸ و ۴۰ و ۵۲

شهور	رؤیت	یوم	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کبـ	[illegible]	[illegible]	

انتهای سابع مبارک در سال ۹ و ۲۱ و ۳۳ و ۴۵ و ۵۷

شهور	رؤیت	یوم	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کبـ	[illegible]	[illegible]	

انتهای سابع مبارک در سال ۱۰ و ۲۲ و ۳۴ و ۴۶ و ۵۸

شهور	رؤیت	یوم	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
کبـ	[illegible]	[illegible]	

انتهای سابع مبارک در سال ۱۱ و ۲۳ و ۳۵ و ۴۷ و ۵۹

شهور	رؤیت	یوم	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کبـ	[illegible]	[illegible]	

انتهای سابع مبارک در سال ۱۲ و ۲۴ و ۳۶ و ۴۸ و ۶۰

شهور	رؤیت	یوم	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
کبـ	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای زحل مبارک در سال ۵ و ۱۷ و ۲۹ و ۴۱ و ۵۳

المرورات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ب
	[illegible]	[illegible]	ج
[illegible]	[illegible]	[illegible]	د
	[illegible]	[illegible]	ه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	و
	[illegible]	[illegible]	ز
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ح
	[illegible]	[illegible]	ط
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ی
	[illegible]	[illegible]	یا
	[illegible]	[illegible]	یب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	سنه

انتهای زحل مبارک در سال ۶ و ۱۸ و ۳۰ و ۴۲ و ۵۴

المرورات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا
	[illegible]	[illegible]	ب
	[illegible]	[illegible]	ج
[illegible]	[illegible]	[illegible]	د
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ه
	[illegible]	[illegible]	و
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ز
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ح
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ط
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یب
	[illegible]	[illegible]	سنه

انتهای زحل مبارک در سال ۷ و ۱۹ و ۳۱ و ۴۳ و ۵۵

المرورات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ج
	[illegible]	[illegible]	د
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ه
	[illegible]	[illegible]	و
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ز
	[illegible]	[illegible]	ح
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ط
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	سنه

انتهای زحل مبارک در سال ۸ و ۲۰ و ۳۲ و ۴۴ و ۵۶

المرورات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ب
	[illegible]	[illegible]	ج
	[illegible]	[illegible]	د
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	و
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ز
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ح
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ط
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یب
	[illegible]	[illegible]	سنه

ربع

انتهای زحل مبارک در سال ۹ و ۲۱ و ۳۳ و ۴۵ و ۵۷

المرورات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ج
[illegible]	[illegible]	[illegible]	د
	[illegible]	[illegible]	ه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	و
	[illegible]	[illegible]	ز
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ح
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ط
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	سنه

انتهای زحل مبارک در سال ۱۰ و ۲۲ و ۳۴ و ۴۶ و ۵۸

المرورات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ج
[illegible]	[illegible]	[illegible]	د
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	و
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ز
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ح
	[illegible]	[illegible]	ط
	[illegible]	[illegible]	ی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یب
	[illegible]	[illegible]	سنه

انتهای زحل مبارک در سال ۱۱ و ۲۳ و ۳۵ و ۴۷ و ۵۹

المرورات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ب
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ج
[illegible]	[illegible]	[illegible]	د
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ه
	[illegible]	[illegible]	و
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ز
	[illegible]	[illegible]	ح
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ط
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ی
	[illegible]	[illegible]	یا
	[illegible]	[illegible]	یب
	[illegible]	[illegible]	سنه

انتهای زحل مبارک در سال ۱۲ و ۲۴ و ۳۶ و ۴۸ و ۶۰

المرورات	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ا
	[illegible]	[illegible]	ب
	[illegible]	[illegible]	ج
[illegible]	[illegible]	[illegible]	د
	[illegible]	[illegible]	ه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	و
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ز
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ح
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ط
[illegible]	[illegible]	[illegible]	ی
	[illegible]	[illegible]	یا
[illegible]	[illegible]	[illegible]	یب
	[illegible]	[illegible]	سنه

شهور		ج	المرورات
ابتدای مشتری مبارک در سال ۱ و ۱۳ و ۲۵ و ۳۷ و ۴۹			
ا	ه کلط	ل	
ب	ب ال	ب	
ج	ب ب	ب	وسط حکمت ه ل
د	د ٤	ه	[illegible]
ه	ط ا	ه	
و	ا لا	ل	[illegible]
ز	ه و	ل	[illegible]
ح	ز له	ل	[illegible]
ط	ط .	ب	[illegible]
ی	کا ل	ب	[illegible]
یا	٩ ن	ب	
یب	ک ک	ک	[illegible]
جمع	ه ٥ ق	ک	

شهور		ج	المرورات
ابتدای مشتری مبارک در سال ۲ و ۱۴ و ۲۶ و ۳۸ و ۵۰			
ا	ب کلط	ک	[illegible]
ب	د ا ل	ب	[illegible]
ج	ب ب	ب	[illegible]
د	د ٤	ب	[illegible]
ه	ط ا	ه	[illegible]
و	ا لا	ه	[illegible]
ز	ه ل	ه	[illegible]
ح	ز له	ه	[illegible]
ط	ط .	ب	[illegible]
ی	کا ل	ک	
یا	٩ ن	ک	
یب	ک ک	ک	[illegible]
جمع	ه ٥ ق	ل	

شهور		ج	المرورات
ابتدای مشتری مبارک در سال ۳ و ۱۵ و ۲۷ و ۳۹ و ۵۱			
ا	ه کلط	ل	[illegible]
ب	د ا ل	ل	[illegible]
ج	ب ب	ل	[illegible]
د	د ٤	ب	[illegible]
ه	ط ا	ب	
و	ا لا	ب	
ز	ه ل	ب	
ح	ز له	ب	[illegible]
ط	ط .	ب	
ی	کا ل	ه	[illegible]
یا	٩ ن	ه	[illegible]
یب	ک ک	ه	[illegible]
جمع	ه ٥ ق	ک	

شهور		ج	المرورات
ابتدای مشتری مبارک در سال ۴ و ۱۶ و ۲۸ و ۴۰ و ۵۲			
ا	ه کلط	ک	[illegible]
ب	ر ا ل	ک	[illegible]
ج	ب ب	ک	[illegible]
د	د ٤	ک	[illegible]
ه	ط ا	ه	[illegible]
و	ا لا	ب	[illegible]
ز	ه ل	ب	[illegible]
ح	ز له	ب	[illegible]
ط	ط .	ب	[illegible]
ی	کا ل	ب	[illegible]
یا	٩ ن	ب	[illegible]
یب	ک ک	ل	
جمع	ه ٥ ق	ل	

شهور		ج	المرورات
ابتدای مشتری مبارک در سال ۵ و ۱۷ و ۲۹ و ۴۱ و ۵۳			
ا	ه کلط	ل	[illegible]
ب	ه ا ل	ب	[illegible]
ج	ب ب	ب	[illegible]
د	د ٤	ب	[illegible]
ه	ط ا	ب	[illegible]
و	ا لا	ب	
ز	ه و	ه	[illegible]
ح	ز لا	ه	[illegible]
ط	ط .	ب	[illegible]
ی	کا ل	ل	[illegible]
یا	٩ ن	ل	
یب	ک ک	ک	
جمع	ه ٥ ق	ک	

شهور		ج	المرورات
ابتدای مشتری مبارک در سال ۶ و ۱۸ و ۳۰ و ۴۲ و ۵۴			
ا	ه کلط	ک	[illegible]
ب	ط ا ل	ب	[illegible]
ج	ب ب	ب	[illegible]
د	د ٤	ب	[illegible]
ه	ط ا	ب	[illegible]
و	ا لا	ب	[illegible]
ز	ه و	ه	[illegible]
ح	ز له	ه	
ط	ط .	ه	
ی	کا ل	ه	[illegible]
یا	٩ ن	ل	[illegible]
یب	ک ک	ک	[illegible]
جمع	ط ٥ ق	ک	

شهور		ج	المرورات
ابتدای مشتری مبارک در سال ۷ و ۱۹ و ۳۱ و ۴۳ و ۵۵			
ا	ط کلط	ک	[illegible]
ب	ب ا ل	ب	
ج	ب ب	ب	
د	د ٤	ب	[illegible]
ه	ط ا	ه	
و	ا لا	ه	[illegible]
ز	ه و	ب	[illegible]
ح	ز له	ب	
ط	ط .	ب	[illegible]
ی	کا ل	ک	[illegible]
یا	٩ ن	ک	
یب	ک ک	ل	[illegible]
جمع	ب ٥ ق	ل	[illegible]

شهور		ج	المرورات
ابتدای مشتری مبارک در سال ۸ و ۲۰ و ۳۲ و ۴۴ و ۵۶			
ا	ب کلط	ل	
ب	ا ا ل	ب	[illegible]
ج	ب ب	ه	[illegible]
د	د ٤	ه	
ه	ط ا	ه	[illegible]
و	ا لا	ب	
ز	ه و	ب	[illegible]
ح	ز له	ب	[illegible]
ط	ط .	ک	
ی	کا ل	ک	[illegible]
یا	٩ ن	ک	
یب	ک ک	ک	[illegible]
جمع	ا ٥ ق	ل	

انتهای مشتری مبارک در سال ۹ و ۲۱ و ۳۳ و ۴۵ و ۵۷

شهور	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای مشتری در سال ۱۰ و ۲۲ و ۳۴ و ۴۶ و ۵۸

شهور	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای مشتری مبارک در سال ۱۱ و ۲۳ و ۳۵ و ۴۷ و ۵۹

شهور	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای مشتری مبارک در سال ۱۲ و ۲۴ و ۳۶ و ۴۸ و ۶۰

شهور	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای مریخ مبارک در سال ۱ و ۱۳ و ۲۵ و ۳۷ و ۴۹

شهور	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای مریخ مبارک در سال ۲ و ۱۴ و ۲۶ و ۳۸ و ۵۰

شهور	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای مریخ مبارک در سال ۳ و ۱۵ و ۲۷ و ۳۹ و ۵۱

شهور	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای مریخ مبارک در سال ۴ و ۱۶ و ۲۸ و ۴۰ و ۵۲

شهور	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای برج مبارک در سال ۵ و ۱۷ و ۲۹ و ۴۱ و ۵۳

[illegible]	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای برج مبارک در سال ۶ و ۱۸ و ۳۰ و ۴۲ و ۵۴

[illegible]	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای برج مبارک در سال ۷ و ۱۹ و ۳۱ و ۴۳ و ۵۵

[illegible]	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای برج مبارک در سال ۸ و ۲۰ و ۳۲ و ۴۴ و ۵۶

[illegible]	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای برج مبارک در سال ۹ و ۲۱ و ۳۳ و ۴۵ و ۵۷

[illegible]	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای برج مبارک در سال ۱۰ و ۲۲ و ۳۴ و ۴۶ و ۵۸

[illegible]	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای برج مبارک در سال ۱۱ و ۲۳ و ۳۵ و ۴۷ و ۵۹

[illegible]	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

انتهای برج مبارک در سال ۱۲ و ۲۴ و ۳۶ و ۴۸ و ۶۰

[illegible]	[illegible]	[illegible]	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	

ابتدای شمس مبارک در سال ۱ و ۱۳ و ۲۵ و ۳۷ و ۴۹

شهور	رتبه	نجم	المرئیات
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ابتدای شمس مبارک در سال ۲ و ۱۴ و ۲۶ و ۳۸ و ۵۰

شهور	رتبه	نجم	المرئیات
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ابتدای شمس مبارک در سال ۳ و ۱۵ و ۲۷ و ۳۹ و ۵۱

شهور	رتبه	نجم	المرئیات
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ابتدای شمس مبارک در سال ۴ و ۱۶ و ۲۸ و ۴۰ و ۵۲

شهور	رتبه	نجم	المرئیات
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ابتدای شمس مبارک در سال ۵ و ۱۷ و ۲۹ و ۴۱ و ۵۳

شهور	رتبه	نجم	المرئیات
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ابتدای شمس مبارک در سال ۶ و ۱۸ و ۳۰ و ۴۲ و ۵۴

شهور	رتبه	نجم	المرئیات
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ابتدای شمس مبارک در سال ۷ و ۱۹ و ۳۱ و ۴۳ و ۵۵

شهور	رتبه	نجم	المرئیات
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ابتدای شمس مبارک در سال ۸ و ۲۰ و ۳۲ و ۴۴ و ۵۶

شهور	رتبه	نجم	المرئیات
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای شمس مبارک در سال ٩ و ٢١ و ٣٣ و ٤٥ و ٥٧

شهور	برجیات	ع م	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای شمس مبارک در سال ١٠ و ٢٢ و ٣٤ و ٤٦ و ٥٨

شهور	برجیات	ع م	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای شمس مبارک در سال ١١ و ٢٣ و ٣٥ و ٤٧ و ٥٩

شهور	برجیات	ع م	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای شمس مبارک در سال ١٢ و ٢٤ و ٣٦ و ٤٨ و ٦٠

شهور	برجیات	ع م	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای زهره مبارک در سال ١ و ١٣ و ٢٥ و ٣٧ و ٤٩

شهور	برجیات	ع م	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای زهره مبارک در سال ٢ و ١٤ و ٢٦ و ٣٨ و ٥٠

شهور	برجیات	ع م	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای زحل مبارک در سال ٣ و ١٥ و ٢٧ و ٣٩ و ٥١

شهور	برجیات	ع م	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای زحل مبارک در سال ٤ و ١٦ و ٢٨ و ٤٠ و ٥٢

شهور	برجیات	ع م	المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
سنه	[illegible]	[illegible]	

اشهار زنده مبارک در سال ٥ و ١٧ و ٢٩ و ٤١ و ٥٣

شمار	[illegible]	[illegible]	المرئات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهار زنده مبارک در سال ٦ و ١٨ و ٣٠ و ٤٢ و ٥٤

شمار	[illegible]	[illegible]	المرئات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهار زنده مبارک در سال ٧ و ١٩ و ٣١ و ٤٣ و ٥٥

شمار	[illegible]	[illegible]	المرئات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهار زنها مبارک در سال ٨ و ٢٠ و ٣٢ و ٤٤ و ٥٦

شمار	[illegible]	[illegible]	المرئات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهار زنها مبارک در سال ٩ و ٢١ و ٣٣ و ٤٥ و ٥٧

شمار	[illegible]	[illegible]	المرئات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهار زنها مبارک در سال ١٠ و ٢٢ و ٣٤ و ٤٦ و ٥٨

شمار	[illegible]	[illegible]	المرئات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهار زنها مبارک در سال ١١ و ٢٣ و ٣٥ و ٤٧ و ٥٩

شمار	[illegible]	[illegible]	المرئات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهار زنها مبارک در سال ١٢ و ٢٤ و ٣٦ و ٤٨ و ٦٠

شمار	[illegible]	[illegible]	المرئات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	

انتهای عطارد و مبارک در سال ۱ و ۱۳ و ۲۵ و ۳۷ و ۴۹

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای عطارد و مبارک در سال ۲ و ۱۴ و ۲۶ و ۳۸ و ۵۰

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای عطارد و مبارک در سال ۳ و ۱۵ و ۲۷ و ۳۹ و ۵۱

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای عطارد و مبارک در سال ۴ و ۱۶ و ۲۸ و ۴۰ و ۵۲

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای عطارد و مبارک در سال ۵ و ۱۷ و ۲۹ و ۴۱ و ۵۳

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای عطارد و مبارک در سال ۶ و ۱۸ و ۳۰ و ۴۲ و ۵۴

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای عطارد و مبارک در سال ۷ و ۱۹ و ۳۱ و ۴۳ و ۵۵

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

انتهای عطارد و مبارک در سال ۸ و ۲۰ و ۳۲ و ۴۴ و ۵۶

الشهور	[illegible]	[illegible]	الممرات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سنه	[illegible]	[illegible]	

اشهر قمری مبارک در سال ١ و ١٣ و ٢٥ و ٣٧ و ٤٩

الشهور			المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهر قمری مبارک در سال ٢ و ١٤ و ٢٦ و ٣٨ و ٥٠

الشهور			المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهر قمری مبارک در سال ٣ و ١٥ و ٢٧ و ٣٩ و ٥١

الشهور			المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهر قمری مبارک در سال ٤ و ١٦ و ٢٨ و ٤٠ و ٥٢

الشهور			المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهر [illegible] مبارک در سال ٩ و ٢١ و ٣٣ و ٤٥ و ٥٧

الشهور			المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهر [illegible] مبارک در سال ١٠ و ٢٢ و ٣٤ و ٤٦ و ٥٨

الشهور			المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهر [illegible] مبارک در سال ١١ و ٢٣ و ٣٥ و ٤٧ و ٥٩

الشهور			المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	[illegible]

اشهر [illegible] مبارک در سال ١٢ و ٢٤ و ٣٦ و ٤٨ و ٦٠

الشهور			المرئیات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	

الشهور	رتبة	م	الممرات
اشهار قمر مبارک در سال ۵ و ۱۷ و ۲۹ و ۴۱ و ۵۳			
ا	و ر ط	ـ	
ب	ط ل	ب	[illegible]
ج	ز ه	ـ	[illegible]
د	ح ط	ـ	
ه	ک ا	ل	
و	و ح کا	ل	[illegible]
ز	ز ح	ـ	
ح	و کا	ـ	[illegible]
ط	ه ن	ـ	[illegible]
ی	ح و	ه	
یا	ـ ر	ه	
یب	ح ب	ل	[illegible]
کبـ	[illegible]	ل	

الشهور	رتبة	م	الممرات
اشهار قمر مبارک در سال ۶ و ۱۸ و ۳۰ و ۴۲ و ۵۴			
ا	ر ط	ل	[illegible]
ب	ط ل	ب	[illegible]
ج	ز ه	ب	[illegible]
د	ح ط	ب	
ه	ک ا	ع	[illegible]
و	ح کا	ع	[illegible]
ز	ه ز	ب	[illegible]
ح	و کا	ب	[illegible]
ط	ه ن	ب	[illegible]
ی	ح و	ه	[illegible]
یا	ـ ر	ه	[illegible]
یب	ح ب	ه	
کبـ	[illegible]	ه	

الشهور	رتبة	م	الممرات
اشهار قمر مبارک در سال ۷ و ۱۹ و ۳۱ و ۴۳ و ۵۵			
ا	ه ر ط	ه	[illegible]
ب	ط ل	ـ	[illegible]
ج	ز ه	ل	
د	ح ط	ع	
ه	ک ا	ع	[illegible]
و	ح کا	ل	[illegible]
ز	ز	ل	[illegible]
ح	و کا	ل	[illegible]
ط	ه ن	ل	[illegible]
ی	ح و	ب	[illegible]
یا	ـ ر	ب	
یب	ح ب	ب	
کبـ	[illegible]	ـ	

الشهور	رتبة	م	الممرات
اشهار قمر مبارک در سال ۸ و ۲۰ و ۳۲ و ۴۴ و ۵۶			
ا	ه ر ط	ـ	[illegible]
ب	ط ل	ـ	
ج	ز ه	ه	[illegible]
د	ح ط	ه	[illegible]
ه	ک ا	ه	[illegible]
و	ح کا	ع	[illegible]
ز	ز	ع	[illegible]
ح	و کا	ع	[illegible]
ط	ه ن	ع	[illegible]
ی	ح و	ب	[illegible]
یا	ـ ر	ه	[illegible]
یب	ح ب	ب	[illegible]
کبـ	[illegible]	ب	

الشهور	رتبة	م	الممرات
اشهار قمر مبارک در سال ۹ و ۲۱ و ۳۳ و ۴۵ و ۵۷			
ا	ه ر ط	ب	[illegible]
ب	ط ل	ب	[illegible]
ج	ز ه	ـ	[illegible]
د	ح ط	ـ	[illegible]
ه	ک ا	ل	
و	ح کا	ل	[illegible]
ز	ز	ـ	[illegible]
ح	و کا	ـ	[illegible]
ط	ه ن	ـ	[illegible]
ی	ح و	ـ	[illegible]
یا	ـ ر	ـ	[illegible]
یب	ح ب	ه	[illegible]
کبـ	[illegible]	ه	

الشهور	رتبة	م	الممرات
اشهار قمر مبارک در سال ۱۰ و ۲۲ و ۳۴ و ۴۶ و ۵۸			
ا	ح ر ط	ه	[illegible]
ب	ط ل	ب	[illegible]
ج	ز ه	ل	[illegible]
د	ح ط	ل	
ه	ک ا	ع	
و	ح کا	ع	[illegible]
ز	ط ز	ب	[illegible]
ح	و کا	ب	[illegible]
ط	ه ن	ه	[illegible]
ی	ح و	ـ	[illegible]
یا	ـ ر	ـ	[illegible]
یب	ح ب	ـ	[illegible]
کبـ	[illegible]	ه	

الشهور	رتبة	م	الممرات
اشهار قمر مبارک در سال ۱۱ و ۲۳ و ۳۵ و ۴۷ و ۵۹			
ا	ط ر ط	ه	[illegible]
ب	ط ل	ه	
ج	ز ه	ه	[illegible]
د	ح ط	ل	
ه	ک ا	ع	[illegible]
و	ح کا	ل	[illegible]
ز	ز	ب	
ح	و کا	ب	
ط	ه ن	ب	[illegible]
ی	ح و	ه	
یا	ـ ر	ه	
یب	ح ب	ـ	[illegible]
کبـ	[illegible]	ـ	

الشهور	رتبة	م	الممرات
اشهار قمر مبارک در سال ۱۲ و ۲۴ و ۳۶ و ۴۸ و ۶۰			
ا	ـ ر ط	ـ	
ب	ط ل	ـ	[illegible]
ج	ز ه	ع	[illegible]
د	ح ط	ع	[illegible]
ه	ک ا	ل	[illegible]
و	ح کا	ل	[illegible]
ز	ز	ه	[illegible]
ح	و کا	ه	[illegible]
ط	ه ن	ه	[illegible]
ی	ح و	ه	[illegible]
یا	ـ ر	ه	[illegible]
یب	ح ب	ـ	
کبـ	[illegible]	ـ	

اشهار سهم السعادة مبارك در سال ١ و ١٣ و ٢٥ و ٣٧ و ٤٩

الأشهر	برج درجة	دقيقة	المرورات
ا	[illegible]	ل	[illegible]
ب	[illegible]	ل	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ي	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهار سهم السعادة مبارك در سال ٢ و ١٤ و ٢٦ و ٣٨ و ٥٠

الأشهر	برج درجة	دقيقة	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	ل	
ح	[illegible]	ل	[illegible]
ط	[illegible]	ل	[illegible]
ي	[illegible]	ل	[illegible]
يا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يب	[illegible]	[illegible]	
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهار سهم السعادة مبارك در سال ٣ و ١٥ و ٢٧ و ٣٩ و ٥١

الأشهر	برج درجة	دقيقة	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ي	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يب	[illegible]	[illegible]	
مج	[illegible]	[illegible]	[illegible]

اشهار سهم السعادة مبارك در سال ٤ و ١٦ و ٢٨ و ٤٠ و ٥٢

الأشهر	برج درجة	دقيقة	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	ل	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ي	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهار سهم السعادة مبارك در سال ٥ و ١٧ و ٢٩ و ٤١ و ٥٣

الأشهر	برج درجة	دقيقة	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	ل	
و	[illegible]	ل	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	
ي	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهار سهم السعادة مبارك در سال ٦ و ١٨ و ٣٠ و ٤٢ و ٥٤

الأشهر	برج درجة	دقيقة	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	ل	
و	[illegible]	ل	[illegible]
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	
ي	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يا	[illegible]	[illegible]	
يب	[illegible]	[illegible]	
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهار سهم السعادة مبارك در سال ٧ و ١٩ و ٣١ و ٤٣ و ٥٥

الأشهر	برج درجة	دقيقة	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	ل	[illegible]
ز	[illegible]	ل	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ي	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	

اشهار سهم السعادة مبارك در سال ٨ و ٢٠ و ٣٢ و ٤٤ و ٥٦

الأشهر	برج درجة	دقيقة	المرورات
ا	[illegible]	[illegible]	
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ز	[illegible]	ل	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ي	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
يب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای سهم السعادة مبارک در سال ۹ و ۲۱ و ۳۳ و ۴۵ و ۵۷			
شهور	درجات	[illegible]	الممرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	
ح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	

انتهای سهم السعادة مبارک در سال ۱۰ و ۲۲ و ۳۴ و ۴۶ و ۵۸			
شهور	درجات	[illegible]	الممرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	[illegible]
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مج	[illegible]	[illegible]	[illegible]

انتهای سهم السعادة مبارک در سال ۱۱ و ۲۳ و ۳۵ و ۴۲ و ۵۹			
شهور	درجات	[illegible]	الممرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یب	[illegible]	[illegible]	
مج	[illegible]	[illegible]	

انتهای سهم السعادة مبارک در سال ۱۲ و ۲۴ و ۳۶ و ۴۸ و ۶۰			
شهور	درجات	[illegible]	الممرورات
ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	[illegible]	[illegible]	
ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]
د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ه	[illegible]	[illegible]	
و	[illegible]	[illegible]	
ز	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	[illegible]	
ط	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
یا	[illegible]	[illegible]	
یب	[illegible]	[illegible]	
مج	[illegible]	[illegible]	

[illegible]

فصل دوم در فردارات موالید و سالهای ترتیب آفاق فردار کواکب مرتبه سالهای چند از بروج انتهار را گویند
و انتهای سالهای ترتیب آن سنوات را گویند که تقسیم شده بشمار اهل الاحکام فردارات سالهای ترتیب را این گونه کرده‌اند
که هفتاد و پنج سال از عمر مولود را قسمت مختلف بر کواکب سیاره و راس و ذنب نموده تا حکم آن سالها از آن کوکب که فردار
گویند استنباط نمایند چنانچه در موالید نهاری ابتدا از آفتاب کنند و او را ده سال دهند و بعد از آن زهره را هشت سال
پس عطارد را سیزده سال پس قمر را نه سال پس زحل را یازده سال پس مشتری را دوازده سال پس مریخ را هفت سال
پس راس را سه سال و ذنب را دو سال چون هفتاد و پنج سال شمرده شد در سالهای دیگر را هفت قسمت کنند
پس حصه یک قسم در آفتاب باشد یک سال و پنجاه و شش روز و سیزده ساعت و در زهره یک سال و یک ماه و بیست و
دو روز و چهار ساعت و در عطارد یک سال و ده ماه و سیزده روز و دو ساعت و در قمر یک سال و سه ماه و چهارده روز
و [illegible] ساعت و در زحل یک سال و شش ماه و بیست و نه روز و هفده ساعت و در مشتری یک سال و هشت ماه و
روز و بیست و یک ساعت و در مریخ یک سال بی کسر و در راس یک سال بی کسر و در ذنب یک سال بی کسر این مجموع هفتاد و
پنج سال است قسم اول همان کوکب را باشد بی شریک و بعد از آن در قسم شرکت کوکب دیگر باشد که فلک آن تحت آن کوکب
باشد بلا واسطه فلکی در میانه و چون از قمر رسد به زحل روند و در موالید لیلی ابتدا از قمر کنند و به ترتیب افلاک سیر نمایند
تا هفتاد و پنج سال شمسی کامل تمام شود و بعد از آن از سر گیرند و از بعض کتب احکام مفهوم می‌شود که چون از هفتاد و پنج سال
بگذرد از سر فرض گیرند و [illegible] کرده‌اند که [illegible] عمر چون از آن نیکو نبود بدین سبب ترک [illegible] کرده‌اند و لکن حق
آنست که اگر عمر موافق عمل [illegible] و که خدا [illegible] استخراج شده باشد خوب لازم است و الا فلا و فردارات را جمله
شرکا در جدول ایراد کردیم که هر کس خواهد رجوع بکتاب دیگر نکنند بدین طریق رسم جدول شده که چهار سطر طولانی
رسم و در اول عدد سالهای مولود نهاری کرده و در ثانی سالهای مولود لیلی [illegible] و در سیم صاحب فردار و در چهارم
حصص آنها بشرکا ثبت شده و در [illegible] مقدار هر سال شمسی بایام و ساعات و دقایق و ثوانی وضع کرده که آنها
در موجب باشد و در جدول جلیده فردارات طالع انتهای مبارک را
بشرکای آنها ثبت کرده که حاضر و مهیا باشد
والله اعلم

جدول طالع الانتهاءات والکفردارات والشرکاء

جدول خداوندان فردارات موالید نهاری ولیلی وشرکای ایشان

شرکاء		شرکاء		شرکاء
یک سبع شرکت شمس با زهره		مرسل با شرکت شمس		مرسل بی شریک
شش سبع شرکت زهره با عطارد		یک سبع شرکت شمس با زهره		شش سبع مشترک با شرکت زهره
مرسل با شرکت عطارد		مرسل با شرکت زهره		شش سبع شرکت زهره با عطارد
چهار سبع شرکت عطارد با قمر		بی شریک مرسل		مرسل با شرکت عطارد
مرسل با شرکت قمر		دو سبع مشترک با شرکت زحل		دو سبع شرکت عطارد پس قمر
دو سبع شرکت قمر با زحل		چهار سبع شرکت زحل با مشتری		پنج سبع شرکت قمر پس زحل
مرسل با شرکت زحل		شش سبع شرکت مشتری با مریخ		مرسل شرکت زحل
بی شریک تا آخر سال		یک سبع شرکت مشتری		یک سبع شرکت زحل با مشتری
شرکت زهره تا آخر سال		یک سبع شرکت مریخ با شمس		چهار سبع شرکت مشتری با مریخ
شرکت زهره تا آخر سال		شش سبع شرکت شمس با زهره		مرسل با شرکت مریخ
شرکت عطارد تا آخر سال		پنج سبع شرکت زهره با عطارد		با شریک مرسل
شرکت قمر تا آخر سال		شرکت عطارد تا آخر		یک سبع شریک با شرکت عطارد
شرکت زحل تا آخر سال		مرسل با شریک		دو سبع شرکت عطارد با قمر
شرکت مشتری تا آخر سال		بی شریک چهار سبع با شرکت مشتری		شش سبع شرکت قمر با زحل
بلا شریک		شرکت مشتری مرسل		چهار سبع شرکت زحل با مشتری
بلا شریک		یک سبع شرکت مشتری با مریخ		پنج سبع شرکت مشتری با مریخ
بلا شریک		پنج سبع شرکت مریخ با شمس		شش سبع شرکت مریخ با شمس
بلا شریک		مرسل با شرکت شمس		مرسل با شرکت شمس
بلا شریک		دو سبع شرکت شمس با زهره		با شریک مرسل
		شش سبع شرکت زهره با عطارد		بی شریک شش سبع با قمر
		مرسل با شرکت عطارد		مرسل با شرکت قمر
		شش سبع شرکت عطارد با قمر		پنج سبع شرکت قمر با زحل
		مرسل با شرکت قمر		مرسل با شرکت زحل
		بی شریک مرسل		چهار سبع شرکت زحل با مشتری
		پنج سبع مشترک با مریخ		مرسل با شرکت مشتری
		مرسل با شرکت مریخ		سه سبع شرکت مشتری با مریخ
		شش سبع شرکت مریخ با شمس		مرسل با شرکت مریخ
		مرسل با شرکت شمس		دو سبع شرکت مریخ با شمس

حصص اسباع یک سال

	ایام	ساعات	دقایق	ثوانی
یک سبع	نب	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دو سبع	قد	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سه سبع	قنو	[illegible]	[illegible]	[illegible]
چهار سبع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
پنج سبع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
شش سبع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
هفت سبع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

فصل سیم در سن کهدای نوبت و آن چنان است که ابتدای عمر چهار سال نوبت قمر بود و بعد از آن ده سال نوبت
عطارد بود و هشت سال نوبت زهره و نوزده سال نوبت آفتاب و پانزده سال نوبت مریخ و دوازده سال نوبت
مشتری و سی سال نوبت زحل بود تمام نود و هشت سال شمسی و بعد از آن دیگر باز نوبت بقمر رسد این نسبت ها
از عطای بر صنوای کواکب کرفته اند و در قمر و عطارد تغییر کرده اند بسبب آن معلوم نیست چه عطیه صغرای قمر
بیست و پنج سال است و از عطارد بیست و یک سال و بعضی از اهل احکام درین قسمت بجهت کواکب نوبت
تعیین کرده اند و سن طبیعی هر مولودی را هشت قسم کرده اند و هر قسمی را منسوب بکوکبی کرده که حال آنچه در لوازم آن
سن مناسب بودن آن کوکب دارد و سن طبیعی که اختلاف ارد به مختلف است لهذا گفته اند که سن طفولیت که مبادی
نزاکت تعلق بقمر دارد و چهار سال طفل دران سن نجمه بزرگ سیر مناسب قمر است و سن صبی که از آن سن کودکی که بیشه
واسطه نزاکت تعلق بعطارد بود دارد و سن شباب که آغاز نزاکت تعلق بزهره دارد و سن وقوف که سن کمال خلقت است
تعلق بآفتاب دارد و سن کهولت که مبادی ذبول است تعلق بمریخ دارد و سن شیخوخیت که اواسط ذبول است و زمان
کمال عقل تعلق بمشتری دارد و سن فرتوت که کمال ذبول است و عجز حرکت تعلق بزحل دارد پس چون اگر کوکب
در وقت ولادت قوی حال بود آنچه اقتضای آن کوکب بود بر سبیل اعتدال تاثیر کند و اگر ضعیف حال بود بر عکس تاثیر کند
فصل چهارم در معرفت صاحب دور صاحب سال اگر کسی است که نوبت حکم بر رسد از صاحب طالع ولادت تزد اهل
روم و از صاحب ساعت پیش اهل بابل چنانچه حکم سال ولادت از صاحب طالع ولادت کنند اهل روم و از صاحب ساعت
اهل بابل و حکم سال دوم از کوکبی که فلک آن تحت کوکب اول باشد و حکم سال سیم از کوکب که زیر فلک آن در تحت کوکب
ثانی باشد و برین قیاس تا سال هشتم بصاحب طالع یا بصاحب ساعت باز رسد و همچنین سال پانزدهم و بیست و دوم
و بیست و نهم بهمین ترتیب بصاحب طالع باز میرسد تا آخر عمر نزد روم و بصاحب ساعت نزد بابل و مقصود از معرفت
آن کوکب در آن سال قوی حال بود مولود در آن سال سعادت باشد خاصه اگر خود سعد بود و اگر آن کوکب ضعیف حال بود مولود
در آن سال نکبت یابد خاصه اگر خود نحس بود چنانچه هر سال که انتها بطالع رسد دلیل زیادت سعادت بود و سالهای نوبت
و صاحب دور روی را با برا در جدول بعد ثبت کردیم
که آماده و مهیا باشد در تعجیل

جدول

جدول الارباب الدوریة والنوبة

سنین	صاحب الدور		[illegible]	صاحب التوبة
ا	[illegible]	[illegible]	طالع	القمر
ب	[illegible]	[illegible]	٢	
ج	[illegible]	[illegible]	٣	
د	[illegible]	[illegible]	رابع	
ه	[illegible]	[illegible]	٥	عطارد
و	[illegible]	[illegible]	٦	
ز	[illegible]	[illegible]	سابع	
ح	[illegible]	[illegible]	٨	
ط	[illegible]	[illegible]	٩	
ی	[illegible]	[illegible]	عاشر	
یا	[illegible]	[illegible]	١١	
یب	[illegible]	[illegible]	١٢	
یج	[illegible]	[illegible]	طالع	
ید	[illegible]	[illegible]	٢	
یه	[illegible]	[illegible]	٣	الزهرة
یو	[illegible]	[illegible]	رابع	
یز	[illegible]	[illegible]	٥	
یح	[illegible]	[illegible]	٦	
یط	[illegible]	[illegible]	سابع	
ک	[illegible]	[illegible]	٨	
کا	[illegible]	[illegible]	٩	
کب	[illegible]	[illegible]	عاشر	
کج	[illegible]	[illegible]	١١	الشمس
کد	[illegible]	[illegible]	١٢	
که	[illegible]	[illegible]	طالع	
کو	[illegible]	[illegible]	٢	الشمس
کز	[illegible]	[illegible]	٣	
کح	[illegible]	[illegible]	رابع	
کط	[illegible]	[illegible]	٥	
ل	[illegible]	[illegible]	٦	
لا	[illegible]	[illegible]	سابع	
لب	[illegible]	[illegible]	٨	
لج	[illegible]	[illegible]	٩	
لد	[illegible]	[illegible]	عاشر	
له	[illegible]	[illegible]	١١	
لو	[illegible]	[illegible]	١٢	
لز	[illegible]	[illegible]	طالع	
لح	[illegible]	[illegible]	٢	
لط	[illegible]	[illegible]	٣	
م	[illegible]	[illegible]	رابع	
ما	[illegible]	[illegible]	٥	
مب	[illegible]	[illegible]	٦	المریخ
مج	[illegible]	[illegible]	سابع	
مد	[illegible]	[illegible]	٨	
مه	[illegible]	[illegible]	٩	
مو	[illegible]	[illegible]	عاشر	
مز	[illegible]	[illegible]	١١	
مح	[illegible]	[illegible]	١٢	
مط	[illegible]	[illegible]	طالع	
ن	[illegible]	[illegible]	٢	
نا	[illegible]	[illegible]	٣	المریخ
نب	[illegible]	[illegible]	رابع	
نج	[illegible]	[illegible]	٥	
ند	[illegible]	[illegible]	٦	
نه	[illegible]	[illegible]	سابع	
نو	[illegible]	[illegible]	٨	
نز	[illegible]	[illegible]	٩	المشتری
نح	[illegible]	[illegible]	عاشر	
نط	[illegible]	[illegible]	١١	
س	[illegible]	[illegible]	١٢	
سا	[illegible]	[illegible]	طالع	
سب	[illegible]	[illegible]	٢	
سج	[illegible]	[illegible]	٣	
سد	[illegible]	[illegible]	رابع	
سه	[illegible]	[illegible]	٥	
سو	[illegible]	[illegible]	٦	
سز	[illegible]	[illegible]	سابع	
سح	[illegible]	[illegible]	٨	
سط	[illegible]	[illegible]	٩	زحل
ع	[illegible]	[illegible]	عاشر	
عا	[illegible]	[illegible]	١١	
عب	[illegible]	[illegible]	١٢	
عج	[illegible]	[illegible]	طالع	
عد	[illegible]	[illegible]	٢	
عه	[illegible]	[illegible]	٣	

فصل پنجم در طالع تحویلات و لازم آن طالع تحویل جزویست از منطقة البروج که بر افق شرقی باشد در زمان وصول
مرکز آفتاب بجزو دیگر از منطقة البروج که در زمان ولادت بر آن جزو بوده است اکثر اهل احکام برآنند که طالع تحویل بعینه افق
بعد از استخراج باید کرد که مکان ولادت بوده است نه بلد اقامت هر چند مولود ببلد دیگر نقل کرده باشد و بعضی برعکس قائلند
اما معتمد و مشهور قول اول است و این طالع تحویل را فرع طالع اصل دانند و بعضی در اول هر ماه طالع استخراج کنند و احکام
آن ماه منضبط سازند و این طالع را طالع تحویل شهور گویند و این فرع فرع باشد و مبدأ هر ماه زمان رسیدن
آفتاب است بجزو دیگر از هر برج که در وقت ولادت در مثل آن جزو بوده است پس اگر مدة دوره حرکت خاصه آفتاب حرکت
ثانیه بودی از معدل النهار همیشه طالع تحویل طالع اصل بودی و می دانست که مدة دور آفتاب بغیر از [illegible] متفاوت آفتاب از نقطه
اول حمل تا معاودت آن بهمان موضع سیصد و شصت و پنج روز و پنج ساعت و چهل و نه دقیقه است که قریب ربع شبانه روز باشد
پس چون در روز آخر سال که اول برج جزو ابتدائی رسد نزدیک دوره دیگر کند تا آفتاب باول حمل نرسد بلکه معدل النهار
آن مقدار را باید حرکت کند که ربع روز شود و آن قوس را قطع کند آفتاب تا باول حمل رسد و آن قوس را از معدل النهار
فضل الدور گویند و این تفاوت در سال دوم مضاعف شود و در سال سیم ثلثه امثال آن و علی هذا تا بچهار و چون از مقدار
یکروز زیادت شود این مقدار از آن اسقاط باید کرد و در ربعیات فضل الدور را استخراج کرده تا صد و بیست سال در
جدول ثبت کرده اند و اقتصار بر صد و بیست سال در جدول فضل الدور بسبب آنست که در این زمان نادر است که عمر انسان
از صد و بیست سال بگذرد و در وقت تحویل آفتاب بجزو معین در استخراج طالع تحویل قاعده آنست که باید و سال اعمار مطلوب از جدول
فضل الدور برگیرند و بر مطالع طالع اصل افزایند و در جدول مطالع طالع بلد معین کنند طالع تحویل آن سال باشد و این
جدول اگرچه آسان است اما از تقریب خالی نیست زیرا که فضل الدور که از ارصاد معلوم کرده اند بطریق معین تعیین نموده اند
که در زمان حلول آفتاب بنقطه اعتدال که [illegible] معلوم کرده اند بر صد و از آنجا فضل الدور معین شده است و در
اجزای دیگر اگر فضل الدور تحقیق کنند با کثره خواهد بود از فضل الدور یا بیشتر باشد که دیگر از ارصاد هم تفاوت مرکز خارج
در ازمنه دیگر که بعد از رصد [illegible] رصد [illegible] اوج شمس در اوایل برج سرطان بوده و حال تفاوت کرده
و از آن موضع دور شده لهذا فضل الدور هم تفاوت کرده پس عمل فضل الدور تقریبی خواهد بود و عمل تحقیقی آنست
که در هر سال طالع تحویل و حلول آفتاب بموضع ولادت را استخراج کرد بدین طریق که در هر روز [illegible] که آفتاب بموضع

ولادت

ولادت ممکن باشد بر سر تقویم آنرا استخراج کرده پس اگر تحویل شمس بموضع ولادت در نصف النهار واقع شود ساعات
نصف النهار بعینه ساعات تحویل باشد از اول روز و اگر در غیر نصف النهار واقع شود بعد شمس را از موضع تحویل از نصف النهار مقدم
بگیرند و آنرا بعد ماضی گویند و از نصف النهار مؤخر بگیرند و آنرا بعد مستقبل نامند و بعد از آن بهت شمس را که بهت آن روز
بعدها در بهت ضرب کرده حاصل ضرب را بر بیست و چهار قسمت کرده خارج قسمت ساعات حقیقی بعد ماضی باشد از اول
روز و یا اول شب و ساعات بعد مستقبل باشد از اول روز مؤخر و در تاریخ جدولی وضع کرده بازاء رفتار سیر آفتاب
و آنرا خود جدولی نام نهاده که در استخراج مجموع الضرب و قسمت نباشد و در وضع آن جدول این طریق است که بهت آفتاب را
بتفاضل یک یک دقیقه در فوق جدول نهاده و ابتدا از بهت اقل کرده [illegible] است و بهت اکثر که [illegible] است و ساعات
بعدها در جدول در [illegible] مفروض وضع کرده پس چون خواهند جزو البعد را معلوم کنند در جدول بهت آنرا
در یابند و بعد ماضی یا مستقبل را از یمین جدول [illegible] است در قوس که [illegible] ساعات بعد ماضی یا مستقبل حاصل شود و از ساعات
بعد ساعات تحویل شمس بموضع ولادت معلوم توان کرد باین قسم که اگر ساعات بعد ماضی کمتر از ساعات نصف النهار
در روز باشد [illegible] کرده تحویل در روز واقع شود و اگر [illegible] در غروب و اول شب واقع شود و اگر ساعات
بعد ماضی زیاده تر از نصف النهار باشد ساعات نصف النهار را از ساعات بعد ماضی نقصان کنند تحویل در شب
واقع شود و اگر بعد مستقبل حمل کرده باشد باید نصف النهار زیاده تر از بعد مستقبل باشد تا اگر ساعات بعد را از نصف النهار
نقصان کنند تحویل در روز مؤخر واقع شود پس ساعات تحویل را ادا برکرده چنانچه تحویل در روز واقع شود مطالع جزو شمس را از
البروج [illegible] بلد استخراج کرده و هر گاه تحویل در شب واقع شود مطالع نظیر جزو شمس الاصل را استخراج کرده و در دایره [illegible] مطالع
جزو یا نظیر هر کدام باشد جمع کرده مطالع طالع بلد حاصل شود از آن جدول مطالع البروج بعرض بلد معرفی کرده طالع تحویل
آن سال مطلوب حاصل شود و مطالع طالع بلد را در مطالع البروج فلک مستقیم قوس کرد [illegible] معلوم کرده و تقویم البیوت را
موافق عمل سابق که ذکر شده عمل نموده زائچه را تمام رسانند و جهة توضیح این مثال را می آوریم تا طالبان را مزید بصیرت گردد
استخراج طالع تحویل سال بیست و دوم عمر مبارک نواب اشرف ارفع والا [illegible] که در شب ۲۹ شهر شوال المکرم ۱۳۲۴
هجری بطول دار السلطنة طهران و عرض آن که [illegible] بهت شمس مقدم [illegible] شمس مؤخر [illegible] شمس الاصل ولادت [illegible]
بعد ماضی [illegible] بعد مستقبل [illegible] ساعت بعد ماضی [illegible] ساعت بعد مستقبل [illegible] نصف النهار روز مقدم [illegible] ساعت تحویل گذشته

از شب سطر [illegible] دایر [illegible] مطالع نظیر جزو شمس الاصل را که فرض کنیم چون کوکبی در شب بشده بود [illegible] مطالع طالع بلد
ذکر نمودیم در جدول مطالع البروج نوشته که فرض شده طالع کوکبی [illegible] در مطالع فلک مستقیم مفروض کردیم شده [illegible] طالع
و لازم طالع کوکبی [illegible] برج است اول نوبت [illegible] و تأمل کردن در آن کواکب [illegible] فایده است [illegible] تقویم
کواکب سیاره [illegible] در ضعف و قوت سیم تقویم کواکب [illegible] چهارم [illegible] در بیوت [illegible] ششم طالع ششم
صاحب حد و وجه [illegible] هفتم [illegible] هشتم [illegible] طالع و [illegible] نهم [illegible] حفظ درجات از نیره و [illegible] و غیره و [illegible]
طالع اجتماع و استقبال مقدم بر طالع کوکبی و تأمل و تفکر در آنکه [illegible] امتزاج دارد با یکدیگر [illegible] ان الحکام والله اعلم
مقالهٔ دوم در معرفت کلیات احکام موالید و آن مشتمل بر چهار باب است **باب اول** کیفیت [illegible]
احکام بر سبیل عموم و آن مشتمل است بر پنج فصل اربعه **فصل اول** در ذکر بروج و صفت و طبایع آنها به کلیه فلک البروج
به دوازده قسم [illegible] کرده اند و هر قسمی را برج [illegible] و هر برجی را [illegible] تقسیم کرده و هر [illegible] درجه گویند
و هر درجه را به شصت جزو کرده و هر جزوی را دقیقه [illegible] و هر دقیقه را ثانیه و هر ثانیه را ثالثه [illegible]
[illegible] تقسیم [illegible] اول [illegible] برج حمل [illegible] ثور [illegible] جوزا و سرطان
و اسد و سنبله و میزان و عقرب و قوس و جدی و دلو و حوت [illegible] تقسیم کرده اند [illegible] دایره
[illegible] رسم کنند [illegible] مقاطع یکدیگر شوند [illegible] عظیمه [illegible] یکی را منطقه [illegible] گویند
چون فلک البروج [illegible] رسم کرده اند [illegible] دایره معدل النهار تقاطع کرده [illegible] تقاطع [illegible]
[illegible] از آن [illegible] نقطه [illegible] اعتدال [illegible] الا در اول نقطهٔ میزان [illegible] برج است بروج شمالی
[illegible] برج دیگر [illegible] تقاطع [illegible] است [illegible] برج [illegible] و [illegible] دایره عظیم
[illegible] ربع [illegible] فلک البروج منقسم به دو قسم [illegible] فصل [illegible] گویند
[illegible] بروج [illegible] اربعه [illegible] بروج [illegible] دلالت بر سن
[illegible] دارند [illegible] سرطان و اسد و سنبله است [illegible] بروج صیفی [illegible] حار و یابس و صفراوی [illegible] دلالت
بر سن شباب دارند [illegible] میزان و عقرب و قوس است [illegible] بروج خریفی [illegible] بارد و یابس و سوداوی [illegible]
و دلالت بر سن کهولت دارند [illegible] جدی و دلو و حوت است [illegible] بروج شتوی [illegible] بارد و رطب و بلغمی [illegible]

دلالت بر سن نشو و نمو دارند و [illegible] برج از بروج [illegible] مستقیمة الطلوع [illegible] بر یک از این بروج
در افق [illegible] طلوع میکنند [illegible] و آن از اول سرطان است تا آخر قوس و شش برج دیگر معوجة الطلوع
[illegible] طلوع [illegible] و آن از اول جدی است تا آخر جوزا [illegible] دلالت بروج [illegible] متعلق به ذات
[illegible] **دلالات برج حمل** [illegible] و وبال زهره و شرف شمس است به [illegible] درجه و هبوط زحل است به ۲۱ درجه
[illegible] و ده درجه اول [illegible] از آن [illegible] است [illegible] شمس است [illegible] به ترتیب [illegible]
[illegible] و آن مذکر است و نهاری [illegible] حار و یابس [illegible] و صفراوی و مذاق آن تلخ [illegible] منقلب [illegible] شمالی [illegible]
[illegible] زمانی [illegible] بهار [illegible] و منقطع الاضلاع است [illegible]
[illegible] صاحب [illegible] و قلیل [illegible] و انقطاع [illegible] اکثر المرض [illegible]
[illegible] و صورت [illegible] زنگ [illegible] در صورت [illegible] طویل القامه [illegible] چشم [illegible] گویند
[illegible] رنگ [illegible] بلند [illegible] بزرگ [illegible]
[illegible] شده اند [illegible] از طبقات [illegible]
ملوک و سلاطین [illegible] از طبقات [illegible] و آهن [illegible]
[illegible] چوب [illegible] و از حیوانات [illegible] بزرگ [illegible] کوه [illegible]
[illegible] از جهات عالم [illegible] مشرق متعلق به آن است و از [illegible]
[illegible] وسط الصورت [illegible] **وار بلاد** [illegible]
[illegible] **دلالات برج ثور** [illegible] زهره و رفیع آن
و وبال مریخ و شرف قمر است به ۳ درجه [illegible] و ده درجه اول [illegible] قمر [illegible] زحل [illegible]
[illegible] بارد و یابس و خاکی و سوداوی و مذاق آن ترشی [illegible] و ثابت [illegible] اعتدال [illegible]
فصل بهار [illegible] و منقطع الاضلاع [illegible] و انقطاع [illegible] اولاد [illegible]
[illegible] قلیل [illegible] که مقیم باشد [illegible] متوسط المرض [illegible] چشم
[illegible] طویل القامه [illegible] ضعیف [illegible] صاحب [illegible] و کاهل و صاحب

بکره جبله و مدور و کوه و فراخ متلون مزاج و بزرگ چشم پست نظر و بینی پشت اندکی ابرو و بینی پهن و فراخ دهان
و سطبر گردن و سیاه موی و بیشتر از غبغب در صحبت زنان و بسیار البتی و شدید الفرحت بود و از طبقات مردمان کی بکار شغل
و عمل کنند و از اهل حرف و خیاطان و کیمیاگران و حلاجان و بزازان و از نباتات هر نوع تخم مانند و میوه و شیره ها و از حیوانات انسی
مثل فیل و شتر و گاو و اسب و دواب و وحوش و نمو و جمیع گاو و فیل در دقتها و بر بهدات تا مرادن برمی انسان کردن و معلوم کنند
و علامات در بیست و سیزده و از جهات میانه جنوب و از بادها باد جنوب و از جاها جاهای بس و معروف اکردن نبید و طرق و بنان
و از هوا اقلیمی که راه از بلاد سواد عراق و همدان و ری و اصفهان و هرات و مرو و حلوان و دهستان و قسطنطنیه و بلیکنیه
و عمان و حواین و فرغانه و سیستان و جوار بر بحر روم و طبرستان تا ماچیال منسوب بوده است دلالات برج جوزا
جوزا است خط هوائی و بال مشتری و شرف راس در ۳ درجه و هبوط ذنب در ۳ درجه و وجه اول از آن مشتری و وجه ثانی مریخ
و وجه سیم شمس مذکرات و نهاری حار و رطب معتدل و هوائی و دو جسدی و مذاق آن شیرین و برج ربیع و طبع و روحانی
حلول آفتاب در این برج مرفوع نمو هوای بهار و زمان صیف و دلالت دارد بر باد و طبع خوش آید و برج انسانی و گیتی
نیکو قامت و سلیم الاعضا متوسط المرض و مدور … از جمله نزهات و تفرّج و کلف و خفیف نکاح اکثر اولاد
و شدید الفرحت و نیکو صورت و خوش بوی و خوش چشم و پیوسته ابرو و گردن باریک و نیکو رنگ و میل بشری و جمیل صورت و
کریم الاخلاق و ساکن الطبع و دانا فاضل و صاحب خط و کتابت و حساب و فلسفه و علوم عربیه و سماویه و علوم ربانیه و با خدا
آشنا بودن و ادب و ایمن و حدس و اسرار و ثابت النظر و صاحب لهو و لعب و از جنس انسان دستها و پاها و کتفها و طبع و حکیم
و از طبقات مردمان ملوک و سلاطین و اصحاب حیله نقاشان و خیاطان و ارباب ملاهی و آلات لهو و لعب و دنایر
و عطر فروش بود و طیور اهلی و صیدی و از جاها تلال و جبال و آبشار و روی خوش و از هوا جستن باد … و از بلاد
طرابلس جنوب و مصر و حمص و ارزن الروم و ارمنیه و گرگانت و جیلان و بلاد طبرستان و مرو و بعضی اصفهان و خوارزم
و جرجان و کابل و کرمان و بخت و سند و گیلان باری و از جهات میانه جنوب و از بادها باد دبور منسوب بان است
دلالات برج سرطان سرطان است قمر و خانه آن و بال زحل و شرف مشتری در ۱۵ درجه و هبوط مریخ در ۲۸ درجه و وجه
اول زهره و ثانی عطارد و سیم قمر مؤنث است و لیلی آبی بارد و رطب و بلغمی و منقلب و آبیه و مذاق آن شوره و برج صیفی
و شب به هنگام دخول آفتاب باین برج نهایت حرارت باشد و کمی … و روز در … برج …

والقوس

والقوس است و سلیم الاعضا و غلیظ الاعضا و کوچک چشم و سیاه حدقه و پست نظر و صحیح دماغ و دهان و مختلف دندان
پهن سینه طویل الیدین با بزرگ و کف دست بزرگ و بزرگ پشت و گندم گون متوسط النکاح و اکثر الاولاد و القدر به
کاهست که اولاد آن خاسته باشند بسیار اره و اناث و ساکن الطبع و بد خلق و کثیر التلون و انقلاب عالم و تواریخ و اخبار
بس باخود باشد و پا و دست کردن باشد و از بدن انسان سینه و قلب و معده و طحال و پهلوها و بسیار بیماری و اکثر
علت نزله و نقرس و سرطان و فزع و کزاز و برص و بواسیر و سنگ … و بد قوت و الکن … و از حیوانات آبی و خرچنگ
و از آبها آب باران و شیرین و خوش مزه و از طبقات مردم ملاحان و کشتی بانان و … کاریزکنان
و از اماکن مواضع زرع و کشت و خانگاه و … و از هوا آبادانها و قرب … و از جهات میانه شمال
و از بادها باد شمال و از بلاد بغداد و نواحی آن و بلاد بربر و بیت المقدس و بعضی بلاد چین و ماچین و بحرین و روم و ارمینیه
صغری و بعض آذربایجان و تربت خراسان و هرات و بلخ و بدخشان و مرو و چین و از نباتات برنج و قند و شکر و شلغم …
دلالات برج اسد اسد است شمس و خانه آن و وبال زحل و نیست در آن شرف و هبوط و صاحب وجه اول زحل
و ثانی مشتری و ثالث مریخ مذکرات و نهاری حار و یابس و صفراوی و آتشی و مذاق آن حرارت و تلخی و برج صیفی
و شباهت و ثابت و هرگاه حلول کند شمس در آن شدید باشد حرارت و ثابت هر که را در آن صیف و برج بسورت
مقطوع الاضلاع و مهیب و غضوب قلیل النکاح و الاولاد و … باشد که عقیم باشد و حسن الهیئت و بلند قامت
سست پا و غلیظ تر از اسفل و صاحب جمال میش چشم و پیشانی و دماغ و زانو موی فراخ دهن بزرگ شکم و شکوه
و پهن سینه و بلند انگشت ساق باریک و سرخ رنگ و شدید الفرحت ملوکانه طبع و جری و حسن القلب و شجاع و صاحب
مکر و حیله و لطیف و غیور و پر رغبت در صید سباع و جوارح و عفیف و صاحب ادب و حیا و کثیر المرض و بد روز
بیشتر علل در معده و وجع جنبین و مرض صلح اکند و از بدن انسان قلب و … و جنب و پشت
و از طبقات مردم سلاطین و عظما و امرا و منازل ملوک و … و … و علما و اصناف جواهرات و طلا و نقره
و ظروف از معادن و قیمتی و قلاع محکم و جبال و بیابانها و … و وحوش موذی و سباع و خوب و حکایت حبشی
و هر طیری که صاحب چنگال باشد و سباع موذیه و از جهات سمت چپ مشرق و از بادها باد آن جهت و از آفات
حرب و زره و جوشن و از نباتات درختان بلند و اغلب معادن و … هوا تاریکی و از بلاد … و ترکستان و …

یاجوج و عسقلان و بیت المقدس و سیستان و مکران و دیلم و شهر طوس و ترمد و رسعه و دمشق و دجله و مداین و باب
الابواب و شهر چین و از معادن نقره و سیم و یاقوت و زبرجد منسوب بدان است دلالات برج سنبله سنبله بیت عطارد
و رفع آن و شرف آن در ه درجه و وبال مشتری و هبوط زهره در ۹ درجه و صاحب مثلثه اول شمس و ثانی زهره
و ثالث عطارد و مؤنث است و لیلی بارد و یابس و سوداوی و خاکی و مذاق آن ترش و برج شب [illegible] و ذو جسد
و صیفی منقلب و حصول شمس بدان مجمع حرارت زمان صیف بزمان خریف و برج انسی سلیم الاعضا و قوی هیکل کامل
بینی بلند بالا نیکو قامت و جسیم بعضی لاغر و صحیح البدن طویل اللحیه [illegible] متوسط العنق و شهلا چشم سیاه حدقه
و سیاه موی و بر سینه و شکم علامتها داشته باشد و احمر اللون بعضی گویند مایل بسفیدی باشد و صاحب نطق و تقوی
و فصاحت و بلاغت و جمال و صاحب مکر دراز [illegible] و طالب علوم و حکیم و صاحب دها و ذو [illegible]
و ساکن طبع و بعضی گویند صاحب طیش و عجول [illegible] کثیر الفکر و نیت پیر و معتدل الخلق و کثیر معاش با بزرگان و عارف
بآن و متوسط [illegible] و قلیل الرغبه در نکاح زنان و کثیر المیل بصبیان و قلیل الاولاد باشد که عقیم باشد
و شبیه الصوت میانه [illegible] و از بدن انسان شکم و [illegible] و حجاب و میانه پشت
و از مزروعات گندم و جو و فواکه [illegible] مثل فندق و پسته و انواع بزورات و اشجار میوه دار و حیوانات و طعمه [illegible] مثل
طوطی و [illegible] و غیره و از طبقات مردم وزیران و دبیران و منجمان و کتاب و [illegible] ارباب صنایع و اصحاب علوم
و دواوین و تجار و ارباب طریق و منازل و مواضع مرتفعه و از حیوانات مار و گنجشک و زاغ و از آبادات
[illegible] و محال مواضع [illegible] و از جهات سمت جنوب و از بادها باد [illegible] و از بلاد [illegible]
و جزیره خضرا و زمین یونان و بعضی بلاد افریقیه مغرب و دار الملک حبشه و [illegible] و بعضی بلاد شام و ثغور و فرات
و موصل و کوفه و بعضی بلاد فارس و [illegible] اندلس و [illegible] کشمیر و چین و از معادن سیماب منسوب بآن است
دلالات برج میزان میزان بیت زهره و وبال مریخ و شرف زحل در ۲۱ درجه و هبوط شمس در ۱۹ درجه و صاحب
مثلثه اول زحل و ثانی عطارد و ثالث مشتری مذکر است و نهاری و حار و رطب معتدل هوائی و دموی و منقلب و مذاق
آن شیرین و برج گویا و [illegible] حلول شمس بدان برج باعث اعتدال شب و روز و [illegible] ببرودت [illegible] و منقلب
[illegible] زمان صیف بسوی خریف و [illegible] برج انسی سلیم الاعضا معتدل القامه و صاحب حسن

و جمال و معتدل مزاج و لحم سیاه چشم و صحیح البدن و نیکو روی باشد که بینی بلند باشد و بعضی مایل [illegible] شده
و سفید رنگ که بزردی زند و متوسط اللحیه و ملیح الخدین و در بدن علامت [illegible] و شدید الشهوه حریص بزنان و صبیان
بود قلیل الاولاد و کثیر النکاح باشد و صاحب اخلاق حسنه و کریم النفس و صاحب فکر و تدبیر در امور و عادل و منصف
و ادیب و سخی و فاعل لهو و لعب [illegible] و کثیر النوم و شدید الصوت بود [illegible] و [illegible] و تحمل [illegible]
و سر گرد بود و آنچه [illegible] و عمارات نیکو [illegible] و عبادات خانها و زمین [illegible]
و زنان و [illegible] و از نبات [illegible] و [illegible] و از جهات سمت جنوب و از بادها باد
آن جهت و از طبقات مردم عقلا و صاحبان مراتب و [illegible] و صاحبان صنعت و فلاسفه و مهندسین
و تجار و از بدن انسان میانه پشت و [illegible] بطن و سره و [illegible] و الیتان و از بلاد [illegible] جنوب و صعید مصر
و مکه معظمه و [illegible] و طرس و [illegible] و روم و سیستان [illegible] و بلخ و [illegible]
و [illegible] و کابل و [illegible] منسوب بآن است دلالات برج عقرب عقرب بیت مریخ و وبال زهره
و هبوط قمر در ۳ درجه و صاحب مثلثه اول مریخ و ثانی شمس [illegible] مؤنث است و لیلی بارد و رطب و مائی و بلغمی و مذاق
آن شور و برج گویا و [illegible] ثابت [illegible] و حصول [illegible] زمان خریف [illegible]
برج [illegible] سلیم الاعضا [illegible] چشم [illegible] و [illegible]
[illegible] علامات [illegible]
[illegible] و کثیر الشهوه و [illegible]
و مغضوب العرب و کثیر الحمق و [illegible] و چشم [illegible] و [illegible]
و رفیع و نمام و شریر و مغضوب و کذاب و [illegible] النفس و [illegible] و خداع و صاحب [illegible] در موضع [illegible]
و کاهل و بغض و کینه [illegible] و از بدن انسان [illegible] و از طبقات مردم [illegible]
[illegible] و مواضع سلاح و [illegible] و از مزروعات تمامی انواع فواکه مثل [illegible] و انگور [illegible]
معتدل قامت و [illegible] و انواع حشرات [illegible] که از آب بیرون [illegible] مثل مرجان [illegible]
و [illegible] و از حیوانات [illegible] و مواضع آب روان و محال [illegible]

وازجهات سمت چپ شمال وازبلاد تا با وآن جانب وازبلاد حران و مدینه و زمین حجاز و بعض یمن و عمان و
البصره و نهروان و طرابلس شام و ترمد و حلب و قرقیسیا و طنجه و دمشق و موصل و بلاد خوزستان و آمل و ری و دیلم
و سند و حجاز و بادیه عرب و سند و هند دلالات برج قوس قوس برج مشتری و فرح آن و وبال عطارد و شرف ذنب
در ۳ درجه و هبوط راس در ۳ درجه و صاحب جز اول عطارد و دوم قمر و سیم زحل مذکر است و نهاری حار و یابس
و صفراوی و آتشی و مذاق آن تلخ و برج کهر با و خوشبو و جنوبی و مواطن شمس بن ملیح زمان خریف نیمه
جز اول انسی است و نیمه آخر بهیمی و ناقص الخلقه تسلیم الاعضا و نیکو صورت صاحب حسن و جمال و خوش طبع نیکو ابرو و نیک
شکم بلند با اعتدال الخلقه و میانه اواز ساق بلند طویل الفخذین و بلند ریش بزرگ چشم جاد و چشم کشیده موی و لون
آن مایل بسرخی و سریع الحرکت و صاحب قوه دراه و رفق و قلیل الاولاد و النکاح و قلیل الشهوه و لیکن طوک طبع و کم
نفس و مبذر در مال بی فکر و بی پروا صاحب ادب و حیله و خداع و مکار و متوسط در عصمت و عفت و صاحب علم
حساب و هندسه و وقت اندیش و فکر در امور دین و مذهب و عجب و خود بو و متوسط المرض و اغلب علل شکل
نقرس و نزله و کوری و صلع و سقوط از بلندیها و مکان مرتفع و آفات از سباع و دواب و دزدان و قطع اعضا و آلات
نایره و دراعضا و از بدن انسان رانها و از طبقات مردم با کاران و کسانیکه کار ایشان و خاطر کشند و واسطه بنی
دانشکده و دو دخانها و مواضع و چارکاوان و باغهای که آب و سموح و آنک و گچ و زر و از نیز و از حیوانات اسپ و سم کاو
خانه اسب و شتر و استر و بعضی از مرغان و درات غریزی و جستن بود و از جهات طرف راست مشرق و بلاد جانب
وازبلاد بعضی بلاد اندلس و بلاد شام و شرقیه بحر و حبشه در قره و مصر و دنبی ... و سطحی و قهستان و بلاد ری و
دیوض بیکو ینداصفهان و جرجان و سند و هند و بغداد و ری و دماوند و باب الابواب و بعضی از ازمنه عرب بانست دلالات
برج جدی جدی برج زحل و وبال قمر و شرف مریخ در ۲۸ درجه و هبوط مشتری در ۱۵ درجه و صاحب جز اول مشتری
دوم مریخ و سیم شمس مونث است و لیلی با رد و یابس و خاکی و سوداوی و مذاق آن ترش و برج منقلب و هوی
و شتوی طلوع شمس بان نهایت قرب با فق جنوب بهم میرسانند و صورت آن اعتدال و اول زیادتی روز و کمال بلندی شب
و زمان انقلاب هوای زمستان نیمه اول او بهیمی است و نیمه آخر طیر تام الخلقه و سلیم الاعضا و نیکو صورت یابس الجسم
سست مفاصل و یابس الاخلاط و کثیر الشهو کم ریش و بلند بینی و بزرگ ران و باریک ساق و بزرگ صورت سبز چشم و دراز

دبلاد

و بیک رو و در رفق و اوسط الفم و سبز رنگ و کثیر التوهم ضعیف القوت و کثیر الاولاد و النکاح و کم طبع مقلوب
صاحب مکر و حیله و تدبیر و خامل لهو و لعب سریع الانقلاب و شبیه بحوص در امر نکاح و کثیر المرض و امراض آن
مثل جرب و سیلان دم و کوری و کنگی و خارش و گریه و نگر و سرطان و نقرس و دوا الثعلب و نزله و صلع و از بدن انسان
رکبتان و کعب و شتالنک و بازوهای و اولیج و حکیم و باغبان از طبقات مردم حیوان و شبه کان و عمارات و قصر بیخ و
زراعت و موضع سواقی و اودیه و اشجار و بیره دار و بیابان و منزل غرباء و راه و تنگ راه و تنگنای و درخت ساج
و آبنوس و بلوط و انواع بزورات و حشرات الارض و کرسفنه و میش و بزغاله و حال مرا و بیک و از جهات سمت راست
جنوب و بوده آن ناحیت دانشکده وازبلاد عرس اقصی و حبشه و کرمان و بحرین و عمان و قیسیه و شرقیه بلاد روم و ما یلی
اصطخر و اهواز و طبرستان و کابل و دیلم و جیلان و قرمس و صفت و مکران و سند و چین منسوب بان است دلالات برج دلو
دلو برج زحل و فرح آن و وبال شمس نیست در آن شرف و هبوط و صاحب جز اول زحل و دوم عطارد و سیم قمر مذکر است
و نهاری حار و رطب و هوایی و مذاق آن شیرین و برج هوی و ثابت در او و دخول شمس در آن شدت برد بهم میرساند
بر دوت و زمستان متوسط ثابت میکرد و زمان کمال مواد و برج انسی و تام الخلقه و سلیم الاعضا میانه بالا عظیم البینیه
نیکو صورت کلان پا بلند از دیگر میانه چشم و مضطرب خفیف لب پهن سینه خاک و پشتی و زرد رنگ بلند بینی قوی هیکل
کثیر الشهوه و کثیر الحد و سخن طبع مبذر مال حریص بزینت قلیل النکاح متوسط الاولاد و صاحب تقریر و بیان کریم النفس
کثیر الفکر و و اقف در جمع مال و لبس رویش و کثیر الیقین نرم شدت ساکن الطبع صاحب فکر و کثیر المرض و اغلب علت
بدن و نزله و نقرس و ورم و عین و یرقان و دق و سقط از امکنه مرتفعه و خوش خوبیا و صاحب وقار و از بدن
انسان و تاپی و شبه بالعرقت و انسان و طیور سیاه بزرگ مثل نعام و شتر و عقاب و مانند آن و سنجاب و بیروع
و طیور آبی خضر صاحب رنگ و مواضع آبها و انهار و چاهها و بادها و صحرا مهلکه و اشجار و نباتات ساج و آبنوس
و حیله و نیلم و از طبقات مردم علما و فقها و کنیز و غلام و کرامیه و قرابات خانه و مواضع و ایرانیان و زجاج و کرم
و کبوتر و از جهات سمت چپ منسوب و بود آن طرف و حال ما با ما رخت کرده شد کهن تا بشکنند و سر ها
وازبلاد و وسط حبشه و دشت حجاز و بحر و ستو و کوه و بخارا و شام و طلیطه و ارض الصین و کرمان و شاش و بروع و ترقه
و بعضی بلاد فارس و بعضی بلاد خراسان و طبری زمین سند منسوب بان است دلالات برج حوت حوت برج مشتری

ودوبال عطارد و هبوط عطارد در ۱۵ درجه و شرف زهره در ۲۷ درجه و صاحب وجه اول زحل و وجه ثانی مشتری و وجه
ثالث مریخ مؤنث است و لیلی بارد و رطب بلغمی و مذاق آن شوری و فرحجانی و برج [illegible] حلول شمس
در آن زمان شتا باشد و [illegible] در و برج [illegible] بهار [illegible] بصدا مقطوع الاضلاع
و کثیر الشهوه [illegible] صورت [illegible] حسن [illegible] چشم سیاه چشم [illegible] از سفیدی و عریض
الکتفین و [illegible] و دهن بزرگ و دندانها [illegible] بدخلق [illegible] باشد [illegible] خال نرم [illegible]
و [illegible] باشد [illegible] متوسط قامت سفید رنگ نیکو خلق و صاحب رای [illegible] باشد و کثیر
الرغبه در نکاح و کثیر الاولاد و نظیف و [illegible] و صاحب ادب و [illegible] و صاحب وفا [illegible] و بسیار [illegible]
امراض در اعصاب و نقرس و جرب و [illegible] و صلع و برص و [illegible] از بدن انسان [illegible] و کثرة شهوت
دلیری و حمق و فراموشی و خوش خوید و [illegible] حیوانات آید تمام [illegible] یا غیر [illegible] و آنچه از آب بر [illegible]
از انواع جواهرات و زینت [illegible] در بهاری [illegible] کنند [illegible] و غیره و [illegible] و [illegible] انواع
میوه [illegible] خوش طعم خوش رایحه و از انواع حیوانات آید و از طبقات مردم [illegible] و اشراف و [illegible]
و اماکن مقدسه [illegible] و مساجد و [illegible] و از [illegible] و آنچه در آب [illegible] و مار و عقرب
[illegible] در [illegible] خوش [illegible] و از جهات [illegible] و باد آن جهت **و از بلاد** [illegible]
و [illegible] جرجان و روم و مصر و اسکندریه و [illegible] و دجله و [illegible] که در آب بنا کرده باشند
و [illegible] و سمرقند و بخارا و شمال [illegible] و شرقی [illegible] منسوب باین است **فصل دوم** در ذکر مثلثات
بروج و حدود ارباع و آنچه متعلق به بروج است و آن برسه وجه است **وجه اول** بر آنچه که طبیعت و مزاج آنها در بعضی
اشیا [illegible] و بعضی مشترک مثل [illegible] که [illegible] مثلثه و احداثشی از جهت آنکه بروج ناریه اند حار و یابس
و صفرا [illegible] و [illegible] این بروج در مشرق نهایت قوت دارند و ارباب این مثلثات در روز شمس و مشتری
و در شب مشتری و شمس و شریک هر دو در شب و در روز زحل است و ثور و سنبله و جدی مثلثه و احداثانیه اند که بروج
خاکی اند و بارد و یابس و سوداوی و مؤنث و لیلی و جنوبی این بروج در جنوب نهایت قوه دارند و ارباب این مثلثات
در روز زهره و قمر و در شب قمر و زهره و شریک هر دو در شب و در روز مریخ است و جوزا و میزان و دلو مثلثه و احدا هوائیه اند

بعضی اگر

بعد آنکه حار و رطب و دموی معتدل [illegible] و نهاری و غربیه این بروج در مغرب کمال قوت دارند و ارباب این مثلثات
در روز زحل و عطارد و در شب عطارد و زحل و شریک هر دو [illegible] مشتری است و سرطان و عقرب و حوت برج مثلثه
مائیه اند بجهة آنکه بارد و رطب و بلغمی و مؤنث اند و لیلی و شمالی این بروج در شمال قوت کمال دارند و ارباب این مثلثات
در روز زهره و مریخ و در شب مریخ و زهره و شریک هر دو در روز و شب قمر است و وجه ثانی در [illegible] و وجه ثانی در بروج
منسوب بجهة آن برج است پس برج حمل که با دشرقیه باشد منسوب برج حمل است و برج [illegible] منسوب برج جوزا است
و آن مرتب است و برج قبل [illegible] جنوبی منسوب برج ثور است و آن حار است و برج شمال در نزد اصحاب [illegible] برج جدی
نسبت منسوب برج سرطان است و آن [illegible] است [illegible] که [illegible] منسوب برج است که [illegible]
آن برج بعد از مثلثات پس اگر [illegible] مشرق و جنوب و در وسط باشد منسوب برج اسد است و هرگاه بشرق [illegible]
باشد منسوب بحمل است و هرگاه بجنوب نزدیک باشد منسوب بقوس است و هم چنین [illegible] بهمین طریق است که ذکر شد **و اما**
دلالات کواکب بر ارباع موافق آنچه بطلمیوس فرموده است که نقطه شرق منسوب بزحل است و کمال قوت در [illegible] و نقطه شمال
منسوب بمشتری است و این هر دو [illegible] شرقیه شمالیه اند و نقطه مغرب منسوب بمریخ است و مریخ و مشتری هر دو [illegible]
غربیه شمالیه اند و نقطه جنوب منسوب بزهره است و زهره و مریخ هر دو [illegible] غربیه جنوبیه اند و زهره با زحل هر دو [illegible]
شرقیه جنوبیه اند و بجهة شناختن این ارباع دایره رسم شده و مثلثات [illegible] **وجه ثالث** چهار برج از این



بروج منقلب است و آن حمل و سرطان و میزان و جدی است باعث انقلاب
زمان [illegible] وقت حلول شمس اوایل این بروج و دلالات این
بروج [illegible] و تصرف و نظر در علوم و حل فرایض و
مشکلات و چهار برج ثابت است و آن ثور و اسد و عقرب
و دلو است باعث ثبات زمان است هنگام حلول شمس
در اوایل این بروج و دلالات دارند بر حلم و انصاف و مروت
دیگر [illegible] و [illegible] باشد که احتمال صبر [illegible] و حمل [illegible] باشد و چهار برج
ذو جسدین است و آن جوزا و سنبله و قوس و حوت است باعث تغییر زمان بیکدیگر هنگام وصول آفتاب باوایل این بروج

و دلالات بر اخلاط و طبیعت و نفث جبل و اختلاف امور و فنون و الوان و اصناف متعدده دارند بالجمله بروج ثابته
اظهر دلالت در دلالت است و در جسد اخف از آن است و منقلب مابین هر دو است و از بروج آنچه منتصف الصفت
نطقی است از جوزا و سنبله و میزان و نصف اول قوس آن و دلو تمام چون بر صورت انسان‌اند و آنچه بر صورت [illegible] شوند و بعضی
از بروج صاحب بال‌اند که ذات الجناح [illegible] و آن جوزا و سنبله و حوت است و بعضی دیگر از بروج [illegible] و [illegible] اربع کوه
چهارپا باشند و آن حمل و ثور و اسد و نصف آخر قوس و جدی [illegible] و بعضی دیگر از بروج [illegible] مثل حمل و ثور و سرطان و عقرب
و قوس و جدی [illegible] شوند و بعضی دیگر کثیر الاولاد اند و آن سرطان و عقرب و حوت است و بعضی دیگر عقیم‌اند مثل جوزا و اسد و سنبله و بعضی
دیگر قلیل الاولاد اند مثل حمل و ثور و میزان و قوس و جدی و دلو [illegible] شوند **فصل دوم** در ذکر صفت هر یک از ارباع فلک البروج
و آنچه متعلق بدان است اما ربع اول از فلک از درجه وسط السماء تا درجه طالع برود شرقی و مذکر و مقبل و دلیل است بر اول
عمر و ربع ثانی از درجه سابع است تا درجه عاشر برود و آن جنوبی مؤنث و زایل و مدبر دلالت دارد بر وسط عمر و ربع ثالث
از درجه رابع است تا درجه سابع برود و آن جنوبی مذکر و مقبل و دلیل است بر آخر عمر و ربع رابع از درجه طالع است تا درجه
رابع برود و آن شمالی مؤنث و زایل و مدبر و دلیل است بر امر موتی بعد مرگ و نصف از فلک البروج که از وسط السماء تا درجه
رابع برود گفته‌اند نصف صاعد و نصف دیگر از درجه رابع تا درجه وسط السماء برود گفته‌اند نصف هابط و نیز نصف از بروج
که فوق الارض باشد جز طالع [illegible] و نصف دیگر که تحت الارض باشد جز طالع و طالع و عاشر و سابع و رابع را اوتاد
[illegible] دلالت دارند بر قوت و اقبال و سعادت و عظیم القدر بودن و احتراز از سقوط و ثانی و خامس و حادی عشر و ثامن را
مائل اوتاد [illegible] دلالت کنند بر قوت و سعادت و وسط [illegible] آنچه دلیل اتفاق کنند و ثالث و تاسع و ثانی عشر و سادس را [illegible]
زایل اوتاد و ساقط [illegible] دلالت دارند بر ضعف و ادبار [illegible] سیم و نهم اقوی از ان [illegible] و دلالت کنند بر شهوة
و ششم و دوازدهم دلالت کنند بر سر و کتمان امور مخفی و صبر بر امور و از جهة هر یکی از بیوت مذکوره دلالة بر احوال نفس
و متعلقان است [illegible] ذکر کنیم ثبت بیوت است که طالع را مذکر و ثانی را مؤنث و ثالث مذکر و رابع مؤنث
و برین ترتیب تا آخر بیوت **فصل سیم** در ذکر دلالات بیوت اثنی عشر **اما طالع** جزوی از منطقة البروج
که بر افق شرقی باشد هنگام ولادت [illegible] گویند و دلیل است بر نفس و حیات و بدن و اوایل عمر مولود و تربیت آن و وقوع
[illegible] و ربسطة اول دلیل است بر حیات و جسم و ثانی بر وسط عمر و ثالث بر آخر آن و رنگ آن [illegible] در دلالت و معرفت

الت

از است بعد موت و دلالت میکند بر [illegible] و امور ظاهره و شرف و زیادت در جاه و [illegible] و رنگ
آن اغبر قلیل **الثانی** بیت المال و معاش و اسباب کسب و اعوان و قدرت بر [illegible] و اخذ و اعطا و [illegible] و قدوم
غایب و [illegible] و غذای آن و آفات [illegible] اگر نحوس [illegible] در آن خانه باشد و [illegible] و دلالت میکند بر آخر حسن
مولود و ربسطة اول دلیل است بر مال و ثانی بر اعوان و ثالث شریک [illegible] دلالت و دلیل [illegible] است و رنگ
آن سبز است **الثالث** بیت الاخوة و اهل و اقارب و وقوع قرابت و دلالت دارد بر دین و علم و اسرار و اخبار و سفر
و اسفار و قرب و بیوت عبادات و زنان و [illegible] و حالات مولود پیش از فوت و ربسطة اول دلیل اخوة و اکابر و ثانی
بر اوسط و سیم بر کوچکان و [illegible] و رنگ آن [illegible] **الرابع** بیت العقار و ضیاع و منازل و کیفیت
اصل و حسب و [illegible] و عواقب امور و [illegible] مستوره
مخفی مانند گنج و دفن آن و مکان سرقت و حصون و حبس و زندان و وثاق و عزل و ربسطة اول دلیل است بر کنیز
و غلام و ثانی بر عقارات و ضیاع و ثالث بر عاقبت امور و [illegible] و اطلاع [illegible] و رنگ **الخامس**
بیت [illegible] و [illegible] و رسل و هدایا و صدق و وقوع [illegible] است و دلالت بر [illegible] و کسب و وقوع سرور و نشاط
بر احوال گذشته و صنعت و [illegible] و اکل و شرب و آنچه گفته شود بعد فوت از خیر و شر و ربسطة اول دلیل است بر ولد
و حیات و عقل و ثانی بر لذت و سیم بر رسل و هدایا و غیره و [illegible] و رنگ آن سفید **السادس** بیت
مرض و عیب و کنیز و غلام و حیوانات کوچک و وقوع [illegible] است و دلیل است بر [illegible]
و جور و مکر و [illegible] و ربسطة اول دلیل بر مرض و سلامت از آفات است و
ثانی بر کنیز و غلام و ثالث بر [illegible] و رنگ آن سیاه **السابع** بیت [illegible] و زوج
و شرکا و اضداد و خصومات و [illegible] و مقصد [illegible] آنچه حاصل گردد بر آن از [illegible] در غربت و [illegible]
و [illegible] و ربسطة اول دلالت دارد بر زنان و ثانی بر خصومات و ثالث بر [illegible] و طلب
و رنگ آن [illegible] **الثامن** بیت موت و خوف و اسباب مرگ و میراث و احوال [illegible]
و [illegible] اسباب هلاکت و [illegible]
رگ و ربسطة اول دلیل است بر موت و ثانی بر میراث و سیم بر خوف و امور [illegible] و لون

آن سفینه **التاسع** بیت علم و دین و فال و قضا و سفر و فرح شمس است و دلالت دارد بر زوال و آنچه گذشته است از امور
و کتب و اخبار و رسل و حج و بیان و خوابها و برادر زن و رب مثلثه اول دلیل است بر سفر و ثانی بر دین و عبادت و ثالث
بر علم و آنچه متعلق بعلم است و قمر و زحل منسوب باین و رنگ آن سرخ **العاشر** بیت عز و سلطان و ذکر و رفعت و صیت و صنایع
و امهات و دلیل است بر ملوک و اشراف و قضات و مشهورین خاصه و عامه و ولات و سیرت آنها و عمل آنها و شیر و میوه و حلال
و شراب و امثال آن و رب مثلثه اول دلالت کند بر فضل و شرف و منزلت و رفعت و ثانی بر ذکر و صیت و صناعات
و ثالث بر امهات و ثبات یا زوال و مریخ و شمس منسوب باین و رنگ آن زرد **الحادی عشر** بیت امید و رجا و سعادت و ثنا و اصدقا
و عشرت و معاونان و عطایا و زینت و تجارات و فرح مشتری و زهره دلیل بر مال سلطان و اعوان آن و آنچه متعلق باین است
مثل ولات و عمال بعد عزل و آنچه گذشته باشد خیر از امور و صداقت اکابر و رشوه و رب مثلثه اول دلالت میکند بر رجا
و سعادت و ثالث بر اصدقا و ثانی بر منفعت و مغفرت و رب و قمر منسوب باین و رنگ آن زرد **الثانی عشر** بیت شقا و اعدا و
وحشت و فرح زحل است و دلالت دارد بر حبس و دواب و حزن و غم و دین و خراب و مکر و کید و مکث و امراض و دواب
بزرگ و ارقاق و سفل و ارحال و غربت و الحبس و احوال ظلم و ستم و الطرد [illegible] از جانب مال و حیلت و به کار [illegible] و مکر
و حیله و حقد و رب مثلثه اول دلیل است بر اعدا و ثانی بر دواب و مواشی و ثالث بر شقا و زندان و ارقاق و غیر آن و عطارد منسوب
باین و رنگ آن سیاه و الله اعلم **فصل چهارم** در ذکر طبایع کواکب و دلالات آنها از اشیاء و اقالیم و بلدان و غیرها **دلالات**
زحل نحس و مذکر و نهاری و یابس و بارد و سوداوی مزاج و طعم تلخ [illegible] از جهت طبع آن است چون افراط سردی و خشکی
سبب هلاک حیوانات و نباتات است و رنج و کوفت [illegible] بالا و از آن نیست [illegible] بحکم اصلا نحس نامیده اند و بعضی
گفته اند خنثی است و علوی و مشرقی و مدلول او از طبایع خنثی و ترشی مفرط [illegible] و از رنگها سیاه و از [illegible]
و از قواها ماسکه و گرانی و از مردمان پیران و زاهدان بد علم و بنگاه و دهقانان و ارباب خاندان قدیم و دلالان
و غلامان و حفاران و دباغان و ملاحان و [illegible] که [illegible] میکنند و خسیسان پست فطرت و از خلطها سودا
و طعم قابض و از عنصر زمین و از اعضا [illegible] سپرز و [illegible] راست و پشت و [illegible] و از **قوتها** قوت ماسکه
و اخلاط [illegible] و سودا و [illegible] و از **امراض** [illegible] بیماریها نقرس و جذام و سودا [illegible] و قروح [illegible]
و مرض [illegible] دیرپا و سل و [illegible] و فالج و وجع ارحام و [illegible] و نزله و وجع مفاصل و جمیع امراض مزمن

که از بهر دوست

که از بهر دوست حاصل کرده و از شکلها [illegible] و از خوردنیها جو و عدس و [illegible] و حیله و [illegible] و [illegible]
و دور کردن و حکمت و کتمان سر و وقار و بدخواهی مردمان و ستیزه کاره و کاهل و بسیار خفتن و از جانها درویشی و عزلت
و استغفار و غربت و [illegible] و تحمل شدائد و رنجهای عظیم و از فعلها ظلم و [illegible] و کار کل و شوراندن زمین و زندان و [illegible]
و [illegible] چیزها و کهن و کار [illegible] و [illegible] و از [illegible] صورت [illegible] بزرگ سر باشد و [illegible]
و فراخ دهن و [illegible] و بسیار [illegible] و از [illegible] بزرگ [illegible] گردانه و [illegible] ساق [illegible] کام [illegible]
چشم و از [illegible] و از روزها شنبه و از شبها شب چهارشنبه و [illegible] و در [illegible] فردارات
آن ۱۱ سال و [illegible] عظمی آن ۲۶۵ سال و [illegible] کبری آن ۵۷ سال و [illegible] وسطی آن ۴۳ سال و [illegible] صغری آن
۳۰ سال و [illegible] او در [illegible] است بقول بطلمیوس و بعضی گفته اند قوت او در [illegible] و [illegible] او در [illegible]
[illegible] و اهل فرس و غیر آنها [illegible] که در کتب آنها ذکر شده و اگر [illegible]
و از [illegible] و [illegible] و [illegible] و بنگاه و [illegible] و [illegible] و [illegible]
زیر زمین [illegible] باشد چون [illegible] و [illegible] و از [illegible] و از [illegible]
و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] و از [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
و [illegible] و از اقالیم اقلیم اول و از شهرها [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] **دلالات مشتری** [illegible] سعد اکبر [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] سعد اکبر [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible] و از [illegible] و [illegible]
[illegible] و از [illegible] و [illegible]
[illegible] و از **قوتها** قوت نفسانی و [illegible]
[illegible] و از **امراض** [illegible] و [illegible]

چون قضات و وزرا و [illegible] و دبیران و اشراف و پادشاهان عادل و علما و از صورتها صورت [illegible] که بتمام باشد و فراخ
چشم و معتدل موی و خوب روی که بسرخی زند و شکل [illegible] ابیض اللون مایل بحمرة و خوبروی و گردن بلند و پهن ریش و حسن
القامت و مقدار و از خویها علم و عقل و صاحب هیبت و صدق و زهد و سخاوت و عدل و امانت و غیرت و راستی
و بلندی همت و حریص در عمارت و بنا و در [illegible] و [illegible] و از فعلها امر معروف و نهی منکر و اصلاح ذات بین و [illegible]
و دین و [illegible] شرف و [illegible] در نکاح و ازواج و جمع مال و کسب [illegible] و نیکو خلقی و خوش نفسی و از حالها حب ریاست
و سیادت و صدق رؤیا و از خویشان نزدیکان فرزندان و اولاد و اولاد و از الوان سبزی و از ادیان دین نصرانی و از روزها
روز پنجشنبه و از شبها شب جمعه و مقدار جرم آن ط در جرم [illegible] و سالهای فردارات آن ۱۲ سال و سالهای عظمی آن ۴۲۷ سال
و سالهای کبری آن ۷۹ سال و سالهای وسطی آن ۴۵ سال و سالهای صغری آن ۱۲ سال و [illegible] او در شمال است بقول بطلمیوس
و بقول بعضی در جنوب و از نباتات گندم و جو و برنج و نخود و ارزن و [illegible] و سیب و انار شیرین و [illegible] و جوز و [illegible]
[illegible] و از معدنیات [illegible] سیم و [illegible] و الماس و [illegible] و از حیوانات [illegible] اهلی مانند گوسفند
و [illegible] و مرغ خانگی [illegible] باشد و از عهده صدق و محبت بفقرا
[illegible] و صاحب [illegible] و [illegible] الفلک [illegible] و از اقالیم
اقلیم [illegible] و از جاها [illegible] و از جایها [illegible] که
اهل دین و علم و شرف [illegible] باشند مثل مسجد و مدرسه و [illegible] مانند آن و از شهرها [illegible]
و [illegible] و عراق و از جاها [illegible] دلالات مریخ حار یابس [illegible] صفراء
[illegible] حیوانات و نباتات [illegible] مذکر است و علوی
دلیل [illegible]
[illegible] و از طعمها [illegible] صفراء و از
[illegible] و از قوتها [illegible] و از حسها [illegible] و از شکلها [illegible]
و از اندامها اعضا [illegible] و زهره و [illegible] و عروق و خون غلیظ [illegible]
و از [illegible] و از [illegible] و از صورتها [illegible] باشد

[illegible]

و بزرگ سر و خوبروی [illegible] و سبز چشم و سرخ صورت و سرخ موی و [illegible] انگشتان و فراخ کام و قوی [illegible] و نیکو [illegible] و قلیل
الریش [illegible] صورت و علامتی [illegible] آن باشد اگر [illegible] و از امراض حمیات مفرطه [illegible] العقب و
[illegible] و جراحات [illegible] و تمام امراض حادث از حرارت [illegible]
و از خویها دروغ و خباثت و خلاف [illegible] و جنگ [illegible] و شرارت و دلیری و بد عهدی [illegible]
و صاحب [illegible] و از فعلها قتل و [illegible] چشم [illegible]
و از حالها عزت و خوف [illegible] فاسده و حریص [illegible] و از ادیان [illegible]
و عبادت [illegible] و از روزها سه شنبه و از شبها شب شنبه و مقدار جرم آن [illegible] و سالهای فردارات آن ۷ سال
و سالهای عظمی آن ۲۸۴ سال و سالهای کبری آن ۶۶ سال و سالهای وسطی آن ۴۰ سال و سالهای صغری آن ۱۵ سال
و [illegible] او در جنوب است بقول بطلمیوس و بقول بعضی در شمال و از نزدیکان برادران وسط و از نباتات درختان [illegible]
[illegible]
و از معدنیها [illegible] و از آلات سلاح و از جایها لشکرگاه [illegible]
[illegible] و از حیوانات آنچه گرم و خشک است و از عهده [illegible] سیاست [illegible] و ذبح حیوانات [illegible]
اطفال [illegible]
[illegible]
[illegible] و از اقالیم اقلیم [illegible] و از شهرها شام و روم [illegible]
دلالات شمس حار و یابس [illegible] خشکی [illegible] از اعتدال [illegible]
مذکر است [illegible]
[illegible]
[illegible] و از طعمها [illegible] و از قوتها قوت حیوانی
و از حسها باصره و از اندامها [illegible] چشم راست مرد و چشم چپ زن و دماغ [illegible] و قلب [illegible] و عصب [illegible]
[illegible]

تمام ورسیمان و حکما و اغنیا ربی واز صورتها صورت کسی که زرد آورده بود و بزرگ چشم و باریک سر و کشیده موی و سفید روی گوژپای
مایل بشد و بلند آواز و پهن پیشانی و مجعد موی و کوه صورت و ام آرث در بدن واز خوبها کمال عقل و فهم و ضبط و رفق و پاکیزگی و حرص
و شهوت و ذکر و دفت خواب و شادی و سرعت و غضب و سرعت رضا و لطافت و عظمت و عزت نفس واز فعلها و عاقبها طلب
ریاست و علم و قهر شرار و جمع مال و کثرت کلام و ضرر نزدیکان و نفع زیردستان و همت در کار آخرت واز نزدیکان پدر و برادر
و برادران وسط و وسط عمر واز نباتها شکر و ترنگبین و کشمش و انگور و خرما و توت و ترنج و برنج و درختان بلند که میوه ایشان را
شیرین باشد و صندل و زعفران واز معدنها زر و یاقوت و لاجورد و کبریت و زرنیخ و شیشه و هندواس و رق و سنگهای رنگین و کرفسای
انسانی مطلق واز حیوانات که شفته کوهی است و کرگدن اهلی و نهنگ و باز و سباع و عقاب و فرس و قرس و شتر و ستور
الاغ واز آنجاها که وقوع وانچه بوی مرباست به واز جایها که مهد و کوهها و معادن و محل لشکرگاه و جای پادشاهان واز ادیان
شرکت مجوسیان خصوص آتش پرستی واز روزها روز یکشنبه واز شبها شب پنجشنبه و مقدار جرم آن ۱۵ درجه است و سالهای فرداریه آن
۱۰ سال و سالهای عظمی آن ۱۴۱۶ سالهای کبری آن ۱۲۰ سال سالهای وسطی آن ۶۹ سال سالهای صغری آن ۱۹ سال و وقت
او در شرف است واز عهدها و صنعتها صاحب ملک و ریاست و داد و ستد و اعطا و بذل و ذهب کثیر و صاحب عقل و فهم و ثروت
بطش و جمع مال و صاحب تسلط بر مفسدین واز اقالیم اقلیم چهارم واز شهرها بیت المقدس و کوه لبنان و ارمنیه و دیلم
و خراسان و با خبر ... و اصفهان و طبرستان و ... و بعضی چین را هم داخل کرده اند واز بادها باد ... خوش لیکن دلالات زهره
بارد و رطب با اعتدال سرد و تر است از جهت اعتدال سعد اصغر است و نزدیک پیشتر از سرد است و مؤنث است و خلق ...
و جنوبی و سه رول او از طعمها چرب است مانند شیرینی و دست از همه چیزها بیشتر واز بویها بوی خوش واز رنگها سفید روشن و گندم
گونی و سبزی هم گفته اند واز آبها آنچه نیک نرم باشد و تر واز عضوها مهار و آب واز خلطها رطوبت عزیزی واز قوتها قوت
شهوانی واز حسها شامه ... و اختلاف دم واز شکلها مربع واز اندامها و اعضا ذکر و رحم و دستها و انگشتان و پشت و کبد
و کلیتان و شکم و ورک و فرج و شحم و منی واز امراض نفوذ تب و صفرا ... واو را امراض سبعه ... و آنچه از طرب
سرد حاصل شود واز سنها سن بلوغ و حداثت واز مردمان جوانان نیکو روی خاتونان و مطربان و مخنثان و ... و
لذت و تجمل و زینت واز خوبها خوش خویی و خلق و شهوت و طرب و لعب و نظافت و سخاوت و ظرافت و عجب و تکلف
و صلح و شرم و ذل و تدین و عفت و ملاطفت با مردمان واز صورتها صورت کسی که نیکو روی باشد و رنگ آن سفیدی

کبر فق

کبر فق زند و سیاه چشم و خوش دندان و شیرین دیدار و باطیف ساق و نیکو موی و صحیح صورت و لب بزرگ است و لب باشد
که خال سیاه در صورت داشته باشد و گردن بلند کرده و انگشت گلفت ساق و وسط القامت مرطوبه بدن واز فعلها
و عاقبها مطربی و سبلی خوردن و قمار زدن نا کردن و افعال شنیعه مرتکب شدن و کثرت النکاح و چرب زبان و لطف داشتن
عطر و پیرایه و جامههای رنگین پوشیدن و کثرت الضحک و بشاش بودن می گشته و کربات ... و فزعی و رنگ ریزی واز
نزدیکان زن و شوهر و فرزندان کوچک و مادر واز ادیان دین عرب و اسلام و بعضی گفته اند بت پرستی واز ... اول آن
واز روزها روز جمعه واز شبها شب سه شنبه و مقدار جرم آن ۷ درجه است و سالهای فرداریه آن ۸ سال و سالهای عظمی آن
۱۱۵۱ سال و سالهای کبری آن ۸۲ سال و سالهای وسطی آن ۴۵ سال سالهای صغری آن ۸ سال و وقت او در نقطه
جنوب نزد بطلمیوس و بعضی مشرق میدانند واز نباتها انگور و خرما و شلیله و سیب آبی و درختان خوشبو و ریحانی که نرم
و خوش بو و خوب رو شب بوی انفاع و سفرجل و گل و یاسمین واز معدنها زبرجد و مروارید و سنگ سرمه و نقره واز آنجاها
پیرایه کردن و ظروف طلا و نقره و زبرجد و مرصع واز جایها مرغزار و جزیرهها و بیشهها و جای شهرها و جای رقص
واز عهدها و صنعتها تجارت و صاحب سوق و صاحب فرح و خیاطی و عطاری و بیع جواهر و حلی و نبات سفید و آلات ملاهی
و زینت و آرایش شطرنج و نرد و اکل و شرب و زنا و نکاح و مستی و نظافت و مروت و مجامعت و نگران و جواری و صاحب لهو
و فرح و سرور و عشق و صاحب ادای دروغ و کثرت ایمان واز اقالیم اقلیم پنجم واز شهرها عراق و ری و خوارزم و قهستان و اردبیل
و بعضی بلاد مغرب و هر شهری که در هوا بر بنا کرده باشد و بیل دلالات عطارد و به ویابس خشکی او از آنست و مذکر است و بلاد
مایل است به سعادت و به نحس با هر کوکبی که با هم مزاج او گردد و مذکر است و نهاری و منقلب و او از طعمها تیز بی مزه
تلخ و از آبها آنچه از هر چیز مرکب باشد خاصه از الوان خاصه رنگ آسمان گون واز عنصرها باد واز خلطها سودا واز قوتها
قوه متفکره واز حسها ذائقه و ناطقه واز اندامها و اعضا زبان و دماغ و عصب و عروق و ناف و مقعده واز امراض مرض
سعال و قذف دم و جنون و ذهاب عقل و وسواس سوداوی و صرع و سقوط واز سنها سن کودکی واز مردمان اهل
قلم و وزارت و تجارت و حکمت و کتاب و اصحاب دواوین و عهد و مناظره و درازنان و بنگاه ریزه واز صورتها
صورت کسی که نیکو روی و میانه بالا و سیاه چهره و تنگ پیشانی و کشاده ابرو و فراخ دهان و خرد دندان و تنک ریش
و کشیده موی و دراز پای و نکوین و عسلی لون معتدل در سیه صاحب انگشتان دراز واز خوبها تیزی و حلم و شفقت و ...

برادری و فکرت و حفظ و هوش و صاحب ادب و محب ریاست و کسب شعر و حسن اتفاق و عهد و طلب حق و صاحب جمله
و نسی قلب و از فعلها و حالات تعلیم علوم و سخن گوئی و صاحب نطق و تقریر و تجسس اسرار و تلف اموال بسیار کردن خدمت کاران
خادم گران و سبک دستی در کارها و از نزدیکان برادران کوچک و از ادیان توحید و دین حق و از روزها روز چهارشنبه
و از شبها شب یکشنبه و مقدار جرم آن ۷ درجه است و سالهای فرداریهٔ آن ۱۳ سال سالهای عظمی آن ۴۸۰ سال سالهای کبری آن
۷۶ سال سالهای وسطی آن ۴۸ سال سالهای صغری آن ۲۰ سال و قوت او در شمال است و بعضی قایل بشرف شده اند
و از جانورها مردم و برادر تیز بود و سخن نرم بسته باشد از قبیل تر و خشک و میوها که ترش و پر تخم باشد و گلها و ریحانها و کتان و ترهای پیش
و از جواهرات سنگ شنگرفی و هر چه الوان دو رو باشد و خرگوش و شغال و قاقم و کبوتر و چرغ و مرغ آبی و دراج و هزاردستان و کلنگ
و از معدنیات زیبق و سیماب و درم منقوش و سکه دار و مرجان و از آلتها آلت خط و کتابت و از جاها بازارها و مسجدها و دیوان
خانها و جاها که سبب نزدیک باشد و ریگ و آب دوشیده باشد و از عهدها و صنعتها صحبت جواهری و صیدبان و نقوش و نجاری و کار و نقشی
و صاحب فصاحت و بلاغت و سکه زدن و کار حسن اخلاق و علوم هندسه و نظم و شعبده و تجارت و حساب و دست حرفی و نقاشی
و بیع جلد و مصحف و عقد و جبین و بافت و منفعه در علوم و سلک و هنر فروشی و از اقالیم اقلیم سادس و از شهرها فرغانه
و چین و دشت بربر و دیلم و جیلان و جرجان و کوهستان و مدینهٔ مشرفه و قزوین و کوفه و بیت المقدس سد الات قمر او در طبیعت
مزاج اصلی آن و طبیعتش معتدل است بدرجهٔ سعادت بنظر و خانات قابل قوت و درجهٔ بحیثیت قرب او بعالم سفلی و زیادت
و نقصان او تلون مزاج است لیکن مزاج اصلی آن آنست که مذکر شد و مؤنث و شب است و صاحب ذنب شب است
و مدلول او از طعمها شوربهاست و آنچه که ترش و نمک باشد و از بویها آنچه بیش زایل باشد و از رنگها سفید و رنگ سبز و بسیار ضرر زند
و کاهی زرد و بسیار هر نبتی و از ذوقها آنچه غلیظ باشد و تر ناک و از عنصرها آب و از خلطها بلغم و از ترکیبات قوت طبیعی و از جیب
و از حسها بصر و ذایقه و از اندامها و اعضا معده و شش و سپرز و پستان و درست و کردن و چشم چپ مردان و چشم راست زنان
و دماغ و تمام اعضای جانب چپ و از امراض آن مثل امراض زهره است که اکثر فالج و لقوه و خلع اعضا هم منسوب به قمرست و از
سن طفولیت و از مردمان عامه مردم و ملوک و اشراف و زنان مشهور و زنان مادر و قابله و از صورتها صورت انکس که گرد
روی باشد و در وای چارگوش و پیوسته ابرو و گشاده دندان و در راه کجی باشد و زیبا صورت و مضیح النواح و باریک چشم و سفید رنگ مایل
بزردی و از نزدیکان برادران بزرگ و مادر و دایه و از خویها سلیم دل و آمیزش با امیران و هوس در عیش زندگانی گشتن
آمیزش دلی و دروغ و سخن چینی و فکرت بسیار و سخن کثیر و فراخ عیشی و نان دهی بسیار و ترویح و قبیل و مباشرت
و از فعلها و حالها بنگی و کارهای آینده و دکانداری و محاسبات و تعلیم علوم اوایل و ملاحی و از ادیان دین براهمه و یهود
و هر مذهبی که در هر زمان شیوع گردد میل باین دین نماید و از روزها روز دوشنبه و از شبها شب جمعه و مقدار جرم آن ۱۲
درجه است و سالهای فرداریهٔ آن ۹ سال سالهای عظمی آن ۵۲۰ سال سالهای کبری آن ۱۰۸ سال سالهای
وسطی آن ۳۹ سال سالهای صغری آن ۲۵ سال و قوت او در مرجع نصب و درست و از نباتها گیاه و روی و کشنیز و
کتان و خربزه و خیار و کندم و جو و انار و انگور و از جانوران شتر و گاو و گوسفند و فیل و شترمرغ و بط و نهنگ و ماهی ان
و کنجشک و دراج و بوتیمار و از معدنیات بلور و قمر و مروارید و بلور و مهره ها و نقره و فولاد و از آلات سبک و تنگ
و از آلتها جامه های تن و انگشتری است و از جاها زمینهای نرم و ملک نهرها و سیرگاهها و درختان و چمنها و
دو رضای و از عهدها و صنعتها ضعیف عقل و دیج اطعمه و جواهری و دلالی و بنایی و از اقالیم اقلیم هفتم و از شهرها جیلان
و زمین فرز و زابل و مولتان و قنوج و بعض آذربایجان و موصل و رقه و بعضی بلاد شام تنبیه در این مدلولات
بسیار خلاف است میان اوایل و اواخر و بدانکه هرکه در هر فعلی نظر نمود در صفت کواکب آن مدلول را بسبب آن صفت
نسبت کرده اند بکوکبی و بنابرین اگر آن صفت از جملهٔ اوایل است و چون صفات هر مدلول بسیار است و هر یک خلاف
دیگری است خلاف بسیار است چنانکه در نسبت نائره است مثلا گفته اند که منسوب بقمرست و مدلول است از آنجهت
که صفت فی نفسه که در آب نایره و در آب باشد و باعث اگر این نائره را اگر از جمله در وی باشد چون قرب الذره برده او مدلول زحل
و اگر منشکل باشد مدلول مشتری است و اگر نائره باشد او مدلول مریخ است و اگر نائره انوار داشت باشد مدلول شمس است و
اگر فی نفسه باشد مدلول زهره است و اگر نائره علم باشد مدلول عطارد است و این شرکت کواکب را از دو رسم و حیثیت است
نه از روی حقیقت بدان جهت که حقیقت نائره حقیقت نه شکرست و شرکت او دوری حقیقت نیست که یک چیز بیک
حال باشد و بسبب صفات مختلف منسوب بود بکواکب مختلف چنانکه گفته شد فی هر یک حال است لکن بجهت آنکه جوهر
زمین است منسوب بزحل است و بسبب آنکه گرم و خشک است و خشکی آن بیشتر از گرمی است منسوب بمریخ است و بجهت آنکه
لذت طعم از او است منسوب است بزهره و بسبب آنکه مشهور است منسوب بقمرست و بجهت آنکه سفید است منسوب بمشتری است
و بسبب آنکه بامر طعمها داخل میشود منسوب بعطارد است و بجهت آنکه از حرارت شمس حاصل شده است و گرم است منسوب بشمس است

حاصل شده است و گرم است منسوب بشمس است و دیگری بر این قیاس کن و چه اگر طایفه یک چیز را بکوکبی منسوب کرده باشند
و طایفه دیگر همان چیز را بکوکبی دیگر منسوب کرده باشند بدین جهة هر چیز مختلف بیک کوکب منسوب خواهد بود و بعضی از حکما
راس و ذنب را هم چنان صفت کرده اند که صفت کواکب را و گفته اند که راس گرم است و سعد و زیادت کند در قوت کواکب
و ذنب سرد است و نحس و نقصان کند از قوت کواکب و ذنب دلیل است بر خبث و دروغ و سهو و مضرت نزد اهل بابل
راس با سعد سعد است و با نحس نحس و نزد اهل هند نحس است و ذنب را یاد نکنند و حقیقت آنست که چون راس شمالی است
و ذنب جنوبی و قوت جانب شمال در نه دهم قسمت اقلیم زیاده از آنست که جانب جنوب پس هر کوکب که در مقارنه راس افتد
در قوت او بیفزاید سعد باشد یا نحس مطلق و هر کوکب که در مقارنه ذنب افتد از قوت او بکاهد هر نحس باشد یا سعد مطلق پس راس
سعد است و ذنب نحس **دلالات راس** سعد است و طبیعتا مرکب از طبیعت مشتری است و زهره و دلیل است بر ملک و سعادت
و مال و زیادت و امارت و با سعود زیاده کند در سعادت و با نحوست زیاده کند از نحوست و سالهای بزرگ آن **۳** سال است
و سالهای اعظم آن **۱۰۲** سال و سالهای بزرگ آن **۲** سال و سالهای اوسط آن **۳** سال و سالهای صغری آن **۲** سال است **دلالات ذنب**
نحس است و طبیعتا مرکب از طبیعت مریخ و زحل است و دلیل است بر صعوبت و سقوط و ضرر و نقصان امور و با سعود نقصان
کند از سعادت و با نحوس نقصان کند از نحوست و بدین جهة است که گفته اند که راس با سعود سعد است با نحوس نحس و ذنب
نحس است با سعود سعادت با نحوس ... سالهای بزرگ آن **۲** سال است و ... عقل و کبری و ... و صغری آن مثل سالهای آنست
فصل پنجم حکمای اهل ... اتفاق کرده اند بدانکه الانسان حی ناطق میت پس ... انسان ...
قوت است **اول** قوت طبیعی که سبب ... و نمو آنست **دوم** قوت حیوانی که سبب ... فعل و انفعال ... است ...
و حرکت **سیم** قوت شهوانی که سبب ... است با اصل ... و نسل **چهارم** قوت غضبی است که سبب ...
... **اول** قوت ... بر ... است
... **دوم** ...
... این ... است ...
... قوت است و هر یک از این ... قوت منسوب است بکوکبی ... منسوب است ... قوت ...
منسوب است بشمس و قوت شهوانی منسوب است بزهره و قوت ... منسوب است بمریخ و قوت ... منسوب است بمشتری و قوت ...

و قوت ...

و ذکر منسوب است بعطارد و قوت ... منسوب است بزحل بدان سبب که این ... کواکب بر ... است
در زمین و چنانکه این ... که در ... عالم است ... است ... تا بدان رسیدن
... حاصل شود همچنان این ... که ... افلاک اند ... انوار ... بر ... زمین تا بدان ... حاصل شود
آن ... حاصل شود چنانکه ... صاحب ... و ارباب ریاضت بطلمیوس در این کلمه ... میفرماید که الشمس بنوع القوة
الحيوانية والقمر بنوع القوة الطبيعية والزهرة بنوع القوة الشهوانية والمريخ بنوع القوة الغضبية وعطارد
بنوع القوة الفكرية والمشتري بنوع القوة النفسانية وزحل بنوع القوة الماسكة و چون ... حیات و ممات
آدمی ... و این ... از انوار آن کواکب اند پس ... حیات و ممات آدمی ... انوار کواکب است و آن کواکب از این
جهة دلایل حیات و ممات آدمی است ... اتفاق کرده اند حکما بر آنکه انسان عالم صغیر است ... کبیر ...
... کرده اند که ... احکام عالم ... کواکب ... و ... اند ... احکام ... کواکب ...
و کواکب ... لیکن شمس چنانکه در احکام مقصود ... است ... که او دلیل ... است و ... سعادت
و سعادت جان عالم است ... در احکام ... مقصود ... است بدان سبب که او دلیل حیات است و حیات ... روح است
و روح جان انسان است و بدین سبب است که چون شمس ... حیات در کل انسان ... از جهة ... حس و حرکت
و چون غروب کند ... حرکت ... از جهة ... و سکون ... در احکام عالم ... شمس است همچنان
در احکام انسان نیز ... است و از این جهة قوت طبیعی بقمر منسوب است ... شمس ... طبیعت در انسان ... حیات است
و ... مریخ در احکام عالم ... است در احکام انسان و ... این ... بطلمیوس ... کواکب ...
... ذکر کرده ... و کذالك یکون الزهرة وعطارد والمریخ فی المواليد دالة على اخلاق صاحبه وصناعته
هر کس که خواهد شرح این باب را ... رجوع بکتاب ... بکند **باب دوم** در احکام ... و آن ... فصل است **فصل اول**
در احکام احوال ... از ... احوال ... در مدت حمل ... از مدت حمل منسوب
بکوکبی است چنانکه ماه اول منسوب است بزحل و ماه دوم منسوب است بمشتری و ماه سیم منسوب است بمریخ و ماه چهارم منسوب است بشمس
و ماه پنجم منسوب است بزهره و ماه ششم منسوب بعطارد است و ماه هفتم منسوب است بقمر و ماه هشتم منسوب است بزحل ...
و بدین جهة است هر کس که در ماه هشتم زاید ... و اگر در ماه هفتم یا نهم زاید ... که ماه نهم بمشتری باز میرسد و هر ماه که منسوب است

بگیرد اگر آن کوکب در اغلب ماه‌ها قوی حال باشد از مزاج آن کوکب در خلقت در غذا اثر کرده و اگر ضعیف حال بود ضعف ظاهر
کرده و جمعی از جهال منجمان بر آن رفته‌اند که در ماه اول حمل قوت سردی از زحل بنطفه پیوندد و نطفه منجمد و برقرار ماند و در ماه دوم قوت
نامیه از مشتری بدو پیوندد و بالیدن گیرد و در ماه سیم قوت غضب از مریخ بدو پیوندد و در ماه چهارم قوت حیات از شمس بدو پیوندد
و در ماه پنجم قوت شهوت از زهره بدو پیوندد و در ماه ششم قوت نطق از عطارد بدو پیوندد و در ماه هفتم قوت حرکت از قمر بدو پیوندد
و در جنبش آید و خلقت جنین تمام گردد و چون خلقت جنین تمام گشت در ماه هفتم بزاید و بماند و اگر در ماه هشتم بزاید البته نماند چون
قوت حرکت از زحل بدو پیوندد و اگر در ماه نهم چون بزاید بماند بدان سبب که قوت مشتری بدو پیوسته باشد این خرافات است
که طایفه جهال از مزاج کواکب با خود گرفته‌اند و اگر نه هر کس میداند که چون سه ماه از نطفه بگذرد هر آینه جنین در جنبش آید
از آن سبب که اتفاق علماء طبیعت بر آنست که مدت تمام شدن خلقت جنین نیم از مدت حرکت است و مدت حرکت سه یک است از مدت
ولادت پس هرگاه که مدت ولادت شش ماه باشد مدت حرکت دو ماه باشد و مدت خلقت یک ماه و دیگر بر این قیاس کن هر کس
قبول ننماید و در سقط اجنه بنگرد بچشم سر ببیند که در پنجاه روز جنین تمام خلقت شود و احوال خلقت از دلایل طالع سقوط نطفه
نگرند بدان سبب که سقوط نطفه مبدأ خلقت است بدانکه در دلایل خلقت کواکب مؤثرات و قمر و شمس و کواکب متوسط بر درجه طالع
و بر موضع قمر و بر جزو اجتماع یا استقبال مقدم بر سقوط نطفه و صاحب برج این جزو و صاحب حد درجه طالع و مقابل نیز بر هر یک
برج طالع و صاحب وی و اگر طالع سقوط نطفه معلوم نباشد اندکی طالع ولادت را در احکام خلقت بدل وی دارند و این
دلیل از طالع ولادت گیرند و بنگرند که کدام جزو که بیشتر از این دلایل [illegible] صاحب حد و صاحب طالع و صاحب
برج و غیر آن هر یک کوکب باشد [illegible] دلایل [illegible] مزاج برج طالع [illegible] کواکب زیادت کند در جمال مولود و صورت آن
و قوت مزاج [illegible] نقصان کند و همچنین ضعف و قوت کواکب و اگر میان دلایل [illegible] مزاج [illegible] و طریق مزاج
[illegible] کواکب بیشتر را مقدم دارند در دلالت پس متوسط را پس قمر را اگر صاحب وقت باشد پس طالع پس قابل
[illegible] هر یک را اگر باشد و هرگاه قمر صاحب وقت نباشد صاحب وقت را مقدم دارند پس قمر را پس قابل [illegible] هر یک را اگر باشد
بعد از آن صورت مزاج هر یک را ترتیب کنند و آنگاه بدانند که از آن ترکیب حکم کنند چنانکه اگر طالع برج مذکر باشد و اغلب از این کواکب
[illegible] و زهره نیز در برج مذکر باشند یا برج مذکر و یا درجه مذکر یا در جه مذکر و یا [illegible] مذکر باشد مولود مذکر باشد و اگر
مزاج برعکس بود مولود مؤنث باشد و اگر نصف از این دلایل مذکر باشد و نصف مؤنث مولود خنثی باشد و اگر خاصیت مادر

و هر آن باشد

و هر آن باشد که همه مذکر یا مؤنث و بیشتر دلایل مؤنث بود مولود مخنث باشد و اگر این مزاج برعکس بود مولود مذکر باشد خصوصا
که زهره و زحل و مریخ در برج مذکر باشند بآنجهت که مادر جانشر [illegible] بر زهره و مریخ است و مراعات عطارد در همه باب واجب
بود اگر [illegible] جهات و اگر مریخ بر درجه طالع باشد یا نیز کوکب طالع بر صورت مولود اثر بود از خال و یا جراحتی و
بنگی و غیر آن و اگر بیشتر از دلایل طالع برعاق [illegible] مریخ و یا از زحل [illegible] باشد و در برجهای دراز مطالع باشند و در اوایل
برجها و بیشتر کواکب مشرقی باشند مولود بلند بالا باشد و اگر این مزاج برعکس بود مولود کوتاه قامت باشد و اگر میانه بود میانه
قامت باشد و اگر هم دلایل در نهایت عرض باشند خاصه عرض شمالی مولود فربه و چاق باشد و اگر با عرض باشند مولود لاغر و ضعیف بود
و اگر کم عرض باشند یا بغیر عرض بود و بغیر میانه مولود میانه حال بود و اگر آن غایت عرض شمالی بود مولود فربه ستوده بود
و اگر جنوبی بود کاهیده و اگر بیشتر از دلایل نحوس ساقط باشند و در برج بهیمی باشند مولود از جنس انسانی در صغر بهیمه [illegible]
از سوء ساقط باشند و نحوس متولی و اگر اجتماع کواکب بود در یک برج مولود از [illegible] خاصه که اجتماع در یک درجه باشد از دو رجهار
متقارب اگر سعود در آن اجتماع غالب و قوی باشند آن فاسد محمود باشند و اگر منحوس ضعیف باشند مذموم بود و چون دلایل
بهیمی غالب گشت بنگرند اگر فاسد دلایل اگر مرتب ساقط باشند از دلایل جانب بهیمی را بیخ آید و اگر [illegible] طرف انسی را بیخ آید و اگر مولود
بود در جه در دلیل و سهم السعادة در برج بهیمی باشد طرف بهیمی را بیخ آید و اگر این مزاج به برج بهیمی که شمردیم برعکس باشد قوت انسی بود
کامل بود و اگر عطارد در غایت قوت بود و از طالع و موضع قمر و صاحب طالع ساقط بود و در برج گنگ مولود گنگ
و یا هرو باشد و اگر مزاج عطارد برعکس باشد و در خانه مریخ [illegible] مریخ قوی حال باشد مولود صاحب فصاحت و بلاغت و گویا
النطق در محاوره و خوش تقریر باشد خصوصا که عطارد و طالع مشتری باشد و اگر نیرین در موضع [illegible] از ارباب وارث شوند
و نحوس ساقط باشند و در مقابل یکدیگر مولود کور و یا [illegible] شود و یا کور شود خاصه که قمر در وتد باشد و نحسین بعد از او در برج
[illegible] در وتد چهارم بود و نحسین قبل از او بر آیند و اگر غیر از این دلایل در برجهای [illegible] باشد مولود [illegible] و یا بیشتر باشد
که مزمن شوند و اگر بیشتر از آن دلایل ساکن [illegible] باشند مولود سبک حرکت بود و اگر گران رو باشند و یا مقیم مولود گران حرکت
بود و اگر عطارد ضعیف و از طالع ساقط بود و زحل روز در وتد باشد و مریخ شب در وتد مولود [illegible]
و اگر روز مریخ در وتد بود و شب زحل مولود دیوانه بود خاصه که در وتد سرطان باشد یا سنبله و یا حوت **فصل دوم** در احکام مولود
بعد از ولادت و آن چهار نوع است **نوع اول** احکام تربیت مولود که از مادر متولد شود بمنزله میوه غوره باشد

بدانکه چون انسان هم شریک نباتات است در قوتهای طبیعی چنانچه بیان شده است در کتاب اصطلاحات طبی پس چنانچه
بر میوه غوره حکم ثابت کرده از نیکی و بدی صفتها بر میوه نا آنگاه که صفات میوه در وی تمام شود هم چنان بر مولود هم حکم ثابت کرد
از خوبی و بدی صفات انسان نه وقتی که صفات انسانی در وی تمام نگردد و چون افعال اعضا از قبیل قوت و نطق و ابصار و بصیرت
و عقل که صفت خاص انسان است بمرتبه کمال نرسد حکم بر وی جاری نتوان کرد و مدت تمام شدن آن صفت یکصد و تحویل است
که نوبت طالع تحویل سال بطالع باز رسد و این چهار سال شمسی است که این مدت را مدت ایام تربیت خوانند بسبب آنکه از
تربیت مادر مولود در عرض چهار سال آن صفات را بمرتبه کمال میرسانند و چون این مقدمه معلوم گشت بباید دانست که دلیل
تربیت دو طریق است خاص و عام اما خاص در هر طالع ولادت است و صاحب طالع و خداوندان مثلثه طالع و اما عام
شمس است و قمر و شمس مقدم است در ولادت بر قمر از آن سبب که شمس ینبوع قوت حیوانی است و مدار تربیت بر حیات است
و قمر تابع شمس است از جهت نور و از جهتی قمر مقدم است بر شمس از آنجهت که قمر ینبوع قوت طبیعیست و قوت حیوانی در حیوانات
قائم بقوه طبیعیست و قمر نیز مخصوص است بدلالت بر مولود از آنکه مولود نزاع قمر دارد و سریع التغییرست از حالی بحالی
پس ترجیح یکی بر دیگری صورت نه بندد مگر آنکه صاحب نوبت بود و چون یکی صاحب نوبت باشد و دیگری شریک وی در دلالت
خواهد بود و آنچه از هر دو نایب بطلع در هر باشد چون سهم السعادة و فرد اجتماع یا استقبال مقدم و مانند آن و خداوندان خانهای
این کواکب و قابل شهر و سال و ارباب مثلثات نیرین و طالع تحویل هر سال با شرایط و دلایل آن چون مشتری از این شرایط
بود و دلائل هم سعود و قوی حال گردند خاصه نیرین و نیز نوبت و اول رب مثلثه و هیلاج و کدخدا قوی باشند خاصه از اوتاد و مولود دراز عمر و
فراخ معیشت و صحت تن داشته و عزیز میان خلق برآید و اگر این نزاع بر عکس باشد حال مولود بر عکس بود
و اگر میانه باشد حال مولود میانه بود و اگر وقت ولادت یکی از نیرین خاصه نیز نوبت بکسوف یا بحرق یا نحوست خداوند نحس یا
نحس اگر کواکب نحس باشد منحوس گردد خاصه در وقتی مولود نحو بیرون و نحس آن که صاحب طالع و یا ارباب مثلثه اول محترق شود و یا منحوس
گردد و کدخداوند نحس یا برج اگر نحس باشد نحو بیرون مولود بسیار خداوند نحس یا برج هیلاج باشد در هم طالع بود و اگر کدخداوند مثلثه کواکب
نحس بود به تر باشد و اگر قمر پس از اجتماع یا استقبال مقدم و یا پس از ولادت منحوس گردد مضر او قمر باشد و اگر منحوس گردد نفع او هم قوی
گردد و اگر مشتری از دلایل مسعود باشد بسا قطع در اینکه قوی او یا مربی باشد و اگر از شرف دور باشد مولود عزیز و بسیار
مربی باشد و اگر اوتاد و طالع ناظر باشد مولود معتدل باشد که نزاع و اگر زایل بود مانند نزاع باشد و اگر در هر طالع با صاحب

طالع و بار

طالع و بار رب مثلثه اول و یا یکی از دو نیرین خاصه نیز نوبت منحوس باشد میان نحسین سیما که در وتد باشند
نحو بیرون و اگر این حصار بهمین صفت میان سعدین باشد مولود را عمر و فراخ معیشت و تن درست بود و اگر بعد از ولادت
قمر در روز ششم در مرکز اول یا در روز هفتم در مرکز دوم منحوس گردد خاصه بدلالت زهره که مبین قمر و مربی طفل است دلیل
فراخ معیشت است و ز بدی شیر مولود و نیکو حالی تربیت و اگر منحوس گردد خاصه بنوبت مریخ که ضرر او بقرب طفل قوی تر است بسبب
مضادت فراغ شیر مولود علیل و اندک باشد نوع دوم در دلالت صفت مولود و دلالت آن از طرف طالع و اول گاه اکبر که در طالع
باشند و از منزلی در بیت رابعه و قمر نیز بدلالت طبیعت مرا با آن نسبی متعلق بین و دلیل از صفات این کواکب صفت مولود
و رنگ آن منتسب باشد و نوع و قایع و اشیائی که از آن اثر خبر دهد از صفت اینها که وصف شده معلوم شود و بترتیب
دلالات را اگر خواهیم اما دلالات بروج در حین ولادت هر گاه طالع باشد برج حمل دلیل است بر آنکه مولود بلند قامت و
دراز گردن خواهد گردش و پیوسته ابرو و بسیار موی و درشت دو دندان ... کلفت و ... زیر ... و بزرگ
چشم باشد برج ثور دلیل است بر آنکه مولود پهن پیشانی بزرگ چشم مختلف الخلق و عظیم الرقبه کوچک ابرو و بلند بینی بسفات بلند
صورت کثیر الاطراف دهن پهن کلفت لب سیاه موی شکم بزرگ صاحب حیا حسن الشعر ضعیف العقل و رنگ اصورت برج
جوزا دلیل است بر اعتدال قامت مولود و سینه پهن و پهن کتفین بود و نیکو هیئت خوب چشم بلند ... و رنگ سرخ و موی
سیاه و لطیف خوش نفس کریم اخلاق مولود آن صاحب ادب دین و صالح ... و خط خوش و ... برج سرطان دلیل
بر آنکه مولود غلیظ الاعضا و از کمر پایین بلند تر از بالا بعد پهن پشت و گردن دراز و ... بزرگ و پهن ابرو
و کج دندان کوچک چشم سیاه حدقه و دماغ کج ... نظر بصدا و بلند قامت برج اسد دلیل است که مولود گندم گون و زانو بزرگ
نیکو هیئت بالا از آن کلفت تر از کمر پایین بعد پهن سینه ... وسط چشم کرد حدقه ... برآمده چشم داشته باشد و ...
دهن بزرگ و بزرگ دندان بلند دست ساق باریک ... بسیار موی خوش ... کثیر العقب نیکو صورت که با لطف
و بلند صورت صاحب کبر و ... در مو ی آن ... باشد برج سنبله دلیل است بر آنکه مولود نیکو قامت عظیم ...
و معتدل خلق کامل هیئت مایل بلندی قامت و ... بلند ... نیکو چشم ... خوب کردن ... سخی نفس
خوش بو ... برج میزان دلیل است که مولود خوب صورت معتدل قامت و ...
و دماغ بلند و ... کثیر الشهوة چشم مایل ... نیکو ... علامات ... کریم نیکو اخلاق

برج عقرب دلیل است که مولود صورت کوچک و شهلا چشم قریب بهنوی باشد و دهن بزرگ بسیار موی درشت و زانو موی سیاه
پشت پای عریض ... و دماغ درشت و پشت پای ... تمام و شریر باشد برج قوس دلیل است که مولود گندم گون باشد
بلند بالا و کلف ... قوی و خوش صورت و نیکو ریش و بلند بالا و نازک ... خلق خوش ابرو و صاحب فراست و مکر
و خدعه و خیانت برج جدی دلیل است که مولود خشک جسم باریک بالا است ... و دهن ریش و لب باشد
که صورت آن شبیه بصورت بز باشد و باریک ساق و ران خفیف ... در راه رفتن ... چشمها ... صاحب عیب
بسیار و مکر و حیله بسیار و متکبر نیست برج دلو دلیل است که مولود میانه قامت و قوی ... خوش صفت ... بلند تر
از دیگری باشد نیکو رنگ و دهن ... سیاه چشم کلف ... در ... برج حوت
دلیل است که مولود پهن سینه کوچک سر تنگ ابرو و خوش ریش پهن صورت سفید رنگ ... باشد و اکثر چشم
و دندان برآمده دهن بزرگ و گاه باشد که در صورت خال داشته باشد ... مفاصل ... باشد
صاحب حیله و اکثر خواب ... مزاج و اما اختلاف خلقت از بزرگی و کوچکی و اعتدال پس ... از بروجی که دلالت دارند
بر انواع صفت اگر برج ... بر صورت انسان باشد ... جسم ... اعتدال و خوبی ... باقی بروج تغییر ...
بدن را از حد اعتدال بیرون ... بزرگی و کوچکی و قوت و ضعف اما بروجی که میل ... بدن را به بزرگی آن ثور و اسد ...
و آن بروجی که میل به کوچکی ... آن حمل و سرطان و جدی است و بروجی که میل ... اعتدال آن جوزا و سنبله و میزان و ... قوس
... و بروجی که میل ... بخلاف آن عقرب و دلو و حوت است و ابتدای حمل و ثور و اسد دلالت دارند بر ...
بدن ... دلیل ضعف بدن و لاغری است و ابتدای ... جوزا و عقرب و قوس دلیل ضعف و لاغری است و اواخر آنها
دلیل چاقی بدن است و بروج کثیر المطالع دلیل است بر بلندی و چاقی بدن و قامت و عظیم الجثه بودن و اما بروجی که دلالت
بر صباحت و جمال میکنند ... آن برج جوزا و سنبله و میزان و عقرب است پس هرگاه اتفاق افتد که در این بروج کواکبی
که دلالت بر حسن و جمال داشته باشند واقع شود دلالت کند بر آنکه مولود نهایت حسن و جمال و لطافت داشته باشد و چنانچه
در آن بروج کواکب نحس واقع شود کم میکنند از جمال مولود ... این بروج دلیل اند بر عکس و آن ثور و قوس و جدی است و هرگاه
طالع مولود برج جوزا و سنبله و میزان و نصف اول قوس بود ... دلیل است بر حسن عقل و حلم و وقار و بروج عقرب و حوت
دلیل حمق و خیانت مولود است و ثور ... دلیل حمق و غفلت مولود است و اما دلالات کواکب در بروج هرگاه ...

زحل در برج حمل

زحل در برج حمل پریشان اوقات که مولود خواهد بود به حال مذموم ... و کارهاست که از جمله ...
و جراحات میکرده باشد و اغلب اوقات از آب و دواب اذیت بسیار باو برسد و سفرهای بسیار بکند که نفع بحال او نداشته
باشد اتفاق افتد و آفات بسیار به او در سفرها برسد و چنانچه بعضی کواکب سعد باو ناظر باشد متوسط حال باشد از مال ...
تحصیل کند و در برج ثور هرگاه صالح الاحوال باشد دلیل است بر آنکه مولود صاحب تجارت ... مال ... تحصیل
مال باشد نفع بزنان برسانند و عاقبت امر او بخیر و خوبی باشد ... و مال بسیار ... و هرگاه بد حال باشد دلیل است
بر نکبت بسیار و رسیدن آفت ... از قطع ... و غیر آن و در غربت ... و سواری ... تعب ...
حیله و مکر بسیار و خصومت و دشمنی با مردم ... و تلف مال و نکبت رسیدن ... در برج جوزا هرگاه قوی حال ...
مولود خواهد بود صاحب مال و متکلم و معروف ... مردم و قوی حال و صاحب اموال ... کارهاست که از جمله ...
معروف و مشهور گردد ... و هرگاه بد حال باشد خواهد بود ...
شعار ... و صاحب نکبت بسیار ... در برج سرطان دلیل است بر حسن
سیرت و راحت ... عمر ... و اگر قوی باشد دلیل است بر نکبت ... بسیار ... از منزلت و قرب
... در برج اسد دلیل است بر آنکه مولود از جمله خدمت کاران ملوک باشد معروف و مشهور و عادل ... مردم
گردد ... و هرگاه بد حال باشد دلیل است بر شقاوت و فقر ...
و رسیدن اذیت از قبل ملوک ... و رسیدن در سفر از آب ... در سفر ...
و صاحب ... دشمن مردم و در برج سنبله هرگاه قوی حال باشد دلیل است بر آنکه
مولود صاحب ادب و علم و فضل و خوش ... در خانه خود ... معروف و مشهور ...
... صاحب اموال بسیار ... و زراعت و جراحات بسیار ... عاقبت باشد و چنانچه بد حال باشد
... صاحب نکبت بسیار ... از طرف زنان ... غربت و سفر ...
برسد و در برج میزان هرگاه صالح حال باشد دلیل است بر آنکه مولود صاحب مال ... و ملک ... صالح ...
... و صاحب ... مردم ... و هرگاه بد حال باشد دلیل شر و نکبت بسیار ...
... صاحب حزن ...

و در برج عقرب دلیل است بر آنکه مولود خواهد بود از جنس [illegible] صالح و فاضل و معروف در بلد خود و محب و دولت فراوان و صاحب
اولاد و صالح و اموال بسیار و طالب باشد که از اولاد و اشراف و ملوک باشد در صورت صلاحیت حال و هرگاه نحوس باشد دلالت کند
بر بخل و فقر و ضبط اسرار مکتوم و محفوظ از مرتبه خود و خالی از اهل و اولاد و در برج قوس دلیل است بر معروفیت و شهرت مولود و صاحب
اموال و اولاد بودن و اولاد صالح و اهل تجارت و کثیر الاحادیث صاحب اسرار مکتوم و سفر از وطن خود در صورت صلاح و هرگاه بد حال باشد
دلیل نکبت و فقر و فساد و در بعض اعضا سقطی از بدن و [illegible] و خواهران و [illegible] حال حسن و قبحت
در اواخر عمر و در برج جدی دلیل است بر آنکه مولود خواهد بود صاحب اموال کثیره و کنیزان و از ملک و ضیاع و [illegible] بر زنان و اطفال [illegible]
و عظم شأن و [illegible] و مسرور در اهل و اولاد و فرح [illegible] و صاحب عدل و حیا و [illegible] و فاضل و معروف و [illegible] در لشکر و دولت
شخص متدین و ظفر یافتن بر دشمن خود در حال صلاح و هرگاه نحوس باشد دلیل بر تلف شدن مال و [illegible] در بعضی اعضا و افتادن
از منزلت خود و شقی و ترک بسیار [illegible] و در برج دلو دلیل است بر آنکه مولود صاحب مال و ملک بسیار [illegible] شده و بصیرت نیکو و خوب
و فاضل و معروف و کرامت که [illegible] از ادب و کمالات و علم و کرم گذرانیده و در وسط عمر [illegible] صاحب مال بسیار گردد
و از ملوک [illegible] و کشتی حاصل [illegible] و صاحب مکر و حیله و غضب [illegible] و هرگاه صالح حال باشد و در صورت بد حال مبتلا
بر [illegible] شده [illegible] از حزن [illegible] و [illegible] دو سفر از وطن
خود [illegible] باشد که [illegible] در برج حوت دلالت دارد بر آنکه مولود صاحب اهل و اولاد و صالح
شجاع و صاحب حرب بود از جمله خدمت کاران ملوک [illegible] سعید بود در هنگام صلاح حال و هرگاه بد حال باشد دلیل
بر نکبت و [illegible] و [illegible] حال خود و اولاد و نکبت
بسیار [illegible] و مصیبت مشتری در برج حمل دلیل است بر آنکه مولود [illegible] سرور و دیگر اولاد و اهل [illegible] و فرح بسیاری
از جانب [illegible] و صاحب طالع در ملک [illegible]
و در وسط عمر فرح بسیار [illegible] و صاحب مال و [illegible] و منزلت و اقبال بسیار [illegible] در صورت صلاح حال
[illegible] بر آنکه مولود [illegible] حاصل شده [illegible] باشد [illegible]
و در برج ثور دلیل است بر آنکه مولود از جمله [illegible] معروف و سعید باشد در صورت صلاح حال
و هرگاه نحوس باشد صاحب حزن بسیار گردد [illegible] و صاحب خصومت و [illegible]

در وسط

و در وسط عمر و در برج جوزا دلیل است بر آنکه مولود عاقل و مبارک و [illegible] سیاحت [illegible] و معروف شده و صاحب
علم و کلام و ادب [illegible] نیکو بود و اهل و اولاد و صالح [illegible] باشد که از اهل شجاعت و [illegible] باشد در صورت صلاح
و هرگاه بد حال باشد کثیر [illegible] و [illegible] کسل و مجنون و صاحب [illegible] و پشیمانی و [illegible] باشد
و در برج سرطان [illegible] باشد مولود متکلم و ادیب و عفیف و صاحب [illegible] سعید و [illegible] حسن و در وسط عمر [illegible]
در خانه خود و صاحب ریاست و دولت و [illegible] و عاقبت [illegible] و [illegible] در صورت صلاح و در وقت بد حال دلیل است
بر آنکه مولود [illegible] بسیار باشد و از جانب زنان انواع [illegible] و [illegible] رسیده [illegible] امور [illegible]
[illegible] باشد و در برج اسد در صورت صلاح حال دلالت کند بر آنکه مولود صاحب [illegible] ملوک بود امورات خوب
بسیار [illegible] و صاحب منزلت و قدر بسیار در وسط عمر گردد و هرگاه نحوس باشد کثیر [illegible] و [illegible]
[illegible] بد حال [illegible] در آخر عمر [illegible] عاقبت باشد و در برج سنبله دلالت کند بر آنکه مولود [illegible] متکلم و مقبول الشأن
و صاحب [illegible] و [illegible] باشد که از قبل [illegible] نفع مالی ببرد در صورت صلاح حال و در هنگام بد حالی دلیل است
بر آنکه مولود [illegible] بود به عاقبت [illegible] مال ملوک در آخر عمر [illegible] کثیر [illegible] خواهد کشید و در برج میزان
دلیل است بر آنکه مولود از جمله [illegible] خدمت کاران ملوک بود صاحب اموال بسیار از جانب [illegible]
گردد و از طرف تجارت و [illegible] خوب مال دار شده راحت و سرور از [illegible] تجارت [illegible]
باشد [illegible] در صورت [illegible] حال و هرگاه نحوس باشد [illegible] مریض و صاحب [illegible] خواهد بود و در برج
عقرب [illegible] باشد دلالت دارد بر کثرت مال و ریاست عظیم و [illegible] اشراف و ملوک و هرگاه بد حال باشد [illegible]
در امور و صاحب حزن [illegible] اقارب و اولاد و خوف و [illegible] ضایع شدن مال در اول عمر و جوانی دارد و در برج قوس
دلیل است بر آنکه مولود [illegible] سعید و [illegible] مال دار و صاحب [illegible] تجارت [illegible] در سفر [illegible] و صالح و [illegible] در جوانی
و [illegible] باشد و هرگاه نحوس باشد خواهد بود [illegible] و [illegible] مردم [illegible]
از [illegible] و [illegible] و [illegible] که غرق در دریا شود [illegible] که [illegible]
[illegible] باشد [illegible] عظیم [illegible] در غربت [illegible] در آخر عمر [illegible] و در برج جدی
دلیل است که مولود معروف [illegible] و [illegible] در وسط حال دولت دارد [illegible] و سفر و غربت و [illegible] و حرکت را

و حریص در صحبت اخوان بود شجاع و رئیس و قائد و مقبول خدمت علما و ملوک و صاحب خط و اولاد و صلاح و شنیده
از آنها و قلیل النفقه و مال باشد در صورت صلاح و هرگاه نحس باشد دلیل است بر احتیاج و شقاوت و سقوط منزلت
و ضعیف امر در عواقب و صاحب نکبت و شر و گذران بسیار به درد و خطر و فحش گوینده به تهمت در امورات و ضایع مال
و صاحب عیب فاحش و در برج دلو هرگاه صالح حال باشد دلیل است بر آنکه مولود بسیار مقبول سخن طبع کثیر المؤنه
بی نفع بود و صحبت و رد کمنان صحبت اولاد و اهل خود بود و صاحب ثروت و ادب و قانع غنی مالدار و نیکو عقل باشد و هرگاه
بد حال بود دلالت کند بر آنکه مولود کاتب خفیف شأن و صاحب خط و نکبت از طرف دواب و قلیل الزوج بود و بد حال
در ایام جوانی اب باشد که او را در جهت مولود از زنا بهره رسد و صاحب عیب گاه بود سفر بسیار اختیار نماید و در سفر بد یا
مختلف باشد و در برج حوت دلیل است بر آنکه مولود از جمله کسانی باشد که در اکثر صفت و سرور در خانه خود و سعادت چند
بعد جوانی و هم نشین اشراف و ملوک بود و [illegible] خود را بیند و صاحب دلو بسته و امور دنیا بود ریش [illegible] باشد در صورت
قوت و هرگاه نحس باشد خواهد بود شغل و در غربت بسر برد و نکبت و بدی از قبل سلاطین بدو رسد و سقوط و در آخر عمر
از منزلت و کثیر الرنج خصوصا امراض مزمنه بود خدمت امرا اختیار نماید تمام [illegible] باشد و خوف و وحشت بسیار و سود نه بر وجه بدی
عاقبت بد خواهد رسید مریخ در برج حمل دلیل است بر آنکه مولود قاهر و متسلط بر لشکر و عسکر و جمع سلاح بود و رئیس و شریف
و اهل اولاد و صالح داشته عاقبت امر او در آخر عمر خوب بود در هنگام قوت حال و در صورت بدی حال دلیل است بر نکبت بسیار
و کلامت که ضرر جانی از آلات حدید بدو رسد و صاحب حقد و حسد و بد معامله بود ببرد و بشکند و یا بترسی بدی و فقد و [illegible]
قتل هم میرسد و در برج ثور هرگاه صالح حال باشد دلیل است بر آنکه مولود کسب معیشت و کدخدای خوب و محمود بود متوسط
حال در تمام احوال بود ندامت حاصل گردد و جهت مولود و غربت و سفر از وطن خود بسیار برد جهت تجارت و مذکور در زمینه
از شرارت کردید و اعدا و حسد و بسیار بدو رسانیده از دواب خوش طالع باشد و هرگاه نحس باشد خواهد بود فقش
و کثیر الخصومت گاه است که بعضی اعضاء او قطع شده باشد و صاحب حزن و انده و زنان جانب اهل و ولد و نکبت بسیار از جهة
عقار و دواب بدو رسد و عیوب صاحب مکر و خدعه و سفر بسیار کرده به [illegible] باشد و در برج جوزا دلیل است بر آنکه مولود بسیار رئیس و صاحب [illegible]
مانند ملوک که بر او نگیند و فرح و سرور حاصل نماید و خیر بسیار رسد و عاقل و صاحب حسن و جمال و مذکور در وسط عمر بود از مال و خیر بسیار دیده
بعضی از امور و صاحب رونق و اولاد خوب صالح در جوانی بود هرگاه صالح باشد و در صورت نحوست حال بر عکس آنچه مذکور شد خواهد بود

ودربرج سرطان

و در برج سرطان هرگاه در تجال باشد دلیل است بر راحت و سرور و حرص بر زنان و کثرت شهوة و متکلم و عالم با مروت و اولاد و دوست
و سیاحت و حریص در امور و مشهور در ایشان دلگاه باشد که دولت بیابد و قریب و فراغ و داشته کثیر النفع با فایده و هم صحبت با ملوک و
هرگاه نحس باشد دلیل است بر فقر و احتیاج و بسیاری سفر و غربت بد نفع و صاحب مکر و خدعه و خیانت و بلا و قحط و رنجیده
ذلت و خواری از جانب زنان و بدی عاقبت در آخر عمر و در برج اسد هرگاه صالح باشد دلیل است بر آنکه مولود و حید و معروف
و صاحب سر و غنی و مالدار بود محمود و صاحب اهل و اولاد و صالح و سعید و مشهور در خدمت ملوک و فاضل و در جوانی صلاح
داشته نیکو عاقبت باشد و هرگاه بد حال باشد خواهد رسید مولود در دریا آفت و ضرر و از طرف لهو و لعب نقصان دیده حال
او دانستن خوب مطلقه میرود که در سب دیگر نقص از بدی حیله و مکر مال اتفاق افتد و امراض ها و صفرا و دیگر عارض مولود گردیده
گزنده و قحط بسیار و بد عاقبت باشد و در برج سنبله دلیل است بر آنکه رئیس و فاضل و صاحب حسب و معروف و صاحب
و ثروت و مفتخر امور خلق بسیار و حسب و حیا باشد در صورت صلاح حال و هرگاه نحس باشد دلیل است بر طبیعت و مشهور و لکن
و فقیر کم روزی و ارزاق فهم و مبتلا شدن با مراض و شق و غربت بودن که ظاهر جهت آن نباشد و تعب و القدح افتادن در
آخر عمر و حرکت باشد و در برج میزان دلیل است بر آنکه مولود از جمله خدمت کاران ملوک و اشراف بود صاحب سر و غنی مالدار و معروف
در منازل ملوک و صاحب مال بسیار که بسیار اشیاء را در میانه مردم گردیده در صورت صلاح و هرگاه نحس باشد نکبت
و رفت بسیار بدو رسد و همه غضبها در سفر و ترب و حریص باشد کذب و ظلم کننده و قسم دات القدر احوالش بدروغ و شر بدو او را در
و از ارباب حرب و سلاح با و ضرر برسد و در آخر عمر شقی و فقیر و محتاج بود بغربت گذرانه و در برج عقرب و قوس دلیل است
بر آنکه مولود رئیس و فخر و مرسر و از اصحاب شجاعت و قوت بود باشد که مالک جهات شده اگر دیده بزرگ و معروف
و معتبر امور ملوک شده و صاحب مال بسیار گردد هنگام صلاح حال و هرگاه بد حال باشد دلیل نکبت و ضرر از جانب عظما و
بزرگان است و فقر و هم و غم و شر بد باشد و در برج جدی دلیل عدالت و انصاف و فضل مولود است بر نفس و صاحب فرح
و سرور و بزرگ بر خلق بسیار و صاحب تجارت در دریا و تحصیل مال از جانب او در وسط عمر هرگاه صالح باشد و در صورت
نحوست فقر و ضرر و نکبت بسیار در غربت بدو رسد و خواهد بود قلیل الاولاد و در برج دلو و حوت دلیل است بر آنکه مولود بیچیز
در اماکن شبه بود فقر و مذکور در ایشان صالح اولاد و در دلیل بر خوف و رعب و شقی بودن و افتادن در بلاد شرق و در وسط عمر
و غریب شدن در آخر عمر شمس در برج حمل دلیل است بر آنکه مولود صاحب قوة و شجاعت و در باب بعضی کیفیت و سلطنت کرده

صاحب تدبیرات عظیم و مهیب و صاحب حفظ خصوصا بر اولاد و اناث و در برج ثور دلیل است بر آنکه مولود صاحب ذهن و فهم
و عقل و جرات و مجربه و خصومت و اسفار بسیار بعمل در غربت بسیار کند و اندوه در صورت صلاح و هرگاه منحوس باشد دلیل است بر فقر و فاقه
و احتیاج و حزن و هم و صاحب عیوب بسیار و مکر و خبث و ضعف و واقع دون خود را در حیوانات و در برج جوزا دلیل است بر آنکه
مولود قوی بدن عظیم الجثه و کثیر الحظ و صاحب قوت و زور و تدبیر در همه احوال بود صاحب مکر و خدعه و جور در کارها متفرد برای خود
و طمع دور در حب چیزی بود و محب لهو و لعب و زنان و در تزویج بسیار و صاحب جمال و حسن و سرور و علم مطلوب بود و هرگاه صالح باشد
و در صورت نحوست دلیل اسفار و غربت و امراض نقرس و مانند آن اشیا باشد خواهد بود و در برج سرطان دلیل است بر آنکه مولود مذکر
و سعید در امورات بود و عاقبت بخیر و دلیل بر حاجات و ضعف بدن و دلیل لهو و لعب و حفظ اشعار و خواندن ... و کذبان و حیثیت
بکرها بیش کامی محزون و در غربی بفرح کند و اندوه در صورت صلاح و هرگاه بدحال باشد دلیل است که از نحوکه باشد که مال را تا به سر باشد
و در صاحب حیله و مکر و اناث و دون تعب و تصدیع بسیار در وقوع آفات و ضرر در ایام جوانی و بسی وقت ان و در برج اسد خواهد بود مولود
صاحب بصیرت در کارها و صحیح المعامله و نیکو صورت و صاحب اوقات و اصدقا و صاحب افعال لهو و لعب نیکو برای وسیع الرزق مندی
دولت معامله و خوب معاشر با دوستان در وسط عمر زیاد میکرد و مال در رفعت آن و صاحب همت عالی باشد شبیه بهمت ملوک و گاه است
که هم صحبت و جلیس ملوک باشد و هرگاه نحس باشد در موضع خوبه از طالع و در برج سنبله دلیل است بر آنکه مولود صاحب ادب و متکلم و جلیل
و وجیه خالق الکلام و مؤلف اشعار عجیبه و علوم و آداب باشد حسن الصورت و مشورت کن مردم و ... صحیح المعامله و رای مستقیم
و دوستی در امور معروف و ... در اواخر عمر و بهبوب کذران کردن در صورت صلاح و هرگاه منحوس باشد امر بعکس آنچه ذکر شد خواهد بود
و در برج میزان مولود خواهد بود متعقب در امور و برای خود مستقیم نبود و محب لهو و لعب بعید در کارها و مشکل مکرم و مشهور در میان
ناس صاحب مال و دولت کثیر و عمر بعید لطیف در کارهای مردم و الهه نیکو اعمال صحیح و نیکو بیش باشد در صورت صلاح و هرگاه
بدحال باشد عمر باشد شریر و غضب کننده و لجوج و قطع الطریق و به کشتن مردم و قرض شرف بزنان و حرمت در یک کار هست
که خوف کرده در دریا و به اعتقاد و فاسد مذهب و بد دین بود و در برج عقرب دلیل است بر آنکه مولود قتال در امور و صاحب ثروت
شبیه به فعال حیوانات سباع از او اعمال در شهوت مستقیم الرای و صاحب عقل و ادب و فاضل صاحب معرفت باشد عالم بعلوم طب
و نجوم و تمیز خوب و بد باشد در صورت صلاح و قوت و هرگاه منحوس باشد خواهد بود مولود در مبدا کار جری در افعال و مبتلا شدن
بجلا و رنج عظیم و جاهل و فاحش و قلیل العقل در وقوع در کارها که ضرر از آن بسیار کشد و در برج قوس دلیل است بر آنکه

مولود جلیل

مولود جلیل و نیکو صورت و عاقل لبیب و عارف و صاحب وقار و مسرور و صاحب کثیره و متکلم و وسیع الرزق و فاعل لهو و لعب
و کثیر الشهوه و مشاور عظیم و صاحب حظوه و حریص بر زنان و محب مال غیر در صورت صلاح و هرگاه بدحال باشد دلیل کثرت نکبت
و آفت و صاحب شر و رفیق بد و ... و بد خلق و کثیر الشهوه بر آنکه در حفظ خود حیز ... و در برج جدی دلیل است بر صحت فکر
و بزرگی خود و صاحب تدبیرات صالح خوب و حریص بر اعمال خوب صاحب لهو و لعب و لطافت و مرتبه سلطنت و صحبت با ملوک
در جمیع منتهی و صاحب اسفار بسیار و محب غربت در صورت صلاح و هرگاه منحوس باشد دلیل است بر شرارت مولود و کثرت ...
در فراغ زنان خوشی و مرض در ... مولود و در برج دلو دلیل است بر آنکه مولود صاحب مروت بسیار و محب سوار و وحید و انفراد و نفاق
خود با تعب و تصدیع شدید و صاحب فن و ذکاوت عالم و صحیح الفکر عاقل در زیرکی و صحیح در امورات و فوز مرتبه ... عالم ...
در بلاد و مشقت اقارب و در ایام جوانی در وقوع شر بسیار ... باشد که در فراغ او غالب باشد یا مبتلا مرض ... صحیح گردد
در منتهای قوت و هرگاه بدحال باشد عکس خواهد بود و در برج حوت دلیل است بر سخاوت مولود و محب با مردم و وقوع فرح و سرور
و دولت و خوبی بسیار در وسط عمر و خلاص شدن از نکبت و بلاها و تعظیم اشان بود و دولت زنان و ... در صورت
صلاح و هرگاه منحوس باشد دلیل است بر رفعت جاه در امور زنان صاحب سرگشته بود فاسق و فاجر و دروغ ... باشد
زهره در برج حمل دلیل است بر آنکه مولود افعال او غالبا شبیه افعال زنان بود متوسط الحال باشد در جهت رزق و هرگاه
و هرگاه مولود ... باشد خواهد بود صالح شریف و عفیف رفیع مقدار در صورت صلاح و هرگاه منحوس باشد خواهد بود صاحب افعال
قبیحه در امر نکاح و مبتلا شدن بنکبت و ضرر و عذاب از قبل اهل خود و گاه است که موت مولود پیش از اهل خود باشد و طول عمر نبود
باشد اهل خود باشد و در برج ثور دلیل است بر آنکه مولود صالح اهل و اولاد و جمع بر آنکه مرتبه ... مولود گردد و سعادت از جانب
زنان خود دیده در غربت صاحب نعمت صالح خوب گردد و ... سبب کار افعال نیکو حال و دولت از زنان ... رفعت ...
بود رسد در صورت صلاح و هرگاه منحوس باشد دولت او بر تزویج از اهل طرب و ضرر و صاحب افعال حرام و شوم بر زنان
و غربت اقارب و مبتلا شدن به بلاها و در برج جوزا دلیل است بر فقر و مال داری و فرح و سرور و دیگر اهل و اولاد و نیکو
در اشیا و اولاد و اسفار کثیر و سعادت در وسط عمر در خانه خود و تزویج صاحب حسن و جمال و زوجه بکر بسیار و عفیف و فاضل و
سعادت در اواخر عمر از طرف زنان و هرگاه صالح باشد و چنانچه منحوس باشد دلیل است بر نکبت و جاه و آفت در اوایل عمر
و صاحب تعب و تصدیع و حیرت کذران معیشت و کربت و دلیل بصحبت غلام و حریص بر نکاح و کم محبت با اولاد و در ... مشتغل باشد و در برج

سرطان دلیل است بر آنکه مولود عورت باشد سعیده و میمون صالح اولاد و دولت و اهل و صاحب تجارت و عیش بسیار و در سفر کشنده بسیار خوب
و تزویج زن به وجه بسیار خوب و موافق مزاج در رساند و خیر به مولود از جانب خود و غیر خود در وسط عمر بعد خیر و سرور بسیار اولاد او رسد
او در صورت صلاح و هرگاه بد حال باشد خواهد بود دائم تزویج زنان است و با پدر او نیز خوش و در طرف غلام و ذکور
داند اتفاق بد او و قلیل الاولاد و فقیر و ممکن که از جمله قاتلان باشد و بعد وفات آن و در برج اسد دلیل است بر تزویج
زنی از جمله مشهور و معروف در بلد خود باشد حریص بر زنان و بر اولاد و عزیز و شریف تر از اهل خود بعد فاضل و فرزندان کند
عجیبه و کثرت مال و دولت او بعد از [illegible] در وسط عمر در صورت صلاح و هرگاه نحس باشد قلیل الاولاد و صاحب امراض و آفات
از طرف زنان و مشهور شدن و فقیر و محتاج و تزویج شود جهت آنکه خیر از اولاد نه بیند و از اولاد و تزویج خیر و نفع بعد به عاقبت باشد
و در برج سنبله دلیل است بر آنکه مولود صاحب اولاد و دولت باشد بعد ضرر از اسباب ان به مولود رسد و کثرت خصومت و نزاع واقع شود
بهلاکت [illegible] قطاع الطریق باشد و در برج میزان دلالت کند بر آنکه مولود در همه امور و تزویج زن جمیل صاحب
ثروت و [illegible] بعد مولود کرد صورت و نیکو صاحب حسن و حاذق در امور زنان در صورت صلاح و هرگاه نحس باشد
دلیل حزن و اندوه و حرص در جماع با زنان [illegible] و تزویج زن از طایفه پست و بد و [illegible] بعد از قتل
زن ضرر مال بسیار به مولود رسد و کار [illegible] اولاد مولود نیز ضرر رسد [illegible] و تزویج دختر
و بعد [illegible] بطریق ناخوش و در برج عقرب دلیل است بر آنکه مولود زن شریف از خاندان ملوک و عظما اختیار کند
و کثیر المال بلند [illegible] و صاحب حسن و [illegible] به مولود اولاد و مبارک و میمون [illegible] هرگاه نحس حال باشد
در صورت نحوست تزویج زن کند که مطلقا خیر [illegible] و غیر موافق [illegible] باشد و از اطراف ضرر و آفت به مولود رسد و عداوت
و [illegible] به عاقبت و در امور حیثیت [illegible] کند [illegible] و در برج قوس دلیل است بر آنکه مولود خوب اولاد
[illegible] تزویج زن [illegible] صاحب [illegible] باشد که در وقت تزویج کند هرگاه صالح باشد و در صورت نحوست
تزویج زنی [illegible] که از زنان [illegible] باشد و در امور حیثیت [illegible] کند و [illegible] بعد [illegible]
بعد [illegible] باشد [illegible] و در برج جدی دلالت کند بر تزویج زن شریف
و [illegible] کند [illegible] خوان [illegible] نفع کلی [illegible] در وسط عمر خیر و برکت [illegible]
و [illegible] باشد در صورت صلاح و هرگاه نحس باشد دلیل تزویج زن سلیطه که مطلقا خیر از او نه بیند و [illegible] اولاد [illegible] باشد و کثیر الامراض

بانکاح

بانکاح و [illegible] و صاحب [illegible] زنان و مذموم و صاحب حزن و اندوه بسیار از اولاد و دیگر [illegible] و کثرت امراض و
[illegible] و هرگاه مولود [illegible] باشد تزویج آن [illegible] خواهد بود و اولاد آن صاحب حزن بعد قلیل الاولاد باشد و در برج دلو دلیل است
بر آنکه مولود تزویج زن شریف جمیل صاحب [illegible] بعد [illegible] مال و جاه و محظوظ از زنان صاحب [illegible] کثیر الجماع باشد و مال
از طرف زنان تحصیل نماید در صورت صلاح و هرگاه نحس باشد تزویج زن [illegible] و فقیر و [illegible] صاحب [illegible] و از طایفه [illegible] کثیر الحزن
و [illegible] باشد و [illegible] اولاد و [illegible] و دیگر [illegible] باشد و در برج حوت دلیل است بر [illegible]
از جانب مادر خود نفع [illegible] و در وسط عمر از زنان و اولاد بعد از قبل زن [illegible] در صورت صلاح و هرگاه نحس باشد
از جانب زن نکبت [illegible] و خصم و عداوت در میانه [illegible] دلیل است بر [illegible] مولود [illegible] و عشرت
و [illegible] و در برج حمل دلالت کند بر آنکه مولود [illegible] باشد [illegible] بسیار کرده [illegible] و صاحب
[illegible] و اعمال [illegible] ملوک و سلطان و صاحب [illegible] و جاه و [illegible] و عالم [illegible] و [illegible] در حال [illegible]
و هرگاه نحس باشد دلیل [illegible] مولود [illegible] و [illegible] و [illegible] در [illegible] و [illegible] و [illegible]
بسیار [illegible] و عاقبت باشد و در برج ثور دلیل است بر آنکه مولود [illegible] خط و [illegible] و عالم [illegible] و کلام
و [illegible] ملوک و خدمت بزرگان [illegible] صاحب [illegible] و [illegible] و اعمال زنان [illegible] کننده
و عالم [illegible] و علوم [illegible] و [illegible] و [illegible] و اولاد و [illegible] باشد در صورت صلاح
و هرگاه نحس باشد [illegible] زن و دلیل [illegible] و [illegible] از جانب زنان [illegible] آفت
از [illegible] و صاحب [illegible] و [illegible] از [illegible] باشد و در برج جوزا دلیل است بر آنکه مولود کامل [illegible] و میمون
و عالم [illegible] و [illegible] لطیفه خوش [illegible] کثیر الخیر و [illegible] و صاحب اولاد [illegible]
[illegible] ملوک [illegible] از [illegible] کننده [illegible] و صاحب جمال و [illegible] و صاحب [illegible] و دلیل [illegible]
و صاحب حسن و [illegible] حکیم و معروف و [illegible] در صورت صلاح و هرگاه نحس باشد
دلیل [illegible] آفت [illegible] و [illegible] از [illegible] و [illegible] قول و [illegible]
افعال [illegible] و [illegible] شدن از جانب اولاد و زنان و متهم شدن و کثرت [illegible] و جماع [illegible] و حصول جنون
باشد و در برج سرطان دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود حکیم و عالم [illegible] بودن [illegible] و تزویج از [illegible] ملوک و عظما

و هلاک شدن اموال عزیزان باشد متکلم و نه کر در بلاد و عالم بحکمت و اسرار و صفات لطیف پاکیزه و علوم دقیقه
و نفع بردن از هیبه و تقرب بسوی ملوک و نیکو عاقبت در صورت صلاح و هرگاه نحوس باشد باشد احمق و جاهل و لئیم و مکار گنج
ذکر شده در برج اسد دلیل است بر آنکه مولود وی وفیق در شهر و خطیب مکرم در نزد نفس و صاحب صنعت و کسب قدرت
و عالم علم موسیقی و سعید الکف که از او صد هزار نفع برند از درگاه و زنان و متکلم و حکیم جامع بیشتر علوم و ترجمه در صورت قوت
و هرگاه نحوس باشد عکس آنچه گذشته دلالت کند در برج سنبله دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود عاقل و عالم و صاحب مال
اکثر زوجات بسیار و محب ملوک و وزرا و محفوظ به ایشان و صادق الوعد و زیرک و لبیب و صاحب اخلاق حسن جمیل
و محبوب نزد مردم و منتفع شدن از نفس خود و سعت با اهل و اولاد و ... باشد که فقیر و فاخر بود سعید در وسط عمر و میمون
مبارک و عارف بشعر و ادبا و جمع کننده صاحب فصاحت و بلاغت و دلیل سعادت مستقیم بارخود و صاحب حسن و نه پیر
فایده و حکیم معروف و صاحب ذات شرف و حرمت و دولت هرگاه صالح باشد و در صورت ضعف دلیل است بر حصول ... از
حساب و سماع که مولود بسیار و هنر از جانب کتب دارد و بدو او دین و به او کذاب و قول جمهور که جو صاحب افعال
شنیع بود که از حکومت و خادم صاحب جند و علماء و نیکی در او معاش و مراد بطالب به باشد در برج میزان دلالت دارد بر آنکه مولود
لبیب و صاحب علم و عالم بعلم نجوم و طب بود از جمله نزدیکان و مقربان ملوک و نیز او را اموال بسیار معروف نزد مردم و
صاحب نسب صادق و اصدق و نیکو اعمال حسن بود سعید و عادل بود ... زنان که از کس صاحب قدر و منزلت و خوشی
اولاد بود بمرتبه که سرور از طرف از آنها کرده و هر باشد جهری و عالم با مور لشکر و جیش و صاحب ریاست و مرتبه در صورت
صلاح و هرگاه نحوس باشد دلیل است بر رسیدن آفت و مصیبت از دواب سفاکت دماء و صاحب خصومت و وب و سفیه
و دشمن اصدقا و دوستان اجتماع و به بر خود و ملاقات باشد در برج عقرب دلیل است بر قایه و صاحب حسن بودن مولود
و وزیر حاذق در سیاست و عالم و صاحب ذهن و ذکاوت و فطانت و فهم و صاحب نعمت و اموال بسیار و مرتبه و صاحب سیر
ملوک و عزیز و محترم و متکلم و دو جمه و ضعیف سعید مقبول القول و محب در نزد مردم و خطیب و شاعر و دانا بر موسیقی و وسعت
در رفاه و اولاد در صورت صلاح و در صورت صلاح و هرگاه بد حال باشد مرشد کذاب و صاحب حیله و خیانت و فقیر
در آخر عمر و کرفتار تسلط ملوک در برج قوس دلیل است بر آنکه مولود خواهد بود شاعر و مترجم و معروف در نزد ملوک
بود صاحب صنعتهای لطیف و لوح میمون مبارک و فارس و کاتب و عاقل و جمیع عالم بعربیت و علم بانجوم بود تمام

دلالت کند

و کہانت را عالم بود در صورت صلاح و هرگاه نحوس باشد خواهد بود خادم اصطبل فقیر و همیشه المحنت و مفلوک کننده در بیابانها و در سوال
ملک و فقیر و اشتیاق از مکان مرتفع یا از دابه داند در برج جدی دلیل است بر آنکه مولود وی باشد عاقل لبیب و صاحب جاه و طبور
و عالم بنجوم و حساب و صاحب ملک و مال و ذخیره بود و صاحب باشد که بسبب خود از شجاعت و فروسیت و خدمت ملوک و ریاست
بیش کند و باشد شریف و جمیع نیکو اهل و اولاد و عالم بامور هندسه و صفات عظیمه و اغنیه و الفقر بود صاحب عمارات و عمارت باشد
در حال قوت و چنانچه ضعیف حال باشد مرشد و صاحب حیله و کاتب اموال حرام و عکس آنچه ذکر شد در برج دلو دلالت کند
بر آنکه مولود زاهد و عاقل و محب و فخر و امرا و دو سر و شعر و عالم بعلوم دقیقه و حساب و هندسه و جاری شدن اموال و نقیه
و عمارات نیکو و پاکیزه و دارای صنعتهای مختلفه در صورت قوت و هرگاه نحوس باشد خواهد بود از کسانی که بر ساعات بلا مستند
و امر معیشت خود او از کندن و خاکها دو با هی و کافه و نیمی و خدمت نیمی که زانه و نام و جمهور شریر و فقیر حقیر باشد در برج
حوت دلیل است بر آنکه مولود صاحب اشراف و مجالس ملوک بود و از جمله خدمت آنها در کرانه و عکس قلیل النفع بود و هر باشد صبور
بر احوال و عالم با مور دین صاحب حمل و انقباض و سقوط از دواب و مواضع عالیه و نکبت از ملوک و مبتلا به امراض مزمنه و
افتادن تعب و القبیح و خوف و مرارت بر امر عمر و فقیر محصور از کسانی که خدمت فقیر کند بود باشد قمر در برج حمل
دلیل است بر آنکه مولود صاحب کرامت و فضل و قایدین بزرگان بود صاحب علامت بزرگی و حمید صاحب مرتبت و جاه و قرب و محبوب
القلوب میمون و مبارک و محمود در افعال و اعمال و ضعیف التبع صاحب حکمت و ضیاع و صاحب المحن و فنیت و ضعف مزاج مردم نیکو
عاقبت بود در صورت صلاح و هرگاه نحوس باشد دلیل حزن و اندوه و ملولیت از قبل اولاد و زنان و ضعیف حال و قلیل المال بود
متحیر در امورات و خادم مردم و سفر کننده بیابه و فقیر و محبوس باشد در برج ثور دلالت کند بر بودن مولود عالم و حکیم و دلو باشد بی
البطش نیکو خلق صاحب اشراف و ملوک و صحیح از کودکی الی بزرگی و محبوب صاحب اسب نیکو صورت و صاحب سیر و ضیاع و دانیه
داستور لبیب العاقل با وقار و سکینه و صاحب مروت و همت عالی و منزلت و قدر نزد ملوک و صالح جامع اموال ملوک
اکثر اموال و فطانت و محب شعر و فقه و عالم بموسیقی و اخبار تواریخ در صورت دلیل بر زنان و در زرق از طرف زنان در صورت
قوت و هرگاه نحوس باشد خواهد بود محروم بر اهل خود و مریض در کودکی آفت و نکبت و مصاحب بسیار بر مولود و هر باشد کذاب و نمام و صاحب
امراض سینه و محروم بودن مولود از اموال پدر و مادر خود و صاحب خوف در بلاد بعیده و ب باشد که از اعوان و زنان و اهل سجن بود و آفت
از عقلاء و ملوک باشد در برج جوزا مرشد مولود لبیب و عاقل و میمون و مبارک صاحب عز و شرف و دولت و اقبال و دولت

باشد که از ورندآن و ملوک بود رئیس بر خلق بسیار و لیکن نزد همه کس و صاحب علم و ادب و مروت و سخاوت و همه چیز نیکو و مقبول
بگیرد و خوبی سرور و اهل و صاحب احزان و مال و ملک و منفعت و نجوم و کهانت و غرب بجود و درصد در صورت صلاح و هرگاه
نحوس باشد دلیل فقر و عمل و تنگی معیشت و از ملوک ذکر خدمت آید و کنند با قطع و بیچاره کند و در عمر و عکس آنچه ذکر کردیم و در برج
سرطان دلالت کند بر میمون و مبارک بودن مولود و صاحب دولت و عزت و شرف و مال و ذخایر بسیار صاحب شعر و کلام و ادب
داننده علم مساحت و هندسه و انواع آن بود و چاشنی سخن صاحب جود و کرم و محب اقوام و رغبت بعد خود او و مشهور از جانب اهل و ارادت
و کامیت که از ادب و ادوات بود و استیفای حساب و فراغ گرفتن و رفیق و سعد علی در صورت صلاح و هرگاه نحوس باشد خواهد
افتد و در بسیار رنجیت و مصایب بود و عکس آنچه ذکر شد و در برج اسد دلالت دارد بر آنکه مولود از جمله مقربان ملوک و خدمت کار سلاطین
و عظما بود صاحب امر و کثیره و در رزق و عدل و عاقل و رئیس و مدبر و متکلم عفیف صاحب اموال بسیار بود محمود الامر و دارا
مرتبه و در اعظم و محب عبید و موالی بسیار باشد که گوید و فارس صاحب همه دولت بود هنگام صلاح و هرگاه بد حال باشد دلیل
نکبت و ضرر از سباع و وحوش بود و بر طرف شدن مال و نقوب افتادن و حق [illegible] عظیم و عکس آن کرده باشد و در برج سنبله
دلیل است بر لطیف مولود وجیه و متکلم صاحب مال و ذخایر بسیار و نیکو جمال و جاه و منزلت و فقر و دولت و اقبال ملوک و عظما و
کتابت و کلام و کتب و تجربه العقوب ملوک در هر امور و محب زنان و بسیار تکلیف و خوش و دور از اهل و اولاد و مهیب و دور نیز
صاحب جاه و منزلت کثیر الاصدقا لطیف است مراقب [illegible] در صورت قوت و هرگاه نحوس حال بود دلیل است بر تنگی معیشت
و عسر حال و فزون داننده و اولاد و سفر در دریا و عکس آن کرده باشد و در برج میزان دلالت کند بر آنکه مولود صاحب وجیه
ملوک و عظما بود کاتب خوب و عاقل و بر آورنده مشکلات امور و شریف صاحب قدر نزد همه بود عارف با مور دین و فقه
و صاحب اعمال بسیار و منفعت وارث از آبا و اجداد و معتبر و معروف و وجیه صادق خواب [illegible] امر معروف و وسعت
در خانه و اولاد و عزیز و مکرم نزد همه کس هنگام قوت و در صورت ضعف دلیل سقوط از منزلت و فقر و حقارت [illegible]
عمر و غرق و عکس آنچه ذکر شد دارد و در برج عقرب دلیل دارد بر آنکه مولود شجاع و [illegible] بود و [illegible] و فاضل [illegible] ولیکن
نزد همه [illegible] معروف بود بر قوم خواهد کرد و صالح حال نزد [illegible] و مقبول القول [illegible] بزرگان و عالم بعلم
طب و [illegible] انواع طرب بود در صورت صلاح و هرگاه [illegible] حال باشد دلیل است بر آنکه مولود [illegible] و [illegible] آفات
[illegible] مثل [illegible] و [illegible] دلیل [illegible] و فقر [illegible] و تنگی معیشت و [illegible] و سفر در دریا

والوم

مولود خواهد بود و بمروت و نظر بسیار بود که سباع او را گزند رساند و باید که از آن حذر کند و بسیار بماند و در برج قوس دلالت کند بر آنکه مولود
بود جمیل و حسن الهیئت و سیرت و فرش و محبوب و صاحب مرتبه و عزت نزد ملوک و عارف با مور کتابت و فصاحت
و بلاغت و شعر و مراکب بود فارس و شجاع و متحرک بر عزت و ملک و مال بسیار و فرح بسیار بعید و کثیر الفائده در صورت
صلاح و هرگاه بد حال باشد دلیل عکس آنچه ذکر شد و چاشنه ضعیف کال باشد که بیرون از صدمه و عزت باشد و افتادن از مرتفع
در برج جدی دلالت دارد بر آنکه مولود چاشنه در صورت حسن جید و مقبول نزد اشراف و از جمله خدمت کاران ملوک
و عظما و ایران بود و شجاع و زن شریف و عاقل از اهل حسب و خیر و عزت بسیار و کثیر الفائده و غیرت آن مولود بود هنگام صلاح
و هرگاه نحوس باشد دلیل است بر نکبت و ضرر که از طرف اهل صلاح بمولود رسد و وقوع افتادن او به حبس و قید و عزت
و اعمال و اموال ناشایست و آفت از سباع و عکس آنچه ذکر شد و در برج دلو دلیل است بر آنکه مولود صاحب عادل و منصف
و خوش خوی در وسط عمر و خوف و ترس بر خلق بسیار و سعت با اهل و اولاد و صاحب املاک و عقار و عمارات و جای رات
و از جمله کمین در کوه و انوار آب بود در صورت صلاح و هرگاه ضعیف باشد دلالت دارد بر آنکه مولود مرتکب کارها با همه و غیر
مردم خو کرده و در این عمل شنیع بود آفت و ضرر با جمله و او رسد و مرتبه او و صاحب بود شغل و بی باشد و در برج حوت
دلیل است بر آنکه مولود چاشنه صاحب آبها بسیار و ملک و ضیاع و لیکن نزد اشراف و مشایخ بود متوسط الاحوال ملکی از جمله
بزرگان و رئیس و صاحب منزلت و خیر کثیر الاموال و صاحب دراهم و دنانیر و رسیدن میراث از طرف غربا و زنان در صورت صلاح
و هرگاه نحوس باشد دلیل خوف و ترس از جانب سباع و آفات بود و کثیر الاسفار و اشتغال بود خوف در سفرها بسیار رسد و صاحب
دریاها و بود غرق شدن در دریا و غوط در آب و مرض عمیق دارد و اما دلالات
کواکب که متولی مولود باشند هرگاه زحل باشد دلیل است بر آنکه مولود سیاه رنگ مایل بزردی و موی سینه بسیار و چشم متوسط و متصل ابرو
معتدل و لاغر و آواز کشیده و خرد چشم و نحیف و جلد و غالب باشد بر زراع مولود بصوت و دهیت اقرب مانند طوطی
خواهد بود و هرگاه مشتری باشد خواهد بود مولود سفید رنگ مایل بسرخی و سیه چشم اشهل نیکو قامت و معتدل و موی نیکو و جعد و بینی بلند و گردن
بهی و صاحب وقار و هیبت کثیر النکاح و بزرگ اعضا در طب باشد و هرگاه مریخ باشد خواهد بود مولود سفید رنگ مایل بسرخی
نیکو مقدار و موی مایل بخود و چشم ازرق باشد نظر بر آنکه و موی دو بینی باشد و هرگاه شمس باشد مولود
بزرگ چشم و درشت چشم گندم گون مایل بزردی کم بیل و بدن مو و سر آن بود با یک ابرو و قلیل اللحم و جعد موی گرد صورت پهن بینی و بلند

باشد **زهره** هرگاه بر طالع باشد مولود خوش رنگ مایل بسبزی کرده و نیکو موی و شهلا چشم باریک صورت خوش دماغ باشد که در صورت او خال باشد و نیکو صورت
و معتدل اندام و شیرین سخن و مرطوب غالب باشد بر مزاج مولود حرارت و رطوبت و هرگاه **عطارد** باشد خوش اندام بود مولود و عقلی
لون معتدل در چهره، جابک و فربه نبود نیکو ترکیب خوش چشم سرخ صورت شبیه بکودک در صورت رنگ و متوسط پیشانی
دماغ بزرگ کم گوشت بلند انگشتان دراز [illegible] صاف باشد و هرگاه **قمر** باشد مولود سفید رنگ مایل بزردی
گرد صورت صحیح الجسم کامل خلق [illegible] ابروی [illegible] چشم شهلا خوش منظر سریع الکلام باشد **بالجمله** شمس و قمر در بیان رنگ
از کواکب که متصل باشند بایشان چنانچه شمس [illegible] هیبت و جمال و جابکی بدن مولود میدهد و قمر میل اعتدال و لاغری در صورت
مزاج مولود است مخصوص هرگاه منصرف از کواکب باشد به ضوء قمر [illegible] اگر زیادتی ضوء باعث زیادتی رنگ میشود
و نقصان ضوء باعث نقصان رنگ میشود و نظر زحل و مشتری و زهره نقصان میکند از سفیدی لون مولود و زیادتی میکند سیاهی را
بجهة آنکه این هر باعث [illegible] سیاهی میشود در طبع مزاج میکند و شمس نقصان میکند از سیاهی زحل و از سفیدی زهره و قمر
نقصان میکند از سرخی مریخ و شمس و مریخ هم کم میکنند از سفیدی مشتری و زهره و قمر سرخی قلیلی دارند و عطارد متلون
رنگ است و نیز در هر طالع همین رنگ میگردد چنانچه هرگاه در برج طالع منظر باشد دلیل [illegible] مولود است و در جهات آن
هرگاه ناظر باشد بان مشتری و زهره یا قمر و هرگاه در برج منظر با قمر باشد دلیل [illegible] است و هرگاه زحل ناظر باشد مزید
سیاهی رنگ است و هم چنین سایر کواکب زیاده و کم میکنند در الوان مرقومه **نوع سیم** در احکام اخلاق مولود اخلاق مولود خوب باشد مردمان
و خوب باشد هر چند [illegible] در هر یک خلاف [illegible] کلی اصل [illegible] سه قوت است **اول** عقلی که منسوب بعطارد است و محل است نفس انسانی
دوم قوت غضبی که منسوب بمریخ و مخصوص است بنفس حیوانی **سیم** قوت شهوانی که منسوب بزهره و مخصوص است بنفس نباتی و فروع بسیار است
بسبب [illegible] ممازجت این سه کواکب با یکدیگر و با کواکب دیگر چنانچه عطارد مثلا اگر با مشتری باشد قوت عقلی را [illegible] روشن
نماید و علوم [illegible] دهد و اگر با زحل باشد [illegible] و علوم [illegible] فایده و ضرر باشد و اگر با مریخ باشد [illegible] علم خوب
[illegible] نماید و اگر با شمس باشد [illegible] و امارت و علم سیاست نماید و اگر با زهره باشد [illegible] صنعت و [illegible] و علم شعر [illegible] بود
نماید و اگر با قمر باشد [illegible] حرکت [illegible] ترکیب باید کرد و غالب و مغلوب را باید شناخت که [illegible] مزاج [illegible] شود [illegible]
اگر عطارد [illegible] قوی حال باشد [illegible] و کامل در آن علم باشد و اگر ضعیف حال بود از جهلا [illegible] باشد و اگر متوسط الحال باشد
[illegible] متوسطان آن علم باشد و اگر [illegible] دور [illegible] باشد [illegible] مولود در آن علم مشهور گردد و اگر مسعود باشد [illegible]

یعنی

سعد بین باشد از آن علم منتفع نشود و اگر نحس باشد [illegible] و مضرت از آن علم حاصل کند و ممازجت کواکب دیگر را
بهمین قیاس باید کرد و دلایل اخلاق [illegible] نوع است عام و خاص **عام** در ضعف است یکی کواکب و دیگر بروج اما کواکب عطارد
و زهره و مریخ اند چنانچه یاد کردیم و قسم دیگر [illegible] بروج [illegible] است از انجمله جوزا و سنبله و میزان و عقرب و سرطان دلیل [illegible] اند
و [illegible] و عقرب و [illegible] دلیل [illegible] اند و سنبله و میزان و قوس دلیل عقل اند و [illegible] و عقرب و حوت دلیل حمق اند و **اما** دلیل خاص هر
طالع [illegible] طالع است [illegible] کواکب [illegible] در شکل طالع و مستولی بر درجه طالع و قابل تدبیر قمر و قوی ترین کواکب [illegible] خاصه که
در [illegible] طالع و [illegible] بروج و [illegible] باشد چنانکه [illegible] باشد و [illegible] و بعد از آن کواکب مستولی خصوصا که
خداوند طالع باشد پس قابل تدبیر قمر [illegible] که قمر با [illegible] ناظر باشد در طالع پس صاحب طالع خاصه که [illegible] باشد [illegible] مزاج
[illegible] باشد پس هرگاه [illegible] در طالع مولود [illegible] باشد اخلاق آن مولود [illegible] مزاج آن کواکب باشد و [illegible] آن کواکب چنانچه
اگر زحل [illegible] بود زحل خداوند [illegible] بود مثلا خلق مولود [illegible] زحل باشد [illegible] اعمال [illegible] بود و اگر [illegible] باشد
[illegible] خلق [illegible] کواکب مستولی بود [illegible] و اگر متوسط [illegible] باشد [illegible] خلق [illegible] قابل تدبیر قمر بود و اگر قابل تدبیر [illegible] باشد
اخلاق [illegible] صاحب طالع باشد و اگر [illegible] باشد مقدم دلیل [illegible] بود و شریک مستولی [illegible] قابل تدبیر پس صاحب طالع
و چون دلیل خلق با شریک [illegible] شریک معلوم شد نظر کرد [illegible] دلیل و شریک [illegible] کواکب اند که عطارد و زهره
و مریخ که دلیل عام اند [illegible] اگر [illegible] دلالت [illegible] بر خلق مولود هم [illegible] خاص باشد و هم [illegible] عام و اگر [illegible] شد
نظر [illegible] این سه کواکب کدام قوی تر است در شکل طالع اگر قوی تر است شریک دلیل باشد خاصه که او در برج [illegible] که دلالت او [illegible]
[illegible] باشد مثلا هرگاه عطارد قوی تر بود در قوس [illegible] که دلالت او [illegible] است [illegible] اگر عطارد دلیل [illegible] بالذات
دلیل عقل است [illegible] دلیل [illegible] باشد و هر کواکب که قوی تر باشد از این سه کواکب مزاج او در خلق مولود ظاهر تر باشد و ضعیف تر
و هم چنین هر کواکب که ممازجت او با دلیل اصلی قوی تر باشد مزاج او در خلق مولود ظاهر تر بود و هر که ممازجت او ضعیف تر
باشد مزاج او مخفی تر بود و هر که ممازجت او میانه حال بود مزاج او میانه بود [illegible] که هیچ خلقی [illegible] از آن سه مزاج خالی نیست
و هم چنین اگر [illegible] کواکب اتفاق [illegible] مزاج اگر قوی تر باشد ظاهر تر بود و مزاج اگر ضعیف تر بود مخفی تر بود و مزاج میانه میانه
بود و چون مزاجات کلی از دلایل اخلاق یاد کردیم بعضی از جزویات نیز یاد کنیم تا متعلم را هدایت حاصل گردد از جزویات یکی آنکه
هرگاه [illegible] کواکب اخلاق در [illegible] منقلب باشد خلق مولود [illegible] ریاست بود [illegible] و [illegible] لطف مردمان و اگر ذو جسدین

باشد خلق مولود تون و شقی بود در کارها و سبک کاری و اگر در ثابت باشد خلق مولود باهستگی و ثبات کارها کند و دیگر آنکه
اگر بیشتر از کواکب خلق در بروج ناری باشد و طالع نیز ناری باشد خلق مولود صاحب غلوت و انفراد بسیار خرد مان و اگر در بروج انثی باشد خلق
در صاحب مونثت و حکم لطف مردمان بود و دیگر آنکه اگر بر دلیل خلق نحوس مستولی باشد مولود بروز تربیه و بر بهجی خوش
و با بهاری خطا و کردار زشت صاحب باشد و اگر سعود مستولی باشد بر عکس بود و دیگر آنکه اگر عطارد و قمر هر دو از طالع ساقط باشند
و نحوس مولود احمق بود خاصه که در بروج بهجی حافت باشند و اگر قمر در دلیل خلق مریخ باشد با زحل زهره خلق مولود فسق و فجور
علانیه و سبب لهو و لعب و … و قهر و قمع طایفه باشد و اگر زهره باشد با زحل مریخ خلق مولود امان بود لکن بلطف و زحل و اگر
عطارد باشد با زحل زهره خلق در شهوت و ضد و صحت باشد و اگر زهره باشد با زحل عطارد خلق در معاونت … و احتجاج
مایل بود و اگر مریخ باشد با زحل عطارد خلق در دروغ کردن بعید و محاربت و ضد او و اگر عطارد باشد با زحل مریخ خلق در فنون
دفع و هم باشد و این اخلاق بقوت و ضعف دلایل از زوال و رجوع و سعادت و نحوست مرکب باتصال و جزو انفصال تفاوت
بسیار کند خاصه که … باشد و دیگر آنکه بطلمیوس میفرماید هرگاه خداوند طالع مولود خداوند چیز دیگر باشد مولود
اعمال آن چیز بسیار بکار دارد و خلق او صاحب آن باشد چنانکه خلق مشتری و صحت صاحب ریاست است و دیگر … افعال بسیار
بسیاریکه خداوند صحت مشتری و خداوند عاشر هر دو شریک است بدین قیاس و دیگر آنکه هم بطلمیوس فرموده اخبار هر کس آن باشد
که بر درجه طالع در طلوع طالع آن باشد و صناعت در آن بود که بر درجه عاشر بر چیز طلوع میکند از آن قبیل باشد و دیگر
آنکه هم بطلمیوس فرموده هرگاه که مریخ در بیت الموت طالع مولود باشد و مریخ با در آن طالع ناظر باشد خلق مولود خیانت سلطان بود و
دیگر آنکه اگر عطارد در درجه … بود مولود شریر بود خاصه که مریخ باشد و چون سعدین مانع یکدیگر باشند خاصه … مولود خیر باشد
و اگر نحسین مانع یکدیگر باشند خاصه … مولود شریر باشد و اگر … باشد و سعدین غالب باشند مولود منافق باشد و اگر
نحسین غالب باشند مولود شریر و کم خیر باشد بدانکه چون طالع مولود در طالع تحویل مولود … دلیل خلق … در دلیل تحویلی
غالب آید مولود خلق اصلی بگذارد و خلق دیگر گیرد چنانکه اگر … معتقد باشد فاسق گردد و اگر دلیل فسق در طالع تحویل
و بروج انتها غالب آید مولود فاسق … در این قیاس باید کرد صناعت … خلق است … دلیل صناعت … دلیل
خلق است خصوص … کسی که صناعت خود را دوست دارد و در آن راغب باشد و دیگر آنکه هرگاه دلیل خلق مستقیم بود مولود
صحبت … و اسرار خود … از آن ظاهر گردد و هرگاه … مستقیم اول

بو

بو خواهد بود مولود … سیما هرگاه که عطارد باشد و دلیل بر امر نفس بود … مولود کثیر التفکر و حلیم و عظیم همت
صادق القول و هرگاه در بروج در مقام ثابته بود … مولود اثبات در رای … باشد … و افعال …
از حالی بحالی … در جای … ضعیف باشد و هرگاه … الشجاع بود و دلیل بر خیر و … و هرگاه عطارد شرقی باشد
دلالت دارد بر ذکاوت عقل و فطنت و شهرت و هرگاه با قمر باشد … مولود کثیر التفکر و اتمام … بود و هرگاه
عطارد نحسین باشد دلیل رسیدن بلاء و آفت است بمولود از جانب خصما و هرگاه در بروج … خواهد بود …
افعال و هرگاه … در شرف زحل باشد خواهد بود مولود حلیم و صاحب حسن و در شرف مشتری باشد مولود صاحب همت و صاحب
سلطان باشد و در شرف مریخ هرگاه باشد خواهد بود مولود … و هرگاه در شرف شمس باشد خواهد بود مولود ملک …
و هرگاه در شرف زهره باشد خواهد بود مولود سخی … خلق و هرگاه در شرف عطارد باشد خواهد بود … و صاحب
کتب و هرگاه در شرف قمر باشد خواهد بود مولود … و بهتر از همه آنست که … هر یک در شرف خود باشد یا در شرف مشتری
بود باشند **نوع چهارم** در ذکر دلالات کواکب در خانه خود و در شرف و وبال و هبوط … و دلالت در بیت … **زحل** در خانه
خود در نهار دلیل است بر آنکه مولود … و تحصیل بود … نفس باشد خاصه که در طالع باشد
یا با سهم … مولود … و هرگاه در صورت طالع باشد **زحل** در خانه
مشتری باشد … مولود …
… بود صاحب … باشد **زحل** در خانه مریخ باشد خواهد بود مولود غلیظ القلب …
… **زحل** در خانه شمس باشد
دلیل است بر … و کثرت اموال …
مولود …
سیار … **زحل** در خانه زهره باشد دلالت کند که خواهران صالح داشته باشد …
…
…
قتال باشد و هرگاه عطارد با آن باشد مولود … **زحل** در خانه عطارد باشد دلیل است بر آنکه مولود ساکن و … در

لیس او بود طبع کند و خواهی بر امور نفس و بر خلق خود بود و به عبث و خیره با برادر کند و صاحب مرض باشد زحل در خانه
قمر باشد دلالت کند بر ضعف و علل با در هرگاه در خانه باشد و مریض و صاحب اوجاع شکم و از بدوت با سوداء بود هرگاه مقبل شود قمر
از تربیع و مقابله پس دلالت کند بر کثرت اخلاط و اورام مشکل العلاج و هرگاه مریخ با طالع بود باشد و از فقر خواهد بود او از اهل حرفت
و مسکنت و هم روزمانش رنج و ضعف باشد حال و نظر مشتری و زهره باعث صلاح این رنج و فقر خواهد بود حلول مشتری در خانه
زحل دلیل است بر وفور مال و غنیمت و ثروت و فعل خیر و صلاح و وسعت حال و منفعت به مال و صحبت ملوک و عقلا و مستوفیت
و محبت سپاه و نهایت دلیل اگر ناظر باشد بر زحل از موت و دلیل کثرت اموال و ملک و عمارت و بشیها و بعض وقف و امر و خواهد بود
معظم نزد روسا و اشراف و از تربیع و مقابله دلیل بر خفت و ضعف و دوری و حاصل و دگر نقص اموال بنظم و معظمات
دب باشد که مولود برادر او بعد هرگاه زحل در تربیع و مقابله باشد خواهد بود مولود از اطفال عشق بوم و حاسدی خواهد بود
حال او در آخر عمر هرگاه مشتری در خانه خود باشد خواهد بود مولود سعید و قوی عظیم القدر نزد ملوک و اشراف بعد در نهایت و در شب
بعکس آن و علم و خبر و قتل از وقوع بعد خواهد بود از ائمه دین و در منصب کشوکی باشد و هرگاه مشتری در خانه مریخ باشد خواهد
مولود امیر الامرا و رئیس قوم و اهل خانه خود باشد مطلب مردم اگر شهادت دهند نیران در حق او و مریخ هم نیز دهر گردد
غلبت او و ضرر هرگاه نیران در او تاد و یا مایل او تاد و در بروج مذکر باشد دلالت کند بر آنکه مولود صاحب جیش و غایبه بعد هرگاه
در حمل باشد و اگر در عقرب باشد امیر خواهد بود بر اهل بحر و کشتی و زبان مشتری در خانه شمس باشد مولود خواهد بود صدیق عظما و در کمال
محبوب میانه مردم هرگاه در وتد باشد یا مایل وتد بعد از زحل و آن باشد یا مریخ پس خواهد بود کثیر المال و کثیر العادت و از جمله عظما
بعد سپاه در نهار یا خواهد بود ملک یا ندیم ملوک و صاحب ایشان مشتری در خانه زهره باشد خواهد بود مولود صدیق بزرگان
و عظما و ذات طرفیع و معروف و رواج کننده بود بر نفس از طایفه فضلا و صاحب قدر و مال مشتری در خانه عطارد باشد مولود
خواهد بود شدید الرای و صاحب فهم و ذکا و مدبر کار و صاحب ملوک و از جمله اشخاصی که صاحب سادات و دو صیع ارزاق بعد بخت بیع
و دنیا باشد و خواهد بود مسلط بر عوانی و صاحب فهم و رای متین بر سیاسات و صاحب مال بسیار و کرامات و کتب و علم بعد باشد مشتری در خانه
قمر باشد مولود خواهد بود مذکور بعید و در آفاق و کثیر النعم عظیم الحظ و صاحب قدر و دولت و صدیق ملوک و روسا و میرسد
از جانب ملوک کرامات و خیر بر او خصوصا هرگاه بعد باشد در وتد یا مایل وتد در سوالیه نهاری و در شب جیبانه از ائمه دین و صاحب
مسجد و منبر و غیر آن حلول مریخ در خانه زحل خواهد بود مولود جری در اعمال خصوصا در ابتدا از اعمال و از نفس خود بلا و در مهالک

انقلف

و تلف مال پدر و مادر و کثیر النفقه و جمیع مسکار و پشنده و مردن برادر و اولاد و خود را پس اگر شهادت به سعادت و اسعد و قوت دخیمه
باشد مریخ در خانه مشتری باشد دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود شریف و معظم و صدیق عظما و دلیل بر ثروت و هرگاه مشتری نیز در خانه
مریخ بود دلالت دارد بر آنکه مولود امیر و رئیس جیش و جند در اسفار بعد و دلیل خیر و سلامتی در این است مریخ در خانه خود دلیل است
بر آنکه مولود خواهد بود مذکور در ملک و مجهول حال معظم و غیر بعد از اصحاب جاه و مشهورین و کارساز مهمات مردم بسیار هرگاه غالب باشد
و هرگاه نهاری باشد خواهد بود مولود شریر و صاحب اوجاع و ذکت بسیار و سقوط از مرتبه و مرض و هرگاه محو نظر باشند تخفیف
خواهد داشت مریخ در خانه شمس دلالت کند بر هلاک پدر و مادر و صاحب مرض خصوصا در چشم و بعد از آن یا در شکم خواهد رسید
یا در نوبت از آتش یا از آهن یا از چهره و بدن و ب باشد که رنج آن غریب باشد و کرفتن بعضد و غلبه و کشتن اگر ناظر باشد دلیل بر ثروت
و مردن پدر در غربت یا غیره یا آزردن هرگاه نظر سعود داشته باشد و کم خواهد بود مریخ در خانه زهره باشد دلیل است بر آنکه مولود
کثیر الجماع باشد بعد تزویج زنان کند که قبل از تزویج با آنها صحبت کرده باشد و هرگاه است که با محارم خود جمع شود و زنان او از دیگر باشد
در شب سبب آن تزویج و خواهد رسید به او جاه و مضرت و آفت از جانب زنان و با آبرو خواهد شد هرگاه در نیران باشد اذیت از آتش
یا آهن در موانع خفیه بر او خواهد رسید و خواهد بود زانی و هرگاه مریخ در شرف باشد ناعل فرض خواهد بود مریخ در خانه عطارد باشد
دلیل است بر آنکه مولود خبیث المذهب بعد کثیر الکلام صاحب جدل و معادله بعد بکذران ولجوج و صاحب طیش و غضب باشد و صاحب
کلام بد و کسب اموال از وجوه شرور کرده و افعال قبیح و اوباء و مکتب شده و معلم و عامل کامل و افضل پس بعد در حکمت
و عقل در باب شرارت و کثیره الاعداء باشد مریخ در خانه قمر باشد دلیل است بر آنکه مولود شجاع و قایه و مقدم و صاحب
ذکاء و قلب بعد زنان مولود مریض بر طرف کننده مال پدر باشد و ب باشد که مردن او و غیر یا مرض اعدا بعد و کاه است که
ادویش نیز مریض باشد خصوصا هرگاه مولود نهاری باشد حلول شمس در خانه زحل دلیل است بر آنکه مولود خواهد بود خوش نفس کثیر
الفکر و خوش طبع لطیف الحال مشکلات به تدبیر در مولود نهاری شمس در خانه مشتری دلالت دارد بر آنکه مولود رئیس و شریف
و صاحب مال بعد از طرف پدر مال تحصیل نماید بسیار هرگاه ناظر باشد مشتری از قوت و نظر حق بود و دلیل بعض آنچه ذکر شد و ب باشد
و خیر و خواهد داد و صاحب خود ما جمع کند شمس در خانه مریخ باشد دلیل است بر مرض چشم مولود و رسیدن بلا یا بر او از طرف پدر
و مادر او پدر خواهد مرد بطریق بد و مادر نوبت خواهد افتاد و خواهد مرد و مادر از طفل صغیر بعد مادر رسیدن بر او اوجاع کبد
و معا حصول خصوصا هرگاه در عقرب باشد و ولادت نهاری بعد و هرگاه در حمل باشد دلیل بر شرف و سعادت هم هم بر قوت است

و باشد که از آفات شمس در خانهٔ خود باشد دلیل است بر آنکه مولود خواهد بود نفس دلیر و بزرگی و دولت آن از نفس خود حاصل گردد و اگر
شمس بود و نه بعد و آفات نهاری باشد دلیل باشد که از دولت عظیم دولت دارد و در شب دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود طویل
العقل و باشد که مولود قیم باشد [illegible] باشد و کاه است که در غربت سعادت یابد شمس در خانهٔ زهره باشد دلیل است
بر آنکه مولود عارف بکشف امور خفیه بود معتبر خوب صاحب حدس [illegible] بود سریع التأثیر و صادق باشد و کثیر الرطوبة
و مجامعت و کثیر الاشتغال و اسفار باشد شمس در خانهٔ عطارد باشد خواهد بود مولود کثیر الاحادیث نیکو افعال معلم علوم و کاه
است که منجم بود صاحب فصاحت و کثیر الحیل و دولت [illegible] در مراتب نهاری و در شب دلالت دارد بر آنکه مولود چنانچه
صاحب [illegible] و [illegible] از طرف [illegible] شمس در خانهٔ قمر باشد آفات دارد بر آنکه مولود کثیر الزوال بود در اکثر افعال
[illegible] گردد و صاحب مال بود [illegible] حلول زهره در خانهٔ زحل دلیل است بر آنکه مولود عقیم بود از جانب
اولاد و [illegible] و مال بود [illegible] هرکاه [illegible] باشد [illegible] دلالت دارد بر آنکه [illegible] خواهد کرد با دختر خواهر خود یا محرم خود یا بعضی
محارم دیگر خود [illegible] و افعال [illegible] و دلالت بر خوف [illegible] زنان دارد زهره در خانهٔ مشتری دلالت کند
بر آنکه مولود چنانچه مرزوق از طرف زنان و باشد که [illegible] از جملهٔ خدام خلق و ملوک [illegible] است که بر تبهٔ سلطنت
برسد و مال بسیار [illegible] معظم باشد [illegible] زنان شریف و از فضلاء [illegible] صاحب زنان باشد زهره در خانهٔ
مریخ باشد دلیل است بر کثرت جدال [illegible] رسیدن [illegible] رسیدن اذیت [illegible] از مکر و عداوت و رسیدن شر از جانب
زنان و مخلوط با زنان زانیهٔ مشهوره و [illegible] زنان از غیرت هرکاه [illegible] باشد در عمل خواهد بود [illegible]
[illegible] بعضی [illegible] هرکاه [illegible] باشد یا قایم مقام ایشان باشد و هرکاه در عقرب باشد خواهد بود [illegible] از آنچه
ذکر شد زهره در خانهٔ شمس باشد دلالت [illegible] که مولود [illegible] از زنان بود [illegible] زانیه [illegible]
[illegible] عظیم [illegible] زهره در خانهٔ خود باشد [illegible] از طرف زنان
[illegible] زنان باشد [illegible] خواهد بود مرزوق از زنان زانیه و خواهد [illegible] حضرات
و کاه است که [illegible] از قبل زنان برد زهره در خانهٔ عطارد باشد دلالت کند بر [illegible] زن [illegible] و خدمت کردن زن [illegible]
[illegible] صاحب صنعت [illegible] پس اگر مقارنه [illegible] داشته باشد خواهد بود [illegible] عاقل عالم [illegible] نیکو صورت
و خوش کلام صاحب علم هندسه و نجوم خوش نفس بود [illegible] باشد با فرح و [illegible] و کثیر الاصدقا

و صاحب ورع و تقوی هرکاه [illegible] باشد در جوزا دلیل صاحب [illegible] و تألیف [illegible] خوب و عطار [illegible] کثیر
و هرکاه مولود دختر باشد خواهد بود صاحب [illegible] و شکر کردن و ثروت و بزرگی [illegible] باشد زهره در خانهٔ قمر باشد
دلالت کند بر [illegible] کثیر [illegible] کننده [illegible] حلال نباشد بر مولود از زنان [illegible] زنان باشد
حلول عطارد در خانهٔ زحل دلالت کند بر آنکه [illegible] مولود [illegible] و نفع بود و خواهد بود [illegible] امور [illegible]
[illegible] و عالم [illegible] از [illegible] و مطلع بر اسرار خفیه بود از جمله [illegible] بقول [illegible] اعتقادی
باشد بود [illegible] صاحب [illegible] و تألیف کننده خطبه [illegible] خواب [illegible] حاجات [illegible] باشد
عطارد در خانهٔ مشتری باشد دلیل است بر آنکه مولود کاتب نافذ الامر و معتبر در امر [illegible] و احکام [illegible] و ملوک و [illegible] امور
و عالم [illegible] عطارد در خانهٔ مریخ باشد خواهد بود مولود کذاب [illegible] و تعطیل الدین
[illegible] هرکاه [illegible] باشد [illegible]
[illegible] دلالت [illegible] عطارد در خانهٔ شمس باشد دلیل است بر آنکه مولود [illegible] و صاحب فهم و صادق [illegible]
و کریم بود و صاحب [illegible] عطارد در خانهٔ زهره باشد خواهد بود مولود [illegible]
و عالم [illegible] هرکاه [illegible] باشد [illegible]
نباشد خواهد بود حکیم [illegible] عطارد در خانهٔ خود باشد دلالت کند بر آنکه مولود [illegible] کاتب سریع الکتابة
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد عطارد در خانهٔ قمر باشد دلیل است بر آنکه مولود خواهد بود [illegible]
و حکیم [illegible] و تعلیم [illegible]
باشد حلول قمر در خانهٔ زحل دلیل است بر آنکه مولود خواهد بود [illegible]
[illegible] خواهد بود مولود [illegible]
[illegible] خواهد بود [illegible] قمر در خانهٔ مشتری
باشد خواهد بود مولود [illegible] قمر در خانهٔ مریخ باشد دلالت
کند هرکاه [illegible] باشد بر آنکه خواهد بود مولود [illegible] قاطع طریق بود [illegible]

خواهد بود ضرر آن کمتر از این پس اگر ناظر باشد بان سعد نحوست کمتر خواهد بود و نحوس فوت میده معان را **قمر** در خانه ششم
دلیل است بر آنکه مولود کثیر الاعداء و بد حال و در ابتدای امر بعد از جانب سلطان محبس نشست برسد و صاحب مال بود پس اگر
نظر کند با و از تثلیث یا تسدیس خواهد بود مولود مذکور کثیر الافوه و اولاد و اگر نظر کند با و از تثلیث یا تسدیس ثانی خواهد بود کثیر الجهه
معروف در امور دین و از تربیع اول حیله باشد قمر در اهل خود و از تربیع ثانی حیله باشد مذکور و به مرتبه سلطنت برسد و اگر نظر کند از مقابله
حیله باشد صاحب آفات و مرضمند از جانب زنان خبر و خرید ب باشد که برسد به او بود شدت از قبل سلطان و دلیل سقم در قلب
و معده و دیده و الا و میلا هرگاه باشد در جهد اول و با فرقت اول از ربع اسد **قمر** در خانه زهره باشد دلالت کند بر آنکه مولود
نیکو منظر شیرین شمایل و خوب چشم خنده رو بستان کننده اعمال و مجرب تر و نفس مسرور در کلام قلیل الی مه و کثیر الفواید **قمر**
در خانه عطارد باشد دلیل است بر آنکه مولود کثیر الاحادیث و راغب بعلم بازنان و قوی در امر جمعیت خصوصا با صبیان و در [illegible]
و حیله باشد استراحت کننده و تاجر پس هرگاه صالح حال باشد خواهد بود قادر و متعبد در دین خود برسد با و مال بسیار و عمل و عمل
و ترک بعد زیاده مرگ در در کبر سن مولود خیر و برکت و قلیل الاولاد باشد **قمر** در خانه خود باشد دلالت کند بر آنکه مولود در شب [illegible]
عظیم و شریف و مستغنی و نیکو حال و جید عقل و صاحب حذاقت سریع الحرکات و ناظر بعلوم بعیده خصوصا هرگاه بعید باشد در وتد و
هرگاه در روز باشد خواهد بود تغیر و دلیل در غربت لیبر بدن کما هست که مریض و صاحب سقم باشد طول **زحل در شرف** خود دلالت
کند بر آنکه مولود خواهد بود مسلط کثیر الحرکت و کثیر المال و متهاون در حق بنی باشد **مشتری در شرف** خود باشد دلیل است بر آنکه مولود
خواهد بود ملک عظیم و کثیر المال و صاحب اعداء بسیار و مسلط بر اهل بلد خود باشد **مریخ در شرف** خود باشد دلالت دارد بر آنکه خواهد
بود مولود رئیس و بزرگ و کثیر العلم در حرب و خصومت و فاعل لهو و لعب و تابع عظماء باشد **شمس در شرف** خود دلالت کند
بر آنکه خواهد بود مولود صاحب علم و فطانت و ذکر جمیل و ملک کبیر باشد **زهره در شرف** خود باشد دلیل است بر آنکه مولود صاحب
فطانت و زیرک و وجاهت و کثیر العلم محب لهو و لعب و کثیر المیل بزنان و کثرت نساء و صاحب ظرافت باشد **عطارد در شرف**
خود باشد دلالت دارد بر عالم بودن مولود و حافظ قرآن و نماز گذار کثیر الکلام و گاه هست که بمرتبه ریاست رسیده اسم او
در السنه و افواه مذکور و شهرت کلی نماید و مسلط باشد در همه عمر **قمر در شرف** خود باشد دلیل است بر آنکه مولود خواهد بود عالم
و حافظ و صاحب فطانت بعید ظریف و بمرتبه بلند که ممکن که برسد و کثیر الاعداء و دشمنان بعید عجیب نموده کند **بالجمله**
هرگاه اتفاق افتد که بعید باشد رب طالع در شرف خود و در وتد باشد خواهد بود مولود صاحب [illegible] و خواهد رسید بشرف عظیم

هرگاه در [illegible]

و هرگاه در مایل نه باشد نخواهد بود از برای او حسب و شرف عظیم نخواهد رسید که سعدین بحجة آنکه فرح سعدین است
پس دلالت اینها مثل دلالت اوتاد خواهد بود و هرگاه ساقط باشد میرسد بمنزلت و لکن زحل آنچه ذکر شد قبل
و اما معروف در بلد و زمین خود خواهد بود حال جید از کواکب که زحل و مریخ و شمس و قمر باشند بعلت آنکه فرح اینها هرگاه در
مایل اوتاد باشند دلالت خواهند کرد مثل دلالت وتدی پس اگر اتفاق افتد که بعید باشد شمس در نهم و قمر در سیم دلالت
خواهند کرد بر اطاعت مولود و پیغمبر در غربت و هرگاه مشتری در عاشر و زهره در نهم باشند دلیل است بر حسن خلق و طبع و
حسن خلق و الا شبه مولود و هرگاه زحل در ثانی عشر و مریخ در سادس باشند دلالت بر دفع ضررات از جانب اعدا و حسد و دفع
مولود به دو رتبه مولود طبیعت طول **آن زحل در هبوط** خود دلالت کند بر آنکه مولود حیله باشد قلیل النفع در فقر و مدد مال **مشتری در هبوط**
خود باشد دلیل است بر آنکه مولود متغیر گردد و لکن بستان باشد بر آن هم خیر و حیله باشد بد عیب باشد که غرق خواهد بود **مریخ در هبوط**
خود باشد دلالت کند بر آنکه مولود کثیر الامراض [illegible] بعید قلیل العلم و الفهم و قطاع طریق و دلیل مردم در امور اب تیغ **شمس در هبوط**
خود باشد دلالت دارد بر کثرت امراض و قلت مال و بد خبر جهة اهل خود **زهره در هبوط** خود باشد دلالت کند بر آنکه مولود فاعل [illegible]
در دعای حاجت کردن بعید عامل جیل زنان و شغل حال باشد **عطارد در هبوط** خود باشد خواهد بود مولود جاهل سفیه و کثیر السفر و در [illegible]
سیاه و در ارض [illegible] و حیله باشد به ته بر به خیر **قمر در هبوط** خود باشد دلالت کند بر آنکه مولود تهجر و مختلط عقل و بد تن بعید باشد
خلاصه هرگاه اتفاق افتد که بعید باشد رب طالع در هبوط خود و متصل شود بکوکبی در هبوط دلالت کند بر هلاک مولود و بدی
حال و بعید باشد هلاک مولود از جانب خود و از جهة کتابت کردن و هرگاه متصل برب طالع گردد و کوکبی از هبوط دلالت کند
بر شدت حال و بلایه که برسد بان پس هرگاه اتصال بین رب طالع و کوکب ساقط در هبوط از اوتاد باشد خواهد بود
سفیه و بد حال و هرگاه بعید باشد متصل با و در وسط السماء خواهد بود هلاک مولود بدولت خود و هرگاه در طالع باشد هلاک
و آن عارض در بدن از امراض و در سابع هرگاه باشد هلاک از قبل زنان بعید و هرگاه و قتل و حروب و در رابع هرگاه
باشد از جانب املاک و بمرتبه بیوقت او و پس اگر کوکب ساقط در هبوط کفتی باشد هلاک مولود بسبب [illegible] از موضع و نقصی یا خواب شدن
چیزی بر سر آن بعید باشد طول **زحل در وبال** در خانه در ربع اسد باشد خواهد بود مولود قلیل الحیا کشته بار خود [illegible] در ربع
سرطان رسیدن مولود بلا [illegible] و کثرت [illegible] بعید امراض مهلک [illegible] واقع گردد و قلت مال و زنان
و اولاد و دلیل است و خواهد بود طرفت کن مردم فقیر **مشتری در وبال** در خانه در ربع جوزا باشد خواهد بود مولود قلیل الاولاد [illegible]

و نخواهد بود از برادر اهل و عمل و ذنب در ربع سنبله خواهد بود کثیر الامراض و فرقت و جدائی در میان مولود و خواهر و در ضرر خواهد
از غربت خلاص نشود و شروع کنند فقه که غیر در آن نباشد و لکن صاحب آن بشود مریخ و سنبله در نهار در ربع میزان مولود چنانچه شده در عقب
و در غربت افتد و خلاص نشوند از زمین غربت و ذنب در ربع ثور چنانچه شده کثیر الفضولات و الاطراف کثیر السفر و قلیل المال باشد
شمس و سنبله نهارا و لیلا دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود بخیل و کم خیر لیکن مرض رفتار نشود در زمین غربت زهره و سنبله در نهار در ربع
حمل دلالت کند بر آنکه مولود جلق و زانیه و زیاده شود در [illegible] نیران و ذنب در ربع عقرب خواهد بود لوطی جلق و بد خیر و دشمن
اهل بیت خود عطارد و سنبله در نهار در ربع قوس دلالت دارد بر آنکه مولود قلیل العقل و خفیف کثیر الشر و کذب بود و ذنب در وقت
دلالت کند بر کثرت امراض و سینه و باسیر و اعصاب و حصول آب چشم قمر و سنبله نهارا و لیلا دلالت کند بر آنکه خواهد بود مولود
ناقص العقل و خفیف بود کثیر الاعدا و دشمن اهل خود و قلیل الکسب و معاش بود باشد و هرگاه دلالت لیلا بود و زحل در اسد باشد
دلالت کند مثل دلالت که در سرطان بود و هرگاه دلالت نهاری بود و زحل در سرطان باشد دلالت کند مثل دلالتی که در اسد بود
بهم چنین است حال باقی کواکب دلالة دلالات کواکب [illegible] از عقده جوزهرین و حصول زحل و مشتری قرب عقده راس
و بهمکدام شهادت دهد و مولود نیز شبیه باشد دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود عابد و متدین و هرچه سن او بیشتر شود زیاده گردد خیر او
و میرسد به آن بمرتبت و قدر عظیم و هرگاه منصرف شوند از آن خواهد بود مولود عارف بتاویل آیات و [illegible] و حکمت
و هرگاه بهم باشند یکی از این دو نیّر با ذنب دلالت کند بر فاجر بودن و جاهل و قلیل [illegible] و فقیر و محتاج و رعیت و هرگاه مریخ با راس
باشد و نزدیک بآن دلیل است بر آنکه مولود خواهد بود شجاع و رئیس و مقدم و میرسد بسبب آن بمرتبت کمال و شرافت و ثروت
و امثال آن باشد و اگر منصرف از آن باشد زیاده میکرد و شرافت و رفعت و قوت و جاه باشد صاحب حرب و منصور بود
و هرگاه با ذنب باشد هر جا بهم جهت افتد یاد مهابت و صولت [illegible] و [illegible] بهم سیاه هرگاه منصرف از آن باشد شمس
با راس باشد یا قرب بآن خواهد بود مولود خیر و صالح و طویل العمر بهم مرتبه ریاست و بزرگی میرسد و رفیع القدر بهم اما در عقب
آن مکروه عظیم از قبل علما و بزرگان با وی رسیده و جهالت و ذلت دست از او بر ندارد و هرگاه با ذنب باشد خواهد بود
مولود از فقرا و اشقیاء و معاش خود از کد خود بدست آرد و ذلیل و حقیر در آنجا بهم هرگاه منصرف از او شده باشد
زیاده میشود مولود صنعت و سوال و فقیر و محتاج در همه عمر و ذلیل بهم معاش او از صدقه بگذرد زهره با راس باشد یا نزدیک
بآن خواهد بود مولود وجیه و رئیس و کریم و صاحب ثروت از جانب ملوک بهم در عمل لهو و لعب و طرب و غنا [illegible] کند

در نقبها

در نقبها و مشهور در میان مردم باشد و هرگاه بهم باشد با ذنب خواهد بود مولود حقیر [illegible] که خود کند زانیه و در فاقه و فقر بسر برده
و هرگز سفر نکند عطارد با راس باشد یا قرب بآن خواهد بود مولود کاتب و عالم نجوم و علوم [illegible] و صاحب [illegible]
ب باشد که از جمله آنان [illegible] کند و دو دین صاحب قدر و عزت باشد و هرگاه با ذنب باشد خواهد بود مولود جاهل
و [illegible] کذاب و نمام و صاحب صنعت لطیف بهم باشد قمر با راس باشد یا نزدیک بآن دلالت کند بآنکه مولود ضعیف و ناقص
بهم از [illegible] ملوک و [illegible] از جمله آنان بهم [illegible] بیشتر گردد و هرگاه با ذنب باشد خواهد بود
هر جا واقع شود از ربع صاحب فقر و فاقه بهم [illegible] که بهم باشد از اولاد [illegible] که قدیم مقام [illegible] بهم از عمل
[illegible] که زانیه و خلاص کرده باب ششم در قواطع و زوایه [illegible] بر چیزها است و آن بر دو فصل است فصل اول در ذکر قواطع
از لوازم [illegible] و شعاع [illegible] است و اینها را قواطع خوانند [illegible] که عمر را بر [illegible] دلالات [illegible] قطع
[illegible] از اهل احکام [illegible] از اتصالات و [illegible] که شعاع [illegible] جرم آن [illegible]
آن صاحب [illegible] کوکب که شعاع [illegible] جرم آن در [illegible] است [illegible] خوانند [illegible]
که [illegible] باطلاق شرکت [illegible] خوانند و [illegible] قوت [illegible] قطع [illegible] سعدی [illegible]
از [illegible] در بعد معین زیادت است و واقع قطع و [illegible] معین قطع است و واقع زیادت و [illegible]
از [illegible] جرم [illegible] اول [illegible] است اول در [illegible] دوم [illegible] سیم [illegible]
[illegible] پنجم [illegible] ششم [illegible] هفتم [illegible] هشتم [illegible] نهم [illegible] دهم
[illegible] یازدهم [illegible] دوازدهم [illegible] سیزدهم [illegible] چهاردهم [illegible] پانزدهم [illegible] شانزدهم [illegible]
[illegible] از آن سیاره اصل [illegible] است اول جرم زحل دوم جرم مشتری سیم جرم مریخ چهارم جرم شمس پنجم جرم قمر [illegible]
[illegible] از آن [illegible] این هفت سیاره [illegible] تربیع [illegible] مقابله یکی
دیگر در [illegible] انفعال است [illegible] یکی دیگر [illegible] اصل است [illegible] یکی دیگر [illegible] انفعال است
از [illegible] سدس [illegible] دیگر در [illegible] استقبال مقدم است [illegible] تربیع [illegible]
[illegible] صاحب [illegible] است [illegible] دیگر [illegible] است [illegible]
[illegible] اصل است [illegible] دیگر [illegible]

همین سه دیگر مخصوص بکدخدا است و سه دیگر مخصوص است بمولود که سهم القاطع باشد و آن بر سه قسم است اول اگر بکیری روز از زحل
تا مریخ و شب از مریخ تا زحل و بر درجه طالع افزایی دوم آنکه بکیری روز از زحل تا مشتری و شب از مشتری تا زحل و بر درجه طالع افزایی سیم آنکه بکیری
روز از مریخ تا قمر و شب از قمر تا مریخ و بر طالع افزایی بهر جا رسید سهم القاطع است و یکی دیگر از آنها درجه آفتی پرج است و آنهم مخصوص است بمولود
بر آنکه بعضی گفته اند که درجه طالع قاطع است قمر را اگر بمولود باشد چنانچه قمر قاطع است درجه طالع را لکن بشرط آنکه درجه طالع منحوس باشد
بعقده جوزهر یا بکسی یا بشعاع نحسی یا بجرم نحسی از ثابته و سیاره و نابته و اگر جزو اجتماع یا استقبال مقدم و مرور تربیع ایشان قطع نکنند مگر کر نحوسی
باشند و شمس و قمر اگر در خانه خود باشند و یا قریب بآن و یا بدرجه شرف و درجه او بعقد قطع نکنند و مرگ ظفر که در مصادر باشد بیت سعد بنظر
سعد رجوع قطع نکنند خاصه که مقبول باشد از سعد و دیگر آنکه نابت قطع نکنند بلکه سعادت عظیم دهد مگر که عطیه جو او یا قوی رسیده باشد چنانکه
بطلیموس میفرماید لا قطع بالشعاع دون نفاذ عطایاء الادله و اکثر قواطع در طالع طفلی که تکامل باشد طالع
کند قاطع آید و درجه ذنب و درجه رابع بر هر قطع کنند مگر زحل بسبب موافقت و دارخیت و اگر زحل و شمس و درجه طالع تهد و سطح
اقطع است و مریخ و قمر باو نام مصادر شمس باو بر آنکه قطع شمس از ذنب دو ر قارب در رابع و هبوط و در جهات سمع ثابت و شکل ثبت و سهم اول
اقطع و قطع قمر بریخ و جوزهر و سهم اول و عطارد نحوس و مرور تربیع و مقابله در درجه هبوط خود و چهار ثابته که ایشان را قریب خوانند
و سمع جهات ربع اشت بر قوس تر قطع جزو درجه نجم و محل جمیع نحوس جوزهر و عقبا سه قوی تر از باقی و قطع درجه طالع بدرجه نجم
و سمع جهات اقوی تر از جهت سیار بقیاس کرامین شود و قطع سهم السعادة بقواطع نیزین قوی تر است و بعضی از ان قاعل روایت میکنند که سهم السعادت
قاطع است درجه طالع و درجه طالع قاطع است سهم السعادة را و این روایت باطل است و بطلیموس حکیم در مقاله سیم از کتاب مرتع فرموده است
که هرچه بشعاع ازبا حی مشتری درجه است و از برای زهره درجه بلکه بزرگ شمس و قمر قاطع است منهم بر دن حد ترحم قمر قاطع است
طالع با و طالع قمر را انچه گفته شد و آن مهم هیچ حیثیتی بهیچ نحو قاطع سیاره درو داما کواکب ثابته انند قاطع نه ایلم خصوص مرکاه
جمع شده باشند با هر ارافع خود دو کواکب جمع شده باشند مثالی خواهد بود که بنشیند و بشیب قطع خواهد بود فصل دوم در دیگر زوایای عمر و آن نه قسم و قسمت
از آنها شش جزو کواکب ثابت است اول آنکه شمال که اصطلاح خوانند و مرتع سمین اند دوم آنکه مرتع مشتری اند سیم رجل الجبار قلب الاسد
که هم مرتع سمین اند چهارم نسر واقع پنجم فم الحوت شخم دنب الطاییر سیم این مرتع زهره و عطارد اند و هفتم شان در زوایای عمر باشد
و ده دیگر آنان در جهات زهره و مشتری اصل است و شعاع وانه همی و شب سه روز یکی دیگر در اشتغال است از نحس بعد دو ته برسعدی
و یکی دیگر در سهم السعادت و یکی دیگر درجه وضعیت که سعد باشد و چون که حقیقت گفته شد زیادت ازین زوایای دفع قطع است بدان سبب که

چون قطع را دفع کنند در عمر زیادت کرده باشد دیگر بعضی دلالات کواکب ثابته هرگاه ثابت باشد در حقیقت را کرد او تاد
یا با یکی از کواکب سیاره و اقوال او ناظر و طالع است بعد از آن باشد و اقوی کواکب شمس است بعد از آن قمر پس کواکب فاقد که بجز ثابته
بعضی ثوابت با دلیل مولود شفق خواهد بود اقوی و در دلالت بر مولود چیز آنکه موافق خواهد بود چند رو تر لذت و عظمت و موافق دلالت
آن برج و هرگاه مقارن شمس و قمر یکی از ثوابت سیاره دلالت بر کرم و فضل و فرط عطا و هرگاه بعد باشد ثابته بر مواضع کرسی آنهم دلیل نفع است
قدرت نیز دلیل نفع قدرت نیز دلیل در عقب و مال و ثروت چند دامه کواکب ثابته مثل سماک الاعزل و نسر واقع و الوف این
دلالت دارند بر آنکه مولود خواهد بود مشهور معروف و مقرر کننده العلم و ظریف و جید کریم اللطف جید النور و فی ذکر صاحب حسن جید و تکلم
کننده با ملک و شهر و عاقل در امور و محب عبادت و نیکو و با فروغ و مسرور و رحیم صاحب عفت و بصیرت و صاحب جواب صادق قول ثابت
در حضرت بادشاه کثیر الانتفاع و دولت و زنان بسیار هرگاه مریخ مشتری باشد فوق الارض و نظر کند با زهره و هرگاه قمر باشد یکی ازین سه
کواکب در طالع زیاده کند مولود با علم و فضل هرگاه مریخ در طالع باشد خوف خطر خواهد بود آنچه ذکر کردیم و هرگاه با یکی ازین
کواکب باشد زیاده کرده و شهوت مولود و هوس آن در حضرت هرگاه شمس باشد و یکی ازین کواکب با زهره و در رابع یا سابع باشد غالب شخو مولود
از شهوت و جنون زهره و مریخ در اوتاد و ناظر یکی ازین کواکب دلالت دارد بر آنکه مولود طبیب عالم کثیر الاسرار و کتب علوم صاحب
تجربه باشد و هرگاه عطارد با یکی ازینها در طالع یا وسط السماء او بعد دلیل است بر صدور امر عجیب از مولود و حیا شیند عظیم در علم نجوم صاحب طرف
در کلام و حروف خوش شیوه است و کلام خود نیکو و ثابت شمس عقل و عامل جمیع جهات در دولت واما سماک رامح و نسر طایر و قلب العقرب و نیز فکه هرگاه
در طالع یا در وسط السماء او بعد دلالت کنند بر آنکه مولود خواهد بود از حد متعلقین ملوک و خلفا علوم صاحب اسراف و شدید العطش جید العیب باشد
بسیار در موالید شهر و مولود بسیار خواهد بود مشهور در علام و دلال و بصیره و علوم عطیه علوم لطیف و با کنیزه و نیکو شهوات باشد واما نطفه
ابحر و شهور بیاذه و قلب الاسد و قلب العقرب و نسر طایر هرگاه بعد باشد یکی ازینها در طالع یا در وسط السماء او یا بعض از اوتاد و مذکوره دلالت
کنند بر آنکه مولود خواهد بود قاید لشکر و جید العیب و مالک بلاد و دار ضیق علوم صاحب نقد حکم دار علوم عدو و حب و شبه ملوک و مظفر بر سپاه کم
رواد نجوم و عالم و دمشق و نسر کثیر المال و دولت نیاز و تجارت و جمع در دوران طریق حسن واما رجل الجبار و رأس الغول و عیوق و عیوق و ثابت از اربعه هرگاه
بعد باشد یکی ازینها در طالع یا در وسط السماء او مولود خواهد بود نفس کثیر المال صاحب زراعت و بنا و غرس اشجار را اگر نظر کند قمر یکی ازینها
و در طالع یا وسط السماء باشد مولود چنین باشد حکیم و کرم و عفیف و میمون حلیم و عالم دلالت زنان و زنان از دلالت او واما عیوق و ثابت از اربعه
دلالت کنند بر حسب طلاب و طیور و از بهتر و در دوم بعد از عیب دان طیور باشد واما رأس الجبار و صد الغول هرگاه باشند یکی

از انها در طالع یا وسط السماء و در موالید لیلی خفته خواهد بود مولود صاحب حروب و مقدم بر روس و مغضوب عظیم القدر باشد
و در موالید نهاری خواهد بود مولود [illegible] غیر [illegible] و کثیر النفس مشغول [illegible] قلیل الربح و حریص بر اشغال [illegible] و کثیر الکلام
و اما منکب الفرس و سرة الفرس و کف الخضیب و منکب الیمنی جوزا هرگاه باشند یکی از انها در طالع یا وسط السماء در موالید لیلی دلیل [illegible]
بود با کرم مولود تا [illegible] و فعال در امور و کثیر العقل بصیر در همه امورات [illegible] و بعید الهمت و جامع اموال و حب [illegible]
و خلاف کذاب و [illegible] بود حب علم باشد و در موالید نهاری خواهد بود مولود [illegible] و بیدار هم و مغضوب قلیل الاعداد
و نزاع صاحب [illegible] و جامع صفات خبیثه [illegible] مسکرات بود فاحش و حب [illegible] و سفاک دماء و [illegible]
باشد و اما اکتاف النهر در حمل قطورس هرگاه باشد یکی از انها در طالع یا وسط السماء مولود خواهد بود لطیف و جامع اموال بسیار [illegible]
عاقل رحیم [illegible] و ضعیف بود از اعمال زنان [illegible] و صاحب امانت و حب لهو و لعب و میمون [illegible] سیما اگر [illegible]
قمر با انها و اما عنق الشجاع و [illegible] هرگاه یکی ازینها در طالع یا وسط السماء باشد مولود خواهد بود سعید و [illegible]
نافذ الامر مشهور در بلاد و موصوف بخیر و قبیح منظر و [illegible] و عمارت و [illegible] و کثرت اموال
و ملک و عالم بنجوم و اسرار [illegible] باشد و اما عین الثور و منکب [illegible] جوزا هرگاه یکی از انها در طالع یا وسط السماء [illegible]
خواهد بود مولود سعید و [illegible] و اتباع و مشهور بخیر و عظیم الشان بعید الهمت بود هرگاه [illegible] باشد یکی ازینها با شمس و دیگری با قمر
با جمله عین الثور هرگاه باشد در درجه طالع [illegible] و قلب العقرب در درجه غارب و از انجمله است که دلالت این کواکب بر [illegible] سعادت
قوی تر [illegible] از کواکب با ضعف مضاعف و بیشتر در درجه طالع یا سهم السعادة [illegible] دلالت کنند [illegible]
[illegible] اگر سهم السعادة دلالت قوی است [illegible] درجه طالع [illegible] دلیل قتل است [illegible] کتب عمر را
بر وجه گفتیم که شخص [illegible] موافق عمل [illegible] که در [illegible] معین شد [illegible] موافق عمل [illegible] و قواطع و غیره که
احوال معین شد [illegible] عمر و [illegible] شده بود [illegible] باب چهارم در احکام کیفیت عمر و ان بر [illegible] نوع است نوع اول
مجمل احکام ولادت و دلایل مجمل [illegible] طالع ولادت است [illegible] طالع و صاحب
طالع و صاحب [illegible] و سهم السعادة [illegible] طالع و [illegible]
و صاحب طالع و [illegible] صاحب طالع [illegible]
[illegible] صاحب طالع [illegible]

بدان سبب

بدان سبب که انصراف دلیل اول دلیل عمر و اتصال دلیل دوم عمر است و مزاجی که میان انصراف و اتصال باشد دلیل میانه عمر بود
و اگر این مزاج جمله بر عکس باشد مولود در [illegible] عمر از ان ضعیف حال [illegible] و اگر میانه بود حال مولود هم میانه باشد
و بطلمیوس فرموده است که بزرگترین سعادات مولود آنست که کواکب ثابته در قدر اول و قدر دوم بر درجه طالع یا عاشر باشد یا درجه
[illegible] صاحب طالع یا درجه نیرین خاصه نیر نوبت یا درجه سهم السعادة باشد لکن [illegible] سیما که آن ثابت [illegible] باشد و سعادت
دیگر آنست که طالع ولادت [illegible] باشد از [illegible] طالع قران یا طالع [illegible] طالع مملکت خاصه که [illegible] طالع
عاشر باشد سیما که [illegible] و اگر آن [illegible] مملکت باشد آن مولود بزرگی از بزرگان
دولت و ان مملکت گردد [illegible] که مولود از اتباع ایشان بود و اگر طالع مولود [illegible] دولت ایشان بود [illegible] کار ایشان [illegible]
زایل باشد [illegible] ایشان گردد [illegible] و دیگر آنست که سهم السعادة دولت و مملکت بر درجه مولود [illegible]
یا درجه عاشر [illegible] از ان دولت و مملکت [illegible] و سعادت دیگر [illegible] صاحب [illegible] در دستور [illegible] باشد [illegible]
کرده ایم دستور [illegible] سعادت دیگر [illegible] سهم [illegible] در احکام سعادت مولود [illegible]
دولت از احکام [illegible] و بزرگان نوع دوم مفصل احکام ولادت و آن مشتمل است بر [illegible] فصل فصل اول در ذکر
دلالات [illegible] اول [illegible] مقصد است مقصد اول در [illegible] طالع است [illegible] فاضل حکیم بطلمیوس
[illegible] شمس در موالید [illegible] دلیل [illegible] قمر دلیل [illegible] طالع و صاحب ان [illegible] طالع و نیرین [illegible] و سهم السعادة [illegible]
[illegible] دلایل ولادت [illegible] طالع و صاحب ان دلیل اول عمر و [illegible] دلیل [illegible]
دلیل [illegible] دلیل [illegible] صاحب طالع [illegible] در طالع دلیل [illegible]
[illegible] طالع ولادت [illegible] سهم السعادة هرگاه در طالع [illegible]
[illegible] هرگاه [illegible] سهم السعادة را [illegible] دلیل [illegible]
[illegible] هرگاه [illegible] دلیل عمر [illegible] دلیل است [illegible]
[illegible] هرگاه [illegible] دلیل [illegible] پس هرگاه [illegible]
صاحب طالع [illegible] کواکب [illegible] خواهد بود مولود [illegible] هرگاه [illegible]
[illegible] مقبل خواهد بود مولود [illegible] هرگاه [illegible] باشد

طبیعت او مثل طبیعت برجی که در آنجا باشد خواهد بود خوش نفس نیکو خلق و هرگاه مختلف در طبیعت باشد خواهد بود احوال و متلون
و هرگاه موجب باشد بر این که نحس سالم خواهد بود مولود از آفات پس اگر ناظر باشد بطالع قمر و الکب صاحب خواهد بود مولود بر الافات
از جوهر بجوهر که نحس در آن باشد با الکب صاحب پس هرگاه بود باشد صاحب طالع تحت الشعاع مولود ضعیف القلب بود و سن حقیر داشته باشد
و هرگاه نظر کند بطالع قمر خواهد بود مولود بد حال و خواهد مرد در وقت بیرون و هرگاه ناظر باشد بطالع سعدی که موافق باشد خواهد بود از جهت عرفی
از مصاحبه و خوانده و الا غلاه و هر زمانی که بود باشد در باب شتگاه طالع و صاحب آن در آنکه چیده نیکو و سلیم از مناحس دلیل است بر حسن تربیت
مولود و صلاح شان و صحت بدن و طول عمر مولود و هرگاه بعد باشد و در آنکه بر این جزنه دلالت کند بر ضد آنچه ذکر شده و تقلیل الحیات و در بعضی
باب باشد که دلالت کند بر هلاک پدر و مادر مولود **مقصد دوم** در ذکر دلالات کواکب در طالع **زحل** در طالع و حال اگر قوت داشته
داشته باشد دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود صاحب سکینه و وقار و بعیت و همت و مرادات عالیه بعیده العوز محبت اصحاب طویل العمر و قوی
بر صبر و مشقه و زیادت جاه و وقت لعب و ضعیف فایده از جهت مداری که منعقد بهم باشد بر عیزان و منقطع شدن بسبب ملک
و زراعت و انتقال از حالی بحالی بهتر از اول بود منقطع از اسباب ملوک و ریاسات و وراثت و تدبیر رقیق بر جهت تجارت کردن و فایده نفع
چند پس اگر نظر کند زحل مشتری را خواهد بود از عظما و بزرگ مولود فایده از اسباب تجارت و اسباب دیانت پس هرگاه طالع یکی
از خانهای زحل بود متصل مشتری از قوت باشد مولود سعادت از نعمت و ملک و عمارات و غیر آن خواهد دید و هرگاه از عداوت باشد
عکس آنچه ذکر شده دلالت کند خواهد رسید مولود را از قبل ملک و زراعت شرو منازعات پس اگر نظر کند بر زحل مریخ از قوت خواهد
مولود بطرق و اعمال و حسن دارد کثیر الاهتمام بسبب و نظر از عداوت با مقارنه بر سر مولود مکروه و امراض حاره و اگر نظر کند بر شمس
مشروط خواهد شد بر فوز بزرگ تر از خود به سبب قدر و اگر نظر کند بر زهره و بر سر او هم و تعقیب از اسباب زنان و گاه هست
که بعضی از زنان او قیف شوند بسیار و هرگاه زحل نحس باشد و هرگاه نظر کند بر زحل عطارد و عطارد مسعود باشد منتفع خواهد شد از آداب
کتب و روز و بخیر و هرگاه نحس باشد عطارد برسد بر مولود مضرت و هرگاه نظر کند با و قمر منتقل خواهد شد مولود از موضعی
بر موضعی و موضعی که بهتر از اول خواهد بود و هرگاه زحل بد حال باشد خواهد بود مولود دشمن اهل خود و اخوان و حاصل مولود جهت مولود
تراع و حضرت سبب خیر و خواهد شد کثیر الغضب و التوهم و کذاب سبب باشد که محق محفوظ در حسد مولود را علت و خوف در قلب از جانب
ملوک و فروع مال و انوثت و کراهت و هرگاه در حمل باشد کفش حیوان بد بیرون بعد انوثت مولود حیوان و خواهد بود کثیر النفقات
و تعب و مضرات کن غیر خود و غیر محتاج بود باشد پس هرگاه قمر باشد با زحل زمان اکثر خواهد کرد مولود بعض حرمات و حق او را کجا

با آن عطارد

با آن عطارد و شمس باشد علامات به رتبه باشد و دلالت بر کثرت مال و جاه میکند پس اگر با شمس قمر هم باشد بر رتبه شهید مولود
بطبره و خوش و کبر و علامت رتبه شاه بدن مولود سبب باشد که مقبول الخواهد و هرگاه نباشد زحل اوتاد میزان در طالع و جهم باشد غریب
خواهد بود امر ضعیف تر از آنچه مذکور شده و هرگاه **مشتری** در طالع باشد خواهد بود مولود خوش نفس و منعم و عیش طلبه محتاج بمال خواهد بود کثیر
روزی و ملوک و منتفع شدن از قبل ایشان و دیانت باشد مکرم و محب نفس و زیادتی مال و جاه و غیر شدن بسبب از ازواج و اولاد
زیادتی و صاحب حسن نزد مردم و وضیع مال در وجوه از مردم و نیکو کردار و غیر موافق خواب و منتظم شدن امور محمود و دور نفس
خلال خواهد بود ابدا از وضیع و مردم و چاهشه حرص در اعمال و مشهور در آنها است نیکو باشد پس هرگاه جمیع مذکور باشد دلالت کند بر اشراف به مولود
و هرگاه موقت باشد دلیل نرفت امور مولود است و هرگاه در خصه مقرون است پس بر شرف مرد دلیل است پس هرگاه از اوتاد مشتری در آخر
در طالع باشد دلالت کند بر شرف مولود و مقدم در امور و دلالت بود ذکر جمیل و سلامت نفس و صحت بدن داشته دور و کثرت عزت
غیر بدن و طول عمر و نفس خوش بود و هرگاه در بیت مرتبه باشد اعمال او بین مولود خوب و حمید بود از مال ابوین نصیب خواهد داشت و هرگاه
مشتری با مجاسده آن باشد خواهد بود مولود عظیم نزد مردم پس اگر شهادت بود مشتری با قمر یا در شرف خط و غیره ذکر است مولود را پس اگر
نظر کند مریخ از قوت دلالت کند بر زیادتی حرص و ملک و عمارات و نیکه بینداد و مرد و مرض از حالی که پیش نوشته باشد و رئیس گردد و بر حقیق
از مردم و حصول اشیا که خوش عاقبت بود نزد ملوک و هرگاه نظر از عداوت بود بدرست نه به دون و خواه از مال مولود را با کراهت
و دوقوع مضرت و منازعات و کثرت حوادث در اعمال بدن مولود و هرگاه ناظر باشد مشتری با شمس از قوت طول العمر بود کثیر
الاولاد و واحد قه و نیکو حال با صدق نیت و قول باشد و نظر از عداوت هرگاه داشته باشد خواهد بود حال ابوین مولود از جهت
بر طرف شدن مال آنها و هلاک شدن و مولود بسیار هرگاه طالع اسد باشد و اگر نظر کند مشتری زهره را یا او باشد دلالت کند بر سرور و از
فرزندان و آمدن اسباب مال و ولد و فواید عظیم از قبل تجارت و اخوان و اگر نظر کند عطارد مشتری و عطارد مسعود باشد دلیل است بر فواید از
تجارت و بیع و شرا و مکاسب و زیادتی مال و جاه بود و هرگاه منحوس باشد دلیل ضد آنچه ذکر شده و اگر نظر کند قمر و مسعود باشد
دلالت عظمت فایده است از جانب ملوک و توسط میانه ملوک و روسا و تقلیه در اعمال ایشان و هرگاه **مریخ** در طالع بود
و در اوتاد داشته باشد و قوی حال دلالت کند بر آنکه مولود جهانشه مقاتل و رئیس در حرب و سلطنت بر قتل و عقوبت و مقدم لشکر و بیش بود
منسوب به مدائن و قلاع و قری و مظفر بر اعدا باشد و مایده و مال جبار بر ازغیر عقال الحصیل کند پس اگر نظر کند مریخ را شمس از قوت
دلیل است بر تقدم نزد ملوک باشد و جرأت و غلبه بر اعدا و جهانشه صاحب حرب و سلاح و افتخار به نفع و از عداوت دلیل

بوقت و حال و اولاد و اهل خود بود و خواهد که دشمنست از جانب سلطان و خوف بر جسم: زحل بود و در بیت [illegible] بد حال بود روشن
و اقتضا طرب باشد که مولود از منع و ترقی بیفتد و از مقارنه بد حال بود و ثوابت و بد باشد که علی الخصوص با اعراض از عداوت
و خوف بر بدن و قطع عضو از اعضا و آفت عضو و اگر نظر کند مریخ [illegible] عارض [illegible] سبب زنان مکاره و اعراض مختلفه [illegible]
و فساد حال [illegible] و هرگاه مشتری باشد و هرگاه مسعود باشد خواهد بود [illegible] ذکر شد و اگر [illegible] مریخ [illegible] دلالت کند بر ذکاوت و فطنت
[illegible] رسیدن فواید بسیار از قبیل کتاب پس اگر نظر کند مریخ قمر و عطارد باشد دلیل بر مسافرت [illegible] بسیار و رسیدن [illegible]
خود بسیار و هلاکت و اموات [illegible] پس اگر نظر کند مریخ صاحب خانه او دلیل است بر حسن عواقب امور و اگر مریخ [illegible] در طالع و عاشر باشد خواهد
و تواریخ النحس صاحب [illegible] و [illegible] از مکان [illegible] و برسد [illegible]
جوان [illegible] باشد کثیر الحرکات و منازعات بود صاحب قوت و کثیر الاشتغال و غلیظ باشد و گاه باشد که فارس و شجاع و صاحب [illegible]
بود [illegible] النحس باشد پس اگر قمر نظر کند از عداوت خواهد رسید مولود [illegible] شدت و صفرت [illegible] مبتلا شود
با مراض [illegible] کثیر الاعدا باشد و هرگاه شمس در طالع باشد و در عاشر [illegible] باشد و متصل باشد [illegible]
دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود ملک و یا امیر [illegible] اقبال خود بود و اخوان بسیار داشته باشد و [illegible] سلطنت و شرف و سعادت برسد [illegible]
بود باشد زهره با آن کثیر الفرح و سرور بود [illegible] شروع کند از قوم و قریب خود و هرگاه عطارد با آن باشد [illegible]
در کار [illegible] باشد که معتقد [illegible] بود باشد و اگر قمر نظر کند با آن فواید بسیار [illegible]
و اگر نظر کند مریخ او را از عداوت خواهد بود شدید التسلط کثیر القتال و اگر نظر کند از مودت خواهد بود عظیم الهیبت [illegible]
و صاحب عدل معروف نزد ناس [illegible] باشد [illegible] و هرگاه [illegible] باشد [illegible] خواهد بود صاحب ثروت عظیم
چون مردم و کرم [illegible] بود باشد و هرگاه [illegible] باشد [illegible] طالع باشد دلالت کند بر [illegible] این مولود بد حال [illegible] پس اگر نظر
او را زحل و مریخ از عداوت و یا بهم مقارن باشند دلیل هلاکت و بر طرف شدن مال و جان [illegible] اخوان مولود و اگر [illegible] باشد [illegible]
و طالع بد باشد [illegible] دلیل [illegible] و اموات [illegible] و در باب [illegible] و ترویج [illegible] کرامات [illegible]
کند [illegible] هرگاه [illegible] باشد [illegible] طالع عقرب [illegible] و هرگاه زهره در طالع بود و در عاشر [illegible]
دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود صاحب [illegible] کثیر الجماع و شهوت و صدیق ملوک [illegible] کامل [illegible]
[illegible] صاحب کلام و عمل [illegible] طبیعت [illegible] خواهد بود [illegible] مردم [illegible] در دین [illegible]

۴

مظلم و زرد و نیز سرخ و حیله دار و عجیب و جرب دار و اگر زحل و سعادت [illegible] هرگاه مریخ در طالع باشد پس [illegible] خواهد بود مولود صاحب
صنعت و [illegible] چاه و شراب و فاخر و اگر مریخ در الرابع قوایم باشد خواهد بود مولود [illegible] هلاکت [illegible]
و صلاح [illegible] و [illegible] فاخره [illegible] هرگاه [illegible] باشد [illegible] دلیل است بر [illegible]
مادر مولود و [illegible] دلیل بر [illegible] پس اگر نظر [illegible] یا مقارنه کند [illegible]
ابعد باشد دلیل است بر مسرت و عیش مولود و از اسباب ممالک [illegible] هرگاه قوس باشد دلیل است بر [illegible]
و [illegible] از سبب زنان [illegible] هرگاه نظر کند زهره قمر و مسعود باشد سعادت خواهد
مولود از سبب توسط [illegible] مردم و تقدم نزد ملوک [illegible] اطلاع باسرار ملوک و مشغول شدن [illegible] از اول و خواهد
بود مولود [illegible] زهره [illegible]
در طالع [illegible] خواهد بود [illegible]
[illegible] هرگاه عطارد در طالع باشد دلالت کند بر [illegible] و حکمت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] هرگاه قمر [illegible] در طالع
[illegible]
[illegible]
[illegible]

دیگر اوست و سلامت قمر از نحوس دلالت دارد بر آنکه مولود چون بشنه کش بزرگ مردم و کثیر الاصدقاء و الاخوان و هرگاه بعید باشد در مواضع نیکو
و متصل شود بکوکبی از کواکب پس خبر مجهول بعید باشد و اگر بعید باشد قمر در طالع در مواضع نیکو باشد و متصل بکوکبی نبود پس خبر مجهول است نیز
و هرگاه متصل باشد بکوکبی از کواکب خواهد بود نیکو مجهول و هرگاه در رابع در طالع باشد دلالت کند بر آنکه مولود چون بشنه شریف در نوع مجهول و معروف
با عمال شریفه و مال بسیار بیابد و مولود برسد و از جمله حظها و حظوظ بسیار از طرف آنها باشد و بسیار نماید و مال کلی کفیل شود در سفر
دیگر و در بیت رسد و خوف بسیار در که بیاید حقیقت باشد و اولیا کشته و هرگاه بعید باشد با ایشان بکار ادعیه بدان نظر کفیل پس تیز خواهد بود عظیم
القدر و ... زند چهل و پنجم صاحب قدر کرده و دیگر شهرت بمعدار اقتدار یا در کرده و خیر او خواهد بود از جهال خلقا و در ... پس اگر نظر کند
با دیگری یا با او باشد خواهد بود اول شرف مولود بعبرت کنزات و تکلف کرده و مال او در رسد فخر گرفته بسیار مولود و کلامت کرامت او متصل باشد
و هرگاه **ثامن** در طالع بعید دلالت دارد بر آنکه مولود باشد حسین در رسد باد و بلا یا و حزان و نقمت و تلف مال بسبب سرقت و در دو ربا هزیمه
از جمله کرب باشد که عارض گردد و در چشمه رنجور شود یا در مراد و مرض و علامات پس اگر بعید باشد با دیگری بی دون نظر سعد پس او علامت نیکو
و دلیل است بر دوام بیرون مولود و فوز کثیر از اهل بیرون پس بعید باشد با آنکه نحس ... علامت بسیار است از جهة ... و دلیل بکثرت مال و نعمت
و رفاق است بسبب پس هرگاه بعید باشد با او سعد شود و علامت بسیار است از جهة ملک و هرگاه بعید باشد با او قمر یا نزدیک باو باشد
دلیل است بر رجعت کم و لکن مالک نباشد از مال شخص **مقصد سیم** در ذکر دلالات بیت طالع بحسب حلول در بیوت شخص عشر هرگاه صاحب
طالع باشد پس هرگاه بعید باشد بیت طالع در **طالع** خواهد بود مولود کریم در اهل خود پس اگر متصل شود بیت و سلطان او یا کوکبی دیگر در طالع اسان باشد بسیار
نزدیک مشهور از طرف بیار اگر بعید باشد بسبب وسط آن و در جنس از حظوظ خود و هرگاه بعید باشد در بعض محل خود بیرون مولود تیزی کرد نیکو شرف و
عزت و دین او کرده و هم چنین است قول اتم بیرون و در **دوم** باشد خود و مال حاصل شود بکثیر از مال خفیه بیرون طرف شود پس اگر نظر کند باو یا شه
بیت شده و مقبول باشد بیرون رسد مال بسیار از صاحب مال از خود هر بیرون است که بیت شده در او باشد و در **سیم** چون باشد صاحب اقوه و همه آنچه و اوقات
بعجب آنکه هرگاه در شده باشد و نیز ترتیب بسیار کند در شده و ... وقتیکه چیز بسیار پس اگر نظر کند باو سعد پس باشد دین او و اگر نظر کند باو نحس
ضعیف باشد و در **چهارم** چون باشد از جهت او و صیت خود و دولت شده بعجب و منفعت از جانب سلطان و چون باشد عادات و الدین و سبب باشد که
ملحق شود باو در سدا و ریاستی شده و هرگاه مقبول باشد بیرون رسد از طرف پدر چیزی و هرگاه در شده باشد و منع خواهد شد مولود از بعض املاک و در
پنجم از جانب اولاد خوش شده و چون باشد کثیر الاصدقاء و منکحه و در مال و در رابع بیاید هرگاه بعید باشد در بعض از حظوظ خود پس اگر نظر کند باو نحس
فاسد خواهد بود آنچه که ذکر شده و در **ششم** چون باشد مولود شقی و مال با جمال شده و بعید بعید عارض خواهد شد از بیماری او را در چندین کرد شده

بطلقی

باشد قمر یا متصل شود بکوکب باشد خواهد بود مولود بنده و خدمتکار و در **هفتم** چون باشد مولود تیز زبان و خواهد رسید از طرف
زنان خصومت بسیار و منفعت بسیار و در **هشتم** چون باشد خبیث النفس مولود کثیر الاوهام و صاحب هم بسیار و ضعیف القلب و قلیل الوله
و سبب باشد که بیند موت والد خود را و نیز باشد از برادر و والده ... و هرگاه بعید باشد با او هم الوالد و چون باشد قلیل التوفیق و بکلل
بر آمدن انفعال و مرادات در غربت و در **نهم** سفر کند و بسیار مولود بعید از وطن شود بغربت باشد و بسط او علوم و مشغول باشد و کسب گرفته
بعید بسیار هرگاه بعید باشد برای کسی باشد و در **دهم** چون باشد مولود بیشتر از ارباب ملوک و خدمت ایشان و معاش مولود از طرف آنها کند و معاش
از تجارات و صنایع نیکو برگزیند و کثیر الفضل و ترجیح فضیلت و هنر باشد و در **یازدهم** چون باشد نیکو خلق و بسیار دوست و قلیل الولد و غلط
القلب با دوستان و در **دوازدهم** چون باشد سفر در غربت و کثیر الاعداء و مغلوب دشمنان پس اگر متصل باشد بعید از ... نحس
هلاک شود مولود در شقاوت و خواهد گشت او را اعداء و سبب باشد که ببیند موت والد خود را در ... خود چون باشد مغرب در غربت بسیار
هرگاه بعید باشد بیت ... در تنجیم و اگر نظر کند او را سعد باشد کرانه خواهد بود که ذکر شده و چون صاحب طالع در احتراق یا هبوط باشد
کم خواهد بود **مقصد چهارم** در دلالات سهم السعادة و بیت او و سلامت سهم السعادة در بیت او از نحوس و احتراق دلیل است بر صحت بدن
مولود و حسن تربیت و در بیت و خلق و جسم و چون منحوس قرین باشد و غیر نفس مولود و کوشش در دلیل است بر ضعف و بیماری و تربیت
و قلت حیات و سقوط مولود از مراتب و اشتداد شدت و تعب از جانب سلطان بسیار هرگاه بعید باشد در طالع با کواکب الشقاوت
هرگاه بعید باشد نحس سهم السعادة مریخ پس مولود بسیار ... شقاوت در ... از اول ایل ... و در منع اهل ... و در فتن بعید از ... باشد و اگر زحل
باشد خواهد بود مولود از جمله کسانی که معاشر اهل ... اهل ... چیزی در آنچه بعید بعید باشد و نظر به سهم السعادة طالع با بعید باشد در مرحله خود
مولود کثیر اللعب بسیار در ... بسیار و چون سهم با رب او در بروج ثابتة کار ... و ... مرتد است با بعید باشد در ربع
خیر کرده در حد خط او پس مولود خواهد بود از چیزی که سهم ... و دلیل ... است در مرة ... از خود و مراجع او و بیت او و همچنین
قول بر سهم و غیرت سهم در احتراق دلیل ... و سقوط ... اگر بعید باشد سهم در ششم و ... نظر کند باو در سهم ... مولود از
مراتب و ... و چون سهم با رب او در ... سهم از ... دلالت کند بر ... مولود و ... و سهم ... کند
دلیل اول عمر است و رب او دلیل آخر عمر و از این ... مولود شد و قت سعادت مولود که ... در اول عمر است یا آخر عمر مولود و این
سعادت و دولت ... هرگز ... پس اگر متصل شود سهم ... بعض ... بعض ... از ... در ... و بعید یا ... حظوظ و
سهم ... باشد از ... و متصل شود قمر بان ... پس مولود ... گرفته بر ... منکحه و عدت ... و ... سهم

دوم محو و در جسم سهم همین سبب نظر اگر نحس خواهد بود مولود را از اواسط عمر عظیم التیام باشد و اگر زوال او بعد از قبل گذشت و اکثار است اهر سانیده مال و بهای آن
مال و بر تربیت کردن سبب نحوست باشد و اتصال سعادات است که بعد باشد سهم در وسط السماء یا در طالع یا در عاشر یا در خامس و نظر ببیند در مراتب نمازی
نظر نحس بود سیل [illegible] و بعد باشد سهام بهم سهام المال در وسط السماء یا بیت سعادت یا در طالع یا در رابع سعادت و عزت بعید دلیل است بر کثرت مال
سهام هر گاه بعد باشد تا نه سعد و در مکان نیکو و ناظر باشد نحسی بر سعد او و نفوذ دلیل باشد سهم در او دار و رب او مشرقه بود اگر نحس
و نظر کند بسهم از مکان قوی و نظر کند بصورت او سعد پس بهتر که خواهد بود مولود ملک شریف و جسیم و عظیم خصوصا هر گاه بعد باشد سهم بعید
و اگر نظر کند رب سهم بصورت او و واقع شود در عاشر و بعد بر خامس خواهد بود بعید یا نظر کند نحس بصورت او در تا از وتد و هر دو قوی باشند دلالت کند
بر آنکه مال و سعادت و دولت از دست مولود بیرون رود و درجات مولود و همچنین هر گاه متصل باشد با بین و تا بعد او و هر گاه نحس زحل
مال و دولت بیرون رود بر اید و بر دست نحو و هر گاه مریخ باشد اغلب آن از سلطان و تنصیب خواهد بود یا از قبل دو خشم پس اگر نظر کند بصورت او
رب طالع و رب ثانی عاشر خواهد بود مولود سلطان بر بسی و [illegible] وقوع سهم با نحس از وتد و سعد نظر کند با بین هر بس مولود تغییر بیکند حال او
[illegible]
بحال قوت سعد بعد از نحس و اگر متصل شود نحس و چند سعد را او بعد باشد قمر آن مانند کمال خواهد بود مولود از اهل عاجت و [illegible]
و عدم نظر سهم نحس دلالت کند بر سقوط و بعون سهم و رب او در [illegible] و نحس مسلط بر هر دو باشد فرج خواهد بود حال مولود و [illegible]
سعادات او و بعون رب سهم در نهم بیم و لکن نظر کند بصورت او دلالت کند بر [illegible] مولود و [illegible] او و بعون سهم در [illegible] دلالت کند
بر آنکه مولود چنانچه [illegible] و رب سهام هر گاه بعد باشد در برج [illegible] از نظر [illegible] و نظر زحل و مشتری بسهم دلالت کند بر [illegible]
و بعون [illegible] از سهم در [illegible] دلالت کند بر [illegible] از ظلم و غضب و عدم فرج از نحوس و مکان [illegible] مولود را
از عزت و کرامت پس اگر بعد باشد [illegible] برسد مولود از [illegible] از [illegible] و [illegible] و اگر زحل باشد از جانب [illegible]
و حضرت قدیم و میراث [illegible] باشد و اگر نظر کند [illegible] از سهم دلالت دارد بر [illegible] آن و نظر سهم و رب او [illegible] دلالت
بر انقطاع منزلت و کرامت و هر زمان که بعد باشد سهم در تثلیث وسط السماء با عطارد و [illegible] و زهره و قمر در [illegible] از سهم دلالت
کند بر شرف عظیم و نظر زحل و مریخ از نهم بسهم السعادة یا بعون او در [illegible] پس مولود چنانچه [illegible] و حفیظ و مالک [illegible]
و [illegible] و جامع اموال و [illegible] و هر گاه بعد باشد سهم در [illegible] پس مولود واقع شود در بلا و [illegible]
و برسد باو و جامع و خوف و بعون سهم بر برج زحل یا مقابله او [illegible] در [illegible] مولود چنانچه کثیر الفقر [illegible] در بدر [illegible]

مقصد پنجم

مقصد پنجم دلالات سهم السعادة بر بعضی از ادوار بیوت هر گاه بعد باشد سهم در طالع بر آنکه نحس و متصل السعود دلیل است بر حسن
صورت و خلق مولود و تمتع در مال و عمر نفس و بعید طویل العمر و هر گاه بعد باشد در طالع نحس یا تحت الشعاع دلالت کند بر ضعف جسم مولود
و شدت و ترتیب و حال او و اگر بعد باشد رب سهم همچنین باشد این خواهد بود و خواهد افتاد و شدت از جانب سلطان و در دوم صاحب
طالع نظر کند باو یا رب او دلیل است بر سعادت و کثرت خیر و رسیدن مال بدون مشقت و اگر نظر نکند باو و رب او و نظر کند یکی
از نحسین باو یا رب او از نحوست خواهد بود حسن حال و حیثیت از جانب سلطان و اگر نظر نکند هیچکدام از اینها که ذکر شد خواهد بود قوت او
روز بروز در ترقی و اگر نحس باشد خواهد بود بد حیثیت و بد حال و فقیر و محتاج مردم روز بروز و در سیم دلالت کند بر صلاح حال
و [illegible] اگر نظر کند باو رب سیم و مقبول باشد و اگر بعد باشد سهم نحس دلالت دارد بر فساد حال اخوه و هلاکت ایشان
پس اگر اتفاق افتد که بعد باشد رب سیم نحس یا زحل در افتراق شده باشد خواهد بود از جهة مولود اخوه و دلیل است بر بدی حال و فساد
[illegible] دین و در چهارم سلیم از مناحس دلالت کند بر صحت مولود و حسن ترتیب در حق و کثرت از اهل منزلت آباء و
نیکی حال آباء و اگر نحس باشد دلیل است بر بدی حال آباء و شدت [illegible] که با او رسد در ایام عمر و در پنجم دلیل است بر حسن حال
مولود و کثرت فرح و مسرت اگر بعد باشد نحوس و همچنین است حال والد او اگر داشته باشد و در ششم دلالت دارد بر بدی حال مولود
و اگر نظر نکند باو رب طالع یا رب او و همچنین و اگر نظر کند [illegible] نحس خواهد بود [illegible] و اگر نظر کند [illegible] از جهت
و هر گاه بعد باشد [illegible] خواهد بود [illegible] و در هفتم [illegible] باشد و
ناظر بود رب او خواهد بود مولود کثیر [illegible] از جانب زنان [illegible] از طرف زنان کرامات و [illegible] پس اگر
نحس [illegible] خواهد [illegible] و در هشتم صاحب آن معزول
و بر آنکه نحس ناظر بطالع و [illegible] و اگر بعد باشد نحوس خواهد بود دلیل [illegible]
و [illegible] باشد [illegible] سهم و [illegible] دلیل است بر عزت و [illegible]
موت [illegible] و در نهم دلیل است بر کثرت سفر و اگر رب طالع در نهم باشد [illegible] پس اگر سالم باشد
رب سهم از مناحس دلالت کند بر ورع و تقوی در دین و اگر نحس باشد خواهد بود [illegible] و در دهم دلالت کند بر [illegible]
ارباب ملوک و تقرب کردن از جانب ایشان پس اگر سالم باشد رب او از مناحس و ناظر باشد رب طالع و مقبول [illegible]
سلطنت و [illegible] و اگر معزول نباشد خواهد بود [illegible] و اگر نحس باشد خواهد بود [illegible] و در یازدهم رب او

مقبول باشد خواهد بود و کرم و نیکو منزلت و تعیش خواهند کرد و خلق کثیر در سبب دولت او و سعید خواهد بود و اگر نحوس باشد دلالت کند
بر سوانح هرروز یا دقیق منزلت و دوری از **جوانب و هم** سبب او نحوس باشد دلالت دارد بر شقاوت مولود و جور بودن بر قتل و مقتول کردن اعدا
بودن سبب باشد که بهلاکت خود یا از جهه که بمیرد در آن مهلکه و اگر سعود باشد دلیل است بر توسط امور در شقاوت و عداوت پس اگر
سالم باشد سبب طالع از نحوست و بر نظر سبب سهم غیبه و نحوس از سبب ثانی یا سابع یا رابع بهم خواهد گشت مولود خود را پس اگر بهم باشد سبب
طالع نحس سبب سهم و ناظر بیکدیگر خود بهم خواهد بود مولود شجاع و قاتل اعدا و بودن سهم در ثانی عشر و ناظر زحل و مریخ دلالت کند بر دشت
قلب مولود و بر حال و طول عمر مولود **فصل ثانی** در ذکر دلالات بیت ثانی و حلول کواکب در آن و غیره و غیره مشتمل بر شش مقصد
مقصد اول حلول سبب مثلثه اول دور نهار شمس و در لیل قمر در موضع جیدی از طالع دلالت کند بر ظهور و کثرت مال و خواهد بود صاحب
حظ و لطیف و با بهره نزد ملوک و معروف و اگر بهم باشد در موضع نوری و نیز در مکان جید باشد خواهد بود مولود تمیز نفیس و معروف
نزد مردم کبیر و نیکو خواهد بود حسن الحال و اگر بهم نباشند در مواضع نحوسه دلالت دارند بر مال و در رزق و فقر حال اندک و نیکو خواهد دید از مال
و فقر یا و خواهد بود خسیس النفس بخیل و جمع کننده مال لا جهة غیر خود پس اگر بهم باشد سبب مثلثه ثانی در موضع جیدی و در رکت الشعاع بهم
یا در بعضی مناحس و شهادت دهد سبب طالع و سبب ثانی میرسد بمولود خیر و مال لیسار که یاد یادا داو رسد پس اگر بهم باشد فوق الارض
بر طرف مولود مال از قبل سلطان یا بعضی اوقات عالیه خواهد و اگر تحت الارض باشد بر طرف مولود سبب دفین و اگر داخل در احتراق
شده باشد بر طرف مولود بالکلیه و هرگاه بهم باشد بیرون آمدن از احتراق قریب میرسد از مال مولود باره او قسیلی و از اقوام و است
سعادت آنکه بهم باشد سبب مثلثه در وتد یا بین وتد و ایل کمتر از پانزده درجه باشد و اگر زیاد تر از آن باشد خواهد بود سعادت کمتر
از اول پس اگر اتفاق افتد که بهم باشد در وتد بهتر از گوئی خواهد بود مولود سعید در ایام حیات خود اما هرگاه بهم باشند نیز ناظر
بودن او از موضع نیکوئی پس اگر اتفاق افتد که بهم باشد سبب مثلثه سبب سهم السعادة یا سبب سهم المال خواهد بود ظاهر تر آنکه ثابت باشد
از اثار سعادت خاصه اگر نظر کند قمر بطالع و همچنین است نظر مشتری پس اگر بهم باشد سبب مثلثه اول در نصف اول از ربع و حال
آنکه در وتد باشد پس مولود جمیع باشد غیر صاحب ثبات بینی و حال و کتاب و اگر در نصف ثانی باشد خواهد بود مولود در غیر یا کتاب نیز وقت
و اوقات و هر زمانیکه بهم باشد ارباب مثلثات در او تاد و یا حادی عشر یا خامس خواهد بود این از افضل سعادات حضوصا هرگاه در حیز
از حظوظ خود باشد و خاصه هرگاه شمس در وسط السماء باشد یا در خانه خود و همچنین تحت الشعاع یا ارباب او تاد و طالع است بعد از آن عاشر و بعد سابع
و بعد از آن رابع و هرگاه بهم باشد در حادی عشر یا خامس خواهد بود مولود شبیه بعطایا در وقت و هرگاه در ثانی یا ثامن باشد خواهد بود حال او

در وسط او دلالت بر سقوط ادم میکند نتیجه آنکه این بهر خانه سبب قطاننده از طالع و در ثالث و تاسع جایشه خادم و کرم و تابع نیکو منزلت
و صاحب توزیر و ربع و خرج و در سادس و ثانی عشر جایشه فقر به حال ابتلا حبه به حظ پس اگر بهم باشد با این نحوس ثانی پس آن برعکس
و هرگاه بهم باشد در او تاد و حال آنکه نحس باشد یا نحوس پس دلالت میکند بحبس منزلت و بطر در کسب و هرگاه بهم باشد ارباب مثلثات
در مواضع جیدی و نحوست از ادبار یابد پس بهر سبب قطاع فوایای سعادت و هرگاه بهم باشد در اشراف نیز بر حضیض قمر دلالت دارد بر خوف خطر
و ذکر از قبل حق پس اگر بهم باشد بیت المال ثابت خواهد بود اکثر مال مولود با جرام ثابت و اگر برج مشرقین باشد بر طرف مولود مال مولود
بعضی و با فنا بماند بعضی دیگر و اگر برج منقلب باشد بر طرف مولود مال مولود و هرگاه بهم باشد شمس یا مشتری در او ارباب مثلثه نیز از قبل شمس او زین باشد
میرسد بمولود مال سلطنت و رفعت بدنیه که فخر کند نقل کنی و اگر زحل باشد میرسد سلطان در مرتبه شرف و هرگاه مریخ باشد
میرسد سلطنت و دولت و جاه در مولود بدست از خوف و حرب و هرگاه زهره باشد میرسد بدون کلفتی من زن بر تبه سلطنت و اگر عطارد باشد
میرسد از او بمکر و حیله و ضرر و نفاق بین مردم و اگر قمر باشد میرسد با او از جانب بسفار و تحصیلات نفع و آنچه ذکر کردیم همه وقت است در
صورتیکه این کواکب قوی در مواضع جید از طالع باشند پس اگر بهم نباشند این کواکب در برج مذکر میرسد مال از ذکران و اگر در برج مونث
و نامه مونث باشند میرسد مال از اناث و سبب اناث و اگر بهم باشد در برج متحرک پس از جانب حرکت مال حاصل کند و از هرچه
بقدر جوهر آن برج مال بهم رسد پس اگر اکثر کوکب فوق الارض باشند آنچه دلالت میکنند بر عطیه مال در اول عمر و اگر اکثر تحت
الارض باشند دلالت کنند بر آخر عمر و اقوی تحقیق آن است که بهم باشد کواکب و آنچه از کواکب فوق الارض باشند شرقیه باشند و کواکب
تحت الارض غربیه باشند هر زمانیکه بهم باشد دلیل مال شرقیه میرسد مولود در حداثت سن بمال و اگر غربیه باشد در کبر سن و در قوت
بهم باشد اول از ارباب مثلثه بیت المال خیر میرسد مال بمولود در اول عمر و اگر بهم باشد ثانی از ارباب مثلثه میرسد مال در وسط
و اگر ثالث باشد میرسد مال در آخر عمر و افضل دلالات بر سعادت مولود آنست که بهم باشد خیر ناظر بثانی و طالع و هرگاه ناظر باشد
دلالت میکند بر سقوط و هرگاه بهم باشد سهم السعادة مستولی بر بیت المال و زحل باشد خواهد بود در رزق و فقر از طرف فلاحت
و بناء و تجارت در بحر پس اگر نظر کند با و مشتری زیاد میشود مال او و از مواریث سیما هرگاه بهم باشد در وسط السماء و اگر بهم باشد مستولی
مشتری خواهد بود کسب مال از قبل علم و دین و حیا و ثروت در دین و اگر در برج جید بود خواهد رسید با و لا محاله مولود مواریث خوب یا و سیما اگر
متصل باشد با و مشتری از جهت یا از تقارنه و هرگاه مستولی مریخ باشد میرسد مال از طرف ریاست و حبس و هرگاه مستولی شمس باشد بدست
میرسد مال از جانب سلطان و هرگاه زهره مستولی باشد مال از طرف زنان و حظوظ آن بهم رسد و هرگاه قمر مستولی باشد مال از جانب حرکات

در نسل مین بنی و بسفار و بیع آب و میاه و حاصل شود **مقصد ثالث** در ذکر آنچه دلالت کند از جهة اقتران رب ثانی برب طالع دلالت
کند بر رسیدن مال بسهولت بی تعب و ضعف و الحاح در طلب تحصیل مال از آنکه او را ... و خواهد بود مرزوق و بخشش و ثروت
و اتصال رب طالع برب ثانی دلالت دارد بر حرص در طلب مال و آنچه ذکر شد خصوصا اگر نظر کند برب طالع و نحس از عداوت
یا مقارنه یا مقابله در موضع نحس ناظر طالع یا ثانی و هر وقت که چنین باشد دلیل حال او در حال منقلب خواهد بود احوال او و همچنین
و خواهد رسید با و شدت بعد شدت بعد از آن رب ثانی در برج ثابت و هرگاه چنین باشد رب ثانی در وسط ... خواهد بود مرزوق بدون تعب
و اگر مقبول باشد دلالت آن مثل آنچه ذکر شد خواهد بود و اگر زایل باشد چون رسد مال او در روز و وقت رب بیت المال نحس ذاته با از کوکب
و زحل عده دانه و در طلب شمس باشد دلالت کند بر ظلم بیت و حزن و هر زمانی که چنین باشد رب ثانی مقبول خواهد بود عمل و حزن نیکو و بر سد
از او خیر و اگر مدبر باشد خواهد بود دون العمل و حقیر در اهل خود و هر وقت که رب ثانی یا رب سهم المال صاعد در شمال باشد کسب مال از طرف فرزند و اقتدار
بعد و هر وقت که صاعد در رابع باشد کسب مال از جانب روسا و ملوک نماید و هرگاه صاعد در مغرب باشد کسب مال از اکابر و ملوک و فرزندان اقتدار
نمی نماید و همچنین بالا اراده مال رسد بر بیوت خواهد بود و اتصال رب طالع بمشتری و زحل دلالت کند بر فقر و هم مال و هرگاه منحوس باشد
خواهد بود و اگر کمتر از آنچه ذکر شد و همچنین است قول بر صاحب بیت المال با صاحب طالع و هر وقت که منحوس باشد چنین رب طالع و رب ثانی اتصال یابد
اکتساب کند کسی که فضل کند نور یکی با دیگری افاده مال برادرت و روم و بیوت مشتری در سرطان سیم ازین مال حاصل شود در اسفار بسیار بهره رسد
و خواهد بود مشتری در دلیل العمر عامل السعود ثانی بسماء قریب او از مناحس و حسن حال او از طرف شمس و فلک دلالت کند بر سعادت و موجود از طرف
مال و اتصال رب ثانی بمشتری دلیل بر ظفر و کثرت مال است خاصه هرگاه مقبول باشد به دلالت سهم السعادة در بیت و از مناحس بیوت حج
در موضع جید دلالت کند بر فقر و کثرت خیر و بیوت قمر دلالت دارد دلیل نماید در روز و حمل و متصل کوکبی که برج انکسار او دلالت کند بر کثرت
خیر و اگر فضل سعادت و وحدت در حال طالع رب ثانی یا بودن در موضع خوب شمس ناظر بثانی از قوت دلیل سعادت معلومات با سبب مال
و اجتماع مناحس برب ثانی دلیل بر شغف کثرت و فقت مال و تنگی معیشت و حصول ضرر و انصراف رب طالع از رب ثانی دلیل
فقت اجتماع معلومات در طلب مال و معیشت و انصراف رب ثانی از رب طالع دلیل شدت سعادت در طلب مال و غیر سد با و غیر قوت
و همچنین است قول بر رب سهم المال یا رب ثانی و هر وقت که چنین باشد رب ثانی و هر وقت که چنین باشد رب ثانی زحل یا مریخ و متصل شود یکی
با دیگری و غیر قبول منفعت ... و در اوقات کسب و تولد ... رب ثانی دلیل ظفر بر مال است ... و هرگاه چنین باشد رب ثانی
سعد و قابل ... در طالع دلیل ظفر معلومات بر مال از کوکب سعد خود و در عاشر از قبل سلطان و در رابع از جانب پدر و علوم و در ثانی من ارض

وارث

موارث و در سابع از قبل اضداد و خصومات و حروب و از ازواج و همچنین است بر بیت و اتصال رب ثانی برب عاشر و غیر از دو دلیل غنی
دولت در بیت است خصوصا هرگاه رب ثانی در بر برج خط خود باشد و هرگاه رب ثانی برب فقط باشد عکس آنچه ... حصول مال با برج در عاشر و غیر از سهم
دلیل کسب مال است از علم و قرب حصول از رب طالع و ثانی و سهم السعادة و غیر آن در اوتاد و با دلیل دو حال اگر مسعود باشند دلیل ظفر است بمال و اموال
مقصد سیم در ذکر اسباب تحصیل مال و آن بیت المال و سهم او و مشتری و کوکب مستولی بر بیت المال و سهم او و حد و بیت است متشکل اگر چنین باشد
مستولی بر بیت المال و سهم او و حد و بیت است مثل اینکه چنین باشد مشتری بر بیت المال زحل خواهد بود حصول مال از قبل صنایع و از ضیاع و عمارات و بنا
و هرگاه مشتری باشد حصول مال از جانب زرع و تفویض و صنایع و صدق قول و وقت عظام و بس باشد و هرگاه مریخ باشد حصول مال از طرف ابواب و ترک
و حروب و جواسیس و ... و در باشد و هرگاه شمس باشد از قبل آباء و اجداد و ملوک باشد و هرگاه زهره باشد از طرف زنان و از زوج و اولاد و طرب
و اداء و وکب در ساعات و عمارات باشد و هرگاه عطارد باشد حصول مال از طرف کتابت و ... و تدبیر باشد و هرگاه قمر باشد و متصل باشد بکوکب حصول
مال از قبل چهار کوکب باشد و هرگاه متصل نباشد بکوکبی خواهد بود از قبل رسالات و ... و اطراف و بلدان و صنائعات آب و در زمانه
کرده باشد زحل قمر و بعد آن در وضع نیر کوکبی که قوی کند او را از زیاده در گرده مرکوب خیر و ... از مستولی وسط ... که دلالت کند بر سعادت
مولود چنین است و اما اگر از وسط چنین باشد مولود و بعد از آن ... و از اوساط نامسعود باشد مولود مقبول و ... و اما مسعود از اوساط باشد کرم
مولود کبیر خصوصا اتصال مشتری که دلیل مال است بالطبع رب طالع دلیل بر فقر و جمع مال است و هرگاه چنین باشد در رابع و خامس و دو نظر قمر باشد
از قوت خیر رسد او را و هرگاه ... موارث خود و ... کرا اتفاق باشد که چنین باشد زحل رب طالع و متصل شود بمشتری از اتصال که باشد حصول مال از قبل
از ضیاع و میاه و نوحات و کحول و مشایخ و خبیه باشد و هرگاه مریخ باشد از طرف مال با بی شدت حاصل گرده و هرگاه شمس باشد از قبل ارباب
و عظما و قوا باشد و هرگاه زهره باشد از جانب زنان و اشیاء زینت منفعت نماید و با و رسانند و هرگاه عطارد باشد از جانب کتابت و علم
حساب و نجوم و تعلیم او و کسب مال بهره رسانند و هرگاه قمر باشد خواهد بود منفعت از جهة عبد و در اشراف و صغیر بیشتر آن و دلیل بر صحت بدن
و سرور است و هرگاه متصل نباشد رب طالع برب ثانی و نه رب سهم المال برب طالع و رب قط باشد سهو از طالع و از صاحب آن و نحس مستولی قطع
باشد و همچنین سهم السعادة و رب او خواهد بود مولود فقیر و شقاوت و جهد معاش کند و اگر قوی باشد فقیر و ضعیف باشد بر فقر و کم حکم کسب غلبه است و بیوت
نیرین در بیوت سعود بودن نحس دلالت میکند بر ضعف و حسن معیشت پس اگر نظر کند با این دو زحل دلالت کند بر منع بر بیوت و بطلان از عمل
و حزن و اگر نظر کند مریخ دلالت کند بر اسفار و طلب و ضیق تعب و کد و قوت نیرین بودن نظر مشتری دلالت کند بر تفت مال و او دو
و هرگاه زایل از وتد و ناظر نباشد بطالع و نحس در اوتاد و باشد دلالت کند بر فاقه و وقت حیله و بیوت نحس در ثانی دلیل کم و نوع موجود و بیوت

جبر بدعزت یا بدن ما خواهد بود پس اگر بعد باشند نحوس در خانه یا ناظر باشد از عداوت دلیل آنست که در مال او خلل بهم رسد از جهت رسانن
خانه پس اگر خانه زحل باشد ضرر بمعرفت از شیخ از قبیل زمین و امور موتی و دهقنت و اگر خانه مشتری باشد خواهد بود از قبیل القضات و علما
و اگر خانه مریخ باشد از جانب حکام و وزرا کان و قطاع الطریق و لصوص و اگر خانه شمس باشد از قبیل آباء و اجداد و موارث و قتل
دو ریف و اگر خانه زهره باشد از طرف زنان و شهوت معرفت رسد و اگر خانه عطارد باشد از قبیل کتاب و حساب یا معرفت باشد و اگر خانه
قمر باشد از جانب مردم حساب و معرفت بمال یا دار رسد **مقصد چهارم** در ذکر دلالات کواکب سبعه در خانه دوم **زحل** در خانه دوم باشد
صاحب طالع دلالت کند بر زیادتی مال و خیر او کثرت شیع خواهد شد بسبب حیوان و ضرر رسد باو فواید و مقدار از امور که امید رسیده باشد و از
اسباب ابنیه و عمارات و تعمیر مکان خراب و اسباب آباد و اگر در خانه باشد یا از شیخ نیز بوجهی منتفع گردد پس اگر نظر کند با مشتری دلالت
کند بر صلاح حال او و زیاده در مال و ملک و عقار و بیرون از ریع و شرب و اگر نظر کند با مریخ از جهت کسب مال منتفع
و تسبیح کند و اگر نظر عداوت باشد یا مقارن غرامات زیاد باو رسد یا از طرف قطاع الطریق نقصان بیند و اگر نظر کند با شمس از جهت
کسب مال از جانب ملوک و عظما نماید و اگر نظر عداوت باشد یا مقارن غرامات کلی محافظت نماید و اگر نظر کند با زهره میرسد باو
فواید از امور فیه از اسباب … و اگر نظر کند با عطارد متون معاش و حصول در منزلت بیشتر و اگر نظر کند با قمر میرسد باو …
قدر و منزلت بسبب توسط … و در کاه بعد باشد زحل نحوس میرسد بجهت اهل و گروه و زمین … او و خسارات در تجارت
بهم رسد و اغلب اوقات دست مردم از مال او اتفاق خالی بعد عزت کم زیان نماید و بهم … گرفتار و از جهات غرامات کلی کشد
و حیاتیه مردم کثیر الآفات و … خواهد انداخت در طلب مال … اگر با صاحب طالع یا با سهم السعادة باشد اگر با زحل مریخ باشد
بدون نظر سعد دلالت کند بر شقاوت و … باشد که … و مردی عیار … **مشتری** در خانه دوم دلالت کند بر کثرت مال از جمیع
از وجوه نیکو سیما اگر بعد باشد سعود در زیادتی جاه و منزلت و خدم و حشم او و حیات کثیر از قبیل … و اگر نحوس باشد دلیل بر تبذیر
مال است و وضع آنها در غیر موقع و مکان … پس اگر بعد باشد با او مریخ یا ناظر باشد از عداوت بر طرف شیء از مال
او بسبیل سرقت یا مکابره رود و اگر سعود باشد یا نظر کند با شمس از جهت … اموال بسبب ملوک و اهل ریاست نماید و اگر با اجتماع نظر
یا از عداوت باشد غرامات کلی از قبیل سلطان بکشد و اگر نظر کند با زهره دلالت کند بر کثرت مال و سرور بسبب زن نفیسه که مالک گردد
ثیاب فاخره و صنایع حسنه تحصیل نماید و اگر نظر کند با عطارد مسعود باشد دلیل بر فواید کلی … از طرف مکاتبات و
محاسبات و تجارات و اگر نظر کند با قمر مسعود باشد دلالت کند بر زیادت در مال از اسباب … که اقتضا کند … باشد او کسب مال

در اسفار فیه

در اسفار فیه مال کلی عاید کرده و **مریخ** در خانه دوم دلالت کند بر کثرت … و حیله در امور بسبب دزدی و دشمن کردن … و کثرت …
در غیر محل خواهد از قبیل … باشد که بر طرف کرده و … او بسرقت یا … پس اگر نظر کند با شمس از عداوت یا با او باشد دلیل
غرامات و ضرورت که از جانب سلطان باو رسد و ممکن است بجهت خرج … باو رسد و اگر نظر کند با زهره کسب مال بسبب زنها کرده و صرف کرده
از قبیل زن و اولاد و برادر و صرف کرده … و اگر نحوس باشد که خواهد بود … و اگر نظر کند با عطارد نحوس باشد
دلالت کند بر کسب مال بحیله و مکر و اگر … باشد قمر با بعد باشد در طالع دلالت کند بر غم و … از مکان خالی …
و عیوب دنیا … و زنان گرفتار گردد و اگر بعد باشد با او ذنب علامت … و مال او … مثل ارث
از اول … پس اگر بعد باشد بسبب … یا مریخ یا زحل یا بعد باشد زحل برسد معرفت از قبیل شیخ … و میراث و
اگر باشد با او مشتری یا سعد او باشد حاصل شود معرفت از طرف روسا و اشراف و اگر بعد باشد مریخ … باشد معرفت از جانب امرا
و عسکر و … سلاح بهم رسد و اگر بعد باشد با او شمس … باشد معرفت در طلب مال از قبیل امانت و دین و ضمانات بهم رسد و در کاه مریخ با سهم …
یا بسهم السعادة باشد دلالت کند بر … و عزت بسیار که … و حرمت او … در چشم او …
در موالید … و اگر بعد باشد طالع از خانه … که علاج … باشد **شمس** در خانه دوم دلالت کند بر اکثر … اتفاق مال
از … خواهد بود صاحب المعیشه … در اتفاق و اسباب … از مکان خالی یا ضرر رسد باو از بعض بهائم و …
… اگر نظر کند با مریخ پس اگر بعد باشد با او زهره میرسد … از قوم … بسبب زنان از اهل اقارب و اگر بعد باشد
با او عطارد میرسد باو … از جانب ضیافات و ضمانات و اگر نظر کند با قمر از عداوت یا مقارن میرسد بجهت
خوف و ضرر از طرف سلطان و سبب باشد که مرض … او بهم رسد … و اگر نظر کند از … خواهد بود صاحب کمال
… پس اگر بعد باشد … زحل یا مریخ … باشد شمس از عداوت پس … که قدرت
بر وقت … دلیل … با سهم السعادة و … باشد در خانه دوم زحل
نحوس ناظر باو باشد **زهره** در خانه دوم باشد دلیل است بر … و …
و … صاحب المعیشه … دلالت کند بر کثرت مال پس اگر بعد باشد با سهم السعادة یا … طالع دلالت کند که …
… باشد … دلالت کند بر … و …
… و … مال … و …

با مشتری دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود لبیب و عاقل نیکو صورت و خوش کلام و طیب النفس پس اگر ناظر باشد طالع میزان را چون زاهد خواهد
مولود کثیر الاسفار و لکن جمع مال نخواهد کرد و اگر ناظر باشد ثور و سنبله خواهد بود کثیر المال و نیکو معیشت و اگر نظر کند زهره و مشتری و سعود باشد
دلالت کند بر رسیدن مال بسیار بسبب میراث و بسبب زنان بود مولود تحصیل مال کم امید بیع داشته باشد و کثرت ... و از قوه سیما اگر ناظر باشد
قمر زائد النور و هر گاه آفتاب بد حال باشد میرسد مال از جهة ... و حیله و نامی در رسیدن نکرده باشد و در اسفار و در حق غرامات کلی و اگر نظر
کند نحوس نیز ضعیف و اگر متصل نباشد و اگر دلالت کند بر کثرت خیال عطارد در خانه باشد در منفعت دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود فیلسوف ...
عقلی و عالم بصناعت کتابت و وضع احادیث و ... کتب و کلام و معالجه کردن ... و اگر عالم نباشد پس اگر مشتری باشد دلیل
بر آنکه خواهد بود مولود عالم کثیر از صناعات دقیق الفکر مستعد اعمال ... که منتفع گردند بجهة او علما و از این مال مردم باشد
پس اگر نظر کند ... مشتری یا قمر دلالت کند بر تجارات و صناعات و کسب اموال و مال جمیل و نیکو ... دلالت کند در ...
مرضیه جمیل باشد و دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود خبیث السیرة صاحب بهتان و دزد و ... باشد که قلیل المال باشد و هر گاه نحس باشد
کثرت الشرع و دلیل است بر ضعف قلب و جهل و بلید که نفهمد چیزی را و هر گاه منحوس باشد کسب مال او از شر و حیله و دروغ
و مکر و حیل منحوس باشد و اگر نکبت کند خسران بیند در هر طرف و تحصیل مال او از سرقت و حیله و متهم بسبب زنان و عیب ... فرزند
با ... رسیده و اگر نظر کند قمر و هر دو منحوس باشند دلالت کند بر انقطاع او بسبب هلاک ... در ... مردم و کثرت فواید
و دلیل علم و حکیم بودن او و معاملات نیکو کردن و مال او قمر در خانه باشد ... زاید النور دلالت کند بر کثرت مال و اعوان
و عزت و جاه و ریاست و قوه نفس و رسیدن فواید از قبل تجارت و ... و این بر حال اشخاص بسیار و معادن ... و صاحب ملک
و ... محتاج باشد خواهد بود اکثر و منتفع خواهد شد با نواع صنایع و منافع و کثرت کسب مال و اتفاق پس اگر
متصل باشد بزحل از نحوست دلالت کند بر ... شدن ملک و دین و مسلط ... و همچنین است قول بر بقیه کواکب و هر گاه منحوس باشد
پس ... باشد سقیم و مریض و افتادن از موضع بلند و حبس گرفتار شدن ... پس اگر نظر کند با مشتری یا زهره
دلالت کند بر خلاص او از بلا و بیرون آمدن از فقر و ... و دلیل است بر حزن از جهة ... و ضایع شدن اعمال
و امور او پس اگر زحل در طالع باشد باعث نزول آب در چشم مولود گردد ... رأس در خانه باشد دلالت کند بر تمام خلقت
مولود بدون عیب و نقص و حفظ مال و کسب از علما و خدمت ایشان و این ... بسیار و ... و جاه و عزت و کرامت کلی
و اتباع جماعت بسیار بوده و منتفع شدن با نواع صنایع و مکاسب و کثرت نفقه و حسن معیشت ذنب در خانه باشد دلالت کند بر قلت

مال و کرامت

مال و کرامت پس اگر ناظر باشد با او مشتری نیکو حال بود افاده مال و نفقه کند و هر گاه ناظر باشد با او قمر یا عطارد میرسد بلا
مولود شدت و نقصان مال و هر گاه ناظر باشد مریخ میرسد با او خوف قتل و شدت و ... و خسارت و سقوط از جای
بلند و بسیار از اول و آخر ... خواهد رسید و محتاج مردم گردیده ... از جهة ... مادر او مریض ... باشد
و بد باشد که وارث ... گردد مقصد پنجم در ذکر دلالت ... در بیوت بودن او در طالع چون باشد
مولود مرزوق بدون طلب و اگر معتدل باشد خواهد بود او نفع بیشتر از این سیما اگر قابل او در وتد باشد و میرسد مال و جمیع آن
از جهة موروث ... نفس و عمل ... و چون باشد در ... و در دوم چون باشد معیشت او خوب ... باشد که ...
طرف موارث پس اگر نظر کند ... طالع میرسد مال و حشم بسیار و اگر نظر کند ... خواهد بود از برادر او و برادران شفقت
و رسیدن ... و در سیم دلالت کند بر ... حال برادران و ... کثرت اعوان ایشان و میرسد مال از جهة
مسافرت و از اسفار بسبب اخوه و اقربا و از علم نجوم و علوم خفیه و در چهارم دلالت کند بر حسن حال آبا و ... ایشان و حصول مال
از قبل آنها و از مزارع و وجوه غیر موروثه و وارث بدون ولد او و در پنجم چون باشد از اولاد او ... بسبب سلطان و میرسد منفعت
... و میرسد مال در آخر عمر ... و منفعت ... و در ششم میرسد با او آفت از مال و عبید ... هر گاه ... باشد
و در هفتم دلیل است بر جمع اموال از غیر طریق حلال بلکه از قبل ازدواج و شرکا و نفع بردن از اسباب زنان و خصومات و رسیدن
... در آخر عمر بود و در غربت و در هشتم چون باشد ... و در رسیدن مال او ... میراث و از جهة
... کم مال بسیار ... و در نهم دلیل است بر موافقت طالع از طرف مال بسیار خواهد بود از اهل ... و سفر کننده در
غربت و از جانب دین و ... و نجوم و ... مال تحصیل نماید و در دهم چون باشد از جمله ... ارباب ملوک و از جانب
ایشان مال بسیار ... ظلم و جبر ... مشهور در نزد ... و جامع اموال بود از ابواب حیل و ... مال بسیار
و در یازدهم چون باشد جامع اموال ... از قبل اصدقاء و دوستان و ... و علما و خدمت ملوک ...
سعادت و کثرت و در دوازدهم ... خواهد بود ... العمر و ضعیف المعیشة ...
... و در اسفار ... و اصل ... باشد ... و هر گاه
بد حال باشد خواهد بود ... مقصد ششم در ذکر دلالت سهم ... سهم ... دلالت کند
بر حسن سیرت مولود ... رزق ... النفس پس اگر طالع کند ... دلیل است بر ... مولود

و انقباض و فات شود و جاج مال از وجوه ظاهره بود و هرگاه طلوع کند بدان مال از وجوه خفیه بدون تعب و مشقت حاصل
نماید و هیچ سهم و مشتری را دلالت کند بر غنی مولود و انقباض شود و چنانچه حب مال و مجامعه و سهم در بیت طالع یا ناظر طالع
از موضع قوی دلیل است بر افاده مال از قبیل جوهر آن بیت و چون سهم با رب سابع و ناظر طالع از موضع جید دلیل است
بر حصول میراث از قبیل آباء و همچنین است قول هرگاه سعد باشد با یکی از ارباب بیوت و حلول سهم را داده دلالت کند بر نیکی
حال مولود در طبقه که موجب از انتفاع گردد و حیثیت از وجوه معروفه کم نرسد پس اگر سالم باشد سهم و رب او از مناحس زیاده و نیکو در
خیر و مال پس اگر سعد باشد در طالع برسد از طرف پدر مال و در رابع مال از قبیل آباء بدو رسد و از سعد ... و در سابع
از طرف زنان و شرکاء و خصومات مال تحصیل نماید و در وسط السماء از جانب سلطان و صناعات و تجارات مال حاصل نماید و
هرگاه منحوس باشد دلالت کند بر تلف مال و در تلف او خواهد بود امر چند آنچه ذکر شد و در عاشر و خامس و تاسع و ثالث
چنانچه امور آنچه ذکر شد مگر آنکه سعد باشد رب او در دو ناظر ... باشد و هرگاه سعد باشد در عاشر از عشر میرسد
به سلطنت و دولت از قبیل اصدقا و در خامس از قبیل اولاد و در ... از جانب اسفار و دین و در ثالث از طرف اخوه
و حرکات کمتر از تاسع و در ثامن نخواهد بود کسب مال از قبیل موضع رب بیت المال و در سادس از جانب ادویه و طب پس اگر
نظر کند با رب ثانی خواهد بود حیثیت او از قبیل غلمان و حجاب و در ثامن در حالتی که شهادت قوی داشته باشد دلالت کند بر حصول
مال و فوائد از ترکات و اسباب موتی و اگر نظر کند با رب ثانی خواهد بود حیثیت مولود از خصومات و جمع مواضع خوف
و در ثانی عشر از قبیل اعداء و دواب پس اگر نظر کند سعود به سهم یا رب او یا با هم باشند زیادتی شود مال و در نظر نحوس نقصان و طلب مال
شود چنانچه بسیار رسد چند ... سهم المال به سهم السعاده در وسط السماء یا با یکی او یا در طالع یا در خامس یا در رابع یا بعدی مشرقه دلالت
کند بر کثرت مال سیما اگر سعد باشد رب ثانی ناسعد در موضع جیدی ... ناظر شمس و در دلیل ... اگر سعد باشد رب سهم سعد قوی در
بعض حظوظ ... شهادت ... سهم را سعدی دلیل است بر ثروت در مال و عکس چون سهم و رب او در ... با نحس ... و
ناظر نباشد با سعدی دلیل است بر شقاوت و با نحس و یا اگر سعد باشد بر عکس ... دلیل بر تلف شدن ... مال موقوفات
و اگر منقلب باشد دلیل تلف تمام مال است و چون سهم بعدی ... دلیل بقای مال و ثبات موقوفات و کثرت
با سهم و رب ثانی و چون ... دلیل است بر ... حال پس اگر سعد باشد برج سهم از مثلثه ناریه خواهد بود مال
او از ... و ... آن از قبیل ... و اگر سعد باشد از مثلثه ترابیه خواهد بود از ... و نبات اگر سعد باشد از مثلثه

هوائیه

هوائیه خواهد بود از کلام و علم و اگر سعد باشد از مثلثه مائیه خواهد بود از میاه و تجارات اسفار و اگر سعد باشد سهم با نحسی
یا ناظر با او از عداوت خواهد بود سبب تلف و مال از جوهر مثلثه بر حسب تقویم سعود و نحوس هر کدام اقوی باشد پس دلالت او
قوی باشد **فصل ثالث** در ذکر مدلولات بیت ثالث و حلول کواکب در آن و انتقال بعضی بر بعضی و آن مشتمل بر پنج
مقصد است **مقصد اول** حصول ... در ... سلیم از مناحس و متصل به سعدی ... باشد در بعضی از حظوظ ...
پس مولود چنانچه از جمله اصدقا و عظما و اشراف و ... از اصدقا و اخوان خیر کثیر به مولود رسد و فرح و سرور که مجتمع شود
در مرکز و چنانچه صالح الاهل و دین و حرکات و نقل خیر پس اگر سعد باشد سرطان یا اسد یا قوس یا حوت و سعدین در آن باشند
یا ناظر باشند سیما مشتری دلالت کند بر آنکه مولود چنانچه سعید و صدیق عظما و ملوک خصوصاً هرگاه مولود نهاری باشد و رب باشد
که سعد باشد اصدقا در آن سبب توصل خدمت ملوک و مصادقت ایشان دلیل است بر صلاح اهل و اقارب و دین و
حرکات و هر زمانی که سعد باشد در بیت سیم سعدی غیر منحوس و در نظر یکی از نیرین سعد دلالت کند جنس مولود در دین و حرکات
و کثرت اخوه مولود و چون در بیت سیم در تشریق و در موضع جید دلیل است بر صلاح حال اخوه و نیکی حال ایشان ... و عطارد
بیت سیم از ... دلیل است بر بودن مولود حکیم و عالم و متتبع ... و ... نظر مشتری و زهره به بیت سیم ... دلیل است
بر حصول مال و ... مولود اما هرگاه سعد باشد مشتری از قبیل دین و نظر در احوال ... او و مال تحصیل نماید و هرگاه سعد باشد
زهره پس از جانب زنی جلیل القدر معظم مال بهم رساند و چنانچه ... خصوصاً سیما هرگاه سعد باشد مشرق
و دلالت دلیل باشد و اگر نظر کند با مریخ از موت خواهد بود مولود ... از جلال ... که ... شمس با مریخ در بیت سیم
از عداوت دلالت کند بر ... برادران ... سیم حمل یا عقرب یا ثور یا میزان و مریخ و زهره نظر کنند یا ... دلالت ...
مولود ... خواهد کرد ... اصدقا و دوستان و اخوان ... از اهل ... هرگاه سعد باشد هر یکی از نیرین ... از
حظوظ ... هرگاه سعد باشند چون ... از ... مولود ... از اصدقا و هرگاه نحوس در آن
یا ناظر باشند میرسد مولود را از طرف اصدقا مضرت ... باشند که ... در گاه ... بسعد ... کثرت اسفار
و غربت **مقصد ثانی** در دلالت اخوه و اخوات سیم و صاحب سهم الاخوه ... دلیل اخوه ... و مشتری ... او اسط ... و
عطارد ... دلیل اخوات ... و زهره ... هر زمانی که سعد باشند این ادله در بروج ذکور دلالت میکنند بر اخوه
ذکور و هرگاه سعد باشند در اناث دلالت کنند بر اخوات و هر وقتی که سعد باشند مشتری و زهره ... و در بروج مذکره دلالت

کنند بر ذکران اخوه و اگر نیّر باشد در بروج مؤنث دلالت بر تأنیث ایشان نماید و هرگاه در بروج کثیر الاولاد باشند دلالت کنند
بر کثرت ایشان (اخوه) سیما اگر نیّر باشد و رب مثلثه مریخ در وتد حصول ارباب مثلثه ثالث در اماکن جیده و صلاح آنها و در رصد سعود
و ناظر بآن دلالت کند بر طول عمر و صلاح و فقر و وسعت در معیشت و تودد میان اخوه و محبت و بودن سهم الاخوه با سعد یا ناظر با
او در صدد او سلیم از مناحس دلالت کند بر حسن حال اخوات و سعادت آنها و همچنین است قول بطلمیوس که کواکب و ارباب
مثلثه سهم الاخوه اتصال قمر بمشتری و شمس از بوت یا بودن مشتری در سهم الاخوه دلالت کند بر صلاح حال اخوه اکابر و اوساط
و همچنین رب سهم با رب سهم التعالم بسهم الاخوه دلالت کند بر آنکه مولود منتفع بسبب اخوه خواهد شد سیما اگر متصل باشد برب طالع
بسهم و بودن مشتری و شمس در وتد دلالت کند بر بودن مولود که اهل ریاست اقارب و مقارنه قمر در سهم التعالم یا بنظر او از موت
و سعد باشد سلیم از مناحس دلالت کند بر علو مرتبه برادران خود و مقتدر بودن ایشان و تفوق مولود بر آنها در فضیلت علوم و کمال
و مشارکت رب طالع و رب سهم را دلیل است بر مواصلت میان مولود و اخوه و محتاج بودن آنها بمولود و صلاح حال او از اخوه و دلیل
بر شرف و رفعت مولود است و شرف دادن دلیل شرف و حال ایشان است اتصال رب سهم با کوکبی که در شرف خود باشد دلالت کند بر آنکه
اخوه مولود باشند صاحب منزلت و دولت و صلاح حال مریخ و ارباب مثلثه او و بودن آنها در مواقع صالحه از طالع و شمس دلالت
کند بر صلاح حال اخوه و کثرت ایشان و فساد مریخ دلیل عکس ما ذکرناه و بودن رب ثالث در بروج ذو جسدین یا کثیر الاولاد
دلیل است بر کثرت اخوه و تفرق و اضطراب آنها حصول رب سهم در ثالث یا عاشر یا حادی عشر [illegible] دلیل غیبت اخوه است در اسفار
و بودن رب سهم تحت الشعاع دلیل بر قلت اخوه است و [illegible] و قرب است که نزدیک باحتراق باشد و همچنین هرگاه نیّر باشد
نحوس از کوکبی که قبول نکند او را بنظر عداوت و اگر مستقبل باشد خواهد بود قلیل الاخوه و صغیر در اخوه باشد و در وقتی که
نیّر باشد نحس سلیم خواهد بود در اخوه و تواصل و از مقارنه و تربیع دلیل الفت است و مقابله دلیل بغض و عداوت است
سعادت [illegible] دلیل الفت و محبت است و بودن منحوس در طالع و قمر با مریخ دلیل بغض و عداوت است و بودن مریخ و شمس
در اوتاد دلیل فساد حال اخوه است پس هرگاه نیّر باشد نحس در طالع [illegible] خیر در اخوه و هرگاه که نحس در طالع [illegible]
نیّر باشد دلیل است بر عداوت اخوه و موت ایشان یا اخوه نداشته باشد مقارنه زحل سهم الاخوه را یا تربیع یا مقابله دلیل است
بر موت اخوه اکابر و اوساط از آن و قرب است که ناظر باشد مریخ بآن و نظر نحوس سهم الاخوه را یا قمر و مریخ را از عداوت دلیل
اخوه است سیما اگر نیّر باشد [illegible] مریخ و وقوع سهم با طالع [illegible] دلیل عدم اخوه و وقوع سهم در رب او و در بروج دیگر خواهد بود

جهة مرتع

جهة مرتع اخوه از طرف پدر و اگر واقع شود در برج انثی خواهد بود اخوه از طرف مادر و هرزمانی که نیّر باشد سهم در برج منقلب
و صاحب او در برج ذو جسدین باشد خواهد بود اخوه از پدر غیر پدر خود یا مادر غیر مادر خود و هر وقتی که نیّر باشد او
اخوه در رجعت و وبال و احتراق و هبوط و در زوال از اوتاد یا منحوس بنحوس دلالت کند بر سوء حال اخوه و فقر ایشان و تنگی معیشت
و هلاک و موت آنها مگر نادره و ضعف از آنها **مقصد ثالث** در دلالات کواکب بحسب حلول آنها در بیت ثالث **زحل** در بیت ثالث
اگر نیّر باشد دلالت کند بر آنکه مولود باشد صاحب اسرار از علوم و رئیس علماء و حکیم فیلسوف و تجربه در امور عجیبه و مبتدع [illegible] و عفیف و کم
حسن القول و دانا دلیل و قوی [illegible] و تغیر کننده [illegible] سیما اگر نیّر باشد [illegible] از اوسان خانه و حاصل شود از جهت اخوه
یا اهل و اقارب خود هرگاه [illegible] باشد و خواهد بود کثیر الفکر و عمیق القدر [illegible] بعیده و در مواقید سیلی خواهد بود مولود صاحب ملکت
و تغیر رویا و اسفار بعیده و دلالت بر مرض پدر مولود و اولیس اگر نظر کند با او مشتری از موت میرسد باو فوائد بسیار
از توسط علم و دین و خواهد بود کثیر الماله سخی در اعمال و رسته [illegible] و خواهد شد ملوک و عظما و بسبب منزلت آنها صاحب
ریاست گردد و اگر نیّر باشد بایام علوین دلالت کند بر سعادت عظیم [illegible] و اگر نظر از عداوت کنند خواهد بود فایده غیر
آنچه ذکر شد و اگر نظر کند او را مریخ از عداوت یا مقارنه دلالت کند بر قبیح افعالی که ظاهر گردد از جانب او و مکروه
اسرار او نزد مردم و بسبب اهل و اقارب مکاره بسیاری از قبل سلطان باو رسد و اگر نظر از موت کند خواهد بود طلب او
قوی در اشیاء و عظیم منزلت نزد ملوک و ارباب مروات [illegible] و منفعت از طرف آنها و اگر نظر کند با او شمس از موت و در بعض
حظوظ خود باشد متمتع خواهد بود با ملوک و صاحب قرب و منزلت نزد آنها بجهت کثرت سرور بسبب علم و دین و [illegible] اسفار با خیر
و صلاح منجمه احوال اقارب و اهل و عزت باشد و اگر نظر کند با او از عداوت یا مقارنه دلیل است بر مثل آنچه ذکر کردیم در نظر مریخ
از عداوت و اگر نظر کند با او زهره و میمنه در [illegible] مقبول باشد صالح الحال دلالت کند بر سرور بسبب اخوان و اصدقا و منتفع شدن بسبب
ایشان و اگر نظر کند با او عطارد صالح الحال باشد خواهد بود مولود [illegible] از امور و تو خط بین مردم [illegible] احوال و مالک باشد حیوانی
نفیس و صدق رویا و اطلاع بر اسرار مخزونه و اگر نظر کند با او قمر دلیل است بر اسفار و نقل و حرکت از مکانی بمکانی دیگر و اگر
نیّر باشد زحل نحوس میرسد مولود را شیئی بکراهتی و اوراق از موت و طوبه و اگر [illegible] و در سر عارض شود مثل زکات
و زکام و غیره **مشتری** در ثالث در مواقید نهاری و در بروج مذکر دلالت کند بر آنکه مولود خیر [illegible] امور عجیبه [illegible]
[illegible] یا در مرتبه [illegible] صاحب عطا و تقسیم باشد و دلالت کند بر سفر در وجوه بیرونی نیکی مثل حج [illegible] و دفع و [illegible]

اشیائی که موجب شکر و ثنا شود و در سایر آفاق گردد و بیرون رفتن مال از بیت مولود در امور معروفه و ابواب بر و خیر و خواهد بود
محسن نزد مردم و هرگاه که بهرام بود مولود ببطی خواهد بود از کسی نیکو یا مانع نفس خود بیم بیماریها که در آن موجود باشد و کرب برقوانی
در قول از اول طالع مولود و منکر باشد و دلیل است بر آنکه خواهد بود در معاش خود حکیم قوی و صاحب تصرف از دنیا پس اگر نظر کند با مریخ
از عداوت کبیر السقوط بهرام از شدت عظیم زنگ شقت خواهد دید و سبب باشد که بر طرف شود از مال او بعد آن که اوست بعدی با رسیده
پس اگر بهرام باشد مشتری در ربع بهم خواهد بود مجوس ملاقات از دو سبب و سباع کیسه طبیعت ربع و اگر نظر کند با شمس از قوت عجب
و کسب بهرام منقطع بسبب آنچه گرده و سبب باشد که اکثر بسبب مال از سبب دیانت نعم و اگر نظر کند با و از عداوت یا مقارنه مرده
بود از قبل ملاء و کسب آفات بسیار رسیده بعد از انقطاع از ایشان و اگر نظر کند با و زهره و مسعود باشد احسان گردد امرات سبب
اهل و اقارب و اگر نظر کند با و عطارد و در تسلط بین و کسب و نقل اخبار را از اول طالع مرد دیده هرگاه بهرام باشد نحوس میرسد گرده
بسیار رسیده و اگر نظر کند با و قمر و نحوس باشد نحس شود با شغل قلبی سبب اقارب او و سبب باشد که منقطع شود بعضی از ایشان و بهم سبب
اشیائی قسمت گردد پس اگر نظر با و هر دو نیز در نظام او یا مقارنه گشته دلالت کند بر کثرت اخوه مولود و خیر ایشان و منقطع شدن ایشان
مریخ در ثالث دلیل است بر آنکه مولود خواهد بود بد نفس خود دست درازی در باره اهل خود و اخوان و منازعه میان ایشان و کذب و
دروغ در میان یکدیگر و خواهد بود صاحب محنت و شقت و تعب اخوان و عزیزان که غایب باشد و مولود سبب باشد که افترای در حق او
نقد شود بسیار هرگاه بهرام باشد در برج منقلب دلالت کند بر رسیدن آفات از احد قادر و افتادن در غربت و معزول شدن بسبب فرار و
معاش او از ایشان که نفوس پس اگر بهرام باشد دلالت بیل در بعضی حفظ خود باشد خواهد بود جنید با فائده بخش و شکر و جنگ بار دیگر دیدن
و دیدن سبب ستور یا بر اهل غربه و بهرام کثیر النقل و شوکه باشد که هلاک او بدست و کسب بهرام دلالت بر قلت اخوه یا موت اخوه قبل از
مولود بهرام وارد پس اگر بهرام باشد با او رحل خواهد بود او که در دلالت و نظر هم بنات از عداوت دلالت کند بر معرفت از طرف
احد قادر پس اگر نظر کند با و شمس از قوت بزرگ خواهد بود محل بعضی اهل و اقارب او و خواهد رسید بد بسیار اعمال که ضایع گردد
و اگر نظر کند با و زهره و مسعود باشد احوال مسعود با و خواهد رسید فرح و سرور و زیادتی و کلمات که منتقل شود از موضعی بموضعی که بهتر
از اول بهرام و مایل بتغییر عمارات حسن باشد و اگر نظر داشته باشد با و عطارد دلالت کند بر حصول خواب سبب علوم و صنایع لطیفه
دقیقه و کرای در تردد بسیار باشد و اگر نظر کند با و قمر دلیل است بر کثرت اسفار حتی اگر مقیم در بلدی کمتر شود مگر مدت قلیل
و خواهد بود احوال او متلون از جهت کثرت حذر و خوف و خواهد رسید با و اشیائی ردیه و معاش عاقبت شمس در ثالث

دلالت کند

دلالت کند بر آنکه مولود باشد صاحب تقوی و خائف از خدای تعالی جل شأنه و نیکو طریقت در باب عبادت و خواهد
رسید با شغل عمر که از جمله خواص خدا باشد صاحب کشف و کرامت گردد و دلیل است بر کثرت اخوه و حسن حال ایشان و احتیاج ایشان
بمولود و سبب باشد که رسد ببعضی از اخوه بدی از جانب مولود و خواهد بود متوسط الحرکات پس اگر بهرام باشد با او زهره میرسد
مکروه با او از سبب زنان و نقل خواهد شد از او اشیای قبیحه پس اگر بهرام باشد با او عطارد بیرون خواهد رفت از دست او مال
بر سبیل جود و نعمه و اشیای عجیب نیکو عاید او گردد و اگر نظر کند با و قمر دلالت کند بر نقل و حرکت و سبب باشد که نکبت بعضی اهل
و اقارب او بر دست وی مولود بهرام کثیر الاوهام و الغم و خائف و چنین باشد زهره در ثالث دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود عالم
بعلم حساب و نجوم و هندسه و او از خوش طلعت و علوم روحانیه و تعبیر احلام و تصنیف کتب بسیار پس اگر نظر کند با و زحل
پس اگر بهرام باشد در بعضی حظوظ خود خواهد بود غنی و تقی از جمله ائمه دین و صاحب اعجب و فتاوی او از این اسباب و از مراتب
ائمه و نبی خواهد بود پس اگر بهرام باشد با و مشتری یا ناظر با و خواهد بود مولود کثیر الاولاد و صاحب نکاح و استان کننده اعمال و مرتبه
خیر از قبل زنان با و و جماعته از اشخاص که بنیاد و بعضی و هر کس برده دلالت بر زیادتی عظیم و جاه و قدر و منزلت و داشته
صاحب نشاط و فرح بسبب باشد که نزدیک بعضی اهل و اقارب خود نعمه فایده و عظیم عاید او گردد و جماعته کثیر الله تعالی
پس اگر اتفاق باشد با و سهم السعادة یا بهرام باشد در بعضی حظوظ خود دلالت کند بر کثرت مال و زیادتی از جانب زنی جلیل القدر
پس اگر نظر کند با و عطارد یا مقارنه و مسعود باشد دلیل است بر زیادتی در حق اخوان و احد قادر و کثرت حفظ اناس
صاحب جود و کرم و سبب باشد که صاحب علوم و صنایع دقیقه و لحن خوش بود و اگر نظر کند با و قمر دلالت کند بر نقل و حرکت و معاش
عیبه و جواری شدن عطارد در ثالث و شرق باشد خواهد بود مولود عراف و منجم و ممدوح در نجوم و معاش از آن کند از انده و اگر
بهرام باشد در غربت خواهد بود از اکثر دین و علم طب صاحب علامات و نجم در امور بسیار اگر بهرام باشد در ربع مذکر پس اگر نظر کند
با مریخ از عداوت یا مقارنه خواهد بود مولود فقر و حسرت همه سعادت و منقطع شدن از شرکا و پس اگر نظر کند با و قمر
و هر دو نحوس باشند دلالت کند بر سقوط جهت مولود و هلاک نباتات که با و خوانند و سبب باشد که ساقط شود از مکان عالی
یا برسد با و هول و ترس از آب و هرگاه بهرام باشد هر دو مسعود دلالت کند بر رفاهیت و حسن حال و انتظام امور در مال و فرزندان
و معاش قمر در ثالث و مسعود دلالت کند بر کثرت فرح و سرور و در دوام اخبار و رسیدن با و اشیای نفیسه خوب بار بر سبیل تحف
و هدایا و دوستی اخوان بیع و شری و منقطع شدن از سبب تجارات بیع و شری و جماعته در غربت و سعید فی پس اگر بهرام باشد

رب طالع یا رب سهم السعادة در حقی از حظوظ خود باید درجه و دلیل است برآنکه مولود جایشه عظیم الامر کثیر الخیر جامع اموال بود محمود
العواقب باشد و اگر زحل باشد با آن زحل خواهد بود منطق بکلام اهمه و صاحب فکرت و اگر مریخ باشد با آن مشتری خواهد بود
مولود در سیادت فضل بسیار یابد و من حیث المال کثیر المال و اقطاع بر شیئی که قبل الکون و انشاء باشد و اگر قمر باشد با او مریخ خواهد بود محروم
در اعمال خود و سفر قیس اگر اتفاق افتد که قمر باشد در خانه یکی از این دو سیاره در سوابید سیل و دلیل است بر غایت بیون مولود حیش و عسکرا
مستور باشد بر اموال خود و بطالتی تهور و غضب کاملت که مستور باشد و اگر قمر باشد با او شمس خواهد بود مولود از ائمه دین و قضاة
بزرگ که مجمع تقوی و ورع او از وطن خود بغربت افتد و اگر قمر باشد با او زهره یا رب حیث قمر بسهم السعادة خواهد بود مولود غنی مکرم در ایام او
از قبل زنان و رب باشد که قمر باشد امیر یا رئیس و بعضی موانع و عارف بعلم طب باشد و اگر قمر باشد با او عطارد سیاره در قمر او یا قمر باشد
با او رب طالع یا رب سهم السعادة خواهد بود از جمله کسانی که خبر دهند از غیب قبل از وقوع باشد و عارف باسرار و مواقع نیکو علم و نجوم باشد
و در غربت خوش کند انند و اگر در سوابید نهاری پس نیست چیزی در او و دلیل بر غربت افتادن چیزی خواهد بود و برطرف کوه افتد
بلاد و ولایات در اعداد سیارگان که مجموع باشد و دلیل بر ضد آنچه ذکر کردیم خواهد بود رب **رابع** در ثالث دلالت کند برآنکه مولود
خواهد بود رئیس اخوة و دلیل است خود و برسد حظ وافی از جانب اطراف باو و اموال او در اوقات بهتر از اوایل باشد پس اگر
با او مشتری باشد یا زهره یا قمر باشد با نظر باو داشته باشند خواهد بود مولود صاحب اخوة نیکو رسیده و برسد از طرف ایشان و اهتمام و خیر بزرگی
باو و اگر باشد با او زحل یا مریخ یا عطارد یا نظر باو داشته باشند از عداوت دلیل عداوة اخوة با مولود خواهد بود و رب باشد که هلاک
شوند بعضی از اخوة یا برسد بایشان امراض و غم از قبل مولود و دشمن آنها باشد و محقق اندازه و حظ ایشان باشد غایب برآنکه باشد
ذنب در ثالث دلالت کند بر مصیبت و نقص دیگر علی حسب ابرین مولود و خواهد بود مولود بد حال و محتاج باهل خود و تفوق
اهل بر مولود پس اگر قمر باشد با او یکی از نحسین باشد فرع مولود خواهد بود سبب اخوة و هلاک اخوة قبل از مولود باشد و اگر قمر باشد
با او شمس و قمر پس این علامات بدی حال ابرین است ازجهت شمس از جهت پدر و قمر از جهت مادر **مقصد چهارم** در ذکر دلالت رب ثالث
بکیب حلول در بیوت بیوت اول **طالع** خواهد بود خیر و بهتر از اخوة و نفع از آنها خواهد برد و نزاع اخوة خواهد بود و در **دوم**
نزاع بین اخوة و مولود و سبب مال باشد و ضرر و ظلم اخوة بمولود رسد و در **سیم** چیباشد ازجهت او برادری معروف و در یک ناصر
و وقت باشد و مولود باشد پس اگر باشد در بعضی حظوظ خود یا نظر با سعدی باشد پس خواهد بود مولود صدیق مردی بزرگ و خواهد رسید باو
از اهتمام او و اخوة عطایای حسنه و اموال بسیار و در **چهارم** دلالت کند برآنکه اخوة میراث خواهد کرد مال پدر را خصوصا بمولود و مولود

مختلف

محتاج باخوة باشد سبب اخوة مولود تشنه خواهد شد و در **پنجم** سبب باشد که ازجهت مولود اخوة در غربت بهره رسد و مسافرت کثیری
مولود را بدر رسد و اولاد و صلاح برادر خدا عطا فرماید **ششم** اخوة مولود را دشمن و حسود او باشد و دلالت بر کثرت
امراض و سقام و اعداء او و **هفتم** اعادی او اخوة او باشد و تزویج خواهد کرد بعضی خواهران خود را با بعضی در عوض زنی
که خود تزویج کند و در **هشتم** دلالت بر مرگ اخوة مولود و قلیل باشد سبب قوة اخوة میراث کلی حاصل نماید و در **نهم** جایشه مولود از علما
صلاح و تزویج خواهد کرد خواهر خود را در غربت در عوض زنی که بگیرد و کسب مال در غربت خواهد کرد و در **دهم** دلالت کند
بر موت اخوة و هلاک ایشان در حالیکه مولود متفق و حاسد آنها باشد و در **یازدهم** جایشه اخوة صاحب فرج و تقوی و تعظیم
خواهد شد مولود سبب اخوة و در **دوازدهم** دشمنان مولود اخوه باشد و متعلق بر مولود خواهد بود و دلالت بر امراض و اسقام و کثرت
اعداء او و سیاه در غربت **مقصد پنجم** در دلالت سهم الاخوة در وقتیکه قمر باشد سهم الاخوة یا رب او با سهم السعادة یا باشد بین
نظری شغف خواهند شد بعضی اخوة و خواهد رسید مولود را از اخوه نفع کثیری و هر وقتیکه کش کرده سهم السعادة و سعد کرده سهم الاخوة
و رب الاخوة محتاج خواهد شد مولود باخوة خویش و هر گاه داشته باشد و هر وقتیکه واقع شود سهم الاخوة و رب او در ربع کثیر الاولاد خواهد بود
از جهة مولود اخوه بسیاری و اگر واقع شود در ربع عقیم کم خواهد بود ازجهت مولود اخوة کم و سهم بسبب آن از موت و دلیل است بر کثرت
اخوة از مکروه و از عداوت چیباشد حکم بضد و اگر ناظر نباشند بیکدیگر دلالت بر تفرق حال اخوة کنند پس اگر اتفاق افتد که قمر باشد
رب طالع یا رب ثلاثه سعد و ناظر بسهم از موت بود دلالت بر منفعت از جانب اخوة و مصادقه بین آنها و اخوه و اگر قمر باشد
نحس دلیل بر وقوع نزاع بین مولود و اخوه و هر گاه نظر از عداوت باشد و هر وقتیکه نظر کند نحس بسهم از عداوت یا مقارنه دلالت
کند بر موت اکابر اخوة خصوصا اگر نظر کند با او مریخ و مراجع باشد و هر گاه مقیم رجوع باشد اتلاف از ایشان بود و هر گاه نظر کند با او مشتری بجای
و اقف از او دفع کرده و حلول سهم در اوتاد و باسعادت از خواص دلیل است برآنکه ازجهت مولود اخوة معروف بهم رسیده صاحب فضل و زیادتی
بر اهل خود باشد و اگر قمر باشد منحوس خواهد بود امر بضد پس اگر قمر باشد جهت سهم شهادت در رب طالع و در طالع باشد خواهد بود مولود افضل اخوة
و موت و هلاکت ایشان و اخوه کوچک تر از خود بهتر از سایر اخوة صاحب مولود باشد و هم چنین است زایل بسهم با رب ثالث و هر گاه
در طالع باشد و در دوم جایشه اخوة او عیال و عزب باشد و حفظ اخوة از مولود کند و اگر قمر باشد رب سهم منحوس دلالت بر شقاوت و معزول بود
اخوة کند و در سیم دلالت کند بر دوستی و محبت مولود با اخوه و در دوست باهم و دیگر جانب و ثقة حیات ایشان و در چهارم هر گاه رب او
با رب ثالث در آن باشد خواهد بود از جهت اخوه او اعمال و تجارات و جایشه در غربت مشغول در نزد آبای خود گرامی هر گاه که رب طالع در چهارم

که دلیل است بر آنکه مولود نیز [illegible] اخوه بود باشد و در پنجم دلالت کند بر آنکه اخوه خواهد بود [illegible] مولود [illegible] در حق ایشان باشد و در
ششم در جایگاه [illegible] باشد و صاحب [illegible] دلالت کند بر آنکه اخوه [illegible] و خفات
و کفالت اخوه را مولود [illegible] کند و هرگاه [illegible] باشد خواهد بود [illegible] دلالت [illegible] مولود اخوه
باشد پس اگر [illegible] دلالت کنند بر آنکه [illegible] کثرت [illegible] در طالع [illegible] باشد
و صاحب [illegible] در طالع خواهد بود اخوه [illegible] اگر [illegible] باشد [illegible] خواهد بود [illegible] اخوه [illegible] در حال
مولود و در نهم [illegible] خواهد کرد [illegible] صاحب [illegible] باشد [illegible] دلالت
کند بر [illegible] و کثرت [illegible] سبب [illegible] و در دهم دلالت کند بر آنکه اخوه مولود معروف [illegible] در بلاد
[illegible] باشد [illegible] دلالت کند بر کثرت [illegible] اخوه مولود [illegible]
[illegible] دلالت کند بر آنکه اخوه [illegible] اعمال [illegible] از باب سلطانی
[illegible] **فصل رابع** در ذکر دلالات بیت رابع و دلالت کواکب در آن و اتصال [illegible] و آن مشتمل بر
مقصدست **مقصد اول** اتصال صاحب طالع و قمر بصاحب رابع [illegible] در رابع دلیل ظفرست از جهت مولود بملک و زمین [illegible]
قول هرگاه [illegible] باشد صاحب طالع در خانه شمس یا ناظر [illegible] و سعادت قمر در بیت رابع دلیل است بر صلاح [illegible] مولود در آخر عمر
و از قبل چیزی که دلالت کند بر او بیت رابع مقارنه سهم السعادة در بیت رابع [illegible] دلیل ظفر [illegible] و اتصال او
بزحل دلالت کند بر [illegible] و ملک [illegible] دلالت [illegible] بر عمارت [illegible]
و قریه [illegible] زحل در [illegible] در خانه مشتری و مشتری در رابع دلالت کند بر آنکه مولود ملک [illegible] و خواهد بود از جهت او سعادت
چندی [illegible] و قول [illegible] بیت رابع [illegible] سعدی در طالع یا ناظر بطالع [illegible] دلیل
ملکی است از جهت مولود [illegible] خواهد رسید [illegible] سعدی در سابع یا ناظر [illegible] دلیل [illegible] در طالع
مولود و اگر [illegible] باشد دلیل [illegible] در رابع [illegible] دلالت بر [illegible]
و [illegible] و تحصیل اموال [illegible] در رابع دلالت کند بر [illegible]
[illegible] باشد [illegible] دلالت بر [illegible] اموال [illegible]
دانند پس اگر [illegible] **مقصد ثانی** در ذکر [illegible]

[illegible]

از کواکب علوی [illegible] بیت رابع **زحل** در رابع [illegible] خواهد بود [illegible] جامع اموال و حافظ آنها [illegible]
و اگر [illegible] بسبب عقارات و مزارع صاحب مال و خانه عظیم گردد [illegible] از قبل [illegible] و سفر طویل خواهد کرد
و مراجعت بوطن نیز خواهد نمود و هرگاه [illegible] باشد سفر خواهد کرد [illegible] خواهد رسید [illegible] در دریا [illegible]
در برج حوت [illegible] خواهد کشید پس اگر [illegible] باشد مولود [illegible] دلالت خواهد کرد بر [illegible] خواهد بود
و خواهد بود [illegible] خواهد بود جامع اموال پس اگر [illegible] باشد [illegible] خواهد [illegible]
و اگر [illegible] باشد [illegible] در رابع دلیل [illegible] باشد [illegible] پس اگر [illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible] دلالت کند [illegible] و اگر نظر کند مشتری بزحل [illegible] دلالت کند بر کثرت
[illegible] از قبل زمین و عقارات و جامع مال [illegible] و اگر نظر کند [illegible] از [illegible] دلالت بر [illegible]
[illegible] و اگر نظر کند از عداوت [illegible] دلالت بر سفر [illegible] از طرف سلطان و اگر
نظر کند [illegible] دلالت بر [illegible] از جهت [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] باشد [illegible] خواهد بود از [illegible] بر خراب شدن خانه که مولود [illegible] باشد [illegible]
نظر کند [illegible] دلالت بر [illegible] و اگر نظر کند [illegible] دلالت بر [illegible]
[illegible] بسبب [illegible] و کثرت [illegible] دلیل [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] باشد و اگر نظر کند [illegible] باشد دلیل [illegible] کثرت حرکت [illegible]
و اگر قمر [illegible] باشد [illegible] خواهد بود [illegible] دلالت بر [illegible] و مال [illegible]
[illegible] **مشتری** در رابع دلیل است بر آنکه مولود [illegible] عظیم القدر و معروف نزد ملوک [illegible] باشد [illegible]
اموال [illegible] باشد [illegible] خواهد [illegible] خواهد کرد [illegible] اخوه مال [illegible]
[illegible] و مزارع و عقار [illegible] خواهد [illegible] و اگر نظر کند [illegible] از عداوت [illegible]
بر طرف خواهد شد [illegible] خواهد شد اگر [illegible] پس اگر [illegible] باشد [illegible]
[illegible] و اگر نظر [illegible] باشد دلالت [illegible] خواهد رسید [illegible] و اگر نظر کند [illegible]
از [illegible] دلالت [illegible] عداوت [illegible] دلالت کند بر طول عمر [illegible]

وکثرت اولاد و واسطه ... و حسن حال و از عداوت دلالت کند بر مصاحبت سلطان و رزق خواهد بود از قبل ملوک و برسد باو ضرر و اگر
نظر کند با زهره و نظر قبول باشد بسبب اب ... صاحب عقارات شده ... و فرج و فواید از جانب ... و اگر نظر
با عطارد و نحوس باشد دلالت کند بر آنکه مولود را اموال از قبل آب منقطع گردد و با سقوط از مکان ... دلالت دارد **مریخ** در رابع در بعضی
حفظ خود سلیم از ... دلالت کند بر بودن مولود ... صاحب قرب ... ملوک و برسد باو غم از جهت عقار و مزارع و والدین اگر ...
و اگر بعید باشد مولود ... خواهد بود ... بشرط مذکور و اگر بعید باشد ... دلالت کند بر وجع مفاصل و امراض ... از ...
و ... اعضای ... ناید مولود ... خواهد رسید ... و از ...
پس اگر نظر کند با ... سعود باشد دلیل است بر آنکه مولود ... خواهد ... مستقیم خواهد بود
... و اگر نظر کند از عداوت یا بعید باشد ... دلالت کند بر آنکه مولود ... کننده و ... بسیار ... و اگر
نظر کند با زهره و سعود باشد سعادت خواهد دید ... و ... از اهل ... باشد ... از مکان عالی
یا برسد باو ... از آتش و اگر نظر کند با عطارد دلالت کند بر ... عقارات ... از ملک و اگر نظر کند با قمر
دلالت کند بر ... احوال ... **شمس** در رابع دلالت کند بر خطر ... و جمال ... جاه ...
از قبل ... عقارات و برسد ... والدین ... باشد ... اگر نظر کند با ... دلالت بر قتل ...
و ... احوال ... و اگر بعید باشد در خانه مشتری ... دلالت کند ... ملوک ...
... باشد ... خواهد رسید پس اگر بعید باشد با زهره دلالت کند بر ... و ... پس اگر بعید باشد ...
دلالت کند بر ... والدین و اگر بعید باشد با عطارد مستقیم باشد دلالت کند بر ظفر ... با ... باشد ...
... از ... و اگر نظر کند با قمر خواهد رسید ... از ... و ...
عالی ... و اگر بعید باشد با قمر دلالت کند بر ... و ... باشد ... خواهد بود
... خواهد رسید ... از قبل ملوک و ... **زهره** در رابع سعود باشد دلالت کند بر آنکه مولود ... دلیل
... و ... خواهد بود ... صاحب املاک و عمارات ... بعید
... از ... احتیاج ... برسد باو ... پس اگر بعید باشد در برج منقلب یا ...
دلالت کند بر ... از جهت ... برسد باو ... دلالت بر ... زنان ... سرطان و جدی

وگاه باشد

وگاه باشد که احتیاج بآنها بورسنه و در بروج ثابته دلالت بر کرامت و فضل و ... از جانب ... و برسد از ...
... پس اگر بعید باشد ... صاحب اموال ... و اگر ... از مزارع و ... اگر نظر کند با قمر
از ... یا با او بعید باشد پس اگر نظر کند با زحل ... و ... باشد ... پس مولود خواهد بود سعید
از باب ارض و بنا و عمارات ... و ... برسد ... مشتری هرگاه بعید باشد با او ...
پس اگر نظر کند ... زحل ... زهره دلالت کند بر ... پس اگر بعید باشد ... خواهد ... پس اگر بعید باشد
زهره ... دلالت کند بر ... و اگر بعید باشد ... دلالت ... و ...
وکثرت ... و ... دلالت بر ... پس اگر ... کند با عطارد یا ... سعود باشد دلالت
کند بر ... اهل علم و کتاب ... کند ... و اگر
نظر کند با قمر از عداوت خواهد بود از جهت ... سیار ... و اگر قمر نحوس باشد دلالت کند بر ...
... باشد ... سلطان ... باشد و برسد ... از ... و ... خواهد
... خواهد بود **عطارد** در رابع ... باشد ... دلالت کند بر آنکه مولود ... بر ... جامع اموال
از قبل ارضین و مزارع ... بسبب ... و ... مال ... خواهد بود ... صاحب
... پس اگر بعید باشد نحوس ... خواهد بود مولود ... باشد که برسد ...
... و اگر ... باشد ... اگر بعید باشد ...
و دلالت کند بر ... پس اگر بعید باشد ... سرطان ... خواهد ... و
... پس اگر نظر کند با قمر و سعود باشد دلالت کند بر ... و ... اگر بعید باشد قمر ...
قمر در رابع دلالت کند بر شرف ... و ... و فرج بسبب ... و عقارات و ... اگر
بعید باشد در برج ... و ... دلالت ... باشد و اگر بعید باشد در برج ... دلالت ... خواهد بود
از ... پس اگر نظر کند با سعود دلالت کند بر ... که ... از ... پس اگر نظر کند با نحوس دلالت
کند بر ... که برسد ... از ... و ... پس اگر بعید باشد قمر نحوس دلالت
بر ... کند با کثرت هم و غم و بعد از وطن و ... عقار ... و ... از قبل والدین **راس** در رابع

دلالت کند بر عظمت امر مولود و کثرت سفر و اموال او و ملک و ضیاع و موضعی دیگر باشد سعید و منتقل از حالی بحالی که اعلی
از اول باشد و زیاد میکرده در محل و منزل او و محتاج خواهند بود جماعتی از مردم و برسد بدو [illegible] از جهت عقارات و [illegible]
و میاه و تعمیر عمارات حسنه و زیادتی در جاه ابوین و فضل ایشان و کثرت خیر پس اگر بعید باشد با او سعدی خواهد بود مولود
منجم و حاسب و کاتب واقف کننده احوال سیما اگر با او زهره باشد یا قمر و اگر با او نحسی باشد دلالت کند بر بعضی آنچه گفتیم و دلالت
بر [illegible] و عمل ابوین دارد و وقت حیات مولود [illegible] باشد که [illegible] و قلیل الحیات با اهل و اولاد باشد و در غرب و در رابع دلالت
کند بر آنکه مولود محتاج شود [illegible] از غربت و از جهت ضیاع و [illegible] از بدی حال ایشان [illegible] باشد که منفق شود کسی از ابوین و یا بعد
دلالت بر غربت طویل دارد و گاه وقت که بر نگردد از غربت پس اگر بعید باشد با او سعدی [illegible] سید بهره او از ثروت و اگر
بعید باشد با او نحسی از نحسین هلاک شود در [illegible] غریب بوده باشد از [illegible] والدین و خواهد بود [illegible] یا کور شود و یا خواهد افتاد [illegible]
مقصد ثالث در ذکر دلالات بیت رابع کوکب [illegible] در بیوت [illegible] و در طالع دلالت کند بر آنکه بر مولود خیر از اهل
خواهد بود [illegible] از مولود و نیکو [illegible] والدین باشد و جاه باشد از جهت او قوت و سلطنت پس اگر نظر کند با او نحسی خواهد رسید
آبای مولود را شدت از سلطان و در دوم جاه باشد آباء مولود [illegible] و نیکو اخلاق و اگر [illegible] خواهد بود نزد [illegible] وارث
والدین را خواهد برد و در سیم خواهد افتاد از جانب اخوه شدت و دشمنی [illegible] اخوه خواهند بود و بعد از اخوه نزد [illegible]
بعد پس اگر نظر کند با او نحسی خواهد بود آبای او ضعیف و [illegible] و کسی گرفتار خواهد شد و در چهارم جاه باشد آبای او معروف نزد
[illegible] و از جهت او حفظ [illegible] خواهد بود و در پنجم جاه باشد مولود صاحب جد و آباء که به چند آنچه را وارث از آنچه [illegible]
اولاد [illegible] باشند و عمر طویل رسد و اگر نظر کند با او نحسی و ناظر باشد سعد [illegible] و در ششم دلالت کند بر کثرت غربت
آبای مولود و هم [illegible] در غربت و [illegible] آنچه در غربت [illegible] که مقبل باشند با رب طالع [illegible] حال آنچه
پس اگر نظر کند با او نحسی [illegible] خواهد شد [illegible] آبای او [illegible] او و اگر نظر سعد کند [illegible] خانه
و در هفتم جاه باشد آبای او اهل [illegible] و معادات که حاصل شود بین مولود و والدین او [illegible] خواهد کرد مولود
[illegible] که اکثر [illegible] از او باشند و در هشتم دلالت کند بر موت مولود در غربت و [illegible] و [illegible] والدین [illegible] باشد
که بعید [illegible] از آنچه [illegible] سیما اگر نظر کند با او نحسی و اگر نظر کند سعد خواهد بود [illegible] ذکر شد و هم [illegible] خواهد بود و در تاسع
و در دهم دلالت کند بر زیادت [illegible] و جاه [illegible] والدین و زیادتی [illegible] اگر بعید باشد کوکب مقبول

و اگر نبود

و اگر مقبول نباشد و نظر کند با او نحس [illegible] خواهد کرد از [illegible] جاه و ثروت و در دهم دلالت کند بر بدی حال
والدین و خوف و ترس بر ایشان و مرتفع شدن خوف [illegible] ایشان و در یازدهم دلالت کند بر بدی احوال و خروج ایشان از
جاه [illegible] پس اگر نظر کند با او سعدی خواهد رسید خیر در غربت بایشان و اگر نظر کند نحسی برسد بایشان [illegible] و دلالت بر ثروت
مولود در غربت دارد. مقصد چهارم در ذکر دلالات والدین و کیفیت احوال ایشان اما ادله دلالات اب است و آن شمس و زحل
و در بیت رابع و سهم الاب و رب مرکب از این هر کوکب است و در طالع نهاری اقوی شمس است و لیلی زحل و جزو سابق نهاری
از جهت او و دلالت قوت است بر اب و اطلاع اقوی است خصوصا اگر بعید باشد در بروج مذکر کثیر المطالع و اما ادله ام پس آن زهره
و قمر و در بیت عاشر و سهم الام و رب مرکب از این هر کوکب و ارباب مثلثه قمر است و در طالع لیلی اقوی قمر است و نهاری زهره
و جزو سابق لیلی او و دلالت قوی است بر ام و مستقبل اقوی است سیما اگر بعید باشد در بروج مؤنث قصیر المطالع و سعادت [illegible]
[illegible] بودن ادله [illegible] او و [illegible] دلالت کند بر حسن حال والدین و عزت و جاه و کرم و منفعت و [illegible]
والدین و صلاح و فضل خیر و کثرت عبادت و تقوی و اگر نحوس باشند این دلایل [illegible] بعید باشند در زایل او [illegible] دلالت
کند بر شقاوت و فقر و فاقه و [illegible] و مکر و [illegible] و غیر ذلک و اگر سعادت و نحوست باشند بعضی دیگر دلالت کند بر امتزاج احوال والدین
[illegible] بودن سعود [illegible] از [illegible] بالذات و بالعرض دلالت کند بر سعادت [illegible] و جاه و رفعت و [illegible]
و طول عمر و سلامت نفس و صحت بدن والدین و [illegible] ناظر بودن نحوس بایشان دلالت بر ضد آنچه ذکر شد میکند پس هر گاه
بعید باشد شمس در بعضی از حظوظ [illegible] و در وتد باشد در نهاری دلالت کند بر ریاست و قوت جاه و علو رتبت و اگر در وتد نباشد خواهد بود
حاکم [illegible] و اگر لیلی باشد دلالت بر [illegible] دلالت کند و اگر بعید باشد در حظ قمری و ناظر باو [illegible] باشد و [illegible]
ریاست و [illegible] احوال و شرف رفیع [illegible] و سخا و کرم والدین است [illegible] و اگر نظر از عداوت کند خواهد بود امر ضد آنچه ذکر شد
و بودن شمس در مکان قوی و در بیت [illegible] اول قوی دلالت بر [illegible] و [illegible] و صاحب منزلت حسنه از جهت [illegible] و خصوصا
اگر بعید باشد در حد سعدی که دلالت کند بر ارث بودن مولود از پدر [illegible] و اگر بعید باشد در بیت [illegible] سعدی یا ناظر باو
از [illegible] دلیل زیادتی مال پدر است و قوت او و اگر بعید باشد در مکان [illegible] و در بیت [illegible] او در مکان قوی باشد دلیل زیادت
خیر [illegible] اوست و [illegible] و اگر در مکان [illegible] باشد دلالت بر [illegible] و [illegible] نظر شمس [illegible] از [illegible] دلالت
کند بر آنکه آبای مولود خواهند بود مردمان [illegible] و خواهد رسید بمولود خیر از آبای [illegible] و سعادت [illegible] بودن شمس در رابع دلالت بر حسن

حال وی است اتصال رب سابع بشمس دلالت بر حصول فایده از جهة والدین کند چون صاحب رابع را بود حلول رب
بیت شمس در وتد دلالت کند بر آنکه والد صاحب خیر و عزت از جانب سلطان بود و تسلط بر اماکن داشته سیما اگر بود باشد
وتد عاشر و بعد عاشر دیگر و هم چنین هرگاه بود باشد در اوتاد و نظر شمس با رب بیت او و رب طالع دلالت کند بر آنکه مولود وارث
بود مال پدر را خصوص اگر بود باشد هر یک از این دو در وتد بود و شمس با مشتری در وسط السما دلالت کند بر شرف رفیع از جهة
هر یک از والدین حلول رب رابع در وتد دلیل بر فضل اب است سیما در عاشر بود در طالع و بعد از آن در سابع و بعد رابع و دلالت
دارد بر آنکه اب او محتاج باو بود وقت و سعادت خواهد داشت پس اگر بود باشد رب رابع شمس صاحب بیت الآباء یا صاحب طالع
در وسط السما بود باشد دلالت دارد بر آنکه آبای او از خواص بود مذکورین نزد سلطان و اگر بود باشد رب رابع در وتد شمس و شمس در [illegible]
باشد دلالت کند بر شرف و خطر آبای او و ضعف در حال آنها و هر وقت که بود باشد از جهة شمس شهادت قوی در رابع دلالت کند
بر صلاح حال اب سیما اگر در وتد باشد و بود سعود در رابع یا ناظر باو دلالت کند بر عظمت و عزت رفیع و حسن عاقبت امور و مالک
شدن بر اراضین و مزارع و صلاح حال و [illegible] شرافت عظیمی که قبل از او نرسیده باشد نظر مشتری بزحل از مودت دلالت کند بر مالک
شدن مولود اموال و اراضین و ابنیه و ضیاع و نفاذ حکم در امورات و عظمت نزد خلفا و اشراف و حسن عاقبت او و اگر نظر کند با مقارنه
دلالت بر کثرت خصومات و منازعات کند حلول سعود در رابع یا ناظر باو از مودت دلالت کند بر حسن حال والدین و بهتر از آن [illegible]
که بود باشد سعد مقبول پس دلالت بر عظمت و منزلت رفیع نماید نظر زحل و مشتری بشمس از [illegible] رابع دلالت کند بر تجدید حال و حسن
حال او و حصول خیر و رفع از جهة والدین سیما اگر نظر نکند نحوس [illegible] پس اگر نظر کند که ذکر شده خواهد بود اتصال سعود
و زحل و شمس و سهم الاب بر رابع دلالت کند بر کثرت عطایای حسنه اتصال شمس بزحل دلالت کند بر سرعت خراب پس اگر نظر کند
نحس زیاده منحوس بود باشد بین اینها قبول مضاعف میشود آن خیر و اگر بود باشد اتصال میان اینها دلالت بر بطوء خراب [illegible]
و اگر نظر کند نحس زیاده منحوس در بطوء پس اگر بود باشد مریخ ناظر باو از عداوت عاقات خواهد کرد و خصومات و منازعات [illegible]
بود باشد هر یک از زحل و شمس در مکان [illegible] دلالت کند بر ارث بردن مولود مال ابوین را سیما اگر نظر کنند با یکدیگر و سعدی
[illegible] شمس کرد دلالت بر حصول اموال از جهة اب بود زحل در وسط السما یا عاشر و [illegible] در بعض حظوظ خود پس اب خواهد بود صاحب
سعادت دولت سیما میل بسلام از مریخ و بود زحل در بیت شمس دلالت کند بر آنکه والد صاحب رفعت خواهد بود و [illegible] بعد رفعت
خواهد بود و [illegible] از [illegible] در طبیعت [illegible] بسیار خواهد [illegible] دلالت بحکم زحل بر اب مثل دلالت شمس است بر او

مقصد پنجم

مقصد پنجم

در دیگر دلالت ام هرگاه که بود باشد زهره در وتد یا مایل وتد غیر ناظر [illegible] و مشرقی ام باشد یا قمر ثابت در وتد
یا مایل وتد یا در مثلث پس دلالت کند بر حالت حسنه و منزلت نیکو از جهة مادر و مولود [illegible] خصوصا اگر بود باشد قمر از [illegible]
[illegible] یا در بیع مرتفع غیر عقرب و جدی و آنکه سلیم از نحوس باشد و بود قمر در طالع یا وسط السما یا در رابع در بیع [illegible] دلالت
کند بر شرف مادر و کثرت خیر او [illegible] سیما در موالید لیلی صلاح [illegible] رب عاشر دلالت بر صحت بدن مادر و مزاج و حال
او است [illegible] ذکر شده دلیل [illegible] و رب [illegible] اتصال رب عاشر برب طالع دلیل صلاح حال و سعادت و صحت
بدن و کثرت خیر مادر است و اتصال او برب ثانی از مودت با وقوع شعاع سعود بر او دلیل فرح و سرور و حسن و جمال مادر است
سیما اگر نظر کند باو زهره از مودت و هم چنین است [illegible] اتصال رب عاشر بقمر نظر قمر بزهره با سعادت ارباب مثلثه
او دلیل بر سخاوت مادر و کرم او است و هم چنین نظر زهره و مشتری حلول سهم الام در مواضع [illegible] و سعود شعاع سعود [illegible] دلالت
کند بر حسن حال و اقبال و طیب عیش و دوام صحت بدن و نجات از اسقام و طول عمر مادر و هم چنین است [illegible] بر ارباب مثلثه
عاشر با قمر هرگاه که بود باشد سعود [illegible] سعود مرتفع [illegible] دلالت بر سعادت آبای او است و در [illegible] نحوس از جهة آبای او
دلالت بر سقوط و خمول است استیلای سعود بر جزو سابق دلیل [illegible] و شرف او است و استیلای نحوس دلالت بر خمول و ضایع شدن
حال او است و نظر سعود و نحوس باو دلالت بر توسط حال ابوین است نظر یکی از نحسین بجزو یا کوکب قمر از جهة [illegible] دلالت
بر شقاوت و حزن مولود و والدین [illegible] سقوط جزو و تمکن نحس دلالت بر [illegible] یکی از والدین است و انفصال قمر از جزو
سابق و اتصال بسعود دلیل است بر سعادت والدین و ولد هم و اتصال بنحوس دلیل بر بدی حال والدین است و ولد و شقاوت
آنها بود باشد قمر با زهره در سابع دلیل بر منفعت [illegible] با مادر و بود باشد یکی از این دو در عاشر دلیل بر [illegible] ام است و شرف او
و بود اینها در عاشر با سهم الام یا ناظر باو از مودت دلالت بر شرف ام و رفعت [illegible] و قبول نیرین دلیل بر [illegible] ابوین است
مقارنه قمر [illegible] او یا ناظر باو از مودت دلیل بر صحت بدن ابوین است و از عداوت دلالت بر [illegible] و [illegible]
والد نظر بیت شمس [illegible] یا قمر دلیل بر حصول فواید است از جهة والدین نظر شمس برب طالع دلیل بر محبت و مودت [illegible]
والد و والده است وقوع شمس و رب طالع در سابع دلیل تفرق والدین است پس اگر بود باشد در [illegible] دلیل تفرق مال اب است
[illegible] در [illegible] از مریخ و دلیل از زحل [illegible] عداوت بدون نظر سعدی گشته خواهد شد اب با ام [illegible] اگر بود باشد
شمس اب خواهد بود و اگر قمر باشد ام خواهد بود و بود قمر در خامس [illegible] دلالت کند بر آنکه مولود مفارقت خواهد کرد با والدین

فهو درست کرده مگر بودن شمس در حد مریخ در نهار و در حد زحل در لیل و مریخ ناظر با نیر بشند و شهادت بمشتری و زهره بشند کنند
خواهد شد مولود از دست والدین فهو و بودن رسیدن شمس در زحل و سهم الاب در حرکت سیری یا جب و مع و شعاعات آنها دلالت
بر خیر و برکت است و هرگاه برسند نحوس و شعاعات آنها دلیل بر ملال و نکبت والد و هم چنین است قول بر تسییر قمر و زهره
و سهم الام و صلاح قمر با زهره و ارباب مثلثات انها دلالت بر حسن حال ام بعد ولادت و زیادت خیرات خواهد بود و بالعکس
اگر بد حال بشند **مقصد ششم** در ذکر دلالات نوعی از جهت والدین مولود چون حصول نحوس در رابع دلالت کند بر بلا یعنی بر سه
مولود و مرض به دو و احوال ابوین خاصه مریخ نظر کند نحس بقمر دلیل اوجاع در موضع خفیه و عذاب و حبس و مثل آن و بودن
شمس در رابع و نحوس ناظر بانها دلیل بر علت و امراض و سقام و نقص مال ابوین و فقر دارد پس اگر بود بشد با آنها زحل دلالت
کند بر قلیل الولد بودن و اگر با او قمر بشد دلالت بر مردن بد است در والدین با اجتماع شمس با زحل و مریخ در رابع با نحوست او
دلیل هلاک اب است مقارنه نحس بر شمس یا با رب مثلثه او دلیل نقصان مال اب و فقر او است بودن شمس در حد نحوس
علت صبر و آرام و مکین والدین و مولود خواهد بود صاحب مرض و سقم و تنگی معیشت و احتیاج سیما اگر بود بشد در برج مونث
با نحسی یا بر نظر عداوت یا متصل بذنب که دلیل بر عبودیت و حقارت میکند و حال زحل مثل حال شمس است در ما تقدم بجای شمس
در رب مثلثه او در آنکه رویه دلیل بدی حال اب است خاصه اگر نظر کند نحوس از عداوت یا مقارنه که دلیل بر تلف کردن
مولود است مال ابوین را و تمام نشدن نیز چون مولود نحوست شمس دلیل بدی حال اب است و اگر بود بشد در وتد یا مایل
اوتاد است خواهد بود و نحوست شمس از رب سادس یا ثانی عشر و نحوس در او دلالت بر عیوب بودن ظاهر اب است
پس اگر بود بشد ساقط عیب در مکان خفی خواهد بود و هرگاه نحوس از رب ثامن بشند دلیل علت و عذاب است بودن نحس
در ثامن شمس دلیل خوف و غم و مرض اب است و مردن بد بودن سعود در سرطان و اسد دلیل حسن حال والدین است
و بالعکس هرگاه نحوس در آنها بشند سیما اگر زحل در سرطان بشد و مریخ در اسد نهار بشند و اشد از این هرگاه ذنب
با یکی از آنها بشد احتراق زحل بشب دلیل ضرری است که باب رسد از قبل سرطان و از امراض مزمنه و درست مولود
قبل از تمام نظر نحس بشمس یا از عداوت با قران و حال انکه در اوتاد بشند مریخ و شهادت نه به سعدی دلیل ضرر عظیم است
مر اب سیما در بدن و هرگاه قمر که زحل در سرطان و قمر منحوس بشد دلیل موت اب است فی الجمله بودن نحوس در رابع یا ناظر بود
سیما از عداوت در رب او و در مکان قوی بشد دلیل بدی حال اب و نقصان خیر او و زوال ملک است و تضییع منزلت

وقدر وقف

و قدر وقف و عاقبت او بلیات و دوام فقر و هرگاه قمر منحوس بشد زحل بر برج شمس دلیل علت بقای اب و مردن بد است
بد طول غم و مرض و حزن و اسراف مریخ بر شمس یا زحل از عاشر بود بشد مریخ در ثانی هرگاه طلوع بعد این کند با بود بشد
شمس بر عقب زحل و مریخ در ساقط بشند دلیل سقم اب و علت عداوت و هرگاه منحوس بود بشد زحل و شمس عاشر از قمر و زهره
خواهد مرد اب قبل از ام و بالعکس نحوست زحل و قمر و شمس و زهره و در والیه دلیل موت والدین است بجمیع نحوست بدون
نه خیر بسیار اجتماع زحل و مریخ در ثانی عشر دلیل بدی حال اب و او با او باشد و دین است بودن زحل بد خاصه است
کند بر تفرق مال ابوین از دیه مولود و رسیدن او جاع و امراض در اعضای مستوره و بودن مریخ بر عقب زحل در برج این دلیل است
بر ارث بردن مال ابوین را مولود و بودن عطارد با زحل و مریخ در رابع با جمع در رابع بدون نظر سعدی دلالت کند بر اوجاع
رویه و مکس و اوان و وقوع در پنجه و حبس و مردن بدی مولود ها علیها و ابوین را نا فیز خاصه اگر شمس در رابع بشد بودن
زحل در سادس دلیل مضرت حال اب است و قول رب رابع در احتراق دلیل بدی حال اب است اتصال نحوس برب
رابع از عداوت دلیل بدی حال اب و اذیت از جهتی که نحس در آن برج بشد بودن شمس در ثانی عشر یا سادس خواهد بود مولود
ضعیف الحال است و از شغل ها باز است اب و احتیاج او احتراق رب ثانی عشر دلیل کم قدر اب است اجتماع با زهره و مریخ در ثانی عشر
با نحوست او دلیل بر هلاکت او است پس اگر بود بشد با قمر زحل یا مریخ یا ناظر بود و از عداوت خواهد مرد مولود مردن بدی بودن
قمر در رب مثلثه او و در آنکه رویه دلیل بر شدت حال ام است و مولود از ضعیف بشند و نکبت و دیده تر اگر هرگاه بود بشد رب
طالع یا رابع در وست دلیل بر قلیل بودن قمر در سادس یا ثانی عشر خواهد بود مولود از شغل ها و سعادت احتراق قمر دلیل صغر
قدر ام است و قمر با زهره با سهم الام دلیل بدی حال او و حصول مضرت در بدن و هرگاه قمر منحوس بود بشد مریخ در سرطان و قمر منحوس بشد
خواهد مرد ام فی الجمله انصراف قمر از زحل دلیل بر موت ام و احتجاب او است اتصال قمر بکوکب منحوس اول در رب قمر رابع یا محترق
بشند دلیل بر موت ام است که اگر قمر مقبول بشد عدم اتصال قمر و مولید نهار غیر مقبول پس اگر اتفاق افتد که بود بشد منحوس دلالت
بر فنا شدن او است سیما اگر با او بشد ذنب و بودن او در رابع در عقرب دلالت بر فنا شدن و قطع خیر او کند نحوست قمر مطلق دلیل
بدی حال ام است سیما اگر بود بشد بر نظر نحس بی قطع پس اگر بود بشد در وتد یا مایل دلالت بر مرض او کند و در رابع در عقرب نحس
دلیل بر تفرق مولود است در باب حفظ و در طرف شدن مال و در موت اب و هم چنین دلالت کند هرگاه بود بشند یکی از نحوس
در سادس در دیگری در ثانی عشر و هرگاه منحوس بود بشد در وتد و در مقارنه نحس با تربیع یا مقابله دلالت کند بر مردن بد و اگر نظر کند

بقید پس کند دلیل بر فقر و ضیق معیشت بعد جاه و دولت است بعلت قمر در صد کس و رب او ساقط دلیل بر سقوط از شرف و سعادت است
سیما اگر نظر کند با و نحسی خواهد مرد فی الجمله کثرت قمر و سهم الام و سهم ساقط از هر دو یا ضعف زهره دلیل است بر آنکه ام او
خواهد رسید از امراض شدت عظیمی و آنکه تلف شود و کثرت قمر یعنی اجتماع او از برج دلالت کند بر موت امهات سقوط یا بر فسق
در آنها پس اگر نظر کند زهره در برج خواهد بود موت ام از علتی حاره و هر گاه نحوس باشد از زحل خواهد بود از وجع ارحام اتصال قمر
بکوکب راجع و رب سهم الام در شأن دلالت کند بر موت ام قبل از اب مگر آنکه مقبول باشد و هم چنین است شمس بجهت اب

مقصد هفتم در ذکر عراب اتصال شمس بمشتری یا زهره بزحل و یا زهره بمشتری و شمس بزحل از تثلیث یا تسدیس یا مقارنه
از سعدین در قوی در اماکن خویشان از فلک و سلیم از مناحس دلیل طول عمر اب است بعد ولادت مولود و اگر نحوس ساقط و چه
اتصال نظری از موت بنجم بکار از عداوت داشته باشد و برج شهادت امد دلیل کر و قصر عمر اب است و هم چنین است مهلکه طلوع
تسیر در شمس بعد جرم راجع دلیل هلاک اب است و دخول شمس و مشتری در اوتاد و بسلامت راجع دلیل طول حیات و سعادت اب است
و هم چنین قول بر زحل و سهم الاب است **مقصد هشتم** در ذکر عوام برج مشتری و زهره و قمر و اتصال چند و سلامت ایشان از
مناحس و حصول در اوتاد دلیل طول عوام ذو وارثان از مناحس و سقوط از اوتاد و عدم نظر بین آنها دلیل قصر و کمی عوام است
و هم چنین کما طلوع زهره مثلا با قمر از برج و مقابله و مقارنه دلیل قصر عوام و مدت شان مهلکه است اما قصر اصل مثل آنکه با هم
نحس در طالع یا عاشر و اوتاد اتصال مثل آنکه با هم باشد نحس در سابع یا رابع نظر برج شمس یا قمر دلیل موت ام است فی الجمله یا آفتی عارض او گردد
از حبس و خوف مثل بریدن یا احتراق و رجفتن و ما احق طاعتین و اگر نظر کند برج زهره خواهد بود آفت از علت حاره و رگ گشتن
مولود و هم چنین است قول بر نظر زحل و شمس یا زهره با قمر و طلوع تسیر در جرم قمر بر برج عاشر دلیل هلاک ام است و بودن صاحب
حد عاشر در ثالث یا سادس مقارن بمناحس دلیل مرض زمن است و هم چنین قول برادر یا مثلا قمر است و رسیدن نحس بسهم الام
دلیل هلاک ام است و بودن زهره با قمر برج چندی به سهم نظر نحس با زحل یا شمس و با قرانی بهم باشد از عداوت دلالت کند
بر آنکه ام اطول عمر از اب باشد و اگر عکس باشد از عکس خواهد بود اب اطول عمر از ام و هر یک از این دو که با هم دلالت بر طول عمر
منظور است و این که بعد دلیل است از مناحس یا خارج او بطریق تسیری که از جهت هر درجه مطلوب کل نحسی یا یکی و یا دیگر در راه منظور
باشند و این جانب مکان دلیل از فلک مثل آنکه با هم باشد در وسط دلالت بر ستیز بنایه و دلیل و سطه دلالت بر مشهوری و سلطه
و دلایل دلالت بر ایام میکند **مقصد نهم** در ذکر دلالات سهام الاب و رب او و سلیم از مناحس باشد دلالت کند

بر صحت بدن

بر صحت بدن اب و حسن حال او و حصول سعادت او یا بر نظر او و دلیل است بر آنکه اب خواهد بود بر رزق حسن الحال و معروف
نزد مردم و اگر نحس باشد سعد و نحس خواهد بود منسوب بکفاف و سلامت رب او از مناحس دلالت کند بر حسن حال او در بدن
و له خصوصا اگر نحس باشد در رابع و اگر نحس باشد نحوس یکی از اشیاء دلالت بر بدی حال آباء و عیب و مرض آنها نماید و نحو آنها
اب در غربت و با اجمال کثرت سهم و رب او دلالت بر ضعف شدن کثرت بر والدین است و هر وقتی که نحس باشد سهم
بسلامتی از مناحس در وسط دلالت کند بر آنکه اب خواهد بود مذکور بر ریاست و شرف بین اهل طبقه خود و در عاشر دلیل آنکه
بر آنکه اب خواهد بود صاحب منزلت و رفعت و در خامس دلیل بر حسن حال و بقای او در وقت تا آنکه بعد از او اولاد خود را در آن
دلیل بر مرض و عیبی است که با ایشان برسد و در ثالث دلیل بدی حال و خمول و عداوت اب است و در سابع و در ثانی یا ثامن و ...
بری از مناحس دلیل بر اقبال حال مولود و والدین و اگر نحس باشد نحوس دلیل علت عراب است و در سادس یا ثامن با عاشر دلیل کثرت
اسفار است و هر وقتی که نحس باشد رب سهم در اوتاد و بری از نحوس دلالت بر حسن آباء و حفظ و شرف آنها است و اگر نحس باشد نحوس
دلالت بر سوء حال آنها است و در حادی عشر دلالت بر رفعت عراب است و در خامس دلیل حال اب و بقای او است تا آنکه ببیند ولد
ولد خود را مگر آنکه شهادت دهد طالع و رب او بخیر این و در تاسع دلیل حسن حال اب و طول او است و بر عداوت بین او و اهل او
سیما اگر نظر کند نحسی و اگر نظر کند سعد باعث کمی شرارت و در ثانی یا ثالث دلیل اقبال حال مولود است
از اب و اگر نحس باشد نحوس قلیل خواهد بود عراب و در سادس و ثامن عشر دلیل کثرت اسفار اب است و مثل آنچه ذکر شد جاری شده
حالات در دلالت بر سهم الام و رب او و جاری شده ام عکس آنچه ذکر شده در جهت از جهت هر یک از سهم و رب او **فصل پنجم** در ذکر
دلالات بیت خامس و حلول کواکب در آن و اتصال بعضی ببعض و آن مبنی بر چهار مقصد است **مقصد اول** در حلول سعود و ...
مثلا در سهم السعاده و سهم الولد و در آنکه چند سلیم از مناحس دلالت کند بر کثرت اولاد خاصه اگر نحس باشد در برج ذو جسدین
و چهار شد کثیر النوع و سرور و راحت نفس و بدن و حمیده طویل العمر بعد این از خوف و الوان و صاحب مدت عالیه
بین مردم و هر وقت از جهات کثیره باشد و اگر نحس باشد نحوس هم چنین دلیل ضد آنچه ذکر شده خواهد بود قلیل الولد یعنی حول
رب مثلا اول و ثانی مشتری و در آنکه چند دلالت کند بر آنکه مولود جای شده از جهت او اولاد و اسباب ری و شفع سبب آنکه خواهد شد
پس اگر نحس باشد یکی از اینها در مکان چند و دیگری مکان نوری خواهد بود از جهت مولود ولد و لکن محزون در حق او نحس باشد
در مرسی یا محترق خواهد بود از برای مولود ولدی یا اگر نحس باشد مشتری محترق و بودن قمر در مثلا ... دلالت کند بر کثرت

اولاد خصوصا اگر قمر بشد در موضع نیکوی از فلک پس اما اوره ولدان خامس در بیت او و سهم الولد و مشتری و زهره و عطارد و
وارباب مثلثه خامس او را حال مولود است و ارباب مثلثه مشتری اگر در عمر مولود است پس هرگاه که قمر بشد او را ولد در طالع یا وسط السماء
یا هابط فقیر یا خامس روزی خواهد بیت اولاد رب بیت او و اگر قمر بشد در برج ساقط یا برج ثانی یا ثامن حاصل خواهد شد از جهت
مولود اولادی در وسط عمر سن بزرگی و در زایل در اواخر عمر پس اگر قمر بشد این اولاد در اینکه غیر جیده بشد اتصال و کوکب
ناظر بشد خواهد بود اولاد به گزارش گرفت رب خامس یا بیوت کنی در خامس و در برج عقیم بشد پس دلالت بر فقد اولاد باید
و خواهد بود قلیل از جهت نقوح و در برج عقیم آن قوه واحد و میزان و جدی و دلو است پس هر زمان که قمر بشد وسط السماء از برج
کثیر الولد و دران حدی بشد و صاحب آن مسعود دلالت کند بر کثرت اولاد و صلاح ایشان بر قدر سعود و هم چنین است قول
بر باقی الاقلام هرگاه سعد بشند و هرگاه نحس بشد خواهد بود بر عکس حول سعود و معادن دلیل اولاد و ذکر است حول سهم السعادة و سهم
الولد و سهم الغیب و ابتنی نظر به کوکب طالع و خامس و قمر در بیت او در بروج مذکر دلیل است بر ذکور و در بروج مونث بر اناث
دلالت دارد و از اختلاف مواضع دلالت دارد بر تخنث و حصول صاحب زر بجای کثیره و در برج مذکر دلیل اولاد و ذکور است
و در مونث دلیل موث است و حصول ارباب مثلثه مشتری در برج کثیرة الولد دلیل بر کثرت اولاد است و در بروج قلیلة الولد
دلیل قلت اولاد و هرگاه که قمر بشد رب خامس بری از نحوس و از کواکب خارج و در موضع جید از طالع بشد و مقبول و بیت او
نیکو دلیل کثرت اولاد و صلاح موصوف دارد و اگر قمر بشد اتصال بین این رب طالع از مواضع رویه خواهد بود اولاد و کثرت
بدون صلاح و سعادت پس اگر مقبول بشد و رب خامس در وتد بشد پی رسد مولود را از اولاد خیر و منزلت عظیم پس اگر قمر بشد رب خامس
در بیت و شرف خود خواهد بود اعظم دلالت بر شرف پس اگر متصل بشد رب خامس برب ثانی یا رب او خواهد بود اولاد از جهت
سلطنت و ولایت پس اگر مقبول بشد خواهد بود اعظم منزلت و اگر غیر مقبول بشد خواهد بود حال آنها ضعیف بسلطنت و هرگاه که
قمر بشد رب خامس در بیت او و در برج مونث فرع مولود سبب اناث خواهد بود و اگر مخنث بشد خواهد بود از جهة او ذکر و انثی
و هرگاه که قمر بشد رب خامس در هبوط خود و متصل شود برب ثامن در وتد یا بعضی حظوظ خود دلالت کند بر هلاک مولود از جهة اولاد
خود و هرگاه که قمر بشد رب طالع نحس در بیت خامس در هبوط دلالت کند بر هلاک مولود در طرف شدن مال او بسبب ولد و هرگاه که
متصل بشد در رب طالع در هبوط یا بکت الشعاع یا داخل باحتراق شده بشد دلالت کند بر هلاک مولود و اگر قمر بشد داخل در حجر ق
در بیت عاد و غیر خانه کمال بشد خواهد بود مولود عقیم و هرگاه که قمر بشد مشتری در برج کثیر الولد و در بعض حظوظ خود قمر شغل و

الاولاد

در وتد یا مایل وتد قمر خواهد بود مولود کثیر الولد سیما اگر عطارد بود در وسط السماء در برج کثیر الولد و هرگاه که قمر بشد مشتری در خامس
و زهره و عطارد بود بری از نحوس دلالت کند بر کثرت اولاد و صلاح ایشان و هرگاه که قمر بشد مشتری نحوس برج دلالت کند بر هلاک
اولاد مولود و بقلیل بعضی از ایشان و شدن و اگر قمر بشد ذنب با مشتری خواهد بود بی فرزند و هم چنین هرگاه قمر بشد مشتری
در بعضی مناحس یا در احتراق یا در هاوی و هرگاه قمر بشد مشتری در برج سابع یا در رابع یکی یا ناظر باو از عداوت رب بشد که کشته
مولود ولد خود یا سبب او در هلاک او بعد تدبیر او و هرگاه قمر بشد زهره در نصف صاعد از فلک و شرقی بشد پس مولود
خواهد بود دیه ولد خود را در حداثت سن و اگر در نصف هابط قمر خواهد دیه ولد خود را در نصف آخر عمر و هرگاه قمر بشد زهره
بمقابله زحل بدون نظر مشتری خواهد بود مولود عقیم و قلیل الولد و هرگاه قمر بشد سعود در خامس دلیل بر عظمت مولود است در ریاست
بسیاری خصوصا هرگاه در خامس یا طالع حظ زهره و مشتری بشد که دلیل عزت اولاد و سعادت و کثرت فرح مولود از قبل هدایا و تحف
و اشغال محمود داشته بشد سیما اگر قمر بشد از برای زهره در مولود حصه مثل اینکه رب طالع یا خامس یا سهم السعادة یا سهم الولد بشد حول
نحس در خامس دلیل کثرت ضعف و امراض و سقام و هم و حزن و بدی حال اولاد خواهد بود پس اگر قمر بشد با ذنب دلیل
بر هلاک است و رای عکس هم چنین است قول بر عطارد و اگر قمر بشد با زهره مقصد ثانی در ذکر دلالت کواکب بر احوال
آنها در بیت خامس زحل در خامس و حظی داشته باشد منتزع از مناحس دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود از جمله عظماء و اغنیاء و صاحب
عمارات جیده کثیره و ثابت قدم در امور و مشهور پس خصل داد و صاحب اولاد و نرکه طبع و منتفع بسبب اشجار و غرس شده
پس اگر صلاح احوال قمر در ناشد صاحب حظ خواهد بود اولاد در وقت و بعضی در ضیق و تنگی و تفت مال و حضور در معاینه
و در دلیل او بر عکس خواهد بود و در اواخر عمر کم توفیق در اعمال قمر ضعف احوال که هلاک شود بسبب مال و هرگاه که قمر
بشد صاحب مرض قمر بهلاک رسد سیما اگر قمر بشد هابط بود بر مقابله زحل یا مربع و یا مقارن پس اگر نظر کند با و مشتری و مسعود بشد
دلالت کند بر رسیدن فواید از قبل اولاد و بعد مولود هر چند از مواضع بعیده باشد و اگر نظر کند با و مریخ از عداوت در حال نحوس بشد
برسد بعضی اولاد و مکروه پس اگر نظر کند از برج حزانی قمر اذیت از جهات یا درسد و اگر نظر کند با و شمس از موت و مسعود
رسل یعنی ملوک و مطلع بر اسرار ایشان بشد خواهد رسید فواید عظیم با و از علاوت خواهد بود از قبة آن و اگر نظر کند با و زهره
و مسعود بشد برسد مولود فواید عظیم بسبب اولاد و تحصیل اشیاء نفیسه از قبل هدیه و بیع و شری و اگر نظر با و عطارد و مسعود بشد دلالت
کند بر ورود مسعود و اخبار و احادیث عظیم مسرور و اگر نظر کند با و قمر و مسعود بشد دلیل بر سرور و فرح بسبب توسط بین ناس قمر و مستغر

در امور تجارت نماید و عود از سفر با فرح و سرور و اگر نحوس باشد قمر در خانه نهم چنین خواهد رسید بمقصود او اواخر از بر وت
در طرف بلاد خیل و کاه در خانه نحوس باشد دلیل ضد آنچه ذکر شد و اگر مشتری در خانه صاحب حظ بود سلیم از مناحس
باشد پس حج خواهد بود و فایده چنین دوست سعادت او در میان شرفا و لیکن صحبت کند و اخبار رعایا و زایر قبور صلحا و عبده
دیانت و تقوی و اکثر اندر خانه او رخیم دلیل دانش پس اگر نظر کند با مریخ از نحوست دلیل رسیدن خیر در شهر از اسفار و اولاد
محمود و دیانت و غفلت داند و از عداوت و مقارنه دلیل کثرت غضب و اذیت از جانب سلطان داند و اگر باشد که
بعثت او از ملوک و حراب کنیزان و حمیت با اشراف و علما و شرفا آنکه ترک راه کرده و بیابان و اولاد و اقربای حارّه یا اذیت از بهایم
برسد و اگر نظر کند با شمس از نحوست دلیل حصول خواهد است از ملوک بر سبیل سرور و عظم قدر و جاه او نزد ملوک بود با صدق قول
و زینت و کثرت اصدقا از اولاد و طول عمر اولاد او و اگر بود باشد از عداوت دلیل ارث آبا و صحبت ملوک و حصول مال از قبل
ایشان خواهد رسید مردم باعزاز او و از جهت جود و کرم و دقت عمر اولاد او و اگر بود باشد [illegible] و اگر نظر کند با زهره دلیل است
بر حصول ولد و بسیر شدن زنان بجهت او و در اکثر اوقات فرح و سرور بود کثیر الشهوه و لعب و عادتیه در حق اخوان و اصدقا و نفع
مالی باشد و اگر نظر کند با عطارد و مسعود باشد دلیل بر وصول اخبار سرور و رد و بسبب صناعات و حکایات و حرکت بسیار باسرور
بود باشد و اگر نظر کند با [illegible] دلیل بر وصول اخبار سرور [illegible] و نحس باشد دلالت بر مفارقت
وطن و اهل و ولد کند و برسد با و اشیای که باعث حمق او باشد و اگر بود مشتری نحس دلالت کند بر تنقل و مطالبات و
باشد که کذب و دروغ در حق او گفته شود و اگر سفر کند خواهد رسید بمظنون خود مریخ در خانه صاحب حظ و سلیم از مناحس دلالت
کند با آنکه موقوف خواهد بود از اصحاب جهاد و فایده یا قایم مقام آنها و قوی البنیه عظیم الشهادت و هیبت نزد مردم و ملوک بود و خواهد
رسید با و کرامات و غیر عظیم از جهتی که امید نداشته باشد و خواهد بود عارف بسیار بنهد پس اگر نظر کند با شمس از نحوست تسلط
خواهد شد بسبب او و ملوک حال او و برسد با و اشیای نفیسه و اگر از عداوت باشد با قران دلیل ضد آنچه ذکر شد خواهد بود
و اگر نظر کند با زهره از نحوست یا مقارنه دلالت بر بعضی موقوف است رسیده کثیر الامال و حب نکاح و دانسته کثیر الاولاد و بود فرح
و سرور بسبب تزویج [illegible] و اکثر اوقات از جوانب [illegible] باشد تفصیل نماید و اگر نظر کند
با عطارد و مسعود باشد دلیل سعادت موقوف است بسبب کتابت و در رسالت [illegible] باشد که خدمت بعضی ملوک نماید و اگر نظر کند
با قمر دلیل نقل و حرکت و سفر بسیار و در رسالت بین علما و قضات [illegible] ایشان باشد و اگر بود باشد محتاج در آن بر حال دلالت

رفقه و اولاد و کثرت

بر رفقه و اولاد و کثرت امراض آنها و رسیدن غرامات کلی و خروج اشیا در غیر مرض خود و بر طرف شدن مال از او و بسبب
سرقت و دزدی دچار حریق آتش یا موت بعضی اولاد موقوف شمس در خانه صاحب حظ و سلیم از مناحس دلالت کند
بر عظمت و قوت نفس و کرامات نزد بنی آدم و صحبت عبادت خدای تعالی و اکثر از آن باره و رفتن بجای متبرکه او و برسد خیر و فواید از
قبل وزرات ارباب و قایم مرتبه و خواهد بود مظفر با اعدا و قوی باشد در امور [illegible] امور جلیله و رفیع
شدن بسبب اعمال در ولایت و خواهد بود معظم عظیم نزد ملوک و اهل ولایت و زیادتی در اولاد و کلام [illegible] بسبب
شده اگر بود باشد نحوس با او خواهد بود [illegible] پس اگر بود باشد با آن زهره در راج باشد دلیل است بر کرامات نفقات
[illegible] پس اگر بود باشد با آن عطارد و مستقیم باشد دلیل کثرت
اخبار سرور داند و بر آن [illegible] و اگر نظر کند با قمر و مسعود باشد دلالت کند بر اتصال فرح و سرور
و نقل از حال بحالی [illegible] و تقدم او و اکثر اوقات [illegible] و اگر بود باشد
[illegible] دلیل ضد آنچه ذکر شد خواهد بود [illegible] زهره در خانه
صاحب حظ و سلیم از مناحس بود دلالت کند بر عظمت و ریاست و حسن تجمل و کرامات از بنی آدم [illegible] کثیره و کثرت
شهوت و حب نکاح و حصول اولاد و مسرت بجهت ایشان و تحصیل اشیای نفیسه [illegible]
باشد و اگر نظر کند با مشتری یا قمر و نظر مسعود باشد دلالت [illegible]
[illegible]
اگر نظر [illegible] کند با عطارد و مقارنه دلیل اشتغال او از اخوان و اصدقا [illegible] اخبار و حکایات سرور کرده و اگر نظر کند
با قمر دلیل تسلط بین مردم [illegible] کثرت [illegible] از جانب آنها و کسب مال [illegible] و اگر نحوس باشد کثیر
[illegible]
[illegible] دلیل بر کثرت [illegible] و فرح [illegible]
آنها [illegible] و کثرت رزق است عطارد در خانه صاحب حظ و سلیم از مناحس دلالت کند بر کتابت و خطابت و بلاغت و علم
[illegible] اگر بود باشد در برج [illegible] با اموال [illegible] در تجارت [illegible]
[illegible] عقل و الطاف

در شب و پس اگر بود باشد شرقی خواهد بود مشتری جامع مال واقف شبهای تسلط بر اموال قمر از عزیز و خواهد بود جهت او زنی
مسلط صاحب جمال و طویل القامه کثیر الولد و اگر غروب باشد خواهد بود بخیم و تا جره عالم ریاضی و حافظ مال و اگر نحس باشد
خواهد شد او پس اگر نظر کند به قمر و در برج سعود باشد دلیل سرور او بسبب اهل او و اولاد بود قتل از ملک نفس دیگر بعد از آن
نایبه و اگر بعید باشد قمر در فوایدات فرزند دلیل آنکه غریبا عادت درجه مولود است و اگر ناقص باشد دلیل وفات مولود است
و اگر عطارد نحس باشد خواهد بود حکم عکس آنچه ذکر شد **قسم** در خانه مس صاحب عقل از عقل و خود سلیم از خانه حس و دلیل سعادت و ثبات
در خیرات و تقدم بر نفس و دوام و شرف عظیم است سیما اگر بعید باشد در سهم السعادت باشد که ارث او بدین ابراه و غیر که بری باد و برسد
و دولت بر رفعت مولود از وطن و در ملک و اولیای و در ایام بحر حکومت دارد بیاده بجماعه نه هدی که در به اولاد کرده و دختان از فرح
و سرور و کثرت فواید نجوم پس اگر بعید باشد با او سعود با نظر او از عموت دلیل حصول فواید است از قبل اسفه سلوک پس اگر
نظر کند با و زحل و مریخ از عداوت دلالت بر فوت و انقطاع و مفارقت ابوین دارد و کم اولاد و هم دلیل بد او و اگر قمر نحس باشد
دلیل عکس آنچه ذکر شد دارد **شمس** در خانه دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود صاحب دوستی و اگر جسد در زحل کند مولود شبیه عقیم
اولاد و نفس محله بود دلیل کثرت اخوان و احمد قادر و فتنه از حرکت و اهل ایاب است و خواهد رسید باو شیئی تقلیب و فرح
بسبب اهل و دولت بود بسانه و اگر جسد مشتری نایبه با نظر او دلیل حسن حال و سیادت و ثبات و ترقی در ملک دارد **زهره** در خانه
مولود خواهد بود مسرور از جسد و ملک و مراد بسبب و جهت او و نحوست روشنایی قسیم از او خاصه کرده و دارد و ثبوت با او در ادراک اولاد است
احداری که مسرور باشد پس اگر بعید باشد با او مشتری بدو نه یا نظر او خواهد رسید باو جاه و درجه و نظر کند و کمکی از جمله
بر آنکه دو و هم چنین است قول بر اولاد و اگر بعید باشد با او زحل یا مریخ یا نظر او یا هم دلالت کند بر هلاک اولاد دلیل مولود **مقصد
ثالث** از ذکر دلالت است خاص در بیوت بعد از او در **طالع** دلیل سروری خلوت اولاد و ذکر در بطریق حرکت و در ایام شب
جشم مولود سبب اولاد روشن شده و سعید خواهد بود مولود و در **دوم** از برای مولود اولادی خدا کرامت خواهد کرد که رنج کشیده
در بنیاد و تحصیل خواهند کرد و از جمله خدمه ملک بعد و اگر اولاد سبب او بری از کسی دور شود خود بعد خواهد بود از برای اصلاح کرم
جابر بعد مال مردم و صاحب شوکت در مال ابوین خود او و اگر نحس باشد ارث بزرگ مال حاصل شده و در **سیم** خواهد بود اولاد
در غربت و مسافرت گذران و غیر کسی و مصادقت جمیل با نفسه رسد و در **چهارم** خواهد بود اولاد او شقیق و بسبب آنکه شدت
و عداوت که قدر کرده پس اگر بعید باشد سبب او بری از کسی دور شود خود خواهد رسید مولود و ارث و میراث ابوین و اگر نحس باشد

ولی اولاد

مجوس خواهد شد و اولاد او در سفر شدت خواهند افتاد و در **پنجم** خواهد بود از جهت او اولاد و مولود چنین که بخت او روشن چشم مولود کرده
و در **ششم** خواهد بود از برای اولاد او در غیوم و به تقدیم و صاحب عیب پس اگر بد اموری از نحس باشد و در غربت خواهد بود اولاد
نقصان و از جواری و از جانب آنکه خیر و فواید بشند و کار او باشد که طبیب بعد باشد و در **هفتم** دلالت کند بر آنکه اولاد مولود
جواری و از جانب آنکه خیر و فواید باشند که باشد بعد در مقام عداوت و حضر در مولود بر آیند و سبب باشد که غربت کند مولود
کسر و کم تیز اولاد و خود بعد و اگر شدت بعید از جهت او سبب تیز نکاح خواهد کرد و فرزند به عقد او و در **هشتم** قلیل مولود
مال او و غربت و بعد از او و قلیل العیش بعد اولاد و او خواهد بود کاسب و در **نهم** میرسد در غربت باو اولاد و خیر و فایده بر جمیع که شده
نزد در روشنی چشم مولود کرده و زنده که بعد از جلوه صلاح باشد و اگر نحس باشد از عکس خواهد بود و در **دهم** فرزندان خواهد بود اولاد
مولود ظاهر او بسبب و در اول اعمال که خیری در او بیافته شده و در **یازدهم** دلالت کند بر آنکه مولود سبب ان اهل است خود بعد و اولاد در
غربت بسبب نشده از اولاد او با والد خود در نزاع و خصومت که امر باشد که صاحب اخلاق ردیه باشد و در شد از آن هر گاه نحس شده
سبب او دولت کند بر کثرت و فخر آنکه و در **دوازدهم** دلالت کند بر قلت اولاد و که امات که اولاد او عجیب بود سبب آن سبب
هلاک کند و اگر نحس در آن باشد که خواهد بود جهت مولود اولادی انبیه **مقصد رابع** در دلالت سهم الولد و در سهم کیت تا نزد کسی به
انتقال سهم الولد کواکب دلالت کند بر کثرت اولاد و عدم نظر او دلیل قلت اولاد و دولت پس اگر بعید باشد با نظر او نحس عداوت
در غربت در خانه و فاسد خواهد بود سبب باشد که نقل اهل او سقط شود یا بمیرد در طفولیت از انواع و نحس دلیل اولاد و ذکر در انواع او
بعد اولاد و دولت است و مقارنه با زحل دلیل بر عقارت است سیما اگر بعید باشد زهره سعود بر زحل و نا ظر شده با او مشتری و اگر نحس
در طالع شده سبب خواهد بود حجت مولود در اول خود سبب اگر بعید باشد صالح الحال بر از ذکر نحس خواهد بود اولاد او نیکو و صاحب صلاح
و تقوی و دین قوی و اگر نحس باشد خواهد بود اولاد او سلاطین و مذهب اسحق و در ثانی اگر نحس شده دلالت کند بر غربت اولاد و خواهند
بود از جمله خدمه ملوک و تحصیل از سبب ایشان نمایند و اگر صالح باشد سهم خواهد بود جهت مولود سلطنت و بزرگی جهت او و صاحب اموال
بعد است از طرف اقرباء و بیر شده و اگر غیر صالح باشد اولاد و جامع مال بعد است با تنها خواهد رسید و در ثالث خواهد بود اولاد و صاحب حج
و نایبه و از اهل حال و در رابع خواهد بود اولاد اعدای مولود و اگر صالح باشد سهم و برسد از اجداد او ارث باو و دولت و اگر صالح باشد
کسی خواهند شد اولاد و در زنده ان و سیاه یا کرفتار خواهند شد و در خامس شده خواهند شد اولاد و مولود تفضل و فضیلت و
در سادس یا سعادت صاحب اولاد از خامس خواهد رسید بزرگی باو و مولود از جانب حکام و سلطان و بعضی از ایشان طبیب خواهند شد

و اگر نحس باشد خواهد بود با اولاد او عیوب و کم عمر باشد و اگر باقی مانند متفرق در بلاد شوند و جمع در یک مکان
نشوند و در سابع دشمنان و خصمای مولود اولاد او باشند که خصم با او باشند سیما اگر شهادت دهد رب طالع و در ثامن سیما که
رب او از مناحس ارث خواهد برد مولود مال او را و خود او و اگر نحس باشد دلیل قلت اولاد است و اگر [illegible]
او و اولاد واقع شود و در تاسع سلیم از مناحس خواهند بود اولاد او مردم متدین معروف بصلاح و دین داری و اگر نحس باشد
نخواهد بود اولاد او صاحب ورع و دین و عامل اعمال خیر باشد که معاقب باشند و در عاشر سلیم از مناحس او و رب او خواهند بود
با او و داد و عیوب و عامل [illegible] و اگر نحس باشد خواهد بود [illegible] و در حادی عشر [illegible] باشند اولاد او
اصحاب حضرات و به خلق [illegible] سیما اگر سعد باشد رب او و نحس که دلالت بر کذب و فریب [illegible] نماید و در ثانی عشر دلالت کند
بر قلت اولاد پس اگر سالم باشد رب او از مناحس و شهادت دهد رب خامس خواهند بود اولاد او دشمن و خصم او و دلیل تفرق
ایشان در بلاد و اگر نحس باشد با رب او خواهد بود جهت او اعدای که [illegible] الحکم در سهم الحیات [illegible]
و چنانکه سعد باشد سهم الولد دلالت کند بر صلاح نسل [illegible] و وقت حیات و سلامتی [illegible] دلالت کند سهم
الولد [illegible] و تغییر مزاج و کثرت امراض و ضعف قوی و قلت حیات خواهد بود فصل [illegible] در ذکر دلالات
بیت سادس و حلول کواکب در آن و اتصال ایشان با یکدیگر و آن مشتمل بر دو مقصد است مقصد اول سلامت طالع و
بسهم العبید از مناحس و حلول او در مواضع جیده سیما وسط السماء و سعود ناظر باو دلالت کند بر کثرت عبید و ممالیک و سعادت
بسبب ایشان و نفع بردن از ایشان حلول زحل در اماکن جیده با سلامتی از مناحس و بر اتصال رب طالع و ناظر باو و سعود
در حالتی که [illegible] در طالع [illegible] باشد دلالت کند بر حصول عبید [illegible] حصول مشتری در سادس و رب او [illegible]
ناظر باو [illegible] دلالت کند بر عبید و منفعت از ایشان بودن عطارد در ثانی عشر ناظر بسعود دلیل است بر عبید و منتفع شدن
از ایشان حصول زهره در عاشر و قمر در سادس یا ثانی عشر دلالت کند بر آنکه مولود صاحب عبید باشد سعادت از ایشان بیند و منفعت برد
حلول عطارد در طالع یا عاشر در بروج [illegible] دلالت کند بر [illegible] مولود عبید بسیاری و بودن عطارد در مکان [illegible] ناظر
بسعود [illegible] دلیل است بر سعادت و منفعت از قبل ممالیک و عبید بودن زهره در وسط السماء [illegible]
دلیل سعادت است که میرسد از جانب عبید مولود و بودن رب خامس در سادس متصل برب طالع دلالت کند بر خادم بودن
اولاد مولود نزد غیر [illegible] باشد که رب او [illegible] و اگر سعد باشد رب خامس [illegible] باشد که عبید [illegible] مولود باشند حصول رب سادس در عاشر

صاحب طالع

صاحب طالع دلیل است بر آنکه مولود صاحب خدم و ثروت بسبب عبید گردد اتصال رب سادس با قمر و رب طالع دلیل
و خدم است پس اگر سعد باشد سادس برج مذکر اغلب آنست عبید باشد و اگر مؤنث باشد آنست جواری باشند بودن قمر [illegible]
با جزو سهم السعادة یا ناظر باو و [illegible] بنظر محمود دلالت کند بر عبید و خدم پس اگر اتفاق افتد [illegible] درجه
از عطارد و دلیل بر عبید [illegible] و قلت منفعت از آنها و کثرت مضرت بودن قمر [illegible] بسهم السعادة یا ناظر باو در قوت با اشتراک
سعدین در نظر محمودی دلالت کند بر عبید [illegible] از قبل آنها [illegible] اگر اتفاق افتد [illegible] سعد باشد سهم
در موضع جیدی و رب او در موضع قوی [illegible] پس خواهد رسید از آنها خیر [illegible] پس اگر اتفاق افتد که سعد باشد سهم [illegible] قمر و قسم
نحس [illegible] باشد دلالت کند بر حصول عداوت و دشمنی و اگر سعد باشد سهم در سادس یا ثانی عشر با کثرت عطارد دلیل خوف
از عبید است [illegible] از جانب [illegible] سادس یا ثانی عشر [illegible] دلیل موت عبید است با اعدای او [illegible]
رب سادس در سابع [illegible] دلیل موت عبید [illegible] است بسبب [illegible] در سادس و رب او [illegible] سهم العبید
[illegible] عطارد در [illegible] و اگر نحس [illegible] دلیل قلت عبید [illegible] خواهد بود [illegible] ذکر
کردیم دلیل کثرت عبید و منفعت از ایشان است مقصد ثانی در دلالات سهم العبید است حلول او در اوتاد و دلیل سعادت مولود است
از عبید و خواهد بود جهت او عبید [illegible] با صلاح پس اگر سعد باشد در وسط السماء خواهد بود بهتر از این پس اگر سالم باشد
رب او از مناحس خواهد بود خیر کثیری از جانب سلطان و اگر نحس باشد بسبب آنها [illegible] خواهد افتاد و اگر سعد باشد در طالع [illegible]
خیر از قبل [illegible] و اگر سعد باشد در رابع [illegible] از جانب [illegible] و اگر در سابع باشد خیر خواهد
بسبب آنها از طرف زنان و اگر در عاشر [illegible] باشد خواهد بود میانه او و عبید [illegible] و اگر در تاسع [illegible]
بری از نحس خواهد بود [illegible] او صاحب ورع و دین و اگر نحس باشد خواهد بود [illegible] و اگر در ثانی یا ثامن یا سادس یا ثانی عشر
باشد خواهد بود عبید [illegible] و اگر سعد باشد نحس خواهد بود [illegible] سادس یا ثانی عشر
در بروج [illegible] کند با [illegible] مشتری [illegible] سعادت [illegible] سیما اگر نظر کند مشتری
[illegible] پس اگر اتفاق افتد که سعد باشد زحل در سابع خواهد بود [illegible] از این و حلول او در مثلثه [illegible] سلیم از مناحس دلالت کند [illegible]
[illegible] سیما اگر سعد باشد [illegible] و اگر سعد باشد در [illegible] خواهد بود [illegible] انواع بودن
[illegible] سهم السعادة خواهد بود مولود صاحب [illegible] و صلاح پس اگر سعد باشد با او قمر و صاحب طالع باشد [illegible] و استقبال [illegible]

دلالت کند بر کثرت شراب و مواشی و بیوت عبید در رابع و ربع بهیمی دلالت کند بر این بیوت مولود بر صاحب [illegible] فلک
مشرق و قوی در بروج ذی اربع و قایم باشد دلالت کند بر ابل و دواب و مواشی و سعود و نحوس از قبیل [illegible]
کواکب در بروج مذکوره بسیار اثر [illegible] طالع و شهادت نحوس دلالت کند بر ابل و دواب [illegible] در بروج ذی اربع
قایم منحوس [illegible] منفعت به دواب است و اگر نحوس باشد بسیار [illegible] دلیل [illegible] مولود [illegible] و اگر
او منکوب باشد دلیل قلت دواب است و عدم [illegible] کواکب مذکوره و سقوط از این بروج و از او و دلیل
[illegible] است و عدم دواب است [illegible] باشد که دلالت کند بر [illegible] و اما دلالت سهم الدواب [illegible] دلالت سهم [illegible]
مقصد ثالث در ذکر دلالات کواکب بر قوی و حواس و منافع و اخلاط و اعضا و علل و امراض است زحل از ارادات قوت
ماسکه و سامعه و برودت و یبوست و اخلاط [illegible] سودا [illegible] جامده و از اعضا گوش راست و [illegible] و جگر [illegible]
و استخوان و [illegible] و از امراض جذام و نقرس و [illegible] که [illegible] با اعضا [illegible] وجع [illegible] قولنج [illegible]
و وجع ارحام و [illegible] استسقا و [illegible] و جمیع امراض مزمنه [illegible] از برودت و یبوست مشتری از جمله قوت
قوت نفس [illegible] و غاذیه و [illegible] حرارت و رطوبت معتدله و [illegible] معتدل [illegible] و از اعضا گوش چپ و [illegible]
[illegible] معده و کبد و [illegible] و از امراض [illegible] و صداع و [illegible] و جمیع امراض [illegible]
[illegible] مریخ منسوب است به قوت [illegible] حرارت و یبوست و مره صفرا [illegible] و از اعضا [illegible] کبد
و مراره و [illegible] و از امراض [illegible]
[illegible]
[illegible] شمس منسوب است به قوت حیوانیه و حرارت و یبوست و مره
صفرا [illegible] و چشم راست [illegible] چشم چپ [illegible] و از اعضا [illegible] و قلب و معده و عصب و [illegible] و جمیع
اعضا جانب راست و از امراض [illegible] زهره منسوب است به قوت شهوانیه و برودت و رطوبت معتدله [illegible]
[illegible]
[illegible] عطارد [illegible]
[illegible]

الدم و جنون

الدم و جنون و ذهاب عقل و وسواس سوداوی و صرع و سقوط قمر منسوب است به قوت نامیه [illegible] و برودت
و رطوبت و بلغم معتدل و از اعضا چشم چپ مرد و چشم راست زن و دماغ و عنق و ثدی و معده و [illegible] تمام
اعضا جانب چپ و از امراض [illegible] است و [illegible] فالج است و لقوه و [illegible] اعضا و [illegible]
شود از برودت و رطوبت مقصد رابع در ذکر دلالات بروج است بر اعضا و امراض حمل منسوب است به سر و
وجه و امراض او [illegible] وجع [illegible] ثور منسوب است به
عنق و [illegible] حلقوم و [illegible] جوزا منسوب است
به [illegible] سرطان منسوب است به
صدر و قلب و معده [illegible]
اسد منسوب است به [illegible] و قلب و جنب و ظهر و امراض [illegible] سنبله منسوب است
به [illegible] میزان منسوب است به
[illegible] عقرب منسوب است به
[illegible]
[illegible] قوس منسوب است به [illegible]
[illegible] جدی منسوب است به [illegible]
[illegible]
بروج است دلو منسوب است به [illegible]
[illegible] حوت منسوب است به قدمان [illegible]
[illegible] مقصد پنجم در ذکر دلالات امراض است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] سادس

در وسط السماء و رب طالع در طالع خواهد بود مولود صحیح از صغر و خواهد رسید یا در ایام شباب خوب با وجز کثیری و اگر بود باشد
رب طالع در وسط السماء و رب سادس در رابع میرسد باو انچه ذکر شد بعد از شباب و خوف باو از سقوط از مکانی که
بلند باشد بعضی استخوان او و اگر بود باشند همین در رابع خواهد رسید این ضرب در آخر عمر و خواهد بود مولود عیسی با اعمال
و رب باشد که سالم باشد از عیوب پس اگر بود باشد موضع اتصال در اول برج خواهد بود عیب در وسط بدن و اگر بود باشد
در آخر برج عیب در جلین خواهد بود با بلا هر وقتیکه بود باشد کوکبی در ثمنه از نیرین در وی بود دلیل حال مقام بود باشد
سیما در علت بود و هر وقتیکه بود باشد کوکبی در اوتاد و نیران ساقط باشند دلالت کند برو جمیع جنبین و اتصال کوکبی یکی از نیرین
دلالت کند بر بیع سل و هر وقتیکه بود باشد کوکبی نحوس بدون نظر سعدی پس نحو ببرد و کوکب نیرین از کثیرین یا یکی از این
دو دیگری بر مقابله یا بود باشند هر دو شرقه از شمس و منحوسه از قمر دلیل زمانت در جنین است همچو و اگر بود باشند نحوس با نیرین
با شرف بود و از عاشر پس موقتی خواهد افتاد از موضع مرتفعی و یا بعیب … گرفتار شده و بعث موت او نحو و کوکب
نیرین فوق الارض دلیل ضرر از شیئین مولود است و اگر تحت الارض باشند ضرر در دماغ و معده و دریه باشد و اتصال هر یک
در کثیرین بمشتری از اوتاد با ضعف نیرین دلیل بر عیوب شدن بعد مولود است با نظام و اگر کلف نحوس شمس در برج عالی رتبه
بود باشد دلیل کنگی است پس اگر بود باشد در اسد دلیل بر زمانت و علت است و کوکب طالع و قمر و مریخ دلیل شکستن بیماری
دیر قان از مرارت و کبد بسیار از امراض دموی صفراوی باشد بود قمر در ثامن با سهم امراض دلیل کسر عضوی از مولود است
پس اگر شهادت دهد او را زحل دلیل سقوط از بالات بر زیر پس اگر بود باشد در حادی عشر و مریخ در ثامن شکسته خواهد شد
کثر اعضای او و اگر بود باشد مریخ در طالع و پس سابع بر مقابله قمر و نقی النور بود قمر و در برج مقطوع الاعضاء دلالت کند
بر قطع عضوی از مولود و کوکب سهم الغیب و سهم الغیب و رب هر دو در قوس و جدی و دلو و حوت باشد دلیل بر مرضی است
از نقرس یا وقوع در دست و پای او مرض اکله سیما اگر در جوزا یا سرطان باشد طول کوکبی در طالع یا سادس یا در برج مقابله
این دو خانه بود باشند دلیل آفات و علت است سیما اگر نیران در اوتاد باشند یکی شرف و نیرین در اوتاد دلیل آفت
و علت در اعضاء او است و اگر بود باشد سهم الغیب یا رب سادس در برج حوت دلیل بر قروح است که بمولود رسد از رطوبت
و اگر بود باشد رب سهم الغیب یا زحل در برج حمل دلیل علت در سر مولود است و اگر بود باشد مریخ در عقرب دلیل علت
بر اعضاء است پس اگر عقرب سادس باشد یا تحت نظر باشد دلیل … است یا بواسیر بود کثیرین و زهره و قمر در منازل مائیه

دلالت کنند

دلالت کنند بر امراض رطبه از جوره و برص و برص و سرطان و جذام و اگر بود باشد سهم الغیب در دلو و زحل در جدی
بر بیع عطارد بود و عطارد بود رب سهم السعاده باشد دلیل مرض نقرس است اتصال قمر بزحل بعد از اجتماع بدون نظر سعد
دلیل بر جذام است بودن قمر در حمل با نور باز زحل و مریخ دلیل جذام است و بودن مشتری بزهره و رب سادس در بر نظر
نحس دلیل بر مرض است از جوره و نقص صورت و اگر بود باشد کوکب دال بر مرض در برج ثابت خواهد بود مرض ثابت
و در خروج مرض بعد زیادت خواهد بود و در منقلب خواهد بود در نقصان و موضع او در بدن موضعی از کبر است که از طرف
طالع است بخو پس اگر بود باشد کوکب فوق الارض خواهد بود مرض ظاهر و اگر بود باشد تحت الارض خواهد بود خفی
و اگر برج مذکر باشد خواهد بود مرض در اعالی بدن و اگر بود باشد در برج مؤنث خواهد بود در اسفل بدن و اگر بود در نصف
در نصف مستقبل ساعد خواهد بود عیب و علت در شق ایمن و اگر در نصف مدبر بود خواهد بود در شق ایسر و بعضی گفته اند
اگر بود باشد در برج شرقی خواهد بود عیب در برج اول از عمر و هم چنین باقی اش و بعضی گفته اند که دلیل هرگاه شرقی باشد
خواهد بود وقوع علت در بدن در ولادت و اگر غربی باشد در اخر حادثه شود و بعضی گفته اند که کوکب مرض غائب وقت
ولادت است از شب در روز در منقلب برج دلیل بر تغییر هرگاه ولادت در روز باشد پس عیب … باشد و هم چنین ولادت
کند برای برج دلیل هرگاه مذکر باشد و اگر بود باشد رب طالع تحت الشعاع دلیل است بر مرض خفی مخفی اگر منفصل نحس باشد
خواهد بود مرض بدی پس اگر نظر کند با و سعدی خواهد بود حجه مرض او و دواء هر وقتیکه بود باشد دلیل مرض نحوس ساقط
خواهد بود مرض در دمانی و اگر مرتبط باشد مرض حیوانی خواهد بود و اگر رب سادس تحت الشعاع باشد میرسد باو در مرض خاص
و قیق در شکم او اگر گفته اند او اگر مشتری رب سادس بود نظر کند با و نحوس خواهد بود سقم از … که وهم کند کبد او
و اگر بود باشد شمس خواهد بود علت در قلب و یا … از چشم راست و اگر بود باشد زهره خواهد بود علت آن از قبل
عشق و زنان بود و … واسطه از این هرگاه بود باشد زهره در برج مذکر و اگر بود باشد عطارد خواهد بود مولود
افسرده … و یا … الکلام و … خواهد بود صورت او در حلق علتی باشد که … بر تکلم … باشد و کوکب …
معیوب باشد و … در دماغ او و هم چنین دلالت کند بر آن عطارد هرگاه در حد زحل یا در خانه او بود بدون
نظر سعدی و اگر بود باشد قمر رب سادس و نحوس دلیل است بر علتی در طحال و یا در چشم چپ و یا عضوی که منسوب است بوی
که قمر در … باشد و اگر قمر در سادس بر مقابله و مقارنه شمس باشد و متصل بمریخ دلیل است بر … و اگر نظر کند قمر بمریخ … نظر

دلیل است بر رقت و معرفت بعده و کبد و هرگاه بعد باشد مریخ در سادس در برج مؤنث ضرر نکند با وجه آنکه
فرع اوست بسیار هرگاه بعد باشد در وسط السما و یا در تاسع غیر سعدی یا بعد باشد بر تثلیث زیرین و ف و مریخ در بیت
سادس در و قرات کر بعد باشد در برج مذکر و نباشد در وسط السما و نه در تاسع غیر سعدی و نه بعید

مقصد ششم

در ذکر بعضی دلالات دلالت ناظر بیش است و حدوث آفت در اکثر امراض قبل تشریح کمی است از بر فقط یا مره و حدوث علت
از ذو ابه زیرین است عیق با کمی فرق بین آفت و علت آنکه آفت مرآیه نعمه در نقره و یا مرآت و طول از کشیده و جمع آن
و علت حادث بطئ تبدریج و آن بر دو نوع است یا از مرست و یا با درارت مثل مریع و ف و بعد یکی از عینین حادث
بطو از قبل ف و زیرین است که منسوب است باو و آن چشم از بعض کونی و مقارن نحو یکی از زیرین بکوکبی از کواکب سحابیه
مثل صدر السرطان و ضفیرة الاسد و جبهة العقرب و شوله و زج الرامی و راس الحقه و آنچه شبیه باینها باشد از کواکب مذکوره
صور کواکب سحابیه آنکه اینها دلالت بر کوری چشم میکنند و هم چنین هرگاه بعد باشند شمس یا قمر در درجات و آنها برخی اینها هم
دلالت بر کوری کنند و آن درجات اینست [illegible] از برج ثور و از [illegible] از برج سرطان و [illegible] از برج اسد
و از [illegible] از برج عقرب و [illegible] از برج قوس و از [illegible] از برج جدی و [illegible] از برج دلو
خصوصا اگر بعد باشد قمر ناقص در نور و محوس بزحل دلالت بر ذهاب بصارت کلی و اگر زایده در نور باشد معیوب بطئ و ابطاء او
و لکن باطل نخواهد شد سیما اگر متصل باشد بعطارد پس اثر ثابت خواهد بود بطریق خلقت و ما دامت بهم خواهد سانیه و کثرت
زیرین از هر جهت که باشد دلیل عمی است و هم چنین هرگاه بعد باشند زیرین در الکف و معرفت از سعود باشند و [illegible]
و شده دلیل صحت چشم است و در اول عمر ف و در آخر عمر اکثار یکی از زیرین در و سه از نحسین و یا مره شرق باشند از نیر
و یا مغربی دلیل ف و بصارت یا از قبل مریخ مثل ضرب و یا صدمه یا حدید و یا حرق آتش و یا از جانب زحل مثل نزول آب
در چشم و یا از برودت و نزلات و اشباه آن هرگاه که بعد باشد قمر در سادس و ناظر بزحل و مریخ از عداوت دلیل عمی است
و یا تاریکی که ببینند چشم هیچ چیز را و هم چنین هرگاه بعد باشد قمر تحت الشعاع و یا ناقص در نور و در نظر نحسین بتربیع از تربیع
و مقابله و مقارنه یا ف و نیرین دلیل ذهاب بصارت و ف و نیرین در طالع و سابع دلیل معرفت عین است و هم چنین
هرگاه بعد باشند نیران در یکی از این دو موضع و نحوس طالع کنند قبل از نیرین و یا غروب کنند بعد از این دلیل معرفت چشم است
کوکب قمر بعد مفارقت اجتماع یا استقبال دلیل معرفت بصارت است و اشد از این هرگاه ساقط باشد پس اگر نظر کنند بقمر سعود

تخفیف

تخفیف یابد و بند از این قبیل و هر وقتی که بعد باشد قمر در طالع و در طریقه محترقه و یا در برج مظلم خواهد بود نیز چشم و ظلمت
و تاریکی و هر وقتیکه بعد باشد قمر در قوس بر تربیع زحل یا مقابله او دلیل است بر ضعف بصر و هر وقتیکه بعد باشد نیز در درجه
مظلم از برج رطب دلیل ظلمت عین است و نزول آب و بدتر از آن وقتی است که بعد باشد شمس نحوس نزد [illegible]
از برج که آن دلیل باطل شدن چشم و بیرون آمدن حدقه و کوری فاحش است

مقصد هفتم

در ذکر دلالات امراض نفسانی است عدم نظر بین قمر و عطارد و طالع خصوصا اگر بعد باشد در طالع و یا در یکی از اوتاد و در باقیه نحوس مثل زحل
در نهار و مریخ بلیل دلالت کند بر آنکه عارض خواهد شد جنون و آفات کثیره در نفس و خواهد بود از مصروعین و اگر بعد باشد
زحل بالشب و مریخ بنهار خواهد بود تو مجنون سیما اگر بود در سرطان یا سنبله یا حوت باشد و هرگاه بعد باشد زهره در بیت سادس
نظر کننده بنحوس و یکی نه نحو خواهد بود تو صاحب وجع اذن و هر وقتیکه بعد باشد عطارد و قمر در [illegible] خواهد بود تو
صاحب وسواس شدید سیما اگر نظر کنند بدو نحسی طول القمر و عطارد در طالع بدون نظر سعدی خواهد بود تو ناقص
العقل و صاحب وسواس نظر مریخ بزحل و عطارد بدون نظر مشتری یا زهره خواهد بود مجنون ناقص العقل اجتماع مریخ و زحل
و زهره در برج واحد و قمر ناظر باینها پس خواهد بود تو مجنون [illegible] خواهد بود [illegible] و بودن قمر در طالع و زحل
در عاشر و عطارد در سابع دلیل است بر رقت عقل و ذات و فرغ بالجمله اجتماع زحل و مریخ در برج واحد یا بودن تربیع
از عاشر و سابع دلیل طیش و جنون است خصوصا اگر بعد باشد قمر با مریخ و اجتماع قمر و مریخ در برج واحد سیما در طالع و [illegible]
عقد با عطارد و بعد با تربیع مشتری دلیل جنون است خصوصا اگر بعد باشد مریخ یا هر دو یا ناظر باشند بدرجه زحل یا طلوع [illegible]
کند اجتماع مریخ و عطارد دلیل وسوسه و اجتماع هر دو با زحل دلیل جنون است اجتماع مشتری و مریخ و عطارد دلیل وسوسه است
[illegible] عطارد و ذنب [illegible] دلیل جنون است [illegible] سهم الغیب و عطارد و رجعت و غیره دلیل جنون است حلول زحل و مریخ در عقرب
و حلول [illegible] طالع عقرب بعد از شعاع عطارد در طالع باشد دلیل جنون است حلول نحسین و عطارد و قمر در اوتاد دلیل جنون است
و ف و نیرین و [illegible] دلیل جنون و هرگاه بعد باشد [illegible] طالع و عاشر [illegible] دلیل جنون است و هرگاه زحل در طالع
و مریخ در سابع و یا هر دو مجتمع باشند در بعضی از اوتاد دلیل جنون است بودن قمر با عطارد در [illegible] دلیل وسوسه است سیما اگر
نظر کنند بدو نحسی پس اگر بعد باشند تحت الشعاع [illegible] در برج واحد خواهد بود مجنون و اشد از این آنست که بعد باشد در [illegible]
[illegible] بودن قمر ناقص در [illegible] با سعدی و زحل ناظر [illegible] باشد دلیل جنون است و هر وقتیکه بعد باشد

قمر زایده در نور و بر نظر مریخ خصوصا از قوس و حوت دلیل جنون است و اجتماع زحل و مریخ و سهم الغیب بر وی نظر [illegible]
خواهد بود مولود مجنون یا جمیل و اکثر اهل بین نیرین در برج واحد و زحل ناظر باو و طالع نبود آنکه کند قلیل العقل هم باشد
مولود خاصه هرگاه نبود باشد علویه و قمر در او تد و دلیل جنون و قلت عقل است بودن نیرین در سادس یا ثانی عشر و کیفین
و عطارد در او تد نبود یا متفرقه در او تد و باشند بدون نظر سعدین بطالع خواهد بود مولود جمیل [illegible] مقصد ششم در ذکر
دلالات کواکب بحسب حلول آنها در بیت سادس اما زحل در سادس مسعود باشد دلالت کند بر سلامت مولود از امراض و بر دور
او بسبب عبید و خدم و اندوه و ملال بسبب آنها و ظهور حبس دین و ارث بر وی و الدین خود پس اگر نظر کند با و مشتری
و هر دو مسعود باشند دلالت کند بر انتفاع او بسبب عبید و میرسد با و فواید عظیم و اگر نظر کند با و مریخ از موت و هر دو منحوس باشند
از دواب و بهایم میرسد با و شیئی نقیصه و اگر نظر کند با و شمس از موت و مسعود باشند دلالت کند بر مشتری شدن بسلطانی
حالیکه عظیم القدر و خلاف و مهم خوب و فواید عظیم و دین از آنها و اگر نظر کند زهره و هر دو مسعود باشند دلیل نشاط و قوه
و قوت نفس و محو با و شیئی که از دست او بیرون رفته باشد و اگر نظر کند با و عطارد و از موت و هر دو مسعود باشند
دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود از اطبا و در علم او با آن تیز ماهر باشد و اگر نظر کند با و قمر و هر دو مسعود باشند فواید عظیم از جانب
عبید و حالیکه دیده و اگر نحو باشد بخوبی دلالت دارد بر کتابت کردن مولود در [illegible] و دلالت دارد بر امراض
و سقام از برودت و یبوست در قوه سوداوی و وجع پیرین در رجلین و سبب باشد که نقرس بوی رسانند و باشد از این هرگاه دلالت
دلیلی باشد که دلالت بر مضرت و ناخوشی سبب دارد پس اگر نظر کند با و مشتری از عداوت کثرت و مضرت بر مولود است و ظهور
امراض در اعضا و مولود سبب باشد که هلاک شود از آن مرض و اگر نظر کند مشتری یا زهره و یا قمر از موت خلاص می شود
از آنچه ذکر شد و اگر نظر کند با و مریخ از عداوت دلیل امراض حاره است که محتاج خواهد شد آخر [illegible] بقطع حدید و یا اذیت
کلی از بهایم یا اعدا با و خواهد رسید و اگر نظر کند با و شمس از عداوت امراض شدید یا در سر و چشم مولود بوی رسد و اکثر و از جانب
سلطان بیند و اگر نظر کند زهره از عداوت دلیل ضعف نفس و افتادن در اشیای [illegible] از قبیل [illegible] باشد و دانند و اگر
نظر کند عطارد از عداوت عارض خواهد شد جهة مولود افکار بد و وسواس و ضعف ذهن و اگر نظر کند قمر از عداوت و منحوس
باشد دلیل امراض که حادث شود جهة او از برودت و رطوبت و اخلاط بلغمیه و بر هم مشتری در سادس مسعود دلالت کند بر راحت
و سروری که مولود را حاصل شود از طرف خدم و عبید سیما اگر حد او باشد و حد عاشر هم سعد بود سلیم باشد دلالت کند که

مولود از امراض

مولود از امراض عارضه در سینه و [illegible] سالم بود نایب و مسلط با عداوت و باشد و خواهد بود کثیر الثواب و کثیر
و کثیر غلام و کثیر الرفق و از [illegible] با او ضعف و بعد دلالت بر حسن حال آبا و بنی اعمام خود دارد و ارث از ترکات
آنها خواهد برد و اگر منحوس باشد دلیل مضرت و ضرری است که بمولود رسد از قبیل حرکت و ضرر است و [illegible]
و از [illegible] باشد که ضرری در صحت آنها باشد و تلف خواهد شد مال او و دلالت بر [illegible] بود
پدر را اگر [illegible] عاشر [illegible] سعدی باشد [illegible] اول ضرر از [illegible] است پس اگر نظر کند با و مریخ از عداوت خواهد رسید با و امراض
حاره و [illegible] که محتاج شود و امراض بقطع آلات حدیدی و اذیت خواهد دید از شرب شراب [illegible]
و از بهایم بر اذیت خواهد دید و اگر نظر کند با و شمس از موت دلیل است بر سلطنت او [illegible] و صاحب شدن [illegible]
نفیس عظیم القدر بمرتبه که بهتر از آن ممکن نشود و اگر منحوس باشد با او در برج واحد یا ناظر بعداوت باشد حادث خواهد شد
جهة او امراض مزمنه و حرارت در سر و چشم و صدر او و اگر نظر کند با و زهره و مسعود باشد دلیل است بر [illegible] خدم او و صلح
با [illegible] از اعدای خود و اگر با او باشد دلیل است بر مضرت که عارض شود مولود را [illegible] و اگر نظر کند با و عطارد
و مسعود باشد دلالت کند بر خدمت [illegible] و کثیری از [illegible] افعال خیر و خواهد رسید با و فواید عظیم از حیوانات [illegible]
تحصیل نماید و خواهد بود کثیر التعرض در [illegible] نفع با و نرسد و اگر نظر کند با و قمر و بد حال باشد دلیل [illegible] و عارض
شدن امراض است از برودت و رطوبت و دلیل بقای [illegible] عبید [illegible] در بیت او مریخ در سادس دلالت کند
بر مضرت از طرف عبید و اعدا [illegible] باشد که [illegible] عظیم گرفتار شده [illegible]
[illegible] عارض شود و امراض [illegible] از جمله [illegible]
حدیدی و اذیت [illegible] اگر [illegible] باشد [illegible] و اگر [illegible] باشد [illegible] انقطاع دلیل امراض [illegible]
کواکب طبیعت [illegible] باشد [illegible] دلالت [illegible] باشد که [illegible] خواهد شد [illegible] از قبیل [illegible] و دلیل
مرض [illegible] خواهد بود [illegible] خواهد شد [illegible] عظیم پس اگر نظر کند
با و شمس از موت و مسعود باشد [illegible] خدم و عبید [illegible] خواهد شد [illegible] و حیوان نفیس [illegible] او در [illegible] خلاص
خواهد شد از امراض صعب [illegible] و اگر نظر کند با و زهره دلیل است بر حصول فواید از اسباب جواری و صبیان
و حالیکه [illegible] اوقات با فرح و سرور [illegible] احوال [illegible] و اگر نظر کند با و عطارد دلیل است بر [illegible] و حیوانات [illegible]

اگر در برج حمل باشد و اگر نظر کند با او قمر و نحوس باشد دلیل است بر امراض مزمنه از اخلاط غلیظ و شدت فقر و فاقه
و حاجت بمردم و اگر سعود باشد خواهد بود امر کمتر از آنچه ذکر شد و اگر عطارد باشد میانه در برج مؤنث ضعیف باشد نکوهیده خواهد بود درین
بیت مفرقة جمله اگر فرح او راست سیما اگر عطارد باشد با او مشتری در وسط السماء آمد یا به تثلیث سعدی حاصل پس اگر اتفاق افتد
که عطارد باشد در وسط السماء سعد یا عطارد باشد در او سعدی دلیل است بر حصول علمی جدید و حجة قوی و وارث بردن از زایل بی حق
و اقاف و ربح ازین بیت هرگاه عطارد باشد در غیر حیز و جب ... عطارد باشد در عاشر و در تاسع نظر سعدی اجتماع مریخ و شمس
و قمر در سادس دلیل است بر معرفت بعبر اجتماع زهره با گیش در سادس دلیل مفارقت از برج راست سبب اسد ... و پس اگر
عطارد باشد با اتصال مشتری و شمس و قمر یا ناظر ایشان دلیل است بر خلاص او از شر و اگر عطارد باشد با اتصال زحل یا ناظر
دلیل سقوط است از مراتب عالیه و وقوع در شر یا حصول در اعضای او [illegible] شمس در سادس دلالت کند بر اتفاق مولود و دولت
از مردم و بنده و عبید مردم بودن او و بر وجوب در بلاد دیگر و رفیق بودن سیما اگر عطارد باشد با او رب خانه او یا رب طالع
هرگاه اتفاق افتد با اتصال قمر یا مریخ با طالع خواهد شد عطارد مولود و مفرد با او خواهد رسید از جهت کثیره و دلالت خواهد کرد
بر نیکی و قوت نفس مولود و طالب بودن او در اشیای دینیه با او کسب او از ایشان روزه و حج باشد که برسد با او امراض
در اعضای بدن و دماغ و صدر و سکره با ... عبید با او رسد پس اگر عطارد باشد با او زهره منتفع خواهد شد مولود از سبب عبید و علم
بود او از امراض کثیره دلیل خاص او و اگر عطارد باشد با او عطارد خواهد رسید مرضی بدماغ او یا آفت در عقل او خواهد شد
و بر دست خواهد رفت مال او در غفلت و سهو از جهت او و اگر عبید و دشمن باشد و ... بسیار با ایشان خواهد رسید و خواهد بود مولود
کثیر الکلام و الفضولات در غیر جایگاه فائده و تحقیق و اگر نظر کند با او قمر دلالت کند بر شکایت معین و رسیدن امکو و ... خوف
آفات با و مفرد مالی حاصل شدن زهره در سادس مولود عطارد دلالت کند بر معرفت و هنر که مولود برسد از قبیل نسوان
و نسوان و سبب جماع کردن با کنیزان و نسوان زانیه و متعفف نماینده و خواهد بود نفع او و ضعیف بمرتبه که فرح در دو روز نمیشود و مریخ
تمانی کند که جنب نداشته باشد و خواهد بود مریض بسته او و قات رنج و فقیری خواهد دید و مرض و سقم در اعضای بدن آنکه بعضی
در دست بسر گفته تا آنکه سقوط نموده اگر خواهند گرفت پس اگر نظر کند با و زحل دلالت کند بر اعمال قبیحه و صحبت دیگران اگر
در برج مذکر باشد خواهد رسید شر بسیار از جانب نسوان سیما اهل و اقارب او و مفقود و مغلوب نسوان بود و دولت کنیزان با ... مولود
از مرض برسد مثل عسر و دولت و سقط ... اگر در عاشر سعدی نباشد و اگر سعد عطارد باشد در عاشر باشد گشفیف بعضی بعرض و بکره

جنبه و اگر عطارد باشد

شرف و اگر عطارد باشد زهره سعود خواهد بود او کمتر از آنچه ذکر شد سبب باشد که منافع او ازطرف کنند که موجب جاه و دولت و نیز شرف
بر آنچه خواهد بود سیما اگر دلالت نهاری باشد و در ثامن سعدی باشد دلالت کند بر سروه و رفع او از قبیل تان پس اگر
تمانی کند یا مقارنه با او عطارد سعود باشد دلالت کند بر احسان و دشمنی سیدن از اخوان و اصدقا و اگر نحوس باشد
دلالت کند بر اسفار بتوته و سکرات و صاحب سم و غم بودن و خطرات کلی سبب تان و تکرع آنها و اگر نظر کند با او قمر
و نحوس باشد دلالت کند بر کثرت تعب و اسفار سبب باشد که تزویج زنان رسنه کرده نکرده از جمله آنچه باشد عطارد
در بیت التاسع سعود باشد دلالت کند در سفر بر آنکه مولود خواهد بود سعید از قبیل حکمت و تجارت و یا از سبب غلات و محمولات
اگر عطارد باشد در عاشر سعدی و اگر منحوس باشد دلالت کند بر علم سعود بودن مولود و صاحب کلام حسن و وثوق بر احوال دانم کاذب
بودن پس اگر عطارد باشد و دولت نیل و شرق و نظر کند با او سعدی از طرف کتاب و حکمت و حصید طیور سعادت چینده و صاحب
نفس و حقیر عطارد و اگر عطارد باشد نحوس دلالت کند بر آنکه مولود مشتهر احوال جنس بعد فاعل بود نکرده و شعر نظم اللقیح باشد
سیما اگر عطارد باشد با او نحس یا ناظر با او پس دلالت کند بر مرض و الفوس رسنده در حق عصر اگر عطارد باشد نحس با عطارد سبب او کی
پس اگر نظر کند با او قمر یا او باشد و زهره سعود باشد مولود خواهد بود از بزرگان مدائن و مدبر امر آنها سیما اگر در ده شهر
سعدی باشد و هرگاه زهره نحوس باشد میرسد با او آفت از نوعی بسیار یا سقوط از مکان عالی یا بر طرف شدن مال او یا سرقت
و خواهد بود کثیر الخطرات و صاحب عقت و مرض مختلفه در خلقت و دماغ با جبه او و مبتلی بدار و معاش شمس در سادس نحو که باشد
دلالت کند بر وجع مال و کثرة التعب بودن و بر طرف شدن مال او سبب عبید و حضور ایطالی سرقت یا غضب از جمله و خواه
رسید عقت در ابتدای او و اما مرض او بر بیوت و رطوبت و کسب او از مال حرام و دلیل فساد حال ام او است اگر رفته باشد
پس اگر عطارد باشد با او مریخ یا ناظر با او دلیل است بر عقت او و اگر عطارد باشد قمر اثر یا ناظر با او باشد خواهد رسید بعینی او حق
داد و جماع در مواضع خفیه و حبس و زندان افتادن زحل در سادس دلالت کند بر بودن مولود صاحب امراض کثیره و وجع
مفاصل و ارادات او و مضر و جع بر او بسیار و در میل بسیار و خواهد بود مهموم و محزون ملازمت از امراض پس اگر عطارد باشد با او گیش
یا ناظر با او دلالت کند بر سقوط از مکان عالی یا وقوع در شر و یا غرق در آب و یا خطر بمکید و یا مرض در بعض اعضاء باطنه
بر طبیعت ربع و دگر نحس پس اگر عطارد باشد با او مشتری در حالتیکه زحل ناظر باشد با او از جهت و دلالت کند بر خلاص او از او
مذکوره بعد جهد بعض و اگر نظر کند با او عطارد با او باشد سبب باشد که بیرد و دولت سبب دهم و محو و الضعف ثانی از عمر در شغل

این شنیده که ذکر شد سهم از اول عمر باشد ذنب در سادس دلیل است بر عیش موقوف از اعمال عظیمه و خواهد بود صاحب مراق
مختلفه در باطن بدن و حزن از سبب چیزهای ناکی نشدنی شنی پس اگر بود باشد با او مشتری یا زهره یا ناظر باو دلالت کند
بر عیب و مرض خفی و اگر بود باشد با او در حمل یا مریخ یا ناظر باشند باو دلیل است بر سلامت و خلاص او از اگر آنچه ذکر شد **مقصد**
نهم دلالت سهم سادس بحسب حلول در بیوت حلول سهم سادس در **طالع** دلیل است بر مرض از قبل جوهر است طالع و صحت
صاحب و صحیح پس اگر بود باشد برج منقلب بر الدین و مولود مرض علتی در چشم پدید آید و در **دوم** تعیش موقوف از علت تاریکی
و خواب بود مرزوق از چیزهای وردی باشد و در **سیم** میرسد از اعدا با و آفات و صاحب سقم و مرض در غربت بود اگر مشتری
باشد برادری صاحب مرض یا عیوب و حاصل عمل عیبه بود باشد و در **چهارم** سبب باشد که تعب اولاد و حصول و اعمال عیبه بود یا صاحب
عیوب باشد و در **پنجم** و **ششم** خواهد بود موقوف صحیح اگر ناظر باشد باو رب طالع و در **هفتم** مخلوط خواهد بود با زنان
و محبت کلی با ایشان و در شبه تمکن فی نفس در حق آنها خواهد بود و در **هشتم** خواهد بود مولود صحیح هرگاه نظر کند باو رب طالع و اگر ناظر
باشد دلیل مرض است که میرسد باو و یا مشتری بود از رسیدن یا چشم او یا اگر بود باشد محترق یا مقابل شمس و در **نهم** میباشد خبیث
النفس و در ریض در غربت خواهد بود و شدت خواهد افتاد و در **دهم** خواهد رسید از قبل سلطان شدت باو و رنا قی خواهند ماند
اشراو در موقوف و در **یازدهم** مخلوط و صدیق اقوام غیر معروف بود هر سبب آنکه خواهد کشید و در **دوازدهم** عداوت اودر مانی باشند
که صاحب ذنب نوشته باشند و خواهد رسید با و مضرتی در که از خوردن شراب و غیر **مقصد دهم** دلالات سهم امراض است
حلول رب سهم در طالع در برج منقلب دلالت کند بر طول عمر موقوف و انقلاب چشمهای او و هرگاه که دلالت بر مرض کند
خواهد بود از جوهر او و در عضو منسوب برج رب سهم بودن سهم با قمر در برج و برج در ثامن در برج مقطوع الاعضاء آتشی نور و ضمیر
دلالت قطع خواهد شد بعضی اعضای او موقوف که بدید هم با سهم در رشد با و کمی ناظر با و بدون نظر سعد دلالت کند بر کبر بعض
اعضای او و سقوط از بالا یا بینی و اگر بود باشد سهم با قمر در ثامن دلیل کم عمر است پس اگر شهادت دهد با این حال زحل دلیل
سقوط است از علو و اگر شهادت دهد بر این حال مریخ قطع خواهد شد بعض اعضای او و بودن سهم در حادی عشر با قمر و مریخ در ثامن
دلیل هلاکت موقوف است بودن سهم در حادی عشر در حل ثانی دلیل سقوط موقوف است از مکان عالی و دوست او با تحفه بود حقیقت
اگر شرف باشد کف بر نیرین بودن سهم در اوتاد و رب او کمی ناظر طالع بود و ناظر رب او نباشد خواهد بود عمل موقوف
عملی که غیر در او نباشد دیگر خواهد بود عیبه مردم و اگر نظر کند به رب طالع حاصل خواهد شد محنت موقوف از شدت طعره و اگر سعد باشد

صالح خواهد بود

صالح خواهد بود امراو بسبب و پس اگر بود باشد رب سهم یا عشرین یا خامس ثانی ربع یا ثالث ثلث رب او قمر بود و ناظر بعکس خود باشد اگر در ربع باشد قمر در بیت او
رسید در بیت عشرین قمر بود بیت در خامس قمر در بیت او دوم ثالث قمر در رسید و سعد باشد صالح او اگر نزد خواهد بود اما نحس باشد جهت دفع او موقوف
نپذیرد شد و اگر بود باشد سهم در ثانی یا ثالث یا سعد و نحس یا نا ظر قمر و قمر بود قمر رب طالع دیگر که در طالع و قبول بعکس در ثانی باشد و اگر در ثانی قمر زحل او سعد
و در ثانی قمر و لیل قوه با و رسید بر در دیگر سعد باشد خود بعد از عکس دیگر اگر بود باشد و اگر ناظر نباشد رب سهم در بیت و در طالع و ناظر رب او و شد
جنگی که در او باشد خواهد است سهم سعد باشد یعنی او بر او بر شی از مذکورات و نحس او دور از ائتلاف **فصل سابع** در ذکر مراد و دلالت بیت سبیع و حلول کواکب
در او و اتصال آنکه موقوف بدان آن فصل بر بیت مقصد است **مقصد اول** دلالت تزویج است اتصال رب طالع و رب مرتبه تزویج است پس اگر
بود باشد صاحب سبیع در وتد در حفظ خود خواهد بود مولود شدید الحرص بر زنان و نحس باشد و حصول خواهد از آنکه و اگر بود باشد رب طالع در وتد
در حفظ خود خواهد بود ثانی شدید الحرص و نسبت رغبت در طلب مولود و در نشنه باشد خواهد بود مولود و بنده بود و اگر سقط کرده از کواکب دلالت کند در حق
جنب او کرد و حاصل او و اختلاف حال مولود و پس اگر بود باشد رب طالع در وتد و در ثالث خواهد بود تزویج از احمدی و غائب او و اگر در ثانی باشد
و اگر زایل باشد او قمر و رب قرب مولود بود و همچنین است قول رب طالع اگر واقع شود در ثانی عشر حتی از ثانی کند او بعد تزویج کند او در
رب سبیع یا ناظر بود و در صالح حال زن است و اگر نحس او اولاد او سپاه اگر رب سبیع در وتد او باشد نظر نحس بود و اسد رف و نحس او ایشان
و همچنین است رب طالع نظر زهره و عطارد و قمر و صاحب طالع از برج منقلب دلیل کثرت تزویج است چنانچه بجای آنکه مقدم ذکر کرده شد و چنین است رب سبیع
نزد اگر قوی در برج ثابت کند دلالت کند بر ضعف تزویج و طول بقای او حفظ بود اگر رب بیت قمر در موضع خود باشد پس اگر بود باشد میان رب طالع و
رب سبیع نظر مودت خواهد بود میل میان مولود و زن مودت و مرافقت و اگر در وتد باشد خواهد بود شدید العشق بر صاحب خود و او اگر در وتد نحس بود
نظر باشد عشق آنها و اگر نظر نشده از برج خواهد بود ائتلاف خود و اگر از مقابله باشد دلالت کند بر ضعف در میان ایشان و کثرت نزاع و قلت مرافقت
فایده و سبب باشد که میان رب طالع و رب سبیع اتصال نباشد و حاصل شود برف نزد تزویج یا بطلان تزویج جهت آنکه راست خواهد داشت نحس آنکه قرون و صوابه
و اگر در برج بین ناظر و طالع یا نحس در او بود باشد دلالت کند بر ضعف تزویج و عداوت بین و اگر در وتد برج یا باشد خواهد بود بعض از تزویج و همچنین است
قول بر زهره و در مواضع خود و حصول زهره و قمر اول و در بیت نظر مشتری دلیل است بر تزویج حسن موافق و سبب باشد که بود باشد قمر او میراو و نحس یا ثانیا
عقرب زهره و در خانه مشتری و ثانیا عقرب مشتری در خانه زهره و لیل ضعف شخص است بعض مشتری و زهره یا عطارد در سابع دلیل است بر تزویج حسن
و بودن مراد صاحب حسب و حال و عفت و بسبب خبر از زنان بود و ضعف کثرت قطع قمر و سعود در او دلیل است بر زنان و عطارد در شر
قمر و غیر او در عاشر که سعود بود و باشد یا ناظر باو باشد رب سبیع دلیل است بر زنان ضعیف و شریر و از هر که برکار از غیر و تقدیر بر عطارد دلیل

زن صاحب عقل و متین و عفیف است سلامت زهره از مناحس و در حظ خود دلیل بر سرعت تزویج است و سعادت و دیدن
سبب ... و اگر نبود باشد ارباب مثلثه او سلیم از مناحس و در حظ خود و است بر سرعت تزویج کند و حصول فایده کلی بسبب ... و دیدن
و اگر نبود باشد ... و ارباب مثلثه زهره سلیم از مناحس حصول ... جهت و پس آن علامت خوبی است جهت زن در امر تزویج و اگر ... باشد
به حال علامت بدی است جهت زن در امر تزویج و اگر ... باشد ... و صالح باشد ... خواهد بود ... تزویج صالح ... دیگر ... باشد
بودن شمس در حد زهره خواهد بود ... فرح و سرور بسبب ... و دیگر ... در امور آنچه ... باشد که تزویج کند ... خود
نظر زهره بمشتری از مودت و است کنند بر رزق از جهت زن ... و از ... ب طلب بودن قمر در حد زهره خواهد بود
مولود عظیم القدر و تزویج کند ... اگر ... باشد ... از ... زنان معروف ... و سعادت و دیدن سبب آنچه دیدن
اولاد از زنان مختلفه ... زهره ... خواهد رسید ... از طرف ... و ... از ... فایده و دیدن ...
و اگر ... باشد مشتری در جهت زهره و است کند بر تزویج صالح ... و ... از ... خواهد ... و منفق ...
احمال ... و در ... باشد که ... و ... است که ... بودن زهره در حد مشتری خواهد بود ... سرور ...
... و فرق بسبب ... و مستقیم ... باشد و اگر نبود باشد ... که ... صاحب جمال و ...
صاحب صنعت و اگر نبود باشد در حد ... و است کند بر سرور بسبب ... و خواهد دید از تزویج ... و اگر نبود باشد
در حد مشتری دلیل است بر سرور ... بسبب زنان و تزویج و رسیدن مال بسبب ... سرور از اجتماع زهره با مشتری
... جمال زن است ... و نکاح زنی صاحب ... و جمال ... جهات ... بودن ...
در ... زهره خواهد بود ... طلب ... رزق و ... فرح و سرور بسبب ... مستقیم ... و ...
زنان و از طرف ... فرح ... از ... بسبب ... و اگر نبود باشد قمر در ...
که ... واحده ... باشد ... خواهد بود مراد ... دیگر ... باشد پس ... متعدد
خواهند بود دلالات ثانی که تزویج خواهد کرد ... از ... صفت صاحب ... کوکب ... اگر نبود باشد
زحل خواهد بود زوجه ... متعدد ... و اگر نبود باشد ... خواهد بود ... و اگر زهره باشد خواهد بود
... و اگر مشتری باشد خواهد بود ... و ... مشتری است ... زحل دلالات زهره هرگاه نبود باشد در جهت
... با ... هرگاه ... زهره در جهت زحل با جهاد دلیل است بر ... زنان طویل العمر با کنیز و در جهت ...

بعلو ...

باجماع او دلیل است بر عفت ... و ... در ... نکاح و در جهت ... با ... خواهد بود ... و ... بر ...
کثیر و در جهت شمس دلیل است بر تزویج از ... و ... در جهت ... خواهد بود ... تزویج و نکاح
و در جهت عطارد با جهاد او دلیل تزویج زنی ... و در جهت قمر ... زهره ... دلیل ...
... اگر نظر کند با مشتری و اگر نبود باشد در ربع ... با ... باشد دلیل تزویج متعدد باشد ... ارباب مثلثه زهره
در ... و ... حال ... حال ... است در تزویج **مقصد ثانی** در ذکر ... دلیل ... در امر تزویج
... مثلثه ... از ... دلیل ... تزویج و نکاح ... ارباب مثلثه ... جهت
تزویج است و اگر نبود باشد ... حال ... زهره ... باشد و در ربع ... دیگر
پس ... تزویج ... اگر نبود باشد ... تزویج ... باشد ... قمر ... جهت
تزویج است ... زهره در رابع ... دلیل ... زن ... خواهد
... ازو ... و ... خواهد بود ... نکاح ... و ... دیدن ... اما بیش
اگر نبود باشد ... دلیل است بر زن ... پس اگر نبود باشد ... خواهد بود ... الولد ...
... جمال بودن زهره ... دلیل ... مال است بسبب ... خواهد بود ... در ...
و دیگر ... اگر نبود باشد زهره در جهت ... باشد زهره ... دلیل است ... و ...
نکاح ... اگر نظر کند ... است که ... زهره ... دلیل تزویج ... است ...
اگر نظر کند ... دلیل است بر تزویج ... نکاح ... باشد ... از ...
دلالات زهره و است بر شهوت ... شهوت زن پس اگر نبود باشد ... دلیل ... نکاح است ...
... اگر نبود باشد در ... دلیل ... تزویج ...
... است و اگر نظر کند ... دلیل بر تزویج زن ... است با ... زهره ... دلیل ... تزویج
و نکاح ... از زنان ... و ... کثرت ... بسبب ... تزویج و نکاح است ...
اگر نبود باشد ... و اگر نبود باشد ... در عقرب ... باشد دلیل ... تزویج
بودن ... صاحب ... دلیل ... نکاح است و ... دلیل بر ...

زن است و اگر واقع شود در بیت زهره دلیل زنا کردن است و هم چنین هرگاه واقع شود اثنی عشریه زهره در بیت خود
وقوع اثنی عشریه عطارد در بیت مریخ یا زهره دلیل بر جماعت [illegible] و کنیز است و مخالطه قمر کوکبی را دلیل بر نکاح [illegible] صاحب
قوت است و مقارنه قمر با مریخ دلیل زنی فاجره طبیعت نفس است بودن زهره در سادس دلیل تزویج زنانی که فقیر و [illegible] باشند در
آنها باشند بودن نحسین در ثالث یا تاسع دلیل است بر آنکه مولود خواهد بود صاحب [illegible] و مختلف کشیدن از قبل آن
بودن مریخ در بیت زهره دلیل کثرت جماع و زنا فاسده است و تزویج زنی که قبل از تزویج با او جماع کرده باشد و غیره زن قبل از
مولود بودن زحل در بیت زهره دلیل صلاح حال مولود [illegible] و نکاح او در تزویج زنیکه غیری در او نباشد و معرفت بسبب او مولود
رسد بودن قمر در صدر زحل دلیل اختلاف حال او در باب تزویج [illegible] زن در اول عمر و اگر در عقد مریخ باشد مشقت داشت
خواهد رسید انصراف قمر از قران مریخ و اتصال بقران زهره دلیل عسر امر نکاح و خفت وقت خواهد بود سیما اگر قران آنها در برج
باشد بودن زهره در بیت مریخ یا قمر او با مریخ در بیت زهره و قمر او دلیل کثرت خصومات و جدال در رسیدن اذیت [illegible] زن
بیکاره بسبب زنان و بیم با فضیحت نکاح بودن زهره با زحل دلیل است بر [illegible] اگر در سابع [illegible] داشته باشد سبب باشد که دلیل
نکاح محارم مولود داشته و هر وقتیکه واقع شود بین زهره و زحل [illegible] در بیت دلیل بر بی جماع است پس اگر بوده باشد زهره
بر تربیعین نحسین و قمر [illegible] دلیل کثرت جماع مولود است سیما اگر بوده باشد سهم النکاح در برج کثیر الجماع و اگر مستعلی باشد
زهره بر زحل خواهد بود مولود کثیر النکاح [illegible] زهره با مریخ بودن [illegible] دیگر دلیل [illegible]
بودن زهره در بروج کثیرة الشبق مثل حمل و ثور و جدی و حوت و در تحت الشعاع بودن و بودن نحسین دلیل ارتکاب نکاح مفقود است

مقصد سیم در ذکر وجوه دالة بر شبق است بحسب حلول کواکب در آن بروج **مشتری** هرگاه بوده باشد در وجه سیم از حمل و در اول
و سیم از جدی دلیل بر شبق است و فعل قبیح در امر نکاح **مریخ** در وجه اول و سیم از حمل و تمام ثور و اول از سرطان و سیم از اسد
و دوم از سنبله و تمامی میزان و اول و سیم از عقرب و دوم از جدی و سیم از حوت دلیل است بر کثرت شبق مولود و بدی نکاح **شمس**
در سیم از حمل و در تمامی سرطان و بعض گفته اند اول و ثانی از اسد و سیم از سنبله و اول از عقرب و اول و سیم از حوت پس اینها هرگاه
در این وجوه باشند دلالت کنند بر شبق و تخنث و افعال قبیحه در امر نکاح **زهره** هر وقتیکه بوده باشد در وجه اول از حمل دلالت کند
بر آنکه مولود خواهد بود کثیر الشبق و زانی و فاعل افعال عظیمه و مذموم جماع کننده و [illegible] ثانی از جوزا خواهد بود لوطی و مذموم جماع
کننده مفعولات و [illegible] و در اول از سرطان [illegible] باشد کثیر الشبق صاحب شهوت مفرط و در اول از اسد خواهد بود

دانی قر

شاقی محب تزویج و در سیم اسد خواهد بود زانی با مردم فقیر و بد نسب و در تمامی عقرب خواهد بود فاعل قبایح در امر نکاح
و در سیم از قوس خواهد بود فقیر سعید النسب و در اول و ثانی از جدی خواهد بود زانی فاعل قبایح افعال نکاح و مذموم [illegible]
و مبتلا به بلیه [illegible] و اگر قمر در وجه سیم از دلو باشد [illegible] زانی بودن و در سیم از حوت خواهد بود کثیر النکاح
و مجرب این بر تقدیر است که زهره منحوس باشد و اگر مسعود باشد خواهد بود دلیل مولود مثل این امور **عطارد** هرگاه در سیم از حمل
و اول میزان و اول جدی باشد دلیل کثرت شبق و خواهش مولود است **قمر** هرگاه بوده باشد در اول و سیم از حمل دلیل بر کثرت
مولود محب و کثیر الشبق بود و در سیم از سرطان و سیم اسد و اول و سیم میزان و سیم عقرب و سیم جدی دلیل است بر کثرت شبق مولود
و هر وقتیکه بوده باشد طالع در وجه سیم از برج [illegible] زهره با مریخ در ثانی باشد پس مولود خواهد بود مذکر [illegible]
باشد خواهد بود صاحب حسن و جمال **مقصد چهارم** در ذکر دلایل لواطه و غیره نظر کنید بر زهره از برج مذکر یا بودن آنها
در بیت عطارد مادامی که نظر نکند بر ایشان مشتری و زهره در سابع [illegible] مریخ نباشد دلیل است بر آنکه مولود [illegible]
و دیگران بود و هم چنین نظر تربیع و مقارنه است خصوصا اگر بوده باشد در اسد و سنبله یا در بیت نحسین و اگر بوده باشد تحت الشعاع
خواهد بود [illegible] زهره [illegible] و شهوت است و [illegible] است و مفعول است پس اگر بوده باشد
در آن بیت عطارد خواهد بود [illegible] امور [illegible] حرکات حادثه [illegible] بودن زهره در بیت
عطارد و عطارد در بیت زهره در مکان [illegible] دلالت کند بر آنکه مولود محب [illegible] از صحبت [illegible] و هم چنین است
قول [illegible] اگر بوده باشد در بیت مریخ و مریخ در بیت او یا بوده باشد بر تربیع یا مقابله یا مقارنه [illegible] زحل دلیل است
بر فجور و حب صحبت [illegible] زهره و قمر در سابع و بودن آنها در [illegible] دلیل است بر [illegible] و اگر [illegible]
باشد دلیل [illegible] زوج است پس اگر نظر کند بر عطارد خواهد بود فاحش النکاح در انات و ذکر [illegible]
و صحبت [illegible] زحل با مریخ بر زهره از برج [illegible] دلیل است [illegible] سیما اگر بوده باشد در اسد و سنبله [illegible]
[illegible] و اگر بوده باشد [illegible] خواهد بود [illegible] و بودن آنها در بیت زحل [illegible] در سابع
با برج [illegible] دلیل است بر بودن مولود [illegible] فاعل افعال [illegible] و هم چنین دلالت کند اگر بوده باشد [illegible]
در مکان [illegible] و از برج [illegible] دلالت کند بر آنکه مولود خواهد بود [illegible] ضعیف الفاعل و فاعل فعل [illegible]
بودن عطارد در طالع در صورتی که [illegible] سابع باشد دلیل است بر آنکه مولود [illegible] خواهد شد و اگر [illegible]

و بر عکس اگر مذکر باشد بودن زهره در برج مذکر و هم چنین صاحب بیت او خواهد بود موافق [illegible]

به نظر زحل و عطارد بود زهره از برج جدی یا عقرب او دلیل عدم لذت بردن مولود است از زن و سبب [illegible] و ضعف [illegible]

که بعد باشد عطارد بود و رسیدن در برج ناظر به بودن سعدی و مستقیم السیر باشد دلیل است بر ناخوشی از زن و اگر راجع باشد دلیل است

بر رغبت استغنای زحل بر زهره دلیل عدم میل بر زنان است و اگر مستقیم بود زهره بر زحل خواهد بود کثیر النکاح و الجماع و هرگاه [illegible]

قمر در برج کثیر الثنی و عطارد با برج باشد خواهد بود مولود مشتغل بر زنا خصوصا اگر زهره در طالع یا در وسط السما باشد بودن زهره

با مریخ یا تربیع یا مقابله دلیل زنا و فسق است سیما از برج منقلبه و بودن زهره در ثامن دلیل جماعت دیگران است و بودن او

در طالع با قمر در برج ذی اربع قوائم دلیل زنا و فجور و نکاح محرم است و اگر با هم باشند در ثانی یا سادس در حمل ناظر بود [illegible]

از مقارنه یا تربیع یا مقابله بودن نظر مشتری خواهد بود شهوت مولود کمتر از زن و [illegible] **مقصد پنجم** در دلیل [illegible]

بیت سابع اگر **زحل** باشد و منحوس دلیل است بر خصومات واقعه بین مولود و مشایخ و زارعین و اهل [illegible] قریه و مسکین از [illegible]

جهة مال میراث و ذخایر و غیر آنها از امور قریه و اگر بود باشد **مشتری** دلیل [illegible] از قبیل [illegible] و ارباب دین

به سبب [illegible] و اگر بود باشد **مریخ** خواهد بود معزت و خصومت از جانب اصحاب حرب و اهل سلاح و غیره [illegible]

پس اگر مقارن یا مقابله یا تربیع عطارد بود [illegible] خواهد بود [illegible] و اگر بود باشد **شمس** خواهد بود [illegible]

و خصومت از قبیل ملوک و خلفا و ارباب [illegible] و از طرف [illegible] و اگر بود باشد **زهره** خواهد بود معزت [illegible]

[illegible] و از شراب و افعال لهو و لعب و اگر بود باشد **عطارد** خواهد بود معزت [illegible] از جانب [illegible]

[illegible] و اگر بود باشد **قمر** خواهد بود [illegible] خصومت از طرف [illegible] و از جانب [illegible]

از طرف [illegible] و اگر بود باشد [illegible] سابع [illegible] خواهد بود [illegible] **دلالات** ارباب [illegible]

با [illegible] سابع [illegible] نکاح [illegible] باشد [illegible] طالع در سابع خواهد بود [illegible] در نکاح [illegible]

دلیل عدم رغبت با زنان و رغبت [illegible] دلیل رغبت با زنان [illegible]

خاص [illegible] سابع باشد دلیل رغبت و میل بر زنان [illegible] دلیل [illegible]

[illegible] باشد [illegible] دلیل [illegible]

[illegible] دلیل [illegible]

دلیل تزویج زن [illegible]

دلیل تزویج زنی که قبل از آن [illegible] و اولاد [illegible] و از آن حاصل شود [illegible]

دلیل تزویج زنی که از اهل حرفه باشد [illegible] **مقصد ششم** در ذکر [illegible] سهم التزویج است هر وقت که واقع شود سهم [illegible]

[illegible] و از [illegible] دلالت کند بر تزویج [illegible] پس [illegible] سعدی تزویج خواهد کرد [illegible]

[illegible] دلالت کند [illegible] باشد دلیل است بر [illegible] تزویج [illegible]

[illegible] دلالت کند بر تزویج [illegible] و اگر [illegible]

باشد سهم [illegible] سعدی [illegible] دلیل است بر نکاح [illegible] و صاحب [illegible]

[illegible] صاحب حسن و جمال [illegible] سهم مشتری خواهد بود [illegible]

از قبیل [illegible] و اگر [illegible] باشد از قبیل میراث و [illegible] خواهد بود و اگر مریخ باشد از جانب اهل سلاح [illegible]

[illegible] و اگر شمس باشد از طرف ملوک و خلفا [illegible] و اگر زهره باشد از جانب زن [illegible]

از قبیل کتابت و [illegible] و اگر قمر باشد از طرف [illegible] و از جانب [illegible]

سهم [illegible] در برج مذکر دلیل است بر [illegible] سهم [illegible] در برج [illegible]

یا در برج مذکر [illegible] خواهد بود [illegible] و قوع سهم در مقابله زهره یا در [illegible]

دلیل [illegible] تزویج است [illegible] سهم [illegible] سهم [illegible]

[illegible] دلیل [illegible] زنی [illegible] سهم [illegible]

پس اگر [illegible] باشد سهم [illegible] دلیل [illegible] تزویج [illegible] پس اگر [illegible] باشد

[illegible] خواهد بود [illegible] هرگاه باشد [illegible] طالع [illegible] نکاح خواهد کرد [illegible]

[illegible] سعادت [illegible] زن [illegible]

[illegible] دلیل تزویج است [illegible] تزویج کند پس اگر [illegible] باشد خواهد [illegible] از جانب [illegible]

و اگر زن باشد [illegible] خواهد [illegible] و اگر [illegible] باشد [illegible] خواهد شد [illegible]

[illegible] دلیل تزویج [illegible] صاحب حسن [illegible]

پس اگر [illegible] باشد [illegible] سهم [illegible] دلیل [illegible]

نه خود باشد و در خامس اگر نحس شود دلیل تزویج مرفوع است و اگر منظور او نیکو باشد صاحب حسن و جمال و اگر نحس باشد حق اطفال اولاد
خود گستاخی که بخش زاده او بعد نماید و بعضی به تسهیم در خامس دلیل تزویج زن موافق است سبب باشد که نکاح زن صاحب
اولادی نماید و در سادس دلیل مذکورات در رابع است و در ثامن دلیل خوف است بسبب او از نکاح و پس اگر نحس است
او باشد خواهد بود موت او سبب باشد و در تاسع دلیل تزویج زنی است از غربا و دیار و در غربت نکاح کند پس اگر اسلام باشد
سبب او از مناصب خواهد بود آنکه صاحب ورع و غیر از آنکه خواهد دید و اگر نحس باشد صاحب در خواهد شد از آنکه انتقال تزویج و
سبب آنکه شرور فرزند باشد و در عاشر دلیل تزویج زنی صاحب رفعت و قدرت است یعنی اگر اسلام باشد سبب او خواهد بود صاحب فضل و قدرت
زن و اگر اسلام نباشد خواهد بود صاحب شر و مکروه و در حادی عشر دلیل تزویج زنی که سبب تحقیق یابد و اگر در آنجا باشد قبل از
تزویج و در ثانی عشر دلیل تزویج زنی است سفوه کنیز است و صاحب عیب و عفت و اگر نحس باشد دلیل فساد دولت است **مقصد هفتم**
در ذکر مراد است کواکب در سابع اگر سعد باشد **زحل** در سابع و در حظی از حظوظ خفی باشد دلیل است بر طول عمر او خود و فراغت و سعادت
او و جمع یعنی مراحوال او باشد و فنا در آخر عمر وقوع باشد سعود و مراجعت بوطن اگر نظر کند با زهره و اگر نظر کند سبب باشد که
مراجعت از سفر کند حضوره در صایبه بدهی نکرد دلیل است بر وقوع حیرت از او و منتفع شدن بسبب او و دیدن غیر محبت نکاه
و ابوین و جمیع امهات از شیء علویه پس اگر نظر کند با مشتری خواهد بود کسب مطلب و انتفاع و دیدن غیر از طرف نت و دیدن و اگر
نظر کند با مریخ از موت دلالت کند بر مرد و وقوع مرض او از طرف صاحب و حیوان و هلاک شدن آنچه تعیین و اگر باده با مریخ
مقابل باشد دلیل است بر زنا و فقر سیما اگر سعد باشد در حمل و عقرب و موت ایشان از آنکه مشهور باشد با ولایت و دلالت بر حق
از آنکه نظر کند با عطارد قطع ابت و بدی از بهایم و دیو طبیعت بری که در حمل و در آن باشد و اگر نظر کند با شمس
از موت دلیل تزویج از اقوام و در وصول اشیای خسته و جای صادره و غیره و دیدن بسبب رهاب و اگر سعد باشد نظر از مرادات دلیل
بر حضورت و دعاوی و در حق او ترحم کند و غلوا و رسیدن با وجود نکرده و اگر نظر کند با زهره و سعد باشد دلیل است بر سرور و
ازدواج و اولاد و رفتن با جای صاحل و حصول با امرا و نفع بردن بسبب ایشان و اگر نظر کند با عطارد دلیل است بر کثرت خصومت و مناقشه
با اهل علم و کتابت نزاعات بر خود کرده و در غیبه فنون امور بسیاری سیما اگر سعد باشد یکی از دیگری موهوم و اگر نظر کند با قمر
و سعد باشد دلیل است بر خلاف و روابط بین ایشان و ظهور منفعت سبب باشد که ظاهر گردد از او کارهای خلاف قاعده با جمله
در حمل اگر نحس باشد دلیل کثرت اذیت معلوم است مردم و او کثرت منازعات بین او و مردم و از طعن ربی و فقر و فاقه و تنگی

امراو و فقیر حال

امراو و فقیه حال بین احمد فدی او و کثرت فجور و شغل قلب او سبب ابرین از قبل امراض و هلاکت و کثرت خصما و ازدواج
و نفرکاه و مرض جبه از قبل برج منقعه در جلین و اختلاف خون بسبب نزلات در دماغ و ضعف و نکاح و عمر او و علاو خصوص
در مرابه دلیل در فقر حظ خود **مشتری** در سابع و سعد باشد دلیل است بر طول عمر و مسرت از قبل نسبت و از ازدواج و وصول
فواید از جهت آنکه مطلقو و تزویج زنی صاحب حسن و جمال و در مرابه دلیل حسن حال و صلاح امر معیشت و صحیح الرای و قت و بعد
صحیح و فقرا با اکرمه و پس اگر نظر کند با مریخ از موت و سعد باشد دلیل ظهور موت است با ضد او و خصما و ضد رغبتی حسن امر او
و از عداوت با مقارنه نظر با و کند دلیل وقوع منازعه در شخص میان کلی است و خصما و رسیدن نکبات میان و اگر نظر کند
با و شمس از موت خواهد رسید راحت بسیاری و سعادت قوی و سلامت نفس و صحت بدن او و اگر سعد باشد با او یا ناظر با و
در عداوت دلیل رسیدن خوف و خطرات از جانب الهی ذکر شده سبب باشد که هرب کند از دولت مردم با سود و نفع و اگر
نظر کند با زهره دلیل است بر سرور بسبب ازدواج و اولاد و اگر نظر کند با عطارد دلیل است بر کثرت خصومت و ضد رعیت
او بین اهل او و غائب او و تقدم امور حکم و امراو و اگر نظر کند با قمر دلالت کند با اهتمام او در حق نت و از آفات حفظ
و سقط با آن و رسیدن اذیت لازم با او و اگر نحس باشد دلیل است با آنکه تزویج مرقوع از امرش مشکل صعب باشد سیما اگر
نحس باشد در برج منقلب که دلالت کند بر عمر اولاد در کاه باشد که بی اولاد باشد **مریخ** در سابع دلیل است بر آنکه موقوف خواهد بود
سفاکت و خون ریزی و جری در حرب و خصومات و فاسد النکاح تزویج کننده زنان مشهوره و مبتذل ابرین خود سبب
انعزت غدار و قبل الوفاء و سبب باشد که در حین او اثر دولت با صاحب در جلین ادعو سیما اگر نظر کند با و قمر از وی دولت
او دلیل کثرت از ورثت با مجلود دلالت او بیل و نقد در هر سبب باشد خواهد بود بر نزاعات و حزن و اهتمام در رسیدن اذیت و فقر
بر او از مواضع عالیه و حصول علت ظاهری در جبه او و او جامع فتنه و رفتن و داغ و کثیر الخصومات و منکر و بشور قیم و خواهد بود
و زن جلد و خوف از قتل سبب باشد که موت او از طرف خود باشد حضور اگر نحس باشد و در برج خوف پس اگر نظر کند با شمس از موت
دلیل است بر مکروه و رشدت که از قبل غرامات بسبب خصومات با و رسد و سبب باشد که مردی بعد از بعد خود و مفارقت
از وطن عقد کاه است که طیس زن از آن که فرار شود و اگر نظر کند با زهره و سعد باشد دلیل است بر سرور او از جانب ازدواج
و حصول او بعض اطفال و نفع بردن از طرف آنها و حصول فواید از مواضع بعیده و اگر نظر کند با عطارد و نحس باشد دلیل فسادها
و خصومات که واقع شود بین او و شرکای خود و او مشغول کتب و نقل و کثرت کلام بین آنها و اگر نظر کند با قمر و نحس باشد

دلیل کثرت خوف و خصومت و بد باشد که تلف شود بعضی اقارب او از ف و عجایز و رجال مشایخ سیما اگر نحس باشد آن در تحت
شعاع **شمس** در سابع دو در حقی از حظوظ خود بود دلیل است بر زیادتی در تحمل و عظم قدر و وسعت نفس و فخر و کثرت مال در تزویج
و از او تمام خوی و از طبقه رؤسا و بزرگان و نفع بردن از جهة آنها و کثرت تزویج و اگر نحس باشد نحوس بود دلالت کند بر همچنان اقدام
و او امر و توسط تزویج و ولد یک جلیل که ایک ناظره باشد پس اگر نحس باشد با او زهره دلیل است بر تزویج زنی از جاه و بعید
و رسیدن منافع او و خیر و بماند باقی بعد موت او از اسباب تقرد و غم و اگر نحس باشد با او عطارد بود دلالت کند بر کثرت خصومات
و منازعات با مردم و اگر نظر کند با و مشتری دلیل تزویج است و شدت رغبت او در با او ف و پس اگر قمر مسعود باشد دلیل است
بر انتفاع او به سبب ف و وسعت رزق او و اولاد و ذکر دوات و اگر نحوس باشد خواهد بود امر قدام ف اگر شد **زهره** در سابع و در بعض
حظوظ و سلیم از نحس دلیل است بر حکمت و اقتدار علوم روحانیه و صلاح و ورع و ثبات در امور و کثرت نکاح و مسرت به سبب
تزویج و سعید در امور بعد پس اگر منحوس باشد با مشتری دلیل است بر آنکه مولود خواهد بود در نهایت صلاح و عفت و رای حسن و کثرت مال
و اگر نحس بود در حوت و میزان نحس بود دلیل است بر آنکه مولود از ارباب حکم و صالح حال و عالی مرتبه بود جامع مال باشد و اگر راجع باشد
خواهد بود مولود کثیر النکاح و غیر ثابت بر تزویج و عزوبت و پشیمانی شود و در امر نکاح بعد عقب گریز و زنا کردن باشد پس اگر مقارنه
کند با او مریخ با نظر عداوت او بود دلیل دارد بر فجور و زنا کردن سیما اگر زهره منحوس باشد و اگر تسدیس یا مقارنه کند با عطارد بود دلیل
بر وقوع در بلا و خصومات در اسباب بیان بودن دارد و اگر مؤنث باشد مولود خواهد بود فاجره و فروع مال از اموات او به کمال و رفعت
و شهرت بر روغ کردن داده ای بغیر حق و وقوع امور عجیبه و اگر نظر کند با و قمر و منحوس باشد دلیل است بر اسباب سوء و بد باشد
که بر سبب مرض لذت غلبه رطوبت باد و رنج و نابل کردد اگر شود **عطارد** در سابع دلالت کند بر آنکه مولود باشد از ارباب علم و فنی کثیر النیر
و دلیل زیادتی قدر و عقل کلی دارد و اخبار کثیره دارد و بر او در سرور عظیم و ذکر کردن بجای حق از مردم و صاحب مال و قدر بود به سبب
ازدواج و ف و غیر باشند و اگر منحوس باشد دلیل منقصت ما ذکرنا فواید و ثبات پس اگر منحوس باشد و همراه منحوس باشند واقع خواهند
خصومات و بلاها بی که منتظر نباشد و خواهد بود مایل العقل اگر مذکر باشد مولود و اگر مؤنث باشد دلیل عدم حفظ او بود سیرت
خود را از رجال و کثیر الفقر بود باشد و اگر در و مسعود باشند امر عکس مذکور خواهد بود و اگر نظر کند با و قمر و نحس باشد دلیل حصول سعادت
و فواید است بکمه و تعب بسیار **قمر** در سابع منحوس باشد دلیل حصول بلایا و جهة مولود است لا امکن ربطه با قتل و یا ظلم از طرف
عبید و کثرت غربت مولود در بلاد سیما اگر مقارن او باشند نحوس یا بعد باشند بر نظر او از او که دلیل عارض شدن امراض صعب

جهة ادا بو

جهة از دا بود و خواهد بود قتل او به سبب معروف باشد که کشته شود در غربت قهرا پس او در این واقع شود خلاف و نزاع و قتال
کارها و شر بود دلیل محبت با غربا و موت کمین دارد پس اگر نحس باشد با او زهره یا ناظر او بود باشد دلیل ضعف و نکاح و حفظ ثبات
تزویج و کثرت فجور دارد و خصومات اگر نحس باشند در حد منحوس دیگر اضافه اگر در حد منحوس و اضافه اگر مسعود باشد دلیل است بر حصول فواید در مورد
از قبل ازواج و شر کارها دیگر است و اگر در برج مؤنث باشد و شمس و زهره بر مقارنه یا مقابله مسعود باشند خواهد بود مطلق مخنث یا مؤنث
و بعضی قمر در برج مذکر و شمس و زهره بر مقارنه یا نظر دوستی باشند بود از برج مذکر دلیل است بر آنکه مولود خواهد بود معقول و فاجر
و اگر در حدت نحس باشد دلیل است بر کثرت حرکت و اسفار و وقوع در غربت بسر بردن پس اگر مسعود باشد مراجعت بر وطن خوف
خواهد نمود لیکن مطلب و دلیل آمده باشد و اگر منحوس باشد مراجعت بر وطن نخواهد نمود و در غربت خواهد مرد **راس** در سابع دلیل است بر آنکه
مولود خواهد بود کریم و معروف هم صحبت با عقلا و اشراف که کسب کننده مال در بنا و نفع به سبب از ازواج و نسب و صاحب قدر در حصول آن شود
نقیضه خوف باد و عداوت با بعضی از اهل دیار پس اگر نحس باشد با او زحل و زهره دلیل است بر تزویج بود به زن زنی مولود و اگر مریخ
و زهره با او باشد دلیل است بر تزویج مولود زنی پیر و یا مطلقه در عبور او بود که موجب طعن مردم گردد و اگر سعد او و عطارد با او باشند
دلیل تزویج زنی صاحب حسن و از جمله که به او نباید از او ملول شود پس اگر با او مریخ بر شدت فی با نظر او باشد خواهد مرد در زدن مولود
نجات و صاحب او جایع عظیمه خواهد بود و در غربت و اسفار رنج و بلا و سبب رنج بود باشد و اگر نظر کند با و مشتری کثیر خواهد بود آن
و به ی و اگر زحل باشد رشد از آن خواهد بود و اگر عطارد بود باشد غرق در آب خواهد شد در طفولیت و بشارت خواهد یافت و اگر
قمر با او باشد کثیر خواهد بود و هیچ یک از آنچه ذکر شد **ذنب** در سابع دلیل بر تزویج مولود است زن فاجره قبیح المنظر او به سبب باشد
که بعد باشد شر رسید اگر نحس باشند با او نظر یکی از نحسین و یا بود سبب باشد که بردن رنج مال او از دست مولود به سبب ف و انتفاع
بر او آمده صاحب کلی برسد و دلالت کند بر آنکه زوجه او اول مولود خواهد مرد و برفت و یا حاصل مطلوب جهة او در حق شده بود
پس اگر نحس باشد با او شمس و زهره یا نحس باشد در هر برج نظر او دلیل است بر آنکه مولود تزویج خواهد کرد زنی که او از بلاد بعیده در رسد
از در اجناد و رند **فصل هشتم** و دلالات بیت سابع به سبب حلول انتها در بیوت حلول بیت سابع در **طالع** چون باشد مولود مظفر و مشعوف
و از جانب ف و غیر کثیر خواهد دید و در **دوم** ضایع شود مال او به سبب ف و خواهند بود ف و آن صاحب عیب و خواهد دید
مرت ف و منفعت خواهد دید در **سیم** تزویج خواهد کرد در غربت و سبب باشد که دشمن او اخوان باشند و در **چهارم** تزویج خواهد کرد زنی
از اهل بیت خود خواهد دید در **پنجم** تزویج زن صغیره السن و بکر خلق کند و در **ششم** جماع کننده کنیزان و غلام صاحب عیب باشد

ودر هفتم دلیل تزویج زنی معروف و کفو او بود سبب باشد که دراغ نحو چنین او در غیر حضرت و باعث عداوت شود و در هشتم دلیل آنست
بر بیرون مولود مال میراث زن یا در غربت به سبب زن شود و در نهم دلیل تزویج زنی بود در غربت و کسب ادب باشد و در دهم دلیل
تزویج زنی از اهل جاه و حرکت و بیرون برا او بود خبر کبری از اطراف آنکه مولود رسد سبب باشد که ظفر از اولیای بسختی بود و دخل تا آنکه
و یا کسی از محارب خویش بود و در یازدهم تزویج زنی که محب بیگانه بود و اشتهای عیش و عشرت تمام با هم نمایند و در دوازدهم دلیل تزویج
زنی بی‌قدر و بد حسب و شدت کلی در زحمت تمامی سبب او کشیده پس اگر نظر کنند باو رب ثامن دلیل است بر شر و حزن جهه
مولود از قبل زن یا عدم نکاح مولود است **فصل ثامن** در ذکر دلالات بیت ثامن بحسب حلول کواکب در او و اتصال بعضی
با بعضی و آن مشتمل بر شش مقصد است **مقصد اول** در ذکر دلالات کواکب در ثامن اگر بود باشد **زحل** در ثامن در نهار دلیل آنست
بر آنکه مولود خواهد بود غمخوار و مشتغل به فکر و زیادتی مال از قبل ارث و مشغول شدن از اشیای قدیمه و مظفر بودن بر اعادی و محتاج
بودن باو اکثر اهل او و خلاصی قوم از مکاره و خواهد بود سبب و وسیله رزق قوم خود از اهل بایست و اکثر الخوف و الفکر بود قاتل
کارها حقیقه و اگر منحوس باشد خواهد رسید باو کلال مکروه و سبب باشد که سفر کند به اراضی بعیده و بسبب اسباب بسیار و باید سودش
و تلف خواهد شد به حضرات سبب او و اگر لیلی باشد خواهد بود فاجره و فاسد پس اگر بود باشد با او رب ثامن دلیل است بر مرض
جسمانی و طبیعت او از طبیعت برجی که در او باشد رب ثامن پس اگر بود باشد در برج رطب دلیل است بر قتل مولود در اماکن رطبه
یا در غربت پس اگر نحسی با او باشد خواهد بود موت مولود در غرق آب و اگر در برج یابس بود دلیل موت در جبال مرتفع بود
و اگر نظر کنند باو مشتری و زهره و سعود باشند دلیل حصول فواید است از قبل مواریث و امور خفیه و اگر زحل منحوس باشد خواهد رسید
مکروه باو و تنگی در مال و معاش پس اگر مریخ با او و یا بنظر عداوت او بود عیش مولود در ذلت و حزن و ضیق معاش و نکبت
خواهد بود پس اگر نظر کنند باو مشتری یا زهره آن مکروه و شر کمتر خواهد بود و اگر مجاسده راس و مریخ زحل باشد یا ناظر بود دلیل
قلت حیات و مردن بدی است یا از عذاب و یا قتل خواهد بود نظر مریخ زحل و در صورت موت است هر چه دلیل است بر کثرت
سفر و رسیدن در اسفار مکاره عظیم و بر طرف شدن مال او به سرقت و حیله و اگر نظر کنند باو شمس از مقابله یا مقارنه دلیل آنکه بود
چیزهای حقیرست از اعمال او و حصول مکروه و حزن باو و اگر نظر کنند باو زهره و سعود باشد دلیل حصول قوت است نفقه از اعمال و
بعیده و اگر نظر کنند باو عطارد و سعود بود دلیل حصول فوایدست و نفع از جانب کتب و وثایق و اگر عطارد منحوس باشد
دلیل مکاره است بسبب مکاتبات چون حرکت حساب سیما اگر نحسی با او یا نظر او و اگر نظر کنند باو قمر و زحل منحوس باشد دلیل کثرت اسفارست

وقلت اشتغال

وقلت اشتغال **مشتری** در ثامن لیلا و نهارا دلیل است بر زیادتی خیر و فضل از میراث و اسباب مرتفع و مسرور شدن بچیزهای نیکو
خوب و فضل از صاحب بیگانه بهمراه از او آل و مشتغل شدن در امور عمر و خواهد بود جهه مولود منزلت عظیم در بلاد خود خصوصا اگر سعد باشد
در حق او محظوظ خود و ناظر نحس نباشد پس اگر نظر کند باو مریخ دلیل است بر نقصان مال او و اسراف در نفقه و خواهد بود شدید
الخوف و متهم شدن بشیئی بد و ضرر از امورات بد اصل و رسیدن اصراف باو که چاره و قطع حیله باشد و اگر نظر کنند باو شمس از
موت به طرف خواهد شد از او ایجر ذکر شده و مطلع بر امورات خفیه و مشغول شدن از آنچه خواهد بود و اگر نظر کنند باو زهره و سعود باشد
دلیل است بر سعادت یا نفع سبب زنان صاحب قدر و رتبه و سبب باشد که ارث از آنها برد و نا عمل شیئی که باعث زیادت
و شادمانی بود خواهد کرد و اگر با او عطارد بود دلیل مردن حسن بعد طول عمر است و اگر نظر کنند باو عطارد دلیل کند و شتن کتب بیگانه
در میان مردم بود خوی و اگر نظر کنند باو قمر و منحوس باشد بسیار در اوقات دلیل است بر مردن بعضی از اقارب او از جمله علیه و مولود
شیئی که حضرت و منازعات حاصل شود و کثرت مشتری دلیل است بر موت مولود از قبل حرکت و خطا **مریخ** در ثامن دلیل است
بر مرض یا علت در چیزی حضرت و یا در عین سیما اگر نحس باشد شمس با او در حد واحد و یا در مقابله او دلیل است قمر نیز چنین و دلیل
قتل و تعطیل و بلایی که برسد باو از طرف امورات رذیله او و پس اگر بود باشد برج مصور بعضی خواهد بود هلاک او از بعض علل
طلب خون و غیره و اگر برج یابس باشد هلاک او از بیماری بود و اگر در برج دوات اربع باشد خواهد بود او را سباع سیما اگر قمر
در زیادتی نحو باشد و اگر در برج رطبه باشد هلاک او از قبل شیئی رطبه یا آب باشد و اگر در برج جدی باشد هلاک او از سقوط
مرض مرتفع بود و اگر در برج ناری باشد موت او از جانب حرارت کبد و جراحات بود با مجلد مریخ در کاه منحوس باشد لیلا و نهارا
دلیل است بر کثرت تعب و مشقت و حزن در مکروه و بسیاری عداوت با ناس سبب باشد که واقع شود [illegible] از جانب سلاطین
و موت رد پس اگر نظر کنند باو شمس از موت دلیل حصول فواید است از جهه حرکت با اسباب حیله و مواریث و اگر نظر کنند باو زهره
و سعود باشد میسر شد باو اشیای نفیسه از جانب و از اهل ولاف سبب او و زایل خواهد شد از او غموم و اغنی از امورات که در قوت
و حذر باشد و اگر نظر کنند باو عطارد و سعود باشد دلیل است بر حصول اشیائی از طرف مواریث و خصومات و غضب بر ظلم خواهد بود
کثرت قوت و ضیع و بسیاری احتیاج او به مردم بسبب و امور خود و اگر نظر کنند باو قمر خواهد رسید باو امراض مختلفه با کثرت اهتمام
و خوف و ضرر او و بسیاری سفر و ربا و حیات **شمس** در ثامن دلیل است بر تقدم موت اب و مکاو این هر چه سبب باشد که برسد باو
کرب وانده و وجع قلب و اخفا دق در ابه عظیم پس اگر نحو باشد با او کوکبی یا ناظر باو نحو میرسد باو امراض بقدر طبیعت

برج مکان و شرف خود بود بر ملاقات و خواهد بود کثیر الهم و الغم و مکروه از جانب سلطان باو خواهد رسید از قبل میراث پس اگر
زهره با او بود و دور از احتراق باشد و غیر راجع موافق خواهد بود از چیزهای محموده و سالم از آفات پس اگر عطارد با او باشد
دلیل است بر ظهور اشیای خفیه و حصول فواید بسبب میراث و اگر نظر کند باو قمر دلیل است بر سفر بر آن و عود از سفر بخیر
اگر قمر مسعود باشد و اگر نظر مقارنه و مقابله کند دلیل سقوط مولود از دابه و موضع مرتفع و بار و حصول امراض مختلفه زهره در ثامن خواهد بود
مولود طول العمر بود و تزویج کند و اکثر نکاح به زنان شته و لکن عیش خواهد دید مولود از آن تف و بسیار باشد که موت با خوش میل بود و اما
مولود میل پس خواهد بود غنی کثیر المال و سعادت بسبب موت زنان خواهد دید و موت مولود بفرح بود خصوصاً اتفاق باشد و اگر
منحوس باشد دلیل است بر حبس مولود و فاعل اشیای مکروه و کثیر الهموم ساهر القلب و محبوس باشد پس اگر مستولی با مقارنه کند باو عطارد
و منحوس باشد دلیل است بر سلامتی او از چیزهای ردیه در موضع باد و مال بسیاری که از دست برون رفته باشد بر میل ضد عدو و اگر نظر کند
باو قمر و مسعود باشد دلیل است بر ملاقات بعض اهل او از جای بزرگ شاخ وارث بر دون از آنها عطارد در ثامن و منحوس بود دلیل سعادت
مولود است بر میراث از قوم غرباء و یا نقش مال مدفون و خواهد بود صالح سعید صاحب امراض غیر سقیم سیما اگر نظر کند باو مشتری و اگر
مشرق بود باشد خواهد بود کثیر المال عظیم الجاه و صاحب باشد که قائم با بردن دکت بود ارث غرباء باو رسد پس اگر بود باشد رب
ثامن در سادس یا ثانی عشر حرکت التمتع دیگر مین بود با نظر مره بایکی دلیل است بر حبوله مولود امام و امراض و اگر بود باشد ثامن
منحوس و عطارد نیز منحوس سیما اگر بود باشد رب او منحوس دلالت بر کثرت اوجاع و ضیق صدر و بیماری حزن و قلت تدبیر او
در موانع و تعویق امور و کثرت عذر از کارهای مشکل و در طرف شدن بعض مال او بکرامات از دست و گاه است که موت او از قبل
عبید یکی است پس اگر نظر کند باو قمر و مسعود باشد دلیل است بر رفیقان از آنجا ذکر شد قمر در ثامن هر زایه در نور و مسعود باشد دلیل
بر حصول میراث و غیر از اموال موتی و خواهد بود غنی کثیر المال خصوصاً اگر بود باشد در حظ خود یا عاید در فلک سیما اگر مشتری در عاید نظر
باشد که آن دلیل است بر رسیدن امراض باو یا علتی در چشم و چشم چپ او بود مه خضوع اگر مقابل یا مقارن شمس باشد پس اگر
ولادت میل باشد خواهد بود مولود صدیق صاحب افعال محموده ملک در اعمال اعمال حرکت و باشد که موت او دفعة یا فوراً باشد
پس اگر بود باشد صاحب ثامن سعد یا متصل برب ثانی دلیل است بر سعادت از قبل مواریث و غرباء در موت او دور غربت باشد و اگر
بود باشد قمر منحوس کسب مولود با تعب و مکاسب بعد مهانت و مذلت و یا کثیر الهم و الغم باشد و اگر بود باشد قمر مسعود خواهد بود حکم
هفته او کرنا ه و مال از سبب میراث بسبب غلات و مزرع تحصیل نماید راس در ثامن دلیل است بر عدم حصول مال او بدین

باو سفر کننده

باو د سفر کننده پس در عمل اعمال شریفه و مردان در موضع عالی و خواهد بود کثیر التعب و منفعت بچیزهای پنهان کند
پس اگر نظر کند باو مریخ یا با او بود باشد مولود کشته خواهد شد و اگر نظر کند باو زهره بجهت چیزی بد از خوف و اگر نظر کند باو زحل
یا با او باشد غرق در آب شود و یا از عذاب و حبس بر طرف شود و اگر نظر کند باو مشتری بجهت یا بد از مهالک و مکروه ذنب در ثامن
دلیل است بر آنکه مولود بسبب منفعت و خوف بسیار بر شد که شرف بر هلاک کرده و خواهد بود کثیر التلون و مزاج و متهم باعمال
ردیه و مکروه از اعادی پس اگر بود باشد با او کمین یا نا خوبان و از عادات بسبب زنان مهلکه عظیم گرفتار کرده و یا خواهد مرد
خانه تاسع
موت بدی طول الکنین در ثامن با رب طالع یا رب سهم السعادة دلیل است بر حزن و زیادتی ثروت و بدی عیش و مردان بدی
در ذکر بعض دلالات بر مواریث است اتصال رب ثامن برب ثانی یا بودن در ثانی هر گاه رب ثانی در ثامن باشد دلیل
حصول مواریث است انصراف قمر از رب ثامن و اتصال برب ثانی دلیل صحت و وقت میراث است بودن رب ثامن در خامس
یا خامس دلیل بر حصول خیر از ارث و موقوف است و هم ظنی است قول بر حصول در ثامن و اگر رب ثامن در سابع باشد دلیل رسیدن
ارث از اموال زنان و رشد اند است بودن سهم المواریث در ثانی دلیل صحت ارث است اتصال رب طالع برب ثامن و بسیاری
بر او بحصول در ثامن بسلامتی از مناحس دلیل ظفر بمیراث است بطریق قهر و غلبه سلامتی ثامن و رب او از مناحس دلیل منفعت
بارث است عدم نظر دلالی ارث بعضی ببعضی دلالت است موجب عدم ارث است جمله مقصد ثالث در ذکر بعضی دلالات
موت و سبب آن است هر چند آنکه او غیر مشهور است لکن بعضی از دلالات مشهوره او بیاد کرده میشود از جمله برج سابع دلیل است موت
و رب سابع دلیل حال بدن است بعد از موت مثل کشتن و بار بیده و پیچ کردن جسد او و یا ملک رفیقی بر بدن بعد مردن و یا بدار کشیدن
نقش او بار و امثال آنکه که بعد از قطع روح لاحق بدن و در ... و برج رابع دلیل دفن است یا غیر دفن مثل سوختن و غرق شدن و
غیر از او که بدن واقع شود در برج ثامن و سهم الموت و مستولی بر هر دو دلیل موت است پس اگر اتفاق افتد که بود باشد اول از
ارباب مثلثه رابع با قاطع بر میلاج دلیل حصول مستولی به بر موت و بری از مناحس کلی و وقتی در موضع خود غیر مانع
از کواکب دلیل بر موت طبیعی است از قبل امراض بر حوالی هر گاه دلیل دال بر امراض عارضه موافق باشد و اگر دال بر امراض نجم
دلالت غیر حرفی کند موت مولود بسبب طبیعت آن کوکب پس اگر دلایل دال بر مرض زحل باشد خواهد بود موت مولود از امراض
مزمنه و سل و نزلات و وجع پا و [illegible] ناقص و [illegible] و علل باشتقاق و وجع ارحام و نقرس و جذام و مواد مشتبه با عفا و قروح اعماء و حول
و یرقان و تب مقلع و تمام امراض عارضه از برودت و یبوست و اگر مشتری باشد خواهد بود موت از امراض حادثه از ریح مفرط

وذات الریه و سکته و صداع و تشنج اعصاب و علل قلب و اگر مریخ یا شمس باشد خواهد بود موت از جراحات مفرط و از دم
و انقطاع عصب و موت بطریق سکته و از جماع کبد و تقرف الدم و حمیات و سقوط از جبل و قطع مراقی حادثه از حرارت و برسام و حمی لازمه
و ذات فارسی و وسواس و غیر ذلک از عفونات مره و اگر زهره یا قمر باشد خواهد بود موت از علت قلب و معده و کبد و امراض حاره
از برودت و رطوبت بود و اسهال و استسقا و یرقان و اگر عطارد باشد خواهد بود موت از امراض سعال و تقرف الدم و ذات الجنب
و جنون و امراض سودا و وجع و سقوط و اگر ممتزج باشد دلیل موت مثل آن کوکب هرگاه [illegible] دلیل بود مختلف بشود مرض موت
و سبب موت از طرفان هر دو کوکب خواهد بود هر وقتی که [illegible] باشد در برج ثامن هر سعد خواهد بود سبب موت حسن و اگر در خانه
نحس باشد سبب موت قبیح خواهد بود و هرگاه که سهم باشد در برج رابع از مناحس مدفون خواهد شد بدن او و اگر نحس باشد مدفون
نخواهد شد و یا بعد دفن نبش او بتاه و بر طرف خواهد شد و هرگاه بهم باشد رب ثامن در بعض حظوظ خود ناظر بثامن دلیل موت
در وطن است و اگر غایب باشد موت او در غربت بود [illegible] هرگاه در نهم باشد و اگر در نهم [illegible] ناظر یا بهم [illegible] خواهد مرد در سفر
و هرگاه بهم باشد رب ثامن سعد در صورتی که متصل شود با رب طالع خواهد بود موت او صالح و اگر نحس بود موت [illegible] خواهد بود
و هرگاه سهم باشد [illegible] ثامن از مناحس [illegible] ثامن از زحل و مریخ [illegible] خواهد بود مردن [illegible] خود
و هرگاه بهم باشد زحل دلیل موت و [illegible] خواهد بود موت [illegible] از وجع بطن و طول مرض و اگر [illegible] فقط
بهم باشد از وقت مردن از سقوط [illegible] و اگر در برج [illegible] باشد خواهد بود موت [illegible] اگر بهم باشد با ذنب
یا مقابله یا تربیع موت از سقوط [illegible] باشد و اگر [illegible] در برج یابس موت [illegible] بطریق خفه کردن بهم
و اگر برج مائی باشد موت او در آب بود و اگر برج هوائی باشد موت از قبل عذاب بود [illegible] سعدی [illegible] باشد پس [illegible]
[illegible] و لکن [illegible] خواهد [illegible] و اگر دلیل موت مشتری باشد و [illegible] خواهد بود [illegible] و عفت [illegible] موت [illegible]
و اگر مریخ دلیل موت بود با شمس [illegible] خواهد بود موت از طرف نار یا حدید یا وحوش و سباع و اعدا و طرف ملوک اگر
شمس [illegible] باشد سبب بود که قطع بسیف [illegible] اگر [illegible] باشد هر دو یا یکی در برج مائی و مؤنث یا وقوع از [illegible]
[illegible] سبب [illegible] اگر مریخ مشرق باشد و در برج مائی [illegible] باشد که موت از قبل [illegible] و معده بود و اگر زهره یا قمر باشد دلیل
موت و [illegible] خواهد بود موت از قبل سم حیوانات [illegible] و اگر عطارد باشد [illegible] باشد
[illegible] از جانب ارباب علم [illegible] باشد **مقصد رابع** در ذکر سبب موت [illegible] دلیل [illegible] باشد در طالع خواهد بود

موت از جهان

موت از [illegible] مرض [illegible] و موت [illegible] و در [illegible] از سبب مال و در [illegible] موت در غربت یا سبب [illegible]
و اهل خود و در برج [illegible] او [illegible] چنانچه [illegible] مرکز و [illegible] او [illegible] معقول باشد که خواهد مرد در اهل و عیال خود و هم [illegible]
در خانه [illegible] لکن خوف [illegible] و در [illegible] موت از جانب امراض طویله و یا عجیبه [illegible] حاصل شود و در [illegible]
[illegible] و در [illegible] موت از خوف و خطری که [illegible] واقع شود خواهد بود و در [illegible] موت از جهة [illegible] بهم و در [illegible]
موت او [illegible] چنانچه در شمس و مریخ [illegible] کردیم و در [illegible] موت [illegible] حال بهم و در [illegible] موت از جانب [illegible]
باشد و هرگاه [illegible] باشد [illegible] الارض و متصل [illegible] خواهد شد [illegible] و بعد [illegible] خواهد
[illegible] اجتماع کواکب [illegible] طالع و دلیل موت [illegible] و [illegible] سهم [illegible] سعد [illegible]
[illegible] پس اگر [illegible] مریخ باشد قتل بسیف خواهد شد و اگر زحل [illegible] باشد خواهد بود قتل [illegible] مریخ [illegible] طالع
و [illegible] باشد دلیل قتل است [illegible] اجتماع زحل و مریخ و [illegible] دلیل قتل [illegible] قتل قبیح
[illegible] اگر [illegible] باشند [illegible] زحل [illegible] و عدم [illegible] سعدی قتل [illegible]
[illegible] باشد [illegible] و دلیل موت [illegible] دلیل قتل [illegible]
[illegible] از تربیع [illegible] دلیل موت [illegible] پس اگر مریخ در برج ناری باشد خواهد [illegible] و اگر [illegible]
[illegible] باشد [illegible] خواهد شد [illegible] الارض و متصل مریخ از فوق الارض
دلیل [illegible] از [illegible] و اگر [illegible] باشد فوق الارض [illegible] خواهد شد [illegible] خواهد
[illegible] خواهد شد [illegible] اگر در برج مائی باشد خواهد [illegible] و در برج [illegible] خواهد شد [illegible]
[illegible] طالع [illegible] الارض [illegible] خواهد شد [illegible] و اگر برج [illegible] باشد خواهد مرد
[illegible] و اگر مریخ در برج ناری بهم خواهد [illegible] خواهد مرد [illegible] اگر [illegible] باشد و اگر برج [illegible] باشد خواهد [illegible]
پس اگر [illegible] متصل شود با رب طالع فوق الارض باشد خواهد بود موت او [illegible] اگر [illegible] باشد خواهد مرد [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] باشد و اگر رب طالع [illegible] باشد موت [illegible] و اگر
[illegible] باشد خواهد مرد [illegible] و موت او از طبیعت [illegible] باشد و هرگاه [illegible] باشد [illegible]
[illegible] طالع [illegible] خواهد شد [illegible] خواهد شد کیفیت موت او و اگر متصل شود با رب طالع

بسعدی و آن سعد در بیت ثامن باشد خواهد مرد [illegible] مولود در زمان صالح خوبی و [illegible] اجتماع

شمس و مریخ در بیت طالع دلیل بر ضعف است و اجتماع مریخ و شمس و قمر با رب طالع دلیل قطع اعضای مولود است و در وقتی که

بعید باشد دلیل موت در عاشر و کوس [illegible] یا ناظر باو باشد از عداوت دلیل قطع عضو مولود است [illegible] پس اگر بعید باشد

[illegible] و مریخ با رب ثامن بر دار خواهد شد مولود و شمس در عاشر یا حادی عشر [illegible] یا تربیع یا مقارنه [illegible] باشد

[illegible] رب ثامن نحوس دلیل است بر دار کشیدن او و [illegible] رب ثامن با اول [illegible] مثلثه رابع دلیل مردن [illegible] است

و [illegible] رب سابع [illegible] سابع از زحل باشد و آنچه ذکر شد از رب ثامن در [illegible] مثلثه رابع دلیل [illegible] است و [illegible]

رب حد سابع یکی از [illegible] باشد و تحت الشعاع بعید خواهد بود موت [illegible] و اگر [illegible] باشد موت او [illegible]

مکشوف و اگر بعید باشد در [illegible] رجعت خواهد بود موت او از [illegible] و مقابل [illegible] الطبیاء و [illegible] لکن

[illegible] و اگر در برج [illegible] باشد خواهد بود موت او از قبل [illegible] و اگر برج [illegible] خواهد بود موت او از [illegible] و اگر در برج

ذی اربع قوایم باشد موت او از [illegible] سباع [illegible] از سباع [illegible] از مکان [illegible]

[illegible] باشد خواهد [illegible] و اگر در برج حمل و مثلثه او باشد [illegible] از [illegible] باشد و اگر در [illegible]

و مثلثه او موت او [illegible] غرق شدن باشد [illegible] با مریخ در بیت طالع شمس [illegible] قطع اعضا باشد [illegible]

[illegible] زحل سابع [illegible] دلیل [illegible] زحل در طالع

مریخ در سابع دلیل [illegible] سابع مولود را [illegible] زحل در رابع باشد [illegible] و مریخ در عاشر [illegible] دلیل [illegible]

[illegible] شمس در سابع دلیل موت [illegible] است [illegible] حادثه [illegible]

[illegible] خواهد بود [illegible] قتل [illegible] مریخ [illegible] مشتری یا ناظر [illegible] دلیل قتل مولود است از قبل

ملوک [illegible] دلیل قتل [illegible] است [illegible] اگر طالع [illegible]

[illegible] سابع [illegible] یا مقابله او [illegible] دلیل [illegible] رابع [illegible] شمس

[illegible] ساقط از دو دلیل [illegible] موت مولود [illegible] شمس [illegible] طالع و مریخ [illegible] دلیل [illegible] است

[illegible] طالع [illegible] مقابله دلیل [illegible] مولود [illegible] پس اگر [illegible] کشته شدن باشد [illegible]

رب سهم القتال [illegible] الشعاع دلیل بر ضعف [illegible] اجتماع مشتری و مریخ [illegible] دلیل قتل است

[illegible]

نکوست قمر [illegible] تمام شده [illegible] از ولادت گذشته دلیل قتل مولود است بخصوص [illegible] بودن یکی از نیرین در طالع

و زحل در سابع دلیل موت [illegible] بودن [illegible] با زحل یا نظر عداوت دلیل موت از سباع و [illegible]

[illegible] و اگر زهره [illegible] خواهد بود موت [illegible] شراب [illegible] از جانب زنان پس اگر اتفاق

[illegible] از برج [illegible] با زحل [illegible] باشد خواهد بود موت [illegible] غرق شدن [illegible] مریخ [illegible] تربیع او

یکی از نیرین [illegible] دلیل [illegible] مولود است [illegible] باشد [illegible] هلاک کند [illegible] برج منقطعة الاعضاء دلیل قطع

اعضای مولود است [illegible] اگر [illegible] باشد پس اگر اتفاق [illegible] باشد دلیل [illegible]

[illegible] و اگر [illegible] طالع [illegible] خواهد [illegible] و اگر [illegible] از برج [illegible] دلیل [illegible] سابع

رجعت زحل [illegible] دلیل سقوط [illegible] مقصد خامس در ذکر دلالات رب ثامن در بیوت

[illegible] اول طالع دلیل [illegible] دوم [illegible] از [illegible] میراث باشد

[illegible] سیم دلیل [illegible] چهارم دلیل [illegible]

[illegible] پنجم [illegible] اولاد [illegible]

[illegible] ششم دلیل [illegible]

[illegible] هفتم دلیل [illegible] هشتم [illegible]

[illegible] نهم خواهد بود [illegible] دهم [illegible]

[illegible]

[illegible] یازدهم دلیل [illegible]

دلیل [illegible] مقصد سادس در ذکر دلالات سهم الموت و سهم القتال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سهم القتال [illegible] دلیل قتل [illegible]

[illegible]

و تا از این اشکال بود باشد در برج مقطوع الاعضا اگر دلیل قطع بعضی اعضا موجود است هرگاه ناظر نباشد باو بسبب جزو سابق
حفظ ما اگر نظر کند باو کوکبی در هشتم یا شاه من سهم السعادة دفینا ذکر کرده کفایه **فصل ج** در ذکر دلالات بیت تاسع بر احوال
کواکب در او واتصال بعضی با بعضی وآن مشتمل بر هفت مقصد است **مقصد اول** در احوال سعود در تاسع دلیل است بر سعادت و نیکویی
و صلاح و علم و عدالت و حسن یقین در دین سیما اگر صاحب تاسع در حظی از حظوظ خود باشد سلیم از نحس و نحوس [illegible] در تاسع
دلیل عکس آن است و استیلای سعود بر تاسع دلیل سلامتی در غربت است و حصول فایده در غربت و استیلای نحوس بر او دلیل
وقوع در بلایای بسیار و مصایب در غربت است سیما اگر نحس باشد در مقابله نیرین یا تربیع نیرین یا محترق بود نحوس
دلالات **اسفار** هرگاه فرض که بوده باشد قمر در ما بین سابع و عاشر یا بین طالع و رابع دلالت کند بر کثرت سفر موقوف بر آنکه
مستقر در بلدی نشود و اگر بوده باشد در برج آبی خواهد بود [illegible] بیرون [illegible] نیز [illegible] از خود منتظر او دلیل است
بر آنکه مولود بیرون خواهد رفت از بلد خود و سفر خواهد کرد و اگر در برج هوایی و منتظر نیز بوده باشد دلیل اسفار [illegible] است و بعد
بلده و اگر نظر چنین آنچه باشد مولود از سفر [illegible] در اسفار بیماریهای عظیم گرفتار شود [illegible] قمر در دلیل
دلیل است بر غربت و هم چنین است تاریخ هرگاه در دو دلیل باشد [illegible] تاسع از وتد [illegible] ناظر باو و عدم نظر سعدی دلیل
رسیدن بلیه و شدت است بر او در اسفار و [illegible] از این [illegible] صاحب تاسع در وقوع نحوس باشد و اگر نظر کند بدین دو نحوس
کم خواهد شد این شر و بلیه و هرگاه نحوس باشد [illegible] تاسع و در موضع قوی از نحوس [illegible] باشد در تاسع ضعیف نظر سعدی
دلیل است بر آنکه مولود تحویل خواهد کرد از بلدی ببلدی و سفر بسیار کند که بعد تر از بلدی که متولد در آن شده باشد خواهد بود
و شدت و بلیه کلی در اسفار باو رسد پس اگر نحس زحل باشد خواهد بود مضرت از جهت او [illegible] که باو رسد و غیره در اسفار
خواهد دید و عامل اعمال دنیا و دین خواهد بود و اگر مریخ باشد خواهد بود مضرت از جهت او بودن قمر در سابع یا رابع [illegible]
از عداوت خواهد رسید باو مضرت در غربت و شاید که [illegible] از سفر نکند پس اگر برج آبی باشد خواهد بود بلیه از آب و اگر
برج آتشی باشد خواهد بود از [illegible] و هم چنین [illegible] برج خواهد بود و هرگاه [illegible] باشد قمر [illegible]
و نظر کند باو سعدی میرسد در اسفار باو بلیه بسیاری و هرگاه قمر در رابع [illegible] صاحب او خواهد بود اسفار مولود بسیار و هرگاه مقیم
شمس در وتد [illegible] ناظر نشده مشتری باو خواهد بود مولود کثیر الاسفار [illegible] دلیل اسفار مولود است [illegible]
در وقوع در بلایا و شاید [illegible] از مقابله پس اگر نحس باشد در برج رطب خواهد بود شدت از قبل آب و غرق شدن و اگر در برج [illegible]

واینها بدست

خواهد بود ترس از سقوط از بلندی و [illegible] و اگر در برج منقلب باشد خواهد بود شدت از طرف [illegible] و چیزهای
متحرک بلیه و اگر در برج ذو جسدین باشد خواهد بود از قطع طریق اتصال صاحب تاسع با مریخ دلیل است بر کثرت اسفار و اگر شهادت دهد
بآن صاحب طالع مقیم در بلدی که متولد شده نظر مریخ بصاحب طالع یا زوال صاحب طالع دلیل کثرت اسفار است خاصه در [illegible]
[illegible] و حلول سابع بودن مریخ در وتد دلیل خوف از قتل است در اسفار و عدم نظر قمر بصاحب بیت خود دلیل کثرت اسفار است در غربت
[illegible] در طلب معاش در غیر بلد خود [illegible] و هم چنین است قول [illegible] بودن قمر [illegible] در سابع دلیل کثرت
[illegible] سفر را و اگر قمر در تاسع باشد [illegible] ناظر باو از عداوت [illegible] باشد که در سفر [illegible]
در سفر باشد نظر مریخ [illegible] از عداوت [illegible] دلیل است بر کثرت سفر مولود و عدم قرار در بلدی و در حصول
[illegible] در سفر و اکثر سفر او در [illegible] خوف [illegible] اگر [illegible] باشد و مریخ در غیر حظ خود بود
با رابع باشد [illegible] و اگر در بعضی حظوظ خود بوده باشد خواهد رسید مولود [illegible] در سفر و اگر مستقبل باشد قمر [illegible]
[illegible] خواهد بود مولود صاحب اسفار [illegible] خواهد رسید و اگر مستقبل باشد [illegible] سعدی
و آن سعد در بعضی حظوظ خود [illegible] مولود صاحب اسفار و اگر آن [illegible] در بعضی حظوظ خود مشتری [illegible] بنظر سعدی
دلیل منفعت مولود است [illegible] دلیل سفر مولود است [illegible] منفعت [illegible]
رسیده [illegible] پس اگر نظر کند قمر [illegible] دلیل کثرت [illegible] در وقوع [illegible] از آن حصول [illegible]
در تاسع واتصال صاحب طالع [illegible] دلیل [illegible] اسفار است در رسیدن مضرت و حزن و وقوع مریخ [illegible] دلیل
از خوف هلاکت [illegible] دلیل [illegible]
مولود و حصول [illegible] طبیعت آن برج بودن مریخ [illegible] حال [illegible] زحل دلیل [illegible] بلدی که غیر او
بلد خود رسد و [illegible] و سقوط او از [illegible] نظر سعدی دلیل است
بر رسیدن شدت و بلیه در اسفار [illegible] بودن زحل در رابع و سابع دلیل سفر مولود است و عدم رجوع [illegible] و اگر
نظر کند باو سعدی [illegible] خواهد بود [illegible] تاسع [illegible] دلیل [illegible] اگر نحس باشد در موضع
با سعدی و اگر صاحب تاسع در وتد باشد خواهد بود مولود [illegible] پس اگر زحل صاحب تاسع بود در موضع [illegible] بنظر سعد از قوت
[illegible] باشد خواهد بود منفعت مولود در اسفار از قبل [illegible] و اگر نحس باشد مشتری خواهد رسید در سفر [illegible]

مال و کمال و ذکر حسن و اگر مریخ باشد خواهد رسید در اسفار بمولود کرات از اسباب حروب و [illegible] شرف کرد دفع از آنها
خواهد دید و بعکس اگر زحل باشد و اگر شمس باشد خواهد بود مولود صاحب حرمت و ریاست و تقدم در امور و اگر زهره باشد
فرح خواهد کرد مولود در سفر و صاحب مال و فرح بسیار خواهد شد و اگر عطارد باشد خواهد رسید مولود در اسفار حکمت و علم و منفعت
بسیاری و اگر قمر باشد خواهد بود اسفار مولود طویل جیدة المقاصد و مراجعت بوطن خود از سفر کمتر خواهد کرد و کم دید شهادت
بسیاری قمر را از سعادت و هر گاه رب تاسع در [illegible] باشد نیکو [illegible] و سلیم از مناحس بر نظر سعدی و در برج آتشی
دلیل وصول مولود است در سفر کرات و نزهت [illegible] و [illegible] و هر گاه رب [illegible] یا رب طالع
در وبال [illegible] باشد دلیل است بر کثرت اسفار [illegible] و [illegible] و هر گاه [illegible] وطن خود [illegible] باشد بودن مریخ
در بعض خطوط [illegible] شرقی از شمس و بر نظر مشتری از جهت دلیل است بر رسیدن مولود در سفر کرات و مال کثیری و اگر مریخ
در بعض [illegible] ساقط از طالع و غرب [illegible] باشد خواهد رسید در سفر [illegible] و مشقت و شقاوت طویلی از [illegible]
مریخ بودن قمر یا رب طالع [illegible] دلیل است بر [illegible] مولود [illegible] و خروج از وطن [illegible] و عدم مراجعت
بوطن و هر گاه رب تاسع [illegible] طالع و رب طالع در تاسع یا در بین آن [illegible] و با اتصال [illegible] باشد دلیل است بر کثرت مسافرت
مولود و اگر اتصال [illegible] باشد دلیل [illegible] مولود است بودن صاحب طالع در تاسع یا در [illegible] دلیل کثرت سفر مولود است
ببلاد بعیده و مراجعت بوطن خود [illegible] و [illegible] اگر [illegible] باشد در او سهم السفر خواهد بود رجعت مولود از غربت [illegible]
و فضل و اگر سهم السفر در او باشد مراجعت نخواهد کرد سیما اگر [illegible] باشد با رب طالع نظر [illegible] دلیل [illegible]
و اگر مریخ باشد [illegible] خواهد بود [illegible] از آنکه در غربت [illegible] سعود [illegible] یا مقبل [illegible] دلیل [illegible]
سفر مولود است و سرعت سفر [illegible] دلیل [illegible] و موافق [illegible] دلیل خواهد بود [illegible] قمر [illegible] شمس [illegible] دلیل
سرعت رجعت است و [illegible] بعکس نظر مریخ بطالع [illegible] رب او دلیل کثرت اسفار است مولود را پس اگر [illegible] مریخ در رب
طالع عداوت باشد ملاقات خواهد کرد مولود در اسفار [illegible] کلی و هول و مشقت بسیار [illegible] که جراحت [illegible]
او رسد پس اگر [illegible] باشد خوف قتل است در باره او پس اگر مریخ صاحب طالع [illegible] و [illegible] در طالع داشته باشد و در [illegible]
با ذنب بود [illegible] با شمس باشد دلیل قتل مولود است در سفر [illegible] مقوی [illegible] نظر [illegible] طالع دلیل است
بر کثرت سفر مولود و مراجعت بسوی وطن و اگر ناظر نباشد باقی خواهد ماند مولود در غربت و *اما* [illegible] سفر [illegible]

[illegible]

از قبل جهت موضع سهم السفر مثل آنکه بوده باشد در برج شرقی سهم السفر سفر بجانب مشرق خواهد بود و اگر در برج مقابل شرق
باشد سفر بطرف مغرب خواهد بود و اگر در برج جنوبی باشد بجانب جنوب خواهد بود و اگر در برج مقابل جنوب باشد بطرف شمال
خواهد بود و *رابعه* از قبل موضع برتر است از ارباع [illegible] آنکه سفر مولود خواهد بود در جهة برج [illegible] که بوده باشد در آن
وقت سفر پس اگر اتفاق افتد که بوده باشد در برج [illegible] خواهد بود غربت مولود [illegible] طویلی و اگر در برج [illegible]
باشد غربت مولود سریع خواهد بود و *اما* [illegible] بودن مولود در غربت [illegible] از جانب اتصال [illegible] صاحب [illegible]
و از قبل حال رب اول [illegible] مریخ در سعادت و [illegible] حال مولود در سفر *مقصد ثانی* در دلالات سهم السفر است اشتمال
سعود بر او و بر رب او دلیل است بر حسن حال اسفار و کثرت فواید در سفر و اشتمال نحوس بر او و بر رب او دلیل است بر کثرت
خوف در اسفار [illegible] سعود و نحوس باهم دلیل [illegible] و بودن سهم در [illegible] دلیل سفر است از جهة آن [illegible]
بوده باشد سهم در [illegible] دلیل است بر کثرت اسفار و اگر در [illegible] بوده خواهد بود [illegible] سفر و عدم نظر سهم بطالع دلیل کمی
سفر است پس اگر بوده باشد در عاشر سفر بسبب [illegible] یا تجارت یا سلطان یا از جانب مادر باشد و اگر سهم در طالع باشد خواهد بود
سفر مولود از جانب خود بسبب [illegible] و نزهت [illegible] و اگر در رابع باشد خواهد بود از طرف [illegible] رابع [illegible] و
[illegible] و اگر در سابع باشد خواهد بود از جانب [illegible] و اگر در حادی عشر یا خامس باشد خواهد بود کثیر الاسفار
و اگر در ثالث یا تاسع باشد و نظر سعدی بر سابع باشد خواهد بود مولود کثیر الاسفار و اگر نظر باشد سعدی خواهد بود قلیل
الاسفار پس اگر ناظر باشد نحسی بر رب طالع قطاع الطریق در اکثر اسفار [illegible] و اگر در ثانی یا ثامن [illegible]
یا ثانی عشر بوده ناظر رب طالع باشد دلیل است بر سفری که مشقت کلی با او رسد و اگر نحوس باشد بحبس و زندان و مرض و خسران
مالی گرفتار شود [illegible] سهم مریخ دلیل کثرت اسفار است سیما اگر شهادت دهد بدو رب طالع مقیم در بلدی نخواهد شد
و اگر مریخ با سهم با نظر او از عداوت بود خواهد رسید [illegible] او [illegible] و [illegible] و شر کثیری [illegible] است [illegible] اگر با او یا نظر او
بوده باشد *مقصد ثالث* در ذکر بعض دلالات علم و دین است هر وقت که بوده باشد رب تاسع سعد مستقیم السیر خواهد بود مولود
صالح و [illegible] و خصوصا اگر در بعض خطوط [illegible] خواهد بود [illegible] و اگر [illegible] باشد خواهد بود
حسن [illegible] اعمال [illegible] اگر در طالع باشد پس اگر [illegible] باشد [illegible] خواهد بود پس اگر نحس مریخ باشد خواهد
بود مولود [illegible] و ضعیف الدین و اگر زحل بود خواهد بود [illegible] که با او [illegible] باشد بودن [illegible] در طالع

دلیل است بر بودن مولود از جملهٔ عبّاد و اصحاب دین و خوبی در خلق سیما اگر عطارد با قمر و مشتری باشد خصوصاً اگر در سیم
و نهم باشد بودن عطارد با زحل در نهم بیتیم دلیل ورع مولود است و ثنای جمیل بر او بسبب دین پس اگر نظر کند بهرام مریخ
خواهد بود مولود کذاب و راجف روا و بی‌دین و اگر نظر کند بدو زهره خواهد بود مولود که شهوات بد دین و اگر نظر کند بدو
مشتری دلیل است بر صدق و وفا و وجب ثواب و اگر نظر کند بدو شمس خواهد بود عابد و کثیر الدین بودن عطارد با مشتری
یا ناظر با او از مودّت یا در بعض حظوظ خود دلیل است بر صنعت از طرف ادب و کتابت و محبت اتصال است تا مع بر مطالع
از مکان جهد پیری دلیل است بر انقطاع مولود بسبب علم و دین و غربت و از مکان لوی شغل سادس و ثانی عشر دلیل است
بر بقای مولود در غربت و در طول مرض و اعدا پس اگر کوکب سعد باشد خواهد بود مولود حسن السیرة و الدین و صحت از نظرها
و کثرت نظر در علوم که را اینده بودن عطارد در بیت مشتری و در نظر او دلیل است بر علو و صاحب دین و عهد و وفا و بودن
و در بیت زحل خواهد بود صاحب فکر و غور و ذکاوت و همت عالی و زاهد و علامه و متواضع صبور و شکر کننده سیما اگر بعدان
در صدر زحل باشد و ناظر نباشند بعطارد و اگر با وجود آن با نظر مریخ باشد دلیل است بر صنعت زور و کذب و باطل و مهلکت شهوی
ذی فکر و اگر عطارد در بیت مریخ یا در حد او باشد و ناظر با او باشد از عداوت دلیل است بر آنکه مولود صاحب ادیان باطل باشد و بد اعتقاد
و ملال کنندهٔ خون مردم و صاحب احوال باشد و اگر در حظ زهره باشد دلیل است بر سرور و از جانب زنان و در سخن بودن پس اگر
نظر کند با او مریخ خواهد بود ضعیف بعمل و اگر عطارد در حظ باشد ناظر با جدی از کواکب نباشد خواهد بود مولود که ثابت در کتب
و علوم و مشهور در آن در مجلد پس اگر نظر کند با او مشتری خواهد بود اقوی از آن و اگر با قمر باشد خواهد بود بسبب صلاح
و متدین عابد و عالم بکتابت در علوم سیما اگر منحوس نباشد سهم السعادة و سهم الغیب در بیت او و در فرو بیت او و در تسع
و سهم السعادة در طالع از ذنب و مریخ در زهره و در تربیع عطارد و مقابله او و از کواکب سعد دلیل است بر آنکه مولود عالم باشد کلام مفهم
عالم بود معارف الرؤیا و قوی نفس باشد پس اگر نظر کند بدو مریخ یا زهره دلیل است بر سرور بودن او و اگر نظر کند مشتری دلیل
استواری کند ... خاطر و اگر مشتری صاحب رابع و عطارد راجع باشد مضطرب القول بود و لغو باشد مقبول نباشد قول
و فعل او بودن سهمین در تسع یا ثالث و سعدی باشد دلیل است بر فضیلت و دلالت او در علوم دینی پس اگر نظر کند
بسهمین سعدی و کواکب ناظر نباشند از وبال خود خواهد بود مولود متکلم بعجب بودن تسع و بیت او در بروج خرجین خواهد بود
بیت مولود در غیر دین واحد بلکه شریک در ادیان بود باشد و بودن بیت تسع یا ثالث در طالع بدون نظر سعدی دلیل است

الاتی

بر عاقل و رئیس بودن مولود و محب دین و طالب صلاح باشد پس اگر با وجود این بیت تسع مشرقی باشد خواهد بود مولود که خدمت کننده
علما و بزرگان سیما اگر بعد شمس باشد و اگر غروب باشد خواهد بود محقق کننده دین خود بودن عطارد و سهم الدین با قمر در خانه از خطوط
خود خواهد بود مولود نبی باشد آن و گر نیز و اگر با و نازل شود و کثیر العلم نفوذ او در تفسیر کننده اعلام و ابواب و معبر باشد
پس اگر مشتری بر نظر او یا مقارنه با آنها باشد خواهد بود صدیق و صادق و شور کننده در امور عظام و اگر قمر در تسع در بیت
مشتری باشد دلیل خواهد بود منجم و عالم تقی و اگر عطارد در بیت تسع باشد و سعدی در تسع یا ثالث باشد دلیل است بر منفعت عظیمی
در سفر و از مردم کرم و دین جهت مولود و صاحب احوال کثیری کرد دین سیما اگر بعضی سعود در فرج خود باشند و همچنین است قول در بیت
این مرتبه هر گاه در موضع جیدی باشد بر آنکه نفع و محبت و کتابت و منطق در علوم و دین نیز باشد که از جانب عطارد و مشتری
با نظر او یا در بعض حظوظ او وقف و نزدیک بیت تسع یا مشتری یا صاحب ثانی دلیل است بر آنکه مولود بسبب دین مشهور

مقصد

گردد و بودن نحوس در تسع یا منقل بر بیت طالع یا ثالث بیت تسع دلیل است بر قلت دین و فساد اعتقاد مولود

رابع

در دلالت سهم الدین است هر وقتی که بود باشد سهم الدین با زحل یا با نظر او خواهد بود مولود ثابت قدم در دین خود و اگر
با مشتری باشد یا بنظر او خواهد بود صاحب عبادت و صادق الرؤیا و محرز امور عادت قبل کون او و محبت حکمت و فلسفه و منطق
حسنه و اگر با مریخ یا بنظر او باشد خواهد بود لوی در امور دین و اگر با شمس باشد یا منحوس باشد در حد احتراق یا بنظر شمس باشد خواهد بود
محب امور طرب و حسن اخلاق در دین و سهل المعاشره و اگر با عطارد یا بنظر او باشد خواهد بود صاحب تجربه و علم و مباشرت فنون
دقیقه متعلقه بامر دین و نقل عجایب و صاحب عقل و لقوب و رای جید و صاحب مال بسیار گردد و اگر با قمر یا بنظر او باشد خواهد بود
صاحب دین و فکر جید و از قمر مقارنه سهم السعادة سهم الدین باشد و در تسع یا ثالث با سعدی یا بنظر سعدی دلیل است بر رفعت
در دین و یقین و اگر سهم الدین محترق باشد دلیل است بر عدم خیر و فضیلت و هر وقتی که بود باشد در جدی دلیل است بر یکجزو دو قاعده
و در حمل و ثور و اسد و عقرب دلیل بر حاجت است و در باقی بروج بر توسط و در امور و نظر مشتری با او دلیل عبادت صادقت
پس اگر سهم باشد او در بیت او و از نحوس دلیل ظهور یا کمال صادق است اگر بود باشد بیت او راجع و اگر نحس باشد بیت سهم منحوس
دلیل است بر تمامی بیان مردم و در تسع یا ثالث دلیل است بر وقوع در دین پس اگر صاحب آن مقبول و ناظر بسهم باشد
دلیل است بر زهد و تقوی و زاهد کثیر الذکر بودن و عدم رغبت و دلیل بر هوای خاطر و اگر غیر مقبول و منحوس باشد دلیل است
بر قول شبهه و وقف در دین و در ثالث خواهد بود که از آنچه ذکر شد و اگر حادی عشر باشد دلیل است بر صلاح مولود در امور دین

نظر دارد و درین نحو دارا فرعمر و دلیل بر خیر و فضل است پس اگر سالم باشد یعنی از مناحس و ناظر بوی نحو بود دلیل زیادتی
خیرات است پس اگر بانچه ذکر شد مقبول باشد خواهد رسید خیر و فضل باو و اگر منحوس باشد فاسد خواهد بود سیرت او و در خامس
دلیل اولاد و حاصل شده از جهة مولود است و صاحب ورع و تقوی و دین باشد و اگر در منازل باشد دلیل باشد عشر بود دلیل
بر جنایت مولود است پس اگر صاحب آن منحوس بود دلیل اداری از آن است **مقصد خامس** در دلالت سهم الغیب است سلامتی سهم
غیب او از مناحس دلیل است بر ورع و تقوی مولود و حسن سیرت او و ثنای مردم بر او و ذکر جمیل و اشتغال بر او دلیل بود بر دلیل
ضد آن است پس اگر اتفاق افتد که سعد باشد در برجی بدو یا در دو دلیل است بر وجه منافع پس اگر نحس باشد سهم
رابع دلیل کمال مولود است از دین خود بر یکی که خالی از شک و شبهه باشد منحوس اگر سالم باشد یعنی از مناحس بود سهم وقوع
غیب او سلیم از مناحس و در بعضی حظوظ نحو یا مقبول از غیر دلیل ورع مولود است و تقوی و صدق قول او و بیزاری از امور دنیا
خواهد بود او و اگر منحوس بود باشد دلیل معرفت باشد و دین است و هم چنین و کاهل بود باشد در سیم کم آنکه خواهد بود حکم و امور
و اعمال او و صاحب ورع و تقوی باشد و اگر در خانه عاشر باشد دلیل است بر صلاح حال مولود و در این نحو و معاودت اهل و ورع
مقبول اگر سالم باشد یعنی از مناحس و اگر منحوس باشد مانند خواهد بود رفتار او و اگر در خامس باشد خواهد بود غیر از آنچه ذکر شد
در دلیل تقوی و ورع کلی و اعلو و در بیت یا قید دلیل صلاح ظاهر است پس اگر مانند بود رتبت او خواهد بود و امور او مثل ظاهر در اگر منحوس
منحوس باشد خواهد بود ظاهر او بهتر از باطن **مقصد سادس** در ذکر دلالت کواکب در مواضع **زحل** در مواضع دلیل است بر بودن مولود
عالم بر امور دین و در و رای صادقه و عابد و عارف بتالیف کتب نیکو و فی و حمل از عجایبات پس اگر دلالت شده بود خواهد بود
مولود بیش بر علم و زهد او و بودن و اگر نیکی باشد خواهد بود عارف بکمالات و مبحوث و مفتی به احکام و شرع و عوام و صاحب حفظ و ادب
و ادراک و بیان باشد و مشهور باشد بر امور جمیل و دین و ورع بیم یا نسب باشد که برسد باو فواید از اسباب علوم پس اگر نظر کند باو مشتری
و در سعود باشند دلیل است بر صدق و وفا و سفر بسبب امور دینی مثل حج و جهاد و در شبه آن دلیل است بر زیادتی مال در سفرهای
بعد و بود و سفر پس اگر نحس باشد یا او مریخ یا ناظر باو از نحوست دلیل بر صلاح حال شده دلیل است بر حسن نیت و صلاح در احوال دین بنحوی که
مذکور و مستقیم در غربت و بودن مقام امیر عظیم و صاحب جاه و مال گشته و ولایت و شهرت و صاحب مال و نسب باشد کم خوف از برادران
بعد کمال و تسلط بر بنیان عمارات جدید دلیل دلالت باشد و اگر سعد باشد مریخ منحوس دلالت کند بر کثرت اسفار و وقت فواید در سفر
و وقف مال در غربت و بیماری نیز مشهور در حقایق در دو بدو نسب بعد نقل خواهد شد از بلاد و شهر دریافی که در مرافعه بدست او نباید دست

ردیه با وروی و اولاده فاضل امورات و ناتج مختلف بود باشد و اگر نظر کند با شمس از نحوست خواهد بود جامد و مرضی انتقالی و اگر منحوس
بود سفر نیابت بودی و در سبب او را مرکب حفظ نفع بسبب ایشان تحصیل نماید و اگر نظر کند با و زهره و مسعود بود دلیل بر وراثت
بسبب امور دینی و بسبب شهوات و اگر سفر کند مسعود بوی وطن باز نماید و اگر نظر کند باو عطارد و مسعود هر دو باشند دلیل است
بر شهرت او بسبب علم و افاده علوم لطیفه و صاحب نزلت بودن و اگر هر دو منحوس باشند خواهد بود حکم نقصان و اگر نظر کند
با و قمر و منحوس باشد دلیل است بر کثرت اسفار و وقت در سفر و کمی فایده و هم که از حاصل بود باشد منحوس خواهد بود مولود حیثیت
در دین و نیت و جامع مال نظیم و صاحب سامان پس اگر سعد باشد با و مریخ صاحب اعمال و مریخ منحوس کرده و کثیر الحیلات بیت و
مریخ بود بسیار اگر مریخ منقلب بود و هم چنین است قول بر هر دو اگر نظر کنند مریخ از عطارد پس اگر با آنکه شمس و در انسان منحوس باشند و دوبیت
جای نیابت بود تقریر شده و سبب باشد که بود در غربت و سبب نحوست مطلق بامور دنیوی و میسر بود باشد پس اگر عطارد باز حاصل بود مشتری
ناظر هر دو باشد خواهد بود مولود مرکب فی که از خود محبه بالادیان و صاحب آنها نماید و اگر برج منقلب بود ثابت در دین نحو گواه خواهد بود
مشتری در مواضع و صاحب حظ بود دونی کوثرت دلیل است بالکل مولود کثیر الاسفار و معادن و رفیق مردی علیم بود بسیار ودربیت
از جانب سفر و آن در و صاحب مال نیابت و ریاست کلی گردد پس اگر دلالت شهوری باشد دلالت کند بر امور علم و فضل باسرار
نیکو پس اگر در برج ثابت بود فرد و شده او در نجیبه و حامل بجای سبب بود در مراتب است صاحب تسلط بود و هدایا و اقف نیابت و دو رسید
و اگر نیکی بود او عکس با قول از ما ذکر کرده باشد و اگر سعد بود باشد در موضع محترق دلیل است بر عبادت و حکمت و در غربت فیه تعجیبه و اگر
بود باشد شرق و غنا هر دو باعطارد بود دلیل است برکت و ثروت و عبادت و اگر عطارد بود باو بجم خواهد بود امر که بزرگ آنچه ذکر شد
و اگر مشتری بود خواهد بود از جمله نظم کننده در حکمت پس اگر سعد باشد با او در غرب خواهد بود جامع اموال کثیره بسبب دین و علوم
و فواید عظیم و تحصیل مال در سفر و حافظ در اموال او و مریخ بجهت دو هم چنین دلالت کند بر حرکات شمس و زهره هر کدام باشند پس اگر نظر کند
با و مریخ از عداوت دلیل است بر قطع طریق و در غربت اهتمام و با مرتبه و دزدی متاع او را و در سیوف او نسبت باو و اگر نظر کند باو شمس
از نحوست دلیل است بر صداقت با ملوک و از آلی ریاست و نفع بردن بسبب ایشان و صاحب ولایت منصب بودن و عظیم القدر نزد ملوک
بودن اتفاق انواع سعادات نماید و اگر نظر کند باو زهره و مسعود باشد دلیل است بر رفتن ما او بجهة دین و نفع بردن بسبب او و منفعت بردن
بسبب بسبب و صاحب قدر بسبب علم که سفر او بر زنان با جهة زن نماید و اگر نظر کند باو عطارد و مسعود باشد دلیل است بر رسیدن
فواید از طرف تجارات و علم شاعر از ولایات و در شکر در سبب است جانب مردم چیزی و اگر نظر کند باو قمر و منحوس باشد دلیل است بر کثرت

تعب و مشقت در اسفار و کمی فایده و اصلی قرب و منزلت و سقوط جاه و حرمت پیش پس و اگر [illegible] باشد چه مشتری در این
خانه کوشت خواهد بود حکم آنچه گفته شد آنچه مذکور شد **مریخ** در تاسع در حوالی او اثر بود ثابت نیکو و صالح داده در حوالیه ذکر بود اما
نظر سعدی و همایسه دلالت کند بر بودن او مفتری در حق باری تعالی و تحویل از دین آنچنانکه مشکله شده باشد بدین که بر
از دین اول بود باشد و دلیل است بر وقوع اسفار صعب و مشکل و رسیدن اذیت باو از وحوش و خوف قتل پس اگر دلالت لیلی شد
و مسعود بود خواهد بود مولود قوی و حلیم و عالم کثیر التاویل والایمان و معظم نزد ملوک بود کثیر الحج باشد پس اگر بود باشد ابتدا
در طالع یا وسط السماء آنچه نظر مشتری خواهد بود مولود از علما و اخیار و بزرگان لشکر و دلالت کند بر اسفار بحر و اسفار و اتفاق سبب آن
و سبب باشد که اراده کند در سفر مشقتی از غیر و ملال و نفع کلی حاصل نماید و سبکی و احسان بمردم سبب نماید پس اگر نظر کند باو شمس
از مودت دلیل است بر فرح و سرور سبب ملوک و اهالی ریاست و حظی نزد ایشان و تحصیل اسباب لطیفه نفیسه قلیلة الوقوع پیش مردم
و اگر نظر کند باو زهره دلیل است بر سرور او سبب زنان او حاصل سبب باشد که اتفاقا آنچه نماید از مواضع بعیده و با آلات زینت [illegible]
و سفر بجهت دین ادا [illegible] نماید و فواید کلی باو رسد و موفق در امور خود باشد و اگر نظر کند باو عطارد و مسعود بود دلیل است
بر سفر او سبب تجارت و کثرت فواید در سفر و انتظام اموری که متعلق باو باشد و اگر نظر کند باو قمر و مسعود بود دلیل است بر خواهد
بر اسباب رفع و اصلاح امور او و کسب اموال و حسن [illegible] از جهت [illegible] و اگر مریخ منحوس بود [illegible] مرتفعه آنچه ذکر شد خواهد بود **شمس** در تاسع
دلیل است بر عزت پدر و مادر از اهل ولایت بیند و دیگر دلیل بودن مولود متقی و پاکیزه روزگار و کثیر الصوت مشهور به دین داری و از جمله
ائمه مردم و عابد و مرضی الله تعالی باشد و معتبر کننده بودن عبادات و تعظیم القدر نزد ملوک و در وقت [illegible] صاحب کرامات بود و از مواضع
شریفه کشف [illegible] او را بسیار رسد سیما اگر مشتری و قمر بر نظر هر دو [illegible] باشد دلالت کند بر طول العمر بودن و زیادتی مال و ریاست
بزرگ و حمل عظیم و سفر در حوایج ملوک و کسب جاه و مال پس اگر شمس در برج مونث باشد خواهد بود مولود [illegible] و مادر اعمال شریفه
معتبر بودن عبادات و موقف تحقیق و اعمال شریفه و کرامات نزد [illegible] پس اگر بود باشد در برجی که حظی داشته باشد خواهد بود صحیح
الرؤیا و پاکیزه نفس نیکو سیرت پس اگر نظر کند باو مشتری از طالع یا عاشر یا حادی عشر [illegible] خواهد بود جهت [illegible] کامل اگر [illegible] بود
او و سهم الغیب [illegible] پس اگر بود باشد با او زهره دلیل است بر زیادت مال و حظ [illegible] و وصول فواید بسیار باو سبب [illegible] و تعمیر
عمارات حسنه مشهوره و قطع ثیاب فاخره و با فرح و سرور و اگر بود باشد با او عطارد و مستقیم [illegible] از [illegible] باشد دلیل است
بر ذکر جمیل و ثنای وافر و سبب باشد که سفر کند در ابواب بر و خدمت ملوک و کثرت صدقه موقوفه و تعمیر عمارات و اگر نظر کند باو قمر

از خوبی دلیل است

از خوبی دلیل است بر کثرت اسفار و قوت فواید و تفقدات احوال او و از مقارنه و عمارت و دلالت بر ضعف آنچه ذکر شده
مر کند و [illegible] سفر و [illegible] دلالت دارد **زهره** در تاسع دلیل است مثل آنچه دلیل بود مشتری خصوصا اگر بود باشد در برج
انثی و دلیل است بر اسفار حمیده نیکو و علم بسیار بودن پس اگر دلالت نهاری باشد دلیل است بر [illegible] و حال [illegible]
و انقطاع او پس اگر بود باشد در بعضی حظوظ خود خواهد بود مولود کثیر الاعاجیب و [illegible] و خادم [illegible] دین و انتقال از حالی
به حالی بهتر از اول و سفر در بر و تقلید اعمال نفیسه سیما اگر دلالت لیلی باشد و زهره در برج مونث بود و اگر در غیر حظ خود بود
خواهد بود مقدم در علم اخبار و معبر احلام خصوصا اگر نظر کند باو زحل از مودت و اگر بود باشد صاحب تاسع در طالع یا در [illegible]
دلالت کند با کرام مولود و خروج در سفر کنند و اگر منحوس بود دلیل است بر تعب و مشقت و قلت کسب و فایده و اگر دلالت نهاری بود
و زهره در برج مذکر باشد دلیل است بر قلت [illegible] دین او پس اگر با او باشد عطارد یا نظر کند و در هر دو مسعود باشند دلیل
بر شهوت او و حسن عقل و نطق و عیش لطیف [illegible] و رسیدن فرح و سرور باو و اگر هر دو منحوس باشند دلیل است بر کثرت خصومت و نزاع
پس اگر چنین در مرد قبول بود خواهد بود با اهل [illegible] و اگر نظر کند باو قمر و مسعود بود دلیل است بر انتقال محمود [illegible]
و فایده بردن از ایشان و اگر هر دو منحوس باشند دلالت کند بر کثرت تعب و امراض سبب باشد که [illegible]
عطارد در تاسع در حظی از حظوظ خود [illegible] سلیم از مناحس دلیل است بر بودن مولود مقدم بر جماعات و [illegible]
با بودن کاتب مولود ملوک و عالم [illegible] و طبیب و صاحب کلام حسن و عبادت نیکو باشد پس اگر [illegible] بود [illegible] مشتری باشد
دلالت کند بر بودن او از ائمه دین سیما اگر در برج مونث بود خواهد بود صاحب توقف در اعمال و صناعات و مستوجب [illegible] اگر
مشتری بود خواهد بود عارف با [illegible] و عالم بعلوم حکمت و طب و نجوم و عابد [illegible] باری [illegible] و از آنچه [illegible]
اگر در برج مذکر بود پس اگر منحوس باشد و ناظر مشتری نبود خواهد بود جاهل [illegible] کثیر التمویه پس اگر صاحب تاسع در طالع یا وسط السماء
بود خواهد بود مولود صاحب علم و حکمت در اسفار و متفکر در امور [illegible] اکابر و صاحب مال [illegible] و نفع بردن [illegible]
اولاد و تجارت و [illegible] پس اگر عطارد منحوس بود خواهد بود مولود کثیر الکلام در غیر موضع [illegible] و بیهوده گوی و [illegible] کننده [illegible]
در شهادت پس اگر نظر کند باو مشتری دلیل است بر کسب مال بسیار و [illegible] پیش از وقوع پس اگر با او زحل بود خواهد بود
از نظر کننده [illegible] دین و عدم ثبات بر دین واحد سیما اگر در برج منقلب باشد و دلالت لیلی بود دلالت خواهد کرد بر بودن مولود
[illegible] پس اگر بود باشد با او شمس خواهد بود [illegible] تکلف [illegible] و عارف بجمیع احوال و کثیر السفر [illegible] از طرف [illegible]

پس اگر قمر با او در بیت یکی از مردم سهم الدین باشد بشد خواهد بود و او صاحب نطق صحیح و حدس قوی باشد و حی
سیما اگر طالع یکی از بروج ناطقه بود و دلالت دارد بر بودن او از جمله مفسرین اعلام و اگر نظر کند با و قمر از عداوت و نحوس بود
دلیل است بر کثرت اسفار و وقت انتفاع او در سفر **قمر** در تاسع و در خط خود بود دلیل است بر غربت ابوین و بودن مولود
کثیر المال و مسافرت پس اگر دلالت میلی در برج مونث بود خواهد بود صاحب شرف و غنی در غربت و سعادت بسبب دین و ریاضت
عبادات و این برای مرد است آنچه خیر و مال کلی باو برسد و در اسفار بسبب اسفار باشد و نفع عاید او شود و فاضل شود که باعث شکر
باری تعالی بود و عابد متقی صاحب فکر صحیح و فطانت و کثرت رنج در تجارت و مشهور گردد بعقل و دین باشد پس اگر در بیت مشتری بود
خواهد بود عالم و منجم نقی به احوال و اگر دلالت سفری بود خواهد بود کامل الذکر در غربت و ظاهر النفس بسیار افعال و اشعار این اگر
نحس باشد و نظر کسی بود از مقارنه یا عداوت دلالت کند بر اسفار ردیه و وقت رجوع بسوی وطن ملک خواهد بود مرد در سفر **زحل**
در تاسع دلیل است بر شرف و ریاست و سعادت و قبول قول نزد ملوک و کسب مال و حیله و کثیر و نفع بردن در سفر و زیادتی
در عمل و ظفر با کثر اعداء و احتیاج او بسیاری از ناس و توسط میان مردم و حصول فواید از اماکن غیر وجوه سیما اگر با او
سعدی بود پس اگر با او شمس و زهره و عطارد بوده باشد دلیل است بر بودن مولود عابد مشهور بین مردم بسبب دین و مفخم بودن نزد عظماء
و ملوک حضور در غربت و اگر نظر کند با او مشتری و قمر خواهد بود مولود مشعوف در تمام عمر و زیادتی مال و غنی و طول العمر بودن و اگر با او
مشتری و زهره باشد بدون نظر کسی دلالت کند بر مصادقت مولود در غربت اقوام عظامی را و صاحب عزت و مال شدن از طرف
ایشان و اگر با او زحل و مریخ یا هر دو باشند خواهد رسید مولود در غربت مذلت و بلای شدید و مردن در غربت از قبل وحوش و عطش
شده به و اگر نظر کند با او مشتری و عطارد خواهد بود امام در دین **ذنب** در تاسع دلیل است بر ترک در غربت و بر طرف شدن مال او
در سفر و رسیدن اذیت باو در اماکن غیر وجوه پس اگر با او باشد زحل یا مریخ یا هر دو با نظر به او باشد دلالت کند بر سفر و غربت او و حصول
خیر و بهبود و مال بسیار باو پس اگر با او بود شمس و عطارد بود عزت و رفعت و کرامت مولود در مرز ایل گرداند شد **مقصد هفتم** در ذکر دلالات
بیت تاسع در بیوت طول بیت تاسع در **طالع** دلیل است بر بودن مولود حسن الدین و طیب النفس و منجم عارف بمذاهب و کثیر الخیر
در سفر و غربت اگر نظر کند باو نحسی و در **دوم** دلیل رسیدن مال است بمولود در غیر بلد خود و کثیر الرزق بودن او در اسفار پس اگر زحل
با او بود دلیل غرق شدن و مضرت رسیدن بر او است در بحر پس اگر نظر کند با او سعود از اماکن قریب خلاص خواهد شد از آن و در **سیم**
دلیل است بر آنکه مولود تنقل خواهد کرد از بلدی به بلدی و اخوه مولود تزویج کنند و در ... کند و در **چهارم** خواهد بود بابوین مولود

اوانی خو

اوانی خود خواهند کرد در غربت و در **پنجم** دلیل خواهد شد حرفه مولود او لاد او در غربت و در غربت خواهد شد چشم مولود و در
ششم خواهد بود مرزوق از ممالیک و دواب و مرض در اسفار بسبب بود که عارض شود در سفر اگر نحوس بود و فاسد شود ممالیک او
و در **هفتم** دلیل تزویج زنی صاحب حسن و خلق و رانی اگر سعد بود صاحب ورع نیز باشد و در **هشتم** بیفتد بغربت اهله از وطن
خود و طواف بلاد نماید و در سفر از قطاع الطریق مضرت دیده باشد و مریض در رجوع مال بشد و در **نهم** اگر نحوس بود دلیل است بر سعادت
مولود در غربت و ترویج در سفر سبب باشد که تبدیل اسفار مستقیم الطریق بود و در **دهم** خواهد بود کثیر الحج از طواف ملوک در سفر
و سبب آنکه ترویج کند از اعمال پست ملوک و در **یازدهم** خواهد بود صاحب ورع و دین و خیر از جانب اصدقاء و معروف نزد اکابر
نزد ملوک و عظماء و مهم اعلام خواهد بود نیز و در **دوازدهم** خواهد بود فاسد الدین نیز خائف از ... و دشمن بر او دست خود گیرد از اشقیا
طواف در بلاد نماید **فصل دوم** در ذکر دلالات بیت عاشر و کیفیت طول کواکب در او و اتصال بعضی با بعضی و آن مشتمل بر ده
مقصد است **مقصد اول** در ذکر دلیل جاه و منصب و حرفت با ملوک طول طالع در وسط السماء دلالت کند بر ... ملوک و بودن
و خواهد بود از ملوک ... بزرگان و ملوک نماید و طول ... خواهد بود عامل و خادم ملوک اتصال ... بر بیت
طالع دلیل است بر ... مولود ملوک را پس اگر رب طالع مقبول بود خواهد رسید مولود از قبل ملوک خیر کلی و اگر مقبول نبود گو آنکه
رسید نفع باو بودن رب طالع در بیت عاشر در اوتاد و دلیل است بر بودن مولود عظیم المنزلت و قدر اگر در اوتاد در طالع است بود در عاشر
پس اگر رب طالع در عاشر بود و رب عاشر ساقط باشد دلالت کند بر عظم منزلت و معروف بودن مولود و اگر رب عاشر در وتد
بود و رب طالع ساقط باشد خواهد بود عمل مولود غیر حسن و اگر هر دو ساقط باشند نخواهند بود او حسن و نه عمل او نیک و هم چنین است
حال در اتصال رب طالع شمس با عکس سیما اگر در بعضی از خطوط خود بود پس اگر قمر باشد در وسط السماء و منسوب ... باشد دلیل است
بر مصاحبت مولود ملوک را پس اگر اتصال از عداوت بود خواهد رسید او از قبل ملوک شدت عظیم سیما از نظر مقابله و اگر از مودت
بود خواهد بود میانه ایشان موافقت و مصادقت و صاحب سیاست و منزلت شدن و در مقارنه مخفی خواهد بود حرمتی آنکه در رتبه مولود
در جنب الملوک مثل مرتبه شمس است با صاحب طالع در خطوط خود و اقوی حظوظ شرف است بعد خانه و بعد از آن مثلثه بعد حد
بعد وجه والضعف از همه وجه است هر وقتی که متصل شود رب طالع برب عاشر دلیل است بر آنکه حیثیت مولود از قبل ملوک بهم رسد
خود طالب منزلت بزرگان بود و اتصال رب عاشر برب طالع دلیل طالب بودن ملوک است مولود را و صاحب منزلت شدن او را
و محتاج بودن ایشان بمولود و اگر ... باشند بمتصل بیکدیگر ... دلیل است بر آنکه ... ملوک ... هم

منت کلی بود بر موقع و هرگاه بعید باشند رب عاشر در ذو من بر صف بار رب طالع خواهد بود موقوف از جملهٔ کسانی که معزب معدوم
باشند و اگر رب عاشر در ثانی عشر بود و رب طالع در ثانی خواهد بود موقوف صاحب سخن یا از جملهٔ زندانیان بدون و اگر رب عاشر
در سادس و رب طالع در ثالث بود خواهد بود موقوف کذاب و غیر معتمد و اگر رب عاشر در رابع باشد و رب طالع [illegible] بود
موقوف از جملهٔ کسانی که مختلف قول بود و کسی که بعد شدت عظیم خواهد دید و اگر رب عاشر در حادی عشر یا خامس [illegible] رب طالع بود
خواهد رسید موقوف از کسی که خوف و بیماری بعد راحت کند و اتصال رب عاشر بکوکبی در شرف خود دلیل است بر حفاظ موقوف در شرف
پس اگر کوکب قابل در وتد بود خواهد رسید موقوف بشرافت در شرف و اگر در مایل وتد بود خواهد بود امر کمتر از آن و اگر زایل بود و نظر
طالع نباشد خواهد بود صاحب عزت [illegible] خواهد بود و اگر ساقط بود صاحب قدر و عزت گردد و بعد ساقط شود از عزت
خود زوال [illegible] دلیل است بر انقلاب موقوف از عمل و قدر خود [illegible] اگر [illegible] منقلب باشد و ابتدا از آن و عزت است که تغیر
در بیت عاشر خود با عاشر [illegible] ثابت است بعد جز [illegible] و بعد منقلب **مقصد دوم** دلالت اتصال رب عاشر رب طالع
بکوکب مرتفع خود از بیوت دلیل است بر حسن عزت موقوف و حرمت او و هرگاه متصل شود رب عاشر برب طالع از طالع خواهد بود موقوف صاحب
عزت و حرمت از قبل نفس خود جهت [illegible] او در امور و از ثانی خواهد بود عزت کثیر از آنکه ذکر شد و از ثالث خواهد بود موقوف صاحب
عقل و بصیرت باشد و از رابع خواهد دید از طرف آباء و اهل خود منفعت و از خامس خواهد رسید بار خیر و برکت از جانب اولاد
و از سادس دلیل عزت و قدر [illegible] و از سابع دلیل خیر و نفع از قبل زنان و جدال و خصومات و از ثامن دلیل عزت [illegible]
و از تاسع با نسب و بهره از علم و دین بعد نیکو عقل و صاحب [illegible] و بصیرت در امور و از عاشر خواهد بود از قبل ملوک و [illegible]
با منفعت و از حادی عشر دلیل خیر و برکت از طرف اصدقا آید و از ثانی عشر دلیل عزت [illegible] که مطلق خیر در وی [illegible] باشد
داد **مقصد سیم** دلالت سهم السلطان هرگاه که [illegible] باشد سهم السلطان در اوتاد و در بیت طالع ناظر او بیت وسط السماء
خواهد بود عمل برای سلطان و [illegible] سلطان در رتبه خود پس اگر بری از نحوس بود خواهد دید از طلب سلطان خیر کلی
و اگر نحوس بود خواهد رسید بار شدت از سلطان و بودن سهم در طالع خیر کلی داد [illegible] از هر جهت و در ثانی دلیل خیر از طرف
جانب [illegible] حال است [illegible] و در ثالث دلیل خیر از جانب اخوه و سفر است و در رابع دلیل خیر رسیدن است از طرف آباء و
اهل خود و در خامس دلیل وصول خیر است از قبل [illegible] و در سادس دلیل خیر است از [illegible] هرگاه [illegible] باشد
از نحوس و اگر نحوس بود دلیل خیر از [illegible] و در سابع دلیل خیر از جانب [illegible] خصومات است و در ثامن دلیل خیر از طرف

لابد است

مواریث است و اسباب موتی و در تاسع دلیل رسیدن خیر است از قبل سفر و غربت و در عاشر دلیل وصول خیر است
از طرف سلطان و ملوک و در حادی عشر دلیل خیر است از طرف اصدقا و بودن حال او در اول عمر بهتر از آخر عمر و در ثانی
عشر دلیل وصول خیر است از جانب [illegible] و هرگاه سالم بود از نحوس و اگر نحوس بود خواهد بود ضعیف و کسل در [illegible] اعمال
مقصد چهارم در ذکر دلالات کواکب در وسط السماء **زحل** در وسط السماء در نهار در بیت یا شرف خود یا غیر از این از حظوظ
خود دلیل است بر آنکه موقوف خواهد بود عامل با عمال ریاست و نفع بردن بسبب آن و رسیدن فواید بسبب عمارات و بساتین
و [illegible] و از جمله [illegible] بود و تغیر کننده عمارات حسنه و زیادتی جاه و صلاح حال او و جهت صلاح رعیت و [illegible]
و اعمال در مواضع رفیعه خواهد بود پس اگر اتفاق افتد که بعید باشد شمس در طالع صالح [illegible] دلالت کند بر آنکه مولود [illegible]
در پیش قوم [illegible] و حال او در آخر عمر اصلح از اول بود و [illegible] باشد [illegible]
[illegible] از طرف [illegible] و [illegible] اگر نظر کند [illegible]
[illegible] خواهد رسید [illegible] و صاحب [illegible] خواهد بود [illegible] و صاحب [illegible]
[illegible] خواهد بود و اگر [illegible] باشد از عداوت [illegible] دلالت کند [illegible]
[illegible] از مرض [illegible] خواهد بود [illegible]
[illegible] خواهد رسید [illegible]
[illegible] اگر نظر کند [illegible] خواهد [illegible] در آخر عمر [illegible]
خواهد بود پس اگر [illegible] و از [illegible] خواهد بود [illegible]
[illegible] و اگر نظر کند [illegible] دلیل است بر [illegible]
[illegible] عظیم و اگر نظر کند [illegible] دلیل است [illegible]
[illegible] دلیل است [illegible] خواهد بود [illegible]
و اگر [illegible] خواهد [illegible] از [illegible]
[illegible] خواهد بود [illegible] **مشتری** در وسط السماء [illegible] دلیل است بر آنکه موقوف
خواهد بود [illegible] و [illegible] از طرف ایشان [illegible]

وطول عمر او و این بر احوال و اعمال رفیع القدر و قوی سعادت در تربیع و ولد مادامی که نظر نداشته باشد با دیگری یکی
نظر کند یا دیگری یا با او بود کمتر خواهد بود آنچه ذکر شده و شب خواهد بود کمتر از آن پس اگر اتفاق افتد که بعد باشد زحل در طالع
دلالت کند بر ریاست مولود و اهل بیت و ولایت خود و صاحب افعال و کرامات بود و هم چنین دلالت کند بر او مریخ هرگاه
بعد باشد در مکان زحل و اگر بعد باشد شمس در مکان مریخ دلیل است بر بودن مولود در مرتبه ملوک یا خلیفه و شریف و یا قائم
بامام و میدان و صاحب اموال کثیره مستغنی مادامی که ناظر نبود با دیگری و هم چنین دلالت کند بر او زهره هرگاه بعد باشد در
مکان شمس و اگر عطارد در مکان زهره بود دلیل است بر بودن مولود از خاصه ملوک و مقربین نزد ایشان و یا از ارباب دین چنانچه
غالب بود بر مزیه و امور و ولایت مادامیکه کوکبی ناظر باو نبوده و اگر قمر مکان عطارد بود باشد دلیل است بر بودن مولود حکیم غنی
و صاحب تصرف نزد ملوک و رؤسا و صاحب اموال بسیار و اولاد مادامی که نظر نکند با کوکبی و اگر نظر مریخ یا مشتری از غیر طالع
دلالت کند بر بودن مولود رئیس بر جماعتی از بنی و مشهور بعلم بودن و اگر نظر از مودت کند دلالت کند بر بودن مولود از اهل
حرب و سلاح و اگر نظر کند با او شمس از مودت دلیل است بر تقدم او بر طبقه سلاطین و اهل ولایت و محتاج بودن ایشان باو مولود
باشد و اگر نظر از عداوت کند مفوت نشده باو خواهد رسید و بر بخت خواهد یافت در آخر و اگر نظر کند با او زهره و مسعود بود
دلیل است بر انتفاع او بسبب زنان صاحب قدر و تعمیر عمارات حسنه مشهوره و قطع ثیاب فاخره و اگر نظر کند با او عطارد و مسعود بود
دلیل است بر تهیه امور بعد امور و عظم فواید و تحصیل مکاتبات و رسالات و نقل اعمال و معاش از طبقه بطبقه اعلی از اول و اگر
نظر کند با او قمر و مسعود بود دلیل است بر سرور او بسبب حوادث اشیاء دقیقه و تسلطه نزد ملوک و تردد در مسائل ایشان و نفع بردن
و اگر با او زحل یا زهره یا قمر بود دلیل است بر عظم سعادت مولود و معروف نزد ملوک و عقلاء بودن و مقدم بر اهل بیت و کثیر الاهل
و کثیر فواید بود و نجم عالم کتب حکمت و کتاب احوال پس اگر سهم الغیب با او بود باعث تقلیل حکم مذکورات خواهد بود و اگر مشتری
رو بحال بود خواهد بود مولود حسن النیة صاحب تب و [illegible] روزانی بر انقل باشد مریخ در وسط السماء و شب صالح الحال باشد
دلیل است بر بودن مولود از امراء و صاحب جیوش و انتقام و قتال با فواطه و ظلم و اگر بدی حال بود خواهد بود کمتر از مذکور و اگر
دلالت ندارد بود مریخ بد حال دلیل است بر بودن مولود حاجز و کسل در امور و جابر در اعمال و کثیر القبح و ظالف در بلاد و فقیر
شقی و مشهور شدن در امر تربیع و والد موت او و غربت بعد و حصول بین او و والدین خصومات شدید و مشهور بفعل امور قبیحه و بطالت
اکثر مال او بطریق خیانت و لکفت و اگر زحل در طالع بود دلیل است بر شقی بودن مولود جدا و موت او در صنعت و غربت بود

مادامیکه سعود

مادامیکه سعود ناظر نبوده و اگر مریخ صالح حال بود خواهد بود امر رفته مذکورات پس اگر نظر کند با او شمس از مودت و مریخ صالح حال بود دلیل است
بر ریاست مولود بر خلق کثیری و [illegible] بر ایشان بود و کثرت حوایج ایشان باو و صدق از قبیل ملوک و داشته صاحب مرتبه رفیع [illegible] اگر
نظر کند با او زهره سعادت خواهد یافت بسبب اهل شرف و تاج بودن ملوک و زنان صاحب قدر و عظم مایه و از طرف بساتین و فلاحت
نفع یابد و اگر نظر کند با او عطارد دلیل است بر توسط بین مردم کثیر و صاحب جاه و مال شدن و مشتهر بر فضلا و اعدای خود بود و اگر نظر کند
با او قمر و مسعود بود دلیل است بر ظفر یافتن با اعدا و محتاج بودن خلفا بمولود و خواهد بود کثیر الحرکة و الاسفار [illegible]
از مهالک شمس در وسط السماء در بعضی خطوط مولود سلیم از مناحس دلیل است بر بودن مولود رئیس عظیم و قوی صادق [illegible]
و الدین و از لوازم تجنب از ملوک و ملک صاحب تسلط بود ملک از طرف آباء و جد بر تصرف نماید و ملک ارث بر اولاد رسد و صاحب املاک
کلی کرده با کثرت علم و ملک پس اگر اتفاق افتد که بعد باشد نور در طالع [illegible] بودن نظر شمس دلالت کند بر بودن مولود ملک
با غایة جیش و مسلط بر موت و حیات [illegible] امور و حیات طول از سبب اهل بیت خود بعد بسیار اگر بعد باشد
با قمر سعدی پس اگر زحل شمس خواهد بود شریف عظیم و اگر مریخ کوکب بوده خواهد بود مولود نفس مثل ملوک و عقلا یا از اولاد ایشان از خلفا
[illegible] پس اگر بعد باشد با او زهره و مسعود بود دلیل بر وصول بهیه و جواب و دلالت نفیسه است با او اکثرت امور عظم سرور [illegible]
از قبیل اسباب تعیین و از ذهن و اگر با او عطارد بود بدون آنکه در تحت احتراق باشد مستقیم السیر دلیل است بر افاده علوم و کثرت سرور بسبب
کتب و کتاب و اگر نظر از مودت کند دلیل است بر عظم عمل کثرت مال در سنین فوائد و اگر بر مقارنه باشد یعنی در حد تعظیم بود دلیل است
بر اعمال عالیه که باعث رفعت مولود بمرتبه اعلی گردد و اگر صالح حال نبود پس دلالت کند بر ضعف و غفلت بین جنس [illegible]
و اگر در تحت احتراق بود دلیل است بر رفعت در علوم [illegible] هرگاه شمس [illegible] میزان دلو و مریخ بر مقابله او و قمر [illegible]
دلیل است بر اثبات [illegible] مولود نزد ملوک و این بر احوال آنها و مریخ [illegible] صاحب ثروت و فضل [illegible]
حسنه و امور مختلفه [illegible] پس اگر مشتری بعد باشد دلیل است بر آنکه مولود [illegible] صاحب قدر عظیم بود خواهد
[illegible] پس اگر نظر کند با او زحل از عداوت [illegible]
[illegible] با او عطارد [illegible] خواهد بود مولود حکیم [illegible] و صاحب کرامات بود [illegible]
دلالت کند بر کثرت فواید [illegible] و اگر نظر کند با او قمر [illegible] دلیل است [illegible]
اعمال [illegible]

طالع بود در وسط السماء و مشتری سلیم از نحوس دلیل است بر بودن مولود ماهر در علم و عالم [illegible] حسن الخلق صاحب دین

و حکیم کریم و در بدان عظیم الذکر کثیر الاخوان و اصدقاء و در وصول خیر گرنری باو و تحصیل مال از جهت [illegible] نفع بردن از زاده و دیگر است

اگر ما از روی [illegible] بس اگر چو باشد باو یکی از [illegible] خواهد بود مولود سیاه کثیر الموت پس اگر نظر کند باو زحل با او بود خواهد بود مولود سلطان

و معاش در اماکن رطبه نمایه و شهر با جا باو رسد و اگر نظر کند باو مریخ از عداوت یا مقارنه دلالت کند بر خلف مولود در مبادی امر خود [illegible]

قدراو و رواج نخود در جا یا شود و خواهد بود کثیر الکلام در [illegible] نفع بود [illegible] باشد و [illegible] بر فوات [illegible] باشد پس اگر نظر کند باو قمر

و مخوس بود دلیل است بر کثرت [illegible] انواع امر در سفر **مقصد** دوم در وسط السماء آفتاب سلیم از نحوس [illegible] دلالت کند

بر بودن مولود از جمله عظما و ملوک و [illegible] که مسلط بر قتل [illegible] نفع [illegible] و دلیل [illegible] دولت و فوات [illegible]

[illegible] و اگر نحوس بود دلیل است بر [illegible] و اگر نحو باشد [illegible] و طالع سیاه باشد خواهد بود مولود عظیم در افعال

و صاحب [illegible] باشد و [illegible] و اگر [illegible] خواهد بود مولود [illegible] در افعال سیاه اگر نظر کند باو یکی از عداوت یا مقارنه [illegible]

احوال مولود [illegible] باشد [illegible] متصل بسعدی [illegible] احوال [illegible] بود باشد [illegible] متصل نحسی پس اگر [illegible] باشد [illegible]

مولود [illegible] کننده [illegible] اگر نحس مریخ بود [illegible] شمس [illegible] قمر [illegible] بود [illegible] بیرون [illegible] دلیل است بر بودن

مولود [illegible] و در این شغل ملوک و اشراف و مسلط بر [illegible] و صاحب [illegible] از [illegible] بود [illegible] اگر بود باشد

بآنکه [illegible] سعدی **رابع** در وسط السماء دلیل است بر بودن مولود [illegible] اعمال [illegible] و هم [illegible] بود با ملوک [illegible]

[illegible] و [illegible] در صحبت ملک [illegible] و [illegible] خواهد بود [illegible] اگر نظر کند باو زهره یا مقارنه [illegible] باشد

[illegible] و اگر [illegible] باشد پس [illegible] خواهد بود [illegible] و اگر نظر کند باو شمس خواهد بود صاحب [illegible]

عزت و کرامت و اگر نظر کند باو عطارد خواهد بود صاحب لهو و طرب و [illegible] و شرب و اگر نظر کند باو مشتری خواهد بود صاحب دین

و [illegible] و اگر نظر کند باو مریخ خواهد بود [illegible] کننده [illegible] در آلات [illegible] بودن [illegible] و اگر نظر کند باو قمر

خواهد بود [illegible] کننده [illegible] **ذنب** در وسط السماء دلیل است بر [illegible]

از قبل ملوک و بر طرف شدن [illegible] مال او و [illegible] و حسن حال او در آخر عمر [illegible] خیر [illegible] بود [illegible] یکی از [illegible]

[illegible] حال او [illegible] **مقصد پنجم** [illegible] در [illegible] دلیل است [illegible] خواهد بود

صاحب سلطنت بدون [illegible] در اعمال و در **دوم** خواهد بود [illegible] از طرف ملوک [illegible]

در **سیم** خواهد بود طویل العمر و کثیر السفر و اگر [illegible] باشد خواهد بود مولود مقدم بر او و در **چهارم** خواهد بود [illegible] از اهل [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] از جانب [illegible] و در **پنجم** خواهد بود اولاد و عشق و مرض [illegible] او [illegible] آن مرض [illegible]

[illegible] و در **ششم** خواهد بود [illegible] و [illegible] و [illegible] عمر و خدمت [illegible] و در **هفتم** [illegible] خواهد [illegible] از اهل [illegible]

[illegible] از اهل [illegible] ملوک و خواهد بود [illegible] او [illegible] و در **هشتم** خواهد رسید [illegible] سلطنت در [illegible] دوام [illegible]

[illegible] و در **نهم** خواهد رسید در [illegible] سلطنت [illegible] خواهد بود و در **دهم** خواهد بود [illegible] جمال و قوی [illegible]

[illegible] و در **یازدهم** خواهد رسید از [illegible] و در **دوازدهم**

خواهد بود کثیر الهموم [illegible] ملوک [illegible] از جانب ملوک [illegible] **مقصد ششم** در ذکر [illegible]

بعضی صناعت مولود و آنچه اختیار خواهد کرد فرموده است حکیم فاضل بطلمیوس [illegible] در [illegible] دلالت بر صناعت مولود [illegible]

و آن [illegible] است [illegible] و عطارد و [illegible] از کواکب [illegible] اول [illegible] قمر [illegible]

اجتماع و استقبال [illegible] باشد [illegible] باشد [illegible] و اگر [illegible] دلالت [illegible]

[illegible] بود باشد یکی از این [illegible] کواکب [illegible] شمس [illegible] شمس بود [illegible] پس [illegible]

هر کدام بود باشد در طالع یا در وسط السماء [illegible] از طرف شمس یا قمر [illegible] باشد او دال بر صناعت مولود است و دلیل بر شرف

و فضل [illegible] از کواکب [illegible] باشد [illegible] در طالع یا در وسط السماء بود باشد [illegible] باو در دلیل

[illegible] و دلالت کند [illegible] مرتبه مذکوره [illegible] دلیل دلالت کند بر [illegible] آن صنعت **بدانکه** هر کاه بود باشد کوکب [illegible]

در شرف خود [illegible] خواهد شد [illegible] اشرف اعمال [illegible] و اگر در [illegible] خواهد شد [illegible] اعمال [illegible]

[illegible] اعمال [illegible] و [illegible] خواهد بود و هر کاه بود باشد کوکب دال بر صناعت

[illegible] خواهد رسید [illegible] و صناعت [illegible] ذکر و شهرت [illegible] خواهد شد [illegible] و هر کاه بود باشد

کوکب [illegible] دلیل است بر حسن حال [illegible] و صناعت مولود در آخر عمر و خواهد بود [illegible] در صناعت در اول عمر

و [illegible] اعمال صاحب [illegible] خواهد شد حال او [illegible] سعادت [illegible] دلیل است بر [illegible] و در موضع

دلیل است بر دولت و [illegible] و [illegible] و [illegible] دلیل [illegible] و [illegible] تجارت

[illegible] و [illegible] و [illegible] تجارت [illegible] و [illegible]

عمل مرتب شود کتابت خیاطی و غیره و امثال آن پس اگر این کوکب صاحب وضع و دیگر شهادات دلیل صنعت مشهور موروثی است و کارهای عجیب کند
جهت او صنایع بسیاری و آن از جانب اجتماع اول و اگر مرتب شود جانکه شمس هرگاه بعید باشد با کوکب عامل زیاده مرتب شود عمل او کم یا عطارد
از جهت عدم نزاع خاصه و هرگاه منفصل شود کوکب مذکوره اعمال بعضی با بعضی از بروج خواهد [illegible] بسیار مرتب شود اعمال او و بسیار [illegible] او و عدم نظر
مریخ از زهره و عطارد به طالع [illegible] کند بدانکه مرتب شود جهت او خواهد بود عمل [illegible] و خواهد بود بطال و [illegible] این کوکب و ضعف [illegible]
و سقوط از برج دلیل است بر کمال [illegible] باشد و هرگاه بعید باشد کوکب عمل در بیت زحل خواهد بود عمل [illegible]
در صنعت [illegible] مثل حمل اثقال و غیره و در بیت مشتری خواهد بود [illegible] در عمل [illegible] و در بیت مریخ خواهد بود
عمل او به آتش و حدید و در بیت شمس خواهد بود عمل او شریف و لطیف مثل عمل طلا و نقره و جواهر و اعمال متعلقه به سلطان و در بیت زهره خواهد بود
عمل او در [illegible] که صلاحیت [illegible] داشته باشد و در بیت عطارد دلیل است بر کتابت و تجارت و در بیت قمر دلیل صنعت خوب عجیب است و
هرگاه بعید باشد از کوکب عمل در بروج ناری دلیل خواهد بود بر [illegible] مثل صنعت زرگری و مسگری و دیگر [illegible] شود و در بروج ارضی
دلیل خواهد بود عمل تجارت و [illegible] مثل [illegible] و امثال آن و در بروج هوائی تعلیم طب و عمل [illegible] خواهد بود عمل [illegible] و در بروج مائی دلیل
بر اعمال آب مثل ملاحی و صید حیوانات دریائی [illegible] باشد [illegible] از جزو اجتماع یا استقبال پس نظر کن با آن کوکبی که متصل شود
با او [illegible] اگر صاحب [illegible] جزو بعید باشد پس اگر عطارد بود [illegible] خواهد بود کاتب و عالم [illegible] و اگر
عطارد [illegible] بعید باشد [illegible] علم الحساب [illegible] کند [illegible] خواهد بود عالم [illegible]
حضرت و صاحب [illegible] پس اگر عطارد [illegible] باشد خواهد بود [illegible] و اگر در عمل [illegible] باشد
خواهد بود [illegible] و اگر [illegible] باشد خواهد بود منجم [illegible] و اگر [illegible] باشد خواهد بود
صاحب [illegible] و اگر منفصل شود زهره خواهد بود [illegible] صاحب لذات باشد
و اگر بعید باشد مریخ خواهد بود [illegible] در بروج انقلاب [illegible] صاحب حرکت [illegible] صنعت او
از آتش و حدید [illegible] سلطان بعید هرگاه قوی باشد پس اگر بعید باشد در بعضی [illegible] قوی [illegible] شرف [illegible]
خواهد بود [illegible] اصحاب [illegible] پس اگر نظر کند مریخ مشتری را [illegible] خواهد بود [illegible] صحبت و اگر [illegible] باشد
خواهد بود قتال [illegible] شود [illegible] پس اگر بعید باشد زهره [illegible] خواهد بود [illegible] کننده [illegible] و اگر بعید باشد
با عطارد خواهد بود صاحب حیله [illegible] مردم و خواهد [illegible] و اگر متصل شود

مشتری خواهد بود [illegible] از اشراف و عظما [illegible] پس اگر [illegible] بود در بعضی [illegible] شرف
خواهد بود [illegible] یا قاضی [illegible] و اگر متصل شود زحل دلیل است بر حصول ملک و عقار [illegible] اموال
موروثی [illegible] سعادت او [illegible] و امثال [illegible] جانکه صاحب [illegible] اجتماع یا استقبال [illegible]
متصل شود با قمر [illegible] قوی بود دلیل است بر [illegible] پس اگر [illegible] مشتری بود خواهد بود [illegible] در شهرت
[illegible] و اگر [illegible] صاحب [illegible] خواهد بود ضعیف [illegible]
[illegible] اجتماع [illegible] اقوی است [illegible] استقبال [illegible] اقوی پس اگر اتفاق [illegible]
[illegible] خواهد بود صاحب [illegible] و اگر در بیت مشتری بود [illegible]
[illegible] ضعیف [illegible] در بیت شمس خواهد بود صاحب [illegible] و شهرت پس اگر [illegible] مشتری یا عطارد بود خواهد بود
کاتب و عالم [illegible] در بیت زهره خواهد بود [illegible] و در بیت عطارد خواهد بود
[illegible] و عالم [illegible] اگر [illegible] مشتری بود [illegible] خواهد بود عاقل [illegible] مقصد هفتم در ذکر [illegible]
[illegible] هرگاه دلیل صنعت زحل بود صاحب اعمال دلیل است بر صحبت [illegible] و عمارت [illegible] و اجرای آب و
اگر [illegible] دلیل است بر [illegible] کننده [illegible]
پس اگر [illegible] بود [illegible] خدمت [illegible]
حاجت [illegible] دلیل است بر [illegible] و اگر [illegible] دلیل است [illegible]
آن و اگر شمس [illegible] خواهد بود [illegible]
بود و اگر [illegible] زهره باشد دلیل است بر [illegible] و اگر [illegible] عطارد بود دلیل است بر عمل [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] خواهد بود [illegible] و اگر مشتری بود [illegible]
دلیل است بر [illegible] پس اگر [illegible] زحل بود دلیل است
بر [illegible] و اگر [illegible] مریخ بود دلیل است بر علم طب [illegible] و اگر [illegible] شمس بود [illegible]
بر [illegible] و اگر [illegible] زهره بود خواهد بود [illegible] صاحب [illegible]
[illegible] و علم طب و اگر [illegible] عطارد بود دلیل است بر کتابت و علم حساب [illegible] و اگر [illegible] قمر بود خواهد بود

خدمه و طرف بیست و مستوفی دیوان و اگر حاجز مشتری بود خواهد بود عالم یا مدرس یا مفتی و فقیه و کاتب احادیث و اگر حاجز مریخ بود
خواهد بود نقاش معین جراح یا ... و اگر حاجز شمس بود خواهد بود کاتب و دبیر یا از ارباب دیوان و اگر حاجز زهره با اسد بود و بهمین بود
خواهد بود از فرزندان شعرا و اگر حاجز قمر بود خواهد بود صاحب خطوط و عارف شروط و عهود و اگر شمس بود دلیل است بر رسالت
و کثرت نکاح و مال و اگر پس اگر حاجز عطارد بود خواهد بود عامل کتب و اهل صاحب کتابت و بلاغت و کشف اشکال و اگر حاجز زهره بود
خواهد بود زرنشانده کان و غلامان و جواری در اسواق و اگر حاجز شمس بود خواهد بود از جمله متصرفان ملوک و اگر حاجز مریخ بود خواهد بود
جامه‌فروش و اگر حاجز مشتری بود دلیل است بر اعمال نیکو و تقدم در امور و حروف نیکو و سرعت حرکت و اگر حاجز زحل بود خواهد بود مطاع یا مستبد
ماهی و ... فصل ششم در آنکه مفید منفعت ... هر وقتی که بود بیشتر کوکب عمل ... خواهد بود
عمل ملوک عزیز ... اگر مسعود بود و اگر در طالع باشد خواهد بود مثل آنچه گذشته ملک خواهد بود و اگر ... از طالع ثانی بود
خواهد بود عمل او در ... و هرگاه بود باشد در ... خواهد بود ... از عمل ... و اگر در ... بود خواهد بود صاحب ...
از عمل ... خواهد بود ... عمل ... اگر ... بود پس اگر ... در مکان چهارم باشد خواهد بود ...
... در صنعت ... بود ... از ... زنان ... و سعادت ...
در صنعت ... بود ... و سعد باشد آن کوکب ... نظر ... خواهد ... از ... خواهد بود
... که باشد ... و عمل ... کند ... کوکب عمل ... با مشتری
کوکب عمل خواهد بود ... پس اگر ... نظر ... باشد خواهد بود از ... و اگر ...
... باشد خواهد بود ... و اگر ... باشد خواهد بود ... و هرگاه متصل شود کوکب عمل ... کند
او را خواهد بود ... کوکب ... کوکب عمل و هرگاه بود باشد زحل در ... برج
... خواهد بود عمل ... و عمل ... و هرگاه ... باشد قمر در ...
خواهد بود ... و هرگاه بود باشد زحل در طالع ... خواهد بود ... از ... که ...
زحل و عطارد و قمر در طالع یا در وسط السماء ... خواهد بود ... و هرگاه بود باشد زهره با عطارد در طالع
با مشتری خواهد بود ... کاتب ... و هرگاه عطارد با مشتری در وسط السماء ... خواهد بود ...
... باشد که ... بود ... صاحب جاه ... بود و هرگاه عطارد در موضع جیدی بود دلیل است

زاهد و واعظ یا خطیب صاحب کمال و کلام حسن و بلاغت و علم منقول ... و اگر مریخ بود ... دلیل است
بر علم ... و قطع طریق و غضب و ... و اهل ... و علم ... و حروب و اعمال ...
پس اگر حاجز زحل بود دلیل است بر ... و معالجه بهایم و حرب ... و اگر حاجز مشتری بود دلیل است بر حرب ... و علم ...
و اعمال ... بصواب و اگر حاجز شمس بود دلیل است بر معالجه سلاح و صحابت ملوک و حرب ... و ...
چشم و اگر حاجز زهره بود خواهد بود ... علم ... در امر ... و اعمال ... و ...
و اگر حاجز عطارد بود خواهد بود ... علم ... طب ... و اگر ... خط ...
و ... و علم ... و اگر حاجز قمر بود دلیل است بر معالجه ابدان و ...
... و اگر شمس بود دلیل است بر ملک ... و علوم ... و اگر ... پس اگر حاجز زحل بود خواهد بود از ...
... دین و ارباب ملوک ... و اگر ... بود خواهد بود از جمله ... و اگر حاجز مشتری بود خواهد بود از ...
... و تواریخ و احادیث ... و اگر حاجز مریخ بود خواهد بود عالم ...
... و اگر حاجز زهره بود در ... و ...
... و اگر حاجز عطارد بود ... خواهد بود ... پس اگر ... بود دلیل است ... وزارت و اعمال ...
و اگر حاجز قمر بود خواهد بود صاحب ... و صاحب ... و اگر ... خواهد بود از ...
... و اگر زهره بود دلیل است بر ... و طرب و ... و اعمال ... و طب ...
... پس اگر حاجز زحل بود دلیل است بر ... و اگر ... بود ...
... بود دلیل است ... و اگر در برج ... بود دلیل است ...
بر صنعت و اگر حاجز مشتری بود ... خواهد بود ... قرآن ... و اگر حاجز مریخ بود خواهد بود
... و اگر حاجز شمس بود ... دلیل است ...
... و اگر حاجز عطارد ... خواهد بود ... و حفظ اشعار
... و اگر حاجز قمر بود خواهد بود صاحب ... و اگر عطارد بود دلیل است بر ... و ...
و علم کلام ... و اگر حاجز زحل بود خواهد بود از جمله ... در علوم

چیزی

بر دینی خیر کلی مولود از تجارت و کسب است پس اگر قمر باشد در بیت زهره و مسعود بود دلیل است بر اشتغال عمل بسعادت مولود و نفع تجارت

و نیکو و مشتری مستقیما بود جواری دهقان و اگر در بیت عطارد بود و ناظر مشتری بود دلیل است بر بودن مولود تاجر صاحب ... و سعید خصوصا

در دهقانی و مشتری مستقیما اگر مشتری در عاشر بود و مرکاه عطارد و ... سالم از نحوس بود دلیل است بر کسب ... است و خواهد بود

مولود کاتب عظیم و عالم با اسرار ... و حروف و کلام و ... و اگر در بیت قمر و قمر ... خواهد بود ... علم و حسن

معاش و صحبت مشتری خواهد بود مسعود در تجارت و نفع بردن و ترس از جهة او اقوی از خوف است و هم چنین است قول ... است

و هرگاه قمر باشد ... برج مشتری با مقابل او خواهد بود مولود ... جنس محمود بودن عطارد بعدی و ... قمر دلیل است بر بودن او در

با کتاب مشهوری و مسعود صاحب منزلت و فضل پس اگر طالع ... خواهد بود صاحب ... و عقلا و کتاب عالم و

جامع اموال و اگر در خامس ... خواهد بود کاتب عالم ... و اجتماع و جامع کتب و مال بود مستقیما اگر ...

از نحوس منظور ... بودن ... خواهد بود مولود عالم ... بر امور ... جیدی بر اهل بیت خود و صاحب رفعت

و مسلط بر امور و خزاین و صاحب ... متعلقه ... بودن و صاحب او ... و سعید شدن **مقصد نهم** در ذکر دلالت

بعضی تجارات است ... اگر کوکب عمل در برج نباتی ... باشد از برج نباتی تجارت ... خواهد

مثل گندم و جو و سایر حبوبات و اگر ناظر او کوکب عمل از برج مائی بود تجارت ... خواهد بود مثل ... و ...

و اگر ناظر از برج ناری بود تجارت او در ... چیزها ... مثل ... و آنچه ... آورده شود از معادن ارض ... استعمال آتش

و اگر ناظر از برج هوائی بود تجارت او در ... و ... ابریشم و آنچه مثل او بود خواهد بود و اگر کوکب عمل در برج حیوانی و ناظر از برج

از برج حیوانی بود پس اگر ... تجارت او در ... حیوان ... مثل ... او بود و اگر ... بود

حیوانی که ... تجارت او ... پس اگر ناظر کند ... تجارت ... دهقان و جواری ... بود و اگر ... برج ... بود تجارت ...

و اگر ناظر او از برج مائی ... تجارت ... و ... مائی بود و اگر ناظر او از برج نباتی بود تجارت ... و ... بود

و اگر ناظر از برج ناری بود تجارت ... و ... اگر قمر باشد کوکب عمل ... خواهد بود ... مولود قوی در عمل خود و در

ذیل ... متوسط و در زایل ضعیف پس اگر ناظر کند ... مسعود قوی در عمل ... و اگر ناظر کند ... ضعیف ... و ...

و اگر محترق بود دلیل است بر بطالت و ... بودن ... احتراق ... **مقصد دهم** در دلالت سهم العمل

و ... و طریق استخراج آن اینست که ... از زحل تا قمر و ... از طالع ... کنند سهم العمل ... پس اگر قوی شود

در موضع جیدی از طالع دلالت کند بر کثرت شغل و عمل مولود و قلت فراغ او مستیما اگر سالم بود از نحوس و هم چنین است قول ...

سهم ... طالع دلیل است بر کثرت شغل و قلت فراغ خصوصا اگر سالم بود از نحوس پس اگر اتفاق افتد که قمر باشد سهم ... او

ناظر طالع خواهد بود ... و دلالت پس اگر قمر باشد او یا رب او در طالع خواهد بود مولود صاحب صنعت جیدی و کمال

رفعت و تفوق بر اهل صنعت خود ... باشد و در ثانی خواهد بود عمل او در ... خود و در ثالث خواهد بود عمل او در ... و با اقوه

اخوات خود و در رابع خواهد بود ... او از قبیل اعمال در ارض ... و اهل او و در خامس خواهد بود معاش او از طرف ...

... و در سادس اگر بری از نحوس بود خواهد بود معاش او از جانب معالجه ... و اگر نحوس بود خواهد بود عمل او مثل ... مستقیما

و در سابع خواهد بود از ... امور متعلقه به ... و ... معاش ... از طرف ... عمل ... و در ثامن خواهد بود معاش او از قبیل ...

و در تاسع مستیما اگر قمر باشد ... او ... دلیل است بر بودن عمل مولود ... پس اگر سالم از نحوس بود خواهد بود ...

... و اگر نحوس بود ... خواهد ... و در عاشر خواهد بود معاش او از جانب ... و ... و در حادی عشر ... عمل ...

خواهد بود پس اگر نحوس بود خواهد بود ... عمل ... در امور و عدم خیر و نفع ... از طرف ... خواهد دید **فصل**

حادی عشر در ذکر دلالات بیت حادی عشر ... کواکب در او و اتصال ... مشتمل بر ... مقصد است **مقصد اول**

... در حادی عشر سالم از مناحس ... دلیل است بر دوستی ... و ...

... و ... سلیم از مناحس و ... مشتری دلیل است بر بودن مولود صادق ... و ...

... پس اگر قمر باشد در برج ... و ... خواهد بود مولود ... سعید ... صدیق ... و ...

... و ... و هم چنین است مشتری ... کند بر کثرت ... و ... اگر قمر باشد ... طالع و ...

حادی عشر ... استیلای کواکب بر حادی عشر اگر زحل بود دلیل است بر کثرت ... از مشایخ و ... و ... و اگر مشتری بود

خواهد بود ... اشراف و ... و اگر مریخ بود خواهد بود صدیق ... و اگر شمس بود صدیق

... و عقلا و ... سلطان باشد و اگر زهره بود صدیق ... و ... باشد و اگر عطارد بود صدیق ... و اهل

ادب خواهد بود و اگر قمر بود ... دلیل ... اگر در برج ثابت بود قمر ... ثابت بود و در ... متوسط

و در منقلب ... خواهد بود **مقصد دوم** در دلالت ... بودن زهره و عطارد ... حادی عشر سلیم از مناحس ...

... باشد زهره یا عطارد در حادی عشر ... زحل دلیل ... است ... با مشایخ ... و ارباب ...

و بودن آن قدیمه و در خانه مشتری صداقت است با فقها و قضات و علما و ارباب دین و در خانه مریخ صداقت مولود است با اهل حرب و
اهل سلاح و در خانه شمس صداقت او است با ملوک و عظما و در خانه زهره صداقت است با زنان و عشاق و اهل طرب را و در خانه عطارد
صداقت مولود است با علما و اهل کتب و وقوف و جواری و زنان و اگر شبیه بود و در خانه قمر خواهد بود صدیق و رکن نیکو خواهد بود
متصل الیه القمر بوند و اگر متصل بکوکبی از کواکب نباشد خواهد بود صدیق اهل بلد خود و بعضی اهل سوق الاتصال به طالع رب حادی عشر
دلیل است بر حسن خلق مولود و قوت ارتباط اگر رب طالع در بعضی حظوظ خود بود پس اگر بود به شرف متصل رب حادی عشر محتاج خواهند بود اصدقای او
بسوی او پس اگر مرجو در اکثر حیثیه بوند صداقت هر یک که بشتر بود که نیست قیف و حال از غایه منابل از مرجو دلیل غیر است حال است
مر دیگر بود رب حادی عشر سعدی خواهد رسید مولود خیر از اصدقای خود خصوصا اگر نظر کند رب طالع یا رب رب طالع و اگر نحس بود
خواهد رسید شدت و مضرات و هرگاه رب حادی عشر مسعود بود در وتد یا دلیل او دلیل جاه و سعادت مولود است پس اگر اتفاق افتد که بود باشد
رب طالع ناظر برب حادی عشر از مودت و در افتد منها بود دلیل است بر بودن مولود با صحت با اصدقای خود و هرگاه بود باشد کواکب سعدی در حادی عشر
در سهم السعاده دلیل جاه و سعادت مولود اگر کواکب خواهد بود و هم چنین است قول بر قمر اگر در حادی عشر مسعود بود و هرگاه بود باشد یکی از نیرات
نیز بین بسهم السعاده رب طالع بسهم الرجاء و حادی عشر مسعود دلیل است بر رجاء و سعادت و صداقت عدم نظر بین رب طالع و رب حادی عشر
یا بین حادی عشر و رب طالع یا بین زهره و رب او یا بینا سهم الاصدقاء و رب او دلیل است بر عدم مخالطه مولود با اصدقای او و خواهد بود متوحش
از مردم و منفرد از ایشان و وقت مودت بین مولود و اصدقاء **مقصد ثانی** در دلالات سهم الاصدقاء نظر شمس بسهم الاصدقاء و
رب او به دو نظر نحس خواهد بود صداقت مولود ناتمام و دوستی خیر کمی خواهد دید اتصال سهم به رب طالع از مودت دلیل است بر صدق
و عهد مولود و از تربیع و مقابله و مخالفت دلیل خیانت و عهد با انام او از مقابله و تربیع که بود هرگاه بود باشد سهم الاصدقاء در اوتاد دلیل است بر بودن اصدقاء
مولود فیض جهه مولود پس اگر بود باشد در وسط السماء خواهد بود اصدقای او از اهل سلطنت و از منحوس خواهد رسید ضرر از طرف او و اگر
نحوس بود شدت و بلا خواهد دید بودن سهم در طالع دلیل صداقت است با نفس و در رابع دلیل صداقت مشایخ و از حیوانات در تربیت و در سابع
دلیل صداقت نساء و در عاشر دلیل صداقت سلطان و در حادی عشر با خاص خواهد بود و بیت القمر را مع شخص خود و در تاسع و ثالث برادران و
دلیل صداقت اهل ورع و صوفیه و در این است که اگر نحوس بود خواهد بود صدیق کسی که نیک نیستند و بد تقوی باشند و در ثانی با اهل
سپاهی و در ثانی عشر بود خواهد بود صدیق کسی که صاحب اخلاق سیئه بود پس اگر نحوس باشد خواهد بود شده بدان **مقصد**
ثالث در ذکر دلالات کواکب در حادی عشر **زحل** در حادی عشر در بعضی حظوظ خود دلیل است بر کسب سلطنت و غنی و دوستی

نحوس بود شدت و بلا خواهد دید

فرح و نشاط و ظفر حاصل و دفع کننده او در ایام مردم و حفظ لطف او که صاحب عمل و منظر شرور بود خواهد بود صاحب اهل و اقارب پس اگر اتفاق افتد
که بود باشد شمس در طالع و قمر متصل باو و در زیادت عزت دلیل است بر زیادتی در خیر مولود به ریاست عظیم پس اگر نظر کند باو مشتری مسعود از
بر فایده و رسیدن اشیای مشکوره نفت پس اگر بود باشد با او مریخ نیز ناظر باو و زحل نحوس بود دلیل است بر حصول شر و هلاکت و ضرب
از عقوبت باو و وقوع چیزی در بعضی ... باب فقره و تفتیش تربیع و دیگر حدود بدی طرف شدن او بدین علت و اگر مسعود بود خواهد بود او از وسط
آنچه ذکر شد و اگر نظر کند باو شمس از مودت و مسعود بود دلیل است بر سرور او به سبب ملوک و ارباب ریاست و برآمدن مطالبات از طرف ایشان
و حصول اشیای نفیس باو و اگر نظر کند باو زهره و مسعود بود عظیم خواهد بود سرور او به سبب علما و اهل تحقیق قرآن از اهل طرب زنان و معبود
که از حیث تفنن سرور و حال و اگر نظر کند باو عطارد و مسعود بود دلیل است بر التقاع او بر کتب و احادیث قدیمه عظیم اثر سرور و رسیدن
اشیای نفیسه به سبیل هدیه و رسیدن چیزی از زنان و اگر عطارد نحوس بود دلیل فتنه اشیای مذکوره است و اگر نظر کند باو قمر و زحل مسعود بود
خواهد بود مولود غنی و امیر و مستقل بر شئ و اگر در اوتاد دلیل بود دلیل است بر بودن مولود از اهل اقبال فیحمد به وقت مال در اوائل عمر و سرور
به سبب اوده و اگر در حظ خود بود و به سعدی ناظر بود خواهد بود مولود صاحب خیر و صاحب حضرت و اگر زحل نحوس بود دلیل بیماری و دلیل فتنه مذکوره
خواهد بود از دو دلیل چیده **مشتری** در حادی عشر در بعضی حظوظ خود سلیل بود یا نظاره دلیل است بر بودن مولود قوی به رسیدن بر نیرات
و طلب دین و حقایق امور و صاحب اموال و ترویج او و صاحب عمل عظیم و محفوظ از اهل ریاست و فضل و عظیم اثر در معاشر ملوک و اکثر الغمه
اکثر خیر پس اگر نظر کند باو مریخ از عداوت برسد بر فتنه و بود صاحب قطع و نیز مکان علاج با مخاصمه به سبب خصومات و اخصمت
و هرگاه بود که مشارکه نفس خود در طلب امور و اعلام نماید و اگر نظر او از مودت کند خواهد بود از مخالف او و اگر نظر کند باو شمس از مودت دلیل است
بر سرور او به سبب او و حسن عمل او و شفع شدن از جانب ایشان بر سبیل هدیه پس اگر نظر کند باو زهره یا با او بود و مسعود باشد دلیل است
بر صلح و حصول مال کثیره و تزویج نیک و دلالت دفع او و بیرون کل مشرب و لهو و طرب پس اگر بود باشد با او و رسش خواهد رسید باو سعادت
و خیر از زنان و اشتغال او و اگر زحل با او بود خواهد بود مولود قلیل اولاد و بعد از طرف کننده تنگی مالک بود و اگر با او شمس و
زهره و قمر باشند دلیل است بر انتفاع او و جهت کتابت و اهل علم و ادب بود که از ایشان علوم و صنایع دقیقه لطیفه فهم صالح کامل باشد و اگر
نظر کند باو قمر و نحوس بود دلیل است بر کثرت منفعت او و ظهور اشیای قبیح و قیمتیه و اگر مسعود بود قمر خواهد بود حکم نکاح او پس اگر مشتری
در غیر حظ خود باشد خواهد بود امر ایشان را زمانی و اگر نحوس بود امر خواهد بود بر عکس **مریخ** در حادی عشر در دلیل به بعضی حظوظ خود
دلیل است بر حصول خیر کثیر و بود مولود مرد و صاحب عظمت و تواضع و اعلام و در بیماری دلیل است بر جانب وحشت که برسد به او پس اگر نظر

بو سعدی خواهد بود صاحب خیر و فضل و رغبت در رجوع نمودی تنزل خوب ساکن و اگر مسعود بود دلیل است بر مخالطت اعظام و رجوع
از ایشان و رسیدن اشیای خوب باو از وجوه خفیه بدون تعب و منفعت اگر نظر کند ماه و شمس از جهت منفعت خواهد شد از طرف
عقلا و ملوک و اگر باو بود زهره یا نظر باو از جهت دلیل است بر سعادت و کثرت مال و حظوظ طیب نفس و در ترویج منفعت بدون
از قبیل آنچه بدون اکثر اوقات با فرح و سرور و خوشی عیش [illegible] با قوی عظیم المحل و اگر نظر کند باو عطارد بود دلیل است بر
اهتمام بر تحصیل اشیای دقیقه و صنایع لطیفه و منفعت شدن بسبب آن پس اگر مریخ مسعود بود مقارن قمر باشد دلیل است بر بودن
مولود والی عظیم الشأن و قوی صاحب نزد لشکر و حمل سلاح و اگر نظر کند باو قمر و منحوس بود دلیل خروج مال است از سبب ملوک بطریق
حیله و آگاه بود که طلب حقیقت غیر کند نمود چیزی عاید او نشود **شمس** در خانه عاشر دلیل است بر بودن مولود سعید عظیم القدر
و صاحب همت عالی و ریاست و هم چنین است قول [illegible] خواهد بود عظیم التدبیر پس اگر زهره باو بود مسعود دلیل است بر سرور
مولود بسبب آن و حیات و اگر عطارد باو بود دلیل است بر سرور او بسبب حیوان و انفاق مال بسیار و [illegible] بود و اگر
نظر کند باو قمر از عداوت دلیل است بر خصومت و نزاع میان او و اقربا و اهل خانه او و اگر نظر از عداوت کند خواهد بود [illegible]
ذکر شد و اگر شمس منحوس بود خواهد بود حاکم غضبناک و اگر [illegible] **زهره** در خانه عاشر مسعود بود [illegible] دلیل بر وصول خیر از جانب اخوان
بود نیکو و صاحب فرح و سرور و کثرت مال او پس اگر [illegible] باشد زهره در [illegible] و مقبول دلیل است بر حفظ [illegible]
سن و اگر مقبول نباشد و منحوس بود مخلوط [illegible] و اگر منحوس بود هم صحبت کنیزان و زنان سفله [illegible] باشد و اگر مسعود بود دعوت کند
بر زیادتی جاه و قدر و خوبی عیش و کثرت احسان او بر مردم و معروف بودن او در مردم [illegible] صاحب قدرت و محل عظیم الانتفاع بسبب
آن قوم پس اگر باشد پس یا مقارنه با عطارد و نظر [illegible] دلیل است بر انتفاع او بسبب کتابت و صنایع لطیفه و بسبب
لهو و طرب پس اگر نظر کند باو قمر و [illegible] باشد دلیل است بر انتفاع او بسبب زنان صاحب احترام و اگر منحوس بود دلیل
بر کثرت سعادات او بر مردم و [illegible] لهو و لعب و [illegible] پس اگر نظر کند باو زحل یا مریخ یا هر دو خواهد بود
مولود عظیم الشأن [illegible] و رجوع [illegible] اگر مریخ منقلب باشد **عطارد** در خانه عاشر مشرقی بود دلیل است بر بودن
مولود جامع مال کثیر الخیر حسن طریق [illegible] با اموال غیر خود و [illegible] و اگر منحرف بود خواهد بود غیر حافظ مال و [illegible]
و تجارت با علم بود و امین مال مردم و [illegible] در سایر امور دیگر محل نزد مردم و کثرت [illegible] از جوار و [illegible]
باشد و کثیر المعروف و احسان باشد و اگر نظر کند باو قمر مسعود بود دلیل است بر [illegible] صاحب قدرت و محل و عظم سرور

اعوانه

دو ما [illegible] و اگر منحوس بود دلیل است بر او جامع [illegible] **قمر** در خانه عاشر دلیل است بر
بر شدت فرح ما بین بودن مولود با جنس شریف و مقدم و رسیدن خیر کثیری باو از جانب ایشان و اگر مسعود و سالم از نحوس و نظر [illegible]
بود پس دلیل خواهد بود بر حصول مال و [illegible] از مواضعی که منظور نبود و نفع بسبب اخوان و اهل خانه [illegible] است او و اگر
[illegible] خواهد بود [illegible] و اگر منحوس بود دلیل [illegible] دلیل است بر [illegible] والدین
راس در خانه عاشر دلیل است بر بودن مولود معروف صاحب اراضی و زراعات و [illegible] صحبت با عقلا و [illegible]
و طویل العمر و متکلم [illegible] از جانب [illegible] از جد اول [illegible]
[illegible] پس اگر با او بود زهره یا عطارد [illegible] کند بر رسیدن خیر و سعادت از طرف [illegible] و خواهد بود از جانب
[illegible] خیر و مال [illegible] و اگر زحل با او بود خواهد بود [illegible] و اگر مریخ با او بود خواهد بود [illegible]
[illegible] **ذنب** در خانه عاشر خواهد بود مولود فقیر حقیر و حزین [illegible] در سفر و غربت پس اگر مشتری یا زهره با او
با او بوند دلیل است بر [illegible] و اگر زحل یا مریخ با او بوند دلیل است بر [illegible]
[illegible] **مقصد چهارم** در ذکر دلالات
[illegible] **طالع** خواهد بود [illegible] در وصول خیر [illegible]
[illegible] **دوم** خواهد بود [illegible] از طرف [illegible] **سیم** خواهد
[illegible] **چهارم** خواهد بود [illegible]
[illegible] **پنجم** [illegible] **ششم** خواهد بود [illegible]
[illegible] **هفتم** [illegible] **هشتم** خواهد بود [illegible]
[illegible] **نهم** خواهد [illegible] **دهم** [illegible]
[illegible] **یازدهم** خواهد بود [illegible] **دوازدهم** خواهد بود [illegible]
[illegible] **فصل دوازدهم** در ذکر [illegible]
[illegible] **مقصد اول** [illegible]
[illegible]

زحل و ثانی عشر صاحب دلیل بود که موقوف است [illegible] و ثانی عشر دلیل ضایع شدن مولود و ذات و قتل او است بدست
قوم و خویشان او [illegible] کواکب [illegible] بر مولود و ثانی عشر دلیل قلت سلامت و موقوف است و اگر سالم بود خواهد بود بنده و دلیل [illegible]
[illegible] طالع است ثانی عشر دلیل است بر بودن مولود [illegible] کثیر الاعدا پس اگر صاحب طالع در بعضی حظوظ خود بود [illegible] بود
مولود شقی و [illegible] حزن و شدت بود و خواهد رسید و اگر در حظ خود نبود [illegible] با دلیل بود [illegible] زوال صاحب ثانی عشر دلیل است بر بودن
مولود مظفر با اعدای او و قوی بر ایشان و مغلوب است طالع خواهد بود مولود مقهور از جانب اعدا و پس اگر [illegible] بود در [illegible] پس اگر
شهادت بر [illegible] بود [illegible] و اگر نظر نحوست ثانی عشر بطالع و [illegible] نحوست پس مولود خواهد بود قلیل الاعدا و [illegible] و هر گاه
بود بیشتر بر طالع [illegible] مشتری بر ثانی عشر نیز بود پس مولود خواهد بود کثیر الاعدا و قاهر و [illegible] اعدا و [illegible] بود و هر گاه زحل در ثانی عشر
بود و مناسب حال و [illegible] بود بیشتر بر صاحب ثانی عشر دلیل است بر عدم [illegible] از قبل اعدا و [illegible] او قبل از دشمنان و [illegible] چنین است
قول بر مریخ اگر در ثانی عشر بدین صفت باشد و [illegible] هر یکی از نیرین بر مقابله کوکبی بود اگر نحس بود خواهد بود جهت مولود اعدا از ضعفا
[illegible] پس اگر مشتری در مثل این [illegible] بود دلالت کند [illegible] و [illegible] و عمل عظیم از اعمال سلطان باید [illegible] و هر گاه
صاحب طالع در وسط السماء بود دلیل است بر بودن مولود قوی بر اعدا و مظفر بر ایشان و هر گاه صاحب ثانی عشر نحس بود و ناظر باشد در جهت کوکبی
خواهد رسید از مولود [illegible] اگر صاحب ثانی عشر اگر نحس باشد خواهد بود مولود [illegible] خواهد شد از اعدا
[illegible] پس اگر در برج ثابت بود خواهد بود عداوت ایشان دائمی و ثابت و در برج ذو جسدین گاهی ظاهر و گاهی مخفی عداوت بود
در برج منقلب عداوت ظاهری داشته و [illegible] دوست بود و هر گاه صاحب ثانی عشر سعد بود و ناظر باشد [illegible] کوکبی از کواکب دلیل است
بر آنکه اعدا [illegible] با مولود دوست [illegible] اتفاق [illegible] و هر گاه [illegible] ثانی عشر سعد
[illegible] اعدا [illegible] بود تقویت کند مولود را بر اعدا و کفایت شر [illegible] نماید و هر گاه [illegible] ثانی عشر بود [illegible] داشته باشد
منقلب بود [illegible] دلیل است بر کثرت اعدا و شدت [illegible] بر مولود [illegible] عداوت میانه و عدم صلح و دوستی ابدا در بعضی نسخ
پس اگر آن نحس مریخ بود و باین صفت باشد و باین قوت دلیل است بر هلاک مولود [illegible] یا بعنوان اسیر گرفته شدن
در دست عدو و عدم نجات از آن [illegible] دلیل است نیز بر آنکه بعضی اعدای او [illegible] دلالت مولود [illegible]
[illegible] که اگر آن نحس در برج [illegible] بود و در طالع بوده و [illegible] داشته باشد پس اگر نظر کند با وجود
قوی [illegible] دلالت کند بر آنکه اعدا طالب صلح و دوستی گردند و با آنکه مولود [illegible] قهر ایشان مسلط گردد و شر

[illegible]

و خصومات در میانه بر طرف شود و اگر آن نحس زحل بود و بر صفتی که بیان شد متصف بود و سهم ناظر نباشد دلیل است بر بودن اعدا
مولود صاحب خیالات و مکر و حیله و در سبب حبس [illegible] و شهادات باطل و مطالبات وجوه غیر حقه [illegible] در حق او تا اگر [illegible]
عداوت ببرند و هر گاه صاحب ثانی عشر ضعیف بود دلیل است بر کثرت [illegible] در قوت ایشان و ضعف اعدا و قلت اعدا و قصد [illegible] از
قوت [illegible] ضعف او بود [illegible] صاحب آن قوی بود و ضعف نحس مذکور است و هر گاه متصل شود قمر بکوکبی از [illegible]
در جهت قوی خواهد بود صاحب او و اگر [illegible] یکی از نحوس در ثانی عشر بود دلیل است بر آفاتی که بمولود رسد از جهت [illegible]
بعضی اعدای او یا موت او از جانب اعدا و حبس بود پس اگر [illegible] دلیل است بر رسیدن آفت بمال او
و فقیر و محتاج شدن و [illegible] و هر گاه صاحب ثانی عشر زحل بود خواهد بود اعدای او ملوک و مشایخ و [illegible]
و اگر مشتری بود خواهد بود اعدا از اشراف ناس و اگر مریخ بود اعدا [illegible] و اگر شمس بود اعدا [illegible] ملوک بوند و اگر زهره بود اعدا
زنان و [illegible] و اگر عطارد بود اعدا [illegible] و صاحبان کتب و علم بوند و اگر قمر بود اعدا عامه مردم بوند و
هر گاه مریخ صاحب طالع بود و قمر در [illegible] باشد دلیل است بر قتل مولود و اگر زحل بود دلیل است بر عقوبت [illegible] حبس و [illegible] و اگر عطارد
هم چنین بود [illegible] باشد دلیل است بر [illegible] پس اگر [illegible] باشد در وسط السماء [illegible] پس اگر اتفاق افتد که این [illegible]
مذکوره سالم بوند و مشتری و زهره سالم باشند از نحوس و جهت [illegible] یکی از این بود در طالع [illegible] باشد دلالت کند بر نجات از آن
و هر گاه [illegible] باشد صاحب طالع در [illegible] و نحوس کند او را صاحب ثانی عشر دلیل است بر آنکه مولود خواهد مرد بر دست اعدای خود [illegible] اگر
نحس مریخ بود دلالت کند بر قتال اعدا و دست ایشان و اگر زحل [illegible] باشد که بمیرد در دست [illegible] و بعضی [illegible]
که غرق شود یا مصلوب گردد [illegible] طالع [illegible] ثانی عشر دلیل [illegible] است [illegible]
قمر [illegible] دلیل ابتدای [illegible] است **مقصد ثانی** در دلالت سهم الاعدا است هر گاه [illegible] باشد سهم [illegible]
[illegible] خواهد بود اعدای او [illegible] از جانب ایشان [illegible]
اگر [illegible] باشد [illegible] خواهد مرد در دست اعدا [illegible] سهم [illegible] اعدای او [illegible]
باشد و اگر [illegible] سهم اعدای او [illegible]
اعدای او اهل [illegible] دلیل است بر عدم قوت اعدا
مولود و [illegible] دلیل قلت اعدا و عدم [illegible] اعدا [illegible]

بت طالع و ناظر بسهم بود پس دراین حال ضرر میرسد از عداوت آنها بود [illegible] پس اگر سهم در طالع بود خواهد بود [illegible]
بسیار رنجها و در ثانی خواهد بود عداوت او از سبب مال و در ثالث از قبل اخوه و [illegible] خواهد بود و در رابع از طرف آباء و اقارب خواهد بود
و در خامس از جانب اولاد و در سادس از [illegible] خواهد بود و در سابع از قبل [illegible] خواهد بود و در ثامن از جانب [illegible]
و در تاسع [illegible] خواهد بود و در عاشر از طرف [illegible] خواهد بود [illegible] از طرف [illegible] خواهد بود
و در حادی عشر از قبل [illegible] خواهد بود و در ثانی عشر از جانب [illegible] خواهد بود و در ثانی عشر از طرف [illegible]
[illegible] خواهد بود **مقصد ثالث** در ذکر دلالات کواکب در بیت ثانی عشر **زحل** در ثانی عشر در موالید [illegible] دلیل است بر [illegible]
[illegible] و رسیدن ضرر و خسران [illegible] از قبل [illegible] و در [illegible] خواهد [illegible] و [illegible]
و [illegible] پس اگر نظر کند با مشتری [illegible] از [illegible] و زیادتی مال [illegible] و اگر [illegible] باشد [illegible]
نظر کند با مریخ از عداوت دلیل است بر [illegible] از بعضی [illegible] و [illegible] از [illegible] و [illegible] و اگر نظر کند
با شمس از [illegible] خواهد رسید [illegible] و [illegible] دلیل [illegible] و اگر نظر از عداوت [illegible] خواهد
از [illegible] و [illegible] و [illegible] و رسیدن [illegible] اگر نظر کند با زهره [illegible] خواهد رسید [illegible]
[illegible] از [illegible] و حصول [illegible] و حصول [illegible] و اگر نظر کند با عطارد دلیل است
بر رسیدن اخبار از جانب اعدا [illegible] و حصول [illegible] و اگر [illegible] نظر کند با قمر [illegible] خواهد بود [illegible]
در تمام عمر [illegible] و اگر نظر کند با [illegible] و [illegible] خواهد [illegible] در دنیا خواهد بود [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] از [illegible] خواهد کرد و اگر [illegible] خواهد رسید [illegible] اگر نظر کند با مشتری [illegible] باشد [illegible]
[illegible] دلیل است بر کثرت مال [illegible] و [illegible] و اگر [illegible]
خواهد بود [illegible] خواهد رسید [illegible] و اگر [illegible] دلیل است بر [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] دلیل است بر [illegible] و [illegible] خواهد [illegible]
[illegible] **مشتری** در ثانی عشر در موالید [illegible] دلیل است بر [illegible]
و [illegible] از قبل [illegible] از خوف [illegible] اگر [illegible] بود [illegible]
[illegible] دلیل است بر [illegible] از [illegible] و از [illegible]

دلیل [illegible] اگر [illegible] بود [illegible] خواهد بود پس اگر نظر کند با مریخ از عداوت دلیل است بر [illegible]
رسیدن [illegible] از بعضی حیوانات [illegible] و اگر نظر کند با شمس از عداوت دلیل است بر ظلم [illegible] از جانب
بعضی [illegible] و [illegible] که [illegible] پس اگر زهره با او بود [illegible] و از [illegible] دلیل است
بر [illegible] و [illegible] خواهد بود [illegible] و [illegible] از [illegible] و [illegible]
و [illegible] پس اگر [illegible] با او بود خواهد بود [illegible] و [illegible]
[illegible] خواهد بود [illegible] اگر نظر کند [illegible] اگر نظر کند [illegible] دلیل است بر [illegible] و [illegible]
[illegible] و اگر نظر کند با [illegible] دلیل است بر [illegible] و [illegible]
[illegible] **مریخ** در ثانی عشر در موالید [illegible] دلیل است بر [illegible]
[illegible] خواهد بود و قطاع الطریق [illegible] و [illegible] و [illegible] دلیل است و [illegible]
[illegible] از [illegible] و [illegible] خواهد بود پس اگر نظر کند با شمس از عداوت خواهد رسید [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] و اگر نظر کند با [illegible]
دلیل است بر [illegible] از طرف [illegible] و [illegible] و اگر [illegible] با او بود خواهد بود [illegible]
و اگر نظر کند با عطارد [illegible] دلیل است [illegible] و اگر نظر کند با قمر دلیل
بر عداوت [illegible] و [illegible] باشد که مفارقت از وطن خود [illegible]
[illegible] **شمس** در ثانی عشر دلیل است بر [illegible] خواهد بود [illegible]
[illegible] و [illegible] اگر [illegible] پس اگر زهره با او بود دلیل است
[illegible] و اگر [illegible] با او بود خواهد بود [illegible]
از [illegible] و اگر نظر کند با قمر [illegible] خواهد بود [illegible] از جانب [illegible]
[illegible] از بعضی حیوانات [illegible] **زهره** در ثانی عشر در موالید [illegible] دلیل است بر [illegible]
و [illegible] و رسیدن [illegible] دلیل است بر کثرت [illegible] و کثرت [illegible] و حصول [illegible]
[illegible] اگر نظر کند با [illegible] خواهد بود [illegible] رجوع کند [illegible] و رسیدن [illegible] از جانب [illegible]

و گاه بود که عدیم الولد بود از قبل آنکه داشته باشد پس اگر [illegible] پس با مقارن گشته با عطارد و مریخ [illegible] باشند دلیل است بر کثرت
منازعات با مردم خصوصا با اهل وطن و اقارب خود و اگر مسعود بوند دلیل است بر کثرت منازل او و ظفر یافتن با اعدا و اگر نظر کنند با او [illegible]
عزیز بود دلیل است بر [illegible] از قبیل [illegible] و انتقال از بلدی به بلدی دیگر به ترتیب بلد خود **عطارد** در دوازده خانه [illegible] دلیل است بر بودن
مولود [illegible] و صاحب طالع از طرف حیوانات [illegible] خواهد بود [illegible] الشهوات در افعال و اگر منحوس بود [illegible]
بر بودن مولود کاتب صاحب [illegible] و علم متکلم نیکو افعال باشد و اگر منحوس بود دلیل است بر [illegible] رای و صاحب افعال [illegible]
پس اگر نظر کنند با مریخ از [illegible] خواهد رسید به او [illegible] و کذب و مریخ [illegible] از قبل [illegible] خواهد رسید [illegible]
کرده و اگر نظر کنند با [illegible] منحوس بود دلیل است بر [illegible] از جانب حیوانات [illegible] و اموال [illegible] **قمر**
در دوازده خانه دلیل است مثل آنچه [illegible] در این خانه و زیادتی حال مولود [illegible] و اگر منحوس بود [illegible]
[illegible] و اگر مسعود بود دلیل [illegible] خواهد بود **راس** در دوازده خانه دلیل است
بر بودن مولود حقیر [illegible] فقیر محتاج پس اگر نظر کنند با [illegible] خواهد بود [illegible] و کثرت [illegible]
[illegible] اگر [illegible] پس اگر [illegible] بوده باشد [illegible] خواهد [illegible]
مسعود [illegible] سعادت او باشد و اگر نظر کنند [illegible] **ذنب**
در دوازده خانه دلیل است بر [illegible] زنان [illegible]
از قبل اعدا [illegible] از بعضی حیوانات پس اگر [illegible] دلیل است بر بودن مولود [illegible] احوال [illegible]
[illegible] خواهد رسید و اگر [illegible] دلیل است [illegible] نظر کنند [illegible]
[illegible] **مقصد رابع** [illegible]
در [illegible] **طالع** دلیل است بر بودن مولود [illegible]
[illegible] پس اگر [illegible] خواهد بود [illegible] **دوم** خواهد بود [illegible]
[illegible] **سیم** خواهد بود [illegible] از قبل اعدا دلیل [illegible]
[illegible] **چهارم** خواهد بود در تمام عمر [illegible] خواهد رسید و در
پنجم خواهد بود [illegible] **ششم** خواهد بود [illegible]

طالع ثانی

و خواهد رسید [illegible] و در **هفتم** خواهد بود [illegible] و حصول [illegible]
هشتم خواهد بود [illegible] **نهم** خواهد بود و در
از اعدا [illegible] **دهم** [illegible] **یازدهم** خواهد
[illegible] **دوازدهم** خواهد بود [illegible] **تنبیه** [illegible]
[illegible] خواهد بود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **نوع اول** [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الله الخالق البارئ المصور سبحانه و تعالی عما یقول الظالمون علوا کبیرا

مقالهٔ ثالث در بیان احکام مختص و متعلق بطالع ولادت مبارک شهنشاه اشرف والا و آن مبنی بر پنج باب است باب اول

در صفات و اخلاق و قوا و حواس مشتمل بر دو قسم است قسم اول در احوال [illegible] از ولادت است [illegible]

[illegible]

قسم ثانی [illegible] فصل اول [illegible]

[illegible] فصل ثانی [illegible]

[illegible] فصل ثالث [illegible] نوع اول [illegible] اول [illegible]

[illegible] دوم [illegible] سیم [illegible] چهارم [illegible]

۴ بود و این قوت در حد توسط بود چون ثانی تربیع شمس است غالب اوقات علم و بردباری با ایشان بود و فهم از تقصیر کم مواخذه فرمایند
و دیر غضب باشند که کمتر ... شود و کمال آرام و قرار داشته باشند لکن بعد از استیلای غضب بغایت آتش خشم ایشان تسکین نیابد
و کمال مواخذه و بازخواست را معمول دارند اما اگر ... رفیق گشته باشد و مواخذه را در کمال ملایمت ... فرمایند
و در محاربات و ... دلیر و قوی قلب و صاحب دل بود ... فرمایند **پنجم** قوت لطف ... عقل
و عقل غریزی خوانند مخرب است مشتری را و بهره ... نیابد بر ضعف است به ۴۰ جزو دلیل است که ... صاحب
نطق کلی ... تقریر و کلام آزین و کثیر العقل و صاحب ... با ... العلوم ... و الاخلاف و صاحب ...
و ... باشند ... در باره حقایق اشیا و علم باطنی از علوم ... **ششم** قوت عقل ... که موجب ...
بمصالح امور معاش ... مخرب است ... و بهره ... نیابد بر ضعف است به ۲۰ جزو دلیل است بر قوت این قوت و چون ...
مشتری است در علم دین و مذهب میل ... تمام ... اوقات با ارباب علوم و صاحب کمال مختلط بود عالم بعضی علوم ...
علم ریاضی ... و نجوم ... شود ... در بعضی مذاهب ... و ... بر سبیل ... الاعتقاد و ...
اعتقاد و بر مذهب ... **هفتم** قوت ... که ... در ... است ... مخرب زحل است ... نیابد بر ضعف است
به ۳۰ جزو این قوت نیز قوی باشد ... در نهایت کمال ... اگرچه ...
در حفظ ... **نوع ثانی** در حواس ظاهری
و آن پنج ... است **اول** حاسه سامعه و آن مخرب زحل است چون قوت آن ... است ... در نهایت قوة
باشد **دوم** حاسه باصره و مخرب شمس است چون قوت آن ... حاسه باصره قوی بود لکن چون ... است
... بعضی اوقات در قوت ... چشم است ... بهم رسد **سیم** حاسه شامه است مخرب است
زهره و چون زهره قوی ... است قوت شامه هم قوی باشد ... ضعیف است ...
این ... ضعف بهم رسد **چهارم** حاسه ذایقه مخرب است عطارد و آن قوی است این حاسه هم در کمال قوت باشد **پنجم** حاسه
لامسه مخرب است مشتری و مشتری قوت ... این حاسه در نهایت قوت ... باشد **در نوع طبیعی** که موضع او کبد است مخرب ...
و مشتری است قوی باشد **نوع حیوانی** که موضع او قلب است مخرب شمس ... است نیز قوی باشد **نوع نفسانی** که موضع او دماغ است
مخرب عطارد است ... قوی باشد **باب سیوم** در کیفیت عمر ... مشتمل بر پنج فصل است **فصل اول** در اصول و دلایل ...

اصول و دلایل هر نوع است یکی دلایل ... که ربع باشد ... و دلایل ... که ... بود و ... عمر ... دلیل ... هیلاج
خوانند و دلایل ... اگر هیلاج ... بر طریق ... است و بر طریق ... بر ... یکی ... نوع ...
دیگر ... نوع قوت طبیعی ... که ... است چنانچه ... شرح آن ...
... عمل هیلاج ...
کل ... **ثانی** ... سال ... ماه ... روز ... ساعت باشد ...
... دلایل اصول **فصل ثانی** در فروع دلایل ... فروع و دلایل ... تسییرات ...
... انتهاءات ... سیتم ... مسعود و منحوس ...
پس ... دلایل ... منحوس ... مسعود و منحوس ...
... شرح ... بتفصیل ...
... تسییرات ...
که تسییرات ... انتهاءات ... مسعود ... واقع ...
... سال شمسی ...
... سعادت ...
... **فصل**
ثالث در ... و آن ... قسم است **قسم اول** ... هیلاج ... اصل است
... **نوع اول** ... **...**
... **...**
... **نوع ثانی** ...
...
...
...

سالست که بر عطیهٔ شمس افزوده شده [illegible] شصت و یک سال و نه ماه و بیست و پنج روز و [illegible] شصت و پنج سال و سه ماه و چهار
روز و [illegible] هشتاد و دو سال و سه ماه و پنج روز و عطیهٔ [illegible] هشتاد و نه سال و دو ماه و بیست و دو روز و [illegible] که هشتاد و دو سال و
هشت ماه و شانزده روز و [illegible] نود و سه سال و یکماه و چهار روز و ازین جمله [illegible] سال [illegible] است لکن بزعم حقیر اولی
و انسب ازین هر نوع [illegible] نوع اول است [illegible] تسییر هیلاج [illegible] در نوع [illegible] بخلاف نوع ثانی که [illegible] است
[illegible] تسییر هیلاج [illegible] سال است موافق نوع اول [illegible] شده
و نوع ثانی [illegible] موافقت [illegible] احتیاط [illegible] خواهیم کرد [illegible] که بطریق
تسییرات معین کرده [illegible] خواهیم داشت **قسم ثانی** در [illegible] بطریق تسییرات اعظم [illegible] اگر
[illegible] بر عطیهٔ هیلاج [illegible] اصل [illegible] تسییر درجهٔ طالع که هیلاج است در طالع مبارک [illegible] انتهای [illegible]
[illegible] تسییر درجهٔ **طالع** [illegible] انتهای [illegible] تسییر درجهٔ زحل [illegible] قسم شمس
که خدای اعظم [illegible] زحل [illegible] سال و سه ماه [illegible] دلیل [illegible] تسییر درجهٔ **طالع** [illegible]
جهة العقوب [illegible] انتهای [illegible] ششم اصل [illegible] سهم [illegible] قسم آن
[illegible] سال و پنجاه و [illegible] دلیل [illegible]
[illegible] تسییر درجهٔ **طالع** [illegible] قلب العقرب [illegible] انتهای [illegible] ششم اصل [illegible] تسییر زحل [illegible]
[illegible] مشتری [illegible] سال [illegible] دلیل [illegible]
[illegible] تسییر درجهٔ **طالع** [illegible] قسم سهم [illegible] انتهای [illegible] قسم [illegible] زحل
[illegible] سال و پنجاه و چهار [illegible] دلیل [illegible]
[illegible] تسییر درجهٔ **طالع** [illegible] انتهای [illegible] اصل [illegible] تسییر زحل [illegible]
[illegible] سادس [illegible] تسییر [illegible] قسم سهم [illegible] بر عطیهٔ اصلی [illegible]
[illegible] دلیل [illegible] تسییر درجهٔ شمس [illegible] خدای اعظم [illegible]
[illegible] تسییر انتهای [illegible] مقام [illegible]
[illegible] **فصل رابع** در [illegible] عمر مبارک [illegible] است **نوع اول** در سالهای [illegible] است

[illegible]

مراتب عمل هیلاج و کدخدای که اصل است و کواکب زاید و عطیهٔ زاید [illegible] عطیهٔ اقل شمس [illegible]
[illegible] که عبارت از [illegible] سال و هشت ماه و بیست و شش روز باشد و نصف مجموع عطیتین است [illegible] که [illegible] و چهار
چهار ماه و بیست و نه روز باشد و عطیهٔ [illegible] است [illegible] که [illegible] سال و یکماه و [illegible] روز باشد این [illegible] سال عطایای زایده
بر عطیهٔ اصلی که عدد اکثر شمس [illegible] **نوع ثانی** در [illegible] زایده [illegible] عمر مبارک است بطریق تسییرات اعظم [illegible] اما تسییر
طالع است که هیلاج در طالع مبارک [illegible] تسییر درجهٔ **طالع** [illegible] که از جملهٔ کواکب زایده [illegible] اول [illegible] عطایا
و طالع انتها [illegible] قسم عطارد [illegible] سال و [illegible] دلیل [illegible]
[illegible] تسییر درجهٔ **طالع** [illegible] و طالع انتها [illegible] ستیم اصل [illegible] قسم عطارد [illegible]
سهم [illegible] قسم شمس که [illegible] مشتری [illegible] سال و پنجاه و [illegible] دلیل [illegible]
[illegible] تسییر درجهٔ **طالع** [illegible] و طالع انتها [illegible] چهارم اصل [illegible]
[illegible] قسم شمس [illegible] سهم [illegible] سال و سه ماه و چهار [illegible] دلیل [illegible]
[illegible] تسییر **شمس** که [illegible] قسم آن [illegible] و طالع انتها [illegible] اصل [illegible] سال و یکماه و بیست و
چهار روز [illegible] دلیل [illegible] صاحب مملکت [illegible]
زایده عمر مبارک [illegible] خواهیم کرد **فصل خامس** در [illegible] عمر مبارک بطریق [illegible] تسییرات
عطیهٔ عمر مبارک را [illegible] هیلاج [illegible] هشت سال و نه ماه و بیست و [illegible] چهار
[illegible] بعضی از آن [illegible] خواهد گذشت [illegible]
[illegible] بعضی دیگر [illegible] است [illegible] مشکل است [illegible] سالهای [illegible]
[illegible] تسییر طالع است [illegible] جهة العقوب و قلب العقرب [illegible]
[illegible] بر عطیهٔ اصلی شمس [illegible] که [illegible] سال و [illegible] ماه و [illegible] روز باشد
[illegible] بر عطیهٔ اصلی شمس [illegible] سال و [illegible] ماه و [illegible] روز باشد [illegible] این [illegible] سال [illegible]
[illegible] مشکل
[illegible]

و عمر شبنگان آن حضرت والا اعلی الدوام خواهد رسید و الله تعالی اعلم بالصواب **باب سیم** در احکام کیفیت عمر مبارک و آن مشتمل بر دو فصل

فصل است **فصل اول** در ذکر دلالات بیت اول که آن طالع است و دلیل تن و جان و کیفیت زندگانی از آن مستنبط می شود چون سعادت

از دلالت مطالع غالب است بر نحوست دلیل بیت طالع و غیره بر ... اکثری ... و خوشحال ... بحکم العلم ... و اما اهل احکام دلالت

بر آنکه کیفیت احوال و گذران اوقات خیر و بیت دلالات شبنگان حضرت والا ... مبارک صحیح المزاج و ... با فروغ بود

دائم و لطیف الطبع ... صاحب عزت و حرمت ... که دو ... قوی باشند چون طالع ... شبنگان ... حاملش برکت و دهد

... و صاحب ... و انتقام کننده باشند و چون صاحب طالع ... دلیل است بر ضعف قلب مبارک و چون

در ... صاحب طالع ... از آن دلیل است بر ... شود ... مبارک و ...

بر ضعف طالع شبنگان ... اوقات ... سلطان ... از ... خاطر ...

و جانب ... مبارک ... باشد ... خاطر ... حاصل ... گردد

و چون ... صاحب آن ... حال ... احوال ... شبنگان ... بود ... در کمال ...

و ... فرمایند ... سعادت ... گردد

... در کمال ... صاحب ... احوال ... مبارک ...

... در کمال ... مبارک ... دلیل است ... شبنگان ... ضعف ...

فضیلت و تفوق ... صاحب ... دلیل ...

... مشتری است ... دلیل است بر ... صاحب شرف ... صدیق ... صاحب ...

... و احوال ... باشند و چون ...

بود شبنگان ... از طرف شبنگان ...

... دلیل است ... شبنگان ... صاحب

ولایت و اعمال ... باشند و چون ... دلیل است ... شبنگان ... بود

سعادت ... دلیل است شبنگان ... صاحب فصاحت و بلاغت و حکمت و نطق

... و صاحب ... دلیل ...

و قوت

فصل ثانی ...

بکثرت شبنگان ... جاه و حرمت بود ... دلیل است بر کثرت ... شبنگان ... بود

... دلیل است ... سعادت و ... مبارک ...

... دلیل است بر کمال رفعت و تفوق ... صاحب ...

دلیل سعادت شبنگان ... رفعت و جلالت ... مبارک چون ...

بود ... طالع دلیل ... است از روی ... دلیل ... صاحب ...

کلی ... **فصل ثانی** در ذکر دلالات بیت ثانی که خانه مال و معاش ... صاحب طالع ... است ...

... زحل ... مشتری ... دلالت کننده بر کثرت مال ... شبنگان ...

... باشند چون ... این خانه ... است و صاحب ... مشتری ... تحصیل ...

... از طرف ... فرمایند و چون ... تحصیل مال ... و چون زحل ...

... مال ... از طرف ... از اطراف ... و چون زحل ...

... تحصیل ... مشتری ... مال ...

صاحب طالع ... دلیل است بر کثرت ... شبنگان ...

مال و دولت ... دلیل است ... سلطان ...

... مال و دولت ...

... مبارک ...

... دلیل است ... مال ...

... مال ... شبنگان ... صاحب شرف ... از طرف

... تحصیل ... تحصیل مال ... دلیل

تحصیل مال ... دلیل ... مال ... دلیل ...

... کثرت شهرت اقبال ...

... تحصیل مال ...

ولت ملا همیشه برکت نسل نجوم بعضی از دقائق بجهة بهات در فروع و بیت المال غیر ثابت خصوص در اوایل عمر مبارک بودن او زیر شعاع
مشتری و شمس و زحل و مریخ و تیر دلیل است بر اصابه مال و وفور نقود ما لا کلی و مرتبه اکثر منظور بقلب کرده باشد و چون مشتری فوق الارض است
و شمس و زحل تحت الارض دلالت بر حصول و اعطای مال در اول و وسط سن مبارک و افضل سعادت کثرت مال بودن مشتری است که عطارد
و زهره بشنه و در وتد طالع که تمامی ملائمه بر کثرت مال و فتح آن دلالت میکنم **فصل ثالث** در ذکر دلالات بیت سیم که خانه اخوه و اخوات و بنی
الاعمام و احوال سفر و نسب است چون مستولی بر آن زحل است بشرکت قمر و زهره که صاحب بیت و حد و مثلثات اند و ارباب مثلثه او قمر و زهره و مریخ
میشد اند ناظر آن و طالع دلالت کند بر قرب با سعادت فزون این خانه چون مرکز این خانه جدی است و فا کی و منقلب دلیل است بر قلت
و کثرت اخوه و اخوات و چون از آن اخوه اکبر و اوسط و اصغر شمس و مشتری و عطارد اند شمس چون ساقط است از بیت سیم دلیل عدم اخوه اکبر است
و از جنبه کمان موقوف سعود و مشتری و عطارد و چون در حد ناظر اند بطالع بیت سیم دلیل وجود اخوه اوسط و اصغر اند و ادراک اخوات اوسط و اصغر و چون
قمر و زهره اند مهروه ناظر اند دلیل وجود اخوات است و چون او در آن اخوه و اخوات نفس و در برج موث و برج مذکر اند از مرور صنف ضعف بجهة
لکن چون دلیل مذکر بودن غالب است دلیل بودن اخوه است بیشتر از اخوات و بودن [illegible] در برج [illegible] دلیل [illegible] کثرت اخوه
و اخوات است بودن زحل در برج [illegible] دلیل کثرت اخوه است عدم اتصال مشتری و عطارد و شمس بزحل صاحب بیت سیم دلیل عدم محبت
و موافقت است ما بین منبکان مولود و اخوان بودن عطارد در طالع [illegible] دلیل [illegible] عداوت دلیل [illegible] است ما بین بودن
شمس [illegible] در طالع دلیل [illegible] اخوان است [illegible] اوسط و عدم [illegible] بیت سیم در بیت خامس است دلیل [illegible] بودن
اخوان است [illegible] دلیل [illegible] اخوان [illegible] بودن بیت
سهم [illegible] بودن سهم [illegible] دلیل [illegible] بودن اخوان است از اخوه اکبر
عدم [illegible] سهم الاخوه [illegible] دلیل [illegible] بودن اخوان است [illegible] سهم الاخوه [illegible] دلیل بودن اخوان
معروف و مشهور است بودن [illegible] دلیل [illegible] اخوان است بودن [illegible] بیت سیم در خمس دلیل بودن اخوان است [illegible]
[illegible] دلیل موت و [illegible] اخوات [illegible] بودن سهم [illegible] دلیل [illegible]
[illegible] اخوان و چون زهره در طالع است [illegible] از اخوات عطوفت [illegible] و چون صاحب
بیت سیم در خمس است و برج [illegible] و چون [illegible] اتفاق [illegible] محبت در [illegible] و رتبه
بهره کلی [illegible] مدار [illegible] گردد و چون [illegible] است در اسفار [illegible] کلی روی دهد انشاءالله **فصل رابع**

در ذکر دلالات بیت چهارم که خانه والدین و عواقب و املاک و ضیاع و عقار و عاقبت کارها است چون مستولی بر آن مریخ است
بشرکت عطارد که صاحب حد و مثلثه اند و ارباب مثلثه او عطارد و زحل و مشتری اند و غایب اند از آن خانه و سعود دلیل قوت و سعادت
دلالات این خانه است چون مرکز این خانه برج حمل است و مریخ ثابت دلیل است بر دوام و ثبات سعادت و قوت [illegible]
و چون طالع [illegible] دلیل بودن دلیل والد بزرگوار در [illegible] شمس [illegible] سهم الاب [illegible] و دلیل والده ماجده قمر و زهره و در [illegible]
عاشر و سهم الام [illegible] چون زحل صاحب رابع [illegible] دلیل [illegible] بودن دلیل است بر حسن حال والد بزرگوار در کمال [illegible] و جاه
و حرمت بودن شمس [illegible] در طالع [illegible] دلیل [illegible] و جلالت والد بزرگوار است بودن قمر در [illegible] دلیل [illegible] حال والده ماجده
بودن زهره در طالع [illegible] دلیل [illegible] سعادت احوال والدات [illegible] سعود [illegible] دلیل سعادت ظاهری است و جاه
والدین بودن [illegible] دلیل [illegible] سعادت احوال والدین [illegible] دلیل [illegible] حال والد بزرگوار است بودن
شمس [illegible] زهره دلیل [illegible] حال والده است بودن زحل [illegible] در رابع [illegible] طالع [illegible] در خامس [illegible]
[illegible] منبکان مولود از جانب والد بزرگوار [illegible] کامل بهره [illegible] والد [illegible]
بودن شمس [illegible] نظر طالع [illegible] صاحب طالع دلیل عدم محبت [illegible] والد است با منبکان مولود بودن زحل [illegible]
رابع دلیل عدم محبت است با منبکان مولود [illegible] طالع دلیل است [illegible] منبکان مولود [illegible] والده ماجده [illegible]
محبت [illegible] چون زحل [illegible] زهره است [illegible] والد بزرگوار [illegible]
[illegible] و چون سهم السلطان [illegible] دلیل است بر ترقیات کلی [illegible] والد بزرگوار [illegible] کامل [illegible] بودن سهم الاب
در عاشر دلیل [illegible] سلطنت [illegible] والد بزرگوار است بودن رب رابع [illegible] دلیل [illegible] والدین است [illegible]
[illegible] چون صاحب رابع زحل است [illegible] مشتری [illegible] دلیل است بر کثرت املاک و ضیاع و عقار [illegible] املاک [illegible]
منبکان مولود بهره کامل [illegible] دلیل تمام [illegible]
[illegible] زهره [illegible] دلیل [illegible] املاک [illegible] بودن سهم الغیب
در رابع [illegible] زهره [illegible] دلیل است بر تقوی و ورع [illegible] صاحب [illegible]
[illegible] منبکان مولود [illegible] سهم [illegible] دلیل [illegible] بهره [illegible] املاک [illegible]
فصل خامس در ذکر دلالات بیت پنجم که خانه اولاد و عیش و سرور و لطف و هدایا است چون مستولی بر آن مشتری است بشرکت زهره

و برج که صاحب خانه و شرف و مثلثه دارد به شعاع او برج و زهره و قمر اند و اغلب آنچه ذو جسمین و ترکیب دلیل است بر کمال قوت و سعادت
علامات این خانه چنانچه سنکیان مولود را از خوبیات آن فرج بسیار و سعادت بشارت رخ نماید و چون مرکز این خانه برج موت است
دلالت کند و صاحب دلیل است بر کثرت اولاد و سنکیان ولادت و چون مرکز این خانه برج کثیر الاولاد است اولاد بسیار بوجود آید و چون مشتری صاحب
بخانه برج سرطان است و کثیر الفرزند است اگر کثیر الاولاد باشند و چون طالع هم برج کثیر الاولاد است دلیل است بر کثرت اولاد و چون زهره نیز در برج
کثیر الفرزند دلیل کثرت اولاد است پس نظر و نور او که حصول اولاد چند به سنکیان مولود را اولاد بسیار بحساب اندکی ازان کرامات زیاده و چون
طالع و خمس و صاحب مستولی اند در حد عین و نیز برین کواکب ضعف اولاد اند بعضی وفات کنند بر شکیر و بعضی بر تانیث سنکیان [illegible]
اولاد چنانچه بوجود رسد و چون دلیل بالذات بر شکیر کنند از اولاد تخفیف است مراتب عدد و قرار [illegible] الاحکام پس [illegible] سنکیان مولود کثرت اولاد
باید بشنید لکن حقیر اولاد کثرت را غایب و اقوی از اولاد تانیث بشید اند و کمال هو چون عمده اولاد صاحب طالع و صاحب خمس است و هم بود
مذکر اند و قوت تمامی دارند مطلوب است [illegible] تانیث چنانچه اصل قوت و ضعف اولاد را باید ملاحظه کرد ملاحظه بهره عددی دلیل
چنانچه بعضی عمل این چنانچه وین از جواب حورت بسیار خط در احکام حاصل شدن اغلب اوقات مشروط برین قسم اعمال است پس اولاد
سنکیان را اطفال حقیر بیاید و تر ازو اولاد اناث خواهند بود و چون زهره که صاحب خمس است و فرع زهره است خمس کمال است دارد و در ضعف
ساعد از فلک جهت دلیل حصول اولاد است در سن کهولت و شیب و در ضعف اول عمر و چون خمس برقرار در اوایل ترتیب بوسط برج انده در سن شیب
اولاد زیاده تر بوجود رسد و چون صاحب طالع و صاحب خمس مرور برج مذکر اند سنکیان مولود اولاد ذکور مشتری قوت دارند بودن مشتری ابر طالع
و خمس مرور برج ثابت [illegible] بیکدیگر بودن دلیل مشتری و بودن سنکیان مولود است باولاد و کثرت بیت خمس برج ثابت و قمر دلیل بعقود [illegible] بعضی
اولاد است و چون در برج طالع برج شمس است و شمس مذکر تا نونی و قمر باولاد ذکور چنانچه لذات رسد و چون قابل قمر بر مشتری زهره است از جانب
اولاد دل خوش باشند و چون مرکز این خانه حوت است مراتب در رتبت اولاد باشند بودن سهم اولاد و عمر دلیل است بر کثرت شهرت و معروف عقل
و قوت و انقیاد اولاد و مرتبه کمال رسیدن بودن مشتری صاحب خمس و حرم و مرور دلیل صاحب دولت شدن و فرمان فرمائی کردن اولاد سنکیان مولود
بودن مشتری در برج شرف دلیل سعادت عظیم است سنکیان مولود را از طرف و فواید کلی و چون از قبل آنکه اتصال زهره بزحل از جوزا دلیل
و حصول فواید و نفع کلی و تفصیل شیئی بی تقیه بسیار موجب از قبل اولاد مقارن بودن قمر با زحل از جهت دلیل است بر کثرت انتظار و در غربت بودن
و مفارقت از صحبت و الدین اولاد سنکیان مولود و الحق بعیش بجهت و ترتیب کردانند و چون زحل در برج حوت است دلیل است بر بودن
اولاد اغنی صالح و از ضد آن ترس بعضی شیخ و صاحب حرب بدوی در مواد و نواع محبوب مذکر در بلاد بودن قمر در برج حوت دلیل است بر کثرت

انتقال

انتقال و ضعف را اولاد سنکیان مولود را و شکوه از زوج منفصل بعضی اولاد و اکبر را در رسیدن خوف و خطر از جهت غرق در آب شدن و امثال آن
در بیماری و مرض عمیق بعضی اولاد را حلول زحل در خانه مشتری دلیل است بر کثرت امراض و صحت از غلط سنکیان مولود و بیان اولاد را دخول
حلول قمر در خانه مشتری دلیل است بر کرم بودن و صاحب حسن خلق و کثیر المال بودن سنکیان مولود بودن زحل و خمس مسعود بهره دلیل است بر کثرت عقل
و ادب و فهم و صاحب مال و دولت و صاحب دولت عظیم و تجارات جدیده بودن سنکیان مولود و کثرت عیش و سرور و وقت دمادم بسیار اتفاق
و الکا تمامی تفصیل شیئی در خطر بودن قمر و زحل مزین برج دلیل است بر کثرت عزت و انتظار و محروم از خدمت سنکیان مولود اولاد را و چون صاحب خمس
بر برج مستقیم است دلیل است بر اکثر اغلب اولاد از زنان خوب و زرکان و خزاین مشتری و قمر باشند و چون مشتری در طالع محبوب جمیع در برج
دلیل است بر حصول اولاد از زنان خوب و باخبر و اهل علم فی احوال الخانه السادس در ذکر دلالت بیت ششم که خانه عبید و جواری و امراض است بودن
مستولی ابر آن برج است و شرکت شمس و مشتری که صاحب خانه و شرف دارد به شعاع او مشتری و شمس و زحل اند و عطارد را ترکیب دلیل است بر سعادت این
در خزاین این بیت و چون مرکز این بیت حمل است و آتشی و منقلب سهم عبید در خمس و قمر به در خمس دلیل است بر اکثر سنکیان مولود را عبید و جواری
بسیار باشند بودن عطارد در طالع و مرکز حمل دلیل کثرت عبید و جواری است بودن مشتری طالع در طالع دلیل و فور عبید و جواری است و چون خمس
آتشی و ترقی حال اند دلیل است بر دوام و ثبات آنها و عدم ضرر و نقصان باشد و چون سهم القدر در بیت خمس است مسعود مشتری در برج
خانه زایچه اند بوده ضرر دلیل است بر کثرت عذاب و فقر و چون صاحب بیت سادس در دوم و صاحب طالع در طالع است و بر برج مختلف
عذاب از اجناس مختلفه تفصیل شود و حیوانات مشکل در بسیار کم بوجود رسد و اکثر تفصیل شود ضرر و نقصان بسیار بوجود رسد و حیوانات که رسم در طالع
مبارکت خوب بود چنانچه ضرر ادکر رسد و در بیان حیوانات از جهت فرض طالع باشند بودن مشتری طالع قوی دلیل و فور عذاب است بودن زحل
در خمس دلیل و فور عذاب است قلت و امثالی که دلیل امراض اند و آن بیت ششم و صاحب او و مستولی بر آن و نیز بین و عطارد و سهم المرض است بودن در بیت ششم
در بیت طالع یکجا دلیل کمی حصول مرض است عدم کثرت بیت سادس دلیل کثرت مرض و صحت و وجود مبارک است اغلب اوقات بودن عطارد در طالع
و تکامل دلیل عدم مرض و صحت بدن مبارک است بودن سهم الامراض در دوم و خمس در طالع دلیل است بر کمی مرض و صحت بدن مبارک و کثرت
قمر در خمس دلیل مرض عظیم است بعضی اوقات از غلبه دم و صفرا و کثرت رتبه سهم متعلق در خمس دلیل خوشی و مرض است از غلبه حرارت و یبوست
سوء طبع بودن در کرسی شتم برج آتشی و صاحب او نیز در برج آتشی دلیل مرض و خوشی است از غلبه حرارت و یبوست مفرط بودن زحل قمر در زهره
در شکل آید دلیل حصول مرض است از غلبه حرارت و امراض سوداء بودن مریخ در برج خوب به دلیل و سقوط اطراف است و حکام حصول مرض بودن
مریخ و عطارد و سهم المرض در برج حرکت اهم مرض و دلیل تحقیق بودن امراض و ناخوشی است در بیان بودن مریخ و عطارد و شمس در ضعف ساعد از طالع

دلیل حصول مرض است در طرف راست بدن بیشتر اوقات بودن مریخ و شمس در برج ... دلیل حصول مرض است در اعضای بدن بودن
مریخ در رکن الشجاع دلیل حصول الم در اعضای باطنی تقریب است بودن مریخ منصف ... دلیل مرض ... است و اوجاع ... و قبله در بطن بعضی
اوقات و چون مریخ در ... است ... و کاهی ... صاحب ... در درجه ... در چشم ... بودن مریخ ...
دلیل است بر ضعف قوه باصره چنانکه ... بودن قمر ... زحل دلیل ضعف قوه باصره است شمس دلیل چشم راست است و قمر چشم چپ
هرچه ... منحوس ... اما چشم راست باید ضعیف تر از چشم چپ باشد ... قوه دلیل ... است ... دلیل ضعف
در دماغ و معده است ... بودن ... بودن قمر در درجه مظلمه در برج ... دلیل ضعف ... چشم چپ است والله اعلم

فصل السابع در ذکر دلالات بیت هفتم که خانه ازدواج و خصومات بودن مستولی بر آن زهره است ... قمر و مشتری ... صاحب خانه
... دلیل ... و قمر و زهره و مریخ ... طالع ... حرارت ... جهت ...
بودن زهره مستولی بر هفتم در طالع دلیل است بر ... و کثرت میل بزنان و حصول فواید از قبل ایشان بودن مستولی بر طالع و طالع دلیل
... میل ... است ... بودن صاحب سابع ... طالع دلیل ... است
بودن قمر در برج ... سابع دلیل ... است ... بودن زهره در ... طالع ... دلیل ... است
در سن ... اگر ... بودن قمر ... اجتماع و استقبال دلیل ... است ... بودن زهره ... مریخ دلیل کثرت ...
بزنان ... زوجات متعدده بودن زهره ... دلیل ... بودن در اول
... است زوجات ... طالع ... دلیل ... است ... بودن
مشتری ... طالع ... دلیل است بر کمال ... زهره ... دلیل ...
... است از قبل زنان بودن شمس ... زهره دلیل است بر ... صاحب ... بزرگان ...
... سابع زهره دلیل زوجات صاحب حسن و جمال ... بودن زهره ... دلیل ... است ... بزنان بودن
زهره ... دلیل کثرت ... بودن زهره ... دلیل ... است ... کردن بعضی زوجات
بودن سهم التزویج ... مشتری دلیل ... زوجات عفیفه صاحب حسن و جمال ... است و حصول فواید و نفع کلی از قبل ایشان
و کمال الفت و محبت ... بودن ... سهم مشتری ... دلیل ... زوجات صاحب حسن ... جمال ...
خالی است بودن ... سابع ... طالع دلیل ... است ... کمال ... و کثرت شغف ... طرف ایشان

و ...

و مظفر و مستقیم بودن چنانکه ان ... بودن زهره در بیت مریخ دلیل بودن اغلب زوجات است از طبقه ... بودن قمر ...
... مشتری دلیل ... زوجات صاحب حسن و جمال است از طایفه بزرگان و طبقه مشتری بودن مشتری در خانه قمر دلیل ... بودن است بعضی
از زوجات ... صاحب ... بیت هفتم ... است ... است ... بودن صاحب
سابع و طالع دلیل ... بودن خصومات ... صاحب طالع و طالع ... بودن سهم ...
صاحب طالع دلیل کثرت خصومات و بودن مستولی بر سهم ... زحل است ... صاحب طالع ... زحل دلیل است ...
... اغلب ... اوقات ... طبقه ... خانه ... صاحب طالع ...
خالی ... خصومت ... زحل ... مریخ ... قمر ... دلیل ضعف حال ...
وقت ... است و کمال ... صاحب طالع ... والله اعلم فصل الثامن در ذکر دلالات بیت
هشتم که خانه خوف و مرگ ... است ... بودن مستولی بر آن مریخ ... زحل ... صاحب ...
... مشتری ... دلیل است ... زحل ... بودن ... است
... دلیل ... بودن ... هشتم ... دلیل ... است ...
... بودن ... مریخ ... ظاهر ... بودن ...
... مریخ دلیل ... طالع ... دلیل کثرت ... است ...
بودن ... است ... بودن زحل ... هشتم ... دلیل ... بعضی
... است ... بودن ... دلیل سعادت ... است ... دلیل سعادت
کلی ... هشتم دلیل ... بودن صاحب هشتم ...
دلیل ... است ... زحل ... بودن مریخ ... دلیل است ...
... و عدم ظهور دلیل است ... بودن ... حرارت
... حاصل ... بودن ... مریخ بودن زحل ... دلیل ... است ... مریخ ...
... دیگر ... بودن سهم الموت
در هشتم ... دلیل ... هشتم ... دلیل حصول ... است ...

عطارد و صاحب ششم [illegible] دلیل نفع و خیر [illegible] بود چون سهم [illegible] در ششم دلیل حصول [illegible] است
[illegible] دولت و اسباب عزت [illegible] و چون صاحب [illegible] مشتری است [illegible] دلیل است بر حصول جاه و منزلت و ترقی
[illegible] والله اعلم **فصل التاسع** در ذکر دلالات بیت نهم که خانه سفر و علم و دین و خواب است چون مشتری
بر آن مشتری است [illegible] صاحب شرف [illegible]
به نهم دلیل است بر کثرت سعادات [illegible] و چون [illegible] این خانه برج سرطان است [illegible] دلیل است
بر کثرت سفر [illegible] چون مشتری در این خانه [illegible] دلیل است بر سعادات [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] **فصل العاشر** در ذکر دلالات بیت
عاشر که خانه [illegible]
[illegible]

در این دو جهة بشد

و بیت هفتم دلیل است بر آنکه صاحب طالع در بیت سفر [illegible] آماده و مهیا گردد و بقوت او اکثر سهم السلطان در بیت هفتم است
دلیل جمع اموال [illegible] از جانب خصما [illegible] آماده گردد و بقوت او اکثر سهم السلطان [illegible] در هشتم است دلیل ترتیب
فرمان [illegible] دلیل [illegible] عمل [illegible] عمل [illegible] و قوت [illegible] صاحب
[illegible] مشتری و کمال قوت [illegible] دلیل است بر آنکه [illegible] اول عمر مبارک [illegible] گردد
کمال [illegible] شهرت [illegible] ضعیف است [illegible] دلیل شهرت و بیت عظیم است [illegible]
[illegible] دلیل [illegible] و اعمال [illegible] عمر مبارک را [illegible] **فصل احدی عشر** در ذکر [illegible]
بیت یازدهم که خانه رجا و امید و اصدقا و دوستان است چون مشتری [illegible] در آن [illegible] مشتری و زهره [illegible]
[illegible] و زهره و مریخ [illegible] دلالت کند بر قوت [illegible] این خانه
[illegible] دلیل است بر کثرت اصدقا و دوستان [illegible] دلیل کثرت اصدقا و دوستان
و حصول امیدات و مطالبات چون مشتری [illegible] دلیل است [illegible] و حصول امیدات [illegible]
چون زهره در طالع [illegible] دلیل کثرت اصدقا و دوستان است چون [illegible] دلیل [illegible] چون مشتری [illegible] طالع
[illegible] دلیل است [illegible] اصدقا [illegible] دلیل است بر صداقت
[illegible] دلالت [illegible] عدم اتصال [illegible] طالع [illegible] دلیل [illegible] با اصدقا و عدم [illegible]
[illegible] دلیل [illegible] چون [illegible] دلیل است
[illegible] چون اصدقا و دوستان [illegible] و کمال [illegible] چون سهم الاصدقا
در [illegible] دلیل است [illegible] اصدقا و [illegible] صداقت [illegible]
[illegible] چون [illegible] از عداوت دلیل [illegible] است چون [illegible]
[illegible] دلیل [illegible] چون اصدقا و دوستان [illegible] و دعا
چون [illegible] دلیل چون [illegible] اصدقا و [illegible]
دوستان و [illegible] چون [illegible] دوستان و اصدقا [illegible]
از علما و بزرگان [illegible] صاحب [illegible] مشتری است دلیل حصول [illegible] و مطالبات [illegible]

[illegible]

چنانچه [illegible] در کمال [illegible] سلطان [illegible]
[illegible] **فصل ثانی عشر** در ذکر [illegible] بیت دوازدهم که خانه اعادی و دشمنان
چون مشتری [illegible] صاحب [illegible] مشتری [illegible] دلیل است بر کثرت اعادی [illegible]
[illegible] چون [illegible] دلیل است بر آنکه [illegible]
[illegible] کثرت اعادی و
دشمنان است عدم اتصال صاحب طالع [illegible] دلیل [illegible] با اعادی و کمال [illegible]
[illegible] دلیل [illegible] عداوت و دشمنی است [illegible] مشتری دلیل کثرت اصدقا و [illegible]
اعادی چون صاحب [illegible] دلیل کثرت اعادی [illegible] دشمنان است چون سهم الاعدا [illegible]
[illegible] اعادی [illegible] دلیل [illegible] دشمنان است [illegible]
دوستان [illegible] دشمنی [illegible] عداوت و دشمنی [illegible] چون مشتری [illegible]
دلیل است [illegible] عداوت [illegible] دشمنان [illegible]
[illegible] خانه [illegible] عداوت [illegible]
[illegible] طالع دلیل است [illegible] و کمال قوت [illegible]
[illegible] دشمنی [illegible] عداوت [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] دیگر [illegible]
[illegible] **باب چهارم** در [illegible]
[illegible] **فصل اول** در [illegible]
[illegible]
[illegible] **چهارم** عمر مبارک دلیل است [illegible]
[illegible]
[illegible] **بیت هشتم** عمر مبارک دلیل است [illegible] دولت

و خروج شدن ... فرمانفرما ... و تسییر درجهٔ طالع ... قمر ... زحل ... طالع رأس الغول ... [illegible]

... انتقال ... سهم ... طالع ... اصل سال سی و هشتم

عمر مبارک دلیل است بر ... [illegible]

سعادت ... دلیل ... دولت ... [illegible]

... اصل ... سال پنجاهم

عمر مبارک دلیل کثرت مال و دولت ... فصل ... در قواطع ... [illegible]

... سال ... نهم عمر مبارک دلیل است بر ... [illegible]

[illegible]

... سال ... عمر مبارک دلیل است بر ... [illegible]

[illegible]

... سال سی و نهم عمر مبارک دلیل است بر ... [illegible]

[illegible]

... سال پنجاه و یکم عمر مبارک دلیل است بر ... [illegible]

... فصل سیم در قواطع ... [illegible]

... سال ... عمر مبارک دلیل است بر ... [illegible]

[illegible]

دلیل ...

و منکب ... طالع ... اصل سال بیست و هفتم عمر مبارک دلیل است بر ... [illegible]

... اصل سال سی و دوم عمر مبارک دلیل است بر ... [illegible]

... اصل سال سی و ششم عمر مبارک دلیل است بر ... [illegible]

... اصل سال چهل و دوم عمر مبارک دلیل است بر ... [illegible]

... اصل سال چهلم عمر مبارک دلیل است ... [illegible]

... اصل سال بیست و ششم عمر مبارک ... فصل چهارم در قواطع ... [illegible]

... اصل سال ... عمر مبارک دلیل است بر ... [illegible]

... اصل سال پنجم عمر مبارک دلیل است بر ... [illegible]

[illegible]

... اصل سال ... عمر مبارک دلیل است بر ... [illegible]

... اصل سال بیست و نهم عمر مبارک دلیل است بر ... [illegible]

... اصل سال چهل و یکم

عمر مبارک دلیل است ... فصل پنجم در قواطع ... [illegible]

... اصل سال چهلم عمر مبارک دلیل است بر ... [illegible]

... اصل سال سی ام عمر مبارک ... [illegible]

دلیل است بر ... [illegible]

دو دو به سعادت افراد قسم آن دو ده دلیل است بر سعادت کشتن برهن و عاقبت نکو به بودن و تسییر در جرم زحل به برج عقرب بسرة الاوض
و در جزو شمس بسیه جرم قمر نهاده بیره دو ده بر بهره بهره بجز و طالع اشهد کمر نه ششم اصل در سال چهل و دوم عمر مبارک دلیل است بر مرض جسمانه
بالم و ضعف و طول آن و خوش از ملول او قات و تسییر در جرم طالع بر جمل نیکی قطعی بد بجز زحل سه بیره و عرق دو ده بر شمس بیره بر طالع تشکیک الاوض دو ده بجز
نه ده و تجنیح تسییر قمر دو ده بر عطارد بیره قوس ده بسیط بین الاوتاد و در بر سهم خانه بیره بجز عقرب زاویه الحواد و طالع اشهد کمر نه ششم اصل در سال چهل و چهارم
عمر مبارک دلیل است بر خوش و مرض بجهة نقل او قات مفرط و تسییر بر جرم شمس بیره بر بیت ششم بین الاوتاق که از جمله کواکب سعی بود قاطع است و در سال
بیست و هفتم عمر مبارک دلیل است بر رنج ضعیف فی نفره روزها با بیرون و تسییر جرم شمس به ذنب الراقیفین که از قواطع خنه چهارم است و در سال چهل و چهارم
عمر مبارک در سه دلیل است بر خوف کلی و مرض جسمانی و ادهام و حزن و تسییر در برج صاحب طالع و ششم جوزه بذنب الراقیفین در سال سی و هفتم
عمر مبارک دلیل است بر مرض بدنی و نفس و نقص سرزنج مبارک و تسییر در جرم شمس بیره بجز قمر واقع که از رابعه قمر اول است و در سال بیست و ششم عمر مبارک
در سه دلیل است بر کمال صحت مزاج مبارک و ادراک سعادت و رعایت و فر افزون ناد کلی و حصول مرقبات فصل ششم در قواطع هوه ابیت ششم
تسییر بدو جنیح بر جمل ایسر جوزه و در سال شانزدهم عمر مبارک دلیل است بر ضعف و خوف بشتن خصما و سنبیه شکفان مرگو و تسییر بر وجه سابع بر بیت و
بر برج زحل و در سال بیست و هفتم عمر مبارک دلیل است بر کمال ضعف و دلت خصما و شکف ثنه و تحو به مستقر شدن بر انکه نفور و فعل نفسا افزون
کلی کیا و قوف و خبار و بعضی لزنا ادمه و ضیع و دفع نقص و بعضی باو و تسییر در جرم سابع برج ای زحل در سال سی و یکم عمر مبارک دلیل است بر ضعف
حال اعضا و شورش بودن آنها و تسییر در برج سابع بجانب مشتری و در سال سی و ششم عمر مبارک دلیل است بر ظاهر شدن ضعف حال خصما و کمال قوت و غلبه شکفان
و تحول بر آنها و در جنس کلی کفر اشدن و تسییر در برج سابع بجز برج ایسر قمر در سال سی و هفتم عمر مبارک دلیل است بر ضعف حال خصما و قطع له
قوت آنها و تسییر در برج سابع بر کم شدن در سال چهل و سیم عمر مبارک دلیل است بر ضعف حال خصما و تسییر در برج سابع بر جمل الشعله و در سال پنجاهم
عمر مبارک دلیل است بر ره حال خصما و شکفات و تسییر در برج سابع بجز سعد بیض ایر مشتری و در سال بیست و ششم عمر مبارک دلیل است بر قوت حال خصما و قوت و آمد و
تسییر در برج سابع شتری بیابند و در سال چهل و چهارم عمر مبارک دلیل است بر کمال قوت و اعلات خصما و بیشتر فت ایشان آنها و تسییر در برج سابع بر جمل النطح
و در سال پنجاهم عمر مبارک دلیل است بر قوت حال ازواج و در دو وضع شکفات مرگو از کل ازواج و تسییر در جرم سابع بجز سعادت افراد
و در سال چهارم عمر مبارک دلیل است بر مقبت و فرح و انبساط از جانب ازواج و قوت حال آنها و تسییر در برج سابع بجسد لیل ابن مشتری و در سال
بیست و ششم عمر مبارک دلیل است بر قوت و صحت مزاج ازواج و انقباض بر جمل با قلم جمیل صاحب حسن و شهرت و تسییر در برج سابع بجز بجز جبه
مشتری باید در سال سی و دوم عمر مبارک دلیل است بر علو حال ازواج و ضعف خصما و قلب مبارک از طرف آنها و تسییر در برج سابع بسعد الیبیس

ایسه مشتری در سال سی و چهارم عمر مبارک دلیل است بر فرح و سرور قلب مبارک از جانب ازواج و تسییر در برج سابع بجسد لیل ابن مشتری در سال
سی و چهارم عمر مبارک دلیل است بر صحت مزاج ازواج و فرح و سرور از طرف آنها و تسییر در برج سابع بر جمل ایسر جوزا در سال شصت و دوم
عمر مبارک دلیل است بر ضعف حال ازواج و عدم صحت مزاج بعضی از آنها و تسییر در برج سابع بر اس الغول در سال پنجاه و چهارم عمر مبارک دلیل است
بر مرض و ناخوشی بعضی از ازواج و ضعف حال آنها و تسییر در برج سابع بمقدم المنطقه که از جمله قواطع کلی است در سال پنجاه و هفتم عمر مبارک دلیل است
بر ضعف حال ازواج و مریض شدن بعضی از آنها و طول مرض و تسییر در برج سابع بر اس الجبار در سال سی و پنجم عمر مبارک دلیل است بر ضعف
حال ازواج و تسییر در برج سابع بر عقرب ثریا در سال سی و ششم عمر مبارک دلیل است بر ضعف حال ازواج و عدم صحت مزاج بعضی از آنها فصل هفتم
در قواطع و نقاط بیت هشتم است تسییر در برج طالع بسده بجز و در جرم زحل بعید مرتین الاوض و در جرم شمس مریخ و انتقال نحس و در جرم زهره و بجسد جرم عقرب جبهة العقرب
دو ده بجز عطارد بیره بر طالع جبهة العقرب دو ده بجز قمر بیره و شکیک الاوض دو ده بجز بیره و در جرم سهم الموت بر ایس بیره بجز بده و طالع اشهد کمر نه هشتم اصل در سال
هشتم عمر مبارک دلیل است بر مرض و خوف و تشویش از طرف خصما و تسییر در جرم طالع بیره بجز عقرب قلب العقرب دو ده بجز زحل بیره و عقرب
تن الاوض دو ده بجز شمس بجانب الجنة العقرب دو ده بجز بیره دو ده بجز عطارد بیره بجز عقرب تا الجنة العقرب دو ده بجز قمر ترجیح ایر مریخ و طالع اشهد کمر نه
هشتم اصل در سال پانزدهم عمر مبارک دلیل است بر خوف و تشویش از طرف خصما و اعادی او قات و قرب شکفان مرگو و تسییر در جرم طالع بر ترجیح ایسر قمر
دو ده بیره دو ده بجز زحل یک برج الاوض دو ده بجز زهره بیره بجز عقرب شیبی العقرب دو ده بجز عطارد بیره بجز مریخ دو ده بجز سهم الموت بضفیرة الاسد و طالع اشهد
کمر نه هشتم اصل در سال سی و دوم عمر مبارک دلیل است بر خوف و تشویش از مرض و ناخوشی جسمانی لکن چون شمس دو ده بجز سعادت افراد وحده
و قمر بیره بجز عقرب السلطان بیره در سال مذکور دلیل است بر سهولت رسانی و عاقبت نکو بودن مرض و صحت یافتن مزاج مبارک و تسییر در جرم زحل
بیره بجز طالع مرکز الشرطین دو ده بجز شمس بجز ذنب الراقیفین و انتقال نحس بیره بجز زهره بیره قلب العقرب دو ده بجز عطارد بیره بجز قمر بجز مقدم الشرطین
و طالع اشهد کمر نه هشتم اصل در سال چهل و چهارم عمر مبارک دلیل است بر خوف و تشویش کلی از طرف خصما و معاندین و ادعا و قرب شکفان بیره بجز طالع سبقة الرقیة
و عطارد سهم الشرف دو ده بجز عقرب بیره کلی و سهم الموت بیره بجز عقرب جمع الجوزاء و اسد لیل ابن عطارد بیره در سال مذکور دلیل است بر معلول شدن
اعدا و خصما و اعدام و کشتن بجنبه و سهولت تغیرات و خوف فصل هشتم در قواطع و نقاط بیت نهم است تسییر در جرم طالع بیره بجز طالع
نسر واقع دو ده بجز شمس بیقفا ارتقاع بجز قمر دو ده بجز عقرب ذنب الدجاجه بجز سهم السعادة بیره طائر و طالع اشهد کمر نه نهم اصل در سال نهم عمر مبارک دلیل است
بر فرح و فتوح از طرف سفر و تسییر در جرم زحل بر کتف الدجاجه و تسییر ابن شمس و در جرم شمس نرج جانب به دو ده بجز بیره دو ده بجز زهره و بجسد جرم عقرب کفه الشاید
و قمر بیره بجز دو ده بجز سهم السعادة بیره زحل و طالع اشهد کمر نه نهم اصل در سال بیست و یکم عمر مبارک دلیل است بر خوف و تشویش کلی در سفر و قطع ال

اما چون حال کیفیت مشتری است در زهره هر یک بسیار سهم السعاده و عطارد در حد طالع و تسلیه جای جدی و قمر که سعد و سهم السعاده جسد پس ابن زهره
در سال مذکور میرسد دلیل است بر ترقی و ترفع منسوبان مولود و تسییر در حد طالع برج حمل سعادت افزوده و جوزا متحیر پس بسیار قوت زهره که سعد
و قمر مثلثه ابن سهم السعاده و مشتری و طالع انتها کجا به نهم اصل در سال **سی و نهم** عمر مبارک دلیل است بر وقوع اسفار و صاحب حجت و برکت و ترقی و ترفع
منسوبان مولود و تسییر در حد طالع برج غروب رابع الثمن بر دور جدی حمل مقدم طالع مقدم الترقین در حد زهره و برج طالع قلب العقرب و قطب
قائمه العقرب در حد عطارد تا به المجمه العقرب و قمر حد طالع عقرب و طالع انتها کجا به دهم اصل در سال **چهل و یکم** عمر مبارک دلیل است بر خوف
و تشویش در اسفار و نقصان مال رسیدن **فصل نهم** در تواطع درو ایه جهت طالع است تسییر در حد قلب العقرب ...... و طالع انتها کجا به
ششم اصل در سال **چهل و دوم** عمر مبارک دلیل است بر ضعف حال منسوبان مولود از طرف خصما و حاسدین و تسییر در حد قلب العقرب
و طالع انتها کجا به نهم اصل در سال **چهل و سوم** عمر مبارک دلیل است بر خوف و تشویش در سفر از جهت شغل و عمل و تسییر در حد مشتری ...... و در حد غروب
... جوزا ... ابن عطارد و طالع انتها کجا به یازدهم اصل در سال **چهل و چهارم** عمر مبارک دلیل است بر ضعف شغل و عمل و قطع امیدات در جا
و تسییر در حد مشتری ... طالع انتها به طالع اصل در سال **چهل و پنجم** عمر مبارک دلیل است بر ضعف شغل و عمل و عدم حشمت امور و تسییر در حد عطارد
... طالع سهیل یمانی و طالع انتها کجا به دوم اصل در سال **چهل و ششم** عمر مبارک دلیل است بر ضعف شغل و عمل سلطنتی و عدم حشمت امور و قبل
ظهور خصما و معاندین و تسییر در حد مشتری ... قمر در حد طالع ... و طالع انتها کجا به یازدهم اصل در سال **چهل و هفتم** عمر مبارک دلیل است
بر ضعف شغل و عمل و تعویق در امور و یاس از ... مطالب و مرغوبات و تسییر در حد عطارد ... جبهه ... الاسد و طالع انتها کجا به دوازدهم اصل
در سال **چهل و هشتم** عمر مبارک دلیل است بر خوف و تشویش ... اعادی ... و ظهور ... مفسدین و اختلال در امور ...
در ریاست و شغل و عمل و تسییر در حد عطارد ... و طالع انتها کجا به دوم اصل در سال **چهل و نهم** عمر مبارک دلیل است بر تلف مال و رنج و اندوه
حسب الله ... و خواستن ... منسوبان مولود و تسییر در حد عطارد ... و طالع انتها کجا به سوم اصل در سال **پنجاهم** عمر مبارک دلیل است بر ضعف
شغل و عمل و امر ریاست ... اختلال در امور ... و ضعف ... منسوبان مولود و تسییر در حد عطارد ...
... الاسد و طالع ... و طالع انتها کجا به چهارم اصل در سال **پنجاه و یکم** عمر مبارک دلیل است بر ظهور و ... مفسدین و اختلال در امور
... و تسییر در حد عطارد برج ... و طالع انتها کجا به پنجم اصل در سال **پنجاه و دوم** عمر مبارک دلیل است بر فرج
مفسدین و اختلال در ریاست ... منسوبان مولود و وقوع سفر ... و تسییر در حد عطارد برج ... و طالع انتها
کجا به ششم اصل در سال **پنجاه و سوم** عمر مبارک دلیل است بر ... رسیدن ... منسوبان مولود ... و تسییر در حد عطارد

دلیل

در برج ... و طالع انتها کجا به هفتم اصل در سال **پنجاه و چهارم** عمر مبارک دلیل است بر خوف و تشویش در سفر و تسییر در حد قمر ... در حد
و طالع انتها کجا به هشتم اصل در سال **پنجاه و پنجم** عمر مبارک دلیل است بر ضعف شغل و عمل و ... و تسییر در حد عطارد جدی ... قمر
زاویه ... و طالع انتها کجا به نهم اصل در سال **پنجاه و ششم** عمر مبارک دلیل است بر وقوع ... با خصما و طول ... و رنج و تلف مال و غم
و هم است ... و تسییر در حد عطارد ... در سال **نهم** عمر مبارک دلیل است بر فرح و فراغت ... حاصل شدن ...
در سفر و تسییر در حد قمر ... پس ابن زهره در سال **پنجاه و هفتم** عمر مبارک دلیل است بر صحت مزاج مبارک و ... اوقات شریف ... و تسییر در حد
عطارد ... پس ... و طالع انتها کجا به دهم اصل در سال **پنجاه و هشتم** عمر مبارک دلیل است بر ... خصما و معاندین ... و ترقی و ترفع در حال
منسوبان مولود و تسییر در حد عطارد ... و سعادت افزون و طالع انتها کجا به یازدهم اصل در سال **پنجاه و نهم** عمر مبارک دلیل است بر ترقی و حشمت
کلی و وسعت مملکت و نفاذ حکم و تسلط بر خصما و اعادی و تسییر در حد عطارد ... پس ابن عطارد و طالع انتها کجا به دوازدهم اصل در سال **شصتم**
عمر مبارک دلیل است بر ... خصما و معاندین و تسلط ... و تسییر در حد ... و طالع انتها کجا به طالع اصل در سال **شصت و یکم**
عمر مبارک دلیل است بر ترقی ... در امر ریاست و بزرگی و کمال تسلط و اقتدار ... و تسییر در حد عطارد ... پس ... مشتری در حد سعادت افزوده
و طالع انتها کجا به دوم اصل در سال **شصت و دوم** عمر مبارک دلیل است بر کثرت ... و ملک و مملکت ... و تسییر در حد عطارد ...
و طالع انتها کجا به سوم اصل در سال **شصت و سوم** عمر مبارک دلیل است بر غالب شدن بر خصم و اعادی ... در سال مذکور ...
شده است ... و تسییر در حد ... در سال **شصت و چهارم** عمر مبارک دلیل است
بر ترقی و رفعت ... و مملکت منسوبان مولود و حصول ... مرغوبات و مطالب ... و تسییر در حد زهره ...
در سال **شصت و پنجم** عمر مبارک ... دلیل است بر ترقی و ... کثرت مال و دولت منسوبان مولود و حصول مرغوبات و مطالب و ضعف حال خصما
و اعادی ... منسوبان مولود **فصل دهم** در قواطع ... است تسییر در حد ... طالع ... در حد ...
... و طالع انتها کجا به یازدهم اصل در سال **شصت و ششم** عمر مبارک دلیل است بر ... امیدات
دیگر ... و عدم ... سعادات ... تسییر در حد طالع ... سعادت ... و قمر ... سعادت ... در سال
مذکور دلیل است بر رنج و کدورت ... امور ... و تسییر در حد ... طالع ... و در حد ...
انتها کجا به یازدهم اصل در سال **شصت و هفتم** عمر مبارک دلیل است بر قطع امیدات و عدم ... سعادات ... چون ...
مشتری ... و عطارد ... سعادت ... و قمر ... دلیل است بر رفعت و شوکت و کثرت مال

[illegible] سر پنجم [illegible]

[illegible]

جمله ششم [illegible]

[illegible] فصل یازدهم [illegible]

[illegible] واحد دوم [illegible]

[illegible]

باب چهارم [illegible]

[illegible]

[illegible] سر ششم

[illegible]

[illegible] جمله هشتم [illegible]

[illegible]

[illegible] باب پنجم [illegible]

[illegible] فصل اول [illegible]

[illegible]

[illegible] فصل ثانی [illegible]

[illegible] ۱۲۲۴ [illegible]

[illegible] ۱۲۰۳ [illegible]

[illegible] ۱۲۴۳ [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۲۴۱ [illegible]

[illegible]

کر بیلد است نه طوک این طلوع است آنچه چون در بدو طلوع کشیش راسیر دائره بوده چنانچه بعد بر طلوع قلب العقرب عمل نمائیم لهذا او را ترک کرده
عمل و این نحو در بدو طلوع قلب العقرب است و طا سطلع او کبیلد است نه است نو بر فصل ... از مطلع بیلد است نه ولا بر ترک
در مطلع او برج عوض لی که بیلد است نه است این طلوع در است مبارک حضرت حقیقی موافق توفیق ... در ... حکیم فی وقت
جان بخشد مشتری بوده مشتری در ... در عمل ... بعد بر مسعادت ... بطالع ... بعد بر طلوع ... ایام
که از جمله اواکب رائیه است رسیده بوده ... میلاد ... بین الخ ... رسیده بود ... حادثه ... گذشت ...
بطلوع العقرب **خاتمه** اگر چه این رساله ... حقیقی ... و ... وافی است ... کره زمین مطلع ... را ...
مدار ... گذشت و در عرض ... که در دایره ... دایره ... از مطالب ... عظیم ... منفیه ... اصلا در ...
مشکل گشت ... در حول ... بعد ... دایره ... در مطالع ... حصول ... وصل
انتقال برج ... و ... در ... مطالب ... است ... گرد ... جمله ... نه
چون ... بر ... و ... رسیدا ... این ... مطالب ... جهات ... گشته
لهذا العلل ... و ... چنین ... و ... که ... بدون ... سلطان ... بتاریخ
کرده ... کتاب ... در ... الله اعظم ... الامام ... شرف ... بلطف ... برسالت
... که ... مطالع ... تصنیف ... احکام ... و ... براهین ... حقیقی ... بمضمون
جو ... زمان ... فرمان ... الامر ... شرف مطابق ... این رساله ... الخ
در جمله مطالع ... این اوراق ... سهوات ... الا ... کرده ... بر
مطلع ... لطف ... الطبیعة ... نماید ... اگر ... کان ... قرار ... چون ... این ... رقم
در وقت ... قلم ... کرم ... اللهم اغفر للذین الذین ... یعلمون ... ترتیب ... العفو
... حضرت ... و ... و ... لطف ... اللهم ...
... بر ... نور ... الطف ... بلطف حضرت ... ما ... الامجاد

تمّ وقع الفراغ عن تسوید هذه الاوراق فی یوم الثلثاء السادس من العشر الاول من الشهر السادس من السنة العاشرة من
المائة الثالثة من الالف الثانیة من الهجرة النبویة المصطفویة علی هاجرها الف الف السلام والتحیة علی ید الحقیر

المحقق

المحقق بتوفیق الله الملک الذی المنّان ابن محمد حسن الکاشانی محمد
المدعو بمهدی الکرمانشاهانی اللهم اغفر له
ولوالدیه ولجمیع المؤمنین بمحمد وآله الطاهرین
فی سنه ۱۲۳۰

۱

چون طالع کوبل ابرج انتها موافق طالع اصل افتد ابومعشر گوید که بکفایت تازه گردد آنچه مولود اول او باشد
و مضاعف شود قوت و سعادت طالع و او تا دیگر طالع قمر کرد که عقب کواکب نیکای خود افتاده باشد خصوصا چون انتهای
طالع برج عاشر رسد مولود صحبت پادشاه و بزرگان طلبد و چون انتهای عاشر باشد بطالع رسد پادشاه و بزرگان او را
رغبت کنند و او تا دیگر با همین قیاس است و انتهای مرده ندی که بوته دیگر رسد تاکید باید طالع از وقت
و دلیل محبت و سلامتی باشد و رغبت بکارهای دیگر و طلب داشتن آرزوها ظفر گوید مولود بر تقارن او نوبت با
و صحبت بزرگان پیوسته شود و مردم بروی ثنا گویند و نام او به نیکی شایع شود و مردم در کارها از او التماس کنند
و معاونت خواهند و او نیز همین شود و با مردم محتشم روزگار به برد و مال و جاه و حرمت افزونی جوید
و پیشه کارهای او بر سلوک کند شود

۲

چون طالع کوبل ابرج انتها موافق بیت دوم افتد ابومعشر گوید مولود در کسب مال کوشد و نگاهدارد و دراز کند
یاری طلبد و معیشت بروی فراخ شود و ذخیره کند عبد الجلیل گوید که چون مولود رسد آنچه این بیت در اصل دلیل بود
و مترتب او از جنس مال و معاش و یاری کردن ظفر گوید که اگر جهت مال معاش و وقت حضرت قحط و فایده
ببرد و با اقوام جهت مال فخر کند هرچند او را یاری کرده باشد در کارهای بسیار و شهری خبر که بیند برج نوبت
در کالبد و نبات و حیوانات و در کسب کار بغزایه دیگری گوید حضرت بیار کند و شخص را جهت مال معاش و یاری کند
برکنار نه و در حبس اندازد و در دخل او در این سال بسیار شود و به تیه او از مال و جاه از بزرگان برآید و در ستانش از مردم
مشهور و بزرگ و توانگر بسیار شود

۳

چون طالع کوبل ابرج انتها به برج سیم افتد ابومعشر گوید مولود را در این سال غمها رسد از هر قوم خاصه از دوستان
و خویشان و بیماری مخدوم خود و بزرگان و نقل کند از جانی بجانی و در کارهای او ستر پدید آید و [illegible]
مولود ملکین شود به بیماری قرینه یا اقربا و اخوان یا زنان و اینا زنان خویش آید و باشد که تزویج کند [illegible] ظفر گوید بعضی
از خویشان را بیماری یا مکروهی رسد و باشد که شخصی در خانه او خیانت کند و بزرگان با مولود در آویزند و نزد شان
بسیار [illegible] و نفع و ضرر [illegible] مناسب حال خود و از خود کارها [illegible] و تحصیل علم [illegible] کند و فایده از آن یابد دیگر گوید
که از ابعاد چند و قبر کند و نقل و حرکت کند و با خویشان [illegible] کند و هوس [illegible] کند

۴
چون طالع تحویل با اینها موافق بیت چهارم افتد ابومعشر گوید مولود را خوف بیماری باشد باید که با پدر و مادر او
مکروهی رسد و او را بعضی مردم دشمن گیرند بی گناهی عبدالجلیل گوید که بنیاد در باغ عمارت افکند و در عمارت
رغبت شود و از قومی دلتنگ گردد و با او جماعتی دشمنی کنند خاصه جهت املاک و ضیاع و عقار مظفر گوید بر مولود
تهمت نهند و او با همه کس بکیزه کند و بزرگ گوید دیگری گوید که سه روز بکار خواهد کند و با او بوی زنند که بوجه
دیگر پیش گیرد از یک و بد مناسب دلایل اصل و طالب صعب شود و از ضیاع و عقار چیزی حاصل شود و در سر کار
تو جا قبت دارد و مگر که دلایل اصل نحس و بد حال باشند که عاقبت نگاه نکند
۵
چون طالع تحویل با اینها به پنجم افتد ابومعشر گوید دوستی فرو پدید آید و از جماعتی شادیها بیند و از اولاد علامات
خیر و نفعها بیند مناسب دلایل اصل و راه‌ها و به برادر او جواب آید عبدالجلیل گوید از پادشاه و اکابر نیکی یابد
و دوستی زیاده شود و بهره فرزندی چند و کارهای او بسته بود به دست او کرده و از آن وجه یابد و مال زیاده شود
مظفر گوید نتیجه در آید که بزرگان ستایش کنند و خواهد که دهقانی یا زراعت کند و خانه بیابد و از عمارت
دلگشا و از جاها نفع بیند و بر ضیاع قوت یابد دیگری گوید در طلب بخواهد و با هر کس دوستی ورزد و دلتنگی دل شود
و کار او و طرب زد و در کارها توسط کند و بر کس نیکی رساند و تغییر لباس کند و تشریف پوشد و همراه اکابر
و بوس و شعر و شکر کند و باشد که سفر کند با زنان یا معشوق یکجا عیش کند یا چیزی ستاند و بو کند خورد و باشد که
غایبی باو رسد و یا چیزی از غایب باو رسد و او نیز چیزها فرستد و علمها و هدیه و طلب فرزند کند
۶
چون طالع تحویل با اینها موافق خانه ششم افتد ابومعشر گوید در این سال اکثر اوقات منحرف مزاج باشد
و ناخوش طبع بود و از علتی خالی نشود عبدالجلیل گوید که او را خوفی پدید آید یا بیماری در جایگاه پوشیده او
مرتفع نکند و خویشان و دوستان با او بدی کنند و مردم کم نمایند مظفر گوید با کسان خیانت کند و خواهد
که با اکابر پیوند و مردم فرمایند با او کینه تیز کنند و باشد که او را غایبی یا خبری برسد و او را غم بسیار حاصل شود
مناسب دلایل دیگری گوید که از دوستان نکتنانی شود و بر روی ملکان خواهند که حکم رانند و بر پوشیده تمکین باشد و از تجاهم
خشم بردن و کار بنده و فقه بسیار کند یا دستگاری چهارپایان یا دلایل حیوانات مناسب بروج و دیگر دلایل
و باشد که سفری پیش گیرد و در آن سفر یا فتنه و رنجور گشته و تختها بیند و خواهد که طبیب کند و رنجیده شود و علت چهارپای
از طلوع بروج و دیگر دلایل شود مناسب سال عراد و دلایل اصل

۷
چون طالع تحویل با اینها موافق هفتم افتد ابومعشر گوید که جفت را انبار گیرد و به آن شاد شود و بدو رغبت نماید و او نیز در آن
رغبت نماید و از علت گرمی بیرون آید و از بعض خویشان او را غم رسد و با بزرگان صحبت کند و قدر و جاه او در افزاید و بقا یابد
و دوستان برایند عبدالجلیل گوید که کسی مخالف باید دشمن گردد و بد و مایل باشد و از خویشان او گمرهی رسد و او اصلاح آن کند
و از آن قوم در غم و شادی مولود و بسر برند و با مهمانی که از او غم یابند سوم و چهارم است مظفر گوید که تزویج کند و فرزندش
شود و با او چندان در آمیزد و به هر دو نفاق کند دیگری گوید که با خصمان موافقت کند و بر همه کس قوت نماید و دعا
و در میان افتد و ابویش جانب خصمان گیرند و بیشتر از توسط کارهای او کنند و حکم جفت و انبار زن چنین باشد و شهوت بیفزاید
و عاشق یکی شود و باشد که شهر عاشق مولود شود و او را مشهور گردانند و بیماری در اعضای پوشیده او پدید آید و از طرف
زنان یا جفت و انباز وقت دشمن و باشد که سفر شود و بطلب کسی یا از جایگاهی او را طلب دارند
۸
چون طالع تحویل با اینها هشتم افتد ابومعشر گوید لجاج بسیار و گفت و شنید بجهت میراث با نیت پیش آید یا از مال ضعف
با او چیزهای باطل مولود مکروه رسد و سلامت بیرون آید عبدالجلیل گوید نصیب بسیار گرفته خاطر و اندک بود و ته بر پای او
خطر بود و از مال جفت و انباز منفعت گیرد و اش زیاده شود مظفر گوید با او مکرها کنند و از آن غمگین شود و او نیز به ایشان
مکر کند و از آن اندوه خورد و بعضی یاران او از او متغیر شوند و بر او اندیشه کنند و بسبب غذا یا رنجه رنجور شود و بر روی خرج بسیار کند
دیگری گوید در این سال بسیار یاد موت کند و از آن در خوف باشد و مرده بسیار کند چنانکه و خواهد جایهای اندیشه و باشد که میراث
گیرد و اگر اولاد موت هیچ نباشد هم موت یا نزدیک شود و باشد که بزرگان به وا ته دارند و او بر دوستان خدمتگاری کند و از بیماری کند
و خبر او خائف باشد و از حقه مکروه کس ۵ خاطر خان ۲ باشد
۹
چون طالع تحویل با اینها نهم افتد ابومعشر گوید کشتها پیش آید و کار دینی و مذهب بیاموزد و از بیم و پیشی منفعت گیرد و از مال
چیزی تلف کند یا تقویض دهد که دشوار بدست آید عبدالجلیل گوید از بیم و خبری فایده بیند و بر دشمنان ظفر کند و ظفر او را بشد
مظفر گوید بسبب سفر غمناک شود و از شهر دوستان شود و بر هیز کند و متهم شود از خوف و عاقبت بخیر بود و چنان شود که او خواه
و بعضی از خویشان او را مکروه رسد و باقی تمام جست باشد و خواهد که عمارت جایها کند دیگری گوید او را سفری پیش آید
و دوستانی به وی آیند و را صحبت و رسد و تجارت با خیر بود و علم و منطق در سفرها بیاموزد و یا مردی که دینی و مذهب دیگر
دارد شناخت عطا کند و داروها برادر جواب افتد و خواب‌های نیکو بیند و تفسیر کند مناسب طلوع بروج و از شهر خود با غریبان در آمیزد
و معاملات کند و علوم بیاموزد و در طاعت بیفزاید و با خویشان خود مخالفت و اندوه شر کند و ما مصارفه سوم چهارم و اولاد هم بود

١٠

چون طالع اشتها یا کوکب بخانهٔ دهم افتد اگر تخته کوید نیکو طالع و سعود بود بر آید و بر اعدا ظفر یابد ولیکن رنج بسیار بیند و باز رهانی
رحلت کند و مال و جاه او بیفزاید و شغل مبارک باشد اما از زیاده خانها نبود و دور از کار با اضطراب باشد کار ایجاب او بر او
تمام کند و از آن زیاده برسد عقبه الیل کوید از جای کار بکرد و اگاه قوم و کاه بر غم بود اینکه خیر یا کار بر در آید و داد با کوه
خوانند منظر کوید اقبال و جاه او زیاده شود و با دوستان نکو کند و دشمنی انگیزد و اوراع و راه و تیه عالی باید دیگر کوید که از
شغل بشغل دیگر نقل کند یا در شغل و عمل خود در افزاید و از بزرگان رتبت و جاه و رفعت یابد و باشد که بر قومی سروری یابد و دعا کند
و در شهرت سه و معروف و مشهور شود و برات یا خدمت با کارد نیکو و اکابر او را تحسین کنند اما قوت بنده از جایهای رنج و بلا دید
جابر و آنرا با دیده و دلیل جوان و دست و کار کند با یکی خورد یا دو دیگر آرد

١١

چون طالع اشتها یا کوکب بخانهٔ یازدهم افتد اگر تخته کوید بسیار خیر و فرح بیش آید و اکابر و ارباب دولت بحق او احسان کنند و با اعتبار گردد
و هر حاجتی که دارد کوید و کار کند از مردم کند و قصد او کند و بر تین او را بجم دشمن است عقبه الیل کوید که در ذوقی بیفزاید و کار او
روان شود و بر اعدا ظفر یابد و در تجارت نفع بیند و عمارت کند و بر شریک حیل یابد منظر کوید عمل کند در عمارت و زراعت در ترک
و در بیند و برادر برسد و دیگر کوید از مال اکابر خانه و کاری فیه و عادات یابد و با سیاست برسد و اعتبار کند و مال خرج شود و عقد با
معقود کند و باشد که شخصی او را دوست گیرد و او از شغلها برآمدو و از فرزند ایمن شود ولیکن باید ترسید از عداوت پادشاه و اکابر
و از مادر و پدر باید بود و از خیانت و عمال پادشاه و دیوان احتراز باید نمود

١٢

چون طالع کوکب یا اشتها بخانهٔ دوازدهم افتد اگر تخته کوید که خیر کمتر رسد و رنج که در حق مردم کند او را شکر نکنند و سبب عداوت
سازند و شخصی بر او زیانی رسانند و از آن غمها افتد و عده او تمام برید آید عقبه الیل کوید کار بر در و دشوار شود و دوری قصد او کنند
و او بغفلت و بد خیره اند و رنج و رفعت بیند و دشمن انگیز کند و در کار تباه بود و آید منظر کوید قومی با او مکر و حیلت کنند
و خواهند که او را ضرر رسانند و بر کار نشد و در حکم خود دارند و مشغول کنند در زر دست و بد حرمت دارند و حبس او بیمار گردد
یا از او حرمت شود و دیگری کوید که از دواب زیانش رسد و در دواب راه باید و دو رنج بشری حیات خیر بیند و از قرض
دادن پشیمان شود و پیش تلف کرده و کسان با او حیل حسد برند و دشمن شوند و قصد به اند نشینند و خوف باشد
از دزدان و بکاری یا یکجایگاه در شهری که او به آن را غریب باشد و با هر کسی که از خود کوید پشیمان شود و او را از مکر
کسان و کور و غدر بیم بود و از تهمت باید ترسید و العلم عند الله و هو اعلم تمام شد نسخه مرحمت بالخیر